



کارافن

فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای

دوره هفدهم - شماره سه - شماره پیاپی ۴۹

پاییز ۱۳۹۹

درجه علمی فصلنامه علمی - پژوهشی کارافن طی نامه شماره ۳/۱۸/۶۰۸۳۷ از طرف
تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۰

کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

فصلنامه علمی - پژوهشی کارافن در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) نمایه می‌شود.

صحت آرا و اندیشه‌های مندرج در هر مقاله، به عهده نویسنده (ها) است.

آدرس: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، پلاک ۴، سازمان مرکزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای

کد پستی: ۱۴۳۵۷۶۱۱۳۷

تلفن: ۰۲۱-۴۳۳۵۰۴۱۶

پست الکترونیک: karafan@tvu.ac.ir

وبسایت نشریه: <http://karafan.tvu.ac.ir>

فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای
دوره هفدهم - شماره سه - شماره پیاپی ۴۹
پاییز ۱۳۹۹

کارافنی



صاحب امتیاز: دانشگاه فنی و حرفه‌ای
مدیر مسئول: دکتر ابراهیم صالحی عمران
سر دبیر: دکتر نعمت‌اله عزیزی
مدیر داخلی: دکتر آذرچهر صحت

طراحی و اجرای جلد:
مهندس محمد مشتاقی - سمیرا داناسرشت

ویرایش و صفحه‌آرایی:
لامعه هاشمی، عاطفه طهماسبی
فاطمه راستی، مهری پوینده کیا

اعضای هیئت تحریریه:

استاد دانشگاه مازندران و دانشگاه فنی و حرفه‌ای
استاد دانشگاه کردستان
استاد دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل
استاد دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل
استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر
دانشیار دانشگاه یزد و دانشگاه فنی و حرفه‌ای
دانشیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای
دانشیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای
دانشیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای

دکتر ابراهیم صالحی عمران
دکتر نعمت‌اله عزیزی
دکتر محسن جهانشاهی
دکتر سید علی اصغر قریشی
دکتر مسعود شفیعی
دکتر سید حیدر میرفخرالدینی
دکتر ویدا تقوایی
دکتر علیرضا فتحی
دکتر اکبر جعفری

اساتید محترمی که در داوری و ارزیابی مقالات این شماره همکاری داشته‌اند:

الهام ایمانیان، سپیده بارانی، وجیه باقرصاد، مریم بهمنی، رضا جامعی، آرزیتا جویباری، زهره حسنی، رضا دهقان، قاسم روحی، علیرضا روزبهانی، مهدی شریعتی فیض آبادی، ناصر شیربگی، ابراهیم صالحی عمران، ناصر صبحی فراملکی، آذرچهر صحت، پروین صمدی، علی عبدی‌جمایران، نعمت‌العزيزی، ابراهیم علیدوست قهفرخی، حامد فاضلی‌کبریا، مجید قادری، بهمن کیانی‌راد، علیرضا میرعرب‌بایگی، سیدحیدر میرفخرالدینی، مهنا نیک‌بین، محسن نیک‌سرشت.

راهنمای نگارش و نحوه ارسال مقاله‌های علمی فصلنامه علمی - پژوهشی کارافن

۱. هدف نشریه کارافن انتشار نتایج پژوهش‌ها، مقاله‌ها، تجربه‌های علمی و کاربردی استادان و پژوهشگران دانشگاه و خارج از دانشگاه در محورهای مصوب کارافن است که به دو زبان فارسی و انگلیسی چاپ می‌شود.
۲. زمان فرایند داوری مقالات حداکثر سه ماه است.
۳. مقاله‌ها از طریق پایگاه اینترنتی نشریه (لینک آن در سایت دانشگاه فنی و حرفه‌ای موجود است) به نشانی karafan.tvu.ac.ir قابل ارسال است و تمامی فرایند داوری و پیگیری از طریق سایت امکان‌پذیر خواهد بود.
۴. نویسنده مسئول مکاتبات ابتدا باید در سامانه کارافن (بخش حساب کاربری) به عنوان «نویسنده» ثبت‌نام و پس از تکمیل فرم مربوط به اطلاعات فردی، برای بارگذاری مقاله به قسمت «ارسال مقاله» مراجعه کند. گفتنی است نویسنده باید پیش از بارگذاری فایل‌های مربوط، مقاله را بر اساس راهنمای تدوین مقالات کارافن تنظیم کرده باشد.
۵. آثار ارسالی نباید پیش‌تر در هیچ نشریه‌ای به چاپ رسیده یا هم‌زمان به مجله دیگری ارسال شده باشند.
۶. هر مقاله توسط دو داور متخصص در موضوع مقاله ارزیابی می‌شود و پس از کسب دو نظر موافق و تأیید هیئت تحریریه، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت.
۷. مقاله‌ها باید در نرم‌افزار Microsoft word 2010-2013 یا بالاتر در قطع وزیری تهیه شوند و تعداد کل صفحات بیشتر از بیست صفحه نباشد. تمامی معادله‌ها، عبارت‌های ریاضی و فرمول‌ها با نرم‌افزار Mathtype نگارش و در فایل مقاله ضمیمه شوند.
۸. فایل هر مقاله باید در نسخه‌های الکترونیکی Word و Pdf همراه فرم تعهدنامه نویسنده‌ها که در فایل جداگانه‌ای در قسمت راهنمای نویسنده‌ها قرار گرفته است، در وبگاه مجله بارگذاری شود.
۹. برای داوری منصفانه و علمی مقاله، ضروری است نویسنده مسئول مکاتبات یک نسخه از مقاله (ترجیحاً نسخه Word) را بدون بیان مشخصات فردی در سامانه بارگذاری کند. همچنین در نسخه Pdf مقاله، مشخصات فردی نویسنده (ها) (اعم از مرتبه علمی، میزان تحصیلات، شماره تماس، نام سازمان/محل خدمت، ایمیل و...) نگاشته شود.
۱۰. عنوان جداول در بالا، و عنوان تصاویر در پایین آن‌ها نوشته شود که باید شامل منابع و مآخذ مورد استفاده بوده و به ترتیب شماره‌گذاری شوند.
۱۱. در مقاله‌های به زبان فارسی، تمام اعداد در متن و جدول‌ها (بجز فهرست منابع انگلیسی) به صورت فارسی تایپ شوند.
۱۲. هر مقاله باید به ترتیب دارای بخش‌های زیر باشد تا در فهرست مقاله‌های قابل داوری ثبت شود:
عنوان: غیرتکراری، فاقد ابهام و نارسایی و دارای همخوانی با محتوای مقاله باشد.

چکیده: باید دربرگیرنده طرح موضوع، مسئله، هدف، روش تحقیق، یافته‌ها و نتیجه باشد. چکیده فارسی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه و چکیده انگلیسی نیز برگردان کامل چکیده فارسی باشد.

واژه‌های کلیدی: شامل ۵-۷ کلمه که به صورت تک‌واژه، بیانگر محتوای مقاله بوده و امکان جست‌وجوی مخاطبان را فراهم آورد (به دو زبان فارسی و انگلیسی).

چهارچوب مقاله: تمامی عنوان‌های به‌کاررفته از مقدمه تا نتیجه‌گیری باید به صورت سلسله‌مراتبی شماره‌گذاری شود که بدین شرح است:

مقدمه: شامل مبانی نظری، تجربی و بیان مسئله

اهداف و پرسش‌های پژوهش

روش‌شناسی

یافته‌ها

نتیجه‌گیری: باید منطقی، مفید، روشن‌کننده بحث و بیانگر یافته‌های تحقیق باشد.

تشکر و قدردانی

پی‌نوشت‌ها: شامل اصطلاحات، معادل‌های خارجی و توضیحات ضروری هستند که باید در متن مقاله به ترتیب شماره‌گذاری شده و در همان صفحه آورده شوند.

فهرست منابع: شایسته است از منابع جدید و معتبر به گونه‌ای در تنظیم مقاله‌ها استفاده شود که حداقل نیمی از آن‌ها در پنج سال اخیر منتشر شده باشند. ضروری است منابع مورد استفاده به ترتیب شماره آن در متن مقاله، پشت سر هم قرار گیرند. همچنین در منابع با سال متفاوت انتشار، نگارنده (گان) به ترتیب صعودی سال انتشار آورده شوند.

ترتیب نگارش فهرست منابع با استفاده از الگوی APA

کتاب‌ها: نام‌خانوادگی نویسنده، حرف اول نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر: نام ناشر.

مثال:

نوروزی چاکلی، ع؛ حسن‌زاده، م؛ نورمحمدی، ح. (۱۳۸۸)، *سنجش علم، فناوری و نوآوری*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

مقاله‌ها: نام‌خانوادگی نویسنده، حرف اول نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام مجله، جلد، شماره مجله، شماره صفحه‌های مقاله در مجله.

مثال:

براتی‌مارنانی، الف. (۱۳۸۹)، «بررسی فرهنگ سازمانی بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد تهران»، مدیریت سلامت، ج ۱۳، ش ۴۰، صص ۶۳-۷۲.

مقاله‌های کنفرانس: نام‌خانوادگی نویسنده، حرف اول نام نویسنده (سال نشر)، «عنوان مقاله»، نام کنگره، سال، ماه، روز، نام شهر، کشور.

مثال:

ثقفی، م؛ شریفی، م و هلجی‌اسدی، م. (بهار ۱۳۸۴)، «بررسی پتانسیل باد سیاهپوش در استان قزوین برای احداث نیروگاه برق بادی»، پنجمین همایش ملی انرژی، تهران، ایران.

پایان‌نامه: نام‌خانوادگی نویسنده، حرف اول نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان کامل پایان‌نامه»، مقطع تحصیلی، نام دانشگاه، صفحات.

مثال:

مشکینیان، ع. (۱۳۸۱)، «بررسی و ارزشیابی محیطی و بیولوژیکی میزان غلظت سرب در کارگران خدمات شهری شاغل در یکی از مناطق پرتراфик تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، صص ۵۷-۵۳ و ۹۴-۸۸.

منابع الکترونیک: نام‌خانوادگی نویسنده (ها)، نام نویسنده (ها)، (سال انتشار)، «نام مقاله»، نام نشریه، سال انتشار، ماه، شماره مقاله. نام سایت اینترنتی.

مثال:

Sharma, C. M. (2003), "Effect of exposure to aluminum on fish in acidic waters", See information in: <http://www.geocities.com/chhatra-sharma/ecotoxicology.pdf>. 17p.

۱۳. ارجاع داخل متن

رشته‌های فنی و مهندسی، هنر و معماری، کشاورزی و علوم پایه:
ارجاع منابع در متن مقاله به شیوه عددگذاری باشد و شماره منبع انتهایی، در داخل متن به شکل کروهه مانند نمونه قرار بگیرد. مثال: [۴]

رشته‌های کارآفرینی و مدیریت (علوم انسانی):

نام خانوادگی مؤلف یا نام معروف، تاریخ نشر اثر: صفحه یا صفحات. نیازی به نوشتن «ص» برای شماره

صفحات نیست. همچنین اعداد از راست به چپ نوشته شوند؛ مثل (۱۲۲-۱۳۶) متن ارجاعی (نقل قول مستقیم) باید داخل گیومه و نشانی آن به ترتیب گفته شده، داخل پرانتز قرار گیرد؛ مثل (سیف، ۱۳۶۸: ۴۲۶).

اگر در متن به چند اثر از یک نویسنده ارجاع داده شود، هر کدام از آن آثار بر مبنای تفاوت تاریخ نشر تفکیک می شود و در منابع پایانی، با نام اثر مشخص خواهد شد.

• در صورتی که به دو اثر چاپ شده از یک مؤلف در یک سال ارجاع داده شود، لازم است ابتدا در منابع پایانی، با نوشتن «الف» و «ب» در کنار سال چاپ، آن ها را از هم متمایز کنید و سپس در منابع داخلی، بعد از نام خانوادگی مؤلف، سال چاپ به همراه «الف» یا «ب» نوشته شود؛ برای مثال (حسینی، ۱۳۸۹ الف: ۲۶) توجه: عکس ها، تصاویر، نمودارها و جداول با کیفیت مناسب و با اشاره به منبع مورد استفاده (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه) تهیه شود.

۱۴. عکس ها، تصاویر و نمودارها حداقل با وضوح ۳۰۰ نقطه در اینچ (300 dpi) با قالب مناسب Tiff و اندازه A5 تهیه و علاوه بر متن، در فایل جداگانه ای ضمیمه مقاله شوند.

۱۵. مسئولیت هر مقاله از نظر علمی، ترتیب اسامی نویسنده ها و پیگیری، به عهده نویسنده مسئول آن خواهد بود. نویسنده مسئول باید تعهدنامه ارسال مقاله را از سایت دانلود و پس از تکمیل، در هنگام ثبت نام ارسال کند.

۱۶. تعداد و ردیف نویسنده های مقاله به همان صورتی که در تعهدنامه ارائه شده است، مورد قبول است. تقاضای حذف یا تغییر در ترتیب اسامی نویسنده ها تنها پیش از داوری نهایی و با درخواست کتبی تمامی نویسنده ها و اعلام علت درخواست، قابل بررسی است.

۱۷. گواهی پذیرش مقاله پس از اتمام مراحل داوری و ویراستاری و تصویب نهایی هیئت تحریریه، توسط مدیر مسئول فصلنامه صادر و به اطلاع نویسنده مسئول خواهد رسید.

۱۸. کارافن، مقاله های تأیید شده را طبق شیوه نامه خود ویرایش می کند.

۱۹. مطالب مطرح شده در مقاله ها، الزاماً بیانگر دیدگاه کارافن نیست.

۲۰. صحت آرا و اندیشه های مندرج در هر مقاله، به عهده نویسنده (ها) است.

۲۱. چاپ مقاله های منتشر شده در کارافن در سایر مجله ها و کتاب ها، با بیان مأخذ بلامانع است.

- 13 شناسایی عوامل و شاخص‌های ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
حمیده قنبری، محمدحسن ابراهیمی سرو علیا، مقصود امیری، قاسم بولو، وجه‌الله قربانی‌زاده
- 29 ارائه الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی با رویکرد نظری داده‌بنیاد
عبدالله قاسمی خیرآبادی، عباس خورشیدی، لطف الله عباسی، پرستو خسروی، یلدا دلگشایی
- 41 تبیین شاخص‌های توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های دانشگاه
کارآفرین (مورد مطالعه: دانشگاه فنی و حرفه‌ای بندرعباس)
آزاده آریانا، کرم‌اله دانش‌فرد
- 63 بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان
اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران
مهدی روح‌اللهی، سید سجاد خانی‌پور، مهناز باقری، سید مهدی موسوی داودی
- 81 آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر عملکرد کسب‌وکارهای زنان روستایی
فاطمه بادزبان، کورش رضائی‌مقدم، مهسا فاطمی
- 99 مطالعه و تبیین نقش چالش‌های فناورانه در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی؛ رویکرد
آمیخته اکتشافی
صبا امیری، نادر نادری، یوسف محمدی‌فر، بیژن رضایی
- 113 بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر
مهدی حسین‌پور، حسین کریمی، میلاد بخشیم، عطیه خدایی
- 127 الگوی کارآفرینی استراتژیک مبتنی بر توسعه مالی با رویکرد AHP فازی
طیبه امینی، مجید نصیری، پرویز سعیدی، ابراهیم عباسی
- 143 ارزیابی مشخصه‌های شخصیتی کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه دانشگاه علم و
صنعت ایران)
محمدرضا زاهدی، محمدمهدوی مزده، سیمین محبی‌آشتیانی
- 161 بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در بروز رفتارهای کارآفرینانه در کسب‌وکارهای کوچک و
متوسط شهر سنندج
حیدر محمدی، سید محمد موسوی‌جد، آرمان احمدی‌زاد

- 175 ارزیابی عملکرد مدارس غیردولتی شهر تهران با تأکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی
EFQM
سعید گیلوری، حمید شفیع زاده
- 195 نقش میانجی نوآوری بر تأثیر بازاریگرایی بر عملکرد باشگاه‌های خصوصی
سید حسین علوی، فروغ محمدی، ابوالفضل درویشی، نریمان رحمانی
- 211 پیش بینی پویا در ورشکستگی مالی با استفاده از روش مالِم کوئیست (مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)
سیدعلیرضا میرعرب بایگی، هاشم مکاری، آرش آذریون
- 231 تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
لقمان محمدپور، آزاد نوری
- 247 بررسی اثر تعدیل‌کننده افشای داوطلبانه بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
یحیی کامیابی، محسن نیک‌سرشت
- 265 ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران
مجید قادری رهقی، صابر خندان علمداری

سخن سردبیر

تدریس و پژوهش در دانشگاه: ضرورت توازن در وظایف حرفه‌ای اساتید

از آنجا که یکی از حوزه‌های مهم مسئولیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اهتمام به اعتلای فرایندهای یادگیری، آموزش و تدریس بوده و هست (عزیزی، ۱۳۸۵) بهبود اثربخشی تدریس یکی از اهداف مهم آموزش عالی و مؤسسات دانشگاهی می‌باشد. در سال‌های اخیر اهمیت چنین مقوله‌ای برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به دلیل مواجه شدن آن‌ها با چالش‌هایی نظیر کاهش اعتبارات مالی و بودجه، بازرسی جدی‌تر دولتی و رقابت گسترده‌تر برای جذب دانشجویان جدید، بیشتر شده است. به همین سبب وجود نگرانی‌هایی درباره اثربخشی تدریس، سؤالاتی را درباره رابطه بین عملکرد تدریس استادان و فعالیت‌های پژوهشی آنان طرح می‌کند. از طرفی اغلب به پژوهش به عنوان فعالیتی نگرسته می‌شود که تأکید بر آن سبب می‌شود تا اساتید برای وظایف آموزشی خود (تدریس) تعهد کمتری احساس کرده و وقت و انرژی کمتری صرف آن نمایند. بر همین مبنا یکی از انتقادات وارد بر آموزش عالی این است که میان اشتغال و فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی و عملکرد تدریس یک رابطه منفی و نامتعادل وجود دارد. منتقدان بر این باورند که اثربخشی تدریس اساتید به دلیل درگیری آنان در پروژه‌های تحقیقاتی و تلاششان برای چاپ مقالات علمی در حال تنزل است. از طرف دیگر بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که هنگامی که اساتید دانشگاه در فعالیت‌های پژوهشی درگیر هستند، عملکرد پژوهشی آنان بهبود می‌یابد. موافقین این امر، اعتقاد دارند که زمانی که اعضای هیأت علمی به فعالیت‌های پژوهشی نمی‌پردازند آن‌ها به خاطر اینکه نمی‌توانند مهارت‌های حرفه‌ای خود را حفظ نمایند، دانش و توانایی‌های علمی خود را به روز کنند و یا دانشجویان خود را در چنین فعالیت‌هایی درگیر سازند، نمی‌توانند به اساتید اثربخشی نیز مبدل شوند. نتایج مطالعات پژوهشگران در این خصوص، ارتباط معنی‌دار میان بهره‌وری پژوهشی و اثربخشی تدریس استادان را در مراکز دانشگاهی تأیید نموده است. بر اساس یافته‌های مطالعه مذکور درگیری اعضای هیأت علمی در فعالیت‌های پژوهشی سبب بهبود عملکرد آموزشی آنان می‌گردد. با این وصف ایجاد توازن در ارزش و جایگاه سازمانی و حرفه‌ای تدریس و بازبینی نقش کیفیت تدریس اساتید در دانشگاه‌ها در فرایندهای سازمانی نظیر جذب، تغییر وضعیت، ترفیع و ارتقای مرتبه ضرورتی است که می‌بایست در آیین‌نامه‌های مربوطه مورد عنایت خاص قرار گیرد. بی تردید نتیجه غفلت از این مهم، تنزل کیفیت دانش، نگرش و مهارت حرفه‌ای دانش‌آموختگان دانشگاهی به‌ویژه در بخش کارشناسی و در نهایت نقصان کارآمدی و بهره‌وری سازمانی در نهادهای دولتی و غیردولتی خواهد بود.



Identifying the Factors and Indicators for Evaluating the Performance of the Technical and Vocational Education Organization of the Country

Hamidah Qanbari¹, Mohamad Hasan Ebrahimi Sarv Oliya^{2*}, Maqsoud Amiri³, Qasim Bolo⁴, Vajhollah Ghorbanizadeh⁵

¹PhD Student, Department of Financial Management, Faculty of Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

²Assistant Professor, Department of Financial Management, Faculty of Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

³Professor, Department of Financial Management, Faculty of Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

^{4,5}Associate Professor, Department of Financial Management, Faculty of Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 09.29.2020

Revised: 12.21.2020

Accepted: 12.22.2020

Keyword:

Skills training

Performance evaluation

Confirmatory Factor Analysis

*Corresponding Author:

Mohamad Hasan Ebrahimi Sarv Oliya

Email: ebrahimi.mohammad86@yahoo.com

ABSTRACT

The present study is development-applied research in terms of purpose because it intends to "identify the factors evaluating the performance of the Technical and Vocational Education Organization of the country" and thus help the designers of the organization to adopt the optimal form of the organization. In the present study, based on the objectives and hypotheses of the research, tools such as questionnaires and interviews were used. This study uses the opinion of experts to examine the factors and indicators of performance evaluation in this organization. The results show that the first factor affecting performance appraisal in technical and professional organizations is empowerment. The second factor influencing performance appraisal in a technical and professional organization is process modification. The third factor influencing performance appraisal in a technical and professional organization is productivity. The fourth factor influencing performance appraisal in technical and professional organizations is education. The fifth factor influencing performance appraisal in technical and professional organizations is knowledge transfer. The sixth factor influencing performance appraisal in technical and professional organizations is financial management. And these factors can be effective in improving the performance of the organization and optimizing resources.





شناسایی عوامل و شاخص‌های ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

حمیده قنبری¹، محمدحسن ابراهیمی سرو علیا^{2*}، مقصود امیری³، قاسم بولو⁴، وجه‌الله قربانی‌زاده⁵

- 1- دانشجوی دکتری، دپارتمان مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- 2- استادیار، دپارتمان مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- 3- استاد، دپارتمان مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- 4,5- دانشیار، دپارتمان مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

شناسایی رویکردهای نوین ارزیابی عملکرد و به‌کارگیری الگوی مناسب با وضعیت موجود سازمان، امری لازم و ضروری است. هدف این مقاله شناسایی عوامل و شاخص‌های ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور است. تحقیق حاضر از نظر هدف، یک تحقیق توسعه‌ای- کاربردی است؛ زیرا قصد دارد تا به شناسایی عوامل ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور بپردازد و از این طریق به طراحان سازمان کمک می‌کند تا شکل بهینه سازمان را اتخاذ کند. در پژوهش حاضر، بر اساس هدف‌ها و فرضیه‌های تحقیق، از ابزارهایی همچون پرسشنامه، مصاحبه و ... استفاده شده است. این پژوهش با استفاده از نظر خبرگان به بررسی عوامل و شاخص‌های ارزیابی عملکرد در این سازمان می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای، به‌ترتیب عبارتند از: 1- توانمندسازی 2- اصلاح فرایندها 3- بهره‌وری 4- آموزش 5- انتقال دانش 6- مدیریت مالی. توجه به مؤلفه‌های بیان‌شده، در ارتقا و بهبود عملکرد سازمان و بهینه‌سازی منابع، بسیار مؤثر خواهد بود.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: 1399/07/08

بازنگری مقاله: 1399/10/01

پذیرش مقاله: 1399/10/02

کلید واژگان:

آموزش‌های مهارتی
ارزیابی عملکرد
تحلیل عاملی تأییدی و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

*نویسنده مسئول: محمدحسن ابراهیمی

سرو علیا

پست الکترونیکی:

ebrahimi.mohammad86

@yahoo.com



مقدمه

سرعت تغییرات و تحولات موجود در جوامع کنونی و تغییر انتظارات و خواسته‌ها و مطالبات از دولت‌ها در عصر حاضر از یک طرف و لزوم بهره‌گیری کارآمد و اثربخش از منابع محدود جامعه از طرف دیگر موجب شده است که دولت‌ها مدیریت بهینه نیازها و پاسخگویی به نیازهای جوامع را امری ناگزیر تلقی کنند. یکی از مهم‌ترین نظام‌هایی که دولت‌ها برای اطمینان از کارآمدی عملکرد خود و هر یک از دستگاه‌های اجرایی به کار می‌گیرند، نظام ارزیابی عملکرد است (شیما پاشاپور، علی بزرگی امیری و سیدفرید قادری، 2019). همه سازمان‌ها، چه دولتی و چه خصوصی، برای توسعه، رشد و پایداری در عرصه رقابتی امروزه به نوعی به سیستم ارزیابی عملکرد اثربخشی نیاز دارند. سازمان‌ها در قالب چنین سیستمی می‌توانند کارایی و اثربخشی برنامه‌های سازمان، فرایند و نیروی انسانی خود را مورد سنجش قرار دهند.

مسئله ارزیابی عملکرد سالیان متوالی است که محققان و کاربران را به تفکر واداشته است. سازمان‌های تجاری در گذشته تنها از شاخص‌های مالی به عنوان ابزار ارزیابی عملکرد استفاده می‌کردند (وین دیلیو چاین و پتر آر نیوستد، 1999)¹. اطلاعاتی که در فرایند گزارش‌گیری مالی در مؤسسات و سازمان‌های دولتی به دست می‌آید، باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران را در ارزیابی عملکرد مدیریت، از لحاظ حفظ و به‌کارگیری بهینه منابع یاری دهد و بتواند به هدف اصلی سنجش عملکرد که کسب موفقیت در عرصه رقابت در عصر اطلاعات است، دست پیدا کند (علی داوری و آرش رضاده، 2016).

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور جمهوری اسلامی ایران با ایجاد زمینه‌های لازم برای تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان مستعد و علاقمند به حرفه‌آموزی، بازآموزی، ارتقای مهارت شغلی در سطوح مختلف مهارتی، تربیت مدیران و سرپرستان، تربیت مربیان متخصص و ورزیده از طریق ایجاد مراکز فنی و حرفه‌ای ویژه برادران و خواهران، مراکز کارآموزی تکمیل مهارت و تخصص‌های ویژه، مرکز تربیت مربی، مراکز جوار کارخانجات فعالیت می‌کند؛ لذا به نظر می‌رسد وجود نظام ارزیابی عملکرد که مبتنی بر رعایت اصول و قوانین جاری است، مفید واقع می‌شود و می‌تواند تمامی جنبه‌های لازم را در اختیار داشته باشد. لذا وجود چنین سازمانی که بتواند در مسیرهای ابلاغ شده گام بردارد، بدون اینکه وضعیت کنونی خویش را به نحو احسن درک کنند و سیستمی برای ارزیابی عملکرد حتی‌الامکان در زمینه هزینه‌یابی خدمات و کالاها و فرایندهایش نداشته باشد، دور از ذهن به نظر می‌رسد که بتواند نسبت به تغییرات جواب مثبت دهد. پس به دلیل فقدان سیستمی مناسب برای ارزیابی عملکرد، این سؤال مطرح است که عوامل و مؤلفه‌های نظام ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور چه خواهد بود؟

می‌توان این‌گونه بیان کرد که در این راستا موضوع این پژوهش برداشتن چنین گام مهمی است تا عوامل کاربردی برای ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور شناسایی و تبیین گردد. در این پژوهش پس از تشریح انواع مدل‌های موجود و استفاده از نظر خبرگان آموزشی و علمی در تعیین شاخص‌ها و همچنین به تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق تحلیل عاملی تأییدی مبادرت نموده است.

ضرورت و اهمیت ارزیابی عملکرد

سازمان‌ها به همان اندازه به یک سیستم اندازه‌گیری عملکرد احتیاج دارد که شما برای مرتب کردن وضع ظاهر خود به یک آینه احتیاج دارید. یک سیستم اندازه‌گیری عملکرد همانند یک آینه وضعیت فعلی سازمان را به ذی‌نفعان نشان می‌دهد تا آنها با استفاده از آن اوضاع سازمان را سر و سامان دهند (مردیت گال، والتر بورگ و جویس گال، 2017)².

¹ Wynne W Chin & Peter R Newsted, 1999

² Meredith Gall, Walter Burg & Joyce Gall, 2017

برنارد مار اذعان داشت که علی‌رغم تمام دلایل ذکر شده برای نیاز به اندازه‌گیری عملکرد، در مجموع سه دلیل عمده را می‌توان برای نیاز به ارزیابی عملکرد بیان کرد:

۱. کنترل رفتار: یکی از اهداف اصلی اندازه‌گیری عملکرد، ایجاد کردن شاخص‌هایی برای کنترل رفتار افراد و فعالیت‌هاست. در واقع اندازه‌گیری عملکرد به شناسایی اختلاف عملکرد واقعی افراد و فعالیت‌ها با عملکرد مورد انتظار (هدف) می‌پردازد و سعی می‌کند تا این فاصله را به حداقل ممکن رساند و حذف کند.
۲. گزارش‌دهی خارجی: یکی از کاربردهای اندازه‌گیری عملکرد، تولید اطلاعات مورد نیاز ذی‌نفعان خارجی سازمان است. اندازه‌گیری عملکرد باید با شناخت نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان خارجی شاخص‌هایی را طراحی کند تا در قالب گزارش‌های منظم نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان خارجی را برآورده نماید.
۳. یادگیری و توانمندسازی: اندازه‌گیری عملکرد با طراحی و ایجاد شاخص‌های عملکرد موجب می‌شود تا کارکنان به اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند که آنها را تحلیل نتایج و وضعیت سازمان توانمند کند و موجبات یادگیری با آن را فراهم می‌آورند (استفان هافر و جورج نایو، 2017)¹.

سؤال پژوهش

عوامل و ابعاد و مؤلفه‌های نظام ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور کدام است؟

مبانی نظری

در فرایند ارزیابی عملکرد هر مدل و الگویی که انتخاب شود، طی مراحل و رعایت نظم و توالی فعالیت‌های زیر ضروری می‌باشد:

- 1- تدوین شاخص‌ها، ابعاد و محورهای مربوطه و تعیین واحد سنجش آنها: شاخص‌ها متوجه چشم‌انداز، مأموریت، اهداف کلان، راهبردهای بلندمدت، کوتاه‌مدت، برنامه‌های عملیاتی و فعالیت‌های اصلی متمرکز می‌شود. منابع احصا و اقتباس برای تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی، قوانین و مصوبات مجلس و هیأت دولت، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و راهبرد توسعه همه‌جانبه کشور می‌باشد.
- 2- تعیین وزن شاخص‌ها، به لحاظ اهمیت آنها و سقف امتیازات مربوطه: به این معناست که اهمیت هر کدام از ابعاد و محور شاخص‌ها چقدر است؟ آیا شاخص‌ها اهمیت یکسان دارند یا متفاوتند؟ کدام شاخص از بیشترین و کدام یک از کمترین اهمیت برخوردار است؟
- 3- استانداردگذاری و تعیین وضعیت مطلوب هر شاخص: تعیین معیار عملکرد و مقدار تحقق شاخص به‌صورت کمی یا کیفی و نرخ رشد عملکرد در سال‌های گذشته به‌صورت میانگین یا میانگین متحرک برای دو یا چند سال گذشته، با در نظر گرفتن اهداف خاص تعیین شده برای آن دوره و پدیده‌های مؤثر در نحوه تحقق آن شاخص، استخراج و معین می‌گردد.
- 4- ابلاغ و اعلان انتظارات و شاخص‌ها به ارزیابی‌شونده: اگر هدف اساسی را رشد و توسعه ارزیابی شونده بدانیم؛ بنابراین ضرورت دارد قبل از شروع دوره ارزیابی انتظارات مورد نظر در قالب شاخص‌ها به کارکنان سازمان اعلام گردد تا آنها بتوانند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، برقراری ارتباط مناسب و سایر فرایندهای عملکرد مورد انتظار را محقق کنند.
- 5- سنجش و اندازه‌گیری: از طریق مقایسه عملکرد واقعی پایان دوره ارزیابی، با استاندارد مطلوب از قبل تعیین شده در این مرحله فعالیت‌ها و دستاوردهای کارکنان سازمان در ارتباط با هر شاخص مورد سنجش قرار

¹ Stephan Hofer & Jorg Naeve, 2017

می‌گیرد. در این مرحله، نقاط قوت و ضعفها، فرصتها و تهدیدهای سازمان در راستای حصول اهداف مورد نظر شناسایی می‌شوند.

6- استخراج و تحلیل نتایج: در نهایت تحلیل لازم را انجام داد و در صورت لزوم باید اقدامات اصلاحی برای بهبود عملکرد در آن شاخص را معین کرد. نکته قابل توجه اینکه در نتایج عملکرد، معمولاً رویکرد و دیدگاه حاکم در ارزیابی عملکرد مورد توجه خاص قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

- (پوی‌والی و لوی کی. شپردکر، 2020)¹ در تحقیقی که روی شبیه‌ساز مونت کارلو انجام دادند به ارزیابی عملکرد WLSMV با اطلاعات محدود و همچنین عملکرد MLR (روشی که در آن متغیرهای ترتیبی مشاهده شده به دو دسته متغیرهای مداوم و طبقه‌ای تقسیم می‌شوند) و عملکرد ML (روشی است که برای ارزیابی متغیرهای ترتیبی در صورت وجود داده‌های از دست رفته به کار می‌رود) پرداختند. در این تحقیق از روش‌های برآوردی مانند حداقل مربعات وزنی و تعدیل واریانس (WLSMV)، یا روش MLR یا حداکثر احتمال (ML) با شاخص‌های ترتیبی استفاده شده است. همین‌طور روش طبقه‌ای (به ترتیب روش‌های MLR-CAT یا ML-CAT) با برای متغیرهای وابسته هم استفاده می‌شود. از طرفی هر دوی این روش‌ها راه‌حلی غیرهمگرا و نامناسب را برآورده کردند که به عنوان مشکلات برآورد در نظر گرفته می‌شوند و این مقادیر از تجزیه و تحلیل بعدی حذف شدند. تناسب واریانس در هر یک از معیارهای متغیر با مطالعه عامل‌ها توضیح داده شده بود و در نهایت شاخص‌های ارزیابی مشخص و تبیین شدند.

- (تی‌هاریکریشنا و ان ویجایاسای، 2016)² در تحقیقی با عنوان مدل‌سازی عملکرد تواناکننده‌ها³ در بخش بانکی توسط روش‌های آماری تحلیل آماری تأییدی (CFA) و تحلیل متقارن⁴ پیشرفت اقتصاد به میزان قابل توجهی به استقرار و همچنین استفاده بهینه از منابع و مهمتر از همه بهره‌وری عملیاتی بخش‌های مختلف آن اشاره دارد. از طرفی سیستم بانکی در آن نقش بسیار حیاتی بازی می‌کند. بخش بانکی به وجود آوردن سرمایه، ابداع و درآمدزایی و همچنین به تسهیل سیاست‌های پولی کمک می‌کند. آنها معتقد بودند که لازم است عملکرد دقیق بانک، ارزیابی تجزیه و تحلیل شود تا از سیستم مالی سالم و اقتصادی کارآمد بانک اطمینان حاصل شود. اندازه‌گیری عملکرد مهم‌ترین فعالیت در عملکرد کنترل مدیریت هر سازمان است. تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و تجزیه و تحلیل عامل اکتشافی (EFA) فنون آماری قدرتمندی هستند. تحلیل عاملی اکتشافی می‌تواند برای ساده‌سازی اندازه‌های وابسته به کار گرفته شود که آماری مفید برای تأیید ساختار عاملی مجموعه‌ای از متغیرهای مشاهده شده است. در این پژوهش، تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از ابزار LISREL 52/8 انجام شده است. مدل اندازه‌گیری متناسب با داده‌ها، از طریق مدل‌های آماری مجذور کای و روش نیکویی برازش بررسی شد. نتایج این مطالعه نشان داد که مدل پنج عاملی با 21 مورد تواناکننده در عملکرد بانک‌ها تناسب خوبی دارد. یافته‌های حاضر شواهدی را برای اثبات این که این یک مدل معتبر است را نشان می‌دهد و می‌تواند تواناکننده‌های عملکردهای گوناگون بانک‌ها را تعیین کند.

¹ Pui-Wa Lei & Levi K. Shiverdecker, 2020

² T Harikrishna & N Vijaya Sai, 2016

³ Enablers

⁴ Conjoint Analysis

روش تحقیق

مدل‌ها و الگوهای سیستم ارزیابی عملکرد

مهم‌ترین الگوها و مدل‌های اجرای فرایند ارزیابی عملکرد به شرح زیر می‌باشد.

۱. **الگوی فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP):** اصول اساسی این الگو عبارتند از: اصل ترسیم درخت سلسله‌مراتب، اصل تدوین و تعیین اولویت‌ها و اصل سازگاری منطقی قضاوت‌ها. تصمیم‌گیری بر اساس روش AHP از مزیت‌های بسیاری از جمله الگوی واحد قابل فهم، تکرار فرایند اجماع و تلفیق قضاوت‌ها، ترکیب مطلوبیت گزینه‌ها، رویکرد تحلیلی و سیستمی، عدم اصرار بر تفکر خطی و ... می‌باشد. روش AHP با طبقه‌بندی سلسله‌مراتب ساختاری و وظیفه‌ای بر اساس مقایسه زوجی اولویت‌ها بنا شده است. تصمیم‌گیرنده در این روش به ترسیم درخت سلسله‌مراتب تصمیم که عوامل مورد مقایسه و گزینه‌های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می‌دهد مشغول می‌شود و سپس مقایسات زوجی را انجام می‌دهد.
 ۲. **نظام مدیریت کیفیت ایزو ISO:** امروزه نظام مدیریت کیفیت ایزو صرفاً به عنوان سیستمی برای ارزیابی عملکرد جامع معرفی نمی‌گردد. این نظام به چگونگی مدیریت فرایندهای مؤثر بر کیفیت می‌پردازد و الزاماتی را برای این موضوع تعیین می‌کند که برای گرفتن گواهینامه آن باید به نحو مقتضی کلیه این الزامات و نیازمندی‌ها برآورده شده باشند. از جمله این نیازمندی‌هایی که در ایزو (ویرایش 2000) بر آن تأکید بسیار شده است، اندازه‌گیری کارایی و اثربخشی فرایندها است.
 ۳. **هرم عملکرد:** یکی از نیازهای هر سیستم ارزیابی عملکرد، وجود یک رابطه شفاف بین شاخص‌های عملکرد در سطح سلسله‌مراتب مختلف سازمان است. به گونه‌ای که هر یک از واحدها در جهت رسیدن به اهداف یکسان تلاش کنند. یکی از مدل‌هایی که چگونگی ایجاد این رابطه را در برمی‌گیرد، مدل هرم عملکرد است. هدف هرم عملکرد، ایجاد ارتباط بین راهبرد سازمان و عملیات آن است. این سیستم ارزیابی عملکرد، شامل چهار سطح از اهداف است که بیان‌کننده اثربخشی سازمان و کارایی داخلی آن است. در واقع این چارچوب تفاوت بین شاخص‌هایی را که به گروه‌های خارج سازمان توجه دارند (مانند رضایت مشتریان، کیفیت و تحویل به‌موقع) و شاخص‌های داخلی کسب‌وکار (نظیر بهره‌وری، سیکل زمانی و اتلاف‌ها) آشکار می‌سازد.
 ۴. **نظام کارت امتیازی متوازن (BSC):** یکی از مشهورترین و شناخته‌ترین مدل‌های سیستم ارزیابی عملکرد، مدل کارت امتیازی متوازن (BSC) است. این مدل پیشنهاد می‌کند که به منظور ارزیابی عملکرد هر سازمان باید از یک سری شاخص‌های متوازن استفاده کرد تا از این طریق مدیران عالی بتوانند یک نگاه کلی از چهار جنبه مهم سازمانی داشته باشند. این جنبه‌های مختلف، پاسخگویی به چهار سؤال اساسی زیر را امکان‌پذیر می‌سازند:
 ۱. نگاه به سهام‌داران چگونه است؟ (جنبه مالی)
 ۲. در چه زمینه‌ای باید خوب عمل کنیم؟ (جنبه داخلی کسب‌وکار)
 ۳. نگاه مشتریان به ما چگونه است؟ (جنبه مشتریان)
 ۴. چگونه می‌توانیم به بهبود و خلق ارزش ادامه دهیم؟ (جنبه یادگیری و نوآوری)
- کارت امتیازی متوازن دارای چهار جنبه است و هر جنبه آن شامل ابعادی چون شاخص کلیدی عملکرد یا kpi، ابزار ارزیابی، هدف استراتژیک، امتیاز قابل مشاهده، واحد اندازه‌گیری و امتیاز شاخص کلیدی عملکرد هستند (اوغور تحسین سنل، بابک دانش‌پور رویندگ و صالح تکین، 2020).¹

¹ Ugur Tahsin Şenel, Babak Daneshvar Rouyendegh & Salih Tekin, 2020

۵. **فرایند کسب و کار:** چارچوب‌های توضیح داده شده تا به اینجا سلسله‌مراتبی هستند، اما چارچوب‌های دیگری نیز وجود دارند که مدیران را تشویق می‌کنند تا به جریانات افقی مواد و اطلاعات در بین سازمان توجه بیشتری کنند. این چارچوب بسیار مناسب و کاربردی است؛ زیرا تفاوت بین شاخص‌های ورودی، فرایند خروجی و نتایج را برجسته کرده است (غلامرضا خاکی، 2015).

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی - پیمایشی است. علاوه بر آن ضمن بررسی ادبیات تحقیق و پیشینه موضوع با استفاده از مصاحبه خبرگان و متخصصین ابعاد و مؤلفه‌ها شناسایی و در مرحله بعد داده‌های پرسشنامه با استفاده از فنون دلفی تحلیل شده است. ضمناً مراحل تحقیق بدین صورت است:

شناسایی شاخص‌های تحقیق: با استفاده از پیشینه تحقیق و پژوهش‌های صورت گرفته شاخص‌های اولیه شناسایی می‌گردد. ابتدا با مطالعه ادبیات تحقیق موجود در رابطه با مدل‌های ارزیابی عملکرد به دیدگاه کلی دست می‌یابیم. سپس به عنوان دیدگاهی جدید برای ارزیابی عملکرد طراحی و با تنظیم پرسشنامه بر اساس مدل فوق، نظام جامع‌تری را تشکیل می‌دهیم، بدین صورت که ابتدا جلسه‌ای به روش کانونی با گروهی از خبرگان (مربیان و کارشناسان) تشکیل و مفاهیم تبیین شوند. سپس نظرات آنها توسط رؤسای مراکز و ادارات را در زمینه مؤلفه‌ها و شاخص‌های دریافت و مجدداً در اختیار خبرگان قرار گرفت تا به جمع بندی نهایی برسد. بعد از این مرحله پرسشنامه نهایی به شناسایی عوامل مهم پرداخته شد (رکس بی. کلاین، 2005)¹. از میان مشارکت‌کنندگان کارشناسان سازمان، حدود 60 درصد بالاترین حجم و اعضای هیات جامعه آماری تحقیق حاضر شامل مدیران و کارشناسان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و نیز خبرگان حوزه مورد پژوهش می‌باشند.

جدول 1. آمار پاسخ‌دهندگان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	64	69/6
زن	28	30/4
جمع	92	100

سن	فراوانی	درصد فراوانی
تا 30 سال	9	9/8
31 تا 40 سال	28	30/4
41 تا 50 سال	36	39/1
بالای 50 سال	19	20/7
جمع	92	100

سابقه کار	فراوانی	درصد فراوانی
تا 5 سال	8	8/7
6 تا 10 سال	18	19/6
11 تا 15 سال	23	25/0
16 تا 20 سال	20	21/7
21 تا 25 سال	14	15/2

¹ Rex B Kline, 2005

9/8	9	بالای 25 سال
100	92	جمع
درصد فراوانی	فراوانی	تحصیلات
50/0	46	تالیسانس
40/2	37	فوق لیسانس
9/8	9	دکتر
100	92	جمع

با توجه حجم جامعه آماری 251 نفر و تعداد حجم نمونه که از روش تصادفی ساده استفاده شده 92 نفر خواهد بود. ضمناً این محاسبه با سطح خطای 5 درصد صورت گرفته است. در این پژوهش، اطلاعات اصلی در خصوص شناسایی استراتژی سازمان، ساختار سازمانی، تکنولوژی انجام کار، شایستگی‌های مورد نیاز مدیران و روش‌های آموزش آنها، با استفاده از پرسشنامه‌ای که توسط مدیران ارشد تکمیل شده‌اند؛ جمع‌آوری شده است. معیار رد یا قبول هر یک از گویه‌ها به‌مثابه شاخص با اهمیت در ارزیابی است که بر اساس طیف لیکرت پنج امتیازی محاسبه شد. بدین ترتیب میانگین 3 مفروض قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی شاخص‌های تحقیق

جدول 3. نتایج روابی محتوایی پرسشنامه

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	امتیاز
مدیریت					
مشتی‌مداری	15	4	0/000	0/000	80
بودجه‌بندی عملیاتی	15	4/466	0/516	267	89/33
کاهش هزینه‌های پشتیبانی نسبت به آموزش	15	4/266	0/593	0/352	85/33
مالی					
افزایش وصول مطالبات	15	2/333	1/345	1/810	46/66
واگذاری و فروش پروژه‌ها	15	4/066	0/258	0/067	81/33
تعیین قیمت تمام‌شده خدمات و فعالیت‌ها	15	4/266	0/593	0/352	85/33
به‌کارگیری سازوکارهای نظارتی	15	4/066	0/457	0/210	81/33
تشکیل گروه‌های کارشناسی	15	3/666	0/723	0/524	73/33
جشنواره تجلیل از استادکاران	15	3/800	1/082	1/171	76
روش‌های پالایش و تقدیر	15	4/133	0/351	0/124	82/66
شایسته‌سالاری	15	4/133	0/351	0/124	82/66
مشارکت	15	4/200	0/560	0/314	84
نهادداشت (بیمه و بازنشستگی و غیره)	15	4/133	0/351	0/124	82/66
طرح سلامت کارکنان	15	3/533	0/639	0/410	70/66
عدالت در نظام پرداخت	15	4/066	0/258	0/067	81/33
وجود اعتماد و صداقت	15	4/266	0/457	0/210	85/33
تبدیل وضع مربیان حق‌التدریس	15	3/933	0/258	0/067	78/66
اثربخش به رسمی					

توانمندسازی

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	امتیاز
تهیه خلاصه پرونده پرسنلی	15	2/200	1/320	1/743	44
نظارت و ارزشیابی	15	4/000	0/377	0/143	80
امنیت و بهداشت	15	3/600	0/632	0/400	72
شناسایی معیارهای کنترل	15	3/933	0/457	0/210	78/66
به روزرسانی قوانین و دستورالعمل‌ها	15	4/000	0/377	0/143	80
شفافیت و گزارش دهی	15	4/066	0/457	0/210	81/33
احصا و مستندسازی	15	3/866	0/351	0/124	77/33
بازنگری اساسنامه سازمان	15	3/933	0/457	0/210	78/66
رضایت کارآموزان	15	3/400	0/507	0/257	68
همکاری با شرکای اجتماعی	15	4/000	0/377	0/143	80
تعامل با آموزشگاه‌های آزاد و سایر دستگاه‌ها	15	3/066	0/703	0/495	61/33
استفاده از فناوری روز	15	3/800	0/414	0/171	76
تنوع آموزش‌های مهارتی منطبق بر بازار کار	15	4/000	0/377	0/143	80
کیفیت آموزش‌ها	15	3/600	0/507	0/257	72
یکپارچه سازی سیستم‌های موجود	15	3/733	0/593	0/352	74/66
تولید محتوا و خلق دانش	15	4/066	0/457	0/210	81/33
زمان	15	3/933	0/457	0/210	78/66
کمیت	15	3/933	0/258	0/067	78/66
کیفیت	15	3/866	0/351	0/124	77/33
تهیه استاندارد تجهیزات و وسایل کمک آموزشی	15	3/800	0/414	0/171	76
طراحی مدل درآمد هزینه	15	4/000	0/534	0/286	80
بحث بازاریابی و مارکتینگ آموزش‌ها	15	4/333	0/487	0/238	86/66
برون سپاری	15	4/200	0/414	0/171	84
ره گیری اشتغال آموزش دیدگان مهارتی	15	4/200	0/414	0/171	84
کلاس‌های آموزشی	15	3/533	0/516	0/267	70/66
تورهای صنعتی	15	3/642	0/497	0/247	72/85
سمینار و کارگاه آموزشی	15	3/733	0/593	0/352	74/66
نیازسنجی	15	3/800	0/774	0/600	76
استفاده از ویدیو کنفرانس در جلسه‌ها	15	3/733	0/593	0/352	74/66

اصلاح
فرایندها

انتقال دانش

بهره‌وری

آموزش

می‌توان گفت همه شاخص‌ها دارای میانگین بالاتر از 3 (مقدار حد وسط) هستند. بررسی نتایج روایی محتوای شاخص‌های عملکرد سازمانی نشان می‌دهد که شاخص افزایش وصول مطالبات مربوط به مؤلفه مدیریت مالی و شاخص تهیه خلاصه پرونده پرسنلی مربوط به توانمندسازی و شاخص رضایت کارآموزان، مربوط به اصلاح فرایندها و شاخص‌های تعامل با آموزشگاه‌های آزاد و سایر دستگاه‌ها به انتقال دانش دارای امتیاز کمتر از 70 می‌باشند، که روایی محتوا آنها مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و حذف می‌شوند.

در این تحقیق برای اطمینان از اعتبار سازه، از اعتبار عاملی استفاده می‌شود. اعتبار عاملی صورتی از اعتبار سازه است که از طریق تحلیل عاملی به دست می‌آید. تحلیل عاملی یک فن آماری است که به منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه داده‌ها استفاده می‌شود. بنابراین استفاده از تحلیل عاملی در شاخه‌هایی که در آنها آزمون و پرسشنامه استفاده می‌شود، لازم و ضروری است (دیوید ای مک نب، 2018)¹. تحلیل عاملی تأییدی به محقق اجازه می‌دهد تا اثبات کند که رابطه‌ای بین متغیرهای مشاهده شده و ساختارهای نهفته آن‌ها وجود دارد. محقق از خود فرضیه، تحقیقات تجربی یا هر دوی آنها استفاده می‌کند تا الگوی رابطه را مقایسه کرده و داده‌های فرضی را تحلیل کند.

تحلیل عاملی تأییدی نیاز به تشخیص مدل عاملی دارد، که این مدل عبارتند از تعداد عوامل و الگوی بار صفر و غیر صفر در آن عوامل. تعداد کمی از مدل‌های نظری رقیب نیز می‌توانند مشخص شوند. تحلیل عاملی تأییدی، اطلاعاتی در مورد میزان کیفیت مدل‌های فرضی به ما ارائه می‌دهند. این تحلیل روابط بین متغیرها را توضیح می‌دهد. تحلیل عاملی تأییدی، به ما نشان می‌دهد که آیا می‌توانیم از فرضیه‌های آزمایشی بر روی داده‌ها استفاده کنیم یا خیر (محمد رضا میرزائی، محمدعلی افشار کاظمی و عباس طلوعی اشلقی، 2019).

جدول شاخص‌های روایی، پایایی را برای تمامی متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد. روایی تشخیصی² در تحقیق حاضر نیز مورد نظر است. به این معنا که نشانگرهای هر سازه در نهایت تفکیک مناسبی را به لحاظ اندازه‌گیری نسبت به سازه‌های دیگر مدل فراهم آورند. به عبارت ساده‌تر هر نشانگر فقط سازه خود را اندازه‌گیری می‌کند و ترکیب آن‌ها به گونه‌ای است که تمام سازه‌های به خوبی از یکدیگر تفکیک شوند.

با کمک شاخص میانگین واریانس استخراج شده، مشخص شد که تمام سازه‌های مورد مطالعه دارای میانگین واریانس استخراج شده، بالاتر از 0/5 هستند. شاخص‌های پایایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی پرسشنامه استفاده می‌شوند و لازمه تأیید پایایی بالاتر بودن این شاخص‌ها از مقدار 0/7 می‌باشد. تمامی این ضرایب بالاتر از 0/7 هستند و این نشان‌دهنده پایا بودن ابزار اندازه‌گیری است (ملوین آر. وبر، اله کرافورد، جونگ هون لی و دوری دنیسون، 2017)³.

جدول 4. یافته‌های توصیفی شاخص‌های پژوهش

شاخص	میانگین	انحراف معیار	واریانس
مشتري‌مداری	3/15	0/960	0/922
بودجه‌بندی عملیاتی	3/12	0/936	0/876
کاهش هزینه‌های پشتیبانی نسبت به آموزش	3/22	0/900	0/809
واگذاری و فروش پروژه‌ها	2/62	1/078	1/161
تعیین قیمت تمام‌شده خدمات و فعالیت‌ها	3/15	0/913	0/834
به کارگیری سازوکارهای نظارتی	2/80	0/829	0/687
تشکیل گروه‌های کارشناسی	3/01	0/883	0/780
جشنواره تجلیل از استادکاران	2/99	0/883	0/780
روش‌های پالایش و تقدیر	2/86	0/859	0/738
شایسته‌سالاری	2/80	0/892	0/796
مشارکت	2/98	0/949	0/901

¹ Davi E McNeb, 2018

² Discriminant Validity

³ Melvin R. Weber, Alleah Crawford, Jung Hoon Lee, Dori Dennison, 2017

شاخص	میانگین	انحراف معیار	واریانس
نگهداشت (بیمه و بازنشتگی و ...)	3/13	1/008	1/016
طرح سلامت کارکنان	2/92	0/963	0/928
عدالت در نظام پرداخت	2/40	1/120	1/154
وجود اعتماد و صداقت	2/58	1/040	1/082
تبدیل وضع مربیان حق التدریس اثربخش به رسمی	2/68	0/971	0/944
نظارت و ارزشیابی	2/61	0/972	0/944
امنیت و بهداشت	2/35	0/977	0/955
شناسایی معیارهای کنترل	2/76	0/942	0/877
به روز رسانی قوانین و دستورالعمل‌ها	3/37	1/045	1/093
شفافیت و گزارش دهی	2/91	0/898	0/806
احصا و مستندسازی	2/99	0/966	0/934
بازنگری اساسنامه سازمان	2/86	1/012	1/024
همکاری با شرکای اجتماعی	2/70	1/046	1/093
استفاده از فناوری روز	2/74	0/948	0/898
تنوع آموزش‌های مهارتی منطبق بر بازار کار	2/73	1/017	1/035
کیفیت آموزش‌ها	2/60	0/865	0/749
یکپارچه‌سازی سیستم‌های موجود	2/52	0/989	0/978
تولید محتوا و خلق دانش	2/32	1/005	1/009
زمان	2/82	0/811	0/658
کمیت	3/12	0/924	0/854
کیفیت	3/03	0/870	0/757
تهیه استاندارد تجهیزات و وسایل کمک آموزشی	2/96	0/901	0/811
طراحی مدل درآمد هزینه	3/09	0/968	0/937
بحث بازاریابی و مارکتینگ آموزش‌ها	2/63	0/886	0/785
برون سپاری	2/64	0/990	0/980
رهگیری اشتغال آموزش دیدگان مهارتی	2/93	0/923	0/853
کلاس‌های آموزشی	2/80	0/880	0/774
تورهای صنعتی	2/68	0/876	0/768
سمینار و کارگاه آموزشی	2/78	0/912	0/831
نیازسنجی	2/59	0/963	0/926
استفاده از ویدیو کنفرانس در جلسه‌ها	2/76	0/918	0/843

اصلاح
فرایندهاانتقال
دانش

بهره‌وری

آموزش

جدول 5. شاخص‌های روایی، پایایی

Cronbachs Alpha	CR	AVE	
0/858	0/895	0/588	آموزش
0/964	0/967	0/543	ارزیابی عملکرد
0/836	0/881	0/557	اصلاح فرایندها
0/806	0/862	0/513	انتقال دانش
0/854	0/889	0/537	بهره‌وری
0/894	0/913	0/526	توانمندسازی
0/844	0/885	0/561	مدیریت مالی

جدول 6. متغیرهای پژوهش

اعتبار	آماره تی	بار عاملی	متغیر آشکار	متغیر پنهان
Supported	12/61	0/73	Q1	مدیریت مالی
Supported	10/76	0/70	Q2	
Supported	21/43	0/80	Q3	
Supported	15/98	0/74	Q4	
Supported	13/26	0/72	Q5	
Supported	15/77	0/77	Q6	
Suorted	9/42	0/67	Q7	توانمندسازی
Supported	12/17	0/94	Q8	
Supported	9/43	0/61	Q9	
Supported	15/48	0/74	Q10	
Supported	10/23	0/67	Q11	
Supported	11/70	0/68	Q12	
Supported	8/21	0/62	Q13	
Supported	15/95	0/76	Q14	
Supported	11/55	0/70	Q15	
Supported	16/42	0/74	Q16	
Supported	18/95	0/75	Q17	اصلاح فرایندها
Supported	24/31	0/84	Q18	
Supported	13/97	0/77	Q19	
Supported	8/31	0/67	Q20	
Supported	24/93	0/83	Q21	
Supported	17/11	0/76	Q22	
Supported	5/44	0/54	Q23	انتقال دانش
Supported	17/50	0/76	Q24	
Supported	6/46	0/57	Q25	
Supported	16/79	0/76	Q26	
Supported	14/83	0/75	Q27	
Supported	7/43	0/63	Q28	

متغیر پنهان	متغیر آشکار	بار عاملی	آماره تی	اعتبار
بهره‌وری	Q29	0/77	16/04	Supported
	Q30	0/76	16/28	Supported
	Q31	0/67	9/76	Supported
	Q32	0/69	10/73	Supported
	Q33	0/78	21/49	Supported
	Q34	0/69	8/45	Supported
	Q35	0/78	15/26	Supported
	Q36	0/71	13/99	Supported
	Q37	0/71	11/50	Supported
	Q38	0/81	22/50	Supported
آموزش	Q39	0/75	14/27	Supported
	Q40	0/76	13/26	Supported
	Q41	0/84	26/08	Supported
	Q42	0/69	11/54	Supported

در این تحقیق برای اطمینان از اعتبار سازه، از اعتبار عاملی استفاده می‌شود. اعتبار عاملی صورتی از اعتبار سازه است که از طریق تحلیل عاملی به دست می‌آید. تحلیل عاملی یک فن آماری است که به منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه داده‌ها استفاده می‌شود. بنابراین استفاده از تحلیل عاملی در شاخه‌هایی که در آنها آزمون و پرسشنامه استفاده می‌شود، لازم و ضروری خواهد بود (اوما سکاران، 2008)¹. با استفاده از تحلیل عاملی می‌توان مشخص کرد که آیا پرسشنامه شاخص‌های مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند یا خیر. در تحلیل عاملی لازم است سؤالاتی که برای ارزیابی یک شاخص یا صفت خاص طرح شده‌اند، دارای یک بار عاملی مشترک باشند. مدل اندازه‌گیری مشخص می‌کند که چگونه متغیرهای نهانی یا سازه‌های فرضی برحسب متغیرهای قابل مشاهده مورد سنجش قرار می‌گیرد و اعتبار و روایی آنها به چه میزان است. در واقع مدل اندازه‌گیری شامل رابطه بین متغیرها با شاخص‌ها است. زمانی که تعداد شاخص‌های زیاد قابل دسته‌بندی در چند گروه همگون (بر مبنای فرض علمی) باشند، می‌توان از تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین اعتبار و روایی مقیاس استفاده کرد (عادل آذر، رسول غلامزاده و مهدی قنوتی، 2012).

با استفاده از نتایج تحلیل عاملی تأییدی می‌توان برخی از متغیرهای مشاهده شده را از تحلیل نهایی خارج کرد و برآورد بهتری از متغیرهای نهانی ارائه داد. درواقع به کمک مدل‌های اندازه‌گیری می‌توان متغیرهای مشاهده‌شده‌ای که کمتر مبین متغیر نهانی خود هستند را از تحلیل خارج کرد تا به نتایج بهتری دست یافت. براساس نتایج کلی، برازش مناسبی در کلیه شاخص‌های برازش ارزیابی شده با نتایج مختلط نشان داده شد (اسلوبودان پوپویچ، جِلنا توسکویچ و راجکو ماکورا، 2015)². همان‌طور که اشاره شد، در این تحقیق برای انجام تحلیل عاملی تأییدی از اسمارت پی‌ال‌اس استفاده خواهد شد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، شش عامل اصلی زیر به عنوان عوامل مؤثر بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای به شمار می‌آیند. این عوامل شامل مدیریت مالی، توانمندسازی، اصلاح فرایندها، انتقال دانش، بهره‌وری و آموزش می‌باشند. با توجه به نتایج به دست آمده از روش حداقل مربعات جزئی، توانمندسازی با ضریب مسیر

¹ Uma Sakaran, 2008

² Slobodan Popovic, Jelena Toskovic & Rajko Macura, 2015

0/933 دارای بیشترین تأثیر بر ارزیابی عملکرد است. اصلاح فرآیندها با مقدار 0/905، بهره‌وری با مقدار 0/884، آموزش با مقدار 0/882، انتقال دانش با مقدار 0/827 و مدیریت مالی با مقدار 0/801 بر ارزیابی عملکرد در سازمان حرفه‌ای تأثیرگذار هستند.

نخستین عامل تأثیرگذار بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای، توانمندسازی است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از تأیید همه شاخص‌های توانمندسازی دارد. دومین عامل تأثیرگذار بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای، اصلاح فرایندهاست. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از تأیید همه شاخص‌های اصلاح فرایندها دارد. سومین عامل تأثیرگذار بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای، بهره‌وری است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از تأیید همه شاخص‌های بهره‌وری دارد. چهارمین عامل تأثیرگذار بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای، آموزش است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از تأیید همه شاخص‌های آموزش دارد. پنجمین عامل تأثیرگذار بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای، انتقال دانش است که نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از تأیید همه شاخص‌های انتقال دانش دارد. ششمین عامل تأثیرگذار بر ارزیابی عملکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای نیز مدیریت مالی است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از تأیید همه شاخص‌های مدیریت مالی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

قدرت اقتصادی هر کشوری در برنامه‌های توسعه آن کشور در اولویت می‌باشد. در برنامه‌های بلندمدت توان اقتصادی به میزان رشد خالص داخلی بستگی دارد (زهره سرمد، عباس بازرگان و الهه حجازی، 2019). نتایج حاکی از آن است که وضعیت همه مؤلفه‌های مؤثر مطلوب نیست؛ ضمناً به ترتیب اولویت بیشترین تأثیر را بر ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور دارند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: توانمندسازی اصلاح فرایندها بهره‌وری آموزش انتقال دانش و مدیریت مالی است. با وجود پژوهش‌های زیادی که صورت گرفته اما در حوزه آموزش‌های مهارتی می‌توان با شناخت کامل و جامع‌تری از شاخص‌های عملکردی به نوآوری بیشتری دست یافت. از این‌رو موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به تغییرات سریع فناوری و اینکه فلسفه سازمان فنی و حرفه‌ای ارائه آموزش‌های لازم به فراگیران است، به‌روزرسانی کلیه قوانین و دستورالعمل‌ها، بازنگری اساسنامه سازمان و احصا و مستندسازی کلیه فرآیندها، ضروری است. کلیه قوانین و دستورالعمل‌ها در سازمان به‌روز و متناسب با تغییرات باشند.
- تشکیل گروه‌های کارشناسی برای هر گروه صنعت و مشخص کردن وظایف و اختیارات برای به‌روزکردن کلیه سرفصل‌های دوره‌های آموزشی
- مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها به شکل واقعی صورت پذیرد. علاوه بر دریافت نظرهای کارکنان به آنها مسئولیت‌هایی داده شود.
- بر کلیه فرایندهای کاری در سازمان نظارت وجود داشته باشد. در زمان نظارت فرایندها ارزشیابی شوند و نتایج ارزشیابی به واحدهای مرتبط در سازمان ابلاغ شود.
- زمان دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی به شکلی باشد که بتواند نیاز فراگیر را برطرف کند. نه در حدی باشد که فراگیر را خسته کند و نه کمتر از حدی باشد که اثربخشی و کارایی را لازم را نداشته باشد.
- کلیه دوره‌ها بازایی شوند. سرفصل دوره‌ها متناسب با تغییرات فناوری باشند و در راستای افزایش مهارت برای کارآموزان باشد.
- تجهیزات و وسایل کمک آموزشی برای برگزاری کارگاه‌ها به‌روز و دارای استانداردهای لازم باشند.
- به‌منظور کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت و ایجاد فضای رقابتی، بخشی از فرایندهای سازمانی برون‌سپاری شوند.

- ایجاد سامانه‌ای برای ثبت مشخصات فراگیران و کارآموزان که از این طریق کارآموزان بتوانند رزومه و اطلاعات خود را برای اشتغال به کارفرمایان ارائه دهند.
 - به صورت مستمر سمینارها و همایش‌های مختلفی برای هر حوزه از طرف سازمان فنی‌وحرفه‌ای برگزار شود.
 - هزینه‌ها در سازمان کاهش داده شوند؛ اما به شکلی کاهش یابند که بر عملکرد کارکنان و مدرسان و کمیت و کیفیت دوره‌های آموزشی تأثیرگذار نباشد.
- در ضمن می‌توان با استفاده از این شاخص‌های تحقیق در طراحی مدلی برای ارزیابی عملکرد سازمان بهره برد و وضعیت فعلی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را نسبت به اهمیت‌شان سنجید تا با داشتن این اطلاعات در تصمیم‌سازی به مدیران کمک کرد.

References

- Azar, A., Gholamzadeh, R., & Qanavati, M. (2012). Path-Structural Modeling in Management (Application of PLS Smart Software). *Tadbir Monthly*, 10(8), 72-105.
- Chin, W. W., & Newsted, P. R. (1999). Structural equation modeling analysis with small samples using partial least squares. In *Statistical strategies for small sample research*. SAGE. https://www.researchgate.net/profile/Wynne-Chin/publication/242370645_Structural_Equation_Modeling_Analysis_with_Small_Samples_Using_Partial_Least_Square/links/00b7d53306dbf27d25000000/Structural-Equation-Modeling-Analysis-with-Small-Samples-Using-Partial-Least-Square.pdf
- Davari, A., & Rezazadeh, A. (2016). Structural Grading Modeling with PLS Software. *Tehran: Jihad Daneshgahi Publishing Organization*, 4(14), 73-98.
- Gal, M., Walter B., & Joyce Gal (2017). *Quantitative and Qualitative Research Methods in Educational Sciences and Psychology* (11 ed.). Samt. <https://hodhodbook.ir/product/9789645300201/>
- Harikrishna, T., & Sai, N. V. (2016). Modeling The Performance Enablers Of Public Sector Banks Using Cfa And Conjoint Analysis. *International Journal Of engineering and Computer Science*, 5(5), 16407-16413. https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/46296007/14_ijecs-with-cover-page-v2.pdf?Expires=1646744526&Signature=PBuiq6REQPuSVF8YeBINLUZbQ~r0ETxKJOF1T9HdfvLpUJo-DsoalGFxlGahfJX8AFfTgFs4TgnJOGggQTgXKZyfGAn2f2D186xUyxYg6Y5IpJbjewc0uZwDc9UGXAXJsYbt-zN-DUMfhHNOQZ8LcAk-dYQ3remnH1~nhJ3bI2oX5JjgQAhVw65CQyn6SMYOPUmjqFwFYEIP4QbhznL2MQDMUX9d2PWpY3FkRAiKiLeDjzpi9icq7XLjM-wBAD5HbP6ICTFrOPFKl44Q-zrBi6-pIEMoP2LthQDzKI26KbMZuRVt3QNYDat7GlgSAiPKNhXLcLcBupAmNakM0c2ozA_&Key-Pair-Id=APKAJLOHF5GGSLRBV4ZA
- Hofer, S., & Naeve, J. (2017). The application of Lean Management in higher education. *International Journal of Contemporary Management*, 16(4), 63-80. <https://www.cceol.com/search/article-detail?id=708459>
- Khaki, G. R. (2015). *Research method in management*. Foujan
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling* (2 ed.). Guilford Press. <https://psycnet.apa.org/record/2005-03476-000>

- Lei, P-W., & Shiverdecker, L. K. (2020). Performance of Estimators for Confirmatory Factor Analysis of Ordinal Variables with Missing Data. *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal*, 27(4), 584-601. <https://doi.org/10.1080/10705511.2019.1680292>
- McNab, D. (2018). *Quantitative and Qualitative Research Methods (Government Management and Non-Profit Organizations)*. Saffar, Ishraqi.
- Mirzaei, M. R., Afshar Kazemi, M. A., & Toloie Eshlaghy, A. (2019). Designing a New Combined Model Based on Data Envelopment Analysis, Artificial Neural Network, Genetic Algorithm and Particle Swarm Optimization to Evaluate Efficiency and Benchmarking of Efficient and Inefficient Units. *Journal of Industrial Management Perspective*, 9(2), 107-129. <https://doi.org/10.52547/jimp.9.2.107>
- Oma, S. (2008). *Research Methods in Management. Translated* (5 ed.). Institute of Higher Education and Research, Management and Planning. <https://www.adinehbook.com/gp/product/9643380440>
- Pashapour, S., Bozorgi Amiri, A., & Ghaderi, S. F. (2019). Performance Optimization of Industrial Units in Crisis Considering Economic Resilience Factors: A Case Study of a Petrochemical Plant. *Journal of Industrial Management Perspective*, 8(4), 149-183. https://jimp.sbu.ac.ir/article_87162_60dc504c1b81d5b86534d0d314330afe.pdf
- Popovic, S., Toskovic, J., & Macura, R. (2015). The importance of evaluation of risk management in business. *Annals of the Constantin Brancusi. University of Targu Jiu, Economy Seris*, 18(3), 20-25.
- Sarmad, Z., Bazargan, A., & Hejazi, E. (2019). *Research Methods in Behavioral Sciences* (31 ed.). Agah.
- Senel, U. T., Rouyendegh, B. D., & Tekin, S. (2020). Integrated performance evaluation method study and performance based department ranking: a case study. *SN Applied Sciences*, 2(2), 281. <https://doi.org/10.1007/s42452-020-2092-x>
- Weber, M. R., Crawford, A., Lee, J., & Dennison, D. (2017). CFA and soft skill competencies for entry-level managers. *Anatolia*, 28(3), 453-455. <https://doi.org/10.1080/13032917.2017.1327873>



Providing a Governance Model of Skills Training at the Sub-National Level with a Data Theory Approach

Abdullah Qasimi Khairabadi^{1*}, Abbas Khorshidi², Lotfollah Abbasi³,
Parastoo Khosravi³, Yalda Delgoshaei³

¹Department of Educational Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

²Professor, Department of Educational Management, Eslamshahr Branch, Islamic Azad University, Eslamshahr, Iran.

³Assistant Professor, Department of Educational Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 10.04.2020

Revised: 11.06.2020

Accepted: 01.01.2021

Keyword:

Pattern
skills training
governance
data foundation
subnational

***Corresponding Author:**

Abdullah Qasimi Khairabadi

Email:

ghasemi4396@yahoo.com

ABSTRACT

Governance of skills training and paying attention to sub-national actors is an irreplaceable paradigm in educational governance and by examining this issue in a deep, comprehensive way in the swiftest and least harmful manner will advance the development of the country. The main purpose of this research was to design a governance model for skills training at the sub-national level. The research method was applied in terms of objectives, qualitative in terms of data and emerging foundation in terms of data type. Based on the method of informed sampling of targeted snowball type and based on theoretical saturation, 30 experts were selected for interviewing. The data collection tool used was exploratory interviews. After data collection, analysis was carried out in the form of open, axial and selective face coding. Based on the data analysis, an appropriate model for governing skills training at the sub-national level was presented. The results of the research indicate that this model consists of three dimensions: skills and entrepreneurship training, governance, quality and market-oriented skills training, and 27 components and 173 constructive indicators. In comparison with other models, this model was more valid and thus using and implementing this model can help improve the quality and entrepreneurship of skills training.





ارائه الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی با رویکرد نظری داده‌بنیاد

عبدالله قاسمی خیرآبادی^{1*}، عباس خورشیدی²، لطف الله عباسی³، پرستو خسروی³، یلدا دلگشایی³

- 1- گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- 2- استاد، گروه مدیریت آموزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- 3- استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

حکمرانی آموزش‌های مهارتی و بذل توجه به کنشگران فروملی، پارادایمی بی‌بدیل در حکمرانی آموزشی می‌باشد که تعمیق این موضوع به‌طور همه‌جانبه با کمترین زمان و آسیب ممکن، توسعه کشور را پیش خواهد برد. هدف اصلی پژوهش، طراحی الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی است. روش پژوهش از نظر اهداف، کاربردی، از نظر داده کیفی و از نظر نوع مطالعه، داده‌بنیاد نوظهور است. براساس روش نمونه‌گیری آگاهانه از نوع هدفمند گلوله برفی و براساس اشباع نظری، تعداد 30 نفر خبره انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های اکتشافی است بعد از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنان به صورت کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفت که بر اساس تحلیل داده‌ها الگوی مناسب حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی ارائه گردید. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که این الگو از سه بعد: آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی، حکمرانی، آموزش‌های مهارتی کیفی و بازارمحور و 27 مؤلفه و 173 شاخص سازنده، تشکیل شده است که در مقایسه با سایر الگوها از اعتبار بیشتری برخوردار است؛ بنابراین به‌کارگیری و عملیاتی کردن الگوی مذکور می‌تواند به ارتقای کیفی و کارآفرینی آموزش‌های مهارتی، کمک به‌سزایی کند.

دریافت مقاله: 1399/07/13

بازنگری مقاله: 1399/08/26

پذیرش مقاله: 1399/10/12

کلید واژگان:

الگو
آموزش‌های مهارتی
حکمرانی
داده‌بنیاد
فروملی

*نویسنده مسئول: عبدالله قاسمی خیرآبادی

پست الکترونیکی:

ghasemi4396@yahoo.com



مقدمه

قرار گرفتن در مسیر توسعه و دستیابی به توسعه پایدار، همواره از بزرگ‌ترین آرمان‌های جوامع بشری بوده که یکی از عوامل مؤثر در راه رسیدن به این مهم، توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، افراد را برای ورود به دنیای کار آماده می‌کند؛ زیرا این آموزش‌ها می‌توانند با انتقال مهارت موردنیاز، پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر، شایستگی بازار کار و برابری فرصت‌ها را برای همه افراد در بخش‌های دولتی و غیردولتی، محقق سازند و به‌طور چشمگیری، از ضایعات و هزینه‌های تولید بکاهند و قدرت رقابت در بازارهای جهانی را ایجاد کنند. همچنین از تأثیرات مثبت رشد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌توان به رشد تولید ناخالص داخلی اشاره کرد. با توجه به تغییرات دنیای کار، تنوع حرفه‌ها و مشاغل تخصصی و نیمه‌تخصصی و رشد آنها در آینده، وظایف امروز سازمان‌های مسئول آموزش‌های فنی و حرفه‌ای افزایش یافته و اهمیت تربیت نیروهای ماهر را دوچندان کرده است. ناشناخته بودن نیازهای کیفی بازار کار، کمبود اطلاعات جدید مربوط به نیروی کار، کمبود مشاوران زبده مطلع در آموزش‌های مهارتی، کم‌توجهی به تشکیل سرمایه‌های انسانی، مشارکت غیرفعال بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نارسایی قوانین و مقررات و ... از جمله مهم‌ترین معضلات فراوری آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران است که توجه به آنها اهمیت فراوانی دارد.

بنابر شواهد و باور بسیاری از صاحب‌نظران، به رغم تلاش‌های فراوان در راستای ایجاد تحول و تغییر در فرایند نظام مهارت‌آموزی در کشور، این نظام آموزشی، مدت‌هاست که قادر نیست نیازهای بازار کار را از نظر تأمین نیروی کار ماهر به‌طور کامل تأمین کند و آموزش‌های متناسب با فناوری‌های قرن حاضر را ارائه دهد. همچنین در مبانی و ارزش‌های بنیادین سند نقشه جامع علمی کشور به مهارت‌آموزی به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین اشاره‌ای نشده است. به غیر از لزوم در نظر گرفتن آموزش مهارت به عنوان یکی از اصول بنیادین نقشه در کنار اصول بنیادین علمی و معنوی، مهارت می‌تواند یکی از ارکان مهم در دستیابی به این ارزش‌های بنیادین مانند حاکمیت جهان‌بینی توحیدی اسلام، تقویت خلاقیت، علم و فناوری کمال‌آفرین، توانمندسازی، ثروت‌آفرین، تعامل فعال و الهام‌بخش با محیط جهانی و فرایندهای توسعه علم و فناوری در جهان باشد (ابراهیم صالحی عمران، فرناز عین خواه و سپیده بارانی، 2019) بنابراین نیاز به بازنگری اساسی در این حوزه، لازم و ضروری می‌باشد. این فرایند خود می‌تواند مددیار دولتمردان باشد. منوط به آنکه یک الگوی غالب کیفی در خصوص نحوه صحیح و مناسب مدیریت و حکمرانی مهارتی، تبیین گردد. گرچه تاکنون مطالعات و کارهای فراوانی در زمینه‌های کمی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام شده اما از لحاظ کیفی این مهم هنوز جای کار بسیار دارد. دلیل بارز و مبرهن آن نیز فقدان یک الگوی حکمرانی در سطح فروملی، محلی و منطقه‌ای برای آموزش‌های مهارتی می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

حکمرانی، روایتی نو از مفاهیمی همچون دموکراسی حقوق بشر، پاسخگویی مشارکت و حاکمیت قانون است و در عین حال، چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزش‌ها در یک‌جا جمع می‌شوند و با حداکثر همگرایی و هم‌سویی، اهداف توسعه انسانی؛ اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم دنبال می‌شود (سپیده عاطفه یگانگی، سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده طهران، 2016). (حبیب الله سالارزهی، 2016) در پژوهشی تحت عنوان «حکمرانی خوب در آموزش و پرورش» چارچوبی منطقی برای ارتقای وضعیت آموزش و پرورش ارایه کرده است. قدمت نظام آموزش و پرورش به اندازه تاریخ انسان‌هاست. خداوند با آفرینش آدم، این رسالت بزرگ را در اختیار انسان قرار داد تا با فراگیری علم و دانش بتواند سیر شناخت عظمت الهی را طی کند و به مقام قرب الهی و خودشکوفایی نزدیک شود. شاخص‌ها در قلمروی آموزش و پرورش تدوین سند ملی، منقطه‌ای و استانی آموزش و پرورش - نظام‌پذیری، انضباط، آموزش حقوق شهروندی در مدارس - هوشمندسازی، طراحی سامانه، استفاده از فناوری‌های آموزشی - تحقق

مطالبات صنفی معلمان، توجه به جنبه‌های تشویقی، رعایت - عدالت در تمامی ابعاد، توزیع منابع و امکانات، پرداخت‌ها و تشویق‌ها صرفه‌جویی در هزینه‌ها، استفاده از سیستم‌های مکانیزه، اتوماسیون اداری، استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی - پاسخ‌گویی در قبال افکار عمومی والدین و نهادهای مردمی - سرمایه‌گذاری در مؤلفه‌های پرورشی، اخلاقی و ارتقای وجدان کاری، تعهد و وظیفه‌شناسی در دانش‌آموزان، معلمان، مدیران مدارس و اولیا - توسعه فرهنگ مشارکتی و هیأت انمائی در مدارس، استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها و تشکل اولیا و مربیان - تشکیل کانون و باشگاه فارغ‌التحصیلان مدارس، مشارکت دانش‌آموزان.

(رضا منیعی، نادر سلیمانی، ناصر عباس زاده و سیدموسی طباطبایی، 2019) در پژوهشی طراحی و اعتباریابی الگوی حکمرانی تربیتی خوب در نظام آموزشی را بررسی کرده است. براساس یافته‌ها حکمرانی تربیتی خوب، به عنوان مقوله محوری بر مبنای شرایط علی، مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی غیرمتمرکز است و از طریق راهبردها و سیاست‌های محیط کلان و برقراری عدالت در آموزش و منابع، با در نظر گرفتن و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی و سرمایه‌گذاری آموزشی، محقق می‌شود و منجر به تحقق پیامدهای اثربخش بودن نظام آموزشی، رشد و توسعه آموزشی و ارتقای رتبه در مجامع بین‌المللی می‌گردد. همچنین نتایج اعتباریابی پژوهش نشان می‌دهد که اثر مستقیم مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی غیرمتمرکز بر پاسخگویی صریح در سطح، مثبت و معنادار است. همچنین اثر مستقیم پاسخگویی صریح، ایجاد اعتماد و وفای اجتماعی، حکمرانی مبتنی بر قانون، زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی، سرمایه‌گذاری آموزشی، عدم‌اعتقاد به تفویض اختیار و عوامل سیاسی بر سیاست‌های محیط کلان در سطح معنادار است.

دیورا در سال (2009) در مدلی بیان می‌دارد که حکمرانی سازمانی مؤثر در دانشگاه‌ها و موفقیت راهبردی، وابسته به فهم دقیق از نقش دانش و مدیریت آن است. نکته مهم این است که حکمرانی دانشگاهی مطلوب و موفقیت راهبردی، زمانی محقق می‌شود که ارزیابی دقیق و متناسبی در چارچوب‌های مبتنی بر مدیریت دانش انجام شود. در حال حاضر، مؤسسات مختلف و گاه سازمان‌های مردم‌نهاد در دنیا به موضوع ارزیابی حکمرانی دانشگاهی می‌پردازند؛ از جمله، انجمن رؤسای دانشگاه‌ها در انگلستان به عنوان یک مرجع مشخص و شفاف در اقدامات حکمرانی، خدمت می‌کند. این انجمن با رؤسای دانشگاه‌ها به طور منظم ملاقات می‌کند و ضمن دریافت نظرات آنها، به تأیید چشم‌انداز و بیانیه مأموریت دانشگاه‌ها و تعیین راهنمای مدیریت می‌پردازد و با مشخص کردن شاخص‌های کلیدی برای ارزیابی، معرفی استانداردها، برنامه‌ریزی راهبردی، تبیین اصول حکمرانی کسب‌وکار، نظارت مؤثر، امور مالی و حسابداری و هر آنچه موردنیاز یک حکمرانی مطلوب است، به آنها کمک می‌کند.

(محبوبه محمدعلی، 2019) در پژوهشی تحت عنوان «بایسته‌های حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران، کاستی‌های وضع موجود حکمرانی در ایران را در عوامل ذیل، احصا کرده است: بی‌توجهی به اصل تأکید بر تقاضا و پرهیز از تمرکزگرایی، عدم‌دخال بخش خصوصی در تأمین منابع، بی‌توجهی به نقش بخش خصوصی و شرکای اجتماعی در اهداف قانون، فقدان نظام جامع اطلاعات بازار کار و در نهایت، با بررسی‌های انجام شده می‌توان موارد زیر را به عنوان بایسته‌های حکمرانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران پیشنهاد کرد: ضرورت توصیف سیستم حکمرانی، ترسیم مدل حکمرانی از وضع موجود، مطلوب و روند اصلاح و توجه به قوانین و فرهنگ اسلامی در ترسیم نقطه مطلوب، ایجاد یک سیستم تعیین موقعیت نظام حکمرانی در شورای عالی، تشکیل صندوق ملی مهارت، تعیین نقش بخش خصوصی در مؤلفه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و الزام دستگاه‌های ذی‌ربط به تهیه نظام جامع اطلاعات بازار کار.

(سیدعلی حسینی تاش و قادری‌علی‌واثق، 2014) در پژوهشی تحت عنوان «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمومنین علی (ع)» به بررسی موضوع حکمرانی پرداخت. در این پژوهش، ابتدا حکمرانی خوب و شاخص‌های آن با روش توصیفی - تحلیلی بررسی و سپس حکمرانی شایسته و شاخص‌های آن از دیدگاه حضرت علی(ع) تجزیه و تحلیل شده است و در نهایت، تعدادی از شاخص‌های حکمرانی شایسته از دیدگاه آن حضرت با شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین‌الملل و اندیشمندان غرب مقایسه شده است. نتایج به‌دست

آمده نشان می‌دهد مصادیق دو نوع حکمرانی خوب و شایسته، بدین شرح است: الف) حکمرانی خوب که مبتنی بر ماده‌گرایی، دنیاگرایی و امانیسم است. این نوع حکمرانی اساساً به بعد مادی امور جامعه با محوریت انسان و با رویکرد این جهانی، توجه می‌کند. حکمرانی خوب عمدتاً از نظر شکلی، از عناصر و مؤلفه‌هایی مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تشکیل شده است. این مجموعه با هماهنگی یکدیگر، تصمیم می‌گیرند که قدرت در دست چه کسی باشد و چگونه اعمال شود. حکمرانی خوب از نظر محتوا، دارای مشخصه‌های بسیاری است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قانون، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد، مشارکت، اجتماع‌محوری، شفافیت، انصاف و عدالت، مسئولیت‌پذیری و رقابت. ب) حکمرانی شایسته که در واقع، مصداق بارز و عینیت خارجی آن، حکومت نبوی و علوی است.

در خصوص مبانی نظری حکمرانی آموزش‌های مهارتی، مطالعاتی انجام شده که در جدول 1 به خلاصه‌ای از آنها اشاره شده است.

سؤالات پژوهش

الف: سؤال اصلی

الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (مطالعه موردی استان تهران) (از دیدگاه خبرگان) چیست؟

ب: سؤال‌های فرعی

1. ابعاد سازنده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (از دیدگاه خبرگان) به ترتیب اولویت کدامند؟
2. مؤلفه‌های سازنده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (از دیدگاه خبرگان) به ترتیب اولویت چگونه است؟
3. شاخص‌های سازنده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (از دیدگاه خبرگان) چگونه است؟
4. ارزیابی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سازنده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (از دیدگاه کاربران) چگونه است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع آمیخته اکتشافی می‌باشد و از لحاظ اهداف، کاربردی، از نظر داده‌ها کیفی و از نظر ماهیت و نوع مطالعه، داده‌بنیاد نوظهور¹ است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه خبرگان حوزه حکمرانی آموزش‌های مهارتی تشکیل دادند که براساس روش نمونه‌گیری آگاهانه از نوع هدفمند گلوله برفی و اشباع نظری تعداد 30 نفر خبره حجم نمونه تعیین شد. ابزار پژوهش، یک فرم مصاحبه نیم‌ساختاریافته می‌باشد که براساس کدگذاری باز و کدگذاری محوری به دست آمد و سپس خبرگان، از طریق کدگذاری انتخابی با مصاحبه، فن دلفی و بارش فکری بر روی خبرگان اجرا کردند و پس از اشباع نظری، ابعاد مؤلفه‌ها و شاخص‌ها نهایی و اولویت‌بندی شد. مجدداً الگو براساس ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها ترسیم و خبرگان آنها را تأیید و اعتباریابی کردند.

اعتبار و روایی ابزار سنجش به مدد اجماع سه‌سویه به‌دست آمد. همچنین روش‌های گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه عمیق کلیه تئوری‌ها، مدل‌ها، یافته‌ها، الگوها، پژوهش‌ها اعم از ملی و جهانی انجام شد و سپس از طریق اجرا کدگذاری باز و بعد از آن اجرای کدگذاری محوری به منظور مقوله‌بندی شاخص‌ها در قالب ابعاد و مؤلفه‌ها و در مرحله بعدی، این مهم به صورت یک فرم مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تنظیم شد و از طریق مصاحبه عمیق فن دلفی و بارش فکری به مدد خبرگان و استمرار آن تا اشباع نظری دست یافته و در پایان منجر به احصای الگو، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

¹ Emerging Foundation Data

توسط خبرگان گردید. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به مدد روش کیفی، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد.

جدول 1. الگوهای حکمرانی آموزش‌های مهارتی

ردیف	نام الگو	نویسنده	سال	ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها
1	شاخص‌ها و استانداردهای حکمرانی خوب در سازمان‌های محلی	(امایت و میلز، 2009)	2009	نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش‌ها، شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی، پاسخگویی
2	حاکمیت خوب در برنامه‌ریزی فضای مشارکتی	(ریچل ام گیسلکوئیست، 2012) ¹	2012	پاسخگویی، مشروعیت، احترام، برابری و شایستگی، مشارکت و شناخت و ارزش‌گذاری دانش محلی
3	حکمرانی خوب بانک جهانی	(کافمن، کرای و لویاتون، 2016)	2016	حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد
4	حکمرانی خوب در سطوح ملی، محلی و منطقه‌ای	(کورپس، 2016)	2016	ارائه خدمات عمومی، مشارکت و صدای مدنی و تصمیم‌گیری با مسئولیت‌پذیری، بعد اول دارای مؤلفه‌های کارایی، اثربخشی و واکنش‌پذیری، بعد دوم دارای مؤلفه‌های مشارکت و برابری و جامعیت، بعد سوم دارای مؤلفه‌های پاسخگویی، شفافیت و قانون تساوی افراد
5	الگوی حکمرانی سازمانی مؤثر در دانشگاه‌ها	(دیبورا و مونیکا بلکمن، 2009)	2009	شاخص‌های کلیدی برای ارزیابی، معرفی استانداردها، برنامه‌ریزی راهبردی، تبیین اصول حکمرانی کسب‌وکار، نظارت مؤثر، امور مالی و حسابرسی
6	الگوی مفهومی اجرای حکمرانی در بنیاد حرفه‌آموزی اروپا	(سدیفوپ، 2014)	2014	دو مؤلفه اصلی و مهم یعنی نقش دولت‌ها و بخش خصوصی در دو خط عمودی و افقی ارائه شده است. خط عمودی، نماد بخش دولتی و نحوه دخالت نهادهای دولتی است و خط افقی، نمایانگر میزان دخالت بخش خصوصی و نهادهای دیگر در این بخش است.
7	الگوی توسعه کارآفرینی، آموزش و خط‌مشی‌های دولتی	(داوری و رضایی، 2006)	1385	بسترسازی برای کارآفرینی، آموزش، فرهنگ سازمانی، هدایت کارآفرینی در مرحله عمل، قانون‌گذاری، حمایت و پشتیبانی، تثبیت و نهادینه کردن کارآفرینی
8	الگوی راهبردهای حکمرانی خوب	(احمد میدری، 2006)	1385	افزایش رقابت در حوزه سیاسی و اقتصادی و همچنین پاسخگویی بیشتر دولت، رقابت گسترده‌تر، حق رای همگانی برای تمام مناصب انتخابی، تبعیض در قوانین و مقررات، گسترش ساز و کارهای مشورتی دولت، حمایت از سازمان‌های جامعه مدنی با پایگاه وسیع مردمی، جلوگیری از برخورد تبعیضی، جبران محرومیت‌های پیشین
9	الگوی آموزش نظام‌مند پیشنهادی حکمرانی دانشگاهی کشور	(افخمی روحانی، رحمان سرشت، مرجانی، 2008)	1387	حکمرانی دانشگاهی کشور در دو بعد کلی درونی و بیرونی، قابل ارزیابی است. حکمرانی درونی، به حقوق ذی‌نفعان داخلی مانند: استاد و دانشجو و کارمند توجه دارد و حکمرانی

¹ Rachel M Gisselquist, 2012

ردیف	نام الگو	نویسنده	سال	ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها
				بیرونی، به‌ذی‌نفعان بیرونی مانند: دولت، مجلس، جامعه و صنعت، متمرکز است.
10	الگوی حکمرانی خوب در آموزش و پرورش	(سالارزهی، 2016)	1391	افق راهبردی، حاکمیت قانون، وظیفه‌شناسی، کارایی و اثربخشی، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کیفی طی چهار مرحله انجام شد:

الف) کدگذاری باز: در این مرحله، پژوهشگران 185 شاخص را به مدد مطالعات ملی و جهانی و مصاحبه با خبرگان احصا کردند.

ب) کدگذاری محوری: در این مرحله 256 شاخص، در قالب 30 مؤلفه و 3 بعد به مدد مصاحبه با خبرگان، احصا شد. شایان ذکر است که به منظور جلوگیری از طولانی شدن متن مقاله، از ذکر جدول کدگذاری باز و محوری خودداری شده است.

ج) کدگذاری انتخابی: در این مرحله که توسط خبرگان انجام شد در مجموع برای الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی به ترتیب اولویت 3 بعد، 27 مؤلفه و 173 شاخص، نهایی گردید.

یافته‌های تحقیق

حکمرانی، آموزش‌های مهارتی ضروری و انکارناپذیری است که بدنه حکمرانی کشور به منظور سیاست‌گذاری و مدیریت مراکز آموزش مهارتی، بر اساس اسناد بالادستی، باید هرچه سریع‌تر به آن اهتمام ورزد و بر جامعیت و یکپارچگی و مطلوبیت آن توجه کند. نخستین یافته پژوهش در خصوص این پرسش است که الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (مطالعه موردی استان تهران) از دیدگاه خبرگان چیست؟ این نتیجه بیانگر آن است که الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (مطالعه موردی استان تهران) به شرح شکل 2 است:

الگوی مذکور مرکب از 3 بعد، 27 مؤلفه و 173 شاخص می‌باشد؛ بدین ترتیب تمامی افراد نمونه یافته‌های به‌دست‌آمده در بخش کیفی را تأیید کردند. در خصوص یافته به‌دست‌آمده از حیث هم‌سویی با سایر پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت یافته به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهشگرانی همچون (گیسلکوئیست، 2012) و (سالارزهی، 2016) هم‌خوانی دارد.

پاسخ سؤال فرعی اول پژوهش: ابعاد سازنده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (مطالعه موردی استان تهران) به ترتیب اولویت کدامند؟

الگوی مذکور که خبرگان اعتباریابی کرده‌اند مشتمل بر سه بعد است که این ابعاد به ترتیب اولویت عبارتند از: 1- آموزش‌های مهارتی و کارآفرین 2- حکمرانی، آموزش‌های مهارتی کیفی و بازارمحور می‌باشد.

پاسخ سؤال فرعی دوم پژوهش: مؤلفه‌های سازنده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (مطالعه موردی استان تهران) به ترتیب اولویت کدام است؟

در این بخش 27 مؤلفه سازنده به‌دست‌آمده که به ترتیب اولویت عبارتند از: تعلق به مردم، بازارگرایی، مشتری‌مداری، اشاعه اخلاق حرفه‌ای، تمرکززدایی، گسترش مدیریت جهادی، برقراری عدالت اجتماعی، رسالت‌محوری، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فرهنگ سازمانی، قانون‌گذاری، پشتیبانی، تشویق نخبگان مهارتی، بهروری، حق اظهارنظر، کیفیت قوانین و مقررات، ثبات سیاسی، کنترل فساد، پایداری، مشارکت، امنیت، وضعیت

کارآموز، صلاحیت حرفه‌ای مربیان، امکانات و تجهیزات مراکز آموزشی، کاربرد فناوری در آموزش، آموزش‌های مهارتی درون‌فردی، آموزش‌های مهارتی میان‌فردی.



شکل 2. الگوی استخراج شده حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی

پاسخ سؤال فرعی سوم پژوهش: شاخص‌های سازنده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی (از دیدگاه خبرگان) چگونه است؟

چهارمین یافته پژوهش حاضر بیانگر این است که هر کدام از مؤلفه‌های به‌دست‌آمده مرکب از چه شاخص‌هایی هستند.

در این بخش به شاخص‌های هر مؤلفه پرداخته شد؛ بعداً آموزش‌های مهارتی و کارآفرین که شامل مؤلفه‌ها و شاخص‌های مانند: 1. تعلق به مردم: زمینه‌سازی تشکیل مراکز آموزش‌های مهارتی محلی و مردمی، پایبندی به تعهدات اجتماعی، پاسخگویی مسئولانه، داشتن صداقت ارتباطی، قابلیت دسترسی عمومی، احترام به حقوق مردم. 2. بازارگرایی: زمینه‌سازی برای عرضه‌کنندگان بخش خصوصی، تثبیت قدرت خرید خدمات آموزشی برای مردم، تعیین حداقل عرضه، تدوین مکانیزم مناسب عرضه و تقاضا، وضع قوانین تشویقی و تنبیهی، تضمین کیفیت ارائه خدمات. 3. مشتری‌مداری: نظرسنجی از جامعه و کاربست آنها، ایجاد انجمن‌های مختلف در زمینه فعالیت‌های سازمانی، مدیریت کیفیت فراگیر (انتخاب نوع خدمات)، معرفی واضح مأموریت سازمان، شفاف‌سازی نحوه ارتباط

با سازمان، ارایه خدمت بر مبنای شاخص‌های استاندارد، رعایت حقوق متقاضیان، دریافت بازخورد و رسیدگی به نظرات، ارتقای آموزش‌های مهارتی براساس نیاز واقعی متقاضی، تدوین استراتژی‌های مشتری‌محور. 4. اشاعه اخلاق حرفه‌ای: تدوین منشور و خط‌مشی‌های اخلاقی سازمانی، نفی سلطه و جبر دولتی، مسئولیت‌پذیری در قبال حفظ بیت‌المال، دوری از اعمال نظرات شخصی، ممیزی اخلاقی فرایندها، پرهیز از دوباره‌کاری، داشتن وجدان و انضباط کاری، پاسخگویی به مردم در عرصه مسئولیتی، اعتمادآفرینی در فعالیت‌های کاری. 5. تمرکززدایی: مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها، تلاش برای شکوفاسازی استعدادهای کارکنان، تیم‌های پروژه‌ای. 6. گسترش مدیریت جهادی: پرکاری و خستگی‌ناپذیری در کار، پرهیز از ظن و گمان، شجاعت و جسارت برای تصمیمات بزرگ و خلاقانه، انتقادپذیری، داشتن روحیه تواضع و فروتنی، حضور مردمی (عزم ملی)، رعایت شایسته‌سالاری در عزل و نصب‌ها، حرکت مبتنی بر علم و مهارت، استفاده از تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کارکنان. 7. برقراری عدالت اجتماعی: دستیابی به عدالت آموزشی، اعتدال در فعالیت‌های آموزشی، ساده زیستی مسئولان، مقابله با ظلم و تضییع حقوق مخاطبان، لحاظ مساوات آموزشی، تأمین استقلال و آزادی مخاطبان، رشد و توسعه آموزش‌های مهارتی مادام‌العمر، ایجاد توازن در امور، شایسته‌سالاری در تفویض مسئولیت‌ها، قابلیت دسترسی سهل و آسان به آموزش‌های مهارتی برای عموم. 8. رسالت‌محوری: تدوین رسالت آموزش‌های مهارتی به صورت واضح و روشن، مسئولیت‌پذیری در قبال بیت‌المال، پاسخگویی به مردم در عرصه مسئولیتی، ریل‌گذاری متناسب با نیاز و تحولات محلی و منطقه‌ای، شناسایی ظرفیت‌های بومی و محلی. 9. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: شناسایی رشته‌های نوین آموزشی، ارائه آموزش‌های مهارتی موردنیاز بازار کار محلی و منطقه‌ای، ارائه آموزش‌های خوداشتغالی، ارائه آموزش‌های کارآفرینی، آموزش از طریق رسانه‌های جمع، ایجاد تناسب میان برنامه‌های آموزش مهارتی با نیازهای بازار کار، پرورش نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر، ایجاد هسته آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی در دولت، دوری از سیاست‌زدگی در آموزش‌های مهارتی. 10. فرهنگ سازمانی: ایجاد رویکرد در دولت نسبت به آموزش‌های مهارتی، ایجاد فرهنگ کارآفرینی در سطح ملی و فروملی، روش‌های فراسازمانی به‌منظور همه‌گیر شدن فرهنگ سازمانی، اجتماعی ساختن فرهنگ آموزش‌های مهارتی و کارآفرینانه، تقویت روحیه و فرهنگ توانمندسازی مهارتی در جامعه. 11. قانون‌گذاری: ارائه راهبردکلان ارتباط بین آموزش‌های عمومی و آموزش‌های مهارتی، تدوین قوانین مرتبط با وقف و خیرین آموزش‌های مهارتی، تدوین قوانین مرتبط با حق مالکیت مهارتی، تدوین آیین‌نامه قانون الزام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اشتغال به‌کار، قانون‌مداری در انتخاب رهبران آموزشی، تدوین سیاست‌های جذب نخبگان مهارتی، پرهیز از سیاسی کردن محیط و فضای آموزشی مراکز مهارتی، حمایت از حقوق مالکیت مهارتی و حسن اجرای آیین‌نامه‌ها، توسعه و گسترش بازار آموزش مهارتی، جلوگیری از خودکامگی و تبعض در آموزش‌های مهارتی، به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های قانونی برای ارتقای کمی و کیفی آموزش‌های مهارتی. 12. پشتیبانی: تدوین مسیر ارتقای شغلی کارکنان، ارتقای مداوم و سریع منابع آموزشی مهارتی، پشتیبانی استادکاران ماهر، اهتمام به واحدهای پژوهش و توسعه، شناسایی فرصت‌های جدید مهارتی، تسهیل فرایندهای ایجاد و انحلال آموزشگاه‌های آزاد مهارتی، ظرفیت‌سازی برای دسترسی به فناوری برتر، تهیه امکانات و تسهیلات مناسب برای آموزشگاه‌های آزاد مهارتی، برنامه تضمین اعتبار برای آموزشگاه‌های نوپا. 13. تشویق نخبگان مهارتی: اهدای جوایز مهارتی، ایجاد تشویق‌های مالی و حمایت‌های انگیزشی، پاسخگویی به نیازهای کارآفرینان مهارتی به‌منظور پیشگیری از جذب آنها توسط کشورهای خارجی، توسعه شبکه‌های نخبگان مهارتی. 14. حق اظهارنظر: نظارت همگانی توجه به اظهارنظر مخاطبان، شفافیت مالی در ارائه آموزش‌های مهارتی، ایجاد کانال‌های رسمی و غیررسمی جهت اظهارنظر و پاسخگویی، استفاده از مدل‌های پاسخگویی به عنوان ابزار کنترل و تضمین ارائه خدمات بهینه. 15. بهرووری: ساختارهای مناسب، درست و مفید با حقوق مکفی، توسعه مناسب زیرساخت‌های آموزش مهارتی به‌ویژه در سطح فروملی، مستقل، مسئولیت‌پذیر و نماینده عموم مردم، توسعه درآمدهای پایدار و تخصیص بودجه

به سطح فروملی و محلی، عدالت در استفاده متقاضیان از خدمات، میزان تحقق بیانیه چشم‌انداز و مأموریت‌ها، شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران عالی و رهبران آموزشی. 16. کیفیت قوانین و مقررات: به‌کارگیری قوانین پایدار و تضمین‌کننده آموزش‌های مهارتی، شفاف‌سازی در فرایند، به‌هنگام‌سازی نظام حقوقی. 17. ثبات سیاسی: جلوگیری از اعمال نظر گروه‌های فشار، پرهیز از سیاست‌بازی در آموزش‌های مهارتی، جلوگیری از فرار مغزها و نخبگان مهارتی. 18. کنترل فساد: برخورد با تخصیص غیربهبینه سرمایه انسانی، جلوگیری از تضاد منافع، مشوق‌های انگیزشی کارکنان و نظام پاداش قوی، افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، دموکراسی الکترونیک نوآور. 19. پایداری: مشارکت ذی‌نفعان در توسعه پایدار، رعایت اولویت‌های آموزش‌های مهارتی، توازن اجتماعی در آموزش‌های مهارتی، تقویت پایدار مهارت‌آموزی در راستای اشتغال، پایداری در نظام مدیریت کارآمد مراکز آموزش مهارتی. 20. مشارکت: مردم‌سالاری مشارکتی، مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط در آموزش‌های مهارتی، تدوین آیین‌نامه‌های مشارکت عمومی. 21. امنیت: جلوگیری از تخریب محیط‌های آموزش مهارتی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر محلی، مدیریت بحران و آمادگی در برابر حوادث، ایجاد امنیت شغلی با افزایش مهارت شاغلین، توسعه مهارت‌آموزی و اشتغال‌زایی جهت امنیت اجتماعی. 22. وضعیت کارآموز: وضعیت فردی، مکانی، زمانی و استعداد کارآموز، توانایی‌های ثانویه، وضعیت مالی و درآمدی، تعداد کارآموز به مربی و کارآموزمحوری. 23. صلاحیت حرفه‌ای مربیان: ارتباط و تعامل مناسب با کارآموز، تسلط بر محتوای آموزشی، سناریوسازی و انتخاب مناسب سناریو برای تدریس، ایجاد روح تعمق و تفکر در کارآموز، میزان تحصیلات، آموزش و مهارت مربی، پرهیز از مربی‌محوری، استفاده از روش‌های مناسب برای هر محتوا، آشنایی با سبک‌های ارزشیابی و سنجش. 24. امکانات و تجهیزات مراکز آموزشی: ایجاد ارتباط مناسب با صنعت و محتوای آموزشی، ابزار، تجهیزات، وسایل آزمایشگاهی و آموزشی، پشتیبانی سازمانی، فضای کارگاهی، کلاس، منابع مالی و حقوق کارکنان. 25. کاربرد فناوری در آموزش: وسایل کمک‌آموزشی الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی دخیل در آموزش، اینترنت کافی و لازم، بانک‌های اطلاعاتی مناسب، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و سایت‌های کامپیوتری. 26. آموزش‌های مهارتی درون‌فردی: آموزش آمادگی برای کار در شرایط مبهم، آموزش نوآوری و خلاقیت ضمن کار، آموزش جهت‌دهی به فعالیت‌های تجاری، آموزش مهارت مدیریت زمان و استفاده مطلوب از فرصت‌ها، آموزش مهارت انعطاف‌پذیری در شغل، آموزش مهارت اقتصاد خانگی و محاسبات اقتصادی، آموزش مهارت شخصی ارتباط‌گیری با دیگران، آموزش خطرپذیری و کارآفرینی، آموزش به‌کارگیری هوش اجتماعی، مهارت بهبود و یادگیری شخصی به صورت مادام‌العمر. 27. آموزش‌های مهارتی میان‌فردی: مهارت مدیریت زمان در فعالیت‌های گروهی و فرصت‌های شغلی، مهارت تبادل افکار و راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی، توانمندی کار تیمی در گروه‌های سازمانی به‌صورت عملی، مهارت پاسخگویی در حوزه شغل و وظیفه سازمانی، مجازی مهارت درک پویایی‌های گروهی و انجام همکاری، مهارت سخنرانی و رای‌زنی و انجام مذاکرات سازمانی، مهارت قدرت‌بخشی و الهام‌بخشی به دیگران، توانایی رهبری تصمیم‌گیری، ساماندهی زمان.

پاسخ سؤال فرعی چهارم پژوهش: ارزیابی الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی از دیدگاه

کاربران چگونه است؟

نتایج به‌دست‌آمده حاصل از تحلیل عاملی تأییدی، بیانگر تأیید همه شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی می‌باشد. یافته‌های به‌دست‌آمده نیز با سایر پژوهش‌های انجام گرفته مقایسه شد و به جرأت می‌توان گفت کامل‌ترین الگوی با توجه به هدفی که پژوهش حاضر به دنبال آن بود به‌دست آمد که با روش‌های علمی، تأیید شد.

بدیهی است به مدد این الگو می‌توان حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی و محلی را سنجید. تعامل بین خط‌مشی‌های دولت، مشارکت همه‌جانبه شرکای اجتماعی و ابعاد آموزش فنی و حرفه‌ای نیز تعیین‌کننده

الگوی مورد استفاده هر کشور خواهد بود؛ زیرا هر الگو ارتباط نزدیکی با آموزش اشتغال، استخدام، تولید، درآمد، فراگیری مهارت‌های بازار کسب‌وکار و در نهایت، برنامه‌های توسعه پایدار کشور خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

حکمرانی را می‌توان ارتقای فرایندهای اجتماعی و نفوذ حمایتی و هدایتی تعریف کرد که مکانیسم‌های مختلفی در آن درگیر است. برخی از این مکانیسم‌ها بسیار درهم‌تنیده‌اند و فقط از نقش‌آفرینان بخش دولتی سرچشمه نمی‌گیرند. حکمرانی، موضوعی درباره نحوه تعامل بین دولت‌ها و سایر نهادهای مدنی و اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط اینها با شهروندان و اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده است. حکمرانی، آموزش‌های مهارتی چارچوبی است که متکی بر فرایند است؛ بدین معنی که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای سیاست‌ها مشخص می‌کنند تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا شوند. با توجه به آنچه در پژوهش بیان شد می‌توان گفت حکمرانی، آموزش‌های مهارتی با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیادی در آن نقش دارند؛ از قبیل مردمی بودن، قانون‌مداری، برقراری عدالت در آموزش و تخصیص منابع، پاسخگویی صریح، مدیریت مشارکتی، برنامه‌ریزی غیرمتمرکز، ایجاد اعتماد و وفاق اجتماعی، زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی و سرمایه‌گذاری آموزشی و ... شایان ذکر است که کلیه این شاخص‌ها در حکمرانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مطرح هستند و نقش مؤثری دارند؛ از این‌رو دولت باید بتواند به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه با مشارکت بخش خصوصی و مدنی، به فعالیت در راستای دستیابی به توسعه پایدار بپردازد؛ بنابراین الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی با ویژگی‌هایی که دارد در تنظیم روابط دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی، به گونه‌ای عمل می‌کند که هریک از بخش‌ها با اثربخشی، به اهداف تعیین شده دست یابند، بازدهی فعالیت را حداکثر کنند و با همکاری تعاملی، حداکثر استفاده را از توان و ظرفیت‌های موجود داشته باشند. هرچه بخش دولتی، پاسخگوتر و کارآمدتر باشد، ثبات سیاسی، بیشتر، حاکمیت قانون، گسترده‌تر و فساد، محدودتر می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای دولتی که اداره امور را در دست دارند از پشتوانه انتخاب و اعتماد مردمی برخوردار خواهند شد و به عبارت دیگر، قدرت خود را بر اساس نوعی قرارداد اجتماعی کسب می‌کنند و فرایند قانونگذاری و نیز عملکرد دولت، از شفافیت قابل‌قبولی برخوردار خواهد شد و اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران و مدیران مهارتی، رعایت می‌شود. خدمات مهارتی، فنی و حرفه‌ای مورد نیاز جامعه، به صورت مطلوب، کارآمد و قابل اعتماد ارائه می‌شود و می‌توان زمینه‌های برقراری انصاف و عدالت آموزشی را در احاد مردم فراهم و نهادینه ساخت، همچنین دخالت‌های دولت در عرصه کسب‌وکار به حد بهینه محدود و نهادهای متوالی آموزش مهارتی، به تعهدات خود پایبند خواهند شد. برای ایجاد توسعه اقتصادی پایدار، داشتن یک مکانیسم مهارتی مناسب، لازم و ضروری است و این امر محقق نمی‌گردد مگر با سیاستگذاری و حکمرانی مناسب و نوع نگاه و اهمیت آن در بین مسئولین که بتواند وضعیت را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت کند.

اینها مواردی هستند که به نظر می‌رسد در صورت کاربست هریک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی آموزش‌های مهارتی در توسعه و کارآمدی نظام آموزش مهارتی و ارتقای کیفی آن، نقش اساسی و سرنوشت‌سازی ایفا خواهد کرد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود که:

- ساختار سازمان‌های دولتی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌منظور نهادینه شدن مؤلفه‌ها و شاخص‌های احصا شده الگوی حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی اصلاح شود.
- یک واحد مستقل برای ردیابی اشتغال و ظرفیت‌های بازار کار و هماهنگی نهادهای دولتی و خصوصی به‌منظور سیاست‌گذاری آموزش‌های مهارتی راه‌اندازی شود.

- زمینه‌ها و همکاری‌های لازم برای اجرای بهتر حکمرانی آموزش‌های مهارتی در سطح فروملی از طریق نهادهای مربوط فراهم شود تا بتوان از مزایای این نوع حکمرانی در راستای بهره‌مندی از امکانات و استعدادها بالقوه منطقه‌ای استفاده کرد.
- ایجاد پایگاه جامع داده‌ها تا کلیه مصوبات و آیین‌نامه‌های نهادهای مختلف به لحاظ تناسب و هم‌راستایی با سیاست‌های کلان، آموزش‌های مهارتی، اشتغال و فضای کسب‌وکار، پیگیری و رصد شوند.

محدودیت پژوهش

مهم‌ترین محدودیت پژوهش این است که پژوهش حاضر در جامعه خبرگان آموزش فنی و حرفه‌ای استان تهران انجام شده است؛ لذا می‌توانست در سطح وسیع‌تری شامل کلیه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشور اجرا شود که در این صورت، قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری داشت.

Reference

- Gisselquist, R. M. (2012). *Good governance as a concept, and why this matters for development policy*. WIDER Working Paper. <https://www.econstor.eu/bitstream/10419/81039/1/688432662.pdf>
- Hosseini Tash, S. A., & Wasegh, Q. A. (2014). Good governance and providing good governance to study and the characteristics of these two from the perspective of Amir al-Momenin. *Islam and Management Research*, 3(2), 7-28. <http://modiriyati.nashriyat.ir/node/79>
- Maidari, A. (2006). An introduction to the theory of good governance. *Social Welfare Research Quarterly*, 6(22), 261-287. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=56905>
- Maniei, R., Soleimani, N., Abbaszadeh, N., & Tabatabai, S. M. (2019). Designing and validating a model of good educational governance in the Iranian educational system. *Scientific Quarterly of Marine Science Education*, 3(6), 17-36. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=510415>
- Mohammad Ali, M. (2019). *The Governance Requirements of Technical and Vocational Education in Iran*. Research Center of the Islamic Consultative Assembly. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1373033>
- Salarzahi, H. (2016, August 9). A key to achieving human development and sustainable educational justice. *Good governance in education*.
- Salehi Omran, E., Einkhah, F., & Barani, S. (2019). Analysis of the position of skills training in the document of the comprehensive scientific map of the country. *Iranian Higher Education* 11(1), 1-38. <https://ihej.ir/article-1-1446-fa.html>
- Yegangi, S. A., Valvani, S. M., & Moemarzadeh Tehran, G. (2016). Prioritization of Good Governance Indicators in Efficient Organizations (Case Study: Qazvin Welfare Bank Branches). *Quarterly Journal of Public Management Mission*, 7(21), 1-9. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=275355>



Explaining the Empowerment Indicators of the Technical and Vocational University Based on the Characteristics of the Entrepreneurial University (Case Study: Bandar Abbas Technical and Vocational University)

Azadeh Ariana^{1*} , Karamollah Danesh Fard²

¹PhD Student, Department of Management and Humanities, Faculty of Management, Islamic Azad University, Qeshm International Branch, Hormozgan, Iran.

²Professor, Department of Management and Humanities, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Qeshm International Branch, Hormozgan, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 10.06.2020

Revised: 12.07.2020

Accepted: 22.09.2020

Keyword:

Entrepreneurship
Organizational
Entrepreneurship
Capability
Technical and Vocational
University

*Corresponding Author:

Azadeh Aryana

Email:

azadeharyana1394@gmail.com

ABSTRACT

Due to the emergence of the importance and role of entrepreneurs in recent decades, the holding of special training programs in various forms for the education and training of entrepreneurs at universities in different countries, both advanced and underdeveloped, has grown exponentially. This study aimed to evaluate and categorize the level of empowerment indicators of Bandar Abbas Technical and Vocational University to apply the characteristics of the Entrepreneurial University. The present study was applied in terms of purpose. The research method in terms of data collection logic was deductive in the first stage. To build the model, the qualitative method of content analysis was performed with the Corbin and Strauss approach. The statistical population included the qualitative stage of experts in the field of policy makers, researchers, managers and experts in the field of empowerment and entrepreneurship of the technical and professional university. Purposeful judgmental sampling methods were used. 10 experts in the field of university law were interviewed. The characteristics of the entrepreneurial university were divided into 16 main categories which are not included in this section due to the limited number of words. Entrepreneurship culture and students' mental growth played the most important role in empowering technical and professional universities.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796

مقاله پژوهشی

تبیین شاخص‌های توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین (مورد مطالعه: دانشگاه فنی و حرفه‌ای بندرعباس)

آزاده آریانا^{1*}، کرمانه دانش‌فرد²

- ۱- دانشجوی دکتری، دپارتمان مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، قشم، ایران.
- ۲- استاد، دپارتمان مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

به دلیل آشکارشدن اهمیت و نقش کارآفرینان در دهه‌های اخیر گذشته، برگزاری برنامه‌های آموزشی ویژه به شکل‌های متنوع برای آموزش و پرورش کارآفرینان در مراکز دانشگاهی کشورهای مختلف، اعم از پیشرفته و در حال توسعه رو به گسترش نهاده است. این پژوهش از نظر نتیجه جزو تحقیقات توسعه‌ای است؛ زیرا به دنبال ارزیابی و سطح‌بندی شاخص‌های توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در راستای به‌کارگیری ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین؛ دانشگاه فنی و حرفه‌ای بندرعباس می‌باشد. از لحاظ هدف، جزو تحقیقات کاربردی است؛ در واقع رویکرد پژوهشی به لحاظ منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقرای قیاسی است. در مرحله اول برای ساخت مدل از روش کیفی تحلیل محتوا با رویکرد کوربین و استروس انجام شد. جامعه آماری در مرحله کیفی را خبرگان حوزه سیاست‌گذاران، مدیران، محققان و خبرگان فعال در زمینه توانمندسازی و کارآفرینی دانشگاه فنی و حرفه‌ای تشکیل می‌دهد. از روش‌های نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند استفاده شده است. با 10 نفر از خبرگان حوزه حقوق دانشگاهی مصاحبه شد. فرهنگ کارآفرینی و رشد ذهنی دانشجویان، مهم‌ترین نقش را در توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای داشته است.

دریافت مقاله: 1399/07/15

بازنگری مقاله: 1399/09/17

پذیرش مقاله: 1399/09/19

کلید واژگان:

کارآفرینی
کارآفرینی سازمانی
توانمندی
دانشگاه فنی و حرفه‌ای
دانشجویان

*نویسنده مسئول: آزاده آریانا

پست الکترونیکی:

azadeharyana1394@gmail.com



مقدمه

در بازار رقابتی، نیاز مبرمی به توسعه و بهبود انعطاف‌پذیری و نیز پاسخگویی سازمان وجود دارد. امروزه بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها با رقابت فزاینده پایدار و نامطمئنی روبه‌رو هستند که به واسطه نوآوری‌های تکنولوژیکی، تغییر محیط‌های بازاری و نیازهای درحال تغییر مشتریان، شدت یافته است (هوشنگ تقی زاده، غفار تاری و سیدرضا موسوی، 2008). این وضعیت بحرانی، موجب اصلاحات عمده‌ای در چشم‌انداز استراتژیک سازمان، اولویت‌های کسب‌وکاری و بازبینی مدل‌های سنتی و حتی مدل‌های نسبتاً معاصر شده است. به عبارتی می‌توان گفت: رویکردها و راه‌حل‌های گذشته دیگر قابلیت و توانایی خود برای رویارویی با معضلات سازمانی و محیط بیرونی را از دست داده‌اند یا بهتر است با رویکردها و دیدگاه‌های جدیدی جایگزین شوند. از این‌رو، یکی از راه‌های پاسخگویی به این عوامل، تغییر و تحول سازمانی، کارآفرینی سازمانی است. برای همراه شدن با تحولات نوین جهانی و نیز رسیدن به جایگاه واقعی، کارآفرینی سازمانی می‌تواند سازمان‌ها را در رسیدن به این جایگاه یاری رساند؛ لذا شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مناسب برای کارآفرینی سازمانی می‌تواند سازمان‌ها را در راستای اهدافشان قرار دهد (محمود احمدپورداریانی و آصف کریمی، 2018). به دلیل آشکارشدن اهمیت و نقش کارآفرینان در دهه‌های اخیر، برگزاری برنامه‌های آموزشی ویژه به شکل‌های متنوع برای آموزش و پرورش کارآفرینان در مراکز دانشگاهی کشورهای مختلف، اعم از پیشرفته و در حال توسعه، رو به گسترش نهاده است که با بازنگری محتوای این دوره‌ها می‌توان به موضوعات کمابیش مشابه‌ای همانند آشنایی با کارآفرینی و خوداشتغالی، بازاریابی و فرصت‌های بازار، اصول امکان‌سنجی اقتصادی، آشنایی با قوانین تجارت و ایجاد شرکت خصوصی، مقررات مالی و عملیات بانکی، مقررات مالیاتی، مدیریت منابع مالی، اصول سازمان و مدیریت، مدیریت منابع انسانی، آشنایی با کارآفرینان موفق و تجارب آنها و ... اشاره کرد. محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی باید با مضامین و موضوعات مرتبط با شایستگی‌ها و قابلیت‌های موردانتظار از دانش‌آموختگان کارآفرین هم‌ساز باشد، از این‌رو، مباحثی همانند فنون اندیشه‌ورزی و تصمیم‌گیری، روابط عمومی و روابط انسانی، تبلیغات، سرمایه‌گذاری، مقابله با ورشکستگی، حقوق تجارت و کسب‌وکار، کار با نرم‌افزارها، روابط با مشتری، مدیریت عمومی، بهره‌گیری از مشاوران، امور فنی و دانش فناوری‌های مرتبط با زمینه کاری از جمله مضامین و موضوعات برنامه‌های درسی آموزش کارآفرینی در زمینه کسب‌وکار، مدیریت کارآفرینی و نظایر آن به شمار می‌رود. بسته به زمینه یا حوزه مورد نظر برای کارآفرینی یا گرایش تحصیلی و حرفه‌ای گروه‌های هدف آموزش کارآفرینی، می‌توان به این موارد مباحث دیگری نیز را افزود. بخشی از این سرفصل‌ها موضوعات و مباحث اصلی به شمار می‌آیند: مدیریت، سازمان، فلسفه وجودی و سیر تاریخی؛ کلیات (تعاریف، اهمیت، سیر تاریخی، رویکردها، آموزش)؛ گونه‌شناسی کارآفرینی؛ الگوهای راه‌اندازی و مدیریت شرکت‌ها (برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل)؛ گونه‌شناسی شرکت‌ها و نحوه ثبت آنها؛ مکاتبات اداری (نامه‌نگاری) و گزارش‌نویسی؛ خلاقیت و ایده‌پردازی؛ تدوین طرح کسب‌وکار؛ مدیریت راهبردی بر پایه شناسایی سیستمی و رویارویی مدبرانه با فرصت‌ها و تهدیدها، نقاط قوت و ضعف‌ها، معضلات و محدودیت‌ها، مسایل و راه‌حل‌های مرتبط؛ بازاریابی و مدیریت بازار؛ حسابداری و مدیریت مالی؛ کار تیمی؛ مدیریت زمان؛ کارآفرینی و مسایل حقوقی (بیمه، مالیات، تعرفه‌ها، صادرات و واردات، قوانین کار، مدنی، تجارت و ...). آشنایی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری (برای تأمین مالی طرح‌های کارآفرینی).

بخش دیگری از موضوعات نیز از مباحث تکمیلی به شمار می‌روند که می‌توان آنها را در برنامه درسی آموزش کارآفرینی گنجانید. از جمله این موضوعات می‌توان به این موارد اشاره کرد: آشنایی با کارآفرینان موفق در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی؛ مدیریت کیفیت در بنگاه‌ها و شرکت‌های کارآفرین؛ دستاوردها و پیامدهای کارآفرینی؛ نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ کارآفرینی سازمانی؛ کارآفرینی شرکتی؛ انواع کسب‌وکارهای خانگی، خانوادگی، تعاونی و ...؛ کارآفرینی در بخش‌های مختلف اقتصادی نظیر صنعت، کشاورزی و ...؛ مزیت‌ها و فرصت‌های موجود و آتی برای کارآفرینی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی (فرصت‌شناسی)؛ مسائل و معضلات پیش روی کارآفرینی و راهکارهای رویارویی و گذر از آنها؛ پرورش ویژگی‌های کارآفرینی از طریق آموزش؛ سازوکارهای ارتقای

قابلیت‌های کارآفرینی. ساده‌ترین توجیه برای اهمیت و ضرورت توجه به مسئولیت اجتماعی از سوی مدیران می‌توان به این امر اشاره کرد که نتیجه تصمیمات داخلی گرفته‌شده در بنگاه آموزشی، تأثیر شگرفی بر محیط کلان بیرونی در سطح ملی و بین‌المللی خواهد داشت. در واقع در اهمیت و ضرورت توجه سازمان‌ها به مسئولیت‌های اجتماعی‌شان فاکتورهای خارجی و داخلی وجود دارد، جهانی‌سازی و جریان آزاد اطلاعات منجر به حرکت سریع اخبار و اطلاعات می‌شود. این موضوع یک پیشرفت بزرگ است؛ زیرا اکنون کوچک‌ترین نقض تعهد رفتاری به سرعت مورد بررسی و اطلاع‌رسانی قرار می‌گیرد و می‌تواند زبان‌های فراوانی را به شرکت مربوطه وارد کند. از طرفی، تغییر انتظارات جامعه منجر به این شده است که امروزه مشتریان بیشتر از یک کالای ساده بخواهند، آنها علاقه‌مند به خرید از شرکت‌هایی هستند که ارزش‌های هم‌خوان و مطابق با ارزش‌های خودشان داشته باشند. در این میان، دانشگاه‌ها به عنوان حلقه واسط در تأمین نیروی انسانی متخصص نقش محوری در حمایت از طرح‌های هم‌سو با منافع عمومی اجتماعی و محیطی برای جامعه برخوردار می‌باشند که هم اکنون این مسئولیت خیلی شفاف نیست.

کارآفرینی

کارآفرینی را فرایند پویایی از تغییر بینش و بصیرت با ابتکار و نوآوری می‌داند. (پیتر فردیناند دراکر، 1985)¹ کارآفرینی را به مفهوم جستجوی دائمی برای تغییر، واکنشی در برابر آن و بهره‌برداری از آن به عنوان یک فرصت بیان می‌کند؛ از طرف دیگر شومپیتر، به عنوان کسی که برای نخستین بار این مقوله را در نظریات خود به صورت علمی بیان کرد، کارآفرینی را فرایند تخریب خلاق می‌داند (جعفر هزارجریبی، 2005). چرچیل² درباره کارآفرینی با نگاه متفاوتی معتقد است کارآفرینان باید بر حرکت‌ها و بهبودهای مستمری، متمرکز شوند که به صورت مداوم در پی بهره‌برداری از ریسک‌ها و فرصت‌های قابل کنترل باشد (مجتبی ناهید، 2009). رضائیان کارآفرینی را فراگرد شکار فرصت‌ها به وسیله افراد، بدون در نظر گرفتن منابع موجود در اختیار تعریف می‌کند و در اصل بر این مهم استوار است که کارآفرینان به هنگام تصور فرصت‌های جدید، محدودیت‌های منابع جاری را نادیده می‌گیرند (بیژن رضایی و ایوب پژوهان، 2019). (فرد ال. فرای، 1993)³ معتقد است کارآفرینی یعنی در هم آمیختن ویژگی‌های شخصی، ابزار مالی و منابع موجود در محیط کار که از راه فرایندی انجام می‌پذیرد و بقا می‌یابد (ناهید، 2009). کارآفرینی عبارت است از فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها و فرایندی است که منجر به ایجاد رضایتمندی یا تقاضای جدید می‌گردد (احمدپوردیانی و کریمی، 2018).

دانشگاه کارآفرین

طی سده اخیر، با گسترش فناوری و تحولات شگرفی که در روند زندگی انسان در جوامع مختلف ایجاد شد، دانشگاه‌ها نیز مأموریت‌های نوینی را برای خود به منظور کمک به توسعه جوامع تبیین کردند که از آن جمله می‌توان به توسعه پژوهش و پاسخ به سؤالات ذهن بشر در حیطه‌های مختلف اشاره کرد. بین مؤلفه‌های سبک رهبری مدیران با بهره‌وری کارکنان، در مجموع ارتباط معنی‌داری وجود دارد، رابطه بین ادراک کارکنان از سبک رهبری مدیران با بهره‌وری، در مجموع معنی‌دار است؛ این به آن معنی است که ادراک آنان از رفتار مدیران خود بر رفتار خود آنان اثر دارد (آذرچهر صحت و اصغر خلاق، 2012) لیکن تمرکز بر این مأموریت با واقعیت‌های موجود در هزاره سوم چندان منطبق نیست و این امر مهم، دانشگاه‌ها را بر آن داشت تا از گذار پژوهش نیز عبور کند و برای حیات خود در هزاره سوم، مأموریت ویژه‌ای را متصور شوند که آن مأموریت، کارآفرینی و خلق ثروت دانش‌بنیان است. دانشگاه‌های نسل سوم، علاوه بر این که همچنان عرصه تربیت منابع انسانی برای رفع نیازهای جوامع هستند و همچنین مهم اصلی پژوهش در عرصه‌های مختلف

¹ Peter Ferdinand Drucker, 1985

² N.Churcil

³ Fred L. Fry, 1993

نیز به حساب می‌آیند ولیکن به این امور بسنده نکردند و افق‌های تازه‌ای را در حوزه کارآفرینی، تعریف حیطه‌های نوین شغلی، خلق ثروت و ... برای خود گشوده‌اند. از این مجرا دانشگاه‌های هزاره سوم، نه تنها سربار دولت‌ها برای تأمین هزینه‌های خود نیستند بلکه به عنوان یک مغز متفکر و بازوی توانمند، در کنار دولت‌ها سعی در تأمین بخشی از سرمایه جوامع دارند. در هر دوره‌ای از تاریخ، گونه‌ای از دانشگاه تجلی کرده و آرام‌آرام جای خود را در یک جابه‌جایی پارادایمی به دانشگاهی دیگر می‌دهد. در قرون وسطی که دانشگاه پاریس مدل آن محسوب می‌گردد، دانشگاه یک نهاد اسکولاستیک بود که جستجوی راستی، صداقت و کشف حقیقت جهان و آموزش رهبران آینده جامعه را هدف خود قرار داده بود. اما در دوران خردگرایی، خلق دانش به دومین هدف دانشگاه تبدیل شد و خلق دانش بر پایه پژوهش استوار گردید و دانشمندان پژوهشگر، در دانشگاه نسل دوم، بسان طبقه جدیدی از نخبگان ظهور یافتند. دانشگاه همبولتی برلین، مدل دانشگاه نسل دوم است. در دانشگاه نسل دوم، استقرارگرای، راستی‌طلبی ملکوئی را به تجربه‌گرایی و تصدیق منطقی تئوری‌های ویژه و فرضیه‌ها تقلیل داد. در دانشگاه نسل سوم که نقش برجسته‌های آن هنوز در حال توسعه هستند، مأموریت سومی برای دانشگاه در فراتر از آموزش و پژوهش تعریف گردید که همانا انتقال توانمندی‌ها به جامعه است. بر اساس این تعریف، دانشگاه مجبور است که با دانشی که زایش می‌کند، برای جامعه نیز خلق ارزش کند. از این‌رو، دانشگاه نسل سوم، یک دانشگاه کارآفرین است. دانشگاه کمبریج مدل دانشگاه نسل سوم است. نخستین بار پروفیسور وایسما، استاد نوآوری و کارآفرینی در دانشگاه دلفت هلند، با تحلیل تاریخی، شکل‌گیری و دینامیسم دانشگاه‌های نسل سوم را در یک گذار پارادایمی توصیف کرد و کتاب پرمغز خود را با عنوان «به سوی دانشگاه نسل سوم» در سال 2009 به چاپ رساند (بوهان جی وایسما، هنری اتر کووتیز و آلن گیب، 2017).

اهمیت و نقش توانمندسازی نیروی انسانی در سازمان‌های امروزه

توانمند کردن افراد موجب می‌شود تا مدیران سریع‌تر و بدون اتلاف منابع به اهداف خود نائل شوند. توانمندسازی باعث می‌شود کارکنان، سازمان و شغل را از خود بدانند و از کار کردن در آن به خود ببالند. بدون توانمندسازی نه سازمان‌ها و نه مدیران نمی‌توانند در درازمدت کامیاب باشند. مدیر سازمان، مهم‌ترین عامل در توانمندسازی کارکنان می‌باشند؛ زیرا مدیر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تمام عوامل محیط سازمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مدیر با تفویض اختیار و قدرت بیشتر به کارکنان، دادن استقلال و عمل به آنان، فراهم کردن جو مشارکتی ایجاد فرهنگ کارگروهی و با حذف شرایطی که موجب بی‌قدرتی کارکنان شده است، بستر لازم را برای توانمندی افراد فراهم می‌کند (ناهید نادری، سعید رجایی پور و عبدالرسول جمشیدیان، 2008).

«باون ولاولر» (1992) مزایای توانمندسازی کارکنان در سازمان‌های خدماتی را به شرح زیر توصیف می‌کنند:

الف) کارکنان توانمند به نیازهای مشتریان در حین ارائه خدمات پاسخ‌های سریع و به‌موقع می‌دهند.

ب) افراد توانا به مشتریان ناراضی در حین عودت خدمات پاسخ‌های سریع و به‌موقع می‌دهند.

پ) کارکنان توانمند احساس بهتری نسبت به خود و شغلشان دارند.

ت) کارکنان توانا با مشتریان به گرمی و آغوش باز ارتباط برقرار می‌کنند.

ث) کارکنان توانمند می‌توانند منبع بزرگی از اندیشه‌های خدماتی باشند.

در دنیای کسب‌وکار امروزه هر سازمانی که نتواند سریع‌تر، ارزان‌تر، با کیفیت بالاتر از رقبای جهانی خود تولید کند از صحنه بازار حذف خواهد شد. در این میدان پرقاب، سازمان‌هایی می‌توانند موفق عمل کنند که از تمامی ظرفیت‌های خود بهره بگیرند. سازمان‌هایی که همچنان بر استفاده از الگوهای سنتی مدیریت که مبتنی بر سیستم‌های سلسله‌مراتبی و دستوری است اصرار می‌ورزند راه به جایی نخواهند برد (حسین قنبری، 2007). به واسطه تغییر محیط کسب‌وکار، مدیریت منابع انسانی (HRM) نیز لزوماً باید تغییر کند. نظر به ضرورت پاسخگویی به تغییرات، پیش‌بینی محیط، تغییرات و اتخاذ تصمیمات اثرگذار در خصوص آینده، مدیریت منابع انسانی باید تغییر کند. آینده غیرقابل پیش‌بینی

است و مشکل است تعیین کنیم که چه پیش خواهد آمد. از این رو انعطاف‌پذیری و کسب دانش کافی در جهت پاسخگویی به این عدم قطعیت‌ها مهم است (مهدی خیراندیش و علیرضا افشارنژاد، 2004). شاید در میان صاحب‌نظران، کارشناسان و دست‌اندرکاران صنعت کسی پیدا نشود که معتقد باشد انسان‌ها شالوده و بنیاد ثروت ملی هستند. سرمایه انسانی به معنای دانش، مهارت‌ها، انگیزش‌ها در سازمان است. برخلاف تصویری که سال‌ها پیش وجود داشت، تأسیسات گسترده، ماشین‌آلات زیاد و نوین، هیچ‌یک بدون داشتن نیروی انسانی کارآمد و توانا، سود چندانی برای شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نخواهد داشت و مدیران این گونه واحدها به‌زعم هزینه بسیار، سودی اندک خواهد داشت؛ سودی که پس از گذشت مدتی، تبدیل به زیان می‌شود (علی اکبر بابائی، 2003).

(آنتونیو پرنسپ، کریستین کورسی، ماریا جسوس رودریگز-گولیس، سارا فرناندز-لوپز و دیوید رودریو-پازوس، 2020)¹ به بررسی تأثیر اکوسیستم کارآفرینی منطقه‌ای و گسترش دانش در توسعه چرخه‌های موفق دانشگاه پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که زمینه‌های منطقه‌ای، بر رشد بنگاه اقتصادی فقط برای USOهای اسپانیایی تأثیر می‌گذارد، در حالی که برای USOهای ایتالیا شواهد به نظر می‌رسد که تأثیر تعیین‌کننده قابل توجهی ندارد. در این پژوهش شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد منطقه یک بعد زمینه‌ای مهم و یک عامل تأثیرگذار در ایجاد یک برنامه تحقیقاتی اکتشاف‌پذیرتر در مورد دانشگاه‌های کارآفرینی است. (هارون سیسن و مهمت علی اکمن، 2020)²، به بررسی داده‌های مربوط به عوامل شخصی و زمینه‌ای دانشجویان دانشگاه در مورد اهداف کارآفرینی آنها در برخی از دانشگاه‌های ترکیه پرداخته‌اند، نتایج نشان می‌دهد که عوامل شخصی مؤثرتر از عوامل زمینه‌ساز هستند. (ریکاردا بوونکن، مارتین راتزن، رومن بارونیسکی و ساشا کراوس، 2020)³، به بررسی فضاهای همکار: توانمندسازی برای کارآفرینی و نوآوری در اقتصاد دیجیتال و اشتراکی پرداخته‌اند، رضایت بالای کار می‌تواند در سه بخش مختلف مربوط به: (الف) مهارت تهیه مکان، (ب) دانش مکانی و (ج) مکان اجتماعی اتفاق بیفتد. یافته‌های پژوهش به چگونگی تأثیر شرکت‌های فعلی و CWS در رضایت شغلی و توانمندسازی نوآوری و عملکرد کارآفرینی کمک می‌کند (اینگرید واکی، پیتر ون در سیدج، کریستیان ووپل و کارمیندر قومان، 2019)⁴، در پژوهشی به بررسی نقش دانشگاه در توسعه پایدار: فعال کردن دانشمندان کارآفرینی به عنوان عوامل تغییر پرداخته است، این مطالعه به معرفی دانشگاه‌های کارآفرینی کمک می‌کند تا ابتدا با معرفی دانشگاه‌ها به عنوان محرک‌های تغییر پایدار از طریق آموزش و دسترسی، به جای فعالیت‌های تجاری‌سازی سنتی و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و دوم، خطرات و ارزش ایجاد فضای جداگانه‌ای برای مفاهیم جدید جهت توسعه پایدار را قبل از بازگشت این مفاهیم به محل اصلی نشان دهد (گوستاوو دالمارکو، ویلم هالسنیک و گیلهرم وی. بلویس، 2018)⁵. پژوهشی با عنوان ایجاد دانشگاه‌های کارآفرینی در یک اقتصاد نوظهور: شواهدی از برزیل انجام داده‌اند، مفهوم دانشگاه کارآفرینی با هدف ترویج انتقال دانش آکادمیک به شرکت‌ها و تقویت رشد اقتصادی و اجتماعی است. نتیجه اصلی تحقیق این است که بیشتر مبتدی‌های دانشگاهی بر پایه فناوری‌های خود کارآفرین هستند نه براساس اختراعات دانشگاه. کیفیت آموزش کارآفرینی علاوه بر ارتباط نزدیک با تحقیقات کاربردی، دانشگاهیان را ترغیب می‌کند تا برنامه‌های تجاری خود را به سرمایه‌گذاری‌های نوپا تبدیل کنند. در نتیجه، اگر چه سرمایه‌گذاری‌های جدید مبتنی بر ثبت اختراعات دانشگاهی نیست اما وقتی صحبت از تحولات اجتماعی و اقتصادی می‌شود، نقش فعال و پویا ایفا می‌کنند.

¹ Antonio Prencipe, Christian Corsi, María Jesús Rodríguez-Gulías, Sara Fernández-López & David Rodeiro-Pazos, 2020

² Harun Sesen & Mehmet Ali Ekemen, 2020

³ Ricarda Bouncken, Martin Ratzmann, Roman Barwinski & Sascha Kraus, 2020

⁴ Ingrid Wakkee, Peter Van Der Sijde, Christiaan Vaupell, Karminder Ghuman, 2019

⁵ Gustavo Dalmarco, Willem Hulsink & Guilherme V. Blois, 2018

(ایلی میهای تاوسیان، آنا گابریلا استراوتی و مونیکا تیون، 2018)¹، پژوهشی با عنوان نقشه‌راه به دانشگاه کارآفرینی (مطالعه موردی) انجام داده‌اند، مطالعه موردی دانشگاه با توجه به تجزیه و تحلیل نتایج نظرسنجی در نظر گرفته شده است. همچنین، پیشنهادی برای یک نقشه‌راه نیز ارائه شده است که روش تبدیل شدن به یک دانشگاه کارآفرینی را نشان می‌دهد. (دیوید اوربانو، سباستین آپاریسیو، ماریل گونرو، ماریا نوگورا و جوآن تورنت-سلنس، 2017)²، به بررسی تعیین‌کننده‌های نهادی کارآفرینان کارفرمای دانشجویی در دانشگاه‌های کاتالونیا پرداخته‌اند، یافته‌های اصلی نشان می‌دهد که عوامل رسمی (برانگیخته نشدن انگیزه در دانشگاه برای ایجاد مشاغل جدید، دانش کارآفرینی، آموزش و مهارت و آموزش کارآفرینی) با کارآفرینان دانشجویی نسبت به مؤسسات غیر رسمی (الگوهای نقش، الگوهای اجتماعی کارآفرین و ترس از شکست) ارتباط دارد. با وجود این به نظر نمی‌رسد چهره اجتماعی کارآفرین تأثیری در تصمیم کارآفرینی دانشجویان دانشگاه داشته باشد، سایر متغیرهای مورد بررسی از نظر آماری دارای اهمیت هستند و با کارآفرینی به عنوان یک انتخاب مرتبط هستند. (اوفوک گور، ایکبال سینمدن و اوزلم کوندی، 2017)³، در پژوهشی به ارزیابی انتقادی از شاخص‌های دانشگاه‌های کارآفرینانه و نوآورانه در ترکیه: (جهت‌گیری آینده) پرداخته‌اند، با توجه به دیدگاه‌های موجود در مؤسسات آموزش عالی ارزیابی شده است و حوزه‌هایی برای پیشرفت مورد بحث قرار گرفته است، علاوه بر این، ارزیابی استاندارد دانشگاه‌ها با روش رتبه‌بندی و با ارائه یک چارچوب مفهومی مبتنی بر پویایی غیرخطی تفکر سیستم‌ها استدلال شده و در نتیجه، جهت‌های بعدی در زمینه تحقیق، سیاست و مدیریت دانشگاه ارائه شده است و این نظریه را ارائه داده است که اکوسیستم دانشگاه کارآفرینی نیاز به یک رویکرد نوآورانه در همه ابعاد دارد. (هنری اترکویتز، 2017)⁴، به نوآوری راهنما: دانشگاه کارآفرینی در یک دانش پایه‌ای و راهنما پرداخته است دانشگاه‌های MIT و استفورد داده‌های تجربی را برای برون‌یابی از یک مدل توسعه منطقه‌ای مبتنی بر دانش ارائه می‌دهند که به‌طور فزاینده‌ای در ایالات متحده و جهان گسترش یافته است؛ لذا، مفاهیم اجتماعی دیالکتیکی بین سرمایه‌گذاری دانش و سرمایه‌گذاری بررسی شده است. پژوهشگران بر نقش شایستگی‌های کارآفرینانه در بروز رفتار کارآفرینانه و آغاز یک کسب‌وکار تأکید دارند و شایستگی‌های کارآفرینانه را جزء مهمی از فرایند رویداد کارآفرینی می‌دانند (ملاحات حسنی و حسین مهدی زاده، 2020).

اهمیت تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه به‌عنوان یکی از عناصر حیاتی رفتار کارآفرینانه و همچنین یکی از مفاهیم محوری تعریف کارآفرینی، در بسیاری از تحقیقات حوزه کارآفرینی ذکر شده است و از آن به‌عنوان قلب کارآفرینی نام می‌برند (علی عبدی جمایران، آذرچهر صحت و الهه حسینی، 2017).

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نتیجه، جزو تحقیقات توسعه‌ای قلمداد می‌گردد؛ زیرا به دنبال طراحی مدل تحلیل تفسیری-ساختاری توانمندسازی براساس ابعاد دانشگاه کارآفرین می‌باشد. از لحاظ هدف انجام، این تحقیق جزء تحقیقات کاربردی است. در واقع رویکرد پژوهشی این مطالعه به لحاظ منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقرا-قیاسی است؛ بدین منظور ابتدا با بررسی مبانی نظری و تئوریک تحقیق مولفه‌های اصلی و فرعی و شاخص‌های مؤثر بر توانمندی شناسایی و در قالب چک‌لیست امتیازی تهیه و تدوین گردید و بر مبنای رویکرد قیاسی تلاش شد از طریق روش تحلیل محتوا شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقیق تأیید گردید، سپس براساس روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری عوامل مؤثر طراحی گردید. در این

¹ Ilie Mihai Taucean, Ana Gabriela Strauti & Monica Tion, 2018

² David Urbano, Sebastian Aparicio, Maribel Guerrero & Joan Torrent-Sellens, 2017

³ Ufuk Gür, İkbâl Sinemden Oylumlu & Özlem Kunday, 2017

⁴ Henry Etzkowitz, 2017

پژوهش از روش قیاسی برای تحلیل محتوای پرسش‌های با پاسخ باز و مصاحبه‌های ساختار یافته تکمیلی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، براساس روش ارزیابی انتقادی و بررسی مقالات و تحقیقات مشابه بود که با استفاده از امتیازبندی مولفه‌ها و علل کارآفرینی، توانمندسازی از طریق چک لیست امتیازی طراحی شده و روش تحلیل محتوا انجام پذیرفت. برای این کار طبق هماهنگی‌های قبلی، چک لیست‌های امتیازی طراحی شده، در اختیار اعضای پانل (خبرگان) شامل 15 نفر از خبرگان دانشگاهی به دلیل تسلط بر مبحث کارآفرینی و کارآفرینی دانشگاهی قرار داده شد. در بخش کمی تحقیق، پس از تأیید مؤلفه‌های تحقیق در بخش کیفی، از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته، تأثیر شاخص‌های تأیید شد، مؤلفه‌های فرعی شناسایی شده بر توانمندی، بررسی و آزمون شد. جامعه آماری این پژوهش در مرحله کیفی خبرگان حوزه سیاست‌گذاران، مدیران، محققان و خبرگان فعال در زمینه توانمندسازی و کارآفرینی دانشگاه فنی و حرفه‌ای تشکیل می‌دهد. در این پژوهش از روش‌های نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند استفاده شده است. پس از تعیین متغیرهای تحقیق، واحدهای تحلیل محتوا (مضمون، مقوله و نشانگرها) مشخص شد. بدین ترتیب، در این پژوهش 16 مقوله اصلی تعریف شده است. با توجه به سؤالات مطرح شده، مضمون‌ها و مقوله‌های تعریف شده، پاسخ‌های هر یک از پاسخگویان در زیرمجموعه یکی از مقولات قرار گرفت و در نهایت پس از جمع‌بندی پاسخ‌های مربوط به هریک از خبرگان، گزینه‌های مربوط به کارآفرینی اجتماعی، تعیین شد. به همین ترتیب، سایر پاسخ‌های باز و پاسخ‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌های تکمیلی، مقوله‌بندی و تحلیل شدند و در نهایت مجموع پاسخ‌های تحلیل شده، برای تعیین عوامل مورد استفاده قرار گرفتند. در جدول 1، مضمون‌ها، مقولات و نشانگرهای آن، ارائه شده است. لازم به توضیح است در جدول، تنها به نشانگرهایی اشاره شده است که بیش‌ترین فراوانی و تکرار را داشته و از اهمیت بیشتری در شناسایی مقوله‌های تحقیق برخوردار بوده‌اند. در عمل، محقق نشانگرهای بیشتری را برای شناسایی محتوای پاسخ‌های پاسخگویان به کار برده است.

جدول 1 مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

مقوله‌های فرعی	مفاهیم اصلی
توسعه ارزش‌های کارآفرینی	- دانشجویان به‌وسیله احساس تحریک می‌شوند.
	- دانشجویان می‌توانند یک تجربه منطقی داشته باشند.
	- برانگیخته شدن احساسات و به دنبال آن تجربه ادراکی.
	- تلاش برای توسعه ارزش‌های رفتاری، عاطفی و شناختی.
	- پیوند بین ویژگی‌های فردی و اجتماعی.
ذهن‌گرایی خلاق	- تجربه ارزشمند دانشجویان.
	- افزایش بصیرت دانشجویان به دلیل ارتباط با استادان
	- آموزش‌های دانشجویان و آگاهی آنها از ارتباط با استادان
	- داشتن برنامه آموزشی
	- وظیفه شناسی در مقابل دانشجویان
فرهنگ کارآفرینی	- آگاهی استادان و پرسنل دانشگاه از مسئولیت‌های دوطرفه با دانشجویان
	- اصلاح ارتباطات داخلی برای خدمات‌دهی بیشتر به دانشجویان.
	- فعال کردن دانشجویان
	- فراهم کردن ارزش‌های اضافی برای دانشجویان
	- ایجاد رابطه مؤثر با دانشجویان
	- رابطه عمیق با دانشجویان کارآفرین
	- راهبرد قوی جهت حفظ دانشجویان کارآفرین
	- تداوم ارائه خدمات دانشگاهی به کارآفرینان
	- فرهنگ کارآفرین‌گرایی در دانشگاه
- توانایی دوراندیشی دانشجویان	

مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی
- شناخت ذهنی دانشجویان - تداعی توانمندی‌سازی - پویایی ذهن دانشجویان - حساسیت دانشجویان در درک واقعیت‌ها - نگاه دوراندیش و بلندمدت دانشجویان	توسعه ذهنی دانشجویان
- آموزش دانشجویان در زمینه‌های تخصصی نقش مشاوره برای دانشجویان - ایجاد باشگاه دانشجویان - اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی آگاهی دانشجویان از مسئولیت‌ها و قوانین - آگاهی دانشجویان از اهداف سازمانی و خدمت‌رسانی	توانمندسازی دانشجویان
- دانش و تجربه صنعتی - دانشجویان دانشی - وضعیت ساختاری دانشگاه‌ها - تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری - افزایش رقابت در بین دانشجویان	قابلیت‌های دانشجویان
- تمایز میان دانشجویان به لحاظ نیازها - انتظار دانشجویان از ارائه‌دهنده امکانات - شناخت روحیات، رفتار و عواطف دانشجویان - تعامل با دانشجویان و ارتباط با وی و توسعه این ارتباطات - پاسخگویی به نیازهای دانشجویان - فهم و درک دانشجویان از امکانات تحصیلی و رفاهی که دانشگاه به آنها ارائه می‌کند. - درک بینش دانشجویان - نگرش عمیق دانشجویان درباره هزینه‌ای که پرداخت می‌کند. - شناخت تصاویر ذهنی دانشجویان نسبت به امکانات دانشگاه.	درک و انتظارات دانشجویان از امکانات دانشگاه
- ایجاد رضایتمندی دانشجویان - اهمیت دادن و احترام به دانشجویان به لحاظ وقت و هزینه - ارائه امکانات بهتر با هزینه کمتر به دانشجویان - ایجاد تجربه‌ای متمایز برای دانشجویان - ایجاد ارزش اضافی برای دانشجویان - ویژه‌سازی امکانات - پاسخگویی سریع و به‌موقع به دانشجویان - ارتباط با دانشجویان	ارزش‌آفرینی چندگانه برای دانشجویان
- رابطه، دیدگاه و نگرش مثبت دانشجویان - پذیرش دانشجو - رضایتمندی از کیفیت امکانات دانشگاه	تعاملات سازنده
- دفاع از کارکردهای دانشگاه - حساسیت دانشجو به روش تدریس - افزایش اعتماد و اطمینان به دانشجو	حمایت‌گرایی
- بهبود عملکرد آموزشی - بهبود سرمایه‌گذاری در بخش بازار کار - کاهش نیروهای مازاد و غیرفعال	ایجاد سودآوری
- تشکیل باشگاه دانشجویان - ایجاد زنجیره ارزش با دانشجویان - حفظ و گسترش روابط بلندمدت با دانشجویان	بهبود قابلیت‌های ارتباطی با دانشجویان

مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی
- صرفه‌جویی در زمان - طراحی یک برنامه سودآوری برای آینده - طراحی برنامه بلندمدت و هدفمند	افزایش قدرت پیش‌بینی در آینده
- ایجاد استاندارد - ارائه امکانات یکپارچه به دانشجویان - امکانات جدید و باکیفیت - تداوم کیفیت و دقت در ارائه امکانات به دانشجویان	ارتقای کیفیت امکانات آموزشی
- رفع نیازهای عمومی - اعتماد عمومی نسبت به ارتقا - ایجاد یک فرایند مبتنی بر ارزش در سطح دانشگاه	پیشرفت کاری
- سرمایه‌گذاری در دانشگاه - ایجاد درآمد برای استادان - تغییرات مثبت در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه	ایجاد سرمایه اقتصادی و اجتماعی

به منظور تأیید روایی پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته، از روش روایی محتوای (CVR) استفاده گردید که بر این اساس از 15 نفر از اعضای پانل خواسته شد، براساس جدول 1، امتیاز لازم به هر مؤلفه داده شود. نتیجه به‌دست آمده مشخص کرد با توجه به اینکه مقدار CVR مقیاس بزرگ‌تری از 0/49 است، اعتبار محتوایی مؤلفه‌های تحقیق تأیید گردید.

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

فرمول 1. روش روایی محتوایی

در این رابطه n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه ضروری پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه‌شده از مقدار جدول، بزرگ‌تر باشد اعتبار محتوای آن آیت‌م پذیرفته می‌شود. به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ضریب کرونباخ 0/759 می‌باشد که بالاتر از 0/7 است.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش شامل 16 معیار می‌باشد که در جدول 2 معرفی شده‌اند.

جدول 2. معیارهای مؤثر توانمندی دانشگاه مبتنی بر دانشگاه کارآفرین

معیار	کد
توسعه ارزش‌های کارآفرینی	C1
ذهن‌گرایی خلاق	C2
فرهنگ کارآفرینی	C3
توسعه ذهنی دانشجویان	C4
توانمندسازی دانشجویان	C5
قابلیت‌های دانشجویان	C6
درک و انتظارات دانشجویان از امکانات دانشگاه	C7
ارزش‌آفرینی چندگانه برای دانشجویان	C8

کد	معیار
C9	تعاملات سازنده
C10	حمایت‌گرایی
C11	ایجاد سودآوری
C12	بهبود قابلیت‌های ارتباطی با دانشجویان
C13	افزایش قدرت پیش‌بینی در آینده
C14	ارتقای کیفیت امکانات آموزشی
C15	پیشرفت کاری
C16	ایجاد سرمایه اقتصادی و اجتماعی

نتایج روش ISM

در گام اول، ماتریس خودتعاملی ساختاری پژوهش را با استفاده از نظر پاسخ‌دهندگان تشکیل می‌دهیم که در جدول 3 آورده شده است. در این گام، خبرگان معیارها را به صورت زوجی با یکدیگر در نظر می‌گیرند و بر اساس زیر به مقایسات زوجی، پاسخ می‌دهند؛ یعنی در هر مقایسه، دو معیار از حروف V, A, X, O را بر اساس تعاریف زیر استفاده می‌کنند.

V: عامل سطر i باعث محقق‌شدن عامل ستون j می‌شود.

A: عامل ستون j باعث محقق‌شدن عامل سطر i می‌شود.

X: هر دو عامل سطر و ستون باعث محقق‌شدن یکدیگر می‌شوند (عامل i و j رابطه دوطرفه دارند).

O: بین عامل سطر و ستون، هیچ ارتباطی وجود ندارد.

در گام دوم باید ماتریس دستیابی اولیه را با تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد صفر و یک (دو ارزشی) تشکیل داد.

در گام سوم باید ماتریس دستیابی اولیه را سازگار کرد. این سازگاری با استفاده از روابط ثانویه که ممکن است وجود نداشته باشند به ماتریس دستیابی اولیه افزوده می‌شوند. در جدول 5 سلول‌های که با 1* نشان داده شد روابطی هستند که در ماتریس سازگار شده ایجاد شده‌اند.

جدول 3. ماتریس خودتعاملی ساختاری

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
C1	-	x	x	x	v	v	v	V	v	o	o	o	o	o	o	O
C2	x	-	x	x	v	v	v	O	o	o	o	o	o	o	o	O
C3	x	x	-	x	v	v	v	O	o	v	v	v	v	v	o	O
C4	x	x	x	-	x	v	o	O	o	o	o	o	o	o	v	V
C5	o	o	o	x	-	v	x	X	x	x	x	x	o	o	o	O
C6	o	o	o	o	o	-	x	X	x	x	x	x	o	o	v	V
C7	o	o	o	o	x	x	-	X	x	x	x	x	o	o	v	V
C8	o	o	o	o	x	x	x	-	x	x	x	x	o	o	v	V
C9	o	o	o	o	x	x	x	X	-	x	x	x	o	o	o	O
C10	o	o	o	o	x	x	x	X	x	-	x	x	o	o	o	O
C11	o	o	o	o	x	x	x	X	x	x	-	x	o	o	o	O

	C 1	C 2	C 3	C 4	C 5	C 6	C 7	C 8	C 9	C 10	C 11	C 12	C 13	C 14	C 15	C 16
C12	o	o	o	o	x	x	x	X	x	x	x	-	o	o	o	O
C13	o	o	o	o	o	o	o	O	o	o	o	o	-	x	x	X
C14	o	o	o	o	o	o	o	O	o	o	o	o	x	-	x	X
C15	o	o	o	o	o	o	o	O	o	o	o	o	x	x	-	X
C16	o	o	o	o	o	o	o	O	o	o	o	o	x	x	x	-

جدول 4. ماتریس دستیابی اولیه

	C 1	C 2	C 3	C 4	C 5	C 6	C 7	C 8	C 9	C 10	C 11	C 12	C 13	C 14	C 15	C 16
C1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0
C2	1	0	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C3	1	1	0	1	1	1	1	0	0	1	1	1	1	1	0	0
C4	1	1	1	0	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1
C5	0	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0
C6	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1
C7	0	0	0	0	1	1	0	1	1	1	1	1	0	0	1	1
C8	0	0	0	0	1	1	1	0	1	1	1	1	0	0	1	1
C9	0	0	0	0	1	1	1	1	0	1	1	1	0	0	0	0
C10	0	0	0	0	1	1	1	1	1	0	1	1	0	0	0	0
C11	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	1	0	0	0	0
C12	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
C13	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1
C14	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	1
C15	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	1
C16	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	0

جدول 5. ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده

قابلیت نفوذ	C 1	C 2	C 3	C 4	C 5	C 6	C 7	C 8	C 9	C 10	C 11	C 12	C 13	C 14	C 15	C 16	
C1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1*	16
C2	1	1	1	1	1	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1*	16
C3	1	1	1	1	1	1	1	1*	1*	1	1	1	1	1	1*	1*	16
C4	1	1	1	1	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1	1	16
C5	1*	1*	1*	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1*	1*	14
C6	0	0	0	0	1*	1	1	1	1	1	1	1	1*	1*	1	1	12
C7	0	0	0	1*	1	1	1	1	1	1	1	1	1*	1*	1	1	13
C8	0	0	0	1*	1	1	1	1	1	1	1	1	1*	1*	1	1	13
C9	0	0	0	1*	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1*	1*	11
C10	0	0	0	1*	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1*	1*	11

قابلیت نفوذ	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	1
C11	0	0	0	1*	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1*	11
C12	0	0	0	1*	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1*	11
C13	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	4
C14	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	4
C15	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	4
C16	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	4
میزان ولیسگی	5	5	5	11	12	12	12	12	12	12	12	12	12	11	11	16	16

در گام چهارم باید بر اساس ماتریس دستیابی سازگار شده سطوح هر متغیر را به‌دست آورد. مجموع متغیرهای ورودی و خروجی و اشتراک را محاسبه می‌کنیم. در هر تکرار اگر متغیر خروجی با متغیر اشتراک برابر بود آن تکرار سطح نام می‌باشد. سپس در تکرار بعد سطر و ستون آن متغیر از ماتریس حذف می‌شود و دوباره محاسبات صورت می‌گیرد. نتایج در جدول 6 آورده شده است.

جدول 6. معیارهای سطح 1

سطح	اشتراک	ورودی	خروجی	نام معیار
	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C1
	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C2
	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C3
	C1C2C3C4C5C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C4
	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C5
	C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C6
	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C7
	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C8
	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C9
	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C10
	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C11
	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C12
1	C13C14C15C16	C1C2C3C4C6C7C8C13C14C15C16	C13C14C15C16	C13
1	C13C14C15C16	C1C2C3C4C6C7C8C13C14C15C16	C13C14C15C16	C14
1	C13C14C15C16	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C13C14C15C16	C15
1	C13C14C15C16	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12C13C14C15C16	C13C14C15C16	C16

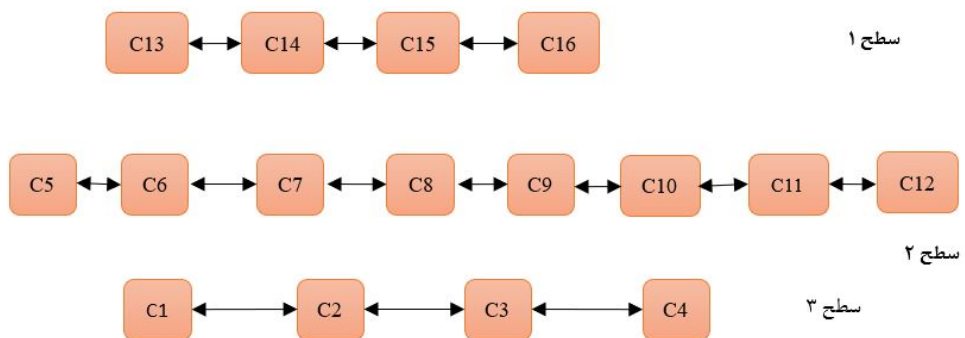
جدول 7. معیارهای سطح 2

سطح	اشتراک	ورودی	خروجی	نام معیار
	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1
	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C2
	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C3
	C1C2C3C4C5C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4
2	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C5
2	C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C5C6C7C8C9C10C11C12	C6
2	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C7
2	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C8
2	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C9
2	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C10
2	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C11
2	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C4C5C6C7C8C9C10C11C12	C12

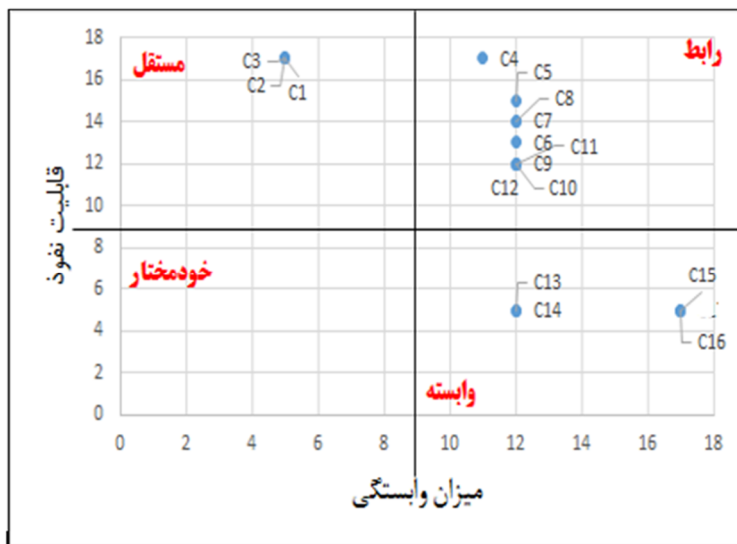
جدول 8. معیارهای سطح 3

سطح	اشتراک	ورودی	خروجی	نام معیار
3	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C1
3	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C2
3	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C3
3	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C1C2C3C4	C4

در گام پنجم با استفاده از سطوح به‌دست آمده از معیارها، شبکه تعاملات ISM رسم می‌شود. اگر بین دو متغیر i و j رابطه باشد آن را به وسیله یک پیکان جهت‌دار نشان می‌دهیم. دیاگرام نهایی ایجاد شده که با حذف حالت‌های تعدی و نیز با استفاده از بخش‌بندی سطوح به‌دست آمده است در نمودار 1 نشان داده شده است.



شکل 1. مدل ISM پژوهش



شکل 2. ماتریس قدرت نفوذ - وابستگی

همچنین مدل پژوهش را می‌توان از لحاظ قدرت نفوذ و وابستگی به صورت شکل 2 نشان داد. بر این اساس معیارهای توسعه ذهنی دانشجویان (C4)، توانمندسازی دانشجویان (C5)، قابلیت‌های دانشجویان (C6)، درک و انتظارات دانشجویان از امکانات دانشگاه (C7)، ارزش‌آفرینی چندگانه برای دانشجویان (C8)، تعاملات سازنده (C9)، حمایت‌گرایی (C10)، ایجاد سودآوری (C11) و بهبود قابلیت‌های ارتباطی با دانشجویان (C12) متغیرهای رابط هستند. این متغیرها از وابستگی بالا و قدرت هدایت بالا برخوردارند؛ به عبارتی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این معیارها بسیار بالاست و هر تغییر کوچکی بر روی این متغیرها باعث تغییرات اساسی در سیستم می‌شود. معیارهای توسعه ارزش‌های کارآفرینی (C1)، ذهن‌گرایی خلاق (C2) و فرهنگ کارآفرینی (C3) مستقل هستند. این متغیرها دارای وابستگی کم و هدایت بالا می‌باشند؛ به عبارتی، تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کم از ویژگی‌های این متغیرها است. معیارهای افزایش قدرت پیش‌بینی در آینده (C13)، ارتقای کیفیت امکانات آموزشی (C14)، پیشرفت کاری (C15) و ایجاد سرمایه اقتصادی و اجتماعی (C16) نیز از معیارهای وابسته هستند. این متغیر دارای وابستگی قوی و هدایت ضعیف است و اصولاً تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری کمی روی سیستم دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

سازمان‌ها امروزه در محیطی کاملاً رقابتی که همراه با تحولات شگفت‌انگیز است باید اداره شوند. توانمندسازی، فرایند قدرت بخشیدن به افراد است. در این فرایند، به افراد کمک می‌کنیم تا بر احساس ناتوانی و درماندگی خویش چیره شوند، تواناسازی در این معنی به بسیج انگیزه‌های درونی افراد منجر می‌شود. اکنون اغلب کشورهای درحال توسعه، با توجه به تمامی مشکلات سرمایه‌گذاری در بخش نیروی انسانی، پی برده‌اند که علت عقب‌ماندگی این کشورها تنها کمبود سرمایه فیزیکی نیست بلکه کمبود سرمایه‌های انسانی مانند مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین توجه ناکافی به رشد مداوم نیروهای شاغل مانع بزرگی است که بر سر راه صنعتی شدن و توسعه یافتن این کشورها کار دارد؛ زیرا کمبود یا ضعف نیروهای انسانی منجر به کاهش ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد می‌شود و در نتیجه اقتصاد قادر نخواهد بود از سرمایه‌های فیزیکی موجود، استفاده کامل و مناسبی ببرد. به این دلیل به عقیده بسیاری از اقتصاددانان، تمرکز و

تقویت بنیه سرمایه‌های انسان، عامل مهم‌تری از تمرکز سرمایه‌های مادی و فیزیکی در جریان توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. در حقیقت، بدون اصلاح و بهبود کیفیت نیروی انسانی، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، ناممکن است. فرهنگ، عنصری پیچیده است. عده‌ای فرهنگ سازمان را اساس شکل‌گیری توانمندسازی می‌دانند. سازمان‌هایی موفق به اجرای فرایند توانمندسازی می‌شوند که دارای اصول ارزشی تعریف‌شده (ارزش‌ها تقویت‌کننده فعالیت‌ها هستند) باشند. مدیرانی که از ارتباط میان توانمندسازی با فرهنگ سازمانی آگاهی دارند قادرند کارکنان خود را تشویق به توانمندسازی کنند. فرهنگ توانمندسازی از کارکنان رده پایین و عملیاتی سازمان آغاز و به صورت گام‌به‌گام تا مدیریت عالی سازمان ختم می‌شود. توانمندی کارکنان هیچ‌گاه مترادف با ناتوانی مدیریت نیست بلکه کارکنان توانمند قادرند از دو عامل زمان و انرژی به نحو مؤثر استفاده کنند. هدف پژوهش حاضر، تبیین شاخص‌های توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین می‌باشد. محققان در قالب 152 مفهوم و 16 مقوله را با استفاده از پارادیم استراوس و کوربین دسته‌بندی کردند و با مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها، درک عمیق‌تری در رابطه با موضوعات مطرح‌شده به‌دست آوردند. سپس بین مقوله‌ها و ویژگی‌های شناخته‌شده در مرحله اول کدگذاری باز، حرکت رفت و برگشتی انجام شد. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که مقوله‌ها به حد اشباع تئوریک رسیدند. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که عوامل تجربی زیادی بر فرایند توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های کارآفرینی، تأثیرگذار هستند؛ به‌طوری‌که نقش دانشجویان و وظایف کارکردی آنها را یک عامل بسیار تأثیرگذار برای توانمندسازی دانشگاه فنی و حرفه‌ای می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان بارها در مصاحبه‌ها به عامل‌های فضا و تجهیزات ارائه‌شده توسط دانشگاه، پاسخگویی و همراهی و همدلی دانشگاه با دانشجویان، در دسترس بودن آنها و صبر و متانت و تلاش دانشگاه در راستای خدمت‌رسانی به دانشجویان تأکید می‌کردند. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که دانشگاه باید با ورود دانشجو به دانشگاه از وی استقبال کند و تا لحظه اتمام تحصیل و حتی پس از آن در راستای کمک به دانشجو بکوشند. محیط و فضای مناسب برای مطالعه و بحث و تبادل نظر بین دانشجویان و استادان، روابط عمومی خوب و همچنین رعایت نظم و انضباط تلاش کنند تا تصویر مناسبی در ذهن دانشجویان برای تحصیل در دانشگاه فراهم شود. (علی اکبر اکبری، سیدجلال موسوی و حمیدرضا اسماعیلی گیوی، 2020) در پژوهشی به شناسایی 20 مؤلفه در پنج مقوله اصلی یک استراتژی و مدیریت دو ساختار و فرایند، سه فرهنگ، چهار سیستم آموزشی و پنج شبکه تعاملات به عنوان مؤلفه‌ها و مقوله‌های اصلی شکل‌گیری یک دانشگاه کارآفرین است. (رضایی و پژوهان، 2019) هفت عامل را به عنوان پتانسیل (درونی و بیرونی) و هفده عامل را به عنوان عوامل بازدارنده (درونی و بیرونی)، فراوری دانشگاه رازی در راستای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین در پژوهش استخراج کردند. (علی اکبر امین بیدختی، رضا محمدی و محسن رحیمی، 2018) در پژوهشی بیان کردند که هفت عامل (رهبری، ساختار، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، منابع مالی، انسانی و زیربنایی، آموزش کارآفرینانه، حمایت از کارآفرینی و تجاری‌سازی، همکاری و مشارکت داخلی، ملی و بین‌المللی، نظام ارزیابی کیفیت عوامل محیطی یا زمین‌های) برای تضمین کیفیت دانشگاه کارآفرین باید مورد توجه قرار بگیرد. (بهمن خسروی پور و مریم زنگنه، 2016) در پژوهشی بیان کردند که کارآفرینی یک راهکار ویژه برای رشد اقتصادی است. بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی، معضل حادّی برای بسیاری از کشورها می‌باشد حل این مشکلات مستلزم برنامه‌ریزی و به‌کارگیری برنامه‌های خاص است اجرای برنامه‌های کارآفرینی از جمله این راهکار می‌باشد. توسعه کارآفرینی در دانشگاه و ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای دانش‌آموختگان دانشگاهی می‌تواند راهگشای این معضل باشد. (سیدحسین موسوی، ابراهیم صالحی عمران، مقصود فراستخواه و جعفر توفیقی، 2018) ابعاد شش‌گانه شرایط علی (تعهد و گرایش مدیریت و رهبری به کارآفرینی، بین‌المللی شدن، زمینه‌ای (انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات و حمایت مالی و سرمایه‌گذاری کارآفرینانه)، مداخله‌گر (پیمان متعهدانه دانشگاه و صنعت، حمایت‌های فراسازمانی)، راهبردها (برنامه درسی با رویکرد کارآفرینی، آموزش‌های رسمی و غیررسمی کارآفرینی، هماهنگی کردیورهای کارآفرینی) و پیامدها (بهبود و تضمین کیفیت، توسعه اجتماعی و اقتصادی و رضایتمندی دانشجویان) ارائه دادند. (کیومرث نیازآذری، مریم تقوایی یزدی و

صمد فدایی، 2018) در پژوهشی بیان کردند دانشگاه کارآفرین و تکنیک‌های آینده‌نگاری بر نظام آموزش ایران، تأثیر معناداری دارد. دانشگاه کارآفرین بر تولید علم در نظام آموزشی ایران، تأثیر معناداری دارد. (حشمت الله سعدی، نیلوفر کوثری و سعید کریمی، 2017)، در پژوهش خود بیان کردند که دانشگاه‌های غرب کشور از نظر تأمین شرایط نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای کارآفرین شدن، در حد مطلوبی نیستند و برای حرکت به سمت دانشگاه کارآفرین باید تغییرات اساسی در ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود ایجاد کنند. (پرنسپ و همکاران، 2020)، در پژوهش خود بیان کردند که منطقه، یک بُعد زمینه‌ای مهم و عاملی تأثیرگذار در ایجاد یک برنامه تحقیقاتی اکتشاف‌پذیرتر در مورد دانشگاه‌های کارآفرینی است. (سپین و اکمن، 2020) عوامل شخصی را مؤثرتر از عوامل زمینه‌ساز دانستند. (بوونکن و همکاران، 2020) در پژوهش خود بیان کردند که رضایت شغلی و توانمندسازی نوآوری و عملکرد کارآفرینی می‌تواند به توانمندی دانشگاه کمک کند. (نوریا کالوو، دیوید رودیو-پازوس، ماریا جسوس رودریگیز-گولیا و سارا فرناندر-لوپز، 2019)¹، در پژوهش خود بیان کردند که استفاده از زیرساخت‌های گروه‌بندی داده‌ها، اقدامات مختلف را برای نتایج کارآفرینی دانشگاه‌ها بهبود می‌بخشد. به‌طور غیرمنتظره، ابزارهای نهادی برای کار مشترک و داده به‌طور قابل توجهی، تعداد اختراعات ثبت شده را کاهش می‌دهد. (مبیل سانچز-باریولونگو و پاول بن ورث، 2019)² در پژوهش خود بیان کردند که چهار عنصر تنظیمات ساختاری دانشگاه‌ها (هسته فرمان، فناوری اداری، اتصال داخلی و تمرکز دانشگاهی) در مدل‌های مختلف دانشگاه متمرکز است: دانشگاه کارآفرینی و الگوی دانشگاه درگیر (منطقه‌ای). (پیرا سنتوبلی، روبرتو سرکیونه، امیلیو اسپوسیتو و شاشی، 2019)³ در پژوهش خود بیان کردند که محیط سازمانی داخلی، محیط بیرونی، اکتشاف، بهره‌برداری دانشگاه، کمبود و عملکرد دانشگاه کارآفرینی، زمینه‌های بالقوه تحقیق در زمینه هدایت تحقیقات تجربی در آینده و توسعه بیشتر بدنه دانش در زمینه دانشگاه‌های کارآفرینی را تشکیل می‌دهد. (دنی سوتانتو و مارینا ون گین هویزن، 2019)⁴ در پژوهش خود بیان کردند که عواملی از قبیل گرایش به تحقیق، جهت‌گیری کارآفرینی در بازار، فرایند پویایی را برای حفظ نزدیکی به دانشگاه ایجاد می‌کنند. با این حال، فرایند چرخشی شدن، باعث کاهش بازده عملکرد می‌شود؛ زیرا فعالیت‌های تجاری به دلیل نزدیکی بیش‌ازحد آنها کاهش می‌یابد. (ساونسن سیدرات و ماها ایادی فریخا، 2018)⁵ در پژوهش خود بیان کردند که برای تبدیل شدن به یک دانشگاه کارآفرین باید تحولات داخلی را متحمل شد؛ به این معنا، نقش مدیر و نوع دانشگاه، تأثیر مثبتی در توسعه دانشگاه کارآفرینی دارد. (دالمارکو و همکاران، 2018)، در پژوهش خود بیان کردند که بیشتر مبتدی‌های دانشگاهی، بر پایه فناوری‌های خود کارآفرین هستند نه براساس اختراعات دانشگاه. کیفیت آموزش کارآفرینی علاوه بر ارتباط نزدیک با تحقیقات کاربردی، دانشگاهیان را ترغیب می‌کند تا برنامه‌های تجاری خود را به سرمایه‌گذاری‌های نوپا تبدیل کنند. در نتیجه، اگرچه سرمایه‌گذاری‌های جدید مبتنی بر ثبت اختراعات دانشگاهی نیستند اما وقتی صحبت از تحولات اجتماعی و اقتصادی می‌شود، نقش فعال و پویا ایفا می‌کنند.

بنابراین می‌توان استنباط کرد که؛ کارآفرینان، نقش مهمی در توسعه اقتصادی، فناوری‌های جدید، کاهش بیکاری و ایجاد تعادل بین منطقه‌ای دارند. در اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار دنیای کنونی که با تحولات و تغییرات سریع و شتابان بین‌المللی همراه است و مشخصه آن گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی و تغییر اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی می‌باشد، از کارآفرینی به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی، یاد می‌شود. از این‌رو موضوع کارآفرینان و توانمندسازی آن‌ها، یکی از ارکان مهم در توسعه اقتصاد جهانی است. کارآفرینی، کوشش‌هایی تعریف می‌شود که برای شناسایی و کشف فرصت‌های کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در مخاطره‌های جدید، ضروری است. کارآفرینان کسانی هستند که فرصت‌های بهره‌برداری از

¹ Nuria Calvo, David Rodeiro-Pazos, Maria Jesus Rodriguez-Gulias & Sara Fernandez-Lopez, 2019

² Mabel Sanchez-Barrioluengo & Paul Benneworth, 2019

³ Piera Centobelli, Roberto Cerchione, Emilio Esposito & Shashi, 2019

⁴ Danny Soetanto & Marina Van Geenhuizen, 2019

⁵ Sawsen Sidrat & Maha Ayadi Frikha, 2019

محصولات جدید، فرایندهای جدید و روش‌های جدید سازمان‌دهی را کشف می‌کنند و گسترش می‌دهند. در بررسی مفهوم کارآفرینی، باید توجه داشت که این مفهوم به دو بخش کارآفرینی زنان و مردان، تمایز پیدا می‌کند. توانمندسازی، ضمن تغییر در نحوه نگرش افراد و قضاوت آنها در رابطه با مسائل مختلف فردی و سازمانی، باعث به وجود آمدن این باور در آنها می‌شود که آزادی و اختیار، منابع مطمئنی برای توانا شدن هستند. از این‌رو، وقتی گروهی از افراد در سازمان‌ها توانمند می‌شوند، روابط آنها با صاحبان قدرت تغییر می‌کند و در اهداف مشترکشان سهیم خواهند شد. افراد توانمند شده در ارتباطات خود با دیگران و صاحبان قدرت مانند شرکت‌ها و دولت، تغییر ایجاد می‌کنند. این افراد در کسب‌وکار و تجارت نیز در روابط خود با دیگر همکاران، مدیریت و فرایند کاری تغییر ایجاد خواهند کرد. در حال حاضر، سازمان‌ها وارد عصر جدیدی شده‌اند. کارکنان، شرکای سازمان و بخشی از گروه هستند؛ بنابراین، نه تنها ضروری است که مدیران دارای خصوصیات رهبری شوند بلکه تمام کارمندان نیز باید در روش‌هایی که به کار می‌گیرند راهبر باشند. این فکر مطلوب، کاملاً دموکراتیک و نشان‌دهنده احترام برای اشخاص و شخصیت آنها و بسیار اخلاقی است. مدیرانی که قول توانمندسازی می‌دهند باید بتوانند روحیه توانمندسازی را در روابط خود به کارکنانشان انتقال دهند. ضعف در انتقال این موضوع می‌تواند باعث بدبینی زیاد کارکنان و بیگانگی، کناره‌گیری و فقدان روح مسئولیت‌پذیری در آنها شود. امروزه شکاف میان ملت‌ها و جوامع، دانایی و نادانی است؛ بنابراین معضل اصلی، مسئله نیروی انسانی دانا و تواناست. نیروی انسانی به عنوان مهم‌ترین، گران‌ترین و باارزش‌ترین سرمایه و منبع سازمانی، محسوب می‌شود. انسان، تنها عنصر ذی‌شعوری است که به عنوان هماهنگ‌کننده سایر عوامل سازمانی، نقش اصلی را در میان کلیه عوامل دارد. می‌توان به‌سادگی بیان کرد که بدون افراد کارآمد، دستیابی به اهداف سازمانی، غیرممکن است. نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد بی‌توجهی به افکار دانشجویان و درخواست‌های آنها، فقدان آزادی بیان، زد و بندهای سیاسی، استفاده ابزاری از ارزش‌های اخلاقی و دینی و عدم مشارکت و حمایت جامعه مدنی، بیشترین تأثیر را بر توانمندی دانشگاه فنی و حرفه‌ای داشته‌اند. در این راستا باید توجه داشت که اتاق‌های فکر یا همان کانون‌های تفکر، یکی از زیرساخت‌های مهم توانمندی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در راستای علمی کردن کارآفرینی محوری، توجه به افکار دانشجویان، پر رنگ کردن سلاقی مختلف دانشجویان هستند. کانون‌های تفکر، مراکز پژوهشی برای تولید ایده و فکر محسوب می‌شوند که در ارتقای ظرفیت توانمندی دانشگاه فنی و حرفه‌ای، نقش مهمی ایفا می‌کنند. کانون‌های تفکر، تحلیل‌های مربوط به توانمندی، کارآفرینی پژوهش‌ها و مشاوره را انجام می‌دهند و مستقل از دولت و جناح‌های سیاسی، وارد عمل می‌شوند و نقش اولیه این سازمان‌های جامعه مدنی، کمک به سازمان‌ها برای درک و انتخاب درست راه‌حل برای مسائل به دور از زد و بندهای سیاسی است. همچنین در کنار اتاق‌های فکر، انجمن‌های خبرگی یکی دیگر از زیرساخت‌های توانمندی دانشگاه فنی و حرفه‌ای هستند که می‌توانند تحول در دانشگاه را نوید دهند. انجمن‌های خبرگی، شبکه‌های هم‌تا از استادان برتر هستند که ساختارهای رسمی کارآفرینی را میانبر زده تا از همدیگر یاد بگیرند و معضلات جدید را مدیریت کنند. انجمن‌های خبرگی می‌توانند در پیوند بین توانمندی و کارآفرینی، به عنوان راهبرد کمکی فنی عمل نمایند. بر اساس شواهد تجربی مختلف انجمن‌ها از طریق گردهم‌آوردن ذی‌نفعان مختلف می‌توانند ظرفیت سازمان‌های مختلف دانشگاهی را در تدوین و اجرای توانمندی دانشگاه فنی و حرفه‌ای ارتقا می‌دهند. ساختاربندی مسائل پیچیده، تنظیم و استخوان‌بندی راهبردهای کنشی برای بهبود نتایج از نقش‌های مهم انجمن‌های خبرگی در تغییر یک سیستم قلمداد شده است. این انجمن‌ها با ساخت ظرفیت تشکیلاتی می‌توانند در تمام سطوح توانمندی دانشگاه فنی و حرفه‌ای، نقش‌آفرین باشند.

References

- Abdi Jamayran, A., Sehat, A., & Hossein, E. (2017). Reviewing the process and utilizing entrepreneurial opportunities. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 14(41), 67-85. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100501_1c43aa333d26c058704688ab22ec061b.pdf
- Ahmadpourdarani, M., & Karimi, A. (2018). *Organizational Entrepreneurship: from Theory to Practice* (3 ed.). Institute of Printing and Publishing, University of Tehran.
- Akbar, B. A. (2003). Empowerment of alternative investment staff. *Tadbir Monthly*, 13(129), 87.
- Akbari, A. A., Musavi, S. J., & Esmaely Givi, H. (2020). Identifying and Prioritizing the Basis of Entrepreneurial University Using Meta-Synthesis and Group Analytic Hierarchy Process for Iranian Universities. *Journal of Research in Educational Science*, 14(48), 161-182. <https://doi.org/10.22034/jiera.2020.197032.1997>
- Amin Bidokhti, A. A., Mohammadi, R., & Rahimi, M. (2018). Designing a quality assurance model for an entrepreneurial university in the Iranian university system. *Educational measurement and evaluation studies*, 8(22), 227-263. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=525305>
- Bouncken, R., Ratzmann, M., Barwinski, R., & Kraus, S. (2020). Coworking spaces: Empowerment for entrepreneurship and innovation in the digital and sharing economy. *Journal of Business Research*, 114, 102-110. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2020.03.033>
- Calvo, N., Rodeiro-Pazos, D., Rodríguez-Gulías, M. J., & Fernández-López, S. (2019). What knowledge management approach do entrepreneurial universities need? *Information Systems*, 85, 21-29. <https://doi.org/10.1016/j.is.2019.06.002>
- Centobelli, P., Cerchione, R., Esposito, E., & Shashi. (2019). Exploration and exploitation in the development of more entrepreneurial universities: A twisting learning path model of ambidexterity. *Technological Forecasting and Social Change*, 141, 172-194. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.10.014>
- Dalmarco, G., Hulsink, W., & Blois, G. V. (2018). Creating entrepreneurial universities in an emerging economy: Evidence from Brazil. *Technological Forecasting and Social Change*, 135, 99-111. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.04.015>
- Drucker, P. F. (1985). *Innovation and Entrepreneurship: Practice and Principles*. University of Illinois at Urbana-Champaign's Academy for Entrepreneurial Leadership Historical Research Reference in Entrepreneurship. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1496169
- Etzkowitz, H. (2017). Innovation Lodestar: The entrepreneurial university in a stellar knowledge firmament. *Technological Forecasting and Social Change*, 123, 122-129. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2016.04.026>
- Fry, F. L. (1993). *Entrepreneurship: A Planning Approach*. West Publishing Company. <https://books.google.com/books/about/Entrepreneurship.html?id=Rp8rAAAAYAAJ>
- Ghanbari, H. (2007). *Investigating the effective factors in human resource empowerment in Golestan Water Exploitation and Distribution Company* [Master, Birjand]. Golestan, Iran.
- Gur, U., Oylumlu, I. S., & Kunday, O. (2017). Critical assessment of entrepreneurial and innovative universities index of Turkey: Future directions. *Technological Forecasting and Social Change*, 123, 161-168. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2016.09.008>
- Hasani, M., & Mahdizadeh, H. (2020). A Comparison Study on Entrepreneurial Competencies of Hybrid Entrepreneurs, Wageworkers and other Entrepreneurs. *Journal of Entrepreneurship Development*, 12(4), 541-560. <https://doi.org/10.22059/jed.2020.289506.653127>

- Hezarjaribi, J. (2005). *Entrepreneurship*. Research Institute of Economic Affairs. <https://www.adinehbook.com/gp/product/9649516247>
- Khairandish, M., & Afshamejad, A. (2004). The future of human resource management. *Tadbir Monthly*, 5(152), 33-38.
- Khosravi Pour, B., & Zanganeh, M (2016). Entrepreneur University (Concept, Necessity and Challenges). *Applied Studies in Management and Development Sciences*, 3(5), 61-74. <https://civilica.com/doc/898447/>
- Mousavi, S. H., Salehi Omran, I., Farasatkah, M., & Towfighi, J. (2018). Providing a model for development of entrepreneurial university in Iran. *Iranian Journal of Engineering Education*, 19(76), 1-28. <https://doi.org/10.22047/ijee.2018.98838.1481>
- Nadri, N., Rajaipour, S., & Jamshidian, A. (2008). Concepts and strategies for staff empowerment. *Tadbir Monthly*, -(186). <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=114449>
- Nahid, M. (2009). What and why entrepreneurship and organizational entrepreneurship at a glance. *Business Review*(34), 58-39. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=114273>
- Nyazazari, K., Taghvaei Yazdi, M., & Fadaei, S. (2018). Investigating the Relationship of the Entrepreneurial University with the Dimensions and Components of Forecasting and Science Productio. *The Journal of Modern Thoughts in Education*, 13(1), 87-124. https://jmte.riau.ac.ir/article_1233_a4687f2b528988817160632145fac154.pdf
- Prencipe, A., Corsi, C., Rodríguez-Gulías, M. J., Fernández-López, S., & Rodeiro-Pazos, D. (2020). Influence of the regional entrepreneurial ecosystem and its knowledge spillovers in developing successful university spin-offs. *Socio-Economic Planning Sciences*, 72, 100814. <https://doi.org/10.1016/j.seps.2020.100814>
- Rezaei, B., & Pajouhan, A. (2019). Capabilities and Obstacles of Razi University to become an Entrepreneurial University. *Science and Technology Policy Quarterly*, 12(1), 15-32. <https://doi.org/10.22034/jstp.2019.11.1.2044>
- Saadi, H., Kowsari, N., & Karimi, S (2017). Assessing the components of entrepreneurial university: a case study of western universities. *Higher education in Iran*, 9(4). <https://ihej.ir/article-1-1190-fa.html>
- Sanchez-Barrioluengo, M., & Benneworth, P. (2019). Is the entrepreneurial university also regionally engaged? Analysing the influence of university's structural configuration on third mission performance. *Technological Forecasting and Social Change*, 141, 206-218. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.10.017>
- Sehat, A., & Khallaghi, A. (2012). The Relationship between Creativity and Leadership Style and Educational Productivity in Technical & Vocational Colleges. *Technology of Education Journal (TEJ)*, 6(3), 211-221. <https://doi.org/10.22061/tej.2012.204>
- Sesen, H., & Ekemen, M. A. (2020). Data on personal and contextual factors of university students on their entrepreneurial intentions in some Turkish universities. *Data in Brief*, 28(3), 105086. <https://doi.org/10.1016/j.dib.2019.105086>
- Sidrat, S., & Frikha, M. A. (2018). Impact of the qualities of the manager and type of university on the development of the entrepreneurial university. *The Journal of High Technology Management Research*, 29(1), 27-34. <https://doi.org/10.1016/j.hitech.2018.04.003>
- Soetanto, D., & Van Geenhuizen, M. (2019). Life after incubation: The impact of entrepreneurial universities on the long-term performance of their spin-offs. *Technological Forecasting and Social Change*, 141, 263-276. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.10.021>
- Taghizadeh, H., Tari, G., & Mosavi, S. R. (2008). Measuring the Organizational Entrepreneurship. *The Journal of Productivity Management*, 1(3), 155-180. http://jpm.iaut.ac.ir/article_5179_68_3ed995bdfecbe08a8f07b5f71fddae0c.pdf

- Taucean, I. M., Strauti, A. G., & Tion, M. (2018). Roadmap to Entrepreneurial University – Case study. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 238, 582-589. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2018.04.038>
- Urbano, D., Aparicio, S., Guerrero, M., Noguera, M., & Torrent-Sellens, J. (2017). Institutional determinants of student employer entrepreneurs at Catalan universities. *Technological Forecasting and Social Change*, 123, 271-282. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2016.06.021>
- Wakkee, I., Van Der Sijde, P., Vaupell, C., & Ghuman, K. (2019). The university's role in sustainable development: Activating entrepreneurial scholars as agents of change. *Technological Forecasting and Social Change*, 141, 195-205. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.10.013>
- Weissma, J. J., Etzkowitz, H., & Alan, G. (2017). *Third Generation University and Entrepreneur University*. Bushehr University of Medical Sciences.



Investigating the Role of Personality Characteristics and Psychological Health on Organizational Citizenship Behavior in Mazandaran Technical and Vocational Training Organization

Mahdi Rouhollahi¹, Seyed Sajjad Khanipour², Mahnaz Bagheri³, Seyed Mehdi Mousavi Davoudi^{4*}

¹Assistant Professor, Department of Management and Strategic Planning, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

²MA in Executive Management, Islamic Azad University, Behshahr Branch, Behshahr, Iran.

³Assistant Professor, Department of Mathematics, Islamic Azad University, Behshahr Branch, Behshahr, Iran.

⁴PhD in Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 01.26.2020

Revised: 12.01.2020

Accepted: 12.08.2020

Keyword:

Personality Characteristics
Psychological Health
Organizational Citizenship
Behavior
Mazandaran Technical &
Vocational Training
Organization

*Corresponding Author:

Seyed Mehdi Mousavi Davoudi

Email:

mehdimousavi.hrm@gmail.com

ABSTRACT

The aim of the present study was to investigate the role of personality characteristics and psychological health on organizational citizenship behavior at Mazandaran Technical and Vocational Training Organization. This research was applied in terms of purpose and a descriptive-survey research method was employed for data collection. The statistical population of this study consisted of all employees and managers (495 people) working at the Mazandaran Technical and Vocational Training Organization in 2018 using a simple random sampling method. Based on the Krejcie and Morgan table, the minimum number of the sample size was determined as 217. The authors used simple random sampling and standardized questionnaires for data collection. Furthermore, in order to test the reliability and validity of questionnaires, the authors used content validity and Cronbach's Alpha. Data analysis was carried out using SPSS. The statistical analysis indicated that personality characteristics have a significant relationship with organizational citizenship behavior (P: 0.776). Similarly, psychological health also has a significant relationship with organizational citizenship behavior (P: 0.630). In addition, personality characteristics have a significant relationship with psychological health (P: 0.842).





بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران

مهدی روح‌اللهی¹، سید سجاد خانی پور²، مهناز باقری³، سید مهدی موسوی داودی^{4*}

- ۱- استادیار، دانشکده مدیریت و برنامه ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
- ۲- کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهشهر، بهشهر، ایران.
- ۳- استادیار، دپارتمان ریاضی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهشهر، بهشهر، ایران.
- ۴- دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران می‌باشد. این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها، جزء پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه کارکنان و مدیران (495 نفر) شاغل در اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران در سال 1397 تشکیل می‌دهد و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و جدول کرجسی و مورگان (با حجم نمونه 217 نفر) برای نمونه‌گیری و از پرسش‌نامه‌های استاندارد به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط معناداری با رفتار شهروندی سازمانی دارند (ضریب همبستگی: 0/776) و سلامت روانی نیز ارتباط معناداری با رفتار شهروندی سازمانی دارد (ضریب همبستگی: 0/630). علاوه بر این، نتایج پژوهش حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط معناداری با سلامت روانی کارکنان دارند (ضریب تأثیر: 0/842).

دریافت مقاله: 1398/11/06

بازنگری مقاله: 1399/09/11

پذیرش مقاله: 1399/09/18

کلید واژگان:

ویژگی‌های شخصیتی

سلامت روانی

رفتار شهروندی سازمانی

اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران

*نویسنده مسئول: سیدمهدی موسوی داودی

پست الکترونیکی:

mehdimousavi.hrm@gmail.com



مقدمه

جوامع موفق جهان و نقش سازنده افراد در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها، بر این واقعیت تأکید دارد که نیروی انسانی در موفقیت‌ها، نقشی تضمین‌کننده دارد (حمید رحیمی و راضیه آقابابایی، 2020). هر سازمانی برای رسیدن به هدف‌های خود، احتیاج به منابع مختلفی دارد و بی‌تردید، مهم‌ترین منبع برای هر سازمان، نیروی انسانی شاغل در آن است (علی نادری زاده اردکانی، میترا موید و سیما عابدی، 2020؛ شهناز شمسی، مهتاب پورآشتی و اصغر زمانی، 2020). از آنجایی که انسان‌ها در ابعاد مختلف، تفاوت‌هایی دارند و این تفاوت‌ها در توانایی‌ها، استعدادها، رغبت‌ها و سرانجام در شخصیت افراد، نمود می‌یابد، شناخت ویژگی‌های شخصیتی کارکنان و هدایت آن‌ها در مسیر مناسب شغلی و زندگی، این امکان را فراهم می‌آورد تا آن‌ها با شناخت و آگاهی، مسائل را با علایق و صلاحیت‌های خود تطبیق دهند و از نظر روحی و روانی، محیط زندگی و زمینه‌های شغلی خود را ایمن سازند و استعدادهای واقعی خود را به منصفه ظهور برسانند. شخصیت، از الگوهای ویژه فکری، احساسی و رفتاری فرد تشکیل شده است که هر فرد را از افراد دیگر، متمایز می‌کند. می‌توان ادعان داشت که شخصیت، سرچشمه درونی دارد و در طول حیات، تقریباً پایدار باقی می‌ماند (رابرت آر. مک کری و جوری آلک، 2002)¹. شخصیت در عملکرد شغلی نیز تأثیر زیادی دارد. شخصیت بهنجار، بزرگ‌ترین عامل برای پیش‌بینی عملکرد فرد در محیط کار و قوی‌ترین نیرو برای رهبری و موفقیت است. وقتی مردم در خود به شخصیت و هویت واقعی پی می‌برند سعی می‌کنند آن را بهبود ببخشند و عملکردشان نیز بهتر می‌شود، با یکدیگر بهتر برخورد می‌کنند و منافع حاصل از کار افزایش می‌یابد. این کار کمک می‌کند تا محیطی ایجاد شود که در آن همه برنده‌اند. شخصیت نه تنها در روابط فردی و تعامل اجتماعی، تأثیر مثبت دارد بلکه در سلامت جسمانی و روانی دخالت دارد، کسانی که بیمارند ولی در طول مداوا روی مهارت‌های خود کار می‌کنند و آن‌ها را رشد می‌دهند، از بسیاری بیماری‌ها، از جمله از کهنه‌ترین آن‌ها زودتر رها می‌شوند و مرگ و میر را نیز کم می‌کند (مهران دستورانی، 2010).

علاوه بر این، سلامت روان، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک زندگی سالم در پی آن است که احساسات منفی؛ نظیر اضطراب، افسردگی و ناامیدی کمرنگ شده است و از بروز نشانه‌های مرضی در افراد پیشگیری به عمل آید. سلامت روانی، یکی از ابعاد مهم سلامتی است و طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامت روانی در درون مفهوم کلی سلامتی که همان توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی و نبود بیماری و عقب‌ماندگی است جای می‌گیرد (حمزه گنجی، 2014). سلامت روانی در مفهوم عام خود نیز به سلامت فکر و تعادل روانی و دارا بودن خصوصیات مثبت روانی اطلاق می‌گردد و راه‌های دستیابی به سلامت فکر و روح که برای تعالی و تکامل فردی و اجتماعی انسان‌ها لازم است با پرداختن به آن روشن می‌شود و همچنین در مفهوم تخصصی خود، رشته‌ای از بهداشت است که افراد تحصیل کرده و دارای مهارت و تجربیات خاص با اتخاذ روش‌های علمی، آن را به مردم آموزش می‌دهند. سلامت روان شامل آسایش ذهنی، احساس خود توانمندی و کفایت و شناخت توانی خود در محقق ساختن ظرفیت‌های عقلی و هیجانی خویش است. سلامت روانی حالتی از رفاه است که در آن فرد توانایی‌هایش را بازمی‌شناسد (فیشر جین، مینا کابرال دی ملو، تاکاشی ایزوتسو، لاکشمی ویجایاکومار، مایرون بلفر و اولاینکا اومیگبودون، 2011)². سلامت روانی بخش جدایی‌ناپذیر از بهداشت عمومی است که فرد را از عناصر شناخت عاطفی و همچنین از توانایی‌های خود در ایجاد ارتباط با دیگران آگاه می‌گرداند. سلامت روان علاوه بر بدن سالم به محیط و شرایط زندگی سالم نیاز دارد. اینکه محیط و عوامل مختلف آن، چگونه بر ساختار روانی فرد و سلامت روانی تأثیر می‌گذارد و فرد با چه شیوه‌ای با کشمکش‌های محیطی مبارزه می‌کند موضوعی است که رویکردهای مختلف روانشناسی هر کدام با توجه به دیدگاه اختصاصی خود پیرامون ماهیت

¹ Robert R. McCrae & Jüri Allik, 2002² Fisher Jane, Meena Cabral de Mello, Takashi Izutsu, Lakshmi Vijayakumar, Myron Belfer, & Olayinka Omigbodun, 2011

انسان و نیروی انگیزش او، سلامت روانی انسان را به شیوه خاص تعیین کرده‌اند. برخی، سلامت روان را فرایند مستمر دانسته‌اند و برخی، در قالب هنجارها و پیروی از آداب و سنن اجتماعی جستجو کرده‌اند (جمال خوبچین، 2011). یکی دیگر از مهم‌ترین متغیرهای سازمانی که محققان و مدیران اجرایی به آن علاقه‌مند هستند، رفتار شهروندی سازمانی است. مطالعه نظام‌یافته رفتار، به بهبود توانایی در تشریح و پیش‌بینی و همچنین هدایت، کنترل و تغییر رفتار می‌انجامد و نیز از روابط میان رفتارها واقعیت‌های مهم پرده برمی‌دارد و مبنایی را برای پیش‌بینی دقیق رفتار فراهم می‌کند (استفان پی. رایبیز، 2001)¹. در مکاتبات اولیه مدیریت، افراد با رفتارهایی ارزیابی می‌شدند که در شرح شغل و شرایط احراز از شاغل انتظار می‌رفت ولی امروزه، رفتارهایی فراتر از آن‌ها مدنظر قرار گرفته است که جزء جدایی‌ناپذیری در مدیریت عملکرد محسوب شده و در جنبه‌های مختلف سازمانی وارد شده‌اند. این رفتارها با مفاهیم رفتارهای فراتر از رفتارهای خودجوش یا رفتار شهروندی سازمانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در نتیجه در سال‌های اخیر، محافل علمی و تحقیقاتی ضمن توجه به مفهوم رفتار شهروندی سازمانی، تأکید فراوانی بر اهمیت تأثیر آن بر اعمال و رفتار کارکنان داشته و محققان زیادی به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اند (کارول سی. بینستاک، کارول دبلیو. دمرانویل و ریچل کی. اسمیت، 2003)². همچنین در نظام بوروکراسی تمام تلاش مدیران در جهت کسب کارایی بیشتر با حفظ سلسله‌مراتب هرمی سازمان است و به همین علت مناسبات سطحی و غیرقابل اطمینان بین افراد وجود دارد اما در نظام دموکراسی مناسباتی درست و قابل اطمینان بین مردم به وجود می‌آید. در چنین محیطی به سازمان و اعضای آن فرصت داده می‌شود که تا حد توان پیش روند. بر این اساس توجه به شهروندان در نظام ارزشی دموکراسی رو به افزایش می‌رود. اکنون که اهمیت شهروندان به‌عنوان یکی از منابع بسیار مهم سازمان درک شده، رفتار آن‌ها هم می‌تواند بسیار با اهمیت تلقی شود. بدیهی است که سازمان‌ها به کارکنانی نیازمندند که تمایل دارند از الزام‌ها و تکلیف‌های رسمی خود پا را فراتر بگذارند. اقدام فراتر از تکلیف شغلی به رفتار شهروندی سازمانی اشاره دارد که محققان زیادی به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اند. براین اساس، سازمان‌ها باید زمینه را به گونه‌ای فراهم سازند که کارکنان و مدیرانشان با طیب خاطر تمامی تجربیات، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را در جهت اعتلای اهداف سازمانی به کار گیرند. این امر میسر نخواهد شد، مگر آن‌که اصول و قواعد مربوط به رفتار شهروندی سازمانی شناسایی و بسترهای لازم برای اجرای این گونه رفتارها فراهم گردد (علی اصغر فانی، حسن دانایی فرد و شعله زکیانی، 2013).

با عنایت به این موضوع که اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای، یکی از مهم‌ترین سازمان ارائه‌دهنده خدمات به طیف وسیعی از جوانان و متقاضیان ورود به کسب و کارهای مهارت محور مطرح است و حجم انبوهی از وظایف در حال گسترش را بر عهده دارد و متقاضیان، انتظارات متنوع و گسترده‌ای از این سازمان دارند که به طبع تعادل شخصیتی و انجام امور فراتر از تکالیف رسمی در تحقق این امر، بسیار مؤثر می‌باشد؛ لذا این پژوهش به دنبال بررسی وضعیت موجود ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان این سازمان می‌باشد تا از این مجرا بتواند کارکنان را در شناسایی نقاط قوت و ضعف در راستای خدمت‌رسانی مطلوب‌تر یاری رساند.

ویژگی‌های شخصیتی

ویژگی‌های شخصیتی را می‌توان آن الگوهای معین و مشخصی از تفکر، هیجان و رفتار تعریف کرد که سبک شخصی فرد را در تعامل با محیط اجتماعی و پیرامونی‌اش رقم می‌زند. به عبارت دیگر، شخصیت، شامل ویژگی‌های نسبتاً ثابت و پایدار است که در توصیف آن‌ها از صفاتی همچون زودرنج، مضطرب، پرحرف، درون‌گرا و برون‌گرا و غیره استفاده می‌شود. ویژگی‌های شخصیتی یعنی مجموعه‌ای از رفتار و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره که با ویژگی‌های

¹ Stephen P. Robbins, 2001

² Carol C. Bienstock, Carol W. DeMoranville & Rachel K. Smith, 2003

بی‌همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش‌بینی مشخص می‌شود. ویژگی‌های شخصیتی، سازمان‌بندی پویایی در درون فرد است و شامل آن دسته از نظام‌های روانی- فیزیکی است که رفتار و تفکر او را تعیین می‌کند (مک کری و آلک، 2002). از این تعریف چندین نکته قابل استنباط است شخصیت می‌تواند سازگار یا ناسازگارانه باشد. ناسازگاری، زمانی مطرح می‌شود که افراد قادر نباشند تفکر و رفتار خود را با محیط و تغییرات آن تطبیق دهند. سازگاری یا ناسازگاری، ارتباط نزدیکی با انعطاف‌پذیری دارد. یک شخصیت سالم با وجود ثبات و پایداری، به میزانی از انعطاف‌پذیری برخوردار است اما افراد ناسازگار در برخورد با موقعیت‌هایی که واکنش به آن‌ها مستلزم تغییرات و تصمیمات جدید است، تفکر و رفتار انعطاف‌ناپذیری از خود بروز می‌دهند؛ بنابراین، اختلال شخصیت یعنی ناسازگاری شخصیت در برخورد با محیط و موقعیت‌ها (مک کری و آلک، 2002).

واژه شخصیت، در زبان روزمره مردم، معانی گوناگونی دارد. یکی از معانی آن مربوط به هر نوع صفت اخلاقی یا برجسته است که سبب تمایز و برتری فردی نسبت به افراد دیگر می‌شود؛ برای مثال وقتی گفته می‌شود «او با شخصیت است» یعنی او فردی با ویژگی‌هایی است که می‌تواند افراد دیگر را با کارایی و جاذبه اجتماعی خود تحت تأثیر قرار دهد. همچنین در برابر این کلمه، کلمه «بی‌شخصیت» قرار دارد که به معنی داشتن ویژگی‌های منفی است که دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما در جهت منفی. در اجتماع، گاهی به جای این کلمات از مترادف آن‌ها «شخصیت خوب یا بد» صحبت می‌شود که هر یک، ویژگی‌هایی را می‌رسانند و گاهی از کلمه شخصیت به منظور توصیف بارزترین ویژگی افراد استفاده می‌شود؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «او پرخاشگر است» یعنی ویژگی و خصوصیت غالب او، پرخاشگری است. در کنار این موضوعات، گاهی کلمه شخصیت، به منظور احترام به چهره‌های مشهور و صاحب صلاحیت علمی، اخلاقی یا سیاسی به کار می‌رود نظیر شخصیت سیاسی، شخصیت مذهبی و شخصیت هنر و ... (دیوید چارلز فاندِر، 2001)¹. دیدگاه روان‌شناسی در مورد ویژگی‌های شخصیت، نگاه متفاوتی از دیدگاه‌های مردم و جامعه است. در روان‌شناسی شخصیت افراد به گروه‌های «باشخصیت و بی‌شخصیت» یا «شخصیت خوب و شخصیت بد» تقسیم نمی‌شوند بلکه از نظر این علم همه افراد دارای شخصیت هستند که باید به صورت علمی، مطالعه شود. این دیدگاه، باعث پیدایش نظریه‌های متعددی از جمله: روانکاو کلاسیک، روانکاو نوین، انسان‌گرایی، نظریه شناختی، یادگیری اجتماعی و ... در حوزه مطالعه روانشناسی شخصیت شده است (دیوید پی. اشمیت، جوری آلک، رابرت آر. مک کری و ورونیکا بنت مارتینز، 2007)².

در مورد ویژگی‌های شخصیتی، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که می‌توان آن‌ها را در قالب چهار دسته کلی جای داد:

- 1) نظریه‌های بیولوژیک: رویکردهای بیولوژیک، عوامل ژنتیکی را مسئول شخصیت می‌شناسند. پژوهش‌هایی که بر روی وراثت به عمل آمده، وجود ارتباط بین عوامل ژنتیکی و ویژگی‌های شخصیتی را نشان می‌دهد. یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان بیولوژیک، هانس آیزنک است که بین جنبه‌های شخصیتی و فرایندهای بیولوژیک ارتباط برقرار کرد. برای مثال، آیزنک چنین عنوان کرد که افراد درون‌گرا دارای تحریک مغزی بالایی هستند و این امر آن‌ها را به‌سوی اجتناب از تحریک هدایت می‌کند. از سوی دیگر، آیزنک عقیده داشت که برون‌گراها دارای تحریک مغزی کمی هستند و این امر باعث می‌شود که به دنبال تجربیات تحریکی بروند (جوهان اورمل، برتوس اف. جرونیموس، رومن کوتوو، هریت رایز، الیزابت اچ. بوس، بنجامین هانکین، جودیت جی. ام. روزمالن و آلبرتین جی. اولدهینکل، 2013)³.

¹ David Charles Funder, 2001

² David P. Schmitt, Juri Allik, Robert R. McCrae & Veronica Benet-Martinez, 2007

³ Johan Ormel, Bertus F. Jeronimus, Roman Kotov, Harriette Riese, Elisabeth H. Bos, Benjamin Hankin, Judith G. M. Rosmalen & Albertine J. Oldehinkel, 2013

- (2) نظریه‌های رفتاری: نظریه‌های رفتاری، شخصیت را حاصل تعامل بین فرد و محیط می‌دانند. نظریه‌پردازان رفتاری، به مطالعه رفتارهای قابل مشاهده و اندازه‌پذیر می‌پردازند و نظریه‌هایی که افکار و احساسات درونی را به حساب می‌آورند، رد می‌کنند. اسکینر و آلبرت بندورا از جمله نظریه‌پردازان رفتاری هستند.
 - (3) نظریه‌های روان پویایی: نظریه‌های روان پویایی شخصیت به شدت تحت تأثیر کارهای زیگموند فروید است و بر تأثیر ذهن ناهشیار (ناخودآگاه) و تجربیات کودکی بر روی شخصیت تأکید دارد. نظریه‌های روان پویایی شامل «نظریه مرحله روانی-جنسی» فروید و «مراحل رشد روانی-اجتماعی» اریکسون است. فروید عقیده داشت که سه مؤلفه سازنده شخصیت عبارتند از: نهاد، خود و فراخود. نهاد، مسئول کلیه نیازها و امیال است درحالی که فراخود، مسئول اخلاقیات و ایده‌آل‌ها می‌باشد؛ و خود، بین درخواست‌های نهاد، فراخود و واقعیت در نوسان است. اریکسون عقیده داشت که شخصیت، طی مراحل پیشرفت می‌کند و در هر مرحله، برخی تناقض‌ها بروز می‌کند. موفقیت در هر مرحله به غلبه موفقیت‌آمیز بر این تناقض‌ها بستگی دارد.
 - (4) نظریه‌های انسان‌گرایانه: نظریه‌های انسان‌گرایانه بر اهمیت اراده آزاد و تجربیات فردی در رشد شخصیت تأکید دارد. این نظریه‌پردازان بر مفهوم خودشکوفایی که نیازی فطری برای رشد شخصی است تأکید می‌کند. از جمله این نظریه‌پردازان می‌توان به کارل راجرز و آبراهام مزلو اشاره کرد (اورمل و همکاران، 2013).
- شایان ذکر است که در پژوهش حاضر به ویژگی‌های شخصیتی طبق نظریه رفتاری نگریسته شده و مؤلفه‌هایی همچون روان رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، باوجدان بودن و دلبذیر بودن برای تعیین ویژگی‌های شخصیتی استفاده شده است.

سلامت روان

سلامت روان، حالت کامل آسایش و کامیابی زیستی- روانی و اجتماعی است و صرف فقدان بیماری یا معلولیت نمی‌باشد. سلامت روانی در مفهوم عام خود نیز به سلامت فکر و تعادل روانی و دارا بودن خصوصیات مثبت روانی اطلاق می‌گردد و راه‌های دست‌یابی به سلامت فکر و روح که برای تعالی و تکامل فردی و اجتماعی انسان‌ها ناظم است با پرداختن به آن روشن می‌شود و همچنین در مفهوم تخصصی، رشته‌ای از بهداشت است که افراد تحصیل کرده و دارای مهارت و تجربیات خاص با اتخاذ روش‌های علمی، آن را به مردم آموزش می‌دهند. سلامت روان، یعنی پیش‌گیری از بیماری‌های روانی که پیشگیری به معنی وسیع آن عبارت است از به وجود آوردن عوامل و شرایطی که در واقع تکمیل‌کننده زندگی سالم و بهنجار می‌باشد و به همین دلیل درمان اختلال‌های روانی نیز جزئی از این فعالیت می‌باشد. یکی از عوامل مهم و در ارتباط با سلامتی روان، شادمانی است (ماری پریو، کاملیا پروتوپوپسکو، برونو اسپایر، آلان سوبل، پیر دلامونیکا، جیان-پل مواتی و ام. پاتریزیا کریری، 2007)¹.

دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی در رابطه با سلامت روان مطرح شده است: (1) دیدگاه زیست‌شناختی: این دیدگاه، سلامت روان را در نبود و حضور علائم بیماری‌های روانی مانند اضطراب، وسواس، افسردگی، پرخاشگری کنترل نشده می‌داند. در دیدگاه مزبور، برای حذف و رفع نشانه‌های بیماری از درمان‌های فیزیکی مثل دارو، شوک‌درمانی، کنترل و محرومیت استفاده می‌شود. بر اساس این دیدگاه، انسان سالم کسی است که نشانه‌های بیماری در او دیده نمی‌شود (اریک آر. اید، مارک اچ. شوالتر و دن دی. گلدهابر، 2010)². (2) دیدگاه تحلیل روانی: این دیدگاه معتقد است شخصیت انسان دارای سه ساختار به نام‌های «بُن»، «من»، و «من برتر» می‌باشد. «بُن» تنها عنصر ذاتی شخصیت است که هنگام تولد حضور دارد و منبع نیروهای غریزی فرد می‌باشد، از اصل کسب لذت پیروی می‌کند و معمولاً به شیوه‌های تکانشی،

¹ Marie Preau, Camelia Protopopescu, Bruno Spire, Alain Sobel, Pierre Dellamonica, Jean-Paul Moatti & M. Patrizia Carrieri, 2007

² Eric R. Eide, Mark H. Showalter & Dan D. Goldhaber, 2010

غیرمنطقی و غیراخلاقی عمل می‌کند. «من»، از تولد به بعد همراه با رشد کودک ساخته می‌شود و تابع واقعیت است، تحلیل می‌کند، می‌فهمد و سازگار می‌شود. «من برتر» در اوایل کودکی ایجاد می‌شود و برای فرد، وجدان اخلاقی فراهم می‌آورد و او را از الزام‌های اجتماعی آگاه می‌سازد. از دیدگاه فروید (از صاحب‌نظران این دیدگاه) «من» به معنای سازگاری فرد با خود و با خواسته‌ها و فشارهای جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. به نظر او سلامت روان یک ایده آل است که اکثر مردم از آن برخوردار نیستند (زارار محمدامینی، 2007). (3) دیدگاه رفتارگرایی: طبق این دیدگاه، سلامت روان به معنای وجود رفتار سازگارانه و عدم رفتار سازگارانه است. رفتار سازگارانه، رفتاری است که فرد را به اهدافش برساند. رفتار ناسازگارانه، رفتاری است که فرد را از رسیدن به اهدافش بازدارد. بر اساس این دیدگاه، فرد سالم کسی است که در جامعه طوری رفتار کند که به اهدافش برسد. تلاش و هدف‌نهایی این دیدگاه این است که شیوه‌های رفتار سازگارانه و رسیدن به اهداف را به افراد آموزش دهد (اید و همکاران، 2010). (4) دیدگاه انسان‌گرایی: در این دیدگاه، سلامت روان به معنای رشد، شکوفاسازی و تحقق استعدادها و نیروهای درونی است. در این دیدگاه، هدف انسان سالم، رسیدن به کمال و شکوفاسازی تمام استعدادهای ذاتی است.

شایان‌ذکر است در پژوهش حاضر به‌سلامت روانی بر طبق دیدگاه رفتارگرایی نگریسته شده و سلامت روانی با علائم جسمانی، اضطرابی، کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی تعیین شده است.

رفتار شهروندی سازمانی

رفتار شهروندی سازمانی عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری که بخشی از وظایف رسمی فرد نیستند، اما باین‌وجود توسط وی انجام و باعث بهبود مؤثر وظایف و نقش‌های سازمان می‌شوند. برای مثال یک کارگر ممکن است نیازی به اضافه‌کاری و تا دیروقت در محل کار ماندن نداشته باشد، اما با این‌وجود او بیشتر از ساعت کاری رسمی خود در سازمان مانده و به دیگران کمک می‌کند و باعث بهبود امور جاری و تسهیل جریان کاری سازمان می‌گردد (حسن اسلامی و ابوالقاسم سیار، 2008).

ترنلی و بلودگود رفتار شهروندی سازمانی را به‌عنوان میل و انگیزه کارکنان در فراتر رفتن از الزامات رسمی شغل به‌منظور یاری‌کردن یکدیگر، همسو کردن منافع فردی با منافع سازمانی و داشتن علاقه‌ای واقعی نسبت به فعالیت‌ها و مأموریت‌های کلی سازمان تعریف کرده‌اند (مارک سی. بولینو، ویلیام اچ. ترنلی و جیمز ام. بلادگود، 2002)¹. آنان بر این عقیده هستند که رفتارهای شهروندی به‌طور کلی دارای دو خصیصه عمومی هستند: اولاً آن‌ها به‌طور مستقیم قابل تقویت نیستند (برای مثال نیازی نیست که آن‌ها از جنبه فنی بخشی از شغل یک فرد باشند) و ثانیاً آن‌ها ناشی از تلاش‌های ویژه و فوق‌العاده‌ای هستند که سازمان به‌منظور دستیابی به موفقیت، از کارکنانش انتظار دارد (فلیپ ام. پودساکوف، اسکات بی. مکنزی، رابرت اچ. مورمن و ریچارد فتر، 1990)².

رفتار شهروندی سازمانی به‌عنوان رفتارهای فردی و داوطلبانه که باعث ارتقای اثربخشی و کارایی عملکرد سازمان می‌شود اما مستقیماً به‌وسیله سیستم‌های رسمی سازمان به آن پاداش داده نمی‌شود، می‌توان تعریف کرد. رفتار شهروندی به‌عنوان اقدامات مثبت بخشی از کارکنان برای بهبود بهره‌وری و همبستگی و انسجام محیط کاری است که ورای الزامات سازمانی است. رفتار شهروندی سازمانی، رفتاری فردی و داوطلبانه است که مستقیماً مشمول سیستم‌های رسمی پاداش در سازمان نمی‌شود اما باعث ارتقای اثربخشی و کارایی عملکرد سازمان می‌شود. تعریف فوق بر سه ویژگی اصلی رفتار شهروندی تأکید دارد: 1- رفتار باید داوطلبانه باشد (نه وظیفه مشخص). 2- مزایای این رفتار جنبه سازمانی دارد. 3- رفتار شهروندی سازمانی ماهیتی چندبعدی دارد (آنجلا تی. هال، رابرت زینکو، الکسا آی. پریم و جرال د آر. فریس،

¹ Mark C. Bolino, William H. Turnley & James M. Bloodgood, 2002

² Philip M. Podsakoff, Scott B. MacKenzie, Robert H. Moorman & Richard Fetter, 1990

2009¹. با توجه به تعاریف ارائه شده، از انسان به‌عنوان شهروند سازمانی انتظارات خاصی وجود دارد. این توقع وجود دارد که رفتار کارمند طوری باشد که بیش از الزامات نقش و فراتر از وظایف رسمی در خدمت اهداف سازمان فعالیت کند (مارک سی. بولینو و ویلیام اچ. ترنلی، 2003)².

رفتار شهروندی سازمانی و مفهوم‌سازی‌های سنتی از عملکرد شغلی سازه‌هایی متفاوت هستند. محققان اولیه، موضوع رفتار شهروندی سازمانی را مجزای از عملکرد شغلی داخل نقش تعریف کردند و تأکید کردند که به رفتار شهروندی سازمانی باید به‌عنوان رفتار فراتر از نقش توجه شود. اگر کارکنان با احتمال بیشتری رفتارهای درون نقش را به نسبت رفتارهای فراتر از نقش انجام می‌دهند، به این معنی است که احتمال بیشتری وجود دارد که کارکنانی که رفتار شهروندی سازمانی را از خود بروز می‌دهند، آن را در قالب رفتار درون نقش تعریف کرده باشند. رفتار شهروندی سازمانی نباید جداگانه از عملکرد کاری مورد توجه قرار گیرد.

بررسی پیشینه و ارائه الگو و فرضیه پژوهش

با مروری بر پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی، چنین به دست می‌آید که پژوهش‌های مختلفی به بررسی متغیرهای پژوهش پرداخته‌اند. در زمینه مطالعات و پژوهش‌های داخلی، مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است: (علی اصغر مقصودی و ابوالقاسم نوری، 2016)، پژوهشی با عنوان «رابطه ساده و ترکیبی ویژگی‌های شخصیتی با رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان یک واحد صنعتی» انجام دادند. نتایج نشان داد که روان‌رنجور خوبی با رفتارهای شهروندی سازمانی دارای همبستگی منفی و معنادار و در مقابل برون‌گرایی، وجدانی بودن و استقبال از تجربه با رفتارهای شهروندی سازمانی دارای همبستگی مثبت و معنادار و پذیرندگی با رفتارهای شهروندی سازمانی دارای همبستگی معنادار نبود. نتایج تحلیل رگرسیون (هم‌زمان) نشان داد که از بین پنج عامل بزرگ شخصیت، فقط وجدانی بودن قادر به پیش‌بینی رفتارهای شهروندی سازمانی است.

(باب الله بخشی پور جویباری، یارعلی دوستی، امیر محمدی راد و احمد خسروی، 2014) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و سلامت روان با رضایت شغلی» انجام دادند، نتایج نشان داد که بین رضایت شغلی با عامل روان رنجوری رابطه منفی و با عامل برون‌گرایی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین رضایت شغلی و سلامت روان رابطه منفی معناداری وجود دارد. هیچ‌یک از ویژگی‌های شخصیت نمی‌توانند رضایت شغلی را پیش‌بینی کنند اما تنها متغیر سلامت روانی می‌تواند رضایت شغلی افراد را پیش‌بینی کند.

(عبداله‌ادی بستر، 2013) پژوهشی با عنوان «رابطه جو سازمانی و سلامت روانی با رفتار شهروندی سازمانی معلمان شهرستان پارسین» انجام دادند. نتایج نشان داد که بین مؤلفه‌های جو سازمانی و سلامت روان با رفتار شهروندی رابطه معناداری وجود دارد و بین ابعاد جو با رفتار شهروندی ابعاد (رضایت از پاداش و رضایت از توافق بر رویه‌ها) و بین ابعاد سلامت روان با رفتار شهروندی ابعاد (اختلال در کارکرد نشانه‌های جسمانی و اضطراب) رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و در تحلیل رگرسیون چندگانه مشخص گردید که سلامت روان به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی رفتار شهروندی می‌باشد اما جو سازمانی قادر به پیش‌بینی رفتار شهروندی نمی‌باشد و در بررسی پیش‌بینی رفتار شهروندی با ابعاد جو مشخص گردید که هیچ‌کدام از ابعاد جو (توافق هدف، توافق نقش، رضایت از پاداش، رضایت از توافق بر رویه‌ها، اثربخشی ارتباطات) نیز قادر به پیش‌بینی رفتار نمی‌باشد اما در بررسی پیش‌بینی رفتار شهروندی با ابعاد سلامت مشخص گردید که ابعاد نشانه‌های جسمانی و اضطراب قادر به پیش‌بینی رفتار شهروندی می‌باشند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که جو سازمانی مدارس و محیط کار در تعیین نگرش و چگونگی برخورد معلمان در محیط آموزشی و سلامتی آنان رابطه

¹ Angela T. Hall, Robert Zinko, Alexa A. Perryman & Gerald R. Ferris, 2009

² Mark C. Bolino & William H. Turnley, 2003

داشته و هر چه جو بازتر و صمیمیت و مشارکت بیشتری حاکم باشد باعث بروز رفتار مطلوب و مناسب‌تر و در جو بسته رفتار نامناسب و محافظه‌کارانه‌تری از معلمان سر می‌زند.

(زهره احمدی زاده، 2012) پژوهشی با عنوان «تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و جو سازمانی بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان مازندران» انجام داد. نتایج نشان داد که بین جو سازمانی و پنج مؤلفه آن با رفتار شهروندی سازمانی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که از بین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی؛ بعد وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی و از بین مؤلفه‌های جو سازمانی؛ بعد هدف سازمان و ارتباطات، به ترتیب بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار شهروندی سازمانی به شمار می‌روند.

(وحید عالمیان، محمدرضا ایمانی، سید امیر شهیدی و زینب حبیبی تبار، 2011) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین شخصیت و رفتار شهروندی سازمانی» انجام دادند. نتایج نشان داد که رابطه شخصیت و ابعاد پنج‌گانه آن با رفتار شهروندی سازمانی معنی‌دار است. از بین ابعاد شخصیت، بعد ثبات عاطفی و باوجدان بودن از همبستگی قوی‌تری با رفتار شهروندی سازمانی نسبت به ابعاد دیگر برخوردار است و سپس بعد سازگاری، تجربه‌پذیری و برون‌گرایی به ترتیب با رفتار شهروند سازمانی رابطه داشته‌اند.

(فاطمه ایزدی، 2011) پژوهشی با عنوان «رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سلامت روان و انگیزش شغلی معلمان دوره ابتدایی شهرستان مرودشت» انجام داد، نتایج نشان داد که بین ابعاد ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی، رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین بین روان رنجورگرایی با سلامت روان، رابطه مثبت است اما بقیه ابعاد ویژگی‌های شخصیت با سلامت روان دارای رابطه منفی و معنی‌دار می‌باشند و در بین ابعاد ویژگی‌های شخصیتی، قوی‌ترین پیش‌بینی برای سلامت روان، رنجورگرایی است.

(بهیه فرجی و فریدون احمدی، 2011) پژوهشی با عنوان «تأثیر ویژگی‌های شخصیتی افراد در توسعه رفتار شهروندی سازمانی مطالعه موردی اعضای تعاونی‌های فعال بخش صنعت شهرستان سمنان» انجام دادند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی (پنج عامل نئو) افراد مورد مطالعه و ابعاد رفتار شهروندی سازمانی در شرکت‌های تعاونی مورد بررسی وجود دارد. همچنین رفتار شهروندی سازمانی در تعاونی‌های صنایع دستی و صنایع چوبی، بالاست و در تعاونی‌های تولید انواع پوشاک، ملامین و پلاستیک و در نهایت، دانه‌بندی شن و ماسه پایین است.

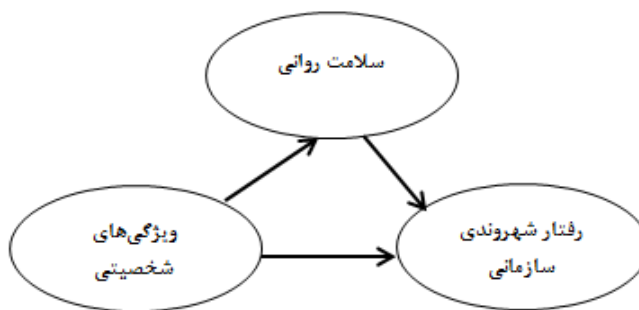
(دستورانی، 2010) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با رضایت شغلی کارکنان» انجام داد. نتایج نشان داد که سلامت روانی کارکنان بر رضایت شغلی آن‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد ولی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن بر رضایت شغلی کارکنان و همچنین تأثیر ویژگی‌های شخصیتی روان آزرده‌گرایی بر رضایت شغلی کارکنان، اندک می‌باشد. به‌استثنای ویژگی شخصیتی دلبپذیر بودن، سایر ویژگی‌های شخصیتی (روان آزرده‌گرایی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و باوجدان بودن) بر رضایت شغلی کارکنان تأثیر دارد و ویژگی شخصیتی دلبپذیری، نسبت به سایر ویژگی‌های شخصیتی بر رضایت شغلی کارکنان، تأثیر معکوس دارد و خرده‌مقیاس‌های سلامت روان نیز بر رضایت شغلی کارکنان تأثیر دارد؛ به‌نحوی که خرده‌مقیاس افسردگی، نسبت به سایر خرده‌مقیاس‌های سلامت روانی، بر رضایت شغلی کارکنان، تأثیر بیشتری دارد.

(نادر سلیمانی و محمدحسین سیری، 2010) پژوهشی با عنوان «رابطه سلامت روانی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان» انجام دادند. نتایج نشان داد که بین مؤلفه‌های سلامت روانی معلمان؛ یعنی علائم جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، کارکرد اجتماعی، افسردگی و سطح رفتار شهروندی سازمانی آنان، رابطه وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی مشخص کرده است که دو مؤلفه افسردگی و کارکردهای اجتماعی می‌توانند به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده رفتار شهروندی سازمانی معلمان، عمل کنند.

در زمینه مطالعات خارجی نیز (حسام ابو النین، 2007)¹ پژوهشی با عنوان «رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار شهروندی سازمانی» انجام داد. نتایج نشان داد که تفاوت‌های فردی، ارتباط معنی‌داری با رفتار شهروندی دارد و عوامل شخصیتی، نقش مهمی در رفتارهای کاری ایفا می‌کند. نتایج همچنین نشان داد که تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و ثبات احساسی، ویژگی‌هایی شخصیتی هستند که به ترتیب بیشترین تأثیر را در توسعه رفتار شهروندی سازمانی دارند (النین، 2007).

(کومار کولدپ، آرتی بخشی و رانی اکتا، 2009)² پژوهشی با عنوان «رابطه بین پنج بعد شخصیت و رفتار شهروندی سازمانی در بین 197 دکتر شاغل در دانشکده پزشکی هند شمالی» انجام دادند. نتایج نشان داد که از بین پنج بُعد شخصیتی، ابعاد برون‌گرایی، باوجدان بودن، وظیفه‌مداری و باز بودن به تجربه، به‌صورت مثبتی با رفتار شهروندی سازمانی ارتباط دارند؛ در صورتی که عصبانیت، به‌صورت منفی با رفتار شهروندی سازمانی در ارتباط است. آن‌ها از طریق رگرسیون چندمتغیره به این نتیجه رسیدند که برون‌گرایی، باوجدان بودن، توافق‌پذیری و عصبانیت، پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای رفتار شهروندی سازمانی کارکنان می‌باشند، اما باز بودن به تجربه، رابطه معناداری را با معیار کلی رفتار شهروندی سازمانی نشان نمی‌دهد (کولدپ و همکاران، 2009).

با این وجود، پژوهشی که بررسی ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روان و نقش آن‌ها بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای انجام شده باشد، یافت نشد؛ لذا مدل و فرضیه‌های زیر در این موضوع به صورت شکل 1 ارائه گردید.



شکل 1. چارچوب نظری پژوهش

فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

- ۱- ویژگی‌های شخصیتی، نقش معناداری در رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران دارد.
- ۲- سلامت روانی، نقش معناداری در رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران دارد.
- ۳- ویژگی‌های شخصیتی، نقش معناداری در سلامت روانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران دارد.

¹ Hossam Abu Elanain, 2007

² Kumar Kuldeep, Arti Bakhshi & Rani Ekta, 2009

مواد و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. این پژوهش در راستای به‌کارگیری در رفع نیازهای سازمان‌ها به انجام می‌رسد؛ بنابراین کاربردی می‌باشد. همچنین این پژوهش از آنجایی که به بررسی وضع موجود می‌پردازد در قلمرو مطالعات توصیفی قرار داد و از آنجایی که به بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی بر رفتار شهروندی سازمانی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران می‌پردازد، از نوع همبستگی و میدانی است.

جامعه آماری در این پژوهش، شامل کلیه کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران (495 نفر) در سال 1397 می‌باشد. طبق جدول (زبرت وی. کرجسی و دریل دبیلیو. مورگان، 1970)¹، تعداد 217 نفر به‌عنوان نمونه آماری که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، تعیین شد. پس از توزیع 230 پرسشنامه در بین مدیران و کارکنان، تعداد 221 پرسشنامه مناسب تشخیص داده شد. از میان پرسشنامه‌های تکمیل‌شده، اطلاعات توصیفی به شرح زیر به دست آمده است: تعداد آقایان 168 نفر و خانم‌ها 53 نفر از نمونه آماری را تشکیل می‌دادند. 63 نفر بین 30-40 سال، 116 نفر بین 41-50 سال و 42 نفر 51 سال و بیشتر سن داشتند.

به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز در این پژوهش، از سه پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه (پاول تی. کوستا جی آر. و زبرت آر. مک کری، 1990)²، یک پرسشنامه 60 سؤالی است که به‌منظور بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارکنان طراحی و اجرا شده است. این پرسشنامه شامل سؤالاتی است که روان رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، باوجدان بودن و دلپذیر بودن را می‌سنجد. علاوه بر این، پرسشنامه (دی. پی. گلدبرگ و وی. اف. هیلیر، 1979)³، یک پرسشنامه 28 سؤالی است که به‌منظور بررسی میزان سلامت روان طراحی و اجرا شده است. این پرسشنامه 28 سؤال است که به علائم جسمانی، علائم اضطرابی، مقیاس کارکرد اجتماعی، مقیاس علائم افسردگی تمرکز دارد. نهایتاً، (پودساکوف و همکاران، 1990)، یک پرسشنامه 20 سؤالی است که به‌منظور بررسی میزان رفتار شهروندی سازمانی طراحی و اجرا شده است. این پرسشنامه بر نوع دوستی، وظیفه‌شناسی، جوانمردی، فضیلت مدنی، و احترام و تکریم توجه دارد. شایان‌ذکر است که شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه به‌صورت مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (5)، موافقم (4)، نه موافق و نه مخالفم (3)، مخالفم (2) و کاملاً مخالفم (1) صورت گرفته است.

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

به‌منظور بررسی روایی پرسشنامه‌ها از آنجایی که از پرسشنامه‌های استاندارد در این حوزه بهره گرفته شد، به روایی محتوا اکتفا شد. بدین منظور، ابزار اندازه‌گیری به 5 نفر از اساتید هیئت علمی دانشگاه ارائه شد که پس از مطالعه گویه‌های ابزار اندازه‌گیری، صرفاً پیشنهادهایی در راستای بهبود متن پرسشنامه‌ها و قابل فهم بودن آن ارائه دادند و کلیت آن، تأیید شد. علاوه بر این، به‌منظور بررسی پایایی این پرسشنامه‌ها، ابتدا 30 پرسشنامه در بین آزمودنی‌ها توزیع و سپس پایایی آن‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ در SPSS محاسبه شد.

مقادیر آلفای کرونباخ بالاتر از 0/7 بیانگر آن است که پایایی ابزار اندازه‌گیری، تأیید شده است و می‌تواند مبنای ادامه کار قرار گیرد.

¹ Robert V. Krejcie & Daryle W. Morgan, 1970

² Paul T. Costa Jr. & Robert R. McCrae, 1990

³ D. P. Goldberg & V. F. Hillier, 1979

جدول 1. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه

متغیرها/مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
ویژگی‌های شخصیتی	60	0.85
سلامت روان	28	0.92
رفتار شهروندی سازمانی	20	0.89

یافته‌های پژوهش

برای آزمون چارچوب نظری پژوهش و محاسبه ضرایب تأثیر، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا وضعیت نرمال بودن داده‌ها توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنوف¹ مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس با توجه به نرمال بودن داده‌ها به انتخاب آزمون همبستگی پیرسون² به منظور بررسی ارتباط میان متغیرها اقدام شد. جدول 2، نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف را نشان می‌دهد. با توجه به جدول می‌توان گفت متغیرهایی که سطح معناداری آن‌ها بزرگ‌تر از 0/05 می‌باشد دارای توزیع نرمال می‌باشند. در صورتی که داده‌ها نرمال باشند استفاده از آزمون‌های پارامتریک در فرایند تجزیه و تحلیل آماری مجاز می‌باشد؛ که در ادامه به بررسی ارتباط بین متغیرها پرداخته شده است.

جدول 2. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	مقدار آماره K-S	سطح معناداری	نتیجه
ویژگی‌های شخصیتی	0/787	0/565	نرمال
سلامت روان	0/721	0/676	نرمال
رفتار شهروندی سازمانی	0/919	0/367	نرمال

فرضیه اول: بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار شهروند سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران رابطه وجود دارد.

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول 3. نتایج آزمون پیرسون جهت بررسی فرضیه اول

متغیرها	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	میزان خطا	سطح معناداری
ویژگی‌های شخصیتی ← رفتار شهروندی سازمانی	221	0.776	0.05	0.000

با توجه به جدول 3، چون مقدار سطح معناداری (sig=0/000) از مقدار خطای پیش‌بینی شده (0/05) کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین رابطه بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار است و از آنجایی که ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با 0/766 می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود. لذا با سطح اطمینان 95 درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار شهروند سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی

¹ Kolmogorov-Smirnov test

² Pearson correlation coefficient

و حرفه‌ای استان مازندران ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با بهبود متغیر ویژگی‌های شخصیتی، رفتار شهروند سازمانی کارکنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

فرضیه دوم: بین سلامت روانی و رفتار شهروند سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران رابطه وجود دارد.

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول 4. نتایج آزمون پیرسون جهت بررسی فرضیه دوم

متغیرها	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	میزان خطا	سطح معناداری
سلامت روانی ← رفتار شهروندی سازمانی	221	0/630	0/05	0/000

با توجه به جدول 4، چون مقدار سطح معناداری ($\text{sig}=0/000$) از مقدار خطای پیش‌بینی شده ($0\alpha =/05$) کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین رابطه بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار است و از آنجایی که ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با 0/630 می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود؛ لذا با سطح اطمینان 95 درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین سلامت روانی و رفتار شهروند سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با بهبود متغیر سلامت روانی، رفتار شهروند سازمانی کارکنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

فرضیه سوم: بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران رابطه وجود دارد.

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول 5. نتایج آزمون پیرسون جهت بررسی فرضیه سوم

متغیرها	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	میزان خطا	سطح معناداری
ویژگی‌های شخصیتی ← سلامت روانی	221	0/842	0/05	0/000

با توجه به جدول 5، چون مقدار سطح معناداری ($\text{sig}=0/000$) از مقدار خطای پیش‌بینی شده ($0\alpha =/05$) کوچک‌تر می‌باشد، بنابراین رابطه بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار است و از آنجایی که ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با 0/842 می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود؛ لذا با سطح اطمینان 95 درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با بهبود متغیر ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی کارکنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

علاوه بر این، در پژوهش حاضر، به منظور سنجش وضعیت فعلی هر یک از متغیرهای پژوهش در جامعه موردبررسی، از آزمون تی یک جامعه آماری (میانگین) استفاده شده است. آزمون t تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هدف، مقایسه میانگین یک نمونه از جامعه با یک حالت معمول و رایج استاندارد باشد (قیومی و مؤمنی، 1396). در این آزمون، مطلوبیت، بیشتر بودن میانگین از مقدار قراردادی 3 (مقدار متوسط) می‌باشد که برای

اجرای آزمون، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. این آزمون تعیین می‌کند که هر یک از متغیرهای پژوهش در چه وضعیتی قرار دارند و بر این اساس می‌توان پیشنهادهایی را برای بهبود این متغیرها در جامعه موردبررسی ارائه داد. جدول 6، نتایج آزمون میانگین یک جامعه آماری را نشان می‌دهد.

در سطح تحلیل متغیرهای پژوهش، تمامی مقادیر دارای سطح معنی‌داری کمتر از 0/05 هستند. برای این متغیرها به علت مثبت بودن آماره T، مقدار آن‌ها بیشتر از مقدار متوسط جامعه می‌باشد. وضعیت آن‌ها مناسب برآورد می‌شود و می‌توان گفت مقدار این متغیرها بیشتر از مقدار متوسط جامعه می‌باشند و وضعیت آن‌ها مناسب برآورد می‌شود.

جدول 6. آزمون میانگین یک جامعه آماری

مقدار میانگین برابر با 3 ($\mu=3$)									
مؤلفه/شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	عدد معناداری	تفاوت میانگین	95 درصد فاصله اطمینان برای تفاوت		وضعیت
							حد بالا	حد پایین	
ویژگی‌های شخصیتی	11/4	75.	54/25	220	000/0	11/1	025/1	20/1	مناسب
سلامت روانی	15/4	76.	71/25	220	000/0	15/1	054/1	23/1	مناسب
رفتار شهروندی سازمانی	16/4	72.	69/27	220	000/0	16/1	078/1	24/1	مناسب

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی بر رفتار شهروندی سازمانی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران در سال 1397 است. به دلیل پیامدهای مثبتی که رفتارهای شهروندی در فضای سازمان خواهد داشت، شناسایی عواملی که در بروز این پدیده در سازمان‌ها نقش دارند، از موضوعات موردتوجه مدیران سازمان‌ها و نیز محققان علم مدیریت است که دلیل اصلی انجام این پژوهش بود. علاوه بر این، محققان این پژوهش، مطالعه جامعی که به بررسی هم‌زمان این سه متغیر در فضای سازمان پرداخته باشد، نیافتند؛ لذا، بررسی روابط این سه متغیر، از دیگر دلایل مهم انجام این پژوهش بوده است. نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول پژوهش حاکی از آن است که بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران، ارتباط معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های (احمدی زاده، 2012)، (عالمیان و همکاران، 2012)، (فرجی و احمدی، 2011)، و (النین، 2007) هم‌سو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که یکی از اقدامات مؤثر در بهبود و ارتقای کیفی نیروی انسانی، بهبود نگرش‌ها و تعدیل ارزش‌های افراد و افزایش انگیزش شغلی آن‌ها است و توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد، یکی از عوامل مؤثر در نگرش‌ها می‌باشد که بر ماندگاری، تعلق، وفاداری، پذیرش اهداف، ارزش‌های سازمانی، و ... در راستای تحقق اهداف سازمان و به‌طور کلی بر عملکرد افراد و انگیزه آن‌ها در سازمان مؤثر است و احساس هویت وابستگی فرد به سازمان را شکل می‌دهد. یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده رفتار شهروندی سازمانی، توجه به ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های فردی کارکنان است. افراد شاغل، بر اساس الگوهای شخصیتی خود، نیازها، انتظارات، انگیزه‌ها، توقعات و اهداف خاصی دارند؛ از طرفی سازمان‌ها نیز برحسب اهداف وظایف و فعالیت‌های خود، نیازها، انتظارات و توقعات خاصی را برآورده می‌کنند؛ بنابراین برای هریک از آن‌ها انواع شخصیت، محیط شغل و مشاغل خاص مناسب است و هرچه سازگاری و تناسب بین شخصیت و شغل بیشتر باشد خشنودی شغل و عملکرد بهتر و انگیزه بیشتری در پی خواهد داشت. افراد شاغل، در صورتی که بتوانند با توجه بر ویژگی‌های شخصیتی خود، شغل مناسبی را انتخاب کنند می‌توانند با تعهد، رضایت و شادابی به فعالیت بپردازند و مثمر‌تر باشند.

نتایج بررسی فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که بین سلامت روانی و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مازندران، ارتباط معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های (بشتر، 2013)، (سلیمانی و سیری، 2010) هم‌سو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که هر چه افراد، از سلامت روانی بالاتری برخوردار باشند اضطراب، افسردگی و عموماً ضعف جسمانی کمتری خواهند داشت و از کارایی بالاتری برخوردار خواهند بود و در نتیجه می‌توانند با همکاران و سرپرستان خود، به‌خوبی تعامل داشته باشند که نهایتاً منجر به رشد و تعالی فرد در سازمان می‌شود و موجبات افزایش رفتار شهروندی سازمانی را فراهم می‌آورد؛ لذا بر مدیران سازمان‌ها لازم است تا با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به سلامت روانی کارکنان در فرایند گزینش و نیز برنامه‌های آموزشی و مدیریت عملکرد توجه لازم را داشته باشند و از نتایج آن بهره‌مند گردند. علاوه بر این، نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم، حاکی از آن است که بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران، ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج تأیید این فرضیه چنین بیان می‌کند که سطوح مختلفی از سلامت روانی کارکنان را می‌توان با ویژگی‌های شخصیتی ایشان مرتبط دانست؛ لذا مدیران سازمان‌ها می‌توانند با تمرکز بر ویژگی‌هایی هم‌سو با نیاز سازمان، از تناسب شخصیت با شغل در سازمان بهره‌برند و کارکنانی با سلامت روانی برای سازمان به ارمغان آورند.

شایان‌ذکر است نتایج حاصل از بررسی آزمون میانگین متغیرهای پژوهش، حاکی از آن است که هر سه متغیر، از سطح مناسبی برخوردار هستند. مقدار هر سه متغیر، طبق طیف 5 عاملی لیکرت، بیشتر از 4 است که نشان از مناسب بودن متغیرها در جامعه مورد بررسی دارد. با این وجود، مدیران اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران می‌توانند با توجه‌ای ویژه به این سه متغیر در بهبود آن‌ها کوشا باشند. با توجه به یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادی زیر به‌منظور بهره‌مندی پژوهشگران برای انجام پژوهش‌های آتی ارائه می‌گردد: در پژوهش حاضر، رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی و رفتار شهروندی سازمانی، بررسی شد. پژوهش‌های آتی می‌توانند ارتباط بین دیگر متغیرهای حوزه سازمان و مدیریت، مانند رضایت شغلی، سبک رهبری در سازمان، ساختار سازمانی و ... را با رفتار شهروندی سازمانی، بسنجند تا بینش وسیع‌تری در این حوزه به دست آید. علاوه بر این، اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر، مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعات آتی می‌توانند سایر سازمان‌های تولیدی و خدماتی را به‌عنوان جامعه آماری انتخاب کنند و با مقایسه نتایج مطالعات خود با پژوهش حاضر، تعمیم‌پذیری این پژوهش را نیز مورد بررسی قرار دهند.

References

- Ahmadi-zadeh, Z. (2012). *The effect of personality traits and organizational climate on organizational citizenship behavior of employees of the Department of Sports and Youth of Mazandaran Province*. [M. Sc., Shahid Chamran]. Ahvaz, Iran. https://www.virascience.com/thesis/57582_5/
- Alamian, V., Imani, M. R., Shahidi, S. A., & Habibitabar, Z. (2012). Study of the relationship between personality and organizational citizenship behavior. *Journal of Government Organizations Management*, 1(1), 39-52. https://ipom.journals.pnu.ac.ir/article_468_0560288ef20b338ba64d71a7e50d7cc3.pdf
- Bakhsipour Joybari, B. A., Dosti, Y. A., Mohammadi Rad, A., & Khosravi, A. (2014). Study of the relationship between personality traits and mental health with job satisfaction. *Journal of Knowledge and Health*, 9(2), 22-37. <https://civilica.com/doc/443989/>
- Bashtar, A. H. (2013). *The Relationship between Organizational Atmosphere and Mental Health with Organizational Citizenship Behavior of Parsian Teachers* [Master, Islamic Azad

- University]. Marvdasht, Iran. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/5fea04d465154aee648c71f345158d9d>
- Bienstock, C. C., DeMoranville, C. W., & Smith, R. K. (2003). Organizational citizenship behavior and service quality. *Journal of Services Marketing*, 17(4), 357-378. <https://doi.org/10.1108/08876040310482775>
- Bolino, M. C., & Turnley, W. H. (2003). Going the extra mile: Cultivating and managing employee citizenship behavior. *Academy of Management Perspectives*, 17(3), 60-71. <https://doi.org/10.5465/ame.2003.10954754>
- Bolino, M. C., Turnley, W. H., & Bloodgood, J. M. (2002). Citizenship Behavior and The Creation of Social Capital in Organizations. *Academy of Management Review*, 27(4), 505-522. <https://doi.org/10.5465/amr.2002.7566023>
- Costa, J., Paul, T., & McCrae, R. R. (1990). Personality Disorders and The Five-Factor Model of Personality. *Journal of Personality Disorders*, 4(4), 362-371. <https://doi.org/10.1521/pedi.1990.4.4.362>
- Dastarani, M. (2010). *Investigating the relationship between personality traits and mental health with job satisfaction of employees* [Msc, Tarbiat Modares]. Iran. <https://www.vi-rascience.com/thesis/519227/>
- Eide, E. R., Showalter, M. H., & Goldhaber, D. D. (2010). The relation between children's health and academic achievement. *Children and Youth Services Review*, 32(2), 231-238. <https://doi.org/10.1016/j.chilcyouth.2009.08.019>
- Elanain, H. A. (2007). Relationship between personality and organizational citizenship behavior: Does personality influence employee citizenship. *International Review of Business Research Papers*, 3(4), 31-43. https://www.researchgate.net/profile/Hossa_m-Elanain/publication/265106363_Relationship_between_Personality_and_Organizational_Citizenship_Behavior_Does_Personality_Influence_Employee_Citizenship/links/570b990d08ae8883a1ffcd43/Relationship-between-Personality-and-Organizational-Citizenship-Behavior-Does-Personality-Influence-Employee-Citizenship.pdf
- Fani, A. A., Danaei Fard, H., & Zakiani, Sh. (2013). Investigating the effect of organizational justice on organizational citizenship behavior and organizational justice: explaining the role of healthy organizational personality. *Management Research in Iran*, 17(1), 133-148. <http://ensani.ir/file/download/article/20130901154245-9566-57.pdf>
- Faraji, B., & Ahmadi, F. (2011). The effect of personality traits of individuals in the development of organizational citizenship behavior: a case study of members of active cooperatives in the industrial sector of Sanandaj. *Journal of Cooperatives and Agriculture*, 22(8), 17-37. http://ajcoop.mcls.gov.ir/article_8888.html
- Fisher, J., Cabral de Mello, M., Izutsu, T., Vijayakumar, L., Belfer, M., & Omigbodun, O. (2011). Adolescent Mental Health in Resource-Constrained Settings: A review of the evidence of the nature, prevalence and determinants of common mental health problems and their management in primary health care. *international Journal of Social Psychiatry*, 57(1 Suppl), 9-116. <https://doi.org/10.1177/0020764010397628>
- Funder, D. C. (2001). *The Personality Puzzle* (2 ed.). W.W. Norton. https://books.google.co.in/books/about/The_Personality_Puzzle.html?id=RpyJGwAACAAJ
- Ganji, H. (2014). *Mental Health* (13 ed.). Ravan, Arasbaran.
- Goldberg, D. P., & Hillier, V. F. (1979). A scaled version of the General Health Questionnaire. *Psychological Medicine*, 9(1), 139-145. <https://doi.org/10.1017/S0033291700021644>
- Hall, A. T., Zinko, R., Perryman, A. A., & Ferris, G. R. (2009). Organizational Citizenship Behavior and Reputation: Mediators in the Relationships Between Accountability

- and Job Performance and Satisfaction. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 15(4), 381-392. <https://doi.org/10.1177/1548051809331504>
- Islami, H., & Sayar, A. Q. (2008). Organizational Citizenship Behavior. *Tadbir Magazine*(187), 85-95. <https://www.magiran.com/paper/461790>
- Izadi, F. (2011). *Relationship between personality traits and mental health and job motivation of primary school teachers in Marvdasht* [Master, Islamic Azad University]. Marvdasht, Iran.
- Khobchian, J. (2011). *The Relationship between Religious Orientation and Mental Health of Fourth Year High School Students in District One of Zanjan* [Msc, Zanjan]. Iran. <https://www.virascience.com/thesis/531335/>
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30(3), 607-610. <https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
- Kuldeep, K., Bakhshi, A., & Ekta, R. (2009). Linking the Big Five personality domains to Organizational citizenship behavior. *International Journal of Psychological Studies*, 1(2), 73-81. <https://doi.org/10.5539/ijps.v1n2p73>
- Maghsoudi, A. A., & Nouri, A. (2016, March 3). *Simple and combined relationship of personality traits with organizational citizenship behavior in employees of an industrial unit*. Second National Conference on Psychology and Educational Sciences, Shadegan, Iran. <https://ci.vilica.com/doc/463233/>
- McCrae, R. R., & Allik, J. (2002). *The Five-Factor Model of Personality Across Cultures*. Kluwer Academic/Plenum <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/978-1-4615-0763-5>
- Mohammad Amini, Z. (2007). Study of the relationship between metacognitive beliefs and mental health and academic achievement of male students in Oshnoyeh. *Journal of Thought and Behavior*, 1(4), 30-39.
- NadiZadehArdakani, A., Moubed, M., & Abedi, S. (2020). Assessing and Prioritizing the Educational Needs for Ardakan University Staff. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 207-232. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105727_2f97481314f7ee8cfd88967a30331ac9.pdf
- Ormel, J., Jeronimus, B. F., Kotov, R., Riese, H., Bos, E. H., Hankin, B., Rosmalen, J. G. M., & Oldehinkel, A. J. (2013). Neuroticism and common mental disorders: Meaning and utility of a complex relationship. *Clinical Psychology Review*, 33(5), 686-697. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2013.04.003>
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., Moorman, R. H., & Fetter, R. (1990). Transformational leader behaviors and their effects on followers' trust in leader, satisfaction, and organizational citizenship behaviors. *The Leadership Quarterly*, 1(2), 107-142. [https://doi.org/10.1016/1048-9843\(90\)90009-7](https://doi.org/10.1016/1048-9843(90)90009-7)
- Preau, M., Protopopescu, C., Spire, B., Sobel, A., Dellamonica, P., Moatti, J.-P., & Carrieri, M. P. (2007). Health related quality of life among both current and former injection drug users who are HIV-infected. *Drug and Alcohol Dependence*, 86(2), 175-182. <https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2006.06.012>
- Rahimi, H., & Aghababaei, R. (2020). The effect of authentic leadership on human resource creativity: Mediating role of internal motivation (Case study: staff in University of Kashan). *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 121-140. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105317_4c84120f79bedeb0883fa6e76b18cda1.pdf
- Robbins, S. P. (2001). *Organizational Behavior* Prentice Hall India. <https://www.amazon.co.uk/Organizational-Behavior-Ninth-Stephen-Robbins/dp/8120317084>

- Schmitt, D. P., Allik, J., McCrae, R. R., & Benet-Martinez, V. (2007). The Geographic Distribution of Big Five Personality Traits: Patterns and Profiles of Human Self-Description Across 56 Nations. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 38(2), 173-212. <https://doi.org/10.1177/0022022106297299>
- Shamsi, S., PoorAtashi, M., & Zamani, A. (2020). The Relationship between Managers Communication Skills and Leadership Style with Human Resource Empowerment in Shariaty School of Engineering. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 141-160. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105318_0e05606c02ced118d779fbb3007200f4.pdf
- Soleimani, N., & Siri, M. H. (2010). The relationship between mental health and organizational citizenship behavior of teachers. *Educational Psychology*, 1(4), 87-101. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=167211>



Entrepreneurship Education and its Effects on the Function of Rural Women's Businesses

Fatemeh Badzaban¹, Kurosh Rezaei-Moghaddam^{2*} , Mahsa Fatemi³

¹Former M.Sc. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University, Fars, Iran.

²Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University, Fars, Iran.

³Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University, Fars, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 05.13.2020

Revised: 12.07.2020

Accepted: 12.08. 2020

Keyword:

Education
Entrepreneurship
Business
Rural Women
Fars Province

***Corresponding Author:**

Kurosh Rezaei-Moghaddam

Email: rezaei@shirazu.ac.ir

ABSTRACT

Education is one of the most important factors in developing entrepreneurial activities. Rural women entrepreneurs would be able to cope with barriers and also use new methods in accordance with modern technology and market changes through education. The main purpose of the study was to analyze the effects of entrepreneurship education on the function of rural women's businesses. All rural women members of the Agricultural Development Specialized Holding Companies in Fars Province were included in this research statistical population. The study was conducted using survey method and the sample included 269 rural women based on stratified random sampling. Required data was collected through a questionnaire. The findings revealed that attending educational classes had a great impact on motivation, skills, awareness, and entrepreneurship knowledge of rural women. Based on the results of analysis of variance, there were significant differences between women in the three different groups regarding their participation in entrepreneurship classes in terms of entrepreneurial activities development, individual resilience, business resilience, marketing methods and the virtual social networks use. Furthermore, there were significant differences between groups with different entrepreneurial knowledge in terms of entrepreneurial activity development, individual resilience, business resilience, marketing methods and the virtual social networks use. Finally, the study attempted to provide some applicable recommendations in order to improve rural women's entrepreneurial businesses.





آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر عملکرد کسب‌وکارهای زنان روستایی

فاطمه بادزبان¹، کورش رضائی‌مقدم^{2*}، مهسا فاطمی³

- ۱- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، دپارتمان ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، استان فارس، ایران.
- ۲- استاد، دپارتمان ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، استان فارس، ایران.
- ۳- استادیار، دپارتمان ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، استان فارس، ایران.

چکیده

بهره‌مندی از آموزش، یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی است. زنان روستایی کارآفرین، از طریق آموزش، توانایی مقابله با موانع و به‌کارگیری روش‌های جدید و متناسب با تغییرات تکنولوژی و بازار را پیدا می‌کنند. این تحقیق، با هدف کلی تأثیر آموزش کارآفرینی بر عملکرد فعالیت‌های کسب‌وکارهای زنان روستایی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه زنان عضو شرکت‌های مادر تخصصی حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی استان فارس بود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش پیمایش و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با تعداد 269 نفر با استفاده از پرسشنامه انجام شد. نتایج نشان داد که شرکت در کلاس‌های آموزشی، تأثیر مطلوبی بر انگیزه، مهارت، آگاهی و دانش کارآفرینی زنان روستایی داشته است. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین زنان در سه گروه متفاوت با تعداد دفعات شرکت در کلاس‌های آموزشی، از نظر توسعه فعالیت کارآفرینی، تاب‌آوری فردی، تاب‌آوری کسب‌وکار، روش‌های بازاریابی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بین زنان در گروه‌های متفاوت، از لحاظ میزان دانش کارآفرینی نیز تفاوت‌های معناداری از نظر توسعه فعالیت کارآفرینی، تاب‌آوری فردی، تاب‌آوری کسب‌وکار، روش‌های بازاریابی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود دارد. در نهایت به منظور ارتقای کارآفرینی زنان روستایی، پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: 1399/02/24

بازنگری مقاله: 1399/09/17

پذیرش مقاله: 1399/09/18

کلید واژگان:

آموزش
کارآفرینی
کسب و کار
زنان روستایی
استان فارس

*نویسنده مسئول: کورش رضائی‌مقدم

پست الکترونیکی:

rezaei@shirazu.ac.ir



مقدمه

کارآفرینی در جهان امروز به سرعت در حال پیشرفت است. در این بین، کارآفرینی زنان، موضوع پراستقبال کشورها است (داود قرونه، حسین عابدی و آرزو احمدآبادی، 2016). تحقق، توسعه بدون مشارکت زنان در وجوه اجتماعی-اقتصادی امکان‌پذیر نیست (راضیه ندافی، 2012). در بسیاری از نقاط جهان، زنان، مشارکت زیادی در فعالیتهای کارآفرینی و رفاه اقتصادی کشورهای خود دارند (الیزابت اوجو، اسمت آنیتسال و ملک مرال آنیتسال، 2019)¹. مشارکت نیروی کار زنان در سراسر جهان در سال 2018 به طور متوسط 50/85 درصد بوده، کشور رواندا در آفریقای مرکزی با 84/17 درصد بالاترین رتبه و کشور یمن با 6/12 درصد کمترین رتبه را کسب کرده است (اقتصاد جهانی، 2018)². در جامعه امروز ایران نیز، زنان نقش مهم و در حال گسترشی در زمینه کسب‌وکارها ایفا کرده‌اند به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، سهم زنان در کسب‌وکارهای خصوصی و غیردولتی روند رو به رشدی را طی کرده است (رضا موحدی و جلیله سلیمانیان بروجنی، 2016). بر اساس آمار جهانی در ایران از سال 2014 تا 2018 مشارکت نیروی کار زنان از 13/68 به 16/77 درصد رسیده است (اقتصاد جهانی، 2018) که 43/9 درصد آن مربوط به زنان روستایی بوده است (مرکز آمار ایران، 2018)³. زنان روستایی به عنوان اولین مدیران منابع طبیعی از دیرباز در توسعه وضعیت کشاورزی نقش‌های درخور توجهی داشته‌اند (قرونه و همکاران، 2016). موفقیت زنان کارآفرین در جوامع به خصوص جوامع روستایی موجب افزایش کیفیت زندگی و بهبود شرایط اقتصادی و فرهنگی در روستاها در مقایسه با سال‌های گذشته شده است (زهره محمدی و فرهاد لشگرآرا، 2013). کارآفرینی زنان روستایی یکی از راهکارهای مهم برای استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه محلی است و در صورت وجود سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب، گام بزرگی در راستای حرکت در مسیر توسعه پایدار است (بهمن خسروی پور و سمیرا جابری، 2017؛ مسعود سامیان و رضا موحدی، 2018). با وجود مزایای انکارناپذیر کارآفرینی در توسعه جوامع، موانع و محدودیت‌های متعددی برای حرکت به سوی کارآفرینی در بین زنان روستایی وجود دارد (داود جمینی، علیرضا جمشیدی، حسین کماسی و عطا هوشنگی، 2015). یکی از این محدودیت‌ها موانع آموزشی است (احمد یعقوبی فرانی، عطیه سلیمانی، رضا موحدی و فرزاد اسکندری، 2013). با توجه به افزایش مشارکت زنان روستایی در اقتصاد ملی، ضروری است که شرایط لازم برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینی آن‌ها فراهم شود. از این رو برای توسعه و توانمندسازی این قشر از جامعه باید به یک جنبه مهم از نیروی انسانی یعنی آموزش پرداخت (ندافی، 2012) به نحوی که از طریق آموزش، مهارت‌ها و صلاحیت زنان کارآفرین افزایش یابد و سبب اثربخشی هر چه بیشتر زنان کارآفرین در خانواده، کسب‌وکار و جامعه شود (محمدی و لشگرآرا، 2013). توسعه برنامه‌های آموزشی کارآفرینی توأم با انتقال اطلاعات نوین به زنان روستایی، پیامدهای اجتماعی-اقتصادی زیادی در سطح زندگی زنان روستایی به همراه خواهد داشت (ندافی، 2012).

آموزش کارآفرینی، به تمام فعالیت‌هایی گفته می‌شود که هدف آن شکوفایی ذهنیت، نگرش و مهارت‌های کارآفرینی در طیفی از موارد متعدد مانند تولید ایده، استارت‌آپ، رشد و نوآوری است (ریزکی نایلو، نورو کلوفیا، کاستسیما رنگوا، ماسونگای نسولزی و چارلز نگروا، 2015)⁴. آموزش کارآفرینی، نوعی آموزش است که با هدف توسعه کیفیت کارآفرینی و موفقیت کسب‌وکار به افراد ارائه می‌گردد. علت توجه به آموزش در حوزه کارآفرینی، نیاز امروز جوامع برای سازگار شدن با تغییرات تکنولوژی است (قرونه و همکاران، 2016). بدون شک، آموزش کارآفرینی، یکی از ابعاد مهم و ضروری در برنامه‌های ترویج کارآفرینی در جامعه می‌باشد. از منظر دیدبان جهانی کارآفرینی مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه قابل آموزش و یادگیری هستند و آموزش کارآفرینی نقش ضروری در شکل‌گیری نگرش‌ها، مهارت‌ها و فرهنگ

¹ Elizabeth Ojo, Ismet Anitsal & Melek Meral Anitsal, 2019

² The Global Economy, 2018

³ Statistical Centre of Iran, 2018

⁴ Riziki Nyello, Nuru Kalufya, Castissima Rengua, Masunga J Nsolezi & Charles Ngirwa, 2015

ایفا می کند ((موحدی و سلیمانیان بروجنی، 2016))؛ (علی عبدی جمایران، آذرچهر صحت و الهه حسینی، 2017). نظریه رفتار برنامه ریزی شده آجن¹ (1991) چارچوب معتبری را به منظور تحلیل و اندازه گیری چگونگی تأثیر برنامه های آموزش کارآفرینی بر نگرش ها و نیت و رفتار کارآفرینانه فراگیران آن فراهم می آورد (الن فایول و بنویت گیلی، 2004)². برخی از محققان معتقدند که رابطهای بین آموزش کارآفرینی و نگرش های کارآفرینانه، نیت و یا رفتارهای کارآفرینانه وجود دارد (نیکول ای. پیترمن و جسیکا کندی، 2003؛ محمداعظم رومی و گای پارتوت، 2008)³. بنابراین اهمیت آموزش کارآفرینی در موفقیت کارآفرینی زنان غیرقابل انکار است (مریم چراغی و توماس شات، 2015)⁴. تحقیقات، نشان دهنده مشارکت کم زنان در فعالیتهای کارآفرینی نسبت به مردان است (زهره کریمی موغاری، مینو نظیفی نایینی و سحر عباسپور، 2013؛ اوجو و همکاران، 2019؛ مجتبی سوختانلو، 2017). مردان تمایل زیادی به کارآفرینی دارند، در حالی که زنان به مشاغل کم درآمد متوسل می شوند. این تفاوت، ریشه در عواملی چون کمبود آموزش، فرصت و منابع برای گسترش مشاغل زنان دارد (اوجو و همکاران، 2019). زنان روستایی در مقام مقایسه با مردان همین جوامع، به مقدار خیلی کمتری از مواهب برنامه های آموزشی در کل جامعه برخوردار بوده و هستند (طیبه جلالی و ترانه عنایتی، 2017؛ ندافی، 2012). فراهم آوردن شروع و ادامه مناسب آموزش کارآفرینی برای زنان به موفقیت کارآفرینی آنها کمک می کند و نابرابری در مشارکت اقتصادی را کاهش می دهد. در آموزش کارآفرینی، تلاش بر این است که زنان مهارت ها و روش های جدید را در به حداکثر رساندن سود به دست آورند، تجارب جدید کسب کنند و رسیدن به اهداف کسب و کار را یک مسئولیت بدانند (اوجو و همکاران، 2019). این ها استراتژی های متنوعی است که به مرور زمان به دست می آیند. استراتژی های جدید آموزش کارآفرینی باید یک رویکرد محوری تر را برای زنان فراهم آورد. استراتژی جدید آموزش باید بر شیوه یادگیری فعال و رشد فردی متمرکز شود. این به معنا که یک سبک تعاملی و آموزش مبتنی بر نیازها و توانایی های فردی است که باید ابعاد کاملاً جدیدی از دانش کسب کند و یادگیری را به یک فرایند راحت تر تبدیل کند (میرجانا رادوویچ مارکوویچ، کارل لیندگرن، رادمیلا گرزدانچ، دوسان مارکوویچ و آیدین سلام زاده، 2012)⁵. مطالعات متعددی بر آموزش کارآفرینی زنان روستایی تأکید کرده اند. نتایج پژوهش (محمدی و لشگرآرا، 2013) در ارتباط با نقش آموزش کارآفرینی در توانمندسازی زنان کارآفرین روستایی استان ایلام نشان داد که قابلیت های آموزش کارآفرینی، تأثیر زیادی بر توانمندسازی زنان داشته است.

نتایج تحقیق (رومی و پارتوت، 2008) در ارتباط با موانع توسعه و پیشرفت زنان کارآفرین در پاکستان نشان داد که یکی از مهم ترین موانع پیش روی زنان در توسعه کارآفرینی، دسترسی کم به آموزش است.

(موحدی و سلیمانیان بروجنی، 2016) در بررسی شیوه های آموزشی مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان بروجن، شیوه های آموزشی مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی را به ترتیب اهمیت در سه عامل آموزش های تخصصی کارآفرینی، استفاده از اطلاعات و تجارب کارآفرینان زن موفق و استفاده از رسانه ها و اینترنت دسته بندی کردند. (عبدالحمید پاپ زن، خوشقدم خالیدی و عادل سلیمانی، 2011) در تحقیقی با هدف ارزشیابی آموزش های فنی و حرفه ای غیررسمی زنان روستایی دریافتند که تفاوت معناداری بین مهارت پیشین و کنونی زنان روستایی در زمینه صنایع دستی پس از شرکت در برنامه های آموزش فنی و حرفه ای وجود دارد.

¹ Ajzen

² Alain Fayolle & Benoit Gailly, 2004

³ Nicole E. Peterman & Jessica Kennedy, 2003; Muhammad Azam Roomi & Guy Parrott, 2008

⁴ Maryam Cheraghi & Thomas Schott, 2015

⁵ Mirjana Radovic Markovic, Carl Lindgren, Radmila Grozdanic, Dusan Markovic, Aidin Salamzadeh, 2012

(یعقوبی فرانی و همکاران، 2013) در بررسی تأثیر عوامل آموزشی و نهادی - سازمانی بر کارآفرینی زنان روستایی استان همدان نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری بین میزان بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی و میزان دسترسی زنان به عوامل نهادی - سازمانی با سطح کارآفرینی آن‌ها وجود دارد.

نتایج تحلیل محتوای نظرات زنان روستایی در مطالعه (خسروی پور و جابری، 2017)، عوامل مؤثر بر رشد کارآفرینی در کسب‌وکارهای کوچک را هفت دسته عوامل کلی فردی، محیطی، فرهنگی - اجتماعی، انگیزشی، آموزشی - ترویجی، سیاستگذاری و مدیریتی نشان داد. از پژوهش‌های اشاره شده می‌توان به این جمع‌بندی رسید که فراهم آوردن حمایت‌های آموزشی، تأثیر بسزایی در توسعه کارآفرینی زنان روستایی دارد.

طبق مطالعه (بادزبان، 2019) بین آموزش کارآفرینی و بهبود تاب‌آوری کسب‌وکارهای زنان کارآفرین روستایی همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج همچنین نشان داد که همبستگی مثبت و معنی داری بین آموزش کارآفرینی و تاب‌آوری فردی زنان کارآفرین روستایی وجود دارد.

نتایج مطالعه (مرجان گلکارفرد و کوروش رضایی مقدم، 2019) نشان داد که شرکت در کلاس‌های آموزشی، دانش کارآفرینی، سیاست‌های حمایتی شرکت و مهارت در تدوین طرح تجاری بر توانمندسازی زنان کارآفرین تأثیرگذار است. براساس مطالعه (نصیبه شمسی و فرشته لطفی زاده، 2014) بین قابلیت نوآوری، بازاریابی، یادگیری (آموزش) و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط رابطه معنی داری وجود دارد. از این رو به مکانیسمی احتیاج است که حمایت‌های آموزشی برای شروع و ادامه فعالیت‌های کارآفرینی به زنان روستایی ارائه دهد. شرکت حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری به عنوان اولین شرکت غیردولتی با همکاری مشترک صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در کشور تشکیل شده است. این شرکت‌ها بر اساس قانون از کلیه مزایای صندوق‌های غیردولتی بهره‌مند هستند. شرکت‌های سه شهرستان شیراز، مرودشت و استهبان در استان فارس هستند که حدود 9 سال است که در حال فعالیت هستند. زنان کارآفرین عضو این شرکت‌ها به صورت فردی، گروهی و خانوادگی در زمینه کسب‌وکارهای کشاورزی، پرورش دام و طیور، صنایع دستی، صنایع تبدیلی و فعالیت‌های خدماتی فعالیت می‌کنند. یکی از اهداف این شرکت‌ها فراهم کردن امکان آموزش اعضا به منظور افزایش آگاهی و مهارت آن‌ها در اجرای فعالیت‌های کسب‌وکار است (گلکارفرد و رضایی مقدم، 2019). در این راستا شرکت حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی تسهیلات و برنامه‌های آموزشی در اختیار زنان قرار می‌دهد، به‌طوری که برگزاری این دوره‌های آموزشی در چند سال اخیر نیز ادامه دارد. بنابراین هدف این پژوهش تحلیل تأثیر آموزش کارآفرینی بر عملکرد فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی عضو این شرکت‌ها می‌باشد. در راستای این هدف، اهداف اختصاصی زیر مد نظر است:

- شناخت تأثیر آموزش کارآفرینی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی
- شناخت تأثیر آموزش کارآفرینی بر بهبود تاب‌آوری فردی و کسب‌وکار زنان روستایی
- شناخت تأثیر آموزش کارآفرینی بر فعالیت‌های بازاریابی زنان روستایی.

روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش پیمایش انجام شد. جامعه آماری تحقیق، اعضای شرکت‌های حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان در استان فارس در قالب سه شرکت در شهرستان‌های مرودشت، شیراز و استهبان بودند. حجم نمونه مورد مطالعه بر اساس جدول مورگان 269 نفر و از روش نمونه‌گیری احتمالی با نوع تصادفی طبقه‌بندی استفاده و متناسب با کل تعداد اعضای شرکت‌ها در هر شرکت، درصدی از حجم نمونه به آن‌ها اختصاص داده شد (چراغی و شات، 2015). متغیرهای پژوهش شامل سطح تحصیلات، مدت‌زمان عضویت در شرکت، میزان مشارکت در برنامه‌های آموزشی، تأثیر شرکت در کلاس‌های آموزشی اجرا شده توسط شرکت‌ها، حمایت شرکت، دانش کارآفرینی، مهارت در تدوین طرح تجاری، تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی، فعالیت کارآفرینی، به‌کارگیری

استراتژی‌های بازاریابی، به‌کارگیری روش‌های بازاریابی، تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری کسب‌وکارهای زنان بود. برای بررسی میزان مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی شرکت‌ها، از سه شاخص تعداد دفعات شرکت در کلاس‌های آموزشی، تعداد دفعات شرکت در کارگاه‌های آموزشی و تعداد دفعات مطالعه نشریه ترویجی و پوستر استفاده شد و به منظور تحلیل تأثیر برنامه‌های آموزشی بر فعالیت‌های کارآفرینی زنان 6 گویه مد نظر قرار گرفت. برای بررسی میزان حمایت شرکت از زنان، دانش کارآفرینی و مهارت در تدوین طرح تجاری زنان به ترتیب از 6، 8 و 5 گویه استفاده شد (گلکارد و رضایی مقدم، 2019). برای بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فعالیت کارآفرینی زنان مورد مطالعه 16 گویه مد نظر قرار گرفت. به منظور سنجش تاب‌آوری فردی زنان از مقیاس بین‌المللی سنجش تاب‌آوری فردی (کاترین ام. کانر و جانانان آر. تی. دیویدسون، 2003)¹ استفاده شد. برای سنجش میزان تاب‌آوری کسب‌وکارهای زنان از مقیاس تاب‌آوری در طول عمر کسب‌وکار استفاده شد (سی فرگوسن، ال کوهن، جی. آ. پولی و سی هارمز، 2010)². برای بررسی به‌کارگیری استراتژی‌های بازاریابی (هلن ای. سالاوو و جان هالیکیاس، 2009)³ و روش‌های بازاریابی (کوروش رضایی مقدم و هدا ایزدی، 2019) به ترتیب 15، 14 گویه به کار گرفته شد. فعالیت کارآفرینی بر اساس مؤلفه‌های ارائه شده توسط رضایی مقدم و ایزدی سنجیده شد (رضایی مقدم و ایزدی، 2019). متغیرها در قالب طیف پنج سطحی لیکرت مورد سنجش قرار گرفتند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شد. متخصصان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز، روایی صوری پرسشنامه تأیید کردند. پایایی ابزار سنجش از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ با انجام یک مطالعه راهنما با 30 نفر از زنان کارآفرین عضو شرکت حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی در شهرستان شیراز واقع در روستای بندامیر زرقان که خارج از نمونه مورد مطالعه بودند، محاسبه شد (جدول 1). بعد از اصلاحات صورت گرفته به مطالعه نمونه اصلی پژوهش پرداخته شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 24 تحلیل شدند.

جدول 1. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	آلفا (α)
تأثیر شرکت در کلاس‌های آموزشی	0/95
حمایت شرکت	0/89
دانش کارآفرینی	0/85
مهارت در تدوین طرح تجاری	0/86
تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی	0/98
تاب‌آوری کسب‌وکار	0/87
تاب‌آوری فردی	0/88
فعالیت کارآفرینی	0/96
روش‌های بازاریابی	0/90
استراتژی‌های بازاریابی	0/95

یافته‌ها

براساس یافته‌ها زنان مورد مطالعه دارای میانگین سطح تحصیلات حدود 8 سال بودند. بیشترین درصد فراوانی، مربوط به افرادی است که دارای تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کم‌ترین درصد فراوانی متعلق به زنانی است که سطح تحصیلات کاردانی داشته‌اند. میانگین مدت‌زمان عضویت زنان در شرکت حدود 5 سال است. نتایج میزان

¹ Kathryn M. Connor & Jonathan R.T. Davidson, 2003

² C Ferguson, L Cohen, J.A Pooley & C Harms

³ Helen E. Salavou & John Halikias, 2009

مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی شرکت در جدول 2 گزارش شده است. طبق یافته‌ها میانگین تعداد دفعات شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی برگزار شده توسط شرکت، حدود 6 دفعه است. بالاترین میزان شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی، 20 دفعه و کمترین میزان آن صفر دفعه بوده است. میانگین تعداد دفعات مطالعه نشریه ترویجی و پوستر توسط زنان در رابطه با فعالیت‌های کارآفرینی، حدود 3 دفعه می‌باشد. بالاترین میزان مطالعه نشریه ترویجی و پوستر، 50 دفعه و کمترین میزان آن صفر دفعه بوده است. براساس یافته‌ها میانگین تعداد دفعات شرکت زنان در کارگاه‌های کارآفرینی، حدود 2 دفعه می‌باشد. بالاترین میزان دفعات شرکت زنان در کارگاه‌های کارآفرینی 12 دفعه و کمترین میزان آن صفر دفعه بوده است. این یافته‌ها بیانگر میزان مشارکت کم زنان در دوره‌های آموزشی برگزار شده توسط شرکت است.

جدول 2. توزیع فراوانی میزان مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه در برنامه‌های آموزشی

شاخص	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
تعداد دفعات شرکت در کلاس‌های آموزشی	6/02	5/11	0	20
تعداد دفعات مطالعه نشریه ترویجی و پوستر	2/71	5/01	0	50
تعداد دفعات شرکت در کارگاه‌های آموزشی	2/28	2/61	0	12

میانگین تأثیر شرکت در کلاس‌های آموزشی برگزار شده توسط شرکت بر زنان (22/66) بیانگر این است که شرکت در کلاس‌های آموزشی تأثیر متوسط رو به بالایی بر زنان کارآفرین داشته است. بیشترین میانگین مربوط به گویه‌ی تأثیر کلاس‌های آموزشی بر انگیزه زنان برای شرکت در فعالیت‌های گروهی و توسعه کسب‌وکارشان بوده و بعد از آن به ترتیب بر گویه‌های آشنایی زنان با روش‌های جدید کاریشان، افزایش دانش کارآفرینی، افزایش مهارت‌های بازاریابی، آگاهی از مشکلات زیست‌محیطی و افزایش مهارت‌های کارآفرینی آنان تأثیر خوبی داشته است (جدول 3). از این رو می‌توان بیان داشت که با وجود مشارکت نسبتاً کم زنان در دوره‌های آموزشی، شرکت در این آموزش‌ها تأثیر نسبتاً خوبی بر انگیزه، مهارت، آگاهی و دانش کارآفرینی زنان روستایی داشته است.

جدول 3. توزیع فراوانی میزان تأثیر شرکت در کلاس‌های آموزشی، حمایت شرکت، دانش کارآفرینی و مهارت در تدوین طرح تجاری

متغیر	گویه	میانگین	رتبه	میانگین کلی
تأثیر شرکت در کلاس‌های آموزشی	افزایش انگیزه	4/03	1	22/66 طیف (6-30)
	آشنایی با روش‌های جدید کاری	3/77	2	
	افزایش دانش کارآفرینی	3/74	3	
	افزایش مهارت‌های بازاریابی	3/72	4	
	آگاهی از مشکلات زیست‌محیطی	3/72	4	
حمایت شرکت	افزایش مهارت‌های کارآفرینی	3/71	5	18/74 طیف (6-30)
	ارائه امکانات آموزشی	3/29	1	
	برگزاری نمایشگاه‌های تولیدات کارآفرینی	3/22	2	
	فراهم کردن حمایت‌های مالی	3/20	3	
	معرفی و تشویق کارآفرینان نمونه	3/11	4	
	فراهم کردن شرایط برای فروش محصول	3/05	5	
خلایقت در کارآفرینی	امکان تهیه مواد اولیه مورد نیاز کارآفرینان	2/87	6	
	شناسایی و به‌کارگیری منابع مختلف	4/16	2	

متغیر	گویه	میانگین	رتبه	میانگین کلی
دانش کارآفرینی	شناسایی بازار جدید	4/10	3	31/76 طیف (8-40)
	نوآوری در کارآفرینی	4/08	4	
	شناسایی فرصت‌های جدید	4/07	5	
	روش‌های مختلف تولید	4/03	6	
	تولید محصول جدید	3/76	7	
	ریسک‌پذیری در کارآفرینی	3/36	8	15/56 طیف (5-25)
	اهمیت به بررسی‌های مالی و اقتصادی	4/04	1	
	رعایت اصول تهیه و ساختار بندی طرح تجاری	3/10	2	
مهارت در تدوین طرح تجاری	تطابق مهارت نسبت به سایر طرح‌ها	2/84	3	
	مهارت در نوشتن طرح تجاری	2/80	4	
	نوآوری نسبت به طرح‌های مشابه	2/79	5	

طبق یافته‌های جدول 3 می‌توان بیان کرد که حمایت شرکت از فعالیت کارآفرینی زنان، در حد متوسط رو به بالا (میانگین 18/74) بوده است. براساس یافته‌ها، بیشترین میانگین مربوط به گویه‌ی ارائه امکانات آموزشی (3/29) به زنان بوده است. بعد از آن، به ترتیب، گویه‌های برگزاری نمایشگاه‌های تولیدات کارآفرینی زنان، فراهم کردن حمایت‌های مالی، معرفی و تشویق کارآفرینان نمونه و فراهم کردن شرایط برای فروش محصولات زنان دارای میانگین مطلوبی بوده‌اند. این بیانگر این است که شرکت از فعالیت‌های زنان در حد مطلوب حمایت می‌کند؛ اما حمایت شرکت از نظر زنان به لحاظ امکان تهیه مواد اولیه مورد نیاز کارآفرینان میانگین رتبه‌ای کمتری (2/87) نسبت به سایر گویه‌ها کسب کرده است. میانگین دانش کارآفرینی زنان مورد مطالعه 31/76 برآورد شد (جدول 3). با توجه به طیف متغیر، این میانگین نشان‌دهنده دانش کارآفرینی نسبتاً بالای زنان است. زنان از نظر گویه‌های خلاقیت، شناسایی و به‌کارگیری منابع مختلف، شناسایی بازار جدید، نوآوری، شناسایی فرصت‌های جدید و روش‌های مختلف تولید به ترتیب میانگین رتبه‌ای بالایی داشته‌اند. این نشان‌دهنده این است که زنان خیلی خوب یاد گرفته‌اند که کارآفرینی چگونه باید باشد و در فعالیت خود به فرصت، جدید بودن منابع و بازار، تنوع، خلاقیت، و نوآوری اهمیت زیادی می‌دهند. اما میانگین ریسک‌پذیری در کارآفرینی (3/36) نسبت به سایر گویه‌ها نسبتاً کمتر بوده است. کمتر بودن میانگین گویه‌ی تولید محصول جدید نسبت به سایر گویه‌ها نیز می‌تواند ناشی از ریسک‌پذیری زنان باشد؛ زیرا تولید محصول جدید همراه با ریسک است. طبق یافته‌ها میانگین میزان مهارت در تدوین طرح تجاری زنان مورد مطالعه 15/56 برآورد شد. با توجه به طیف این متغیر، مشخص می‌شود که مهارت زنان در تدوین طرح تجاری در حد متوسط می‌باشد. بر اساس نتایج جدول 3 میانگین گویه‌های نوآوری نسبت به طرح‌های مشابه، مهارت در نوشتن طرح تجاری، تطابق مهارت نسبت به سایر طرح‌ها و رعایت اصول تهیه و ساختار بندی طرح تجاری به ترتیب رتبه متوسطی داشته‌اند، اما میانگین بررسی‌های مالی و اقتصادی در طرح تجاری، تقریباً بالا می‌باشد که بیانگر این است که زنان، بررسی‌های مالی و اقتصادی در طرح تجاری را مهم می‌دانند.

مقایسه متغیرها در سه گروه زنان از نظر میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی

بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک طرفه در جدول 4 بین زنان در سه گروه با تعداد دفعات شرکت کم، متوسط و زیاد در کلاس‌های آموزشی از نظر توسعه فعالیت کارآفرینی، تفاوت معنی‌داری ($P=0/009$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین توسعه فعالیت کارآفرینی زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند و زنانی که کم در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین،

در مورد زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند (100/69) بیشتر از زنانی است که کمتر در کلاس‌های آموزشی شرکت (91/97) کرده‌اند. به عبارتی، توسعه فعالیت‌های کارآفرینی در کسب‌وکار زنانی که از کلاس‌های آموزشی بیشتر بهره برده‌اند، از زنانی که در این کلاس‌ها کم شرکت کرده‌اند، بیشتر می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با تعداد دفعات شرکت کم، متوسط و زیاد در کلاس‌های آموزشی از نظر تاب‌آوری کسب‌وکار، تفاوت معنی‌داری ($P=0/006$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تاب‌آوری کسب‌وکار زنانی که در کلاس‌های آموزشی، کم شرکت کرده‌اند و زنانی که متوسط و زیاد در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که کم در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند (123/34)، کمتر از زنانی است که در کلاس‌های آموزشی، متوسط (129/8) و زیاد (133/3) شرکت کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت زنانی که بیشتر در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند، کسب‌وکارهای تاب‌آورتری دارند.

جدول 4. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه متغیرها بین زنان در سه گروه از نظر شرکت در کلاس‌های آموزشی

متغیر	کم		متوسط		زیاد		سطح معنی‌داری
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
فعالیت کارآفرینی	91/97 ^c	16/08	95/20 ^{ac}	17/86	100/69 ^{ab}	18/35	4/79
تاب‌آوری کسب‌وکار	123/34 ^a	19/26	129/80 ^b	20	133/30 ^b	23/33	5/18
تاب‌آوری فردی	95/12 ^{bc}	11/2	97/68 ^{ac}	13/40	100/81 ^a	12/27	4/25
به‌کارگیری استراتژی بازاریابی	60/53 ^a	9/96	54/19 ^a	10/92	97/54 ^a	10/01	0/392
به‌کارگیری روش‌های بازاریابی	30/82 ^b	9/99	32/22 ^b	9/88	37/86 ^a	9/34	8/71
تأثیر شبکه‌های اجتماعی	48/68 ^b	18/5	51/68 ^b	17/42	58/97 ^a	13/8	5/91

* میانگین‌های با حروف یکسان، تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال 0/05 نداشته‌اند.

نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با تعداد دفعات شرکت متفاوت در کلاس‌های آموزشی از نظر تاب‌آوری فردی، تفاوت معنی‌داری ($P=0/015$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تاب‌آوری فردی زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند و زنانی که کم در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند (100/81) بیشتر از زنانی است که در کلاس‌های آموزشی کم شرکت کرده‌اند (95/12). به عبارتی، تاب‌آوری فردی زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند، از زنانی که در این کلاس‌ها کم شرکت کرده‌اند، بیشتر می‌باشد. یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با تعداد دفعات متفاوت از نظر شرکت در کلاس‌های آموزشی، از نظر به‌کارگیری روش‌های بازاریابی، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین روش‌های بازاریابی زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند و زنانی که متوسط و کم در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند (37/86)

بیشتر از زنانی است که در کلاس‌های آموزشی متوسط (32/22) و کم (30/82) شرکت کرده‌اند. بنابراین می‌توان بیان کرد که زنانی که بیشتر در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند، روش‌های بازاریابی را بیشتر به کار گرفته‌اند. بر اساس یافته‌ها بین زنان در سه گروه با تعداد دفعات شرکت کم، متوسط و زیاد در کلاس‌های آموزشی از نظر تأثیر و به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کسب و کار، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تأثیر و به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کسب و کار زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند و زنانی که متوسط و کم در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که زیاد در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند (58/97) بیشتر از زنانی است که در کلاس‌های آموزشی متوسط (51/68) و کم (48/68) شرکت کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت زنانی که بیشتر در کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند، به‌کارگیری و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کسب و کارهایشان بیشتر بوده است. بنابراین می‌توان گفت که شرکت در کلاس‌های آموزشی در بهبود فعالیت‌های کارآفرینی، تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری کسب و کارهای زنان تأثیرگذار است زنانی که در کلاس‌های آموزشی بیشتر شرکت کرده‌اند، روش‌های بازاریابی را بهتر به کار گرفته‌اند و به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی تأثیر بهتری بر کسب و کارهای آن‌ها گذاشته است.

مقایسه میانگین متغیرها در سه گروه زنان با دانش کارآفرینی متفاوت

بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول 5 بین زنان در سه گروه با دانش کارآفرینی کم، متوسط و زیاد از نظر توسعه فعالیت کارآفرینی، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین توسعه فعالیت کارآفرینی زنانی که دانش کارآفرینی زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند (100/13) بیشتر از دو گروه زنان با دانش کارآفرینی کم و متوسط است. همچنین زنان با دانش کارآفرینی متوسط (89/39) میانگین بالاتری نسبت به زنان دارای دانش کارآفرینی کم (80/88) دارند. بنابراین می‌توان گفت که هر چه دانش کارآفرینی زنان بالاتر باشد، توسعه فعالیت کارآفرینی آنان نیز بیشتر خواهد بود. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با دانش کارآفرینی کم، متوسط و زیاد از نظر تاب‌آوری کسب و کار، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تاب‌آوری کسب و کار زنانی که دانش کارآفرینی زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند (133/68) بیشتر از دو گروه زنان با دانش کارآفرینی کم و متوسط است. همچنین زنان با دانش کارآفرینی متوسط (120/61) میانگین بالاتری نسبت به زنان دارای دانش کارآفرینی کم (110/73) دارند. بنابراین می‌توان گفت که هر چه دانش کارآفرینی زنان بالاتر باشد، تاب‌آوری کسب و کار آنان نیز بیشتر خواهد بود.

جدول 5. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه متغیرها بین زنان در سه گروه با دانش کارآفرینی متفاوت

متغیر	کم	متوسط		زیاد		سطح معنی‌داری
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
فعالیت کارآفرینی	80/88 ^c	10/04	89/39 ^b	16/31	100/13 ^a	27/02
تاب‌آوری کسب‌وکار	110/73 ^c	14/93	120/61 ^b	18/67	133/68 ^a	27/26
تاب‌آوری فردی	91/89 ^b	9/21	92/31 ^b	10/9	100/79 ^a	22/80
به‌کارگیری	45/70 ^c	8/6	52/25 ^b	9/76	56/97 ^a	21/76

سطح معنی داری	F	زیاد		متوسط		کم		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
استراتژی بازاریابی								
0/0001	11/53	10/14	34/53 ^a	10/14	30/92 ^b	6/53	26/08 ^c	به کارگیری
روش های بازاریابی								
0/0001	16/08	17/48	55/89 ^a	17/34	47/57 ^b	13/59	39/14 ^c	تأثیر شبکه های اجتماعی

* میانگین های با حروف یکسان، تفاوت معنی داری در سطح احتمال 0/05 نداشته اند.

یافته های تحلیل واریانس یک طرفه بیانگر این است که بین زنان در سه گروه با دانش کارآفرینی کم، متوسط و زیاد از نظر تاب آوری فردی تفاوت معنی داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تاب آوری فردی زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند و زنانی که دانش کارآفرینی متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به گونه ای که این میانگین در مورد زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند (100/79) بیشتر از زنانی است که دارای دانش کارآفرینی متوسط (32/22) و کم (30/82) هستند. بنابراین می توان گفت زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند، تاب آوری فردی بالاتری نیز دارند. یافته ها نشان می دهد که بین زنان در سه گروه با دانش کارآفرینی کم، متوسط و زیاد از نظر به کارگیری استراتژی های بازاریابی، تفاوت معنی داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین به کارگیری استراتژی بازاریابی توسط زنانی که دانش کارآفرینی زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به گونه ای که این میانگین در مورد زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند (52/25) بیشتر از دو گروه زنان با دانش کارآفرینی کم و متوسط است. همچنین زنان با دانش کارآفرینی متوسط (45/7) میانگین بالاتری نسبت به زنان دارای دانش کارآفرینی کم (110/73) دارند. بنابراین می توان گفت که هرچه دانش کارآفرینی زنان بالاتر باشد، به کارگیری استراتژی های بازاریابی توسط آنها نیز بیشتر خواهد بود. نتایج نشان می دهد که بین زنان در سه گروه با دانش کارآفرینی متفاوت، از نظر به کارگیری و تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی در کسب و کارشان، تفاوت معنی داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین به کارگیری و تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر کسب و کار زنانی که دانش کارآفرینی متفاوت دارند، تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به گونه ای که این میانگین در مورد زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند (55/89) بیشتر از دو گروه زنان با دانش کارآفرینی کم و متوسط است. همچنین زنان با دانش کارآفرینی متوسط میانگین بالاتری (47/57) نسبت به زنان دارای دانش کارآفرینی کم (39/14) دارند. بنابراین می توان گفت که هرچه دانش کارآفرینی زنان بالاتر باشد، به کارگیری و تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر کسب و کارشان نیز بیشتر خواهد بود. یافته ها نشان می دهد که بین زنان در سه گروه با دانش کارآفرینی متفاوت، از نظر به کارگیری روش های بازاریابی، تفاوت معنی داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین به کارگیری روش های بازاریابی توسط زنانی که دانش کارآفرینی زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به طوری که این میانگین در مورد زنانی که دانش کارآفرینی زیادی دارند (34/53) بیشتر از دو گروه زنان با دانش کارآفرینی کم و متوسط است. همچنین زنان با دانش کارآفرینی متوسط (30/92) میانگین بالاتری نسبت به زنان دارای دانش کارآفرینی کم (26/08) دارند. بنابراین می توان گفت که هرچه دانش کارآفرینی زنان بالاتر باشد، به کارگیری روش های بازاریابی نیز توسط آنها بیشتر خواهد بود. بر این اساس می توان گفت که افزایش دانش کارآفرینی در بهبود فعالیت های کارآفرینی، تاب آوری فردی و تاب آوری

کسب‌وکارهای زنان تأثیرگذار است و زنانی که دانش کارآفرینی بالاتری داشته‌اند استراتژی‌ها و روش‌های بازاریابی را بهتر به‌کار گرفته‌اند و به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی تأثیر بهتری بر کسب‌وکارهای آن‌ها گذاشته است.

مقایسه میانگین متغیرها در سه گروه زنان از نظر مهارت در تدوین طرح تجاری

بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول 6 بین زنان در سه گروه با مهارت در تدوین طرح تجاری کم، متوسط و زیاد از نظر توسعه فعالیت کارآفرینی، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین توسعه فعالیت کارآفرینی زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که مهارت زیادی در تدوین طرح تجاری دارند ($112/73$) بیشتر از دو گروه زنان با مهارت کم و متوسط از نظر تدوین طرح تجاری است. همچنین زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری متوسط ($97/44$) دارای میانگین بالاتری نسبت به زنان با مهارت کم در تدوین طرح تجاری ($86/02$) هستند. بنابراین می‌توان گفت که هرچه مهارت زنان در تدوین طرح تجاری بالاتر باشد، توسعه فعالیت کارآفرینی آنان نیز بیشتر خواهد بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با مهارت در تدوین طرح تجاری متفاوت، از نظر تاب‌آوری کسب‌وکار، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تاب‌آوری کسب‌وکار زنانی که مهارت زیاد، متوسط و کمی در تدوین طرح تجاری دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که مهارت زیادی در تدوین طرح تجاری دارند ($148/88$) بیشتر از دو گروه زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری کم و متوسط است. همچنین زنان با مهارت متوسط در تدوین طرح تجاری ($129/11$) میانگین بالاتری نسبت به زنان با مهارت کم در تدوین طرح تجاری ($117/8$) دارند. بنابراین می‌توان گفت که هرچه مهارت زنان در تدوین طرح تجاری بالاتر باشد، تاب‌آوری کسب‌وکار آنان نیز بیشتر خواهد بود.

جدول 6. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه متغیرها بین زنان در سه گروه با مهارت در تدوین طرح تجاری متفاوت

متغیر	کم	متوسط	زیاد	سطح	
				میانگین	انحراف
	میانگین	انحراف	میانگین	انحراف	F
فعالیت کارآفرینی	86/02 ^c	14/52	97/44 ^b	15/51	112/73 ^a
تاب‌آوری کسب‌وکار	117/8 ^c	18/17	129/11 ^b	18/71	148/88 ^a
تاب‌آوری فردی	91/79 ^b	10/6	98/63 ^b	11/47	107/5 ^a
به‌کارگیری	49/98 ^c	10/22	55/87 ^b	8/67	62/32 ^a
استراتژی بازاریابی					
به‌کارگیری	29/32 ^c	9/17	33/09 ^b	9/81	40/26 ^a
روش‌های بازاریابی					
تأثیر شبکه‌های اجتماعی	44/61 ^c	16/85	53/65 ^b	18/04	65/58 ^a

* میانگین‌های با حروف یکسان، تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال 0/05 درصد نداشته‌اند.

یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه در جدول 6 بیانگر این است که بین زنان در سه گروه با مهارت در تدوین طرح تجاری متفاوت، از نظر تاب‌آوری فردی تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تاب‌آوری فردی زنانی که مهارت زیادی در تدوین طرح تجاری دارند و زنانی که مهارت متوسط و کمی در تدوین طرح تجاری دارند تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در

مورد زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیادی دارند (107/5) بیشتر از زنانی است که دارای مهارت در تدوین طرح تجاری متوسط (98/63) و کم (91/79) هستند. بنابراین می‌توان گفت زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیادی دارند، تاب‌آوری فردی بالاتری نیز دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با مهارت در تدوین طرح تجاری کم، متوسط و زیاد از نظر به‌کارگیری استراتژی‌های بازاریابی، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین به‌کارگیری استراتژی بازاریابی توسط زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیادی دارند (62/32) بیشتر از دو گروه زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری کم و متوسط است. همچنین زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری متوسط (55/87) دارای میانگین بالاتری نسبت به زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری کم (49/98) هستند. بنابراین می‌توان گفت که هرچه مهارت زنان در تدوین طرح تجاری بیشتر باشد، به‌کارگیری استراتژی‌های بازاریابی توسط آنها نیز بیشتر خواهد بود. نتایج جدول 6 نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با مهارت در تدوین طرح تجاری متفاوت، از نظر به‌کارگیری و تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کسب‌وکار، تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین به‌کارگیری و تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کسب‌وکار زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میانگین در مورد زنانی که مهارت زیادی در تدوین طرح تجاری دارند (65/58) بیشتر از دو گروه زنان با مهارت متوسط و کم در تدوین طرح تجاری است. همچنین زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری متوسط دارای میانگین (53/65) بالاتری نسبت به زنان با مهارت کم در تدوین طرح تجاری (46/61) هستند. بنابراین می‌توان گفت که هرچه مهارت در تدوین طرح تجاری زنان بالاتر باشد، به‌کارگیری و تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کسب‌وکارشان نیز بیشتر خواهد بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین زنان در سه گروه با مهارت در تدوین طرح تجاری متفاوت، از نظر به‌کارگیری روش‌های بازاریابی تفاوت معنی‌داری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین به‌کارگیری روش‌های بازاریابی توسط زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیاد، متوسط و کمی دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که این میانگین در مورد زنانی که مهارت در تدوین طرح تجاری زیادی دارند (40/26) بیشتر از دو گروه زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری کم و متوسط است و همچنین زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری متوسط (33/09) دارای میانگین بالاتری نسبت به زنان با مهارت در تدوین طرح تجاری کم (29/32) هستند. به عبارتی هرچه مهارت در تدوین طرح تجاری زنان بالاتر باشد، به‌کارگیری روش‌های بازاریابی نیز توسط آنها بیشتر خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت که افزایش مهارت در تدوین طرح تجاری در بهبود فعالیت‌های کارآفرینی، تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری کسب‌وکارهای زنان تأثیرگذار است و زنانی که مهارت بالاتری در تدوین طرح تجاری داشته‌اند، استراتژی‌ها و روش‌های بازاریابی را بهتر به‌کار گرفته‌اند و به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی تأثیر بهتری بر کسب‌وکارهای آن‌ها گذاشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

بهره‌مندی از آموزش، یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی است. سرعت تغییرات تکنولوژی و بازار، کارآفرینان را واردار به سازگاری و مقابله با معضلات کرده است. کارآفرینانی که توانایی سازگاری با تغییرات نداشته باشند محکوم به شکست خواهند بود. یکی از راه‌های مقابله با این معضلات، یادگیری و آموزش روش‌های جدید و کاربردی مربوط به کسب‌وکار است. زنان روستایی کارآفرین از طریق آموزش توانایی مقابله با موانع و به‌کارگیری روش‌های جدید و متناسب با تغییرات تکنولوژی و بازار را پیدا می‌کنند. صندوق حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی امکانات آموزشی را نسبتاً در اختیار زنان قرار داده است. این یافته با مطالعه (گلکارفرد و

رضایی مقدم، 2019) هم‌سویی دارد. نتایج تحقیق نشان داد که زنان مورد مطالعه مشارکت نسبتاً کمی در برنامه‌های آموزشی برگزار شده توسط شرکت داشته‌اند اما با این وجود شرکت در کلاس‌های آموزشی تأثیر مطلوبی بر انگیزه، مهارت، آگاهی و دانش کارآفرینی زنان روستایی داشته است و بیانگر این است که شرکت در کلاس‌های آموزشی تأثیر زیادی بر زنان کارآفرین داشته است. این یافته در راستای نتایج مطالعه (یعقوبی فرانی و همکاران، 2013)، (محمدي و لشگرآرا، 2013) و (پاپ زن و همکاران، 2011) است. یافته‌ها نشان داد که علی‌رغم دانش کارآفرینی مناسب، زنان، ریسک‌پذیری کمتری در فعالیت‌های کارآفرینی و به لحاظ تدوین طرح تجاری نیز مهارت کمتری دارند. این یافته‌ها با نتایج (گلکارفرد و رضایی مقدم، 2019) نیز مطابقت دارد. نتایج حاصل از تحلیل مقایسه‌ای نشان داد که شرکت بیشتر در کلاس‌های آموزشی در بهبود تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری کسب‌وکارهای زنان تأثیر بیشتری داشته است که نتایج مطالعه (بادزبان، 2019) این یافته‌ها را تأیید می‌کند. بر اساس نتایج شرکت بیشتر در این کلاس‌ها در توسعه کارآفرینی زنان تأثیر بیشتری داشته است. این یافته در راستای نتایج مطالعه (یعقوبی فرانی و همکاران، 2013) است. طبق نتایج زنانی که در این کلاس‌ها بیشتر شرکت کرده‌اند توانسته‌اند روش‌های بازاریابی را بهتر به کارگیرند و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، تأثیر بهتری بر کسب‌وکارهای آن‌ها داشته است. افزایش دانش کارآفرینی در بهبود فعالیت‌های کارآفرینی، تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری کسب‌وکارهای زنان تأثیرگذار است و زنانی که دانش کارآفرینی بالاتری داشته‌اند، استراتژی‌ها و روش‌های بازاریابی را بهتر به کار گرفته‌اند و به کارگیری شبکه‌های اجتماعی تأثیر بهتری بر کسب‌وکارهای آن‌ها گذاشته است. همچنین افزایش مهارت در تدوین طرح تجاری در بهبود فعالیت‌های کارآفرینی، تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری کسب‌وکارهای زنان تأثیرگذار است و زنانی که مهارت بالاتری در تدوین طرح تجاری داشته‌اند، استراتژی‌ها و روش‌های بازاریابی را بهتر به کار گرفته‌اند و به کارگیری شبکه‌های اجتماعی تأثیر بهتری بر کسب‌وکارهای آن‌ها گذاشته است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که آموزش کارآفرینی، سهم زیادی در بهبود فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی استان فارس داشته است. یکی از نکات مشاهده شده در این پژوهش، مشارکت کم زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی است که می‌تواند ناشی از کاهش تمایل و بی‌اطلاعی زنان یا جذاب و کارا نبودن دوره‌های آموزشی برگزار شده باشد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی برای تشویق زنان به شرکت در کلاس‌های آموزشی به منظور افزایش انگیزه، مهارت، آگاهی، دانش کارآفرینی و آشنایی با روش‌های جدید کاری در نظر گرفته شود و اطلاع‌رسانی قوی در زمینه دوره‌های آموزشی برای آن‌ها صورت گیرد. با توجه به مهارت کم زنان روستایی در تدوین طرح تجاری، پیشنهاد می‌شود که دوره‌های آموزشی به منظور آشنایی زنان با مفاهیم، مهارت‌ها و روش‌های تدوین طرح تجاری برای آن‌ها برگزار شود. در نهایت با توجه به نقش مهم آموزش در به کارگیری روش‌ها و استراتژی‌های بازاریابی و به کارگیری شبکه‌های اجتماعی مجازی در کسب‌وکار پیشنهاد می‌شود که به منظور شبکه‌سازی و ارتباط بیشتر زنان کارآفرین با مشتریان و دیگر مخاطبان خود، کارگاه‌های آموزشی با هدف استفاده و به کارگیری روش‌های صحیح، کاربردی و مطابق با فرایند شغلی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در کسب‌وکار برای زنان برگزار شود و برنامه‌های آموزشی لازم در راستای به کارگیری صحیح استراتژی‌ها و روش‌های بازاریابی در کسب‌وکار نیز برای آن‌ها در نظر گرفته شود.

References

- Abdi Jamayran, A., Sehat, A., & Hossein, E. (2017). Reviewing the process and utilizing entrepreneurial opportunities. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 14(41), 67-85. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100501_1c43aa333d26c058704688ab22ec061b.pdf
- Badzban, F. (2019). *Analysis of Entrepreneurship Resilience of Small and Medium Business Rural Women in Fars Province* [Master, Shiraz]. Iran .
- Cheraghi, M., & Schott, T. (2015). Education and training benefiting a career as entrepreneur. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 7(3), 321-343. <https://doi.org/10.1108/IJGE-03-2013-0027>
- Connor, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18(2), 76-82. <https://doi.org/10.1002/da.10113>
- Economy, T. G. (2018). *About the site*. The Global Economy. https://www.theglobaleconomy.com/rankings/female_labor_force_participation
- Fayolle, A., & Gailly, B. (2004, July 4-7). *Using the theory of planned behaviour to assess entrepreneurship teaching programs: a first experimentation*. Internationalizing Entrepreneurship Education and Training Conference Proceedings 2004, University of Naples Federico II, Italy. https://www.researchgate.net/profile/Benoit-Gailly/publication/228752441_Using_the_Theory_of_Planned_Behaviour_to_Assess_Entrepreneurship_Teaching_Programs_A_First_Experimentation/links/0deec53357481f0874000000/Using-the-Theory-of-Planned-Behaviour-to-Assess-Entrepreneurship-Teaching-Programs-A-First-Experimentation.pdf
- Ferguson, C., Cohen, L., Pooley, J. A., & Harms, C. (2010). *Resilience in small business owners*. Edith Cowan University .
- Gemini, D., Jamshidi, A., Kamasi, H., & Houshang, A. (2015). Analysis of Barriers to Women's Entrepreneurship Development in Rural Areas, Case Study: Chardavol County Villages. *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 5(4), 45-63. <http://ensani.ir/file/download/article/20170603093237-10085-149.pdf>
- Ghroneh, D., Abedi, H., & Ahmadabadi, A. (2016). A comparative study of entrepreneurial characteristics of female and male's founders of non-governmental high schools in Tehran. *Women in Development & Politics*, 14(2), 203-216. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.59200>
- Golkarfard, M., & Rezaei Moghaddam, K. (2019). Entrepreneurship Relationship with Dimensions of Rural Women's Empowerment in Fars Province. *Entrepreneurship Strategies in Agriculture*, 6(11), 1-10. <https://doi.org/10.29252/jea.6.11.1>
- Iran, S. C. O. (2018). *Abstract of the results of the labor force survey plan*. L. a. C. Office of Population. <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1397/nirooye%20kar1-97.pdf>
- Jalali, T., & Enayati, T. (2017). The relationship between competitive intelligence and organizational entrepreneurship in Technical and Vocational University (Case study: Al-Zahra Technical & Vocational College). *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 14(41), 87-103. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100502_c46de3f25b3b1b3e2169743a5f49d72e.pdf
- Karimi Moughari, Z., Nazifi Nainie, M., & Abbaspour, S. (2013). Evaluating the Economic factors affecting employment of women in Iran Using artificial neural network approach. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 11(3), 53-80. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2014.1446>

- Khosravi Pour, B., & Jaber, S. (2017). Women's Entrepreneurship; A key to achieving sustainable rural development. *Scientific Journal of Research Approaches in the Social Sciences*, 3(11), 131-137. <https://rassjournal.ir/user/articles/571>
- Mohammadi, Z., & Lashgarara, F. (2013). The role of entrepreneurship education in empowering rural female entrepreneurs in ilam province. *Agricultural Extension And Education Research* 6(2), 61-72. <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=342444>
- Movahedi, R., & Soleimani Borujeni, J. (2016). Investigating effective educational methods in the development of rural women entrepreneurship. *Entrepreneurship Strategies in Agriculture*, 3(6), 24-33. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=315955>
- Nadafi, R. (2012, November 14). *The Role of Entrepreneurship Education in Improving the Socio-Economic Level of Life of Rural Women in Isfahan Province*. The First National Conference on Entrepreneurship, Islamic Azad University Khomeini Shahr Branch, Iran. <http://aac.iaukhsh.ac.ir/Images/ConferenceArticles/A1391-5083-NEP.pdf>
- Nyello, R., Kalufya, N., Rengua, C., Nsolezi, M. J., & Ngirwa, C. (2015). Effect of Entrepreneurship Education on the Entrepreneurial Behaviour: The Case of Graduates in the Higher Learning Institutions in Tanzania. *Asian Journal of Business Management*, 7(2), 37-42. https://www.researchgate.net/profile/Nuru-Kalufya/publication/317304890_Effect_of_Entrepreneurship_Education_on_the_Entrepreneurial_Behaviour_The_Case_of_Graduates_in_the_Higher_Learning_Institutions_in_Tanzania/links/593144f1aca272fc55ef8817/Effect-of-Entrepreneurship-Education-on-the-Entrepreneurial-Behaviour-The-Case-of-Graduates-in-the-Higher-Learning-Institutions-in-Tanzania.pdf
- Ojo, E., Anitsal, I., & Anitsal, M. M. (2019). Review of Career Education for Women Entrepreneurs in Nigeria. 207-223. https://digitalcommons.kennesaw.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1302&context=ama_proceedings
- Papzan, A., Khaledi, K., & Soleimani, A. (2011). Evaluation of technical and vocational education of rural women in the field of handicrafts, Islamic Azad University of Marvdasht. *Journal of Sociology of Women*, 2(3), 21-38. <https://www.sid.ir/fa/JOURNAL/ViewPaper.aspx?id=189018>
- Peterman, N. E., & Kennedy, J. (2003). Enterprise Education: Influencing Students' Perceptions of Entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28(2), 129-144. <https://doi.org/10.1046/j.1540-6520.2003.00035.x>
- Radovic Markovic, M., Lindgren, C., Grozdanic, R., Markovic, D., & Salamzadeh, A. (2012). Freedom, individuality and women's entrepreneurship education. *Entrepreneurship Education-A Priority for the Higher Education Institutions*, Forthcoming, 1-6. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2164216
- Rezaei-Moghaddam, K., & Izadi, H. (2019). Entrepreneurship in small agricultural quick-impact enterprises in Iran: development of an index, effective factors and obstacles. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9(1), 1-21. <https://doi.org/10.1186/s40497-018-0133-3>
- Roomi, M. A., & Parrott, G. (2008). Barriers to Development and Progression of Women Entrepreneurs in Pakistan. *The Journal of Entrepreneurship*, 17(1), 59-72. <https://doi.org/10.1177/097135570701700105>
- Salavou, H. E., & Halikias, J. (2009). Strategy types of exporting firms: a view on the basis of competitive advantage. *European Business Review*, 21(2), 144-158. <https://doi.org/10.1108/09555340910940141>

- Samian, M., & Movahedi, R. (2018). Employment obstacles and strategies in rural small businesses of Hamedan province. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 15(43), 47-66. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100513_a39f553bc3aa3416cae011166b556e77.pdf
- Shamsi, N., & Lotfizadeh, F. (2014, August 7). *Assessing the Impact of Innovation and Marketing Capabilities on the Performance of Small and Medium Enterprises*. The first international management conference in the 21st century, Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/311579/>
- Sokhtanloo, M. (2017). Analysis of Gender Differences on Entrepreneurship Tendency of Agricultural Students (Case Study: Mohaghegh Ardabili University). *Entrepreneurship Strategies in Agriculture*, 4(8), 13-22. <https://doi.org/10.29252/jea.4.8.13>
- Yaghoubi Farani, A., Soleimani, A., Movahedi, R., & Eskandari, F. (2013). The effect of educational and institutional factors on entrepreneurship of rural women (Case study: Hamadan Province). *Entrepreneurship Development*, 6(2), 115-134. <https://doi.org/10.22059/jed.2013.36266>



Studying and Explaining the Role of Technological Challenges in the Stagnation Process of Industrial Enterprises: An Exploratory Mix Approach

Saba Amiri^{1*}, Nader Naderi², Yosef Mohamaifar³, Bijan Rezaee⁴

¹Ph.D. Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.

^{2,3,4}Assistant Professor, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 05.06.2020

Revised: 12.05.2020

Accepted: 12.09.2020

Keyword:

Technology

Stagnation

Industrial Enterprise

Technological Challenges

The Mix Approach

***Corresponding Author:**

Saba Amiri

Email: amiri.saba00@yahoo.com

ABSTRACT

The present research studies and explains the role of technological challenges in the stagnation process of industrial enterprises, whose spatial territory is Kermanshah Province. The research method was based on the exploratory mix approach; first, to collect data, sampling, judgment and snowball methods were used to achieve theoretical data saturation through in-depth interviews with 31 people. Second, the data was collected through interviewing 97 people using a questionnaire and by stratified sampling method. The results showed that the paradigm model is classified in the form of causal, intervening and contextual conditions and different consequences can be proposed for it. Testing to explain the role of technological challenges showed that this factor, as one of the sub-categories of contextual conditions, has a significant impact on model strategies and includes the following concepts: low level of technologies in the process of production, distribution and sale of products, inconsistency of production cycle technologies, and non-compliance of product technology with market changes.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796



مطالعه و تبیین نقش چالش‌های فناوریانه در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی؛ رویکرد آمیخته اکتشافی

صبا امیری^{1*}، نادر نادری²، یوسف محمدی³، بیژن رضایی⁴

1- دکتری، دپارتمان مدیریت و کارآفرینی، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
2،3،4- استادیار، دپارتمان مدیریت و کارآفرینی، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر، به مطالعه و تبیین نقش معضلات فناوریانه در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی می‌پردازد که قلمرو مکانی آن استان کرمانشاه است. روش پژوهش، مبتنی بر رویکرد آمیخته اکتشافی است؛ در گام نخست، به‌منظور گردآوری داده‌ها، از روش‌های نمونه‌گیری قضاوتی و گلوله‌برفی تا دستیابی به اشباع نظری داده‌ها، از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق با 31 نفر استفاده گردید. در گام دوم، داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از 97 نفر گردآوری شدند. نتایج نشان داد مدل پارادایمی در قالب شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای طبقه‌بندی شده و پیامدهای مختلفی برای آن قابل طرح است. انجام آزمون به‌منظور تبیین نقش چالش‌های فناوریانه نشان داد این عامل به عنوان یکی از زیرمقوله‌های شرایط زمینه‌ای بر راهبردهای مدل، تأثیر معنادار دارد و شامل مفاهیم: سطح پایین فناوری‌ها در فرایند تولید، توزیع و فروش محصولات، ناهماهنگی فناوری‌های چرخه تولید محصولات و عدم تطابق فناوری محصولات با تغییرات بازار است.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: 1399/02/17

بازنگری مقاله: 1399/09/15

پذیرش مقاله: 1399/09/19

کلید واژگان:

فناوری، رکود
بنگاه صنعتی
چالش‌های فناوریانه
رویکرد آمیخته

*نویسنده مسئول: صبا امیری

پست الکترونیکی:

amiri.saba00@yahoo.com



مقدمه

صنعت عبارت است از مجموعه تغییراتی که انسان در مواد معدنی و طبیعی به وجود آورده تا آنها را برای مصرف خویش مناسب سازد. تجربه کشورهای توسعه یافته صنعتی نشان می دهد افزایش چشمگیر ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی در کنار بسیاری از تغییرات قابل توجه در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در زمره شاخص ترین دستاوردهای توسعه صنعتی تلقی می شود (آدام سیرمی و بارت ورسپگن، 2011)¹. در این راستا بنگاه های صنعتی، نقش به سزایی در تقویت نوآوری های فناورانه و بهبود فرصت های اشتغال دارند (زریده هانی ذوالکلیلی، نورلنا حسنان و شهیمی محتر، 2015)². بنگاه های صنعتی ستون فقرات بخش خصوصی (حسن فارسیجانی، لیلی حبیبی و هومان سلطانی، 2012) و تأمین کنندگان اشتغال و پیشرو در ابداع فناوری های جدید هستند (مرجان اسوتلیسیک، آندریجا جاکلیک و آنزه بورگر، 2007)³ که اهمیت آنها را از دو بُعد کمی و کیفی می توان بررسی کرد؛ از بُعد کمی، درصد بسیار بالایی از شرکت های موجود را بنگاه های صنعتی کوچک و متوسط تشکیل می دهند و تعداد شاغلان آنها قابل توجه است. از بُعد کیفی، این بنگاه ها به عنوان ایزاری مناسب برای خصوصی سازی در نظر گرفته شوند (میشل اودوایر، آدری گیلور و دیوید کارسون، 2009)⁴.

از سوی دیگر، رکود، پدیده پیچیده ای است که می تواند نتیجه ترکیبی از پیامدهای حوادث و اتفاقات و رویدادها باشد که در داخل یا خارج بنگاه رخ داده است. چون رکود می تواند به صورت تدریجی رخ دهد، شناخت و درک آن سخت است و به ادراک مدیران ارشد از علل رکود برمی گردد. ریشه رکود در بنگاه ها می تواند از نوع رکود مربوط به صنعت باشد یا رکود مربوط به بنگاه؛ هنگامی که اندازه و رشد صنعت کاهش می یابد، تمامی بنگاه های موجود در صنعت دچار رکود می شوند. در مقابل، در رکود مربوط به بنگاه، صنعت در حال رشد و رونق است اما بنگاه به علت مسائل داخلی دچار رکود شده است. در صورتی که ریشه رکود مربوط به بنگاه باشد و شاخص های عملکردی بنگاه از متوسط شاخص های صنعت بسیار پایین تر باشد، نیاز به تغییرات راهبردی ضرورت بیشتری می یابد. در برخی شرایط، رکود، ناشی از اتخاذ راهکارهای نامناسب و ضعیف است که با شرایط محیط کسب و کار، تناسب و همخوانی ندارد و در مواقع دیگر رکود ناشی از اجرا یا عملیاتی کردن ضعیف و ناقص راهبردهای مناسب است (ام ایران دوست، 2014). بنابراین، هر زمان کاهش منابع و خروجی صنایع به همراه کاهش مقیاس عملیات همراه گردد، رشد متوقف شده و بنگاه راکد می گردد.

از دیدگاه (شایقی، 2008) با توجه به موقعیت کنونی کشور و فقدان انگیزه کافی برای سرمایه گذاری در زمینه توسعه صنایع بزرگ توسط بخش خصوصی، کمک به ادامه حیات بنگاه های صنعتی موجود، از راه های مؤثر برای تحرک بخشیدن به فعالیت های مولد و کاهش نرخ بیکاری در کشور می باشد. براساس آمار شرکت شهرک های صنعتی ایران، نزدیک به 57 درصد از بنگاه های صنعتی مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی کشور با ظرفیتی کمتر از 50 درصد ظرفیت اسمی مشغول به فعالیت هستند (محسن نظری، طهمورث حسنقلی پور، غلامرضا سلیمانی و سید مجتبی موسوی نقابی، 2018). این آمارها نشان می دهد علی رغم وجود پتانسیل های صنعتی، این حوزه با موانع جدی روبه رو است. در ادامه، تعدادی از مطالعات و پژوهش های مرتبط با موضوع ارائه شده اند:

(سلیم ریحان و سایما حلقه بیدیشا، 2018)⁵ در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که نبود حمایت های اجتماعی کافی، هنجارهای غلط در جامعه، عدم حمایت از نیروی انسانی، نبود قوانین حمایتی مناسب در بخش های دولتی و خصوصی، نبود آموزش و مهارت کافی و نبود تجهیزات مناسب، مهم ترین علل رکود بنگاه های صنعتی در بنگلادش

¹ Adam Szirmai & Verspagen Bart

² Zuraida Hani Zulkepli, Norlena Hasnan & Shahimi Mohtar, 2015

³ Marjan Svetlicic, Andreja Jaklic & Anze Burger, 2007

⁴ Michele O'Dwyer, Audrey Gilmore & David Carson, 2009

⁵ Selim Raihan & Sayema Haque Bidisha, 2018

هستند. نتایج پژوهش (ام لیلجا، اچ سیدنبرگ و جی سیدنبرگ، 2016)¹ نشان داد تغییر نیازهای بازار هدف، تغییرات فناوری، تغییرات نوآوری، کاهش حجم بازار هدف، تغییرات قیمت نهاده‌ها، قوانین سخت‌گیرانه، تورم بالا و تشدید رقابت میان بنگاه‌های صنعتی، مهم‌ترین عوامل رکود بنگاه‌های صنعتی در فنلاند و سوئد هستند. (آسما بنزازوا بواز، دیابات آردجومان و عثمان آباد، 2015)² در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که رشد کسب و کارهای صنعتی تحت تأثیر عوامل درونی و محیطی کسب و کار است که فراتر از کنترل آنهاست؛ عوامل بیرونی شامل چارچوب‌های قانونی، دسترسی به تأمین مالی بیرونی و ظرفیت‌های منابع انسانی است و عوامل داخلی نیز ویژگی‌های کارآفرینانه، ظرفیت‌های مدیریت، مهارت‌های بازاریابی و ظرفیت‌های فناورانه را در بر می‌گیرد.

(وزارت صنعت، معدن و تجارت، 2019) نشان داد مهم‌ترین موانع کسب و کار در صنعت عبارتند از: غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها، بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار، رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات، ضعف دادگاه‌ها در رسیدگی به شکایات مؤثر متجاوزان. نتایج پژوهش (سیدمصطفی رضوی، بهروز کریمی و داوود رفیعی راد، 2017) نشان داد شش مؤلفه اصلی شامل ضعف عملکردی بانک‌ها، ضعف عملکردی بازار سرمایه، ضعف یا نبود بانک‌های تخصصی، ضعف یا نبود روش‌های تأمین مالی، عدم همکاری و ناهماهنگی بین بنگاه‌ها و نهادهای مالی و ضعف عملکردی فناوری اطلاعات بر تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در زنجیره قطعه‌سازی خودرو اثرگذارند. (مهدی حقیقی کفاش، مهدی حاجی پور، نادر مظلومی و مصطفی مومنی، 2016) در پژوهش خود دریافتند ظرفیت یافت فرصت محیطی، ظرفیت ساخت ایده، ظرفیت دانش فردی، ظرفیت دانش سازمانی، ظرفیت مدیریتی، ظرفیت فرهنگی، ظرفیت ارتباطی، ظرفیت فناورانه و ظرفیت پشتیبانی مهم‌ترین مؤلفه‌های استخراج شده به‌عنوان عوامل اثرگذار بر بنگاه‌های صنعتی هستند.

با واکاوی و تحلیل در پیشینه می‌توان گفت اغلب پژوهش‌های داخلی انجام شده، نتوانسته‌اند پیوند منطقی بین مدل پژوهش و تئوری‌های موجود برقرار سازند و بسیاری از عوامل و متغیرها را به طور کامل شناسایی و بررسی نکرده‌اند. پژوهش‌های خارجی نیز نیاز به بومی‌سازی دارند تا برای فضای کسب و کار و تولید در کشور ایران، قابل استفاده باشند. لذا انجام پژوهش حاضر در راستای پرکردن شکاف موجود در مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از اهمیت بسیار برخوردار بوده است.

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان گفت بنگاه‌های صنعتی را کد منبعی از سرمایه‌های بلااستفاده هستند که رکود آنها سبب کاهش اشتغال پایدار و هدر رفتن منابع فیزیکی، انسانی، مادی و ... شده است. در صورتی که این بنگاه‌ها از رکود خارج نشوند، سرمایه‌های سرگردان کشور به جای هزینه شدن در حوزه‌های تولید و صنعت، در بخش‌های واسطه‌ای و دلالی ورود پیدا می‌کنند که این مسأله زنجیره حمایت از تولید داخلی را با معضل اساسی مواجه می‌سازند، لذا با توجه به اینکه در کشور و به‌ویژه در استان کرمانشاه که با جمعیت دو میلیون نفری، بالاترین نرخ بیکاری در کشور را دارد و تعداد بنگاه‌های صنعتی را کد در آن قابل توجه است، پژوهش حاضر با هدف شناخت عمیق‌تر از نقش چالش‌های فناورانه در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی و ارائه راهکارهای کاربردی انجام شده است که نتایج آن می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان در حوزه صنعت قرار گیرد. لازم به توضیح است در این پژوهش، منظور از فناوری، استفاده عملی از دانش و مهارت در خطوط تولید و فرایندهای تولید، توزیع و فروش است و صرفاً به فناوری اطلاعات محدود نمی‌شود؛ زیرا نقش فناوری در صنعت، انکارناپذیر است؛ بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: تأثیر و نقش چالش‌های مرتبط با حوزه فناوری در فرایند رکود شدن بنگاه‌های صنعتی به چه صورت است؟ و چه راهکارهایی برای بهبود این وضعیت پیشنهاد می‌شود؟

¹ M Lilja, Ch Sundberg & G Sundberg, 2016

² Asma Benzazoua Bouazza, Diabate Ardjouman & Othman Abada, 2015

مواد و روش

رویکرد پژوهش، آمیخته¹ اکتشافی کیفی - کمی می‌باشد؛ زیرا واکاوی دقیق چنین مسأله‌ای، نیازمند اکتشاف و تحلیل عمیق در خصوص پدیده محوری است و همچنین نیاز به اعتبارسنجی‌های کمی و آماری دارد تا مدل طراحی شده، مورد تأیید و تعمیم قرار گیرد. بنابراین، هدف از اجرای بخش کیفی، شناسایی مفاهیم و مقوله‌های اثرگذار بر رکود بنگاه‌های صنعتی و طراحی یک مدل بومی جهت مشخص شدن جایگاه فناوری در این فرایند، و هدف از انجام بخش کمی، آزمون مدل برای بررسی تأثیر چالش‌های فناورانه بر فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی است. در ادامه، روش‌شناسی هریک از بخش‌ها به تفکیک تشریح شده است.

بخش کیفی

در گام اول، راهبرد مورد استفاده در بخش کیفی، نظریه داده‌بنیاد بود. این روش هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نظریه‌ای برای تبیین یک فرایند وجود نداشته باشد یا ممکن است در پیشینه مدل‌هایی ارائه و آزمون شده باشد اما بر مبنای نمونه‌ها و جمعیت‌هایی غیر از جمعیت و نمونه مدنظر پژوهشگر کیفی؛ همچنین ممکن است نظریه‌های موجود ناقص باشند؛ زیرا به متغیرهای بالقوه ارزشمند مدنظر پژوهشگر نپرداخته‌اند (حسن دانایی فرد، سیدمهدی الوانی و عادل آذر، 2012). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از رهیافت نظام‌مند (آنسلم استراوس و جولیت کوربین، 1998)² استفاده شد.

جامعه مورد مطالعه در این بخش، مدیران بنگاه‌های صنعتی (راکد/ فعال و نیمه فعال)، استادان دانشگاه، متخصصان بخش دولتی و خبرگان در استان کرمانشاه بودند؛ برای انتخاب نمونه، از روش‌های نمونه‌گیری قضاوتی و گلوله‌برفی استفاده شد؛ در نمونه‌گیری گلوله‌برفی، پس از هر مصاحبه، از فرد مطلع کلیدی خواسته شد تا سایر افراد صاحب‌نظر را معرفی نمایند؛ لذا به‌جز چند نفر نخست، دیگر افراد کلیدی مطلع را متخصصان مصاحبه شده معرفی و تأیید کرده‌اند. در مجموع 31 نفر تحت مصاحبه‌های عمیق قرار گرفتند که 9 نفر از روش نمونه‌گیری قضاوتی و 22 نفر از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بررسی شدند. کفایت نمونه‌گیری توسط اشباع نظری داده‌ها محقق شد؛ لذا نمونه‌گیری تا مصاحبه سی‌ویکم که مدل به حد ساخت و اشباع رسید، ادامه پیدا کرد. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری شدند.

(جان دیلیو، کرسول، 2013)³ درباره روایی پژوهش‌های کیفی پیشنهاد کرده‌اند گزارش نهایی یا توصیف‌ها و مضامین خاص را به مصاحبه‌شوندگان برگردانید و مشخص کنید آیا آنها درستی نتایج را تأیید می‌کنند؟ لذا در این مطالعه برای بررسی روایی پژوهش، از تأیید اعضا و مصاحبه‌شوندگان استفاده شد؛ بدین صورت که نتیجه مطالعه به مصاحبه‌شوندگان برگردانده شد و دیدگاه‌های اصلاحی آنان دریافت و اصلاحات لازم به عمل آمد. کرسول برای بررسی پایایی در پژوهش‌های کیفی، توافق در همسانی رمزگذاری بین دو یا چند رمزگذار را پیشنهاد می‌کند (کرسول، 2013). بنابراین در زمینه پایایی، از روش توافق یا هم‌خوانی بین مصاحبه‌شوندگان استفاده شد و ضریب توافق 72 درصد به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها، قلب روش نظریه داده‌بنیاد است. همچنین نوعی تحلیل مقایسه‌ای داده‌هاست که از آن به مقایسه مستمر تعبیر می‌شود. تولید مقوله‌ها و ایجاد ارتباط بین آنها از طریق مقایسه بین رویدادها با یکدیگر، رویدادها با مقوله‌ها و مقوله‌ها با یکدیگر حاصل می‌شود (مصطفی لطفی جلال آبادی، علی فرهادی، سلطنت روایی و محمود غلامی، 2020).

¹ Mix Method

² Anselm Strauss & Juliet Corbin, 1998

³ John W. Cresswell, 2013

بخش کمی

در گام دوم، با روش کمی، تأثیر زیرمقوله چالش‌های فناوریانه بر فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی مورد آزمون قرار گرفت. برای بررسی تأثیر زیرمقوله فناوری بر رکود بنگاه‌های صنعتی، جامعه آماری بخش کمی باید از بین افرادی انتخاب می‌شدند که دارای اطلاعات کافی در حوزه رکود بنگاه‌های صنعتی بوده یا تجربه کافی در این خصوص داشتند. به همین دلیل، جامعه آماری این بخش از پژوهش، کارشناسان علمی و افراد عملیاتی ذی‌ربط تعیین شدند؛ لذا جامعه‌ای 130 نفره از میان خبرگان انتخاب شدند. براساس فرمول کوکران، نمونه آماری 97 نفره برای بررسی تأثیر چالش‌های فناوریانه بر فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی انتخاب گردید.

به‌منظور کاهش وارپانس، جامعه آماری به دو طبقه: 1- بخش دولتی و 2- بخش خصوصی تفکیک شد و بر اساس انتساب متناسب، نمونه آماری از هر طبقه انتخاب شد (جدول 1)

جدول 1 خلاصه اطلاعات نمونه آماری برای بررسی تأثیر معضلات فناوریانه بر فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی

حوزه فعالیت	جنسیت	میانگین سن (سال)	میانگین سابقه فعالیت مرتبط (سال)	فراوانی	درصد فراوانی
بخش دولتی	زن	37	9	28	47
	مرد	39	10	32	33
بخش خصوصی	زن	35	8	14	37
	مرد	42	17	23	63

در این بخش، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته مستخرج از بخش کیفی بود که پنل متخصصان، اعتبار آن را تأیید کردند و برای تأیید قابلیت اعتماد پرسشنامه از روش انجام آزمون پایلوت و محاسبه آلفای کرونباخ با نرم‌افزار SPSS استفاده گردید؛ بر این اساس، آلفای کرونباخ برابر با 0/803 محاسبه گردید که نشان از تأیید قابلیت اعتماد پرسشنامه محقق‌ساخته دارد. پرسشنامه محقق‌ساخته شامل 118 سوال بود که به مفاهیم طبقه‌بندی شده در بخش کیفی اشاره داشتند.

یافته‌ها

در این بخش به شرح یافته‌های پژوهش در قالب دو بخش کیفی و کمی پرداخته می‌شود؛ از این رو ابتدا جایگاه فناوری و چالش‌های فناوریانه در مدل رکود بنگاه‌های صنعتی مشخص می‌شود و سپس در بخش کمی، معناداری این تأثیر، آزمون می‌گردد.

بخش کیفی؛ تدوین مدل رکود بنگاه‌های صنعتی و مشخص شدن نقش چالش‌های فناوریانه در مدل

براساس رهیافت استراوس و کوربین، بخش کیفی شامل سه مرحله کدگذاری باز (به‌منظور شناسایی کدهای باز و دسته‌بندی آنها)، کدگذاری محوری (ایجاد ارتباط میان مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی و مفاهیم) و کدگذاری انتخابی (شکل‌گیری روایت از پدیده مورد مطالعه) بود که در ادامه تشریح شده‌اند.

کدگذاری باز

در بخش کیفی پژوهش، ابتدا براساس داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های عمیق، در قالب یک مدل پارادایمی، به نقش چالش‌های فناوریانه در فرایند رکود بنگاه‌های در این مدل بومی پرداخته شد. بر این اساس، با تحلیل محتوای متون، از کدگذاری استفاده گردید و فهرستی از کدها استخراج شدند و با پیوند دادن کدها به هم، مفاهیم اولیه شکل گرفت. در این مرحله، 230 کد از 31 مصاحبه و بررسی یادداشت‌ها و اسناد، استخراج شده است. با مقایسه و طبقه‌بندی

کدهای مشابه، 118 مفهوم استخراج شدند و در نهایت با طبقه‌بندی مفاهیم مشابه، 32 زیرمقوله (با احتساب مقوله محوری) به دست آمد؛ مدل پارادایمی نشان می‌دهد چالش‌های فناورانه به عنوان یکی از زیرمقوله‌های شرایط زمینه‌ای دسته‌بندی شده است. در ادامه، اجزای مدل بومی رکود بنگاه‌های صنعتی تشریح می‌گردند.

• **شرایط علی:** علل ایجاد پدیده اصلی یا رویدادهایی که موقعیت‌های مرتبط با پدیده را خلق می‌کنند و منجر به بروز پدیده اصلی می‌گردند (لطیفی جلال آبادی و همکاران، 2020). شرایط علی در بخش کیفی پژوهش عبارتند از: ضعف مهارت‌های مدیریتی، مشکلات حقوقی و اختلاف شرکا، اداره سنتی کسب و کارها و ضعف در سازمان‌سازی، ضعف در زیرساخت‌های قانونی و سیاست‌گذاری، ضعف سازوکارهای مشاوره‌ای، کمبود/ فقدان/ عدم تناسب امکانات و تجهیزات، ضعف حمایت‌های پشتیبانی، ضعف در تدوین و اجرای استراتژی‌های مدیریت بازار و ضعف در امکان‌سنجی تأسیس.

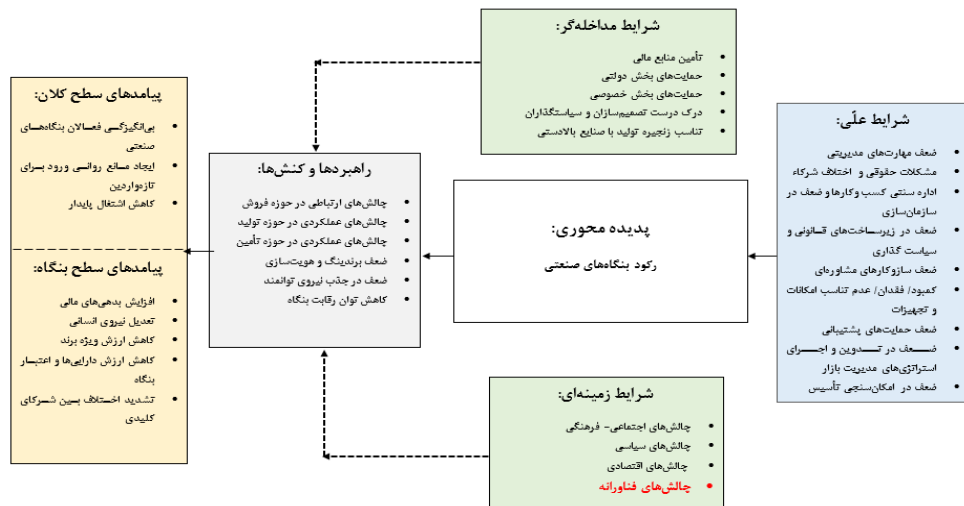
• **پدیده محوری:** با عنایت به موضوع، پدیده محوری تعریف شده «رکود بنگاه‌های صنعتی» است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد زمانی که مقوله‌های علی، بستر ایجاد و رشد بنگاه‌های صنعتی را با معضل مواجه سازند، منجر به رکود این بنگاه‌ها می‌گردند. ضعف در مهارت‌های مدیریتی، کار تیمی و اختلاف شرکای منجر به کاهش سرمایه اجتماعی میان مدیران، متخصصان و کارگران بنگاه صنعتی می‌شود و فضای اعتماد متقابل را از میان می‌برد. همچنین با توجه به یکی از تعاریف مدیریت که هنر و مهارت انجام کار با و به‌وسیله دیگران است، در صورتی که این هنر و مهارت وجود نداشته باشد، همه فرایندهای زنجیره تولید در بنگاه دچار معضل می‌شوند و رکود را به دنبال دارد. همچنین نبود تنوع، تجربه و دانش کافی جهت انجام کارهای تیمی منسجم منجر به هدر رفتن حجم زیادی هزینه، زمان و انرژی می‌گردد؛ ضعف زیرساخت‌های قانونی و سیاست‌گذاری، اصلی‌ترین بستری است که عمده‌ترین کنترل مدیران بنگاه نیست. همچنین اجرا نشدن دقیق و صحیح برنامه‌های مصوب و تغییرات مدیریتی، سبب می‌گردد فرایند حمایت از صنعتگران، ناتمام باقی بماند؛ ضعف سازوکارهای مشاوره‌ای به همراه ضعف حمایت‌های پشتیبانی کافی متشکل از سازمان‌ها، دستگاه‌های اجرایی، مشاوران مجرب و متخصص، شبکه‌های پشتیبانی ضعیف مادی، خانوادگی و کاری همه منجر به پیمودن مسیرهای اشتباه و طولانی توسط مدیران بنگاه‌ها می‌شود که رکود آن‌ها را در پی خواهد داشت؛ کمبود یا فقدان تجهیزات و امکانات مناسب اعم از فضای فیزیکی، تجهیزات و ماشین‌آلات باعث می‌شود فرایند تولید دچار وقفه جدی شود؛ زیرا صدور مجوزها به فضای کارگاهی متناسب با استانداردها بستگی دارد و عمده‌ترین تجهیزات موجود بسیار قدیمی و با سطح فناوری پایین هستند، همچنین هزینه خرید تجهیزات جدید بسیار زیاد است، مجموع این عوامل موجب می‌گردد بنگاه صنعتی با چالش‌های جدی مواجه باشد؛ یکی از چالش‌های جدی بنگاه‌های صنعتی، نبود امکان‌سنجی مناسب است، بی‌توجهی به ضرورت امکان‌سنجی فنی، اقتصادی و بازاری موجب می‌شود کسب و کارها به‌درستی بررسی و مطالعه نشوند و به‌دنبال آن، حجم بسیار زیاد سرمایه و زمان برای راه‌اندازی کسب‌وکاری هزینه شود که از ابتدا توجیه اقتصادی نداشته است؛ در نهایت، ضعف در استراتژی‌های مدیریت بازار، یکی از مهم‌ترین و پرتکرارترین مؤلفه‌ها بود که باعث می‌شود محصولات از طریق کانال‌های واسطه منفعت‌طلب توزیع شود و عمده‌ترین روش‌های قیمت‌گذاری، تبلیغات و توزیع نامناسب و اشتباه وارد بازاری گردند که تقاضای مناسبی برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است؛ به بیان دیگر برنامه تحلیل بازار شفاف و صحیحی برای محصولات تدوین نشده است.

• **شرایط زمینه‌ای:** شرایط زمینه‌ای، الگوهای پایداری هستند که با زمان و مکان خاص عجین شده‌اند و مجموعه واقعیت‌هایی را ایجاد کرده‌اند که افراد و سازمان‌ها تحت این موقعیت‌ها از خود کنش یا واکنش نشان می‌دهند (لطیفی جلال آبادی و همکاران، 2020). شرایط زمینه‌ای در بخش کیفی پژوهش عبارتند از: چالش‌های اجتماعی - فرهنگی،

- چالش‌های سیاسی، چالش‌های اقتصادی و چالش‌های فناوریانه؛ بنابراین، چالش‌های فناوریانه، در دسته شرایط زمینه‌ای قرار می‌گیرند و نقش عامل زمینه‌ساز را در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی دارد.
- براساس جمع‌بندی مصاحبه‌ها و طبقه‌بندی کدها، مفاهیم زیرمقوله چالش‌های فناوریانه شامل: (1) سطح پایین فناوری‌های مورد استفاده در فرایند تولید، توزیع و فروش محصولات (2) ناهماهنگی میان فناوری‌های چرخه تولید محصولات و (3) عدم تطابق فناوری محصولات با تغییرات بازار بودند که هریک در ادامه تشریح شده‌اند:
- **سطح پایین فناوری‌های مورد استفاده در فرایند تولید، توزیع و فروش محصولات:** یکی از معضلاتی که بنگاه‌های صنعتی با آن مواجه هستند، ناآشنایی با فناوری‌های سطح متوسط و بالا است و بنگاه‌ها عمدتاً از فناوری‌های سطح پایین در تولید محصولات، توزیع و فروش آنها استفاده می‌کنند. مصاحبه شونده A11 در این رابطه بیان کرد: «در عصر حاضر، اگر از فناوری‌های جدید و سطح بالا استفاده نشود، چالش‌های زیادی ایجاد می‌شود؛ مثلاً در استان کرمانشاه هنوز برای توزیع محصولات از روش‌های سنتی و قدیمی استفاده می‌شود و بنگاه‌ها آشنایی چندانی با دیجیتال مارکتینگ ندارند. فناوری‌های های‌تک در فرایند تولید در استان بسیار کم استفاده می‌شود».
 - **ناهماهنگی میان فناوری‌های چرخه تولید محصولات:** مفهوم دوم در این زیرمقوله، مربوط به زمانی است که بنگاه‌های صنعتی در خط تولید خود، چندین خط تجهیزات و ماشین‌آلات دارند و چون در فواصل زمانی مختلف خریداری شده‌اند، تناسب میان فناوری‌های آنها وجود ندارد. همین عدم تناسب منجر به چالش در تولید محصولات باکیفیت می‌شود. مصاحبه‌شونده A7 بیان کرد: «خط تولید و تجهیزات در بنگاه صنعتی باید فناوری همسان، متناسب و هماهنگ داشته باشند، در غیر این صورت، محصولات نقص فنی خواهند داشت یا اصلاً خط تولید کار نمی‌کند. این چالش، بیشتر در فناوری‌های وارد شده و انتقال یافته از کشورهای خارجی مشاهده می‌شود».
 - **عدم تطابق فناوری محصولات با تغییرات مداوم بازار:** آخرین مفهوم در زیرمقوله شرایط زمینه‌ای، زمانی است که فناوری‌هایی که محصولات با آنها تولید می‌شوند با تغییرات و تقاضای بازار همخوانی ندارند؛ مثلاً سطح دانش آنها بالاتر از نیازهای بازار است و اصطلاحاً ایده‌ها در لبه فناوری هستند یا برعکس که در این حالت، مشتریان بازار هدف، تقاضای سطح فناوری بالاتری دارند. مصاحبه‌شونده A4 در این رابطه بیان کرد: «امروزه مدیریت بازار، دیدگاه نوین را می‌طلبد و باید نیازهای بازار هدف در اولویت اقدامات قرار گیرند. لذا توجه به محیط فناوریانه و فناوری‌های مورد تقاضای بازار هدف اهمیت بسیاری دارد».
 - **شرایط مداخله‌گر:** شرایط مداخله‌گر بر واقعی دلال دارند که موجب تغییر در شدت اثرگذاری شرایط علی می‌شوند (لطفی جلال آبادی و همکاران، 2020). شرایط مداخله‌گر در بخش کیفی پژوهش عبارتند از: تأمین منابع مالی؛ حمایت‌های بخش دولتی، حمایت‌های بخش خصوصی، درک درست تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران و تناسب زنجیره تولید با صنایع بالادستی.
 - **راهبردها و کنش‌ها:** طرح‌ها و کنش‌هایی که به اجرای پدیده محوری کمک می‌کنند (لطفی جلال آبادی و همکاران، 2020). کنش‌های مدل پژوهش عبارتند از: چالش‌های ارتباطی در حوزه فروش، چالش‌های عملکردی در حوزه تولید؛ چالش‌های عملکردی در حوزه تأمین، ضعف برندینگ و هویت‌سازی، ضعف در جذب نیروی توانمند و کاهش توان رقابت بنگاه.
 - **پیامدها:** به معنای نتایج به‌کارگیری راهبرد یا پیامدهای مشهود و نامشهودی که در اثر اجرای پدیده محوری ایجاد می‌شوند، هستند (لطفی جلال آبادی و همکاران، 2020). پیامدهای رکود بنگاه‌های صنعتی عبارتند از: بی‌انگیزگی فعالان بنگاه‌های صنعتی؛ ایجاد مانع روانی ورود برای تازه‌واردان؛ کاهش اشتغال پایدار به عنوان پیامدهای سطح کلان و افزایش بدهی‌های مالی، تعدیل نیروی انسانی؛ کاهش ارزش ویژه برند، کاهش ارزش دارایی‌ها و اعتبار بنگاه، تشدید اختلاف بین شرکای کلیدی به عنوان پیامدهای سطح بنگاه.

کدگذاری محوری

در حالی که کدگذاری باز، داده‌ها را به مقوله‌های مختلف تفکیک می‌کند، کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های آنها را با توجه به مشخصه‌ها و ابعاد آنها به یکدیگر مرتبط می‌سازد. برای کشف نحوه ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر، پژوهشگر از پارادایم استفاده می‌کند. پارادایم، ابزار تحلیلی است که استراوس و کوربین برای مطالعه داده‌ها پیشنهاد کردند. لذا پس از کدگذاری باز، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها با یکدیگر مقایسه و طبقه‌بندی شدند، به نحوی که هر طبقه جامع و مانع باشد؛ از این‌رو، طبقات طوری سازماندهی شدند که همه مقوله‌های مرتبط را پوشش دهند. در نهایت، یک مدل پارادایمی شکل گرفت که بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان اصلاح گردید (شکل 1).



شکل 1. مدل پارادایمی در بخش کیفی پژوهش

کدگذاری انتخابی

در این بخش، با کنار هم قراردادن مقوله‌ها حول مقوله محوری، یک روایت اصلی، بر اساس نظریه برای پدیده محوری رکود بنگاه‌های صنعتی، ارائه شد:

«ضعف مهارت‌های مدیریتی، مشکلات حقوقی و اختلاف شرکا، اداره سنتی کسب و کارها و ضعف در سازمان‌سازی، ضعف در زیرساخت‌های قانونی و سیاست‌گذاری، ضعف سازوکارهای مشاوره‌ای، کمبود/ فقدان/ عدم تناسب امکانات و تجهیزات، ضعف حمایت‌های پشتیبانی، ضعف در تدوین و اجرای استراتژی‌های مدیریت بازار، و ضعف در امکان‌سنجی تأسیس زمینه‌ساز رکود بنگاه‌های صنعتی هستند. راهنم‌های منتج از این پدیده، شامل مواردی مانند چالش‌های ارتباطی در حوزه فروش، چالش‌های عملکردی در حوزه تولید، چالش‌های عملکردی در حوزه تأمین، ضعف برندینگ، ضعف در جذب نیروی توانمند، کاهش توان رقابت بنگاه است که متأثر از عواملی چون تأمین منابع مالی، حمایت‌های بخش دولتی و خصوصی، درک درست تصمیم‌سازان و تناسب زنجیره تولید با صنایع بالادستی می‌باشد. این مهم در فضایی پیچیده و چندبعدی اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه رخ می‌دهد که گروه‌های زیادی با اهداف، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و منافع متفاوت در شکل‌گیری آن نقش دارند. در نهایت، بی‌انگیزگی فعالان بنگاه‌های صنعتی، ایجاد مانع روانی ورود برای تازه‌واردین و کاهش اشتغال پایدار به‌عنوان پیامدهای کلان و افزایش بدهی‌های مالی، تعدیل نیروی انسانی، کاهش

ارزش ویژه برند، کاهش ارزش و اعتبار بنگاه و تشدید اختلاف بین شرکای کلیدی به‌عنوان پیامدهای سطح بنگاه در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی مطرح می‌شوند.

جدول 2، بارهای عاملی، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده شرایط زمینه‌ای

مقوله	زیرمقوله	گویه‌ها	بار عاملی	T معنی‌داری	متوسط واریانس استخراج شده	پایایی مرکب	آلفای کرونباخ
چالش‌های اجتماعی-فرهنگی		1	0/915	24/767	0/66	0/80	0/71
		2	0/840	14/798			
		3	0/779	7/573			
		4	0/910	31/897			
		5	0/888	17/635			
		6	0/879	19/200			
		7	0/923	26/997			
شرایط زمینه‌ای	چالش‌های سیاسی	1	0/754	7/561	0/726	0/81	0/74
		2	0/879	9/911			
		3	0/659	8/578			
		4	0/900	44/259			
		5	0/891	36/871			
چالش‌های اقتصادی		1	0/889	10/832	0/560	0/83	0/80
		2	0/739	10/734			
		3	0/690	15/464			
		4	0/717	5/189			
		5	0/789	6/178			
چالش‌های فناورانه		1	0/916	24/798	0/693	0/78	0/71
		2	0/841	14/799			
		3	0/780	8/895			

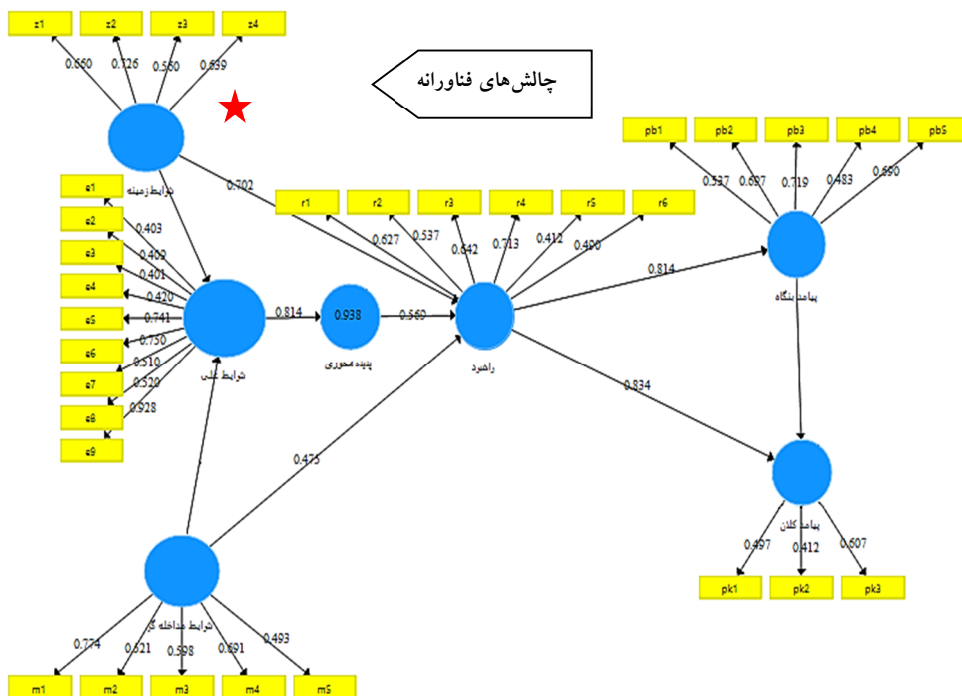
بخش کمی: آزمون تأثیر چالش‌های فناورانه بر فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی

در بخش کیفی، نشان داده شد که چالش‌های فناورانه به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی ایفای نقش می‌کند. در این بخش، به اعتبارسنجی مدل و آزمون فرضیه برای بررسی تأثیر چالش‌های فناورانه بر فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی با کمک مدلسازی معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی) پرداخته شده است.

اغلب اولین معیاری که در اعتبارسنجی مدل‌ها کنترل می‌شود، پایایی سازگاری درونی است که معیار سنتی برای این کنترل، آلفای کرونباخ است. با توجه به اینکه آلفای کرونباخ بر رد سخت‌گیرانه از پایایی سازگاری درونی متغیرهای مکنون، ارائه می‌دهد، در مدل‌های مسیر PLS از سنج‌های دیگر به نام پایایی مرکب (CR) استفاده می‌شود. وقتی مقدار پایایی مرکب بیش از 0/7 است، آن بلوک تک‌بعدی است. همچنین حداقل متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای همگرایی باید 0/4 باشد. معیار اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زا، ضریب تعیین R^2 است.

همان‌طور که جدول 2، جدول 3 و شکل 2 نشان می‌دهند اعداد به دست آمده برای پایایی مرکب (CR) برای تمامی زیرمقوله‌های شرایط زمینه‌ای، بیشتر از 0/7 است که نشان‌دهنده قابل قبول بودن مدل می‌باشد. همچنین متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای تمامی گویه‌ها بیشتر از 0/4 است که اعتبار همگرایی مناسبی را نشان می‌دهد. بنابراین

تمامی شاخص‌های برازش به کار رفته نشان می‌دهند این مدل دارای برازش مناسب و خوبی است و می‌توان نتیجه گرفت مدل پژوهش، توانایی بالایی در اندازه‌گیری پدیده محوری پژوهش و اجزای مدل دارد. همچنین مدل معادلات ساختاری با استفاده از بررسی ضرایب مسیر، معنی‌داری ضرایب مسیر و مقدار R2 (واریانس تبیین شده) فرضیه پژوهش را می‌آزماید. شکل 2 نمایش مدل به دست آمده در محیط نرم‌افزار Smart PLS است.



شکل 2. نتایج آزمون تحلیل عاملی تأییدی (مدلسازی معادلات ساختاری) مدل رکود بنگاه‌های صنعتی

گام بعدی برای تحلیل یافته‌ها، آزمون فرضیه پژوهش است. فرضیه پژوهش: شرایط زمینه‌ای بر راهبردهای رکود بنگاه‌های صنعتی، تأثیر معنادار دارند. با توجه به اینکه چالش‌های فناوری به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای در مدل رکود بنگاه‌های صنعتی شناسایی و تأیید گردید، تأیید فرضیه پژوهش، به معنای تأیید تأثیر معنادار چالش‌های فناوری در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی است.

توضیح اینکه در سطح 0/01 ضرایب T بالاتر از $\pm 2/58$ معنی‌دار است. همان‌طور که در جدول 3 مشاهده می‌شود گزاره تأثیر چالش‌های فناوری به عنوان شرایط زمینه‌ای در مدل رکود بنگاه‌های صنعتی در سطح 0/01 معنادار است. علاوه بر این، جهت ضریب T در تمام مسیرها مثبت است که نشانگر تأثیر مثبت و معنادار است. بر این اساس، آزمون و تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده آن است که ضریب تأثیر شرایط زمینه‌ای که چالش‌های فناوری نیز یکی از آنها است، بر راهبردهای رکود بنگاه‌های صنعتی برابر با 0/702 در سطح ($P < 0/01$) مثبت و معنادار است؛ به بیان دیگر، چالش‌های فناوری به عنوان عاملی اثرگذار بر فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی به عنوان یک مقوله زمینه‌ای و بسترساز است (با ستاره قرمز رنگ در شکل 2 نشان داده شده است).

جدول 3. ضرایب مسیر و معنی‌داری تأثیر شرایط زمینه‌ای (چالش‌های فناورانه) بر راهبردهای مدل

نتیجه	آماره t	P	ضریب رگرسیون (R2)	گزاره (رابطه)
تأیید	15/890	0/001	0/702	شرایط زمینه‌ای با راهبردهای رکود بنگاه‌های صنعتی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه، از آنجا که رانداندازی و توسعه بنگاه‌های صنعتی منجر به ایجاد اشتغال پایدار، افزایش درآمد و رونق تولید و بهبود فضای کسب و کار می‌گردند، توجه به توسعه آن‌ها حیاتی است. این مسئله در کل کشور و به‌طور ویژه در استان کرمانشاه که با وجود قابلیت‌های فراوان در حوزه صنعت، از نرخ بیکاری بالایی رنج می‌برد، از اهمیتی مضاعف برخوردار است؛ لذا در پژوهش حاضر به مطالعه و تبیین نقش چالش‌های فناورانه در فرایند رکود بنگاه‌های صنعتی پرداخته شد. از این‌رو، نخست از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق با 31 نفر از افراد کلیدی مطلع که 9 نفر از روش نمونه‌گیری قضاوتی و 22 نفر از روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند، کدهای باز مربوط به پدیده محوری رکود بنگاه‌های صنعتی احصاء گردید. پس از فرایند مقایسه مداوم و مرور چندین باره متون مصاحبه‌ها، طبقه‌بندی صورت گرفت و مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی (زیرمقوله‌ها) شکل گرفتند. در نهایت، مدل‌سازی انجام شد و این مدل برای تأیید اعتبار و قابلیت اعتماد در اختیار متخصصان موضوع و مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و پس از اصلاحات چندین باره و تکرار کدگذاری‌ها، مدل نهایی تدوین شد. نتایج بخش کیفی علاوه بر طراحی یک مدل بومی از رکود بنگاه‌های صنعتی نشان داد، فناوری و چالش‌های فناورانه به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای، دسته‌بندی می‌گردد. این مقوله شامل سه مفهوم پرتکرار: 1) سطح پایین فناوری‌های مورد استفاده در فرایند تولید، توزیع و فروش محصولات 2) ناهماهنگی میان فناوری‌های چرخه تولید محصولات و 3) عدم تطابق فناوری محصولات با تغییرات بازار بود.

در گام دوم از این پژوهش آمیخته اکتشافی، یک پرسشنامه محقق ساخته شامل 118 گویه تدوین گردید که اعتبار آن مورد تأیید پدل متخصصان بود و قابلیت اعتماد آن به کمک انجام آزمون پایلوت و آلفای کرونباخ 0/803 مورد تأیید قرار گرفت. نمونه آماری که در این بخش مورد آزمون قرار گرفتند، 97 نفر بودند که توسط فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری انتساب متناسب انتخاب و آزمون شدند. آزمون تحلیل عاملی تأییدی (مدل‌سازی معادلات ساختاری) با نرم‌افزار Smart PLS نشان داد، مدل طراحی شده و فرضیه پژوهش بر اساس آماره‌های کمی محاسبه شده، مورد تأیید است و شرایط زمینه‌ای که چالش‌های فناورانه یکی از مقوله‌های آن است، بر راهبردهای رکود بنگاه‌های صنعتی، تأثیر معنادار دارد.

نتایج به دست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های (لیلجا و همکاران، 2016) و (بوآزا و همکاران، 2015) در خارج از کشور و پژوهش‌های (رضوی و همکاران، 2017)، حقیقی (حقیقی کفاش و همکاران، 2016) در داخل کشور هم‌خوانی دارد که تأثیر فناوری بر ایجاد، رشد، توسعه و رکود بنگاه‌های صنعتی را تأیید می‌کنند. این مسأله نشان می‌دهد امروزه با تغییرات نیازها و سلاقی مشتریان و رقابت شدید در بازار، توجه به فناوری در کلیه فرایندهای تولید محصولات، ارائه خدمات، توزیع کالاها، نحوه فروش و مدیریت بازار تأثیرات مهمی دارد که تاکنون خیلی مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به اینکه به دستور مقام معظم رهبری (مدظله العالی) باید برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و ظرفیت‌های کشور در جهت رونق و جهش تولید قرار بگیرد؛ ضروری است از فناوری که بحث روز در دانشگاه‌ها، صنایع و تصمیم‌سازی‌های دولتمردان و بخش خصوصی نیز است، به عنوان یک ظرفیت در راستای احیای مجدد بنگاه‌های صنعتی بهره‌برداری شود. امید است نتایج حاصل از پژوهش، مورد استفاده سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان استانی و کشوری، مدیران بنگاه‌های صنعتی، مسئولین برنامه‌ریز و پژوهشگران قرار گیرد.

در نهایت، پیشنهادهای کاربردی برخاسته از پژوهش عبارتند از:

- ایجاد و توسعه زیرساخت‌های لازم در راستای اشتراک دانش فنی بنگاه‌های صنعتی راكد با سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، با همکاری کارشناسان شرکت شهرک‌های صنعتی
- به‌کارگیری فناوری‌های جدید و به‌روز در خطوط تولید و ماشین‌آلات متناسب با تقاضای بازار هدف
- بومی‌سازی فناوری‌های وارداتی از سایر کشورها جهت بهینه کردن فرایندهای داخلی متناسب با نیازهای کشور و استان
- رعایت اصول در راستای تناسب فناوری‌های به‌کارگرفته شده با یکدیگر در خطوط تولید، توزیع و فروش
- راه‌اندازی واحد تحقیق و توسعه (R&D) در بنگاه‌های صنعتی برای کاربردی کردن علم و فناوری در صنعت
- تدوین برنامه‌های مدیریت بازار به کمک متخصصان خبره بازاریابی برای استفاده از شیوه‌های نوین توزیع و فروش محصولات
- آموزش و توانمندسازی مدیران و کارکنان بنگاه‌های صنعتی برای آشنایی و استفاده از انواع فناوری‌های جدید
- کاربردی در صنعت در حوزه تولید، توزیع و فروش
- شبکه‌سازی میان بنگاه‌های صنعتی جهت به اشتراک‌گذاری فناوری‌ها و کاهش هزینه‌های خرید و انتقال دانش فنی و تجهیزات.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر، مستخرج از رساله دکتری دانشجوی دانشگاه رازی است. همچنین بدین وسیله از حمایت‌های مادی و معنوی سازمان صنایع کوچک و شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمانشاه سپاسگزاری می‌گردد.

References

- Bouazza, A. B., Ardjouman, D., & Abada, O. (2015). Establishing the factors affecting the growth of small and medium-sized enterprises in Algeria. *American International journal of Social science*, 4(2), 101-115. <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.1084.1132&rep=rep1&type=pdf>
- Cresswell, J. W. (2013). *Research design: qualitative, quantitative and combined approaches*. Jihad Daneshgahi (Allameh Tabatabai University).
- Danaeifard, H., Alwani, S. M., & Azar, A. (2012). *Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach* (4 ed.). Ishraqi, Saffar.
- Farsijani, H., Habibi, L., & Soltani, H. (2012). The role of industrial clusters of small and medium-sized manufacturing enterprises in achieving world-class production, a case study: Tehran Gold Cluster. *Business Management Perspectives Quarterly*, 10(8), 47-64. <http://ensani.ir/file/download/article/20130318132524-9793-10.pdf>
- Haghighi Kafash, M., Hajipour, M., Mazlumi, N., & Momeni, M. (2016). Modeling Factors Affecting Innovation Capability in the Food Industry. *Business Management Outlook* 15(2), 33-48. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=462136>
- Irandoost, M. (2014). *Pattern of Relationship between Regeneration Strategies and Performance in Recession (Case Study: Tehran Stock Exchange Companies)* [Ph.D, Allameh Tabatabaei]. Tehran, Iran.
- Lilja, M., Sundberg, C., & Sundberg, G. (2016). *Growth strategies in declining industries*. [Bachelor, Jonkoping]. Sweden.

- Lotfi Jalal Abadi, M., Farhadi, A., Ravaei, S., Gholami, M. (2020). Designing a Skill-oriented Model for Occupational Students: Using the Grounded Theory. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 71-100. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105314_656e1172627ad1a5e85f6d10c87a10fa.pdf
- Nazari, M., Hasangholipour, T., Soleymani, Gh. R., & Mousavi Neghabi, S. M (2017). Developing trans-institutional networks, the procedure for the use of untapped small and medium institution (SMEs) capacity: Presenting the grounded data theory. *Productivity Management* 10(40), 7-47. http://jpm.iaut.ac.ir/article_530971_cd4da5cf168bd297ac441c661f43381f.pdf?lang=en
- O'Dwyer, M., Gilmore, A., & Carson, D. (2009). Innovative marketing in SMEs: a theoretical framework. *European Business Review*, 21(6), 504-515. <https://doi.org/10.1108/09555340910998805>
- Raihan, S., & Bidisha, S. H. (2018). *Female employment stagnation in Bangladesh: A research paper on economic dialogue on inclusive growth in Bangladesh*. T. A. Foundation. https://asiafoundation.org/wp-content/uploads/2018/12/EDIG-Female-employment-stagnation-in-Bangladesh_report.pdf
- Razavi, S. M., Karimi, B., & Rafeierad, D. (2017). Studying the Factors Affecting the Financing of Small and Medium Enterprises in Automotive Parts Supply Chains. *Industrial Management Journal*, 9(3), 435-454. <https://doi.org/10.22059/imj.2017.233964.1007240>
- Shayeghi, M. (2008). *The role of small and medium industries in export development*. Aria .
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage <https://psycnet.apa.org/record/1999-02001-000>
- Svetlicic, M., Jaklic, A., & Burger, A. (2007). Internationalization of Small and Medium-Size Enterprises from Selected Central European Economies. *Eastern European Economics*, 45(4), 36-65. <https://doi.org/10.2753/EEE0012-8775450402>
- Szirmai, A., & Verspagen, B. (2011). Manufacturing and Economic Growth in Developing Countries, 1950-2005. *United Nations University - Maastricht Economic and Social Research Institute on Innovation and Technology*. <https://ideas.repec.org/p/unm/unumer/2011069.html>
- Ministry of Industry Mines and Trade. (2019). *Industry, mining and trade according to statistics and information; Report No. 44- Preliminary performance in 1396* .
- Zulkepli, Z. H., Hasnan, N., & Mohtar, S. (2015). Communication and Service Innovation in Small and Medium Enterprises (SMEs). *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 211, 437-441. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.057>



Investigating the Effect of Multiple Intelligence on Individual Performance of Top Entrepreneurs

Mahdi Hosseinpour^{1*}, Hossein Karimi², Milad Bakhsham³, Atieh Khodaei⁴

¹Assistant Professor, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

^{2,3}MA Student, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

⁴PhD Student, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 05.09.2020

Revised: 12.07.2020

Accepted: 12.08.2020

Keyword:

Top Entrepreneurs
Multiple Intelligences
Individual Performance
Structural Equation Modeling
Kermanshah city

*Corresponding Author:

Mahdi Hosseinpour

Email: m.hosseinpour@razi.ac.ir

ABSTRACT

The purpose of this study was to investigate the effect of multiple intelligence on the individual performance of top entrepreneurs in Kermanshah city. The present study was quantitative and applied in terms of purpose and descriptive-survey and correlational in terms of data collection. The statistical population included top entrepreneurs in Kermanshah city, numbered 55 people in the period 2011 to 2017 according to the Bureau of Labor, Welfare and Social Affairs, of which 40 were available and surveyed. In order to analyze the data in the descriptive statistics section, SPSS23 software was used and in the data analysis section, factor analysis and structural equation modeling in Amos software was employed. The results showed that there was a positive and significant relationship between entrepreneurs' multiple intelligence and their individual performance. Entrepreneurs could succeed in their workplace if they could survive in this turbulent world and this requires a thorough understanding of the external, economic, technological, political, and other factors to enable better individual performance. If entrepreneurs had high mathematical-logical and intrapersonal intelligence, they had the least error in their decision making and were more capable in making rational decisions, organizing and evaluating program effectiveness.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر

مهدی حسین پور^{1*}، حسین کریمی²، میلاد بخشم³، عطیه خدایی⁴

- 1- استادیار، دپارتمان مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
- 2- دانشجوی کارشناسی ارشد، دپارتمان مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
- 4- دانشجوی دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر در شهر کرمانشاه است. این پژوهش، از لحاظ نوع، کمی و از نظر هدف، کاربردی است و به لحاظ گردآوری اطلاعات، توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری، شامل کارآفرینان برتر شهر کرمانشاه است که طبق آمار اداره کار، رفاه و امور اجتماعی از سال 1390 تا 1396 55 نفر هستند که از این تعداد 40 نفر آنان در دسترس و مورد مطالعه بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی، از نرم‌افزار SPSS23 و در بخش تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد بین هوش چندگانه کارآفرینان و میزان عملکرد فردی آنها، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کارآفرینان زمانی می‌توانند در حوزه کاری خود موفق باشند و بتوانند در این جهان متغیر دوام آورند نیازمند این هستند که درک کاملی از عوامل بیرونی، اقتصادی، فناوری، سیاسی و ... داشته باشند تا بتوانند عملکرد فردی بهتری داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود کمترین خطا را داشته باشند که اگر از هوش ریاضی-منطقی و درون‌فردی بالایی برخوردار باشند، در زمینه اتخاذ تصمیمات منطقی، نظم و ترتیب در امور و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها توانمندتر هستند.

دریافت مقاله: 1399/02/23

بازنگری مقاله: 1399/09/17

پذیرش مقاله: 1399/09/18

کلید واژگان:

کارآفرینان برتر

هوش چندگانه

عملکرد فردی

مدل‌سازی معادلات ساختاری

شهر کرمانشاه

*نویسنده مسئول: مهدی حسین پور

پست الکترونیکی:

m.hosseinpour@razi.ac.ir



مقدمه

در عصر حاضر، با توجه به پیشرفت علوم و فنون و پیدایش نیازها و معضلات جدید و بیکاری گسترده، نیاز به کارآفرینان بیشتر احساس می‌شود؛ از جمله راهکارهای مهم توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری و افزایش درآمد مردم، افزایش کارایی اقتصادی می‌شود، نوآوری را به بازار کار و تولید می‌آورد، مشاغل جدید ایجاد می‌کند و وضعیت اشتغال را بهبود می‌بخشد (اسکات شین و سانکاران ونکاتارامان، 2000)¹. شومپتر² معتقد است که کارآفرینی، موتور محرک اصلی در توسعه اقتصادی است و کارآفرین، کسی است که در کارش، نوآوری داشته باشد و ترکیب‌های تازه‌ای از مواد ایجاد کند (مایکل پالمر، 1971)². کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان فرایند استفاده طرح‌های ابتکاری خصوصی به‌منظور تبدیل مفهوم کسب‌وکار در یک سرمایه‌گذاری جدید یا به‌منظور رشد و تنوع در سرمایه‌گذاری‌ها یا واحدهای تجاری موجود با رشد و پتانسیل بالا تعریف شود (جمال حسینی و فاطمه کاظمی میانرودی، 2011). در دنیای رقابتی امروز، بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها بر این باورند که برای بقا در عرصه رقابتی کنونی باید به عملکرد فردی افراد، بیشتر توجه کنند؛ زیرا این منافع و عملکرد فردی سازمان، درگرو عملکرد فردی این افراد است (ناصر عسگری، علی حمیدی زاده و رضا عابدی، 2016). کسب‌وکار یک کارآفرین و نیز بقا و موفقیت آن، تا حد زیادی به عملکرد فردی کارآفرین وابسته خواهد بود. در واقع، عملکرد فردی، به مجموعه رفتارها و واکنش‌های فردی اشاره دارد که با اهداف کسب‌وکار، مرتبط می‌باشد. عملکرد فردی، مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌هاست که از طرف افراد به‌منظور نیل به اهداف از پیش تعیین‌شده در سازمان یا کسب‌وکاری که در آن مشغول هستند انجام می‌گیرد. این عملکرد فردی، تابعی از دانش، مهارت، توانایی‌ها، قابلیت و انگیزش است (یعقوب بدری آذین و طاهر هوشنگ، 2017).

در عصر حاضر با توجه به پیشرفت علوم و فنون و پیدایش نیازها و معضلات جدید و بیکاری گسترده، نیاز به کارآفرینان بیشتر احساس می‌شود. اما کارآفرینانی موفق و کارا یا به‌اصطلاح عملکرد فردی خوبی خواهند داشت که دارای درجه هوشی بالا باشند؛ به‌خصوص این‌که این معنا، زمانی بااهمیت‌تر خواهد بود که هوش به‌عنوان عاملی برای موفقیت پذیرفته شود. موفقیت نیروی انسانی، در طول تاریخ، همیشه موردتوجه همگان، به‌ویژه اندیشمندان و محققان حوزه‌های مختلف بوده و همیشه این سؤال مطرح شده است که چه عامل یا عواملی باعث می‌شوند که عده‌ای نسبت به عده‌ای دیگر موفق‌تر باشند؟ از اواسط قرن نوزدهم، موضوع هوش و توانایی ذهنی بالای افراد موفق در کانون توجه محققان قرار گرفت و آن را عامل اساسی در موفقیت افراد می‌پنداشتند (حسین صائمی، 2009). با توجه به اهمیت هوش، خصوصاً هوش‌های چندگانه برای عملکرد فردی بهتر کارآفرینان در ایجاد تفکر خلاق، کشف فرصت‌ها، تحلیل مشکلات و تأثیرات مثبت و مستقیم آنها بر عملکرد فردی، ضرورت آشنایی آنان با این مفهوم را بیش‌ازپیش طلب می‌کند. هوش، یکی از مقولاتی است که از دیرباز موردتوجه بشر بوده و یکی از مهم‌ترین عواملی است که تفاوت‌های فردی را ایجاد می‌کند و تفاوت‌های فردی نیز خود، منجر به بروز ویژگی‌های منحصربه‌فرد در افراد می‌شود (علی اکبر سیف، 2001). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیتی که می‌تواند به افراد کارآفرین کمک کند هوش چندگانه است. امروزه، هوش به‌عنوان یک مزیت رقابتی و قابلیت استراتژیک شناخته می‌شود که در بازار به‌عنوان یک اهرم موردنیاز افراد (کارآفرینان) عمل می‌کند. افرادی که از سطح هوشی بالایی برخوردار باشند می‌توانند از تفاوت‌ها و تنوع‌ها برای ایجاد مزیت رقابتی استفاده کنند و اثر قابل‌توجهی بر راهبردهای مدیریتی، بازاریابی و توسعه محصول برای گروه‌های مشتریان در کشورهای مختلف داشته باشند (غلامرضا رحیمی، محمدرضا نوروزی و نرگس سریع القلم، 2012).

¹ Scott Shane & Sankaran Venkataraman, 2000

² Schumpeter

² Michael Palmer, 1971

هنگامی که هوش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، منظور رفتار و عملکرد فردی هوشمندانه است. بنابراین، به جای تفکر در مورد هوش باید رفتار هوشمندانه را تحلیل کرد. مبنای رفتار هوشمندانه باید نوعی دانش و اطلاعات درکلی‌ترین معنای آن باشد که به‌طور رسمی یا غیررسمی کسب شده‌اند. جنبه‌های دیگر هوش و رفتار هوشمندانه شامل سرعت در رسیدن به راه‌حل‌ها، پاسخ‌ها و توانایی حل مسئله است (میروسلاو فرانکوسکی، روبرت استفکو و فرانسیسک باومگارتنر، 2006)¹. گاردنر² برای اولین بار در کتاب «قالب‌های ذهنی: نظریه هوش چندگانه» وجود حداقل هفت نوع هوش در هر فرد اشاره کرد و بعدها مورد هشتم را به آن افزود و آنها را تحت عنوان هوش‌های چندگانه، طبقه‌بندی کرد که این هشت بعد عبارتند از: هوش زبانی، هوش منطقی-ریاضی، هوش موسیقایی، هوش بدنی-جنبشی، هوش فضایی-دیداری، هوش فردی، هوش بین فردی و هوش طبیعت‌گرایانه (هوارد ای گاردنر، 2011)³ به‌طور کلی می‌توان اظهار داشت که بهترین حوزه مناسب برای مقایسه هوش چندگانه و عملکرد فردی، محیط کار است؛ زیرا فرد در محیط کار خود علاوه بر توانمندی‌های علمی، از سایر قابلیت‌های خود نیز استفاده می‌کند (محمدعلی بابایی و نونا مومنی، 2005). هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر در شهر کرمانشاه می‌باشد؛ لذا پرسش اصلی پژوهش این است که هوش چندگانه چه تأثیری بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر شهر کرمانشاه دارد؟

هوش چندگانه

هوش، یکی از مقولاتی است که از دیرباز مورد توجه بشر بوده و یکی از مهم‌ترین عواملی است که تفاوت‌های فردی را ایجاد می‌کند و تفاوت‌های فردی نیز منجر به بروز ویژگی‌های منحصربه‌فرد در افراد می‌شود (سیف، 2001). هنگامی که هوش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، منظور رفتار و عملکرد فردی هوشمندانه است؛ بنابراین، به جای تفکر در مورد هوش باید رفتار هوشمندانه را تحلیل کرد. مبنای رفتار هوشمندانه باید نوعی دانش و اطلاعات درکلی‌ترین معنای آن باشد که به‌طور رسمی یا غیررسمی کسب شده‌اند. جنبه‌های دیگر هوش و رفتار هوشمندانه، شامل سرعت در رسیدن به راه‌حل‌ها، پاسخ‌ها و توانایی حل مسئله است (فرانکوسکی و همکاران، 2006). یکی از انواع هوش‌هایی که دانشمندان مورد بررسی قرار داده‌اند، هوش‌های چندگانه است. هوارد گاردنر برای اولین بار به وجود حداقل هفت نوع هوش در هر فرد اشاره کرد و بعدها مورد هشتم را به آن افزود و آن‌ها را تحت عنوان هوش‌های چندگانه طبقه‌بندی کرد (مهران فرج‌اللهی و الهه بدیعی، 2013). نظریه هوش چندگانه را نخست بار هوارد گاردنر، روان‌شناسی تحولی در دانشگاه هاروارد، با توسل به شواهد متعدد، در کتاب «چارچوب‌های ذهنی» مطرح کرد، وی به هشت نوع هوش نسبتاً مستقل از هم پرداخت که به‌صورت خلاصه بیان می‌شود (گاردنر، 2011).

1- هوش زبانی⁴: افراد باهوش زبانی بالا می‌توانند از لغات، هم در گفتار و هم در نوشتار، به‌گونه‌ای مؤثر استفاده کنند (دنی یوگاتاما، سپرین دو ماسون داتوم، جروم کانر، توماس کوسیسیکی، مایک چرزانوفسکی، لینگ پنگ کنگ، آنجلیکی لازاریدو، وانگ لینگ، لی یو و کریس دایر، 2019)⁵. این افراد می‌توانند زبان را برای کاربردهای مختلف از جمله متقاعد کردن دیگران برای انجام کاری خاص، به یادآوردن اطلاعات و صحبت درباره خود زبان، به شیوه‌ای کارآمد به کار گیرند که با حساسیت به

¹ Miroslav Frankovsky, Robert Stefko & Frantisek Baumgartner, 2006

² Gardner

³ Howard E Gardner, 2011

⁴ linguistic intelligence

⁵ Dani Yogatama, Cyprien de Masson d'Autume, Jerome Connor, Tomas Kocisky, Mike Chrzanowski, Lingpeng Kong, Angeliki Lazaridou, Wang Ling, Lei Yu & Chris Dyer, 2019

- انواع زبان‌های گفتاری و نوشتاری مشخص می‌شود و بر مبنای توانایی یادگیری زبان و استفاده از زبان و گفتار خود، در راستای نیل به مقاصد شخصی است.
- ۲- هوش منطقی - ریاضی^۱: مربوط به ظرفیت‌هایی برای انجام عملیات ریاضی، تحلیل منطقی و بررسی‌های علمی، توانایی استفاده مؤثر از اعداد و توانایی استدلال بالا است. افراد باهوش ریاضی بالا در طبقه‌بندی، استنباط، تعمیم و محاسبه قوی هستند (حسین پاشا شریفی، 2005).
- ۳- هوش موسیقایی^۲: استعداد، عملکرد فردی و درک الگوهای موسیقایی را تسهیل می‌کند. افرادی که دارای این هوش هستند، نسبت به ریتم و آهنگ از حساسیت بالایی برخوردارند و درک خوبی از موسیقی دارند (سیروس فخمی آذر و محمدرضا نوروزی، 2013).
- ۴- هوش بدن - جنبشی^۳: استفاده از تمام یا قسمتی از بدن برای حل مسائل با ایجاد حرکات که این گروه هوشمندان، برای بیان ایده‌ها و احساسات خود از حرکات بدنی بهره می‌جویند (النی میکلاکی و پاگونا بورنلی، 2016)^۴. این توانایی شامل مهارت‌های فیزیکی، مانند هماهنگی، انعطاف‌پذیری، سرعت، تعادل و غیره است (سی. وی. کوکاک، 2019)^۵.
- ۵- هوش فضایی - دیداری^۶: مستلزم درک، به کارگیری و انتقال اطلاعات فضایی است. این هوش افراد را نسبت به شکل، فضا، رنگ و خط حساس می‌کند. افرادی که از نظر بصری بسیار باهوش هستند، توانایی تشخیص و به خاطر سپردن جزئیات خوب در تصاویر بصری را دارند و تجسم تصاویر سه‌بعدی برای این‌گونه افراد آسان است (مارگارت اسلوتا، مورین مک لافلین، لورنا بردفورد، جولیا اف. لنگلی و سارا ویتون، 2018)^۷.
- ۶- هوش فردی^۸: افراد را قادر خواهد ساخت تا تفاوت بین احساسات و امیال خود را تشخیص دهند و خودشان را درک کنند؛ به نحوی که این درک از خود به شیوه‌ای مؤثر برای مدیریت زندگی‌شان به کار می‌رود که همان هوش درون فردی است (پائولا نیکولینی، جوزپه الساندرو و جوزپه بیلانسیون، 2010)^۹.
- 7- هوش بین فردی^{۱۰}: توانایی درک خلق و خو، احساسات، انگیزه‌ها و اهداف دیگران، نشان‌دهنده این نوع هوش است (توماس آرمسترانگ، 2009)^{۱۱}. هوش بین فردی بالا موجب می‌شود که فرد با دیگران، واقع‌بینانه‌تر برخورد کند.
- 8- هوش طبیعت‌گرایانه^{۱۲}: هوش طبیعت‌گرا آخرین نوع هوشی است که گاردنر در نظریه خود به هفت نوع قبلی افزود و با مقاومت و مخالفت بیشتری نسبت به بقیه روبه‌رو گردید. به گفته گاردنر، کسانی که هوش طبیعت‌گرای بالایی دارند، سازگاری بیشتری با طبیعت دارند و معمولاً به پرورش، کشف محیط

¹ logical -mathematical intelligence

² Rhythmic /musical intelligence

³ Bodily / kinesthetic intelligence

⁴ Eleni Michelaki & Pagona Bournelli, 2016

⁵ C. V Kocak, 2019

⁶ visual / special intelligence

⁷ Margaret Slota, Maureen McLaughlin, Lorena Bradford, Julia F. Langley & Sarah Vittone, 2019

⁸ Interpersonal intelligence

⁹ Paola Nicolini, Giuseppe Alessandri & Giuseppe Bilancioni, 2010

¹⁰ Interpersonal intelligence

¹¹ Thomas Armstrong, 2009

¹² Naturalist intelligence

و یادگیری درباره موجودات علاقه‌مندند. این افراد به‌سرعت از جزئی‌ترین تغییرات در محیطشان آگاه می‌شوند (آرمسترانگ، 2009).

عملکرد فردی

در دنیای رقابتی امروز، بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها بر این باورند که برای بقا در عرصه رقابتی کنونی باید عملکرد فردی افراد را بیشتر موردتوجه قرار دهند؛ زیرا این منافع و عملکرد فردی سازمان در گرو عملکرد فردی این افراد است (عسگری و همکاران، 2016). کسب‌وکار یک کارآفرین و نیز بقا و موفقیت آن تا حد زیادی به عملکرد فردی کارآفرین وابسته خواهد بود. از عملکرد در مبانی نظری مرتبط، تعاریف مختلفی ارائه شده است اما وجه اشتراک تمامی این تعاریف این است که عملکرد فردی به نحوه انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله اشاره دارد (کارلوس تام، آنا لوریرو و تیاگو اولیویرا، 2020)¹. در واقع عملکرد فردی به مجموعه رفتارها و واکنش‌های فردی اشاره دارد که با اهداف کسب‌وکار مرتبط هست. عملکرد فردی، مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌هاست که از طرف افراد به‌منظور نیل به اهداف از پیش تعیین‌شده در سازمان یا کسب‌وکاری که در آن مشغول هستند انجام می‌گیرد. این عملکرد فردی، تابعی از دانش، مهارت، توانایی‌ها، قابلیت و انگیزش است (بدری آذین و هوشنگ، 2017). در واقع افرادی که کار خود را به‌عنوان یک حرفه انجام می‌دهند عملکردشان، به‌مراتب، از کسانی که کار خود را به‌عنوان یک منبع درآمد مادی می‌پندارند بهتر خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت عملکرد فردی بر رفتار و کنش‌های کارآفرین تأثیرگذار است و این عملکرد بر نتیجه کنش و اقدامات فرد تأثیرگذار نیست و در کنار این موضوع باید به این نکته توجه داشت که این رفتارها باید در کنترل کارآفرین باشد و رفتارهایی که به‌وسیله محیط محدودشده‌اند در زمره این رفتارها قرار نمی‌گیرد.

از دیرباز، تمرکز اصلی عملکرد فردی بر عملکرد وظیفه‌ای بوده است که این موضوع، کارآمدی فرد را در انجام وظایف ذاتی و فنی شغل خودارزیابی می‌کند. رفتارهایی که برای توصیف عملکرد وظیفه‌ای نیز پیشنهاد شده‌اند عبارتند از: مهارت شغلی، دانش شغلی و کار از نظر کمی و کیفی. عملکرد فردی شامل سه مؤلفه بهره‌وری، انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری است. بهره‌وری دربردارنده کارایی و کمیت کیفیت و محصول یا خدمت است. انطباق‌پذیری نیز دو بعد را شامل می‌شود: بعد اول، به شکلی نمادین در نظر گرفته می‌شود و شامل پیش‌بینی مسائل و ارائه راه‌حل‌های رضایت‌بخش و به‌هنگام برای آن‌ها و گشودگی نسبت به روش‌ها و فناوری‌های نوین قابل‌استفاده برای فعالیت‌های یک سازمان یا یک کسب‌وکار است. در کنار این موضوع بعد دوم نیز انطباق رفتاری به پذیرش راه‌حل‌ها و سرعت اعمال تغییرات اشاره دارد. بعد سوم عملکرد فردی نیز بیانگر سطح سازگاری و واکنش افراد نسبت به بحران و پیشامدهای نابه‌هنگام می‌باشد (عسگری و همکاران، 2016). از نظر پاترسون و دریسکول² عملکرد فردی را با چهار معیار رعایت نظم و انضباط، احساس مسئولیت، همکاری و بهبود در کار می‌سنجد (جانیس ام. پاترسون و مایکل پی. اودریسکول، 1990)³. در پژوهش حاضر برای بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان استان کرمانشاه، نظریه هوش چندگانه هوارد گاردنر انتخاب گردید که به‌تفصیل انواع هوش‌های چندگانه گاردنر توضیح داده شد. همچنین برای متغیر عملکرد فردی نیز از ابعاد پیشنهادی پاترسون که شامل چهار معیار رعایت نظم و انضباط، احساس مسئولیت، همکاری و بهبود در کار است استفاده‌شده است. هوش، یکی

¹ Carlos Tam, Ana Loureiro & Tiago Oliveira, 2020

² Paterson & Driscoll

³ Janice M. Paterson & Michael P. O'Driscoll, 1990

از بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها در عملکرد فردی است و نشان داد بین هوش و عملکرد فردی برای مشاغل پیچیده رابطه قوی وجود دارد (فرانک ال اشمیت و جان هانتز، 2004)¹.

مطالعات پیشین

(عسگری و همکاران، 2016) در مطالعه خود نقش میانجی خلاقیت، نوآوری و سلامت روانی در تأثیر هوش معنوی بر عملکرد فردی کارکنان را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد هوش معنوی بر نوآوری، خلاقیت و عملکرد تأثیر معناداری می‌گذارد و از میان متغیرهای میانجی بررسی شده نیز، تنها تأثیر خلاقیت معنادار است. بر این اساس، تقویت هوش معنوی می‌تواند زمینه مناسبی برای بهسازی پیشایندهای بررسی شده در عملکرد فردی داشته باشد.

(فخیمی آذر و نوروزی، 2013) به بررسی رابطه بین هوش چندگانه با خودکارآمدی عمومی کارکنان در واحدهای تولیدی، بازرگانی و صنعتی استان آذربایجان شرقی پرداخته‌اند که نتایج مطالعه حاکی از آن است که بین هوش چندگانه و خودکارآمدی کارکنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

(رحیمی و همکاران، 2012) نیز در مطالعه خود با عنوان «رابطه هوش چندگانه مدیران با اثربخشی سازمانی شرکت گاز در آذربایجان شرقی» نشان دادند که بین هوش چندگانه مدیران و اثربخشی سازمانی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش (او عبدالکدیر، اچ محمداسکندر و آ آر بهارم، 2013)² نشان داد بین هوش چندگانه با بسیاری از مهارت‌های مدیریتی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

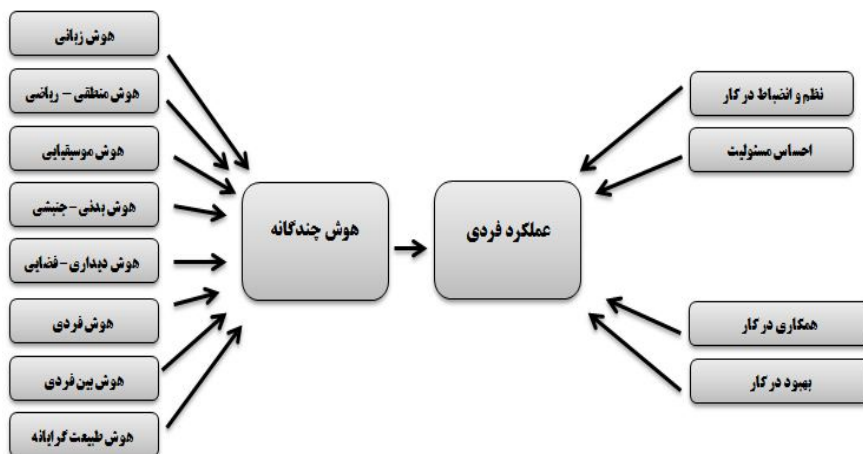
(ارکان تی دمیرل، موحامت دوسوکجان و مهمت اولمز، 2012)³ در بررسی رابطه بین هوش چندگانه و رفتار کارآفرینی در ترکیه، نشان دادند مهارت‌های چندگانه هوش، تأثیر قابل توجهی در رفتار و ایده‌های کارآفرینان دارد. (استفانی دی ویلسون و بهاء‌الدین جی مجتبی، 2010)⁴ در مقاله‌ای درباره رابطه هوش چندگانه با رهبری اشاره دارند که هوش چندگانه، مفاهیم برجسته‌ای برای مؤثر بودن، انتخاب، آموزش و پیشرفت رهبر را در بردارد. هوش و استعداد به رهبری مؤثر کمک می‌کند و رهبران مؤثر دارای اشکال چندگانه هوش هستند. با توجه به اهداف پژوهش و فرضیه‌ها، مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل 1 طراحی شد:

¹ Frank L Schmidt & John Hunter, 2004

² O Abdul Kadir, H Muhammad Iskandar & AR Baharom, 2013

³ Erkan T Demirel, Muhammet Dusukcan & Mehmet Olmez, 2012

⁴ Stefanie D Wilson & Bahaudin G Mujtaba, 2010



شکل 1. مدل مفهومی پژوهش

مواد و روش تحقیق

هنگامی که هدف از انجام پژوهش، استفاده از نتایج و یافته‌ها در حل مسائل موجود باشد، آن را پژوهشی کاربردی می‌نامیم. پژوهش حاضر از لحاظ نوع کمی و از نظر هدف کاربردی است و به لحاظ گردآوری اطلاعات، توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کارآفرینان برتر در حوزه‌های مختلف در شهر کرمانشاه بود که بر اساس آمار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعداد این کارآفرینان برتر در شهر کرمانشاه از سال 1390 تا 1396 حدود 55 نفر بود که در زمینه‌های مختلف (حوزه فناوری اطلاعات، فناوری ارتباطات و اطلاعات، کشاورزی، خدمات و ...) مشغول فعالیت بودند که از این تعداد 40 نفر از آنها در دسترس و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد هوارد گاردنر و پرسشنامه عملکرد فردی بود که از طریق مصاحبه حضوری با پاسخگویان توزیع و تکمیل گردید. پرسشنامه شامل سه بخش: بخش اول مشخصات فردی و حرفه‌ای و بخش دوم مربوط به سؤالات هوش چندگانه گاردنر، شامل 40 سؤال و بخش سوم نیز مربوط به سؤالات عملکرد فردی که شامل 16 پرسش بود. که با طیف 5 گزینه‌ای: کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم سنجیده شد. متخصصان و اعضای هیئت علمی گروه مدیریت و کارآفرینی دانشگاه رازی کرمانشاه، دقت شاخص‌ها و گویه‌ها در پرسشنامه یا روایی صوری پرسشنامه را بررسی و تأیید کردند. برای بررسی پایایی ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار تعدادی از کارآفرینان قرار گرفت و نتایج آن بررسی و آلفای کرونباخ آن 77/8 درصد به دست آمد. با توجه به ماهیت پژوهش در این مطالعه داده‌ها توصیف و تحلیل شده‌اند. در بخش توصیف اطلاعات از آماره‌های توصیفی، از نرم‌افزار SPSS20 و در بخش تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار Amos20 برای دستیابی به عوامل کلیدی استفاده شده است. مدل‌سازی معادله‌های ساختاری رویکردی است شامل دو مرحله، یعنی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری هست.

در مرحله اول، یعنی مدل اندازه‌گیری به بررسی روایی (اعتبار)، پایایی (اعتماد) و برازش متغیرهای مکنون پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) پرداخته می‌شود. در این مرحله از مقدار t و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVF) برای بررسی روایی و از پایایی ترکیبی (CR) و ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری استفاده شد. چنانچه مقدار t در سطح یک یا پنج درصد معنی‌دار باشد، مقدار AVE

بالاتر از 0/5، مقدار CR بالاتر از 0/6 و ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از 0/7 باشد، روایی و پایایی ابزار پژوهش مناسب و قابل قبول هست. در مرحله دوم، توسط مدل ساختاری به ارزیابی فرضیه‌ها در مورد رابطه بین متغیرهای پنهان پژوهش پرداخته می‌شود. برای ارزیابی برازندگی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از پژوهش در بخش آمار توصیفی حاکی از آن بود که از تعداد 40 کارآفرین برتر شهر کرمانشاه که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده بودند؛ بیشترین فراوانی مربوط به جنسیت مرد با 77/5 درصد و با سابقه کاری 10 سال به بالا و تحصیلات کارشناسی می‌باشد که در حوزه فناوری اطلاعات و بخش صنایع با فراوانی 35 درصد مشغول فعالیت و کارآفرینی بودند. در بخش آمار استنباطی با استفاده از روش معادلات ساختاری، فرضیات بررسی شدند.

جدول 1. توزیع فراوانی جامعه آماری برحسب حوزه کارآفرینی

متغیر	تعداد	درصد
حوزه کارآفرینی	فناوری اطلاعات	14
	کشاورزی	8
	صنعت	14
	خدمات	2
	سایرین	2
جنسیت	مرد	31
	زن	9
سابقه کار	4 سال و پایین‌تر	11
	5 تا 9 سال	14
	10 سال و بالاتر	15
	کارشناسی	23
تحصیلات	کارشناسی ارشد	17

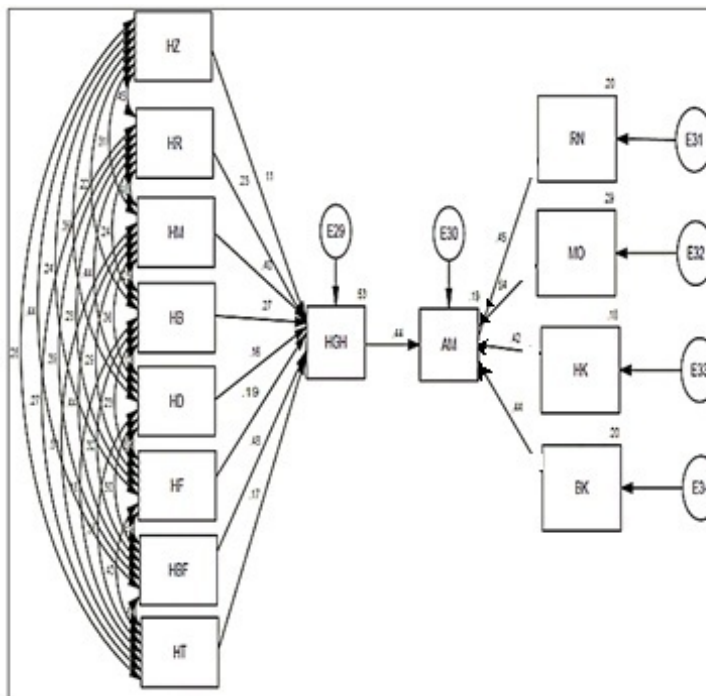
مدل‌سازی معادلات ساختاری

در این پژوهش به منظور مطالعه بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با به کارگیری نرم‌افزار Amos Graphic استفاده شد. برای ارزیابی برازش مدل معادلات ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد. در این پژوهش، از شاخص‌های کای اسکویر (X^2) به همراه معنی‌داری آن (P)، شاخص کای اسکویر بر درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، ریشه میانگین مجذور خطای تخریب (RMSEA) و شاخص میانگین مجذور باقی‌مانده‌ها (RMR) برای ارزیابی برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش استفاده شد. هم‌اکنون معیار دقیقی برای این شاخص‌ها وجود ندارد، اما دستورالعمل کلی زیر در ادبیات مطرح شده است: اگر مقدار X^2 معنی‌دار نباشد، مقدار کای اسکویر بر درجه آزادی کمتر از 3 باشد، مقدار شاخص‌های GFI، NNFI، IFI و CFI بالاتر از 0/90 باشند، مقدار RMSEA کمتر از 0/08 و مقدار RMR کمتر از 0/05 باشد، برازش مدل، مناسب و قابل قبول است. مدل مفهومی پژوهش با توجه به مطالعات انجام‌شده به صورت زیر طراحی گردید. هوش چندگانه کارآفرینان به عنوان متغیر مستقل و عملکرد فردی به عنوان متغیر وابسته تحت تأثیر اثرات هوش چندگانه می‌باشد در نظر گرفته شده است.

بر این اساس، با توجه به مقدار گزارش شده شاخص‌های برازندگی مشاهده می‌شود که داده‌ها از لحاظ آماری با ساختار عاملی مدل معادلات ساختاری متغیرهای نهفته پژوهش سازگاری و تطابق دارند. بنابراین، مدل معادلات ساختاری پژوهش از برازش مناسب و قابل قبولی برخوردار است.

جدول 2. معیارهای برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

علامت اختصاری	نام کامل شاخص برازش	مفهوم	معیار مطلوب	مقدار گزارش شده
χ^2/df	Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	3 و کمتر	2/95
RMR	Chi-degree freedom	شاخص بهنجاری نسبی	کوچکتر از 0/05	0/49
GFI	incremental fit index	شاخص برازش افزایشی	0/9 و بالاتر	0/97
AGFI	Normed Fit Index	شاخص برازش نرمال شده	0/9 و بالاتر	0/92
NFI	Goodness of fit	شاخص نیکویی برازش	0/9 و بالاتر	0/95
NNFI	Adjusted Goodness of Fit	شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته	0/9 و بالاتر	0/89
CFI	Comparative Fit Index	شاخص برازش مقایسه‌ای	0/9 و بالاتر	0/92
RMSEA	Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	کوچکتر از 0/08	0/79



شکل 2. پارامترهای استانداردشده مدل

جدول 3. مسیر فرضیه و بار عاملی هر متغیر

مسیر فرضیه	مقدار بحرانی	سطح معناداری	ضریب تأثیر	نتیجه فرضیه
هوش زبانی - هوش چندگانه	2/203	0/022	0/11	تأیید
هوش منطقی - هوش چندگانه	2/245	0/025	0/23	تأیید
هوش موسیقایی - هوش چندگانه	3/897	0/000	0/40	تأیید
هوش بدنی - هوش چندگانه	2/749	0/040	0/27	تأیید
هوش دیداری - هوش چندگانه	1/466	0/013	0/16	تأیید
هوش فردی - هوش چندگانه	2/362	0/027	0/19	تأیید
هوش بین فردی - هوش چندگانه	3/757	0/000	0/48	تأیید
هوش طبیعت‌گرایانه - هوش چندگانه	3/620	0/05	0/17	تأیید
نظم و انضباط در کار - عملکرد فردی	5/536	0/000	0/45	تأیید
احساس مسئولیت در کار - عملکرد فردی	4/022	0/000	0/54	تأیید
همکاری در کار - عملکرد فردی	4/240	0/000	0/42	تأیید
بهبود در کار - عملکرد فردی	4/343	0/000	0/44	تأیید
هوش چندگانه - عملکرد فردی	4/225	0/000	0/44	تأیید

نتایج جدول 3 بیانگر این است که کلیه بارهای عاملی، تفاوت معنادار با صفر دارند. همچنین مقدار P مربوط به ضریب ساختاری نیز کمتر از 0/05 و معنادار و مقدار بحرانی (CR) بیشتر از محدوده قابل قبول یعنی 1/96

هست؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که همه شاخص‌های جزئی برازش، مورد تأیید می‌باشند و میزان تأثیر هریک از عوامل هوش بر هوش چندگانه به ترتیب؛ هوش زبانی با 0/11، هوش منطقی - ریاضی 0/23، هوش موسیقایی 0/40، هوش بدنی - جنبشی 0/27، هوش دیداری 0/16، هوش فردی 0/19، هوش بین فردی 0/48 و در نهایت هوش طبیعت‌گرایانه به میزان 0/17 درصد است.

اما به‌صورت کلی؛ میزان ضریب تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی برابر با 0/44 است و با توجه به این که مقدار سطح معناداری (P) از 0/05 کمتر (0/000) و مقدار بحرانی (CR) برابر با 4/225 بیشتر از محدوده قابل قبول یعنی 1/96 است، می‌توان ادعا کرد که فرضیه پژوهش در نمونه پژوهش، تأیید می‌شود و در نهایت، هوش چندگانه، بر عملکرد فردی، تأثیر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، اکثر سازمان‌ها و افراد، هوش را مزیتی رقابتی و قابلیت استراتژیک می‌دانند. در محیط و بازار جهانی، هوش، اهرم موردنیاز رهبران و مدیران تلقی می‌شود. سازمان‌ها و مدیرانی که ارزش استراتژیک هوش را درک کنند، می‌توانند از تفاوت‌ها و تنوع‌ها برای ایجاد مزیت رقابتی و برتری در بازار جهانی استفاده کنند. افراد دارای هوش بالا در کسب‌وکار، قادرند اثر قابل توجهی بر راهبردهای مدیریتی، بازاریابی و توسعه محصول برای گروه‌های مشتریان در کشورهای مختلف داشته باشند. این افراد جزو دارایی‌های ارزشمند سازمان هستند و به‌خصوص در زمان بحران، ارزش خود را بیشتر نمایان می‌سازند. در این پژوهش، به بررسی رابطه بین هوش چندگانه کارآفرینان و عملکرد فردی آنها پرداخته شد. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش نشان داد بیشتر پاسخگویان از نظر جنسیت، مرد 77/5 درصد که دارای سابقه کاری 10 سال به بالا (37/5) و با میزان تحصیلات کارشناسی (57/6) درصد بودند که در زمینه فناوری اطلاعات و صنعت با (0/35 درصد) به‌عنوان کارآفرین برگزیده انتخاب شدند. با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که بین هوش چندگانه کارآفرینان و میزان عملکرد فردی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و میزان تأثیر به‌دست‌آمده 44 درصد است که با یافته‌های (عبدالدیر و همکاران، 2013)؛ (ویلسون و مجتبی، 2010)؛ (اشمیت و هانتر، 2004)؛ (فخیمی آذر و نوروزی، 2013)؛ (رحیمی و همکاران، 2012)؛ همخوانی دارد.

از مهارت‌های تضمین‌کننده موقعیت کارآفرینان و مدیران، داشتن مهارت‌های روابط انسانی و مهارت برقراری ارتباط با دیگران است که مهارت انسانی رابطه قوی با هوش چندگانه برون فردی، هوش کلامی و هوش موسیقایی دارد. یکی از مهارت‌هایی که کارآفرین باید کسب کند، مهارت در کار کردن با انسان‌ها است و برای این که بتواند در شمار یکی از اعضای مؤثر محیط فعالیت خود درآمده و بین اعضای تحت رهبری خود، همکاری و تفاهم به وجود آورد، باید به حد کافی از مهارت انسانی بهره‌مند باشد. کارآفرینانی که هوش کلامی، موسیقایی و برون فردی بالاتری دارند، در ایجاد و استقرار روابط انسانی مؤثر در بین افراد زیردست خود توانمندترند. کارآفرینانی که در حوزه‌های مختلف مشغول به فعالیت هستند نیازمند فراگیری مهارت‌های فنی نیز می‌باشند که این مهارت‌ها نیز از طریق هوش دیداری - فضایی و جسمی - حرکتی، قابل اکتساب است و این مهارت با این هوش‌ها رابطه قوی دارد. کارآفرینان زمانی می‌توانند در کار و حوزه کاری خود موفق باشند و بتوانند در این جهان متغیر دوام آورند نیازمند این هستند که درک کاملی از عوامل بیرونی، اقتصادی، فناوری، سیاسی و ... داشته باشند تا بتوانند عملکرد فردی بهتری داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود کمترین خطا را داشته باشند که اگر از هوش ریاضی - منطقی و درون فردی بالایی برخوردار باشند، در زمینه اتخاذ تصمیمات منطقی، نظم و ترتیب در امور و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها توانمندتر هستند. بنابراین با توجه به رابطه بین عملکرد فردی و هوش چندگانه پیشنهاد می‌شود برای اینکه کارآفرینان بیشتری در شهر کرمانشاه داشته باشیم، برنامه‌هایی در زمینه تقویت هوش‌های چندگانه ارائه

شود تا بتوانند تحلیل درستی از محیط خود داشته، در تصمیمات خود در کسب و کار، کمتر اشتباه کنند و در کار و حرفه خود عملکرد فردی بهتری داشته باشند.

References

- Abdul Kadir, O., Muhammad Iskandar, H., & Baharom, A. (2013). The relationship between multiple intelligence and managerial competencies. *Journal of Basic and Applied Sciences*, 7(10), 286-297 .
- Armstrong, T. (2009). *Multiple intelligences in the classroom* (3 ed.). Ascd. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=zCdxFRFmXpQC&oi=fnd&pg=PR7&dq=Multiple+intelligences+in+the+classroom+3rd+edition&ots=gcvshwvB6G5&sig=ft1Z-nze7dDtyM3apikk7q4yNDU#v=onepage&q=Multiple%20intelligences%20in%20the%20classroom%203rd%20edition&f=false>
- Asghari, N., Hamidzadeh, A., & Abedi, R. (2016). Studying the Mediating Role of Creativity, Innovation and Mental Health in the Effect of Spiritual Intelligence on Individual Performance. *Public Administration*, 8(3), 533-552. <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPage.aspx?ID=576098>
- Babaei, M. A., & Momeni, N. (2005). The effect of emotional intelligence on the effectiveness of managers. *Journal of Tadbir*, (166), 36-39. [http://ensani.ir/file/download/article/20110204145522-0%20\(270\).pdf](http://ensani.ir/file/download/article/20110204145522-0%20(270).pdf)
- Badri Azrin, Y., & Houshang, T. (2017). Relationship between cultural intelligence and individual performance of the staff of the Directorate of Sports and Youth of East Azerbaijan Province. *Journal of Sports Management*, 9(1), 55-70. https://journals.ut.ac.ir/article_62274.html
- Demirel, E. T., Dusukcan, M., & Olmez, M. (2012). The impact of areas of multiple intelligence on entrepreneurial behavior. *African Journal of Business Management*, 6(1), 415-421. <https://academicjournals.org/journal/AJBM/article-abstract/06B5A0A17828>
- Fakhimi Azar, S., & Norozi, M. R. (2013). Investigating the Relationship between Multiple Intelligence and General Self-efficiency of the Personnel in Producing, Commercial, and Industrial Units. *The Journal of Productivity Management*, 7(3), 175-196. http://jpm.iaut.ac.ir/article_519457_f7c1105bd95440105263e5f45e9d59cb.pdf
- Farajollahi, M., & Badei, E. (2013). A comparative study of the effect of education on the academic achievement of high school students with conventional combined learning approaches and combined learning based on Gardner's linguistic and logical-mathematical intelligences. *Interdisciplinary Journal of Virtual Education in Medical Sciences*, 4(4), 42-49. <https://www.magiran.com/paper/1232438>
- Frankovsky, M., Stefkó, R., & Baumgartner, F. (2006). Behavioral-situational approach to examining social intelligence. *Studia psychologica*, 48(3), 251-257. http://www.studiapsychologica.com/uploads/FRANKOVSKY_03_vol.48_2006_pp.251-257.pdf
- Gardner, H. E. (2011). *Frames of mind :The theory of multiple intelligences* (3rd ed.). Basic books. <https://www.amazon.com/Frames-Mind-Theory-Multiple-Intelligences/dp/0465024335>
- Hosseini, J., & Kazemi Mianroudi, F. (2011). The role of information and communication technology in entrepreneurship development. *Amirkabir Entrepreneurs Monthly*, 6(68), 12-16. <http://ensani.ir/file/download/article/20120413151648-3066-613.pdf>

- Kocak, C. V. (2019). The relationship between attitude towards sports and bodily-kinesthetic intelligence in university students of sport science. *Physical education of students*, 23(3), 147-154. <https://doi.org/10.15561/20755279.2019.0306>
- Michelaki, E., & Boumelli, P. (2016). The Development of bodily-kinesthetic intelligence through creative dance for preschool students. *Journal of Educational and Social Research*, 6(3), 23-32. <https://www.mcser.org/journal/index.php/jesr/article/view/9483>
- Nicolini, P., Alessandri, G., & Bilancioni, G. (2010). Web-Ob for multiple intelligences observation. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 728-732. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.03.092>
- Palmer, M. (1971). The Application of Psychological Testing to Entrepreneurial Potential. *California management review*, 13(3), 32-38. <https://doi.org/10.2307/41164291>
- Pasha Sharifi, H. (2005). Preliminary study of Gardner's theory of multiple intelligences, in the field of subjects and student adaptation. *Educational Innovations*, 4(11), 11-34. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=41175>
- Paterson, J. M., & O'Driscoll, M. P. (1990). An Empirical Assessment of Kanungo's (1982) Concept and Measure of Job Involvement. *Applied Psychology*, 39(3), 293-306. <https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.1990.tb01055.x>
- Rahimi, G., Norouzi, M., & Sariolghalam, N. (2012). Investigating the relationship between managers multiple intelligences and organizational effectiveness in gas company in eastern azerbaijan. *Industrial Strategic Management*, 9(25), 21-34. <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=263612>
- Saemi, H. (2009). The need to cultivate emotional intelligence in children. *Journal of Bonding*, - (364), 21-34. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=146271>
- Schmidt, F. L., & Hunter, J. (2004). General mental ability in the world of work: occupational attainment and job performance. *Journal of personality and social psychology*, 86(1), 162-173. http://wmink-shared-docs.s3.amazonaws.com/Schmidt_Hunter_2004.pdf
- Seif, A. A. (2001). *Educational Psychology: The Psychology of Learning and Teaching* (3 ed.). Agah.
- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The Promise of Entrepreneurship as a Field of Research. *Academy of Management Review*, 25(1), 217-226. <https://doi.org/10.5465/amr.2000.2791611>
- Slota, M., McLaughlin, M., Bradford, L., Langley, J. F., & Vittone, S. (2018). Visual intelligence education as an innovative interdisciplinary approach for advancing communication and collaboration skills in nursing practice. *Journal of Professional Nursing*, 34(5), 357-363. <https://doi.org/10.1016/j.profnurs.2017.12.007>
- Tam, C., Loureiro, A., & Oliveira, T. (2020). The individual performance outcome behind e-commerce. *Internet Research*, 30(2), 439-462. <https://doi.org/10.1108/INTR-06-2018-0262>
- Wilson, S. D., & Mujtaba, B. G. (2010). The relationship between leadership and multiple intelligences with the 21st century's higher education faculty. *The Journal of Applied Business and Economics*, 11(3), 106-120. <http://t.www.na-businesspress.com/JABE/WilsonWeb.pdf>
- Yogatama, D., D'Autume, C. D. M., Connor, J., Kocisky, T., Chrzanowski, M., Kong, L., Lazaridou, A., Ling, W., Yu, L., & Dyer, C. (2019). Learning and evaluating general linguistic intelligence. *arXiv preprint*, 1-14. <https://doi.org/10.48550/arXiv.1901.11373>



Strategic Entrepreneurship Model Based on Financial Development with a Fuzzy AHP Approach

Tayebeh Amini¹, Majid Nasiri^{2*}, Parviz Saeidi³, Ibrahim Abbasi⁴

¹ PhD Student, Department of Accounting and Management, Islamic Azad University, Aliabad Katoul Branch, Iran.

^{2,3} Assistant Professor, Department of Accounting and Management, Islamic Azad University, Aliabad katoul Branch, Iran.

⁴ Associate Professor, Alzahra University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 08.11.2020

Revised: 12.05.2020

Accepted: 12.07.2020

Keyword:

Content Analysis

Meta Analysis

Strategic Entrepreneurship

Financial Development

Fuzzy AHP

*Corresponding Author:

Majid Nasiri

Email: mnasiri64@yahoo.com

ABSTRACT

The new competitive environment and the vitality of entrepreneurial strategies to succeed in competition require effective entrepreneurial and strategic actions. Financial development is one of the keys for achieving innovation. Therefore, the aim of this study was to provide a model for strategic entrepreneurship based on financial development in small and medium enterprises. In order to identify strategic entrepreneurial variables from the transcendental method, content analysis method was used in financial development. The fuzzy AHP approach was used to prioritize the categories, and finally the structural equation method was used to present the model quantitatively. The statistical population included all experienced managers and experts of companies operating in industrial towns of Golestan Province. According to the results of the research model, organizational factors were the first priority and environmental factors the last priority in strategic entrepreneurship.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796



الگوی کارآفرینی استراتژیک مبتنی بر توسعه مالی با رویکرد AHP فازی

طیبه امینی¹، مجید نصیری^{2*}، پرویز سعیدی³، ابراهیم عباسی⁴

1- دانشجوی دکتری، دپارتمان کارآفرینی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، ایران.

2- استادیار، دپارتمان حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، ایران.

4- دانشیار، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

محیط رقابتی جدید و حیاتی بودن استراتژی‌های کارآفرینی برای موفقیت در رقابت، اقدامات کارآفرینانه و استراتژیک اثربخش را طلب می‌کند. توسعه مالی، یکی از کلیدهای بالقوه دستیابی به نوآوری است؛ از این رو، هدف این پژوهش، ارائه مدلی برای کارآفرینی راهبردی مبتنی بر توسعه مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشد. برای شناسایی متغیرهای کارآفرینی راهبردی از روش فراترکیب، در توسعه مالی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. برای اولویت‌بندی مقوله‌ها، از رویکرد AHP فازی و از روش معادلات ساختاری به‌منظور ارائه مدل به صورت کمی استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه مدیران و کارشناسان باتجربه شرکت‌های فعال در شهرک‌های صنعتی استان گلستان بوده است. با توجه به نتایج مدل تحقیق، عوامل سازمانی در رتبه اول و عوامل محیطی آخرین رتبه را در اولویت‌بندی مقوله‌های کارآفرینی راهبردی دارند و همین طور محیط نهادی دارای بالاترین اولویت و بخش مالی بانکی دارای آخرین اولویت در بین مقوله‌های توسعه مالی می‌باشد.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: 1399/05/21

بازنگری مقاله: 1399/09/15

پذیرش مقاله: 1399/09/17

کلید واژگان:

تحلیل محتوا

فراترکیب

کارآفرینی راهبردی

توسعه مالی

AHP فازی

*نویسنده مسئول: مجید نصیری

پست الکترونیکی:

mnasiri64@yahoo.com



مقدمه

محیط رقابتی جدید و حیاتی بودن استراتژی‌های کارآفرینی برای موفقیت در رقابت، اقدامات کارآفرینانه و استراتژیک اثربخش را طلب می‌کند. اقدامات استراتژیک، اقداماتی هستند که شرکت‌ها به وسیله آنها مزایای رقابتی موجود خود را توسعه می‌دهند و از آنها بهره‌برداری می‌کنند و از اقدامات کارآفرینانه‌ای پشتیبانی می‌کنند که بهره‌برداری از فرصت‌هایی را در پی دارند که به خلق مزیت رقابتی برای شرکت در آینده کمک می‌کند. ترکیب اقدامات کارآفرینانه و مدیریت استراتژیک برای شرکت‌ها به منظور خلق حداکثر ثروت، امری ضروری است. این اقدامات، در محیط‌های پویا و نامطمئن؛ مثل محیط‌های رقابتی جدید، بسیار ارزشمند هستند (جی بی. بارنی و ویلیام اس. هسترلی، 2006)¹.

ساختار مالی در تأمین فعالیت‌های نوآوری و کارآفرینان که محرک اصلی رشد اقتصادی هستند نقش و اهمیت ویژه‌ای دارند. با توسعه مالی می‌توان انتظار داشت از طریق گزینش بهترین طرح، سرمایه به صورت بهینه میان طرح‌های مختلف تخصیص پیدا کند (نظر دهمرده و محبوبه براهوئی، 2014)؛ از این رو با توجه به اهمیت توسعه مالی در توسعه و موفقیت مؤسسات کوچک و متوسط و همچنین تأثیر توسعه مالی در وضعیت کارآفرینی راهبردی در این مؤسسات، این تحقیق بر آن است که به این پرسش پاسخ دهد که الگوی کارآفرینی راهبردی مبتنی بر توسعه مالی چه مشخصاتی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید به چند سؤال همچون سؤالات زیر پاسخ داد:

- 1- عوامل مؤثر بر کارآفرینی راهبردی با رویکرد فراترکیب کدامند؟
- 2- عوامل مؤثر بر توسعه مالی با رویکرد تحلیل محتوا کدامند؟
- 3- رتبه‌بندی شاخص‌های کارآفرینی راهبردی با رویکرد AHP فازی به چه صورت است؟
- 4- رتبه‌بندی شاخص‌های توسعه مالی با رویکرد AHP فازی به چه صورت است؟
- 5- برازش الگوی ارائه شده چگونه است؟

مفهوم کارآفرینی راهبردی

امروزه با پیشرفت سریع فناوری و تحول در بینش‌ها و راهبردها، نیاز به نیروی انسانی کارآفرین، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. در جهانی که دامنه علم، به سرعت در حال گسترش است، کارآفرین، مهم‌ترین سرمایه رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود (نورمحمد یعقوبی، مسعود دهقانی و ملیحه امیدوار، 2017). کارآفرینی استراتژیک، با تلفیق کارآفرینی و استراتژی به‌منظور طراحی و اجرای استراتژی‌های کارآفرینانه خلق ثروت، شامل اقدامات کارآفرینانه با جهت‌گیری مدیریت استراتژیک است. از این رو، کارآفرینی استراتژیک، به رفتارهای جست‌وجوکننده مزیت و فرصت اطلاق می‌شود که به خلق ارزش برای افراد، سازمان‌ها و جامعه، منجر می‌شود (مهیا تازیکه، کامبیز طالبی و کمال سخدری، 2019).

خلق ارزش و ایجاد ثروت برای مالکان، کارآفرینان و نیز سازمان‌ها در نهایت به رشد و رونق اقتصادی منجر می‌شود. آنها معتقدند افزایش ثروت باعث فعالیت‌های بیشتر اقتصادی می‌شود. از آنجا که کارآفرینی استراتژیک، به شرکت کمک می‌کند تا مزیت رقابتی تقریباً پویا و پایداری را به دست آورد و به شکل مناسبی به انواع تغییرات محیطی که بسیاری از سازمان‌های امروزی با آن مواجه می‌شوند، پاسخ دهد (ربابه دیانتی و علیرضا زارع زیدی، 2017). پژوهشگران، مدل‌های مختلفی برای کارآفرینی راهبردی بیان کردند که در ادامه، برخی از آنها بیان شده است.

¹ Jay B. Barney & William S. Hesterly, 2006

(حبیب ابراهیم پور، سجاد حبیبیان، معصومه جانعلی زاده، علی رضا دهقانی، 2012) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی جامعی از کارآفرینی استراتژیک در کسب و کارهای نوپا» به ارائه الگویی برای کارآفرینی استراتژیک پرداختند. آنها بیان کردند که در شروع یک کسب و کار، عوامل مؤثر در کارآفرینی، بسیار حیاتی هستند. نوآوری که حاصل تفکرات خلاق کارآفرینان است، ابتدای چرخه فعالیت کسب و کار جدید خواهد بود. در این راه، کسب و کار به رشد می‌رسد و به سوی چشم‌انداز و سودآوری گام برمی‌دارد.

(کیهان اسدی سی سخت، کامبیز طالبی و سیدرسول حسینی، 2017) در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای کارآفرینانه: مفهوم‌پردازی و ارائه تعریف جدید» از طریق بررسی تعاریف ارائه شده برای راهبرد کارآفرینانه و تحلیل آن‌ها و همچنین بررسی تحقیق به عمل آمده از شناسایی و تحلیل راهبردهای کارآفرینانه در حوزه‌های مختلف؛ از جمله راهبردهای صنایع غذایی، تعریف جدیدی پیشنهاد داده‌اند. راهبردهای کارآفرینانه، به صورت آن دسته از اقداماتی که برای ایجاد (خلق) یا حفظ رانت کارآفرینانه (شومپتری) طراحی و انجام می‌پذیرند، تعریف و پیشنهاد شده است.

(کراوس ساسچا، هارمز راینر و شوارتز اریک، 2008)¹ به بررسی ریشه‌ها و مبانی شکل‌گیری آن پرداختند. آنها کارآفرینی استراتژیک را مجموعه فعالیت‌هایی تعریف کردند که از طریق آن‌ها شرکت‌ها هم‌زمان به بهره‌برداری از مزایای رقابتی موجود و کشف نوآوری‌های اساسی ایجاد مزیت رقابتی در آینده می‌پردازند.

(لیدا پی. کیرگیدو و متیو هیوز، 2010)² در مقاله‌ای با عنوان «کارآفرینی استراتژیک: ریشه، عناصر اصلی و مسیرهای تحقیق» کارآفرینی راهبردی را شامل هشت جزء شناسایی فرصت، نوآوری، ریسک‌پذیری، چشم‌انداز و رشد دانستند و مدلی را مطرح کردند که آن را مدل کاربردی کارآفرینی راهبردی نامیدند.

تأثیرگذاری توسعه مالی بر توسعه کارآفرینی و نوآوری

مسائل مالی، از مهم‌ترین موانع پیش روی کارآفرینان است. در این میان، شرکت‌هایی با اندازه کوچک و متوسط، مشکلات بیشتری در این زمینه دارند. کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند علاوه بر ایجاد اشتغال، در فرایند توسعه، ظرفیت‌سازی کردند و امکان ورود به بازارهای جهانی را نیز پیدا کنند. بنا بر بررسی‌های انجام شده، این گونه کسب‌وکارها توانایی پاسخ‌گویی شتابان به تغییر بازار و نیازهای مشتری را دارند (مسعود سامیان و رضا موحدی، 2018). شرکت‌های کوچک و متوسط، با وجود نقش ارزنده‌ای که در اقتصادهای ملی ایفا می‌کنند، به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص خود، با مشکلات بسیاری در تأمین مالی وجوه مورد نیاز، نسبت به بنگاه‌های بزرگ، مواجه شده‌اند. کمبود منابع مالی، یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی بنگاه‌های کارآفرین است و فعالیت آنها را با مسائل و تنگناهای بی‌شماری مواجه کرده است (غلامرضا گودرزی و کامیل رودی، 2012). در کشورهای مختلف دنیا، خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته، مطالعات زیادی در زمینه تأثیرگذاری توسعه مالی بر نوآوری صورت گرفته است اما تا کنون در ایران به‌جز بررسی نقش نهادهای مالی از منظر تأمین سرمایه کارآفرینان به نقش توسعه بازارهای مالی پرداخته نشده است.

هایتینن و توی وانن در تحقیقات خود تأکید کردند که عیوب بازارهای مالی، مانعی برای رشد و باعث پس‌رفت فعالیت‌های نوآورانه شرکت‌ها در فنلاند می‌شوند و نشان دادند که سیاست‌های عمومی، نقش مهمی را در کاهش عیوب بازارهای مالی ایفا می‌کند (آری هیتینن و اتو توיוانن، 2005)³.

¹ Sascha Kraus, Rainer Harms & Erich Schwarz, 2008

² Lida P. Kyrgidou & Mathew Hughes, 2010

³ Ari Hyttinen & Otto Toivanen, 2005

(سولومون آ تادسه، 2005)¹ به بررسی تأثیرگذاری توسعه مالی بر بهره‌وری کل عوامل 38 کشور دنیا در دوره زمانی 1995-1980 پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که توسعه مالی از طریق کاهش خطر نقدینگی سرمایه‌گذاران، باعث تشویق و بهبود نوآوری‌ها و فن‌آوری‌های تولیدی می‌شود. در واقع، توسعه مالی از مجرای نوآوری‌های فنی و کاهش هزینه‌های تولید، باعث بهبود بهره‌وری عوامل شده است (تادسه، 2005). ژائو و خیانو به بررسی توسعه مالی، مالکیت دولت در بانک‌ها و نوآوری شرکت‌ها برای 28000 شرکت از 46 کشور به این نتایج دست یافته‌اند که توسعه بازار سهام به طور عمده نوآوری شرکت‌ها را افزایش می‌دهد و اثر توسعه بخش بانکی در کشورهایی که مالکیت دولت از بانک‌ها کمتر است، باعث افزایش نوآوری می‌شود و در کشورهایی که مالکیت دولت از بانک‌ها بیشتر است نوآوری را کاهش می‌دهد (شنگ شیائو و شان ژائو، 2012)². (لاین-تزه تی، سو-وا لو، سی روی کیو و نور آ غزالی، 2014)³ به بررسی نقش توسعه مالی در ترویج فعالیت‌های مرتبط با نوآوری در هفت کشور شرق آسیا طی دوره زمانی 2009-1998 با استفاده از داده‌های پانل پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اندازه بخش مالی و فعالیت‌های سراسری بانک‌ها و بازار سهام، تأثیر مثبتی بر اختراعات کاربردی دارد و همچنین به این نتیجه رسیدند که بخش بانکی، نقش مهمی در حمایت از فعالیت‌های نوآوری در کشورهای شرق آسیا ایفا می‌کند (تی و همکاران، 2014). در واقع، تأمین مالی، یکی از مهم‌ترین ابزار لازم در راستای تبدیل ایده‌های نوآوران و کارآفرینان به محصولات تجاری و قابل رقابت و ایجاد، زیرساخت‌های لازم برای دستیابی به این مهم از دلایل اهمیت توسعه مالی کشورهاست. وظایف مختلف نهادهای مالی و اجرای بهتر آنها مستلزم توسعه بخش‌های مالی مختلف در یک جامعه می‌باشد تا از طریق تشویق فعالیت‌های نوآورانه، موجبات رشد اقتصادی پایدار و دستیابی سریع‌تر به اقتصاد دانش‌بنیان را موجب شود (دهمرد و براهونی، 2014).

مواد و روش تحقیق

تحقیق حاضر، از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات بنیادی است و از حیث روش اجرا، از نوع تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی و به روش اکتشافی قرار می‌گیرد. در قسمت کیفی، از روش فراترکیب و تحلیل محتوا استفاده شده است.

جدول 1. مراحل روش انجام تحقیق

مراحل	اقدامات	روش
گام اول	تعیین و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های کارآفرینی راهبردی	با استفاده از روش فراترکیب
گام دوم	تعیین و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه مالی	با استفاده از روش تحلیل محتوا
گام سوم	اولویت‌بندی متغیرهای کارآفرینی راهبردی	با استفاده از رویکرد AHP فازی
گام چهارم	اولویت‌بندی متغیرهای توسعه مالی	با استفاده از رویکرد AHP فازی
گام پنجم	تجزیه و تحلیل کمی و برآزش نهایی مدل	با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری

در مرحله کیفی در بخش کارآفرینی راهبردی و توسعه مالی، هر کدام به تعداد 15 نفر به عنوان تیم تصمیم در شناسایی شاخص‌ها و ابعاد متغیرها در این تحقیق حضور داشتند که به روش غیر تصادفی (هدفمند) انتخاب شدند.

¹ Solomon A Tadesse, 2005

² Sheng Xiao & Shan Zhao, 2012

³ Lain-Tze Tee, Soo-Wah Low, Si-Roei Kew & Noor A Ghazali, 2014

جدول 2. جامعه آماری پژوهش و ویژگی‌های آن

ویژگی‌ها	تعداد (نفر)	
استادان دانشگاه در رشته‌های کارآفرینی یا مدیریت استراتژیک که دارای خصوصیات در دسترس بودن، تجربه، تناسب رشته تحصیلی، مدرک دکتری، اشتغال به تدریس، سابقه پژوهشی و تألیفی	7	خبرگان نظری
کارآفرینان حوزه صنعت و مدیران شهرک‌های صنعتی استان گلستان با تجربه کاری 10 سال به بالا	8	خبرگان عملی
	15	جمع
اساتید دانشگاه در رشته‌های اقتصاد و مالی که دارای خصوصیات در دسترس بودن، تجربه، تناسب رشته تحصیلی، مدرک دکتری، اشتغال به تدریس، سابقه پژوهشی و تألیفی	7	خبرگان نظری
رؤسای بانک‌ها و کارمندان بانک مرکزی با تجربه کاری 10 سال به بالا	8	خبرگان عملی
	15	جمع

در بخش کمی، جامعه آماری، شامل مدیران و کارشناسان باتجربه شرکت‌های فعال در شهرک‌های صنعتی استان گلستان می‌باشد. در این قسمت، حجم نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان یا فرمول کوکران تعیین خواهد شد و در انتخاب، از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده می‌شود. تعداد شهرک‌های صنعتی و نواحی صنعتی موجود در استان گلستان، برابر با 21 است. تعداد کل واحدهای به بهره‌برداری رسیده در داخل شهرک‌ها و نواحی 484 واحد می‌باشد. در انتخاب، از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد؛ لذا تعداد حجم نمونه 210 نفر تعیین شد.

یافته‌ها

نتایج مربوط به سؤال اول تحقیق: عوامل مؤثر بر کارآفرینی راهبردی با رویکرد فراترکیب کدامند؟
به‌منظور پاسخ به این پرسش، با توجه به رویکرد فراترکیب، به جست‌وجوی واژگان کلیدی در پایگاه‌های داده پرداخته شد و در مجموع، تعداد 144 مقاله یافت شد که به طور دقیق، طی چند مرحله، بازبینی شدند. فرایند بازبینی شامل بررسی عنوان مقالات، چکیده و محتوای آنها بود و در نهایت 50 مقاله نهایی انتخاب شدند. در مجموع 6 مقوله و 16 مفهوم و 70 کد برای مؤلفه‌های کارآفرینی استراتژیک، در این تحقیق، کشف و برچسب‌گذاری شدند. در جدول 3، کدهای نهایی استخراج شده مرتبط با هر مقوله و مفهوم، نشان داده شده است.
در پایان ارزیابی و استخراج مقوله‌ها، به‌منظور اطمینان از درستی تحلیل محتوا و کدهای استخراجی، از ضریب موضوعی کاپای کوهن استفاده شد؛ بدین صورت که کلیه مقالات و نتایج به‌دست‌آمده در اختیار دو ارزیاب که از متخصصان حوزه کارآفرینی راهبردی می‌باشد قرار گرفت و ضریب کاپای کوهن اندازه‌گیری شد. ضریب کاپا در این بخش از پژوهش 0/79 اندازه‌گیری شد که نشان‌دهنده توافق خوب بین دو ارزیاب در استخراج کدها و مقولات این پژوهش می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج مربوط به سؤال دوم: عوامل مؤثر بر توسعه مالی با رویکرد تحلیل محتوا کدامند؟
به‌منظور پاسخ به این پرسش، مقالات و مطالعات موجود در خصوص توسعه مالی و همچنین مصاحبه با ده نفر از مدیران مالی در سازمان‌های مختلف که تجربه کافی داشتند، بررسی و بازبینی شد.

جدول 3. کدهای نهایی استخراج شده مرتبط با هر مقوله و مفهوم

مقوله	مفهوم	کد
عوامل فردی و اجتماعی کارآفرینانه	ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینانه	ذهنیت کارآفرینانه، تفکر کارآفرینانه، ایده‌پردازی کارآفرینانه، اجرای کارآفرینانه ایده، تمایز کارآفرینانه، تمرکز کارآفرینانه، تسلط فردی، گرایش کارآفرینانه، تفکر استراتژیک کارآفرینانه
	نگرش کارآفرینانه	رفتارهای کارآفرینانه، رویکرد کارآفرینانه، فرایندهای کارآفرینانه، فرهنگ کارآفرینانه، هم‌افزایی کارآفرینانه
	یادگیری کارآفرینانه	یادگیری سازمانی، تداوم در حل مسئله، یادگیری سریع و هدفمند، توانمندسازی پویا کارآفرینانه
عوامل سازمانی	تخصیص منابع	تبادل بین اکتشاف و بهره‌برداری، تعادل منابع بین اکتشاف و بهره‌برداری، ساختاریندی منابع، هماهنگ‌سازی منابع
	مدیریت استراتژیک کارآفرینانه	مدیریت استراتژیک منابع، مدیریت استراتژیک نوآورانه، چشم انداز کارآفرینانه
	رهبری استراتژیک	رهبری کارآفرینانه، رهبری تحول‌آفرین
عوامل محیطی	ریسک‌پذیری کارآفرینانه	تحمل ابهام، عدم‌اطمینان محیطی، تغییرات محیطی، مدیریت عدم‌قطعیت، پذیرش ریسک در سازمان، ریسک‌پذیری قابل‌قبول، ریسک‌پذیری
	انعطاف‌پذیری کارآفرینانه	انعطاف‌پذیری، تغییرپذیری، انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی
	محیط کارآفرینانه	محیط کارآفرینی، کاوش محیطی
عوامل اقتصادی	خلق ثروت	رشد، کاهش هزینه، خلق ارزش
	مزیت رقابتی پایدار	مزیت‌یابی کارآفرینانه، مزیت رقابتی، مزیت‌یابی، پایداری
	نوسازی کارآفرینانه	نوسازی کسب و کار، نوسازی سازمانی، بازسازی پایدار، بهره‌برداری کارآفرینانه، تجدید استراتژیک
عوامل نوآورانه	پیشگامی کارآفرینانه	پیشگامی، پیشرو بودن، حرکت پیشرو کارآفرینانه
	خلاقیت و نوآوری کارآفرینانه	نوآوری، نوآوری مستمر، خلاقیت، نوآوری کارآفرینانه، خلاقیت و توسعه نوآوری، نوآور بودن
	فرصت‌های کارآفرینانه	شناسایی فرصت، فرصت‌یابی کارآفرینانه، تشخیص فرصت‌های کارآفرینی، تجزیه و تحلیل فرصت‌های بازار
کارآفرینانه	قابلیت‌های کارآفرینانه	قابلیت‌های کارآفرینانه سازمانی، قابلیت‌های کارآفرینانه منابع انسانی

کلیه مقالات منتشر شده در مجلات و کنفرانس‌های معتبر علمی، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌های منتشر شده، بررسی شدند. تعداد کل مطالعات یافت شده 438 مورد بود که از میان آنها 169 مقاله به دلیل ناهماهنگی عناوین، کنار گذاشته شد. در مرحله بعدی، چکیده 269 مقاله باقیمانده، بررسی شد که از این میان نیز 128 مقاله به دلیل کلیدواژگان یا روش‌شناسی کنار گذاشته شدند. بر این اساس، 141 مقاله باقی‌مانده برای تحلیل محتوا، مناسب تشخیص داده شد. در مجموع 5 مقوله و 34 مفهوم برای توسعه مالی، در این تحقیق، کشف و برچسب‌گذاری شدند.

در بخش تحلیل محتوا نیز از ضریب کاپای کوهن برای برآورد توافق بین کدگذاران استفاده شد. کاپای کوهن به‌دست‌آمده، از مقایسات دو ارزیاب در حوزه توسعه مالی 0/81 بود که حاکی از اعتبار قابل قبول و توافق بین کدگذاران است.

جدول 4. کدهای نهایی استخراج شده مرتبط به توسعه مالی

مقوله	مفهوم
محیط نهادی	شاخص فساد
	حاکمیت نظم و قانون
	ثبات سیاسی
	حق اظهارنظر و پاسخگویی
بخش مالی بانکی	سهم تسهیلات بخش غیردولتی در نظام بانکی
	حاشیه سود بانکی
	ارزش افزوده بخش بانکی
	شاخص جاری بازار سهام
بخش مالی غیربانکی	شاخص عمق بازار سهام
	درجه فعالیت بازار سهام
	شاخص عمق مالی
	مانده اوراق مشارکت بانک مرکزی به پایه پولی
بخش پولی	کنترل اعتبارات
	آزادی نرخ سود
	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
	وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی
باز بودن بخش مالی	کمک‌های بلاعوض خارجی
	انتقال بین‌المللی سرمایه
	انتقال بین‌المللی دانش
	وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی

نتایج مربوط به سؤال سوم تحقیق: رتبه‌بندی شاخص‌های کارآفرینی راهبردی با رویکرد AHP فازی به چه صورت است؟

در مرحله اول، پرسشنامه‌ای در راستای انجام مقایسات زوجی، تهیه شد و در اختیار 15 نفر خبره منتخب پژوهش قرار گرفت و نتایج حاصل از پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار MATLAB تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل به شرح جدول 5 است.

جدول 5. اوزان نهایی معیارهای کارآفرینی راهبردی با رویکرد AHP

معیارها	عوامل سازمانی	عوامل فردی و اجتماعی کارآفرینانه	عوامل نوآورانه	عوامل اقتصادی	فرصت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینانه	عوامل محیطی
وزن	0/201	0/191	0/178	0/169	0/138	0/123
نرخ ناسازگاری: 0/02						

نرخ ناسازگاری نشان می‌دهد تا چه اندازه می‌توان به داده‌های گردآوری‌شده از دیدگاه هر کارشناس، اعتماد کرد. اساس محاسبات تحلیل سلسله‌مراتبی، براساس قضاوت اولیه تصمیم‌گیرنده که در قالب ماتریس مقایسه‌ها زوجی ظاهر می‌شود، صورت می‌پذیرد. بنابراین هر گونه خطا و ناسازگاری در مقایسه عناصر، نتیجه نهایی به‌دست‌آمده از محاسبات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تجربه نشان داده است که اگر نرخ سازگاری، کمتر از 0/1 باشد؛ سازگاری مقایسه‌ها قابل قبول است و در غیر این صورت، مقایسه‌ها باید تجدیدنظر شود. با توجه به جدول 5 عوامل سازمانی، بالاترین اولویت و عوامل محیطی با وزن 0/123، پایین‌ترین اولویت را دارند. همچنین نرخ سازگاری

برابر با 0/02 است؛ بنابراین سازگاری معیارها با هدف پژوهش، قابل قبول است. نتیجه کلی حاصل از اولویت بندی مؤلفه های کارآفرینی راهبردی، به شرح جدول 6 می باشد.

جدول 6. رتبه بندی ابعاد و مؤلفه های کارآفرینی راهبردی

رتبه	وزن	مؤلفه	رتبه	وزن	بعد
2	0/082	رهبری استراتژیک	1	0/201	عوامل سازمانی
3	0/078	مدیریت استراتژیک			
14	0/040	تخصیص منابع			
5	0/074	ویژگی های روان شناختی کارآفرینانه	2	0/191	عوامل فردی و اجتماعی کارآفرینانه
8	0/069	نگرش استراتژیک کارآفرینانه			
12	0/048	یادگیری استراتژیک کارآفرینانه			
1	0/104	پیشگامی کارآفرینانه	3	0/178	عوامل نوآورانه
5	0/074	خلاقیت و نوآوری کارآفرینانه			
7	0/071	خلق ثروت			
10	0/059	مزیت رقابتی پایدار	4	0/169	عوامل اقتصادی
15	0/039	نوسازی کارآفرینانه			
3	0/078	قابلیت های کارآفرینانه			
9	0/060	فرصت های کارآفرینانه	5	0/138	فرصت ها و قابلیت های کارآفرینانه
11	0/057	ریسک پذیری کارآفرینانه			
13	0/041	انعطاف پذیری کارآفرینانه			
16	0/025	محیط کارآفرینانه	6	0/123	عوامل محیطی

فصلنامه علمی - پژوهشی کارافن، 17 (1399)، 127-141

نتایج مربوط به سؤال چهارم تحقیق: رتبه بندی شاخص های توسعه مالی با رویکرد AHP فازی به چه صورت است؟

متغیرهای توسعه مالی باید به صورت زوجی مقایسه شوند. در مرحله اول، پرسشنامه ای برای انجام مقایسات زوجی تهیه شد و در اختیار 15 نفر خبره قرار گرفت و نتایج حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار MATLAB تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل به شرح جدول 7 می باشد.

جدول 7. اوزان نهایی معیارهای توسعه مالی با رویکرد AHP

معیارها	محیط نهادی	بخش پولی	باز بودن بخش مالی	بخش مالی غیربانکی	بخش مالی بانکی
وزن	0/305	0/202	0/182	0/180	0/131

نرخ ناسازگاری: 0/016

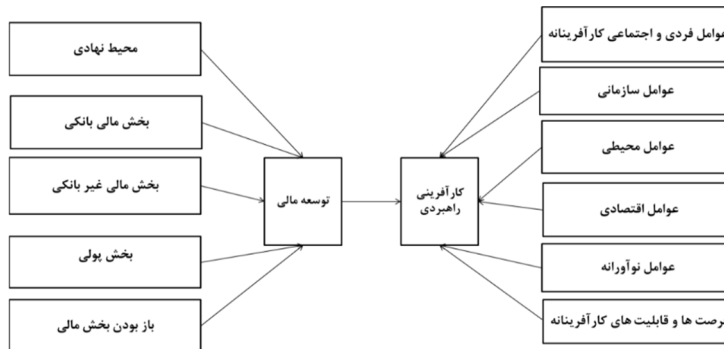
با توجه به جدول 7 محیط نهادی، بالاترین اولویت و بخش مالی بانکی با وزن 0/131 پایین ترین رتبه را در اولویت بندی دارد. همچنین نرخ سازگاری برابر با 0/016 می باشد؛ بنابراین سازگاری معیارها با هدف پژوهش قابل قبول است. نتیجه کلی حاصل از اولویت بندی مؤلفه های توسعه مالی به شرح جدول 8 می باشد.

نتایج مربوط به سؤال اصلی تحقیق: الگوی کارآفرینی راهبردی مبتنی بر توسعه مالی، چه مشخصاتی دارد؟ الگوی نهایی حاصل از این پژوهش را به صورت کلی می توان در شکل 1 ملاحظه کرد.

جدول 8. رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه مالی

رتبه	وزن	مؤلفه	رتبه	وزن	بعد
2	0/048	شاخص فساد	1	0/305	محیط نهادی
3	0/043	حاکمیت نظم و قانون			
1	0/049	ثبات سیاسی			
4	0/042	حق اظهارنظر و پاسخگویی			
5	0/037	حقوق مالکیت پایدار			
9	0/032	کارایی و اثربخشی دولت			
10	0/031	کیفیت قوانین و مقررات			
12	0/029	میزان بروکراسی			
6	0/036	شاخص عمق مالی			
10	0/031	میزان استقلال بانک مرکزی			
11	0/30	کنترل اعتبارات	2	0/202	بخش پولی
12	0/029	نظارت دقیق بانک مرکزی			
13	0/027	آزادی نرخ سود			
14	0/026	کارایی بانک مرکزی			
18	0/020	مانده اوراق مشارکت بانک مرکزی به پایه پولی			
7	0/035	سرمایه گذاری مستقیم خارجی			
8	0/033	رژیم ارزی مناسب			
15	0/025	انتقال بین‌المللی دانش			
16	0/024	انتقال بین‌المللی سرمایه	3	0/182	باز بودن بخش مالی
16	0/024	انتقال بین‌المللی فناوری			
17	0/23	وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی			
20	0/017	کمک‌های بلاعوض خارجی			
7	0/035	شاخص عمق بازار سهام			
9	0/032	شاخص جاری بازار سهام			
10	0/031	درجه فعالیت بازار سهام			
11	0/030	شاخص ضریب نفوذ بیمه			
13	0/027	ارزش افزوده موسسات مالی غیربانکی	4	0/180	بخش مالی غیربانکی
16	0/024	ارزش افزوده سایر نهادهای مالی			
15	0/025	ارزش افزوده بخش بانکی			
16	0/024	کارایی شبکه بانکی			
17	0/023	حاشیه سود بانکی			
18	0/020	سهم سپرده‌های بخش غیردولتی در نظام بانکی			
19	0/019	رقابت‌پذیری بخش بانکی			
			5	0/131	بخش مالی بانکی

توسعه مالی



شکل 1. الگوی نهایی پژوهش

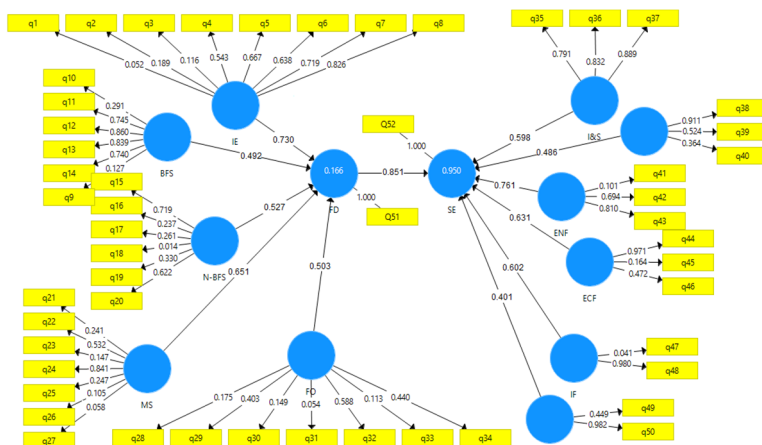
رابطه بین مقوله‌ها و مؤلفه‌های کارآفرینی راهبردی و توسعه مالی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری

مدل‌یابی معادلات ساختاری و تکنیک‌های زیرمجموعه؛ از جمله تحلیل عامل تأییدی و تحلیل مسیر، به خانواده‌ای از فرایندهای آماری قوی اطلاق می‌شود که پژوهشگران علوم انسانی برای آزمون روابط پیچیده بین متغیرهای انسانی، به کار می‌گیرند. یکی از روش‌های تحلیل داده‌های آماری، تحلیل مسیر است که بیشتر، با استفاده از رگرسیون چندمتغیره انجام می‌گیرد. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش برای این تحلیل SMART-PLS است. جامعه آماری، در این پژوهش، تعداد کل شرکت‌های بهره‌بردار شده در شهرک‌های صنعتی استان گلستان می‌باشد که تعداد آن برابر با 484 شرکت بود و با استفاده از جدول مورگان، حجم نمونه 217 شرکت در نظر گرفته شد.

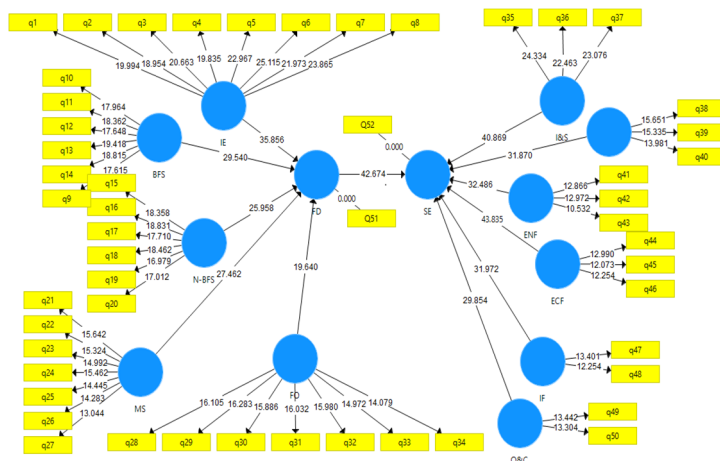
در نرم‌افزار SMART-PLS ارزش t ، معنی‌دار بودن تأثیر متغیرها را بر هم نشان می‌دهد. اگر مقدار t بیشتر از $1/96$ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنی‌دار است. اگر بین $1/96$ تا $-1/96$ باشد اثر معنی‌داری وجود ندارد و اگر کوچک‌تر از $-1/96$ باشد، تأثیر منفی دارد ولی معنادار است. همچنین ضرایب مسیر، اگر بالای $0/60$ باشد، بدین معنی است که ارتباطی قوی میان دو متغیر وجود دارد، اگر بین $0/3$ تا $0/6$ باشند، ارتباط متوسط و اگر زیر $0/3$ باشد، ارتباط ضعیفی وجود دارد؛ بنابراین داده‌های به دست آمده در جدول 9 مطابق نمودارهای تحلیل مسیر و آزمون t این نرم‌افزار به دست آمده است.

جدول 9. خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

میزان تأثیر	سطح معنی‌داری	ارزش آزمون t	ضریب مسیر	مسیرها
قوی	معنی‌دار و مثبت	35/856	0/730	محیط نهادی → توسعه مالی
متوسط	معنی‌دار و مثبت	29/540	0/492	بخش مالی بانکی → توسعه مالی
متوسط	معنی‌دار و مثبت	25/958	0/527	بخش مالی غیربانکی → توسعه مالی
قوی	معنی‌دار و مثبت	27/462	0/651	بخش پولی → توسعه مالی
متوسط	معنی‌دار و مثبت	19/640	0/503	باز بودن بخش مالی → توسعه مالی
متوسط	معنی‌دار و مثبت	40/869	0/598	عوامل فردی و اجتماعی → کارآفرینانه → کارآفرینی استراتژیک
متوسط	معنی‌دار و مثبت	31/870	0/486	عوامل سازمانی → کارآفرینی استراتژیک
قوی	معنی‌دار و مثبت	32/486	0/761	عوامل محیطی → کارآفرینی استراتژیک
قوی	معنی‌دار و مثبت	43/853	0/631	عوامل اقتصادی → کارآفرینی استراتژیک
قوی	معنی‌دار و مثبت	31/972	0/602	عوامل نوآورانه → کارآفرینی استراتژیک
متوسط	معنی‌دار و مثبت	29/854	0/401	فرصت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینانه → کارآفرینی استراتژیک
قوی	معنی‌دار و مثبت	42/674	0/851	توسعه مالی → کارآفرینی استراتژیک



شکل 2. تحلیل مسیر



شکل 3. آزمون t

مطابق جداول و شکل‌ها می‌توان بیان کرد که توسعه مالی بر کارآفرینی استراتژیک با توجه به ضریب مسیر 0/851 و آزمون t 42/674 ارتباط مثبت و معنی‌دار و قوی دارد.

برای تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری، از دو نوع روایی، ارزیابی تحت عنوان روایی محتوایی، روایی همگرا استفاده شده است. روایی محتوا به وسیله اطمینان از سازگاری بین شاخص‌های اندازه‌گیری و ادبیات موجود ایجاد شد و این روایی با نظرسنجی از استادان حاصل گشت. روایی همگرا به این اصل برمی‌گردد که شاخص‌های هر سازه، با یکدیگر همبستگی میان‌های داشته باشند. معیار روایی همگرا بودن این است که میانگین واریانس‌های خروجی، بیشتر از 0/5 باشد. همچنین در این پژوهش، به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه از دو معیار (ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب) استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها در این پژوهش از حداقل مقدار (0/7) بیشتر بود، پایایی مرکب بر خلاف آلفای کرونباخ که به طور ضمنی فرض می‌کند هر شاخص، وزن یکسانی دارد، متکی بر بارهای عاملی حقیقی هر سازه است؛ بنابراین معیار بهتری را برای پایایی ارائه می‌دهد. پایایی مرکب باید مقداری بیش از 0/7 را به دست آورد تا بیانگر ثبات

درونی سازه باشد (علیرضا محمدی نژادگنجی، امینه احمدی، بهرام علیشیری و زهرا طالب، 2018). در جدول 10 نتایج پایایی و روایی ابزار سنجش به طور کامل آورده شده است.

جدول 10. پایایی ابزار اندازه‌گیری

متغیرهای پژوهش	ضریب پایایی مرکب (CR) Pc>0.7	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
محیط نهادی	0/84	0/96	0/71
بخش مالی بانکی	0/79	0/84	0/68
بخش مالی غیربانکی	0/80	0/87	0/59
بخش پولی	0/82	0/90	0/61
باز بودن بخش مالی	0/80	0/85	0/58
عوامل فردی و اجتماعی کارآفرینانه	0/83	0/92	0/81
عوامل سازمانی	0/78	0/78	0/67
عوامل محیطی	0/76	0/77	0/65
عوامل اقتصادی	0/74	0/78	0/59
عوامل نوآورانه	0/78	0/80	0/62
فرصت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینانه	0/76	0/83	0/56

در ادامه برازش مدل، ارزیابی شد. هدف از ارزیابی برازش مدل این است که مشخص شود تا چه اندازه مدل با داده‌های تجربی مورد استفاده، سازگاری و توافق دارد. این کار بر اساس شاخص‌های برازندگی صورت می‌گیرد. با توجه به نتایج جدول 11، نسبت مجذور کای به درجه آزادی 2/86 محاسبه شده است که مقادیر زیر 3 قابل قبول است. همچنین ریشه خطای میانگین مجذورات برابر 0/059 است که مقادیر کمتر از 0/08 نشان می‌دهد مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. مقدار شاخص برازش مقتصد هنجار شده نیز 0/89 برآورد شده است که از حد مجاز آن یعنی 0/60 بیشتر است. سایر شاخص‌ها نیز باید از 0/9 بیشتر باشند که در مدل پژوهش، این شرط برآورده شده است. در نتیجه می‌توان گفت در مجموع، مدل مناسبی است و داده‌های تجربی اصطلاحاً به خوبی با آن منطبق هستند.

جدول 11. برازش تطبیقی و شاخص‌های برازش مدل

گروه‌بندی شاخص‌ها	شاخص	حد قابل پذیرش	مقدار به دست آمده
شاخص‌های برازش مطلق	شاخص نیکویی برازش	بیشتر از 0/90	0/92
	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	بیشتر از 0/90	0/94
	شاخص برازش تطبیقی	بیشتر از 0/90	0/92
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار شده	بیشتر از 0/90	0/93
	شاخص برازش هنجار نشده	بیشتر از 0/90	0/92
شاخص‌های برازش تعدیل یافته	نسبت مجذور کای به درجه آزادی	مقدار بین 1 تا 3	2/86
	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	بیشتر از 0/60	0/89
	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب	کمتر از 0/08	0/059

بحث و نتیجه‌گیری

از دیدگاه خبرگان، عوامل محیطی و محیط نهادی، بیشترین تأثیرگذاری را در تصمیم‌های راهبردی کارآفرینان در بنگاه‌های کوچک و متوسط دارند. مؤلفه عوامل محیطی؛ شامل متغیرهایی چون ریسک‌پذیری کارآفرینانه، انعطاف‌پذیری کارآفرینانه و محیط کارآفرینانه می‌باشد. در واقع، کارآفرینان در بنگاه‌های کوچک و متوسط جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی در بنگاه باید این متغیرها را بهبود بخشند. ریسک‌پذیری کارآفرینانه؛ شامل مؤلفه‌های تحمل ابهام، عدم اطمینان محیطی است. ریسک‌پذیری به معنی انجام اقدامات جسورانه مانند سرمایه‌گذاری در بازارهای جدید و ناشناخته، تعهد منابع برای سرمایه‌گذاری‌هایی با پیامدهای نامشخص یا استقراض بیش از حد می‌باشد. انعطاف‌پذیری در برنامه استراتژیک به معنی قابلیت تغییر برنامه استراتژیک به هنگام ظهور تهدیدها و فرصت‌هاست. کاوش محیطی به عنوان یک اقدام مدیریتی برای آگاهی یافتن از رویدادها و روندهای موجود در محیط سازمان است. در دنیای کسب و کار امروز، موفقیت شرکت‌ها به میزان قابل توجهی به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات مناسب و استفاده از آن در برنامه‌ریزی استراتژیک، بستگی دارد. با توجه به اینکه سازمان‌ها برای دستیابی به منابع کمیاب و باارزش، به محیط متکی هستند، محیط خارجی سازمان ممکن است مشکلات یا فرصت‌هایی را برای سازمان‌ها به همراه داشته باشد. مؤلفه محیط نهادی؛ شامل متغیرهایی چون شاخص فساد، حاکمیت نظم و قانون، ثبات سیاسی، حق اظهارنظر و پاسخگویی، میزان بروکراسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات و حقوق مالکیت پایدار است. در واقع این متغیرها در تصمیمات کارآفرینان از بعد توسعه مالی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند نقش بسزایی در تصمیم‌گیری آنان داشته باشد. اقتصاددانان مالی معتقدند کیفیت نهادی می‌تواند بر توسعه مالی اثرگذار باشد. به اعتقاد آنان، در غیاب یک چارچوب قانونی دقیق به دلیل فقدان اعتماد سپرده‌گذاران، توانایی بازارهای مالی برای تجهیز منابع تضعیف می‌شود. این مسئله، منجر به انتقال وجوه به خارج می‌شود و باعث می‌شود از فرصت‌های سرمایه‌گذاری داخلی دریغ گردد؛ لذا به نظر می‌رسد باید عملکردهای دولتی و ویژگی‌های کشورها به منظور توصیه سیاسی مناسب برای ارتقای سطح توسعه مالی تحلیل گردد. نادیده گرفتن شرایط نهادی، به معنای نادیده گرفتن واقعیات اقتصادی و جامعه‌شناختی کشورهاست و توصیه سیاستی برای ارتقای توسعه مالی نادقیق است و ممکن است حتی تأثیر منفی بر آن داشته باشد.

References

- Asadi Si Sakht, K., Talebi, K., & Hosseini, S. R. (2017). Entrepreneurial strategies: conceptualizing and providing a new definition. *Entrepreneurship in Agriculture*, 4(2), 61-72. <https://doi.org/10.22069/jead.2017.11800.1208>
- Barney, J. B., & Hesterly, W. S. (2006). *Strategic Management and Competitive Advantage: Concepts*. Pearson/Prentice Hall. <https://books.google.com/books?id=LxdoQgAACAAJ>
- Dehmardeh, N., & Brahui, M. (2016, February 15). *The Impact of Financial Development on Entrepreneurship Development and Innovation*. First International Conference on Economics, Management, Accounting, Social Sciences, Mashhad, Iran. <https://civilica.com/doc/523037/>
- Dianti, R., & Zare Zaidi, A. (2017). The role of human resource management in strengthening organizational entrepreneurship. *Applied Studies in Management and Development Sciences*, 2(4), 1-12. <http://ensani.ir/file/download/article/20180221150338-10117-22.pdf>
- Ebrahimpour, H., Habibian, S., Janalizadeh Choobasti, M., & Deghani, A. R. (2012, November 13). *A Comprehensive Model of Strategic Entrepreneurship in Start-ups*. National Conference on Entrepreneurship and Management of Knowledge-Based Businesses, Babolsar, Iran. <https://fhprc.ajums.ac.ir/fhprc/documents/%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%86%DB%8C/intershps.pdf>

- Goodarzi, G., & Rudi, K. (2012). Explaining the scientific authority for the scientific institutions of the country with the approach of fundamental conceptualization theory. *Science and Technology Policy*, 4(2), 75-89. https://jstp.nrisc.ac.ir/article_12844_5ecb4b5ee60cd203b40997d1500bde6e.pdf?lang=en
- Hyttinen, A., & Toivanen, O. (2005). Do financial constraints hold back innovation and growth?: Evidence on the role of public policy. *Research Policy*, 34(9), 1385-1403. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2005.06.004>
- Kraus, S., Harms, R., & Schwarz, E. (2008). Strategic business planning and success in small firms. *International Journal of Entrepreneurship and Innovation Management*, 8(4), 381-396. <https://doi.org/10.1504/ijeim.2008.022311>
- Kyrgidou, L. P., & Hughes, M. (2010). Strategic entrepreneurship: origins, core elements and research directions. *European Business Review*, 22(1), 43-63. <https://doi.org/10.1108/09555341011009007>
- Mohammadi Nezhad Ganji, A., Ahmadi, A., Alishiri, B., & Taleb, Z. (2018). Determine Of Standard Infrastructure For The presentation of the faculty members' professional skills promotion model based on the fourth generation higher education mission. *Educational Administration Research*, 9(34), 131-146. https://jeaq.riau.ac.ir/article_1177_3e53a5136a2929cdd1da15ff8f7332f1.pdf
- Samian, M., & Movahedi, R. (2018). Employment obstacles and strategies in rural small businesses of Hamedan province. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 15(43), 47-66. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100513_a39f553bc3aa3416cae011166b556e77.pdf
- Tadesse, S. A. (2005). Financial development and technology. *William Davidson Institute Working* 1-49. <https://doi.org/10.2139/ssrn.681562>
- Tazikeh, M., Talebi, K., & Sakhdari, K. (2019, May 2). *The Impact of Strategic Entrepreneurship on Business Growth*. National Conference on Economics, Development Management and Entrepreneurship with the Approach of Iranian Product Support, Zahedan, Iran. <https://civilica.com/doc/914643/>
- Tee, L-T., Low, S-W., Kew, S-R., & Ghazali, N. A. (2014). Financial development and innovation activity: Evidence from selected East Asian countries. *Prague Economic Papers*, 23(2), 162-180. https://www.researchgate.net/profile/Si-Roei-Kew/publication/284338665_Financial_Development_and_Innovation_Activity_Evidence_from_Selected_East_Asian_Countries/links/5697263408ae1c4279040893/Financial-Development-and-Innovation-Activity-Evidence-from-Selected-East-Asian-Countries.pdf
- Xiao, S., & Zhao, S. (2012). Financial development, government ownership of banks and firm innovation. *Journal of International Money and Finance*, 31(4), 880-906. <https://doi.org/10.1016/j.jimonfin.2012.01.006>
- Yaghoubi, N., Dehghani, M., & Omidvar, M. (2017). A model for the establishment of meta-synthesis technique based entrepreneurial university and TOPSIS. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 14(41), 51-65. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100500_5337504c9336ec9216d47171d42d8eba.pdf



Evaluating the Characteristic Elements of Entrepreneurship in Students of Iranian University of Science and Technology (IUST)

Mohammad Reza Zahedi^{1*}, Mohammad Mahdavi Mazdeh², Simin Mohebbi Ashtiani³

¹Assistant Professor, Faculty of Industrial Engineering, Malek Ashtar University, Tehran, Iran.

²Associate Professor, Faculty of Industrial Engineering, Iran University of Technology, Tehran, Iran.

³Master of Industrial Engineering, Faculty of Industrial Engineering, Malek Ashtar University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 01.26.2020

Revised: 11.25.2020

Accepted: 12.08.2020

Keyword:

Entrepreneurship
Creativity
Determination
Independence
Risk seeking
Success

***Corresponding Author:**

Mohammad Reza Zahedi

Email: zahedy182@gmail.com

ABSTRACT

Studies conducted by researchers show that entrepreneurship, although affected by some of the individual behavioral traits, is nonetheless instructive and can be developed with appropriate strategies. The main purpose of this study was to review and compare entrepreneurship traits of students at different faculties of Iran University of Science and Technology (IUST). In this study, questionnaires were used as a research tool. This research was applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of method. The results of this study showed that although the students of this university did not have a high entrepreneurship score on average, 7% of the students had entrepreneurial characteristics and more than 49% of the students were in relatively good condition. The results indicate that the characteristics of success and risk-taking among the students of Iran University of Science and Technology were higher than other characteristics, followed by the characteristics of determination, creativity and independence. The average student entrepreneurship was not significantly different from other faculties, except in the Railway Faculty, which was more favorable than other faculties. It should be noted that entrepreneurship tools had the same results regarding entrepreneurship of IUST students and their overlap rate was approximately 90%.





ارزیابی مشخصه‌های شخصیتی کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه دانشگاه علم و صنعت ایران)

محمدرضا زاهدی^{1*}، محمد مهدوی مزده²، سیمین محبی آشتیانی³

۱- استادیار، دپارتمان مدیریت مهندسی صنایع، دانشگاه مالک اشتر، تهران، ایران.

۲- دانشیار، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۳- کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه مالک اشتر، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

بررسی‌ها نشان می‌دهند که کارآفرینی، اگرچه متأثر از پاره‌ای خصلت‌های رفتاری فردی می‌باشد، با این وجود امری آموزش‌دانی است و می‌توان با راهکارهای مناسب آن را توسعه بخشید. هدف اصلی این تحقیق، بررسی و مقایسه خصیصه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران و مقایسه دانشکده‌های مختلف این دانشگاه از لحاظ دارا بودن این خصیصه‌ها می‌باشد. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، تحقیقی توصیفی پیمایشی است. نتایج نشان می‌دهد دانشجویان این دانشگاه به طور میانگین، امتیاز کارآفرینی بالایی ندارند ولی 7 درصد از دانشجویان این ویژگی‌ها را دارند و بیش از 49 درصد از دانشجویان نیز در شرایط نسبتاً خوبی قرار دارند. نتایج تحقیق بیانگر این است که ویژگی‌های توفیق‌طلبی و ریسک‌پذیری در بین دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، امتیاز بیشتر و خصیصه‌های عزم و اراده، خلاقیت و استقلال‌طلبی در رده‌های بعد قرار دارند. میانگین کارآفرینی دانشجویان به جز در دانشکده راه‌آهن که از سایر دانشکده‌ها وضعیت مطلوب‌تری دارد، در سایر دانشکده‌ها تفاوت معنی‌داری با هم ندارد. ابزارهای کارآفرینی هر دو نتیجه یکسانی در خصوص کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران داشت و میزان هم‌پوشانی نتایج آن‌ها تقریباً حدود 90 درصد بود.

دریافت مقاله: 1398/11/06

بازنگری مقاله: 1399/09/05

پذیرش مقاله: 1399/09/18

کلید واژگان:

کارآفرینی

خلاقیت

عزم و اراده، استقلال‌طلبی

ریسک‌پذیری

توفیق‌طلبی

*نویسنده مسئول: محمدرضا زاهدی

پست الکترونیکی:

zahedy182@gmail.com



مقدمه

پیشرفت روزافزون فناوری، تغییرپذیری سریع و غیرقابل پیش‌بینی عوامل محیطی، کوتاه شدن طول عمر محصولات، باور روزافزون به سیستم مشتری‌مداری و بسیاری عوامل دیگر، دست در دست هم داده و موجب شده‌اند که انقلابی در اذهان مدیران جوامع به‌وجود آید. مدیران ارشد جوامع و همچنین سازمان‌ها و شرکت‌ها، در کشورهای پیشرفته از سالیانی قبل و در کشورهای توسعه‌یافته در سال‌های اخیر، به طور جدی به‌دنبال راهکارهای نوینی برای حفظ خود در شرایط سخت رقابتی امروز برآمده‌اند. باید مفاهیم سازمان، کار، کیفیت و رقابت دگرگون شده و مدیر کارآمد جایگزین مدیر سنتی شود. ایده‌های خلاق و بکر به‌وجود آیند و بدین ترتیب توسعه و ارتقای اقتصادی و در یک کلام بستر مناسب برای کارآفرینی فراهم گردد. بهره‌گیری از نیروهای کارآفرین در یک سازمان یا نهاد سبب دستیابی به مراتب بالای سرآمدی آن نهاد یا سازمان از لحاظ اقتصادی می‌شود. کارآفرینان می‌توانند نیروی محرکه فعالیت‌های جدید اقتصادی در جامعه شوند و از این طریق از یک سو به اشتغال‌زایی و کم کردن نرخ بیکاری و از سوی دیگر به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کنند. بنابراین توسعه کارآفرینی، به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای پیشرفت اقتصادی در تمامی دنیا، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. به طور مشخص به منظور توسعه کارآفرینی باید دو گروه از عوامل تأثیرگذار در کارآفرینی مورد توجه قرار گیرند. معمولاً در ادبیات موضوع از این دو گروه تحت عنوان دیدگاه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی یاد می‌شود. در گروه اول، محققان تلاش می‌کنند تا ویژگی‌ها و خصلت‌های فردی مشترک بین افراد کارآفرین را شناسایی و اقدام به آموزش آن در سطح جامعه کنند. این در حالی است که در گروه دوم، محققان در راستای شناسایی، معرفی و فراهم کردن عوامل تأثیرگذار محیطی هستند. در این رابطه تلاش عمده معطوف به این مسئله است که با انواع تشویق‌ها، تسهیلات و حمایت‌های مادی و معنوی، شرایط جامعه را برای فعالیت افراد خلاق و کارآفرین مهیا کرد (محسن مرادی، 2018؛ مهدی سعیدی کیا، 2003).

بیان مسئله

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کارآفرینی، متأثر از پاره‌ای خصلت‌های رفتاری فردی می‌باشد، اما با این وجود، امری آموزش دانی است و می‌توان با راهکارهای مناسب آن را توسعه بخشید. از جمله گام‌های استراتژیک برای رشد و توسعه کارآفرینی، رسیدگی به امر آموزش در بخش آموزش عالی و به طور ویژه دانشگاه‌های کشور است. در حقیقت به میزانی که دانشجویان، به عنوان نیروهای متخصص آینده کشور بتوانند مشخصه‌های فردی کارآفرینی را کسب یا این ویژگی‌ها را در خود تقویت کنند خواهند توانست از طریق راه‌اندازی فعالیت‌های جدید به حل معضل بیکاری و رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کنند. به همین منوال شناخت عوامل تأثیرگذار محیطی نیز حائز اهمیت می‌باشد و چنانچه محیط‌های آموزشی، به‌ویژه دانشگاه‌ها، بتوانند به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که خصلت‌های فردی دانشجویان تقویت شود و ابزارها و فنون لازم برای کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار به ایشان آموزش داده شود می‌توان امیدوار بود که بسیاری از معضلات کشور در عرصه‌های اقتصادی بهبود یابد.

ارزیابی وضعیت موجود دانشجویان دانشگاه‌ها گام نخست برای پاسخ‌گویی به این نیاز محسوب می‌شود. ابتدا باید بتوان به کمک شاخص‌های مطرح‌شده برای ارزیابی میزان کارآفرینی، وضعیت موجود جامعه مورد تحقیق را ارزیابی کرد تا سپس بتوان به تبع آن و براساس نیازهایی که از درون این ارزیابی استنتاج خواهد شد نسبت به برنامه‌ریزی برای آینده اقدام نمود. با توجه به تنوع آرای دانشمندان در خصوص مؤلفه‌های شخصیتی تأثیرگذار بر کارآفرینی انتظار می‌رود که مدل‌ها و مقیاس‌سنج‌هایی که برای این منظور فراهم شده‌اند نیز یکسان نباشد. این تحقیق ابتدا دو پرسش‌نامه استاندارد طراحی شده برای این منظور را مقایسه کرد. سپس با مقایسه دو مدل آزمون جامع کارآفرینی و ابزار سنجش ویژگی‌های کارآفرینان ایرانی تلاش شده است تا میزان هم‌پوشانی و تفاوت‌های موجود بین دو ابزار، ارزیابی و برآورد می‌شود. همچنین

با استفاده از یکی از این دو ابزار، یعنی مدل جامع کارآفرینی، مؤلفه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و دانشکده‌های مختلف آن را ارزیابی می‌کند.

مروری بر ادبیات موضوع

با وجود اینکه کارآفرینی از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد بهره‌گیری از رویکردی که بتواند این نگرش‌ها را به گونه‌ای مناسب به هم متصل کند و تفسیر مناسب‌تری از کارآفرینی را موجب شود ضروری به نظر می‌رسد. این رویکرد با بررسی عوامل درون‌شناختی فرد، دلایل کارآفرین بودن یا نبودن را از منظر مؤلفه‌های شخصیتی بیان می‌کند و از آن به رویکرد روان‌شناسانه کارآفرینی تعبیر شده است (تونی آنتونیو، سری لاناواتی، تی. آ. ویرانا و لوسیا کریستینا، 2014)¹ و (دوروتیا ورهان، رنه مائر، تسای. فلاتن و مالت برتل، 2015)². در این زمینه تاکنون تحقیقات گسترده‌ای صورت پذیرفته است. مک کلند³ معتقد است که در کارآفرینان سه نیاز وجود دارد نیاز به توفیق یا توفیق‌طلبی، نیاز به قدرت و نیاز عاطفی یا احساس تعلق. مک کلند برای آزمون تجربی فرضیه‌های خود، 52 بازرگان را در سال 1964 در حیدرآباد هندوستان انتخاب کرد و پس از تحقیقاتی که روی این گروه انجام داد نتیجه‌گیری کرد که اگرچه روحیه انسان برای توفیق در دوران کودکی شکل می‌گیرد ولی در عین حال می‌توان با یک برنامه صحیح آموزش، روحیه خلاق و رسالت کاری را در افراد به وجود آورد (اسدالله کردناجی، محمدرضا زالی، حیدرعلی هومن و شهاب الدین شمس، 2007).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کارآفرینی به‌عنوان یک فعالیت تجاری، عبارت از مجموعه رفتارهایی مشتمل بر نیت عملکرد، مخاطره‌پذیری، نوآوری، مدیریت عمومی و ایجاد یک واحد تجاری جدید است (سی. اچ. واندرولف، 1971)⁴ و (لینوئی لی، فیفی جیانگ، یونلونگ پی و ننگیان جیانگ، 2017)⁵.

دراکر⁶ معتقد است کارآفرینی نوع خاصی از عملکرد است که در بطن آن نوآوری و خلاقیت نهفته است (جی دراکر، 2007)⁷. بروس جی وایتینگ⁸ طی تحقیقاتی که انجام داده نوزده ویژگی را برای افراد کارآفرین بر شمرده است که آن‌ها را از نظر شخصیتی از افراد عادی جامعه جدا می‌سازد. این خصیصه‌ها عبارتند از: اعتماد به نفس، پشتکار، انرژی زیاد، اتخاذ ریسک حساب شده، نیاز به موفقیت، خلاقیت، ابتکار، انعطاف‌پذیری، واکنش مثبت در مقابل چالش‌ها، استقلال، خوش‌بینی، ادراکی بودن، دارای منابع کافی بودن، دارای مهارت‌های متعدد، سودگرا، توانا در برخورد با مردم، دوراندیشی، رهبری پویا، مسئول و پاسخگو در مقابل انتقادات (سعید فتاحی، 2000) و (حسن دانایی فرد، مهشید فروهی و علی صالحی، 2007).

گلرد در تحقیقی که در خصوص کارآفرینی انجام داده است، استقلال‌طلبی، خلاقیت، توفیق‌طلبی و انعطاف‌پذیری را از ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین بر شمرده و خصیصه توفیق‌طلبی را به عنوان مؤثرترین ویژگی در توسعه کسب‌وکار زنان ایرانی معرفی کرده است (گلرد، 2004). (دی. لاوی، 1995)⁹ ایجاد شدن کسب‌وکار توسط افراد و هدایت آن توأم با خلاقیت و نوآوری را کارآفرینی دانسته و گسترش کسب‌وکار را تا مرحله پیروزی بر رقبا ضروری می‌داند.

¹ Tony Antonio, Sri Lanawati, T. A. Wiriana & Lucya Christina, 2014

² Dorothea Werhahn, Rene Mauer, Tessa C. Flatten & Malte Brettel, 2015

³ Mc Cellend

⁴ C. H. Vanderwolf, 1971

⁵ Linwei Li, Feifei Jiang, Yunlong Pei & Nengqian Jiang, 2017

⁶ Druker

⁷ J Druker, 2007

⁸ Jey Wating

⁹ D. Lavioe, 1995

(حسین شکرشکن، بهمن نجاریان، منیجه شهنی ییلاق و مسعود پرومندنسب، 2003) و (مارک آ. رانکو، سلجوک آکار و نور جایرداغ، 2017)¹ در تحقیقی، به بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت‌نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه پرداخته‌اند. پژوهش ایشان نشان می‌دهد که بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.

(علی اکبر خسروی، نسرين سهرابی فرد و حیدرعلی هومن، 2006) ضمن ارائه الگویی برای سنجش کارآفرینی در مدیران دستگاه‌های دولتی مؤلفه‌های اصلی این الگو را سخت‌کوشی، خطرپذیری، قانون‌مهارگری، سیالی، خلاقیت و نوآوری، انعطاف‌پذیری و تردید و تحمل ابهام بیان کرده‌اند.

نتایج تحقیقات درباره کارآفرینی نشان داد که اکثر کارآفرینان زن دارای ویژگی‌های خودتکایی، استقلال‌طلبی، انعطاف‌پذیری، کنترل درونی و ریسک‌پذیری هستند و میزان خصیصه ریسک‌پذیری و اعتمادبه‌نفس آنها از مردان کمتر است (ام سیمونین، 2006)² و (لیناس گودوناویچیوس و جاشوا او. فایومی، 2014)³ و (چارلوتا سیرن و مارکو کوهمتماکی، 2016)⁴.

(کردنائیچ و همکاران، 2007) در بررسی‌هایی که منجر به ارائه الگوی بومی‌سازی سنجش کارآفرینان ایرانی گردید خصیصه‌های قابل اندازه‌گیری به کمک این ابزار را ریسک‌پذیری، قانون کنترل بیرونی، نیاز به پیشرفت، سلاست فکری، عمل‌گرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی، چالش‌طلبی برشمرده‌اند.

(احسان بدری، محمدجواد لیاقت دار، محمدرضا عابدی و سیدابراهیم جعفری، 2006) در بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، قابلیت‌های کارآفرینی را استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری و خلاقیت بیان کرده‌اند و همچنین نشان داده‌اند که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بوده و نمره ریسک‌پذیری از نمره متوسط معیار، پایین‌تر بوده است و نیز آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مؤثر نبوده است (نورمحمد یعقوبی، مسعود دهقانی و ملیحه امیدوار، 2017).

کارآفرین فردی است که یک فعالیت مخاطره‌پذیری را آغاز کرده و از طریق ابزارهای نوآوری آن را بهبود می‌بخشد (فرد ال. فرای، 1993)⁵، (یوانا دلیجیانی، ایرینی وودورس و اسپیروس لیوکاس، 2017)⁶، (بوز آنیل و عزیزه ارگنلی، 2014)⁷.

(آیاراتی، 2004) با بررسی برخی روحیات کارآفرینانه در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع به این نتیجه رسید که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند و ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر بوده است.

جدول 1 نمونه‌ای از تحقیقات صورت‌پذیرفته در خصوص کارآفرینی فردی را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اگرچه اتفاق نظر کاملی در خصوص تمام ویژگی‌هایی که ممکن است برای فرد کارآفرین قابل شود وجود ندارد ولی تعداد نسبتاً زیادی از این ویژگی‌ها با هم مشترک هستند. تفاوت در این ویژگی‌ها به‌طور طبیعی منجر به تولید ابزارهای مختلف برای ارزیابی ویژگی‌های کارآفرینانه شده است.

¹ Mark A. Runco, Selcuk Acar & Nur Cayirdag, 2017

² M Simonin, 2006

³ Linas Gudonavicius & Joshua O. Fayomi, 2014

⁴ Charlotta Siren & Marko Kohtamaki, 2016

⁵ Fred L. Fry, 1993

⁶ Ioanna Deligianni, Irini Voudouris & Spyros Lioukas, 2017

⁷ Anil Boz & Azize Ergeneli, 2014

(بدری و همکاران، 2006) و نیز (آذرچهر صحت، علی عبدی جمایران و الهه حسینی، 2017) در پژوهشی، برای ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان با استفاده از پرسشنامه‌های خلاقیت تورنس¹، انگیزه پیشرفت هرمنس²، کنترل درونی راتر³ و استقلال طلبی و ریسک‌پذیری هیسریچ و پیترز⁴ پرسشنامه‌ای شامل بر 55 سؤال بسته‌پاسخ از نوع مقیاس درجه‌بندی لیکرت⁵ تهیه کردند.

جدول 1. تحقیقات صورت‌پذیرفته در خصوص کارآفرینی فردی

نام محقق	خصیصه‌های تأثیرگذار در کارآفرینی فردی
(سعید قربانی و شایان نقدی خاناجاه، 2020)	ریسک‌پذیری و توفیق‌طلبی از ویژگی‌های بارز افراد کارآفرین به شمار می‌آید.
(پنگ لی و دلبرت ام. گاتلین، 2006) ⁶	خصیصه‌های توفیق‌طلبی و ریسک‌پذیری را از جمله ویژگی‌های زنان کارآفرین می‌باشد.
(گودونوویچیوس و فایومی، 2014)، (شارلوتا سیرن، هنری هاکالا، جوآکیم وینسنت و دیتمار گریچنیک، 2017) ⁷ ، (سیرن و کوهتماک، 2016)	کارآفرینان زن دارای ویژگی‌های خوداتکایی، استقلال‌طلبی، انعطاف‌پذیری، کنترل درونی و ریسک‌پذیری هستند.
(بدری و همکاران، 2006)	توفیق‌طلبی و ریسک‌پذیری و عزم اراده از جمله ویژگی‌های زنان است.
(گلر، 2004).	خصیصه‌های استقلال‌طلبی و ریسک‌پذیری را از جمله ویژگی‌های کارآفرینان به‌خصوص زنان می‌داند.
(فرد ال. فرای، 1993)	خصیصه‌های کارآفرینی عواملی چون استقلال نسبی و مخاطره‌پذیری می‌باشد.
(ایارانی، 2004)	خصیصه‌های ریسک‌پذیری و خلاقیت را می‌توان از دلایل مهم در رسیدن کارآفرینان به موفقیت دانست.
(لیناس گودونوویچیوس و جاشوا او. فایومی، 2014)	استقلال‌طلبی، خلاقیت، توفیق‌طلبی، عزم و اراده و ریسک‌پذیری از جمله ویژگی‌های کارآفرینان مستقل می‌باشد.
(لاوی، 1995)	خلاقیت و نوآوری را از جمله عوامل یک فرد کارآفرین در ایجاد کسب‌وکار می‌داند.
(دراکر، 2007).	استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و عزم و اراده مهم‌ترین عامل توفیق‌پذیری کارآفرینان می‌باشد.
(کردناچ و همکاران، 2007)	نوزده ویژگی برای افراد کارآفرین وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به استقلال‌طلبی، خلاقیت، توفیق‌طلبی، عزم و اراده و ریسک‌پذیری اشاره کرد.
(فرای، 1993)، (دلیجیانی و همکاران، 2017)، (آنیل و ارگنلی، 2014).	کارآفرین را فردی می‌داند که فعالیت‌های او متکی بر مخاطره‌پذیری می‌باشد.
(واندرولف، 1971)	نیت عملکرد، مخاطره‌پذیری، نوآوری را از مؤلفه‌های اصلی کارآفرینی برشمرده‌اند.
(محمدرضا زاهدی و شایان نقدی خاناجاه، 2020)	تمایل به ریسک‌پذیری مشخصه اصلی یک کارآفرین در رسیدن به هدف می‌باشد.
(چارلوتا سیرن و مارکو کوهتماک، 2016)	از خصوصیات مهم افراد کارآفرین می‌توان نیاز به موفقیت و مخاطره‌پذیری را برشمرد.

¹ Torrens

² Hermens

³ Rater

⁴ Hisrich& Piterz

⁵ Likert

⁶ Peng Li & Delbert M. Gatlin, 2006

⁷ Charlotta Sirén, Henri Hakala, Joakim Wincent & Dietmar Grichnik, 2017

نام محقق	خصیصه‌های تأثیرگذار در کارآفرینی فردی
(مارک آ. رانکو، سلجوک آکار و نور جایرداغ، 2017) ¹	نوآوری و خلاقیت را می‌توان از عوامل موفقیت کارآفرینان در کسب‌وکار دانست.
(دانایی فرد و همکاران، 2007)	افراد کارآفرین، خصیصه توفیق‌طلبی دارند و از خصیصه ریسک‌پذیری نسبی نیز برخوردارند.
(کردنایج و همکاران، 2007)	ارائه الگوی بومی‌سازی سنجش کارآفرینان ایرانی که مبتنی بر ویژگی‌های کانون کنترل بیرونی، نیاز به پیشرفت، سلاست فکری، عملگرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی، چالش‌طلبی می‌باشد.
(خسروی و همکاران، 2006)	ارائه الگویی برای سنجش کارآفرینی برای مدیران که براساس متغیرهای سخت‌کوشی، خطرپذیری، کانون مهارگری، سیالی، خلاقیت و نوآوری، انعطاف‌پذیری و تردید و تحمل ابهام طراحی گردیده است.
(بدری و همکاران، 2006)	قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان را استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری و خلاقیت برشمرده‌اند.
(کلرد، 2004)	استقلال‌طلبی، خلاقیت، توفیق‌طلبی و انعطاف‌پذیری از ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین است و خصیصه توفیق‌طلبی را به عنوان مؤثرترین ویژگی در توسعه کسب‌وکار زنان ایرانی می‌باشد.
(شکرشکن و همکاران، 2003)، (رانکو و همکاران، 2017)	مخاطره‌پذیری، خلاقیت از شاخصه‌های اصلی در کارآفرینی دانشجویان به حساب می‌آید.
(آقایی و همکاران، 2021)	استقلال‌طلبی، خلاقیت، توفیق‌طلبی، عزم و اراده و ریسک‌پذیری از جمله ویژگی‌های کارآفرینان مستقل می‌باشد.

(شکرشکن و همکاران، 2003) به منظور بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه اهواز از 5 پرسش‌نامه استاندارد شده 1- سنجش صفات کارآفرینی شما، 2- آزمون گردش کارآفرینانه، 3- پرسش‌نامه خلاقیت، 4- پرسش‌نامه انگیزش پیشرفت و 5- پرسش‌نامه عزت‌نفس استفاده کرده‌اند. (خسروی و همکاران، 2006) ضمن ارائه الگویی برای سنجش کارآفرینی در مدیران دستگاه‌های دولتی، مؤلفه‌های اصلی این الگو را سخت‌کوشی، خطرپذیری، کانون مهارگری، سیالی، خلاقیت و نوآوری، انعطاف‌پذیری و تردید و تحمل ابهام بیان کرده‌اند.

(یعقوبی، 2004) در تحقیقی که در زمینه خصیصه‌های کارآفرینی مؤسسات تحقیقاتی انجام داده است، مقیاس استاندارد برای سنجش کارآفرینی ارائه کردند و خصیصه‌های انعطاف‌پذیری، خلاقیت و نوآوری، تحمل ابهام ریسک‌پذیری، آمادگی برای حل مسئله، پشتکار، امیدواری، درونی بودن، تلاش برای موفقیت را به‌وسیله آن اندازه‌گیری کرده است.

یکی از اولین پرسش‌نامه‌هایی که تلاش کرده است که به صورت یکپارچه و در یک مجموعه واحد، ویژگی‌های کارآفرینی را ارزیابی کند مقیاس‌سنجی است که جامعه کارآفرینان هند با نام آزمون جامع کارآفرینی² طراحی کرده است. این پرسش‌نامه مشتمل بر 54 سؤال می‌باشد و 5 مؤلفه خلاقیت، استقلال‌طلبی، توفیق‌طلبی، عزم و اراده و ریسک‌پذیری را اندازه‌گیری می‌کند. روایی محتوایی این پرسش‌نامه به تأیید متخصصان رسید و پایایی پرسش‌نامه با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ³ در پژوهش‌های مختلف تأیید شد. زالی و همکاران برای ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مازندران از این پرسش‌نامه استفاده کرده‌اند.

¹ Mark A. Runco, Selcuk Acar & Nur Cayirdag, 2017

² این پرسش‌نامه را مؤسسه کارآفرینی هند طراحی کرده و در تحقیقات زیادی به‌کار گرفته شده است.

³ Alpha Cronbach

(کردنائیج و همکاران، 2007) پرسشنامه‌ای را برای اندازه‌گیری مشخصه‌های کارآفرینی ایرانیان طراحی کرده‌اند که شامل 95 سؤال بود و قابلیت اندازه‌گیری مؤلفه‌های ریسک‌پذیری، کانون کنترل هر فرد، نیاز به موفقیت، سلاست فکری، عمل‌گرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی را دارد.

در تحقیق حاضر همان‌گونه که در یافته‌های تحقیق به آن پرداخته خواهد شد، ابتدا دو ابزار معرفی شده برای ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی افراد کارآفرین با یکدیگر مقایسه شدند و سپس از این ابزار برای ارزیابی میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت استفاده خواهد شد. نتایج این تحقیق می‌تواند برای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای دانشگاه‌ها به طور عموم و دانشگاه علم و صنعت به طور خاص مورد استفاده قرار گیرد.

مواد و روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است؛ زیرا از نتایج آن می‌توان در برنامه‌ریزی‌هایی که برای گسترش توان کارآفرینی در بین دانشجویان صورت می‌پذیرد بهره‌مند شد. همچنین این تحقیق از نظر روش، تحقیقی توصیفی - پیمایشی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل 7800 نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت ایران می‌باشد. با توجه به اینکه یکی از اهداف این تحقیق مقایسه مشخصه‌های کارآفرینی در دانشکده‌های مختلف می‌باشد برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد و تعداد نمونه‌های مورد نیاز در هر طبقه (دانشکده) به صورت مستقل و با

استفاده از فرمول
$$n = \frac{Nz^2 pq}{Nd^2 + z^2 pq}$$
 تعیین گردید. در این فرمول N بیانگر تعداد جامعه آماری، Z معرف سطح اطمینان 95 درصد و برابر 1/96 و q و p نسبت صفت متغیر بوده و چون مقدار آنها در مطالعات قبلی برآورد نشده است؛ بنابراین مقدار هر یک از آنها در این تحقیق 0/5 در نظر گرفته شده است. d در این فرمول میزان خطا را نشان داده و مقدار عددی آن 0/05 است. بر این اساس تعداد حجم نمونه برابر با 2384 نفر می‌باشد که از این تعداد 1560 نفر پسر و 829 نفر دختر هستند.

جدول 2 توزیع فراوانی نمونه آماری دانشجویان

ردیف	جنسیت	فراوانی	درصد
1	پسر	1560	65
2	دختر	829	35
3	کل	2389	100

در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت دو ابزار اخیر، یعنی پرسش‌نامه آزمون جامع کارآفرینی و پرسش‌نامه ابزار سنجش مشخصه‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی مورد استفاده و مقایسه قرار گرفته‌اند. میزان اعتبار دو پرسش‌نامه به کمک نرم‌افزار SPSS و براساس روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. براین اساس اعتبار آزمون جامع کارآفرینی برابر 87 درصد و اعتبار ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی برابر 90 درصد مورد سنجش قرار گرفت. در خصوص روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ها می‌توان استدلال کرد که روایی آنها را متخصصان و خبرگان فن سنجیده‌اند و قابل اعتماد می‌باشند.

یافته‌های پژوهشی

مقایسه دو ابزار

یکی از اهداف این تحقیق، مقایسه دو ابزار سنجش ساخته شده برای ارزیابی مشخصه‌های شخصیتی کارآفرینان به نام‌های آزمون جامع کارآفرینی (پرسش‌نامه اول) و ابزار سنجش مشخصه‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی (پرسش‌نامه دوم) می‌باشد. از آنجایی که توزیع و جمع‌آوری نتایج دو پرسشنامه در تمامی دانشکده‌های دانشگاه مقدور نبود، این کار به صورت موردی و صرفاً در دانشکده مهندسی صنایع صورت پذیرفت. جامعه آماری برای این بخش از تحقیق برابر با 652 و حجم نمونه آماری برای این منظور که با استفاده از فرمول بیان شده در بخش روش تحقیق به دست آمده است برابر با 261 می‌باشد. دو پرسش‌نامه به صورت هم‌زمان بین نمونه‌ها توزیع و نسبت به جمع‌آوری آن اقدام شد. نتایج به دست آمده از هر کدام از این دو پرسش‌نامه برای آزمون فرض که با استفاده از نرم‌افزار SPSS به دست آمده است در جداول 2 تا 4 خلاصه شده است. یک نمونه از پرسش‌نامه‌های مزبور و روش امتیازدهی به این پرسش‌نامه‌ها در ضمیمه 1 آورده شده است. با توجه به اینکه در هر دو پرسش‌نامه، حداقل مقدار قابل قبول برای افرادی که دارای خصایص کارآفرینی می‌باشند مشخص می‌باشد، در پرسش‌نامه اول 37 و در پرسش‌نامه دوم 265، بنابراین می‌توان فرض صفر را به شکل زیر بیان کرد:

فرض صفر: میانگین نمره خصیصه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده مهندسی صنایع برابر یا بیشتر از حداقل نمره قابل قبول در پرسشنامه می‌باشد.

جدول 3. آماره‌های توصیفی کارآفرینی دو پرسش‌نامه

میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	کارآفرینی
0.41494	6.37445	27.0212	236	پرسش‌نامه اول
2.55368	34.16585	1.5562E2	179	پرسش‌نامه دوم

همان گونه که در جدول 3 مشاهده می‌شود، میانگین خصیصه کارآفرینی دانشجویان دانشکده صنایع از پرسش‌نامه اول برابر با 27 و از پرسش‌نامه دوم برابر با 162.55 می‌باشد که به ترتیب از حداقل مقدارهای قابل قبول در دو پرسش‌نامه (37) و (265) کوچک‌تر است ولی این مطلب باید با استفاده از آماره‌های استنباطی نیز تأیید شود.

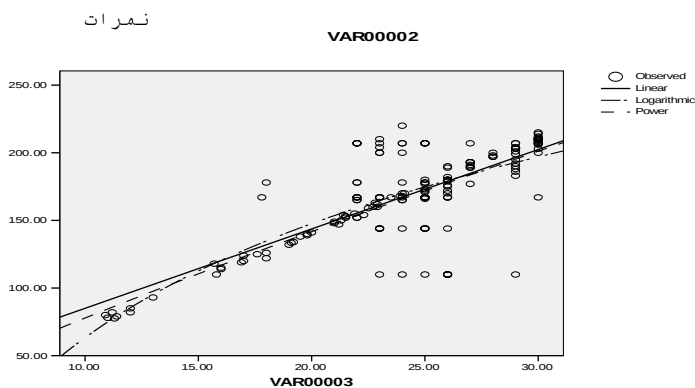
جدول 4. آماره‌های استنباطی کارآفرینی پرسشنامه‌ها

برآورد فاصله‌ای 95 درصد	اختلاف میانگین		سطح معنی داری	درجه آزادی	t	ارزش آزمون
حد بالا	حد پایین					
-9.1613	-10.7963	-9.97881	.000	235	-24.049	37
-97.4131	-107.4919	-102.45251	.000	178	-40.120	265

جدول 4 نشان می‌دهد که سطح معنی داری به دست آمده از طریق هر دو پرسشنامه 0/000 بود و کوچک‌تر از 5 درصد می‌باشد. بنابراین فرض صفر با استفاده از نتایج هر کدام از دو پرسشنامه رد می‌شود و ادعای اینکه دانشجویان دانشکده مهندسی صنایع دارای خصیصه کارآفرینی هستند، قابل قبول نیست. از سوی دیگر در هر دو آزمون حد بالا و حد پایین منفی است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میانگین خصیصه کارآفرینی از مقادیر مورد آزمون، (37) و (265)، کوچک‌تر است.

به منظور بررسی میزان همگرایی دو پرسشنامه، تعداد 179 پرسشنامه پر شده شماره 2 را ملاک قرار داده و نمرات کارآفرینی کسب شده توسط هر فرد را در دو پرسشنامه با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. نتایج این مقایسه که با استفاده از روش رگرسیون خطی به دست آمده است در نمودار 1 آورده شده است. بر اساس این مقایسه ضریب همبستگی دو آزمون برابر با 74.5 درصد می‌باشد.

علی‌رغم بالاتر بودن میزان اعتبار پرسشنامه شماره 2، با توجه به همگرایی دو پرسشنامه فوق و با توجه به کمتر بودن تعداد سؤال‌های آزمون جامع کارآفرینی، ساده‌تر بودن آن برای توزیع و همچنین با در نظر گرفتن محدودیت تحقیق (محدودیت زمانی که استادان برای توزیع پرسشنامه‌ها در کلاس قایل شده بودند) در تحقیق حاضر، پرسشنامه اول به عنوان ابزار تحقیق انتخاب شد. از سوی دیگر تعداد پاسخ‌های داده شده به پرسشنامه شماره 1 در دانشکده صنایع به میزان قابل توجهی از پرسشنامه شماره 2 بیشتر بودند و این امر نیز دلیل دیگری بود تا در این تحقیق از پرسشنامه شماره 1 استفاده شود.



نمودار 1. مقایسه هم‌پوشانی دو پرسشنامه 1 و 2

فرضیه‌های تحقیق

علاوه بر مقایسه صورت پذیرفته، این تحقیق شامل دو فرضیه اصلی و ده فرضیه فرعی به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اصلی: میانگین نمره کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت برابر یا بیشتر از حداقل نمره قابل قبول در پرسشنامه می‌باشد.

فرضیه فرعی اول: میانگین نمره خصیصه استقلال‌طلبی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت برابر یا بیشتر از حداقل نمره قابل قبول در پرسشنامه می‌باشد.

فرضیه فرعی دوم: میانگین نمره خصیصه خلاقیت دانشجویان دانشگاه علم و صنعت برابر یا بیشتر از حداقل نمره قابل قبول در پرسشنامه می‌باشد.

فرضیه فرعی سوم: میانگین نمره خصیصه توفیق‌طلبی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت برابر یا بیشتر از حداقل نمره قابل قبول در پرسشنامه می‌باشد.

فرضیه فرعی چهارم: میانگین نمره خصیصه عزم و اراده دانشجویان دانشگاه علم و صنعت برابر یا بیشتر از حداقل نمره قابل قبول در پرسشنامه می‌باشد.

فرضیه فرعی پنجم: میانگین نمره خصیصه ریسک‌پذیری دانشجویان دانشگاه علم و صنعت برابر یا بیشتر از حداقل نمره قابل قبول در پرسشنامه می‌باشد.

فرضیه اصلی دوم: میانگین نمره کارآفرینی دانشجویان در دانشکده‌های یازده‌گانه دانشگاه علم و صنعت باهم برابر است.

فرضیه‌های فرعی ششم تا دهم: میانگین نمره خصیصه‌های پنج‌گانه کارآفرینی، شامل استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، عزم و اراده، خلاقیت و توفیق طلبی دانشجویان در دانشکده‌های یازده‌گانه دانشگاه علم و صنعت با هم برابر است.

با توجه به اینکه فرضیه‌های پژوهش دارای مرز مشخص، برابر با حداقل‌های ذکر شده در پرسش‌نامه می‌باشند بنابراین در این موارد فرضیه‌های آماری (فرضیه‌های صفر) عیناً با فرضیه‌های پژوهش یکسان خواهند بود و نیازی به تعریف مجدد آن‌ها نمی‌باشد.

هدف این تحقیق مقایسه میانگین متغیرهای کمی کارآفرینی، استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، عزم و اراده، خلاقیت و توفیق طلبی با حداقل مورد قبول آزمون جامع کارآفرینی می‌باشد. بنابراین با استفاده از آزمون مقایسه میانگین یک جامعه¹ در سطح اطمینان 95 درصد می‌توان این موضوع را بررسی کرد. جداول 5 و 6 خلاصه نتایج حاصل از آماره‌های توصیفی و استنباطی متغیرهای کارآفرینی را که برای هر کدام از خصیصه‌ها به صورت مستقل صورت پذیرفته نشان می‌دهند. این آزمون، یک دامنه‌ای است و برای هر مؤلفه، مستقلاً انجام شده است.

جدول 5. نتایج آزمون میانگین خصیصه‌های کارآفرینی دانشجویان

نتیجه آزمون	برآورد فاصله‌ای 95%		ارزش آزمون	سطح معنی داری	میانگین	خصیصه
	حد بالا	حد پایین				
رد فرض اصلی	-8/148	-8/558	37	0/000	28/66	کارآفرینی
رد فرض اول	-2/365	-2/514	9	0/000	6/56	توفیق طلبی
رد فرض دوم	-1/278	-1/445	4	0/000	2/64	استقلال طلبی
رد فرض سوم	-1/546	-1/736	8	0/000	6/358	ریسک‌پذیری
رد فرض چهارم	-1/183	-1/319	8	0/000	6/748	عزم و اراده
رد فرض پنجم	-1/617	-1/726	8	0/000	6/328	خلاقیت

اگرچه نتایج جدول 5 نشان‌دهنده آن است که دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران از میانگین خصیصه‌های کارآفرینی برخوردار نمی‌باشند، با این حال، همان‌گونه که در جدول 6 نشان داده شده است 7 درصد از دانشجویان این دانشگاه دارای خصیصه کارآفرینی بودند، 20 درصد از دانشجویان از خصیصه توفیق طلبی برخوردارند. همچنین میزان درصد دانشجویانی که دارای خصیصه‌های استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، عزم و اراده و خلاقیت می‌باشند به ترتیب 25 درصد، 33/5 درصد و 30 درصد و 21 درصد می‌باشد.

جدول 6. بررسی میانگین خصیصه‌ها

خصیصه	میانگین	درصد دانشجویان واجد شرایط
کارآفرینی	28/66	7
توفیق طلبی	6/56	20
استقلال طلبی	2/64	25
ریسک‌پذیری	6/358	33/5
عزم و اراده	6/748	30
خلاقیت	6/328	21

¹ One Sample T Test

از سوی دیگر نتایج تحقیق بیانگر این نکته حایز اهمیت می‌باشد که چنانچه نمره حداقل کارآفرینی به جای 37، 34 در نظر گرفته شود، یا به تعبیر دیگر چنانچه بتوان به کمک آموزش‌های مناسب سطح کارآفرینی دانشجویان را به طور میانگین به میزان 3 نمره افزایش داد، آن‌گاه میزان دانشجویان دارای خصیصه کارآفرینی به میزان 50 درصد افزایش پیدا خواهد کرد.

علی‌رغم اینکه بر اساس جدول 6 می‌توان نسبت به رتبه‌بندی پنج مؤلفه کارآفرینی در دانشگاه اقدام کرد، برای رتبه‌بندی صحیح‌تر لازم است از آزمون فریدمن استفاده شود. شایان ذکر است که خصیصه‌های استقلال‌طلبی، عزم و اراده، توفیق‌طلبی، خلاقیت و ریسک‌پذیری متغیرهای وابسته‌ای هستند که دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران به آنها پاسخ داده‌اند و بنابراین آزمون فریدمن، قابلیت اولویت‌بندی این خصیصه‌ها را دارد. برای این منظور فرض زیر را در نظر می‌گیریم.

فرض صفر: پنج مؤلفه استقلال‌طلبی، عزم و اراده، توفیق‌طلبی، خلاقیت و ریسک‌پذیری دانشجویان دانشگاه علم و صنعت از اولویت یکسانی برخوردار هستند.

جدول 7. میانگین رتبه

رتبه‌ها		
رتبه	میانگین رتبه	رتبه‌ها
1	3.53	توفیق‌طلبی
4	1.10	استقلال‌طلبی
3	3.33	خلاقیت
1	3.53	ریسک‌پذیری
2	3.50	عزم و اراده

جدول 8. نتایج آزمون فریدمن

تعداد	2244
خی دو	4365
درجه آزادی	4
سطح معنی‌داری	0/000

نتایج آزمون، شامل دو خروجی می‌باشد. خروجی اول (جدول 7) آماره‌ای توصیفی است که میانگین رتبه‌های هر متغیر را نشان می‌دهد. خروجی دوم (جدول 8) به ترتیب تعداد داده‌های هر متغیر، مقدار آماره کای دو، درجه آزادی و سطح معنی‌داری را ارائه می‌کند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فریدمن، از آنجایی که سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده برای این تحقیق برابر 0/000 بود و کمتر از 5 درصد است، فرض صفر رد شد و ادعای یکسان بودن رتبه (اولویت) خصیصه‌های کارآفرینی پذیرفته نمی‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که میانگین رتبه‌ها یکسان نیستند. بر این اساس، نتایج جدول 7 حاکی از آن است که خصیصه‌های توفیق‌طلبی و ریسک‌پذیری، رتبه اول، خصیصه عزم و اراده، رتبه دوم، خصیصه تمایل به خلاقیت، رتبه سوم و خصیصه استقلال‌طلبی، رتبه چهارم را در بین دانشجویان دانشگاه دارند.

مقایسه دانشکده‌ها

بررسی خصیصه‌های کارآفرینی در دانشکده‌های برق، راه آهن، ریاضی، مهندسی شیمی، صنایع، عمران، فیزیک، کامپیوتر، مواد و متالوژی، معماری و شهرسازی و مکانیک، یکی دیگر از اهداف اصلی این تحقیق می‌باشد. همان‌گونه که در روش نمونه‌برداری نیز بیان شد، در این تحقیق، هر دانشکده به صورت یک جامعه در نظر گرفته شد و حجم نمونه برای آن به صورت مستقل محاسبه شده است. با توجه به اینکه خصیصه‌های کارآفرینی به عنوان متغیرهای کمی وابسته می‌باشند، می‌توان از آزمون واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین ویژگی‌های کارآفرینی دانشکده‌های یازده‌گانه استفاده کرد. جدول 9 خلاصه نتایج حاصل از این دو آزمون را نشان می‌دهد.

جدول 9. خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و توکی خصیصه‌های کارآفرینی دانشکده‌ها

اولویت‌بندی دانشکده‌ها	نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	خصیصه‌ها
راه آهن	متفاوتند	0/0	10	کارآفرینی
راه آهن	متفاوتند	016%	10	توفیق طلبی
یکسانند	یکسانند	154%	10	استقلال طلبی
یکسانند	یکسانند	154%	10	ریسک پذیری
گروه 1: راه آهن، ریاضی، برق، فیزیک، کامپیوتر، معماری و شهرسازی گروه 2: صنایع، مهندسی شیمی، برق، مکانیک، عمران، مواد و متالوژی	متفاوتند	0/0	10	خلاقیت
راه آهن	متفاوتند	0/0	10	عزم و اراده

همان‌گونه که جدول 9 نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری برای کارآفرینی و مؤلفه‌های توفیق‌طلبی، خلاقیت و عزم و اراده، کمتر از 5 درصد و برای مؤلفه‌های استقلال‌طلبی و ریسک‌پذیری بیشتر از آن می‌باشد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که مشخصه‌های استقلال‌طلبی و ریسک‌پذیری در تمامی دانشکده‌ها از اولویت یکسانی برخوردارند و خصیصه‌های کارآفرینی، توفیق‌طلبی و عزم و اراده در دانشکده‌ها اولویت یکسانی ندارند. بنابراین می‌توان با استفاده از آزمون توکی نسبت به اولویت‌بندی آنها اقدام کرد. نتایج آزمون توکی در مورد اولویت‌بندی خصیصه‌های مذکور، حاکی از آن است که در مجموع، دانشکده راه آهن، شرایط مناسب‌تری را نسبت به سایر دانشکده‌ها دارند. همچنین از نظر خصیصه خلاقیت، دانشکده‌های راه آهن، ریاضی، برق، فیزیک، کامپیوتر، معماری و شهرسازی نسبت به سایر دانشکده‌ها از شرایط مطلوب‌تری برخوردار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

از نتایج قابل‌تأمل این تحقیق مقایسه همپوشانی دو ابزار سنجش ویژگی‌های کارآفرینی می‌باشد. به خصوص در حالتی که یکی از این ابزارها بومی و دیگری غیربومی است. اگر چه دو ابزار کارآفرینی آزمون جامع کارآفرینی و ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی مؤلفه‌های متفاوتی از کارآفرینی فردی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، با این وجود ضریب همبستگی بین نتایج حاصل از دو پرسشنامه 74/5 درصد می‌باشد که بیانگر همگرایی نسبتاً بالای دو پرسش‌نامه است و می‌تواند به عنوان روایی هر کدام از این پرسشنامه‌ها تحلیل شود.

در این تحقیق بر پایه ابزار آزمون جامع کارآفرینی، خصیصه‌های استقلال طلبی، توفیق طلبی، ریسک‌پذیری، خلاقیت و عزم و اراده به عنوان مؤلفه‌های شخصیتی یک فرد کارآفرین معرفی شد و سپس این ویژگی‌ها در بین دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران و دانشکده‌های یازده‌گانه آن مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران خصیصه کارآفرینی نسبتاً بالایی ندارند اما 7 درصد از دانشجویان، شرایط لازم برای کارآفرین بودن را دارا هستند. همچنین بیش از 49 درصد از دانشجویان دارای شرایطی هستند که با تلاش اندک برنامه‌ریزان دانشگاهی می‌توانند حداقل‌های لازم برای کارآفرین شدن را کسب کنند. مطالعات (گردنایج و همکاران، 2007) در دانشگاه مازندران نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهد و حکایت از این دارد که برنامه‌ریزان آموزش عالی می‌توانند با توجه جدی‌تر به مقوله کارآفرینی، موفقیت‌های چشمگیری را برای کشور به ارمغان بیاورند.

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، مؤلفه‌های توفیق طلبی و ریسک‌پذیری در بین دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران از امتیاز بیشتری نسبت به سایر خصیصه‌ها برخوردار هستند. از سویی دیگر، تجزیه و تحلیل صورت پذیرفته نشان داد که خصیصه عزم و اراده در بین دانشجویان این دانشگاه در رتبه دوم و خصایص خلاقیت و استقلال طلبی به ترتیب در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند. این نتیجه به نحوی با نتایج (دانایی فرد و همکاران، 2007) که همبستگی مثبتی بین خصیصه توفیق طلبی و ریسک‌پذیری قابل می‌باشند هم‌خوانی دارد. تحقیقات خانم (گلر، 2004) در مورد زنان ایرانی، اگرچه مختص به دانشجویان نبود نیز تأییدکننده این مطلب است که توفیق طلبی یکی از مؤثرترین ویژگی‌ها در کارآفرینی زنان ایرانی می‌باشد. از سوی دیگر، (بدری و همکاران، 2006) بیانگر این مطلب است که نمرات ریسک‌پذیری دانشجویان دانشگاه اصفهان در مقایسه با سایر ویژگی‌ها رتبه پایین‌تری دارد؛ بنابراین اگرچه به نظر می‌رسد ریسک‌پذیری دانشجویان را می‌توان در روحیه خطرپذیری ایشان در عرصه‌های مختلف سیاسی- اجتماعی برای رسیدن به هدف نیز مشاهده کرد اما میزان و رتبه آن در مقایسه با سایر خصیصه‌ها می‌تواند در دانشگاه‌های مختلف تفاوت داشته باشد و در این رابطه هنوز نیاز به تحقیقات گسترده‌تری وجود دارد. این مطلب از این نظر حایز اهمیت است که به گفته اکثر محققان، از جمله (محمد رضا زاهدی، پیمان اخوان و شایان نقدی خنجاه، 2020)، (سیرن و کوهتمانی، 2016)، خصیصه‌های ریسک‌پذیری و توفیق طلبی، از مهم‌ترین ویژگی‌های کارآفرینان محسوب می‌شود و چنانچه دانشجویان ایرانی به هر دلیل واجد یا فاقد این ویژگی‌ها باشند باید مورد توجه قرار گیرد.

اولویت‌بندی خصیصه‌های کارآفرینی در دانشکده‌های یازده‌گانه دانشگاه علم و صنعت، حاکی از آن است که در مجموع، دانشکده راه آهن، شرایط مناسب‌تری را نسبت به سایر دانشکده‌ها داراست. استقلال طلبی و ریسک‌پذیری در دانشکده‌ها از اولویت یکسانی برخوردارند و از نظر خصیصه خلاقیت، دانشکده‌های راه آهن، ریاضی، برق، فیزیک، کامپیوتر، معماری و شهرسازی نسبت به سایر دانشکده‌ها از شرایط مطلوب‌تر برخوردار هستند. قابل توجه است که دانشجویان دانشکده راه آهن از میانگین سنی بالاتری نسبت به سایر دانشکده‌ها برخوردارند و تجربه کاری ایشان نیز به طور میانگین از سایر دانشکده‌ها بالاتر است؛ بنابراین شاید بتوان بالاتر بودن رتبه کارآفرینی دانشجویان دانشکده راه آهن را به این عوامل وابسته دانست ولی برای پاسخ صریح‌تر به این موضوع نیاز به تحقیقات بیشتری می‌باشد.

در خاتمه با توجه به نتایج و بحث‌های صورت پذیرفته پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

1. با توجه به اینکه دانشگاه علم و صنعت ایران، به عنوان یکی از دانشگاه‌های مادر شناخته می‌شود و از توانمندی‌های بسیار بالایی در ارتباط با صنعت نیز برخوردار است، به نظر می‌رسد، آموزش عالی کشور باید با جدیت بیشتری به دلایل پایین بودن نمره کارآفرینی دانشجویان توجه کند و در این زمینه برنامه‌ریزی‌های جدی‌تری را برای آموزش و پژوهش در دستور کار خود قرار دهند.
2. با توجه به تفاوت‌های معنی‌داری که در ویژگی‌های صفت کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های یازده‌گانه دانشگاه علم و صنعت، به نظر می‌رسد عوامل و فعالیت‌های آموزشی، توزیع جنسیتی، سابقه فعالیت‌های کاری و اجتماعی دانشکده‌های مختلف باید مورد توجه قرار گیرد و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر کارآفرینی شناسایی شوند. برای

نمونه چنانچه ثابت شود بین بالا بودن رتبه‌بندی کارآفرینی دانشکده راه‌آهن و سابقه کار دانشجویان این دانشکده، همبستگی مثبتی وجود دارد، تأسیس دوره‌های جدید آموزشی که دانشجویان حین تحصیل ملزم به فعالیت‌های کاری باشند یا پژوهش دانشجویان در دوره‌های کارشناسی ارشد در صورت داشتن سابقه کار می‌تواند در دستور کار برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد.

3. پیشنهاد می‌شود تحقیقات مشابه با این تحقیق در مورد دانشجویان سایر دانشگاه‌های کشور نیز صورت پذیرفته تا بتوان از جمع‌بندی این نتایج به برنامه‌ریزی‌های آموزشی دست یافت.

4. پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌های کشور از منظر میزان کارآفرین بودن مورد پژوهش جدی قرار گیرند تا بدین وسیله بتوان فاکتورهای مؤثر محیطی در کارآفرینی دانشجویان را شناسایی و متناسب با آن نسبت به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه اقدام کرد.

References

- Antonio, T., Lanawati, S., Wiriana, T. A., & Christina, L. (2014). Correlations Creativity, Intelligence, Personality, and Entrepreneurship Achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 115, 251-257. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.02.433>
- Badri, E., Liaqatdar, M. J., Abedi, M. R., & Jafari, S. I. (2006). Investigating the entrepreneurial capabilities of Isfahan University students. *Research and planning in higher education*, 12(2), 73-90. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=46127>
- Boz, A., & Ergeneli, A. (2014). Women Entrepreneurs' Personality Characteristics and Parents' Parenting Style Profile in Turkey. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 109(1), 92-97. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.12.425>
- Danaifard, H., Frouhi, M., & Salehi, A. (2007). Promoting Entrepreneurship in Iran: An Analysis of the Role of Government. *Quarterly Journal of Business Research*, 11(42), 221-262. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=58664>
- Deligianni, I., Voudouris, I., & Lioukas, S. (2017). Do Effectuation Processes Shape the Relationship between Product Diversification and Performance in New Ventures? *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(3), 349-377. <https://doi.org/10.1111/eta.p.12210>
- Druker, J. (2007). Industrial relations and the management of risk in the construction industry. *People and Culture in Construction: A Reader*, 70-84.
- Fathi, S. (2000). Cultural Transformation: A Step Towards Entrepreneurship. *Tadbir Magazine*(102), 33-38. [http://ensani.ir/file/download/article/20101230164539-\(872\).pdf](http://ensani.ir/file/download/article/20101230164539-(872).pdf)
- Fry, F. L. (1993). *Entrepreneurship: A Planning Approach*. West Publishing Company. <https://books.google.com/books/about/Entrepreneurship.html?id=Rp8rAAAAYAAJ>
- Goldard, P. (2004). *Designing a Model for Women's Entrepreneurship Development in Iran* [PhD, Azad University, Science and Research Branch]. Tehran, Iran.
- Ghorbani, S., & Naghdi, Khanachah, Sh. (2020). Investigating the reasons for failures and delays in R&D projects with the project management approach. *Annals of Management and Organization Research*, 1(4), 319-334. <https://doi.org/10.35912/a.mor.v1i4.553>
- Gudonavicius, L., & Fayomi, J. O. (2014). The Relation between Entrepreneurial Personality and Strategic Decision Making. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 156, 24-29. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.11.113>
- Khosravi, A. A., Sohrabi Fard, N., & Hooman, H. A. (2006). Validation of entrepreneurship measurement scale in managers of government agencies. *Transformational Psychology*, 2(8), 267-276. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=67020>

- Kurd Naeij, A., Zali, M. R., Hooman, H. A., & Shams, Sh. (2007). *Personality traits measurement tool for Iranian entrepreneurs*. Tarbiat Modares University. <https://www.faraketab.ir/archive/search/view/id/330228>
- Lavioe, D. (1995). *Froum sure I entrepreneurship feminine quebecois*. Montreal ecoledes hauts commericales montreal.
- Li, L., Jiang, F., Pei, Y., & Jiang, N. (2017). Entrepreneurial orientation and strategic alliance success: The contingency role of relational factors. *Journal of Business Research*, 72, 46-56. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2016.11.011>
- Li, P., & Gatlin, D. M. (2006). Nucleotide nutrition in fish: Current knowledge and future applications. *Aquaculture*, 251(2), 141-152. <https://doi.org/10.1016/j.aquaculture.2005.01.009>
- Moradi, M. (2018). Job assessment of the graduated persons of technical and the profession university faculties of Khuzestan in the 2016-2017 educational years. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 15(43), 127-137. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100518_3681a968ee40045a858eee73ea092d34.pdf
- Runco, M. A., Acar, S., & Cayirdag, N. (2017). A closer look at the creativity gap and why students are less creative at school than outside of school. *Thinking Skills and Creativity*, 24, 242-249. <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2017.04.003>
- Saeedi Kia, M. (2003). *Introduction to Entrepreneurship*. Sepas.
- Sehat, A., Abdi Jamairan, A., & Hosseini, A. (2017). Study of the process and exploitation of entrepreneurial opportunities. *Karafen Scientific Quarterly*(41), 68-86. <http://karafan.saminattech.ir/WebUsers/karafan/UploadFiles/OK/13971030167024-F.pdf>
- Shakershekan, H., Najarian, B., Shahni Yilagh, M., & Brounmadnasab, M. (2003). Study of the simple and multiple relationship between creativity, achievement motivation, risk-taking, controlling position, creativity and self-esteem with entrepreneurship in students of Shahid Chamran University of Ahvaz. *Journal of Research, Educational Sciences and Psychology*, 9(3-4), 32-16. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=11377>
- Simonin , M. (2006, March). *Women in Entrepreneurship*. Research Paper for Seminar in Business Strategy & International Business.
- Siren, C., Hakala, H., Wincent, J., & Grichnik, D. (2017). Breaking the routines: Entrepreneurial orientation, strategic learning, firm size, and age. *Long Range Planning*, 50(2), 145-167. <https://doi.org/10.1016/j.lrp.2016.09.005>
- Siren, C., & Kohtamaki, M. (2016). Stretching strategic learning to the limit: The interaction between strategic planning and learning. *Journal of Business Research*, 69(2), 653-663. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2015.08.035>
- Vanderwolf, C. H. (1971). Limbic-diencephalic mechanisms of voluntary movement. *Psychol Rev*, 78(2), 83-113. <https://doi.org/10.1037/h0030672>
- Werhahn, D., Mauer, R., Flatten, T. C., & Brettel, M. (2015). Validating effectual orientation as strategic direction in the corporate context. *European Management Journal*, 33(5), 305-313. <https://doi.org/10.1016/j.emj.2015.03.002>
- Yaghoubi , F. (2004). *Study of practicality, validity, validity and softening of the entrepreneurship measurement scale in research institutes of the Ministry of Defense* [Master, Tehran]. Iran.
- Yaqubi, N., Dehghani, M., & Omidvar, M. (2017). A model for the establishment of meta-synthesis technique based entrepreneurial university and TOPSIS. *Karafen Scientific Quarterly*, 14(41), 56-65. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100500.html
- Yarai, A. (2004). *Study of some entrepreneurial spirits among students of Shiraz University* [Master, Shiraz]. Iran.

- Zahedi, M., Akhavan, P., & Naghdi Khanachah, Sh. (2020). Identifying the Key Barriers to Knowledge Management and Lessons Learned in the Project-Based Military Organizations. *Military Management Quarterly*, 19(76), 29-68. <https://doi.org/10.2 2034/iamu.2020.43077>
- Zahedi, M. R., & Naghdi Khanachah, Sh. (2020). The impact of customer assisted knowledge production capacity on customer capital in a knowledge-based center. *Annals of Management and Organization Research*, 1(2), 107-121. <https://doi.org/10.35912/amor.v 1i2.314>

ضمایم

مطابق روش امتیازدهی پرسشنامه مزبور، مقدار عددی کارآفرینی برای آزمودنی برابر است با جمع مقادیر خصیصه‌های خلاقیت، عزم و اراده، توفیق طلبی، ریسک پذیری و استقلال طلبی که حداکثر و حداقل آن برای هر ویژگی در جدول شماره 1 نشان داده شده است. بنابراین بیشترین امتیاز قابل کسب از این پرسشنامه برای معرفی شدن به عنوان کارآفرین 54 و کمترین مقدار برابر 37 و می‌باشد.

جدول 1. حداقل و حداکثر مقدار خصیصه‌ها

نام خصیصه	حداقل مقدار خصیصه	حداکثر مقدار خصیصه	نام خصیصه	حداقل مقدار خصیصه	نام خصیصه
عزم و اراده	8	12	توفیق طلبی	9	12
خلاقیت	8	12	استقلال طلبی	4	6
کارآفرینی	37	54	ریسک پذیری	8	12

پرسشنامه دوم، به نام "ابزار سنجش کارآفرینان ایرانی" مشتمل بر 95 سؤال بود و قابلیت اندازه‌گیری مولفه‌های ریسک‌پذیری، کانون کنترل هر فرد، نیاز به موفقیت، سلامت فکری، عملگرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی را دارد. جدول شماره 2 میزان امتیاز این خصیصه‌ها را بیان می‌دارد.

جدول 2. امتیازدهی خصیصه‌ها در ابزار سنجش کارآفرینان ایرانی

مقوله	بسیار ضعیف	ضعیف	قوی	بسیار قوی
ریسک‌پذیری	[43-18]	[51-43]	[57-51]	[72-57]
کانون کنترل بیرونی	[49-17]	[55-49]	[60-55]	[60-68]
نیاز به پیشرفت	[44-15]	[48-44]	[53-48]	[60-53]
سلاست فکری	[34-13]	[38-34]	[43-38]	[52-43]
عملگرایی	[25-8]	[28-25]	[30-28]	[30-32]
تحمل ابهام	[18-11]	[22-18]	[26-22]	[26-44]
رویاپردازی	[19-7]	[21-19]	[23-21]	[28-23]
چالش‌طلبی	[16-6]	[19-16]	[21-19]	[24-21]
کارآفرینی	[264-95]	[283-264]	[303-283]	[380-303]



Investigating the Role of Social Networks on Entrepreneurial Behaviors in Small and Medium Enterprises in Sanandaj City¹

Haydar Mohammadi^{1*}, Seyed Mohammad Mosavi Jad², Arman Ahmadizad³

¹Former M.Sc. Student, Department of Business Administration, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan (UOK), Kurdistan, Iran.

^{2,3}Assistant Professor, Department of Business Administration, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan (UOK), Kurdistan, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 06.09.2020

Revised: 12.07.2020

Accepted: 12.08.2020

Keyword:

entrepreneurial behaviors
social networks
small and medium enterprise

*Corresponding Author:

Haydar Mohammadi

Email:

mohammadi.haydar92@yahoo.com

ABSTRACT

Entrepreneurial behaviors in small and medium-sized enterprises are an attempt to innovate in the organization and change the status quo. Social networking is considered as an environmental change that in small and medium enterprise can have an impact on entrepreneurial behaviors. This research is applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of data collection. The statistical population of this research consisted of small and medium enterprise managers in Sanandaj city. The names of 120 small and medium companies were provided by the Sanandaj Industrial Companies Town. Using Morgan's table, 92 owners of these small and medium industries were selected by simple random sampling technique. In the present study, a standard questionnaire was used to collect information. The data was analyzed using SPSS tools for the descriptive and inferential sections. The results showed that social networks affect entrepreneurial behaviors. According to the managers of these enterprises, among the dimensions of social networks, the factor causing most impact on entrepreneurial behaviors was related to diversity, extent, awareness and trust in the order mentioned.

¹ This article is based on a defended thesis and research project sponsored by the Science and Technology Park of Kurdistan and with cooperation from the Iran Small Industries and Industrial Parks Organization (ISIPO).





بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در بروز رفتارهای کارآفرینانه در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط شهر سندانج²

حیدر محمدی^{1*}، سید محمد موسوی جد²، آرمان احمدی زاد³

- 1- دانش آموخته کارشناسی ارشد، دپارتمان مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
- 2- استادیار، دپارتمان مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

رفتارهای کارآفرینانه در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، تلاشی برای نوآوری در سازمان و تغییر وضعیت موجود است. شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک تغییر محیطی محسوب می‌شود که در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند تأثیراتی را بر رفتارهای کارآفرینانه داشته باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را مدیران کسب‌وکارهای کوچک و متوسط شهر سندانج تشکیل می‌دهند که اسامی شرکت‌های کوچک و متوسط به تعداد 120 شرکت توسط شرکت شهرک‌های صنعتی سندانج اعلام شد. با استفاده از جدول مورگان تعداد 92 نفر از صاحبان این صنایع کوچک و متوسط به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استاندارد استفاده شد. داده‌های گردآوری شده با کمک نرم‌افزار SPSS در دو حوزه توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که شبکه‌های اجتماعی بر رفتارهای کارآفرینانه تأثیرگذار می‌باشد و از نظر مدیران این کسب‌وکارها در میان ابعاد شبکه‌های اجتماعی بیشترین تأثیر بر رفتارهای کارآفرینانه به ترتیب مربوط به تنوع و گستردگی و اطلاع‌رسانی و اعتماد می‌باشد.

دریافت مقاله: 1399/03/20

بازنگری مقاله: 1399/09/17

پذیرش مقاله: 1399/09/18

کلید واژگان:

رفتارهای کارآفرینانه

شبکه‌های اجتماعی

کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

*نویسنده مسئول: حیدر محمدی

پست الکترونیکی:

mohammadi.haydar92@yahoo.com

¹ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دفاع‌شده و طرح پژوهشی می‌باشد که با حمایت مالی پارک علم و فناوری استان کردستان و همکاری شرکت شهرک‌های صنعتی استان کردستان انجام شده است.



مقدمه

کسب و کارهای کوچک و متوسط به عنوان نیرو محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی، نقش اساسی در فرایند توسعه جوامع دارند. داشتن جریان اقتصادی توانمند، برخورداری از قدرت سازگاری با شرایط متغیر محیطی، امکان رقابت پذیری بالا، همچنین تنوع و نوآوری، از مهم ترین ویژگی های این نوع کسب و کارها است (الهام تاجی، مرتضی رضایی زاده و هادی نوتاش، 2018). برداشت از مفهوم کارآفرینی در کشورهای مختلف متفاوت است، تجزیه و تحلیل جامع در مورد نقش کارآفرینی می تواند به رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منجر شود. ترکیب انگیزه های موقعیتی برای کشف این رابطه در اقتصادهای در حال ظهور، ارزش پژوهش بیشتری را با خود به همراه خواهد داشت (فنگ-ون چن، لانگ-وانگ فو، کای وانگ، سانگ-بینگ تسای و چینگ-هسیا سو، 2018)¹. به رغم تنوع جوامع آنلاین در دسترس همه آنها ویژگی مشترکی دارند، آن هم این که تعداد زیادی از کاربران تحت یک هویت مجازی در تعامل با یکدیگر می باشند. شبکه های اجتماعی که روزبه روز به تعداد آنها اضافه می شود، کاربران را قادر می سازد روابط اجتماعی صریح یا ضمنی ایجاد کنند تا شبکه را به عنوان یک ویتترین در سراسر جهان برای به اشتراک گذاری محصولات، خدمات، اطلاعات، نظرات به کار گیرند. در سناریو شبکه های اجتماعی، ارزیابی اعتبار اطلاعات، به دلیل ماهیت نامشخص و باز بودن آن و فقدان ساختارهای حکومتی قوی کمی دشوار است. در واقع این ناشناس بودن یک محیط مناسب برای کاربران مخرب را فراهم می کند تا اطلاعات نادرست، ویروس یا حتی سودجویی را در قالب شبکه های اجتماعی منتشر کنند (اکل اورنا، گنگ کو، یوچنگ دونگ، فرانسیسکو چیکلانا و انریکه هررا-ویدما، 2019)². سازماندهی اثربخش در رسانه های اجتماعی برتری هایی را در سازمان ها به وجود می آورد. حضور همه جانبه تک تک مردم از اقشار مختلف در شبکه های اجتماعی باعث شده که کسب و کارها از این طریق، بازار خود را به دست بیاورند و تعامل زنده، واقعی و صمیمانه ای با مخاطبان خود داشته باشند (مریم اخوان خرازیان و هادی شریفی الحسینی، 2018). استفاده از شبکه های اجتماعی توسط بیش از نیمی از جمعیت جهان حاکی از وجود فرصت ها و تهدیدهایی برای کسب و کارها می باشد. کسب و کارهایی که بتوانند خود را با این تغییرات وفق دهند و از آن به عنوان ابزاری جهت تبادل نظر، به اشتراک گذاشتن مهارت ها، پیشنهادها و پروژه ها و ... استفاده کنند، منجر به روشن شدن جرقه های کارآفرینی در ذهن افراد سازمان می شود و فرصتهایی را برای سازمان به وجود می آورد. عکس این حالت، زمانی است که شرکت ها نسبت به تغییرات محیطی بی تفاوت هستند و با پافشاری بر تعصبات سازمانی خود حاضر به انعطاف و تغییر نباشند که این حالت نتیجه ای جز تهدید برای آن سازمان نخواهد داشت. در واقع در رفتارهای کارآفرینانه باید به شبکه های اجتماعی به عنوان عاملی برای تبادل منابع و اطلاعات نگاه شود. هدف از این پژوهش، مشخص کردن تأثیر شبکه های اجتماعی از دید تنوع و گستردگی، اطلاع رسانی و اعتماد بر رفتارهای کارآفرینانه در کسب و کارهای کوچک و متوسط شهر سمنان می باشد.

رفتارهای کارآفرینانه

کارآفرینی، نیروی عمده ای برای پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می رود و مفهومی است که همواره کنار بشر بوده و به عنوان یک پدیده نوین نقش مؤثر در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها داشته است. از این رو تضمین حیات و بقای کشورها نیازمند نوآوری، ابداع و خلق محصولات و خدمات جدید می باشد و یکی از ویژگی های مشترک این دسته الگوها، توجه به عوامل محیطی اثرگذار بر کارآفرین و جریان کارآفرینی است (صادق ملکی آوارسین، حورا سودی و نیر سیدنظری، 2017). تعریف کارآفرینی در سطح خرد به ابتکار کارآفرینی مربوط می شود که می تواند به شرکت ها کمک کند تا منابع را دریافت کنند، خطرات را بپذیرند و اعتماد به نفس داشته باشند. در سطح سازمانی رفتارهای

¹ Feng-Wen Chen, Long-Wang Fu, Kai Wang, Sang-Bing Tsai & Ching-Hsia Su, 2018

² Raquel Urena, Gang Kou, Yucheng Dong, Francisco Chiclana & Enrique Herrera-Viedma, 2019

کارآفرینانه به عنوان اقدامات استراتژیک، دامنه نوآوری محصول و تمایل رفتاری به دنبال رهبری فناوری شرکت‌ها در مواجهه با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان و همچنین روند ایجاد کسب‌وکار جدید یا به‌روزرسانی آن کسب‌وکار با تأکید بر ویژگی کارآفرینی سازمانی می‌باشد (چن و همکاران، 2018). کارآفرینی با ایجاد نوآوری در حرفه‌های پایدار و تأثیر روزافزون بر عرصه اشتغال، نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور ایفا می‌کند و جامعه را در مسیر کارآمدی نیروهای انسانی و کشف استعدادهای نهفته یاری می‌رساند (زاده اریانا، زهرا دستیار و علی توسلی، 2020). رفتار کارآفرینانه یک سازه کلیدی در درک چگونگی ایجاد سازمان جدید توسط کارآفرینان است. رفتار کارآفرینانه به عنوان یک سازه قابل مشاهده و متفاوت از سایر مفاهیم مرتبط در نظر گرفته شده است. در مرور و بررسی ادبیات مربوط به این مفهوم، رفتار کارآفرینانه ضعیف تعریف شده است و اغلب فاقد اعتبار است. علاقه‌مندان به پژوهش در خصوص رفتار کارآفرینانه بر بهره‌برداری از فرصت ایجاد، توسعه و رشد اولیه یک کسب‌وکار جدید متمرکز شده‌اند. تمرکز بر این سازه، از لحاظ نظری بر اقدامات قابل مشاهده افراد در راه‌اندازی یا مراحل اولیه ایجاد کسب‌وکار است. این رفتارها پیامدهای بلافاصله از ویژگی‌ها، دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، شناخت (برای مثال ادراکات، تفکرات، مدل‌های ذهنی)، انگیزه‌ها و احساسات است. رفتار نیز دلیل بلافاصله فردمحور از پیامدهای ایجاد کسب‌وکار مخاطره‌ای است (مانند وجود، فروش، محصولات، بقا و رشد). اهداف اساسی پژوهش بر رفتار کارآفرینانه به‌منظور توضیح، پیش‌بینی و کنترل (شکل‌دهی و تغییر) رفتار در سطح فردی و تیمی است (علیرضا رجبی پور مبینی، الهه حسینی، علی عبدی جمایران و زهرا امیری، 2018) (به نقل از برد و همکاران). طبق مدل شاپیرو و بررسی تأثیر محیط معلوم شد که رفتار کارآفرینانه برنامه‌ریزی شده و ارادی است؛ لذا برخلاف تصورات اولیه که گمان می‌شد که کارآفرینان به جای ساخته شدن متولد می‌شوند و ویژگی‌های آنها به‌حدی نادر و ویژه است که در هر جایی یافت نمی‌شود ولی امروزه این واقعیت مشخص شده است که کارآفرینان به جای زاده شدن ساخته می‌شوند. رفتارهای کارآفرینی شامل تعاملات کارآفرین و شرایط و زمینه‌هایی است که آنها را احاطه کرده است (یمسی فردا اووتویه و رابرت پی سینگ، 2018)¹. ابعاد رفتار کارآفرینانه شامل موارد زیر هستند:

- 1- توانایی کاهش کاغذبازی اداری: دیوانسالاری یکی از موانع رفتار کارآفرینانه است، در سازمان‌های بوروکرات کارکنان سازمان مجبورند از سیستم موجود پیروی کنند.
- 2- گرایش به تغییر کارکنان: یکی از ویژگی‌های کارآفرینی، فهم تغییراتی است که باید صورت گیرد یا اینکه صورت گرفته است، کارآفرین، تغییرات حرفه‌ای را به‌درستی درک می‌کند و خود را بر موج تغییرات قرار می‌دهد و با استفاده مطلوب آنها در راستای تحقق اهداف مورد نظر سازمان عمل می‌کند.
- 3- آینده‌نگری کارکنان: مدیریت راهبردی به کارکنان این امکان را می‌دهد که به صورت خلاق و نوآورانه عمل کنند.
- 4- زمینه حمایتی: یک فرد زمانی می‌تواند کارآفرین شود که ساختار سازمان به گونه‌ای باشد که رفتار کارآفرینانه را حمایت و تشویق کند. زمینه حمایتی به معنای فضای کاری باز و هماهنگ می‌باشد که مشارکت و روابط بین فردی به صورت ویژه مورد توجه است (شیرمراد مرزبان، سیدمحمد مقیمی و ابوالقاسم عربیون، 2010). از جمله مواردی که در نحوه اعطای تسهیلات و گسترش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشور می‌توان اشاره کرد عبارتند از:

- اهمیت زیاد نقش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال و تولید خالص داخلی
- عدم تخصیص کامل منابع و کم بودن سرعت بررسی به دلیل کمبود بدنه مشاوره و کارشناسی در بانک‌ها و ارگان‌های تصمیم‌گیرنده (مسعود سامیان و رضا موحدی، 2018).

¹ Yemisi Freda Awotoye & Robert P Singh, 2018

شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی آنلاین در حال حاضر تبدیل به محبوب‌ترین سیستم عامل برای افراد برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات با دیگران شده است. علاوه بر این، تهدید جدی برای حفظ حریم خصوصی افراد وجود دارد. یکی از خطرهای حفظ حریم خصوصی، از به اشتراک گذاری اطلاعات مشترک است (جو‌وی، پارک، چانگ سو سانگ و ایم ایل، 2017)¹. زمانی می‌توانیم تعریفی از شبکه‌های اجتماعی داشته باشیم که آن را به صورت جداگانه بررسی کنیم. اجتماعی بودن شامل تعامل و ارتباط بین افراد است و شبکه‌های اجتماعی ابزار و سیستم عاملی هستند که از طریق آن اطلاعات در میان گروهی از افراد منتقل می‌شود (ینکا کالوین اوجلیه، مایکل آیزاک اوپوسونجو، عبداللهی ابراهیم احمد و ساموئل آکو، 2018)². مشکل شبکه‌های اجتماعی آنلاین این است که کاربران دانش ناقصی در مورد محیط اطراف خود دارند و نمی‌دانند که چه اطلاعاتی در اینترنت قابل اطمینان است (مینا قوی پور و محمدرضا میبدی، 2018). دنیای امروز با پدیده‌های جدید و به سرعت همه‌گیر به نام رسانه‌های اجتماعی در فضای نت روبه‌رو شده است. رسانه‌های اجتماعی، برنامه‌های کاربردی، برنامه‌های زیرساختی و رسانه‌های برخط به منظور تسهیل تعامل، همکاری و به اشتراک گذاری محتوا هستند (اخوان خرازیان و شریفی الحسینی، 2018). شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های کاربردی به عنوان ابزار مفید برای کارآفرینی در نظر گرفته می‌شود. آنها کارآفرینان را قادر می‌سازند به راحتی تغییرات و فرصت‌های ایجاد کسب و کار را از طریق تعاملات و ارتباطات با هم‌تایان در شبکه‌ها شناسایی کنند. رسانه‌های اجتماعی فرصت‌هایی برای دستیابی به مشتریان هدف و ایجاد ایده‌های جدید برای شروع یک کسب و کار ارائه می‌دهند. برقراری رابطه قوی برای موفقیت مهم است. کارآفرینان تمایل دارند از رسانه‌های اجتماعی برای اشتراک اطلاعات و یافتن فرصت‌های بهتر استفاده کنند (پارک و همکاران، 2017).

پیشینه پژوهش

(مهران کشتکارهرانکی و صدیقه پورمظاهری، 2019)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی و شناخت تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نوآوری اجتماعی» به این نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشترین تأثیر را به ترتیب بر ایده‌پردازی برای حل مسئله، اثربخشی محصول و دستاورد نهایی، شناخت مسئله و اجرا و نهادینه‌سازی ایده‌ها دارد. (اخوان خرازیان و شریفی الحسینی، 2018)، در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی و برتری‌یابی کارکردهای رسانه‌های اجتماعی در شرکت‌های کوچک و متوسط از دیدگاه صاحب‌نظران ایرانی» پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از نقش رسانه‌های اجتماعی در کارکردهای فروش و اثربخشی تبلیغات، نمانام‌سازی، هزینه، بهبود ارتباطات کارکنان، اثربخشی سازمانی و مدیریت دانش بود. رسانه‌های اجتماعی بیشترین تأثیر را بر کارکردهای فروش و کم‌ترین تأثیر را در اثربخشی سازمانی و مدیریت دانش داشت.

(آلویسیوس هری پراتونو، 2018)³، در پژوهشی به بررسی «نقش شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط» پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که استفاده از شبکه‌های اجتماعی در فرایند مدیریت بر عملکرد شرکت‌های در حال رشد تأثیر نمی‌گذارد، مگر اینکه شرکت‌ها بر شبکه‌های اجتماعی اعتماد کنند. شبکه اجتماعی با اعتماد به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا توانایی قیمت‌گذاری و قابلیت فروش را به دست آورند که در این صورت تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت می‌گذارد.

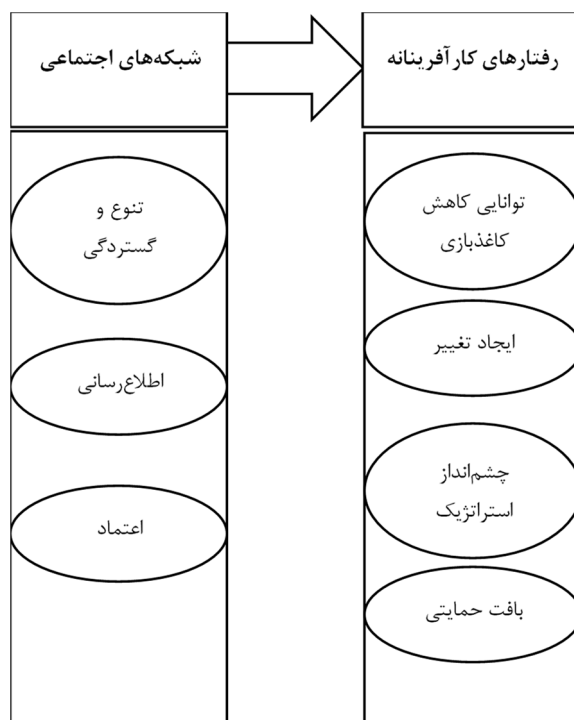
¹ Joo Y. Park, Chang Soo Sung & Il Im, 2017

² Yinka Calvin Ojeleye, Michael Isaac Opusunju, Abdullahi Ibrahim Ahmed, Samuel Aku, 2018

³ Aluisius Hery Pratono, 2018

(آی کاکیش و اس الحداد، 2018)¹، در پژوهشی تحت عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی در موفقیت پروژه‌های کارآفرینی» به این نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری در پیشبرد و موفقیت پروژه‌های کارآفرینی دارند و همچنین در این میان نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی همچون سن و جنسیت و تحصیلات در میزان اثرگذاری تأثیر معناداری داشتند.

(پارک و همکاران، 2017)، در پژوهشی تحت عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی در کشف فرصت‌های کارآفرینانه» به این نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی می‌تواند منجر به کشف فرصت‌های کارآفرینانه بشود ولی از سوی دیگر همین شبکه‌ها می‌تواند برنامه‌های پیشین و مدل‌های کسب‌وکاری که در ذهن کارآفرین نقش بسته بود را به هم بریزد و موجب تضعیف آن شود.



شکل شماره 1. مدل مفهومی پژوهش

مواد و روش تحقیق

این پژوهش، از لحاظ هدف، کاربردی و از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را مدیران کسب‌وکارهای کوچک و متوسط شهر سمنان تشکیل می‌دهد. طبق آمار شرکت شهرک‌های صنعتی سمنان تعداد این شرکت‌ها 120 شرکت می‌باشد و ما نیز تعداد مدیران را 120 نفر در نظر گرفتیم؛ زیرا در کسب‌وکارهای

¹ I Kakish & S Al-Haddad, 2018

کوچک و متوسط تفکیک بین مالکیت و مدیریت به ندرت دیده می شود. با توجه به معلوم بودن تعداد جامعه آماری پژوهش طبق جدول مورگان تعداد اعضای نمونه 92 نفر به دست آمد که روش تعیین حجم نمونه در این پژوهش به صورت تصادفی ساده بود. در پژوهش حاضر برای جمع آوری اطلاعات در بخش اول با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و در بخش دوم با استفاده از ابزار پرسش نامه به جمع آوری اطلاعات در بخش میدانی پرداخته شد. برای متغیر شبکه اجتماعی از پرسش نامه استاندارد و متغیر رفتارهای کارآفرینانه از پرسش نامه (مرزبان و همکاران، 2010) استفاده شده است. روایی این پرسش نامه‌ها با توجه به استاندارد بودن پرسشنامه‌ها در پژوهش‌های قبلی، تأیید شده است ولی با این حال نیز برای اطمینان بیشتر، پژوهشگران آن را به تأیید پنج تن از استادان صاحب نظر مدیریت رساندند. از لحاظ پایایی نیز پایایی هر دو پرسش نامه بالای 0/7 به دست آمد که نشان از پایایی خوب پرسشنامه‌ها می باشد. یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه شد. همچنین از آزمون همبستگی و رگرسیون در نرم افزار SPSS به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می شود. در بخش توصیفی، نمونه آماری در زمینه جنسیت، سن، سابقه کار و وضعیت تحصیلی مدیران کسب و کارهای کوچک و متوسط شهر سمنان بررسی شد.

جدول 1. یافته‌های جمعیت شناختی پژوهش

موارد جمعیت شناختی	حجم نمونه به تفکیک	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	7	7/6
	مرد	85	92/4
وضعیت سنی	زیر 30 سال	18	19/6
	بین 30 - 40	39	42/4
	بین 41 - 50	23	25
	51 سال و بیشتر	12	13
	زیر 5 سال	22	23/9
سابقه همکاری	6-10 سال	23	25
	11-15 سال	25	27/2
	16-20 سال	14	15/2
	21 سال و بیشتر	8	8/7
	دیپلم	14	15/2
میزان تحصیلات	کاردانی	8	8/7
	کارشناسی	49	53/3
	کارشناسی ارشد	16	17/4
	دکتری	5	5/4

پیش از بررسی فرضیه‌های پژوهش باید توزیع طبیعی داده‌ها بررسی شود که آیا از توزیع نرمالی برخوردار هستند یا خیر. در این جا با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S) توزیع طبیعی داده‌ها بررسی خواهد شد.

جدول 2. بررسی توزیع طبیعی داده‌ها با استفاده از آزمون K-S

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر اختلاف			آماره آزمون	سطح معناداری
			مطلق	مثبت	منفی		
شبکه‌های اجتماعی	3/939	0/450	0/316	0/124	-0/316	0/316	0/001
رفتار کارآفرینانه	3/884	0/504	0/297	0/147	-0/297	0/297	0/001

بر حسب مقادیر جدول 2 توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش طبیعی نیست؛ زیرا سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از مقدار خطا 0/05 است.

جدول 3. آزمون علامت یا نشانه یک نمونه‌ای

فرضیه صفر	آزمون	سطح معناداری	نتیجه
میان شبکه‌های اجتماعی برابر با مقدار 3 است.	علامت نشانه یک نمونه‌ای	0/001	عدم تأیید فرضیه صفر
میان رفتار کارآفرینانه برابر با مقدار 3 است.	علامت نشانه یک نمونه‌ای	0/001	عدم تأیید فرضیه صفر

اگر داده‌های دارای توزیع طبیعی باشد از تحلیل t تک نمونه‌ای یا تی گروهی استفاده می‌شود و اگر دارای توزیع نرمالی نباشد از آزمون ناپارامتریک یعنی آزمون نشانه و در برخی مواقع از آزمون رانز استفاده می‌شود. بر حسب مقادیر جدول 3 نمره متغیرهای شبکه‌های اجتماعی و رفتار کارآفرینانه در نمونه آماری پژوهش مقدار بالاتر از حد متوسط (3) برآورد شده است؛ به عبارتی مشخصه شبکه‌های اجتماعی و رفتار کارآفرینانه در بین نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (میان) ارزیابی می‌شود.

اگر داده‌های دارای توزیع نرمالی بود از تحلیل ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شد ولی چون دارای توزیع نرمالی نیست از آزمون ناپارامتریک ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌شود.

جدول 4. همبستگی اسپیرمن بین متغیر شبکه‌های اجتماعی و ابعاد آن با رفتار کارآفرینانه

متغیر ملاک: رفتار کارآفرینانه		متغیرهای پیش‌بین
سطح معناداری	همبستگی	
0/001	0/612**	شبکه‌های اجتماعی
0/001	0/497**	تنوع و گستردگی
0/001	0/546**	اطلاع‌رسانی
0/001	0/452**	اعتماد

بر حسب مقادیر جدول 4 بین متغیر شبکه‌های اجتماعی و ابعاد آن با رفتار کارآفرینانه ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این روابط به حیث شدت همبستگی متوسط هستند.

فرضیه (1): شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در سطح شهر سنندج تأثیر معناداری دارد.

جدول 5. تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه

خلاصه مدل				
مدل	ضریب رگرسیون	R^2	R^2_{adj}	خطای استاندارد برآورد
1	0/879	0/772	0/769	0/242
متغیر پیش‌بین: شبکه‌های اجتماعی				
متغیر ملاک: رفتار کارآفرینانه				

با استناد به مقادیر جدول 5، ضریب رگرسیون برابر با 0/879 است، براساس این نتیجه توان پیش‌بینی‌کنندگی و تبیین شبکه‌های اجتماعی برای متغیر رفتار کارآفرینانه متوسط رو به بالا است. در واقع اگر متغیر پیش‌بین یک انحراف معیار تغییر داشته باشند متغیر رفتار کارآفرینانه 0/879 انحراف معیار تغییر پیدا می‌کند. همچنین براساس ضریب تعیین (داده‌های نمونه‌ای) واریانس شبکه‌های اجتماعی و رفتار کارآفرینانه 77/2 درصد با هم همپوشانی دارند. به بیانی دیگر واریانس شبکه‌های اجتماعی 77/2 درصد از واریانس رفتار کارآفرینانه را تبیین می‌کند. به بیانی دیگر منبع 77/2 درصد از واریانس رفتار کارآفرینانه، واریانس شبکه‌های اجتماعی است. اما در ضریب تعیین تعدیل‌شده که جامعه آماری را به جای نمونه آماری مطالعه می‌کند ضریب تعیین احتمال دارد در جامعه آماری برابر با 76/9 درصد باشد.

جدول 6. نتایج آنالیز واریانس تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
1 رگرسیون	17/864	1	17/864	304/588	0/001
باقیمانده	5/279	90	0/059		
کل	23/143	91			

با استناد به نتایج جدول 6 سطح معناداری حاصل شده کمتر از 0/05 می‌باشد، به این معنی که ضرایب به‌دست آمده در نمونه دارای تفاوت معناداری با صفر هستند. به عبارتی دیگر در جامعه آماری، شبکه‌های اجتماعی بر متغیر رفتار کارآفرینانه تأثیر دارد و در پیش‌بینی بهتر متغیر رفتار کارآفرینانه می‌تواند کمک کند.

جدول 7. نتایج ضرایب آلفا و بتا تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه

مدل	متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	t	Sig
1	B	خطای استاندارد	Beta		
(ثابت)	0/006	0/224	-	0/026	0/979
شبکه‌های اجتماعی	0/985	0/056	0/879	17/452	0/001

با استناد به مقادیر جدول 7، شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه در کسب‌وکارهای کوچک متوسط در سطح شهر سنندج تأثیر معناداری دارند ($P < 0/05$).

(شبکه‌های اجتماعی) $0/879 + 0/006 =$ رفتار کارآفرینانه

فرضیه (2): مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در سطح شهر سنندج تأثیر معناداری دارد.

جدول 8. تأثیر مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه

خلاصه مدل				
مدل	ضریب رگرسیون	R^2	R^2_{adj}	خطای استاندارد برآورد
1	0/785	0/616	0/603	0/317
متغیر پیش‌بین: تنوع و گستردگی، اطلاع‌رسانی و اعتماد				
متغیر ملاک: رفتار کارآفرینانه				

با استناد به مقادیر جدول 8، ضریب رگرسیون برابر با 0/785 است، براساس این نتیجه توان پیش‌بینی‌کنندگی و تبیین مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی برای متغیر رفتار کارآفرینانه متوسط رو به بالا است. در واقع اگر متغیرهای پیش‌بین یک انحراف معیار تغییر داشته باشند متغیر رفتار کارآفرینانه 0/785 انحراف معیار تغییر پیدا می‌کند. همچنین براساس ضریب تعیین (داده‌های نمونه‌ای) واریانس مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی و رفتار کارآفرینانه 61/6 درصد با هم همپوشانی دارند. اما در ضریب تعیین تعدیل‌شده که جامعه آماری را به جای نمونه آماری مطالعه می‌کند ضریب تعیین احتمال دارد در جامعه آماری برابر با 60/3 درصد باشد.

جدول 9. نتایج آنالیز واریانس تأثیر مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
1 رگرسیون	14/254	3	4/751	47/036	0/001
باقیمانده	8/889	88	0/101		
کل	23/143	91			

با استناد به نتایج جدول 9 سطح معناداری حاصل شده کمتر از 0/05 می‌باشد؛ به این معنا که ضرایب به‌دست‌آمده در نمونه تفاوت معناداری با صفر دارند. به عبارتی دیگر، در جامعه آماری مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی بر متغیر رفتار کارآفرینانه تأثیر دارد و در پیش‌بینی بهتر متغیر رفتار کارآفرینانه می‌تواند کمک کند.

جدول 10. نتایج ضرایب آلفا و بتا تأثیر مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کارآفرینانه

مدل	متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	T	Sig
1		B	Beta		
	(ثابت)	0/479		1/628	0/107
	تنوع و گستردگی	0/297	0/106	2/814	0/006
	اطلاع‌رسانی	0/348	0/110	3/141	0/002
	اعتماد	0/227	0/100	2/277	0/025

با استناد به مقادیر جدول 10، تمامی مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی یعنی تنوع و گستردگی، اطلاع‌رسانی و اعتماد بر رفتار کارآفرینانه در کسب‌وکارهای کوچک متوسط در سطح شهر سمنج تأثیر معناداری دارند ($P < 0/05$).

(اعتماد) 0/209 + (اطلاع‌رسانی) 0/347 + (تنوع و گستردگی) 0/315 + 0/479 = رفتار کارآفرینانه

بحث و نتیجه گیری

توسعه حاصل از فناوری‌های نوین همراه با تحول رسانه‌ای، حوزه‌های زیادی از جمله شیوه ارتباط، تفکر، کار و کارآفرینی را تحت تأثیر قرار داده است. کارآفرینی، مجموعه فعالیت‌هایی است که با استفاده اثربخش از منابع و امکانات به پایداری و تحریک پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند و به ایجاد ارزش‌های جدید منجر شده و فرصت‌های استخدام و اشتغال تازه را فراهم می‌کند. همچنین از میان محرک‌هایی که در متون کارآفرینی برای ایجاد ایده معرفی می‌شوند می‌توان به شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی اشاره کرد. اهمیت شبکه‌های اجتماعی در کارآفرینی و کسب‌وکارها در اشتراک‌گذاری اطلاعات است؛ به طوری که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، روزبه‌روز علاقه بیشتری به شبکه‌های اجتماعی مختلف نشان می‌دهند. دولت‌ها نقش‌های متعددی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها ایفا می‌کنند. نقش دولت‌ها از سیاست‌گذاری تا توسعه زیرساخت‌ها و از یک ارائه‌دهنده خدمت تا یک کمک‌کننده مالی که می‌تواند منابع مالی توسعه کسب‌وکار کوچک و متوسط را تأمین کند، در نوسان می‌باشد. البته گاهی اوقات دولت‌ها فقط در نقش یک تسهیل‌کننده عمل می‌کنند. در واقع نقش دولت‌ها با توجه به شرایط آن کشور، وضعیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و نوع اهداف و برنامه‌ها، متفاوت است. نتیجه فرضیه اول این پژوهش با نتایج پژوهش (کشتکاره‌انکی و پورمظاهری، 2019)، (اخوان خرازیان و شریف الحسینی، 2018)، (کاکیش و الحداد، 2018) و (پارک و همکاران، 2017) هم‌سویی دارد. البته این هم‌سویی در قالب کلی می‌باشد؛ زیرا این پژوهشگران به ابعاد دیگری از شبکه‌های اجتماعی توجه کرده بودند ولی نتایج در کل حاکی از تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر رفتارهای کارآفرینانه بود. کارآفرینی، فرایندی است که در شبکه متغیری از روابط اجتماعی واقع شده است. این روابط اجتماعی می‌تواند رابطه کارآفرین را با منابع و فرصت‌ها محدود تسهیل کنند. بنابراین شبکه‌ها نه تنها محرک فعالیت کارآفرینانه هستند بلکه می‌توانند بر عملکرد اقتصادی و چگونگی نتایج کارآفرینی نیز تأثیرگذار باشند بر همین اساس در دنیای رقابتی امروز که کسب‌وکارها در حال حرکت به سمت تبادلات آنلاین هستند، موفقیت کسب‌وکارهایی که در فضای مجازی انجام می‌شود، در گرو فعالیت‌های اجتماعی، حفظ، نگهداری و ارتباط با مشتری است و از آنجا که با گسترش فناوری اطلاعات در جهان و ورود سریع آن به زندگی روزمره، مسائل و ضرورت‌های تازه‌ای به وجود آمده است؛ کسب‌وکارهای اینترنتی، جایگزین روش‌های سنتی شده و به‌منزله نیرویی قوی و متمایز در کسب و کار، قادر به بهبود و ارتقای آن فضای کسب‌وکارها شده‌اند. نتیجه فرضیه دوم این پژوهش نیز حاکی از آن است که مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی تأثیر معناداری در بروز رفتارهای کارآفرینانه دارد به این صورت که می‌توان با استفاده از مؤلفه‌های این شبکه رفتارهای کارآفرینانه را ارتقا بخشید. در میان ابعاد شبکه‌های اجتماعی، بیشترین تأثیرگذاری، به ترتیب مربوط به اطلاع‌رسانی، تنوع و گستردگی و در آخر، اعتماد می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های (کشتکاره‌انکی و پورمظاهری، 2019)، (پراتونو، 2018) و (کاکیش و الحداد، 2018) هم‌خوان است. در نهایت، در راستای پژوهش انجام‌شده، پیشنهادهای کاربردی زیر مطرح شده است:

- پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان کشوری با تقویت سه مؤلفه تنوع و گستردگی، اطلاع‌رسانی و اعتماد که زیرمقیاس‌های شبکه‌های اجتماعی هستند باعث شوند که کارکنان و مدیران رغبت بیشتری نسبت به عضویت در این شبکه‌ها در راستای ارتقای رفتارهای کارآفرینانه پیدا کنند.
- دولت‌ها باید با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب و اصولی برای دوره‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، موجب شکل‌گیری فضای رقابتی کارا، بهینه و مطلوب در میان کسب و کارهای کوچک و متوسط شوند.
- دولت‌ها می‌توانند در سطح کلان‌تر از صنعت‌ها حمایت کنند و توسعه آن صنعت در گرو رقابت درون صنعتی باشد؛ زیرا حمایت‌های مستقیم بیش‌ازحد می‌تواند به وابستگی و عدم‌استقلال این کسب‌وکارها منجر شود.
- تنوع دیدگاه در شبکه‌های اجتماعی باعث بهبود نگرش مدیران کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نسبت به مسائل می‌شود، بدین صورت که با بیان ایده‌ها به صورت آزادانه و آشنایی با افکار و ایده‌های دیگران راه را برای توسعه کسب‌وکارهای خود هموار کنند.

- مدیران کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی زمینه گسترش تعاملات و آشنایی با فرهنگ‌های مختلف را برای خود و کارکنان خود فراهم کنند.
- با عضویت در شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات حوزه‌های مختلف در کمترین زمان ممکن ارائه می‌شود که این امر بر انتخاب هوشمندانه مدیران کمک می‌کند.
- مدیران با کم کردن قوانین اداری و کاهش فضای بوروکراتیک در سازمان و ایجاد جوی صمیمی و پرنرژی در میان کارکنان و تشویق آنها به استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای بهبود فرایندها و استقبال از ایده‌ها و نوآوری‌ها راه را برای بروز رفتار کارآفرینانه در سازمان خود باز کنند.
- مشاوره‌های کسب‌وکار، کمک‌هایی در زمینه فناوری اطلاعات و یا آموزش و یادگیری صحیح می‌تواند از دیگر راهکارهای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط باشد.

References

- Akhavan Kharazian, M., & Sharifi Alhosseini, H. (2018). Identifying and Prioritizing Social Medias Functions in Small and Medium Enterprises from the Perspective of Iranian Experts. *New Marketing Research Journal*, 7(4), 41-56. <https://doi.org/10.22108/nmrj.2017.106583.1418>
- Aryana, A., Dastyar, Z., & Tavasoli, A. (2020). Entrepreneur women's role in the development and evolution of the country (Case Study: Hormozgan province). *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 101-120. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105315_1d622d0621f5ef9aade3dbc9249f0f41.pdf
- Awotoye, Y. F., & Singh, R. P. (2018). Immigrant entrepreneurs in the USA: A conceptual discussion of the demands of immigration and entrepreneurial intentions. *New England Journal of Entrepreneurship*, 21(2), 123-139. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/NEJE-08-2018-0017/full/pdf?title=immigrant-entrepreneurs-in-the-usa-a-conceptual-discussion-of-the-demands-of-immigration-and-entrepreneurial-intentions>
- Chen, F-W., Fu, L-W., Wang, K., Tsai, S-B., & Su, C-H. (2018). The Influence of Entrepreneurship and Social Networks on Economic Growth—From a Sustainable Innovation Perspective. *Sustainability*, 10(7), 1-19. <https://doi.org/10.3390/su10072510>
- Ghavipour, M., & Meybodi, M. R. (2018). Trust propagation algorithm based on learning automata for inferring local trust in online social networks. *Knowledge-Based Systems*, 143, 307-316. <https://doi.org/10.1016/j.knosys.2017.06.034>
- Kakish, I., & Al-Haddad, S. (2018). The impact of using social network sites on entrepreneurial project success. *J Fin Mark*, 2(2), 73-79. https://www.researchgate.net/profile/Shafiq-Al-Haddad/publication/325381122_The_impact_of_using_social_network_sites_on_entrepreneurial_project_success/links/5b08fd74aca2725783e617a2/The-impact-of-using-social-network-sites-on-entrepreneurial-project-success.pdf
- Keshtkar Haranaki, M., & Pourmazaheri, S. (2019). Examining and Understanding the Impact of Social Networks on Social Innovation. *Scientific Journal of Strategic Management of Organizational Knowledge*, 1(3), 117-145. https://jkm.iuhu.ac.ir/article_204855_77503a6aa2a6fe59c3f2941090ecf275.pdf
- Maleki Avarsin, S., Soudi, H., & Seyed Nazari, N. (2017). Study of the role of vocational training in creating an entrepreneurial attitude in students. *Innovation and Value Creation*, 6(12), 99-120. <http://www.journalie.ir/Article/579/FullText?culture=fa>

- Marzban, S., Moghimi, S. M., & Arabian, A. (2010). The effect of organizational entrepreneurship climate on entrepreneurial behavior of managers. *New Economy and Trade*, 6(21-22), 1-25. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=176726>
- Ojeleye, Y., Opusunju, M., Ahmed, A., & Aku, S. (2018). Impact of social media on entrepreneurship development among users in zamfara state. *journal of economics & finance*, 2(2), 303-322. https://www.researchgate.net/publication/328968083_Impact_Of_Social_Media_On_Entrepreneurship_Development_Among_Users_In_Zamfara_State
- Park, J. Y., Sung, C. S., & Im, I. (2017). Does Social Media Use Influence Entrepreneurial Opportunity? A Review of its Moderating Role. *Sustainability*, 9(9), 1-16. <https://doi.org/10.3390/su9091593>
- Pratono, A. H. (2018). From social network to firm performance: The mediating effect of trust, selling capability and pricing capability. *Management Research Review*, 41(6), 680-700. <https://doi.org/10.1108/MRR-03-2017-0080>
- Rajabipour Meybodi, A., Hosseini, E., Abdi Jamairan, A., & Amiri, Z (2018). The Impact of Entrepreneurial Behavior on the Competitiveness of Small Tourism Businesses; Case study: Shiraz. *Applied Studies in Management and Development Sciences*, 3(2), 59-68 .
- Samian, M., & Movahedi, R. (2018). Employment obstacles and strategies in rural small businesses of Hamedan province. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 15(43), 47-66. https://karafan.rvu.ac.ir/article_100513_a39f553bc3aa3416cae011166b556e77.pdf
- Taki, E., Rezaeizadeh, M., & Notash, H. (2018). Identifying entrepreneurial competencies deterring sustainability in small and medium enterprises (case study: SMEs in Iranian food industry). *Journal of Entrepreneurship Development*, 11(2), 281-300. <https://doi.org/10.22059/jed.2018.210290.651890>
- Urena, R., Kou, G., Dong, Y., Chiclana, F., & Herrera-Viedma, E. (2019). A review on trust propagation and opinion dynamics in social networks and group decision making frameworks. *Information Sciences*, 478, 461-475. <https://doi.org/10.1016/j.ins.2018.11.037>



Evaluating the Performance of Non-Governmental Schools in Tehran with Emphasis on EFQM Organizational Excellence Indicators

Saeed Gilvari¹, Hamid Shafizadeh^{2*} 

¹Ph.D. Student, Department of Educational Administration, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

² Associate Professor, Department of Educational Administration, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 10.17.2020

Revised: 11.15.2020

Accepted: 01.02.2021

Keyword:

Performance Evaluation
Organizational Excellence
EFQM

*Corresponding Author:

Hamid Shafizadeh

Email: Shafizadeh11@gmail.com

ABSTRACT

The main purpose of this study was to evaluate the performance of non-governmental schools in Tehran with emphasis on EFQM organizational excellence indicators. The present study is descriptive type in terms of development-applied purpose and in terms of research method. The study population included all principals, teachers and staff of non-governmental primary, junior high and junior high schools and pre-university centers including boys and girls schools in the city of Tehran in the academic year 2020/2021. The sample population was 27, 916 people. In addition, 100 parents of non-governmental school students were added to the statistical community as part of the results of the organizational excellence model. Morgan table was used to calculate the sample size which was 380 people according to the statistical population. With the addition of 100 parents and educators, the sample size became 480 people. The sampling method in this study was multi-stage sampling. The main tool of the researcher in data collection was a questionnaire that was originally approved by the European Foundation for Quality Management and presented as a model of organizational excellence. The score obtained by each of the criteria related to the two dimensions of empowerment. The results and analysis, using a one-sample t-test, were utilized to show the state of non-governmental schools in Tehran in terms of empowerment criteria which were below average. Out of 1000 points related to empowerment criteria (500 points) and results (500 points), non-governmental schools in Tehran obtained a total of 432 points. The Tehran schools studied had an empowerment criteria of 209 points and results criteria of 223 points.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796

مقاله پژوهشی

ارزیابی عملکرد مدارس غیردولتی شهر تهران با تأکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی EFQM

سعید گیلوری¹، حمید شفیعی زاده^{2*}

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

۲- دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف اصلی تحقیق حاضر، ارزیابی عملکرد مدارس غیردولتی شهر تهران با تأکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی EFQM است. پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از لحاظ روش پژوهش، توصیفی از نوع زمینه‌یابی است. جامعه مورد مطالعه؛ شامل کلیه مدیران، معلمان و کارکنان مدارس غیردولتی دوره ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم و مراکز پیش‌دانشگاهی؛ اعم از مدارس پسرانه و دخترانه شهر تهران در سال تحصیلی 1398-99 است که تعداد آنها 27916 نفر بوده است. با استفاده از جدول مورگان 380 نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد و با اضافه شدن 100 نفر از اولیا و مربیان، حجم نمونه به 480 نفر رسید. روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای-چندمرحله‌ای بوده است. ابزار اصلی، پرسشنامه‌ای بود که اصالتاً مورد تأیید بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت بوده و به عنوان الگوی تعالی سازمانی ارائه شده است. نتایج نشان داد وضعیت مدارس غیردولتی شهر تهران از منظر معیارهای توانمندساز و نتایج، پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. از مجموع 1000 امتیاز مربوط به معیارهای توانمندساز (500 امتیاز) و نتایج (500 امتیاز)، مدارس غیردولتی شهر تهران در مجموع 432 امتیاز کسب نموده است که معیارهای توانمندساز 209 امتیاز و معیارهای نتایج 223 امتیاز به‌دست آورده‌اند.

دریافت مقاله: 1399/07/26

بازنگری مقاله: 1399/08/25

پذیرش مقاله: 1399/10/13

کلید واژگان:

ارزیابی عملکرد

تعالی سازمانی

مدارس غیردولتی

EFQM

*نویسنده مسئول: حمید شفیعی زاده

پست الکترونیکی:

Shafizadeh11@gmail.com



مقدمه

تغییرات سریع و پیشرفت در محیط بیرونی سازمان، همواره سازمان‌ها را با معضلاتی مواجه می‌کند که این معضلات با توجه به گسترش و پیچیدگی اهداف، فرایندها و ساختار سازمان به منظور رقابت با رقبای قوی سازمان در خور توجه است؛ زیرا در این شرایط سازمان‌هایی واجد توانایی رشد و بقا هستند که نسبت به خواسته‌ها و انتظارات مشتریان و ذی‌نفعان پاسخگو باشند (مصطفی کورکماز، محمدآ. اوزدمیر، اورن کاوالی و فریت کاکیر، 2018)¹. آشکار است که سازمان‌های آموزشی از این امر مستثنی نیستند؛ زیرا امروزه پدیده‌هایی چون جهانی شدن، شکل‌گیری اقتصاد دانش‌بنیان در برنامه توسعه پایدار و نیز ضرورت گسترش فرصت‌های آموزشی برای عده بیشتری از داوطلبان در نتیجه افزایش هزینه‌های آموزشی از یک‌سو و کاهش منابع مالی از سوی دیگر موجب شده است که مشتریان و ذی‌نفعان این نظام، حساسیت بیشتری را نسبت به اهداف، عملکرد و نتایج آن به خرج دهند؛ از این‌رو فشار مجموعه‌ای از سهام‌داران و مشتریان (دولت، خانواده‌ها و دانش‌آموزان) به منظور گسترش و بهبود خدمات از سوی نظام آموزشی و فشار هم‌زمان در رابطه با تخصیص منابع، مراکز آموزشی را با معضل جهت‌دهی مجدد به رویکردهایشان به سمت مشتری‌مداری و هدایت فعالیت‌هایشان به سمت روش‌های بسیار مشابه تجاری مواجه کرده است (لی ژانگ و یو لو، 2016)². همین عوامل موجب شده است که انتقال بسیاری از الگوهای مدیریت کیفیت و ارزیابی بخش تجارت به نظام تعلیم و تربیت به منظور غلبه بر برخی از مشکلاتشان، امری اجتناب‌ناپذیر جلوه کند (کورکماز و همکاران، 2018).

در پی این فشارها و تغییرات، عده‌ای عقیده دارند که مدیریت کیفیت، ارزیابی و تلاش برای تعالی می‌تواند فعالیت‌ها و عملکرد بخش خصوصی و دولتی را بهبود ببخشد. از همین رو کیفیت و تعالی در مؤسسات آموزشی از دهه 1980 تا 1990 و تا به امروز از اهمیت زیادی برخوردار شده است و این عامل خود موجب شده است که این مؤسسات تلاش زیادی را برای بهبود، سودمندی و کارایی خود با هدف رضایت و خرسندی ذی‌نفعان و مشتریانی که تقاضای روزافزونی نیز دارند انجام دهند. نتیجه چنین فشارها و تلاش برای پاسخگویی به آن‌ها تغییر در نظام آموزش و پرورش است و منجر به این شده است که این مؤسسات، راهبردهای متفاوتی را به کار ببندند. در این رابطه، بسیاری از مؤسسات، به اقدامات مربوط به کیفیت به عنوان یک گزینه مناسب نگرسته‌اند و این روش در مؤسسات آموزشی موجب تدوین برنامه‌های مدیریت کیفیت و ارزیابی‌های رسمی به صورت دوره‌ای شده است (زاوولی انعام، عبدرحمن محمدی و هانی یاسمینا، 2016)³. رفته‌رفته و با گذر زمان، نظام آموزشی ما نیز متوجه امر کیفیت و ضرورت توجه به ارزیابی آن باهدف پاسخگویی به ذی‌نفعان این نظام شده است و یکی از تدابیر اتخاذشده به منظور تحقق و بهبود آن، اجرای فرایند ارزشیابی در این نظام با هدف اولیه کسب اطلاعات لازم در این زمینه و برداشتن گام‌های بعدی به منظور دستیابی به آن است. مسئولان نظام آموزشی کشورمان نیز متوجه شده‌اند که کیفیت، جزو لاینفک این نظام است و باید باشد؛ به گونه‌ای که ضرورت انجام ارزیابی به معنای فرایند منظم گردآوری داده‌ها و اطلاعات و قضاوت درباره فعالیت‌ها و عملکرد واحدهای آموزش عالی با هدف رشد موزون و هماهنگ کیفیت، هم‌پای رشد کمی آموزش و کارآمد کردن نظام ارزیابی و اعتبارسنجی علمی می‌باشد.

در جهان پیچیده امروز که پیشرفت و توسعه کشورها، سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی، در گرو علم و دانش است، توجه به کیفیت آموزش حاصل از آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. لزوم بهبود مستمر کیفیت آموزش، مسئولان سازمان‌های آموزشی را بر آن داشته است تا ضمن بهبود عملکرد سازمانی خود با نگاه کیفی به آموزش نگرند و سعی کنند با ارائه راهبردهای اجرایی، کیفیت برنامه‌های آموزشی سازمان متبوع خود را در سطح مطلوب حفظ نمایند که این کار منوط به

¹ Mustafa Korkmaz, Muhammed A. Ozdemir & Evren Kavali, 2018, Cakir, Ferit

² Li Zhang & Yu Luo, 2016

³ Zaouali Inaam, Mhamed Abderrahman & Hani Yasmina, 2016

اعمال مدیریت صحیح و داشتن نگرش مثبت به مفهوم آموزشی از یک سو و داشتن معیارها و شاخص‌های مناسب برای ارزیابی عملکرد آموزشی از سوی دیگر است (غلامرضا شمس‌مورکانی، محمد قهرمانی، زهرا معارفوند و فاطمه زنگنه، 2014). کاربرد مدل‌های تعالی سازمانی موجود نیز در آموزش و پرورش بدون مفهوم‌سازی و تطبیق آنها در آموزش و پرورش، با مشکل روبه‌روست. مدل‌های تعالی سازمانی با فرض محیط رقابتی، مورد توجه و آزمایش قرار گرفته‌اند؛ در صورتی که مدیریت مدارس کشور تا حدودی متمرکز است و با توجه به حوزه اختیارات مدیران، به مدل تعالی خاص خود نیاز دارند.

کیفیت در آموزش و پرورش، کلید اصلی رقابت میان کشورها و دغدغه اصلی برنامه‌ریزان آموزشی است. با وجود این، مطالعات بین‌المللی، مثلاً چهارمین مطالعات تیمز در سال 2003، حاکی از کاهش شدید کیفیت آموزش و پرورش کشور است. کاهش روزافزون بودجه آموزش و پرورش و پایین بودن سطح دانش و مهارت دانش‌آموختگان، توجه به بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها را با افزایش کیفیت، ضروری ساخته است (مایکل ترور هیدز، جان دیویس و سو جکسون، 2004)¹. استقرار سیستم مدیریت کیفیت و ارزیابی عملکرد مبتنی بر آن، از جمله راهکارهای مهم ارتقای کیفیت آموزش و پرورش و مدارس به‌ویژه در مدارس غیردولتی است. اما مروری اجمالی بر اهرم تحولات اداری طی 40 سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که رویکردی مناسب برای ارزیابی عملکرد مدارس به کار نرفته است. نظارت‌های موجود، فاقد ویژگی‌های نظارت اثربخش هستند. شاخص‌های موجود نیز برای نمایانیدن وضعیت فعلی آموزش و پرورش در سطوح گوناگون مناسب نیستند (نیلوفر ماسوری، فاطمه صادقی غیاثی و الهام خیام دار، 2011)؛ لذا نیازمند طراحی مجدد سیستم‌های حمایتی با استفاده از فنون کیفیت، برای ارتقای یادگیری - یاددهی و عملکرد سازمان‌های آموزشی می‌باشد. در میان رویکردهای گوناگون، مدل سرامدی یا تعالی سازمانی در بسیاری از عرصه‌ها امیدواری و آرزوهای رهبران آموزشی را برای بهبود بخشیدن به مدارس و جوامع فراهم ساخته است.

سرامد شدن یک سازمان و به عبارتی تعالی سازمانی، فرایند پیوسته‌ای است که با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری آغاز می‌شود و در طول مسیر با ارزیابی‌های مداوم و استفاده از اهداف از پیش تعیین‌شده، نواقص و نارسایی‌ها مشخص‌شده و با اصلاحات لازم، حذف موانع و تقویت نقاط قوت انجام می‌شود (هیدز و همکاران، 2004). نقطه شروع هر تغییر و بهبودی، درک و شناخت کامل از وضعیت موجود سازمان و پیدا کردن مشکلات آن است. حرکت در مسیر تعالی و پیشرفت و آشنایی با الگوهای روز دنیا در زمینه تعالی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تعالی سازمانی یعنی رشد و ارتقای سطح سازمان در تمامی ابعاد، کسب رضایت‌مندی ارباب‌رجوع، کارکنان و سایر ذی‌نفعان، ایجاد تعادل بین خواسته‌ها و انتظارات کلیه ذی‌نفعان و تضمین موفقیت سازمان در بلندمدت. در تعاریف، سازمانی، متعالی خوانده می‌شود که در هر دو زمینه عملکرد و نتایج، به شکل قابل‌اثباتی سرامد باشد (الیشیا بولیوار-کروز و دومینگو ورا-تاکورونته، 2018)². مدل تعالی سازمانی با به تصویر کشیدن یک سازمان متعالی این امکان را فراهم می‌سازد تا سازمان‌ها در مقایسه خود با این مدل، سرامدی خود را محک زده و از طریق یادگیری، نوآوری و بهبود مستمر، به بازنگری در وضع موجود و برنامه‌ریزی بهبود اهتمام ورزند. مدل تعالی سازمانی، ساختار مدیریتی است که با تکیه بر اصول و مفاهیم اساسی و توجه داشتن به معیارهای اصلی مدیریت کیفیت فراگیر و سیستم خودارزیابی، زمینه پیشرفت و بهسازی سازمان را فراهم می‌کند (جردن براونز، الکساندر ناسیوپولوس، فردریک بورکین و کریم لیمام، 2016)³.

مدل بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت یا EFQM⁴، ابزاری برای سنجش میزان استقرار سیستم‌ها در سازمان و راهنمایی است که مسیر فعالیت مدیران را برای بهبود عملکرد شناسایی و تعیین می‌کند. مؤسسه اروپایی مدیریت کیفیت، این

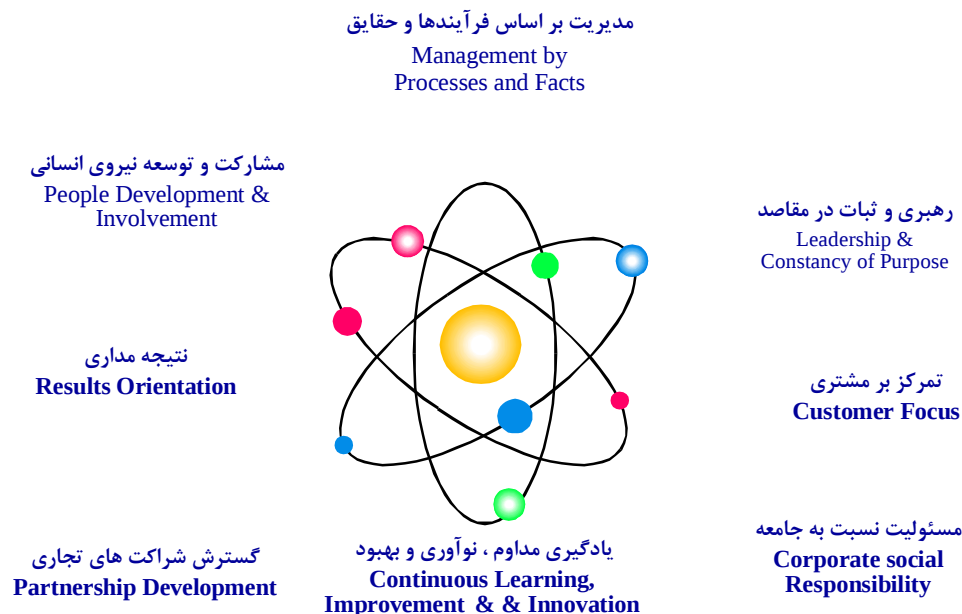
¹ Michael Trevor Hides, John Davies & Sue Jackson, 2004

² Alicia Bolivar-Cruz & Domingo Verano-Tacoronte, 2018

³ Jordan Brouns, Alexandre Nassiopoulous, Frederic Bourquin & Karim Limam, 2016

⁴ European Foundation for Quality Management (EFQM)

مدل را در سال 1991 به عنوان چارچوبی برای دریافت جایزه اروپایی کیفیت EFQM و همچنین تشخیص تعالی سازمان‌ها ایجاد کرده و مورد استفاده قرار گرفته است. مدل تعالی سازمانی بر مبنای 9 معیار گروهی که 5 معیار آن در برگرفته توانمندسازها (رهبری، سیاست‌ها و خط مشی‌ها، افراد، شرکا و منابع و فرایند) و 4 معیار دیگر نیز که در برگرفته نتایج (نتایج افراد، نتایج مشتری، نتایج جامعه و نتایج کلیدی عملکرد) می‌باشد طراحی شده است. شکل 1 برخی از اصول مهم حاکم بر مدل تعالی سازمانی EFQM را نشان می‌دهد (حسین محمدپورزند و جعفر قادری، 2014)



شکل 1. اصول مهم حاکم بر مدل تعالی سازمانی EFQM

مدل EFQM یک مدل غیرتجویزی است، متشکل از مجموعه‌ای از اصول به منظور دستیابی به برتری سازمانی که همواره نیز بر فرایند خودارزیابی تأکید دارد؛ فرایندی که سازمان به‌منظور آگاهی از عملکرد خود طی می‌کند و این آگاهی می‌تواند قدمی به منظور اصلاح و بهبود در اهداف و فعالیت‌های خود باشد. در حقیقت مدل تعالی سازمانی، ابزاری عملی برای خودارزیابی است که می‌تواند مدارس را در اندازه‌گیری میزان موفقیت‌هایشان و همچنین بهبود مدیریت یاری کند. این مدل می‌تواند به متولیان امور در فهم شکاف بین موقعیتی که مدارس قرار دارد و آن موقعیتی که باید قرار داشته باشد کمک کند و همچنین راه‌حلی به‌منظور کمک به رفع مشکلات ارائه دهد (انعام و همکاران، 2016).

آموزش و پرورش، سازمانی با ساختار و ویژگی‌های خاص خود است؛ بنابراین برون‌دادهای متفاوت با شرکت‌های تجاری دارد و هدف آن به حداکثر رساندن سود صرف مالی نیست، تجربیات نادری در جهان برای طراحی مدل تعالی سازمانی در آموزش و پرورش وجود دارد. از طرف دیگر، در زمینه ارزیابی عملکرد نارسایی‌هایی از جمله ابهام در کیفیت، نبود رقابت علمی بین مدارس و نبود رتبه‌های علمی بر اساس این شاخص‌ها، گرایش به ذهنی‌گرایی و دور شدن از عینیت‌گرایی وجود دارد. نکته دیگر اینکه بررسی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ارزشیابی مدارس نیز نشان می‌دهد که متأسفانه هیچ‌کدام از آنها از جامعیت لازم برخوردار نیستند، ضمن اینکه متولیان ارزیابی، هماهنگی لازم با یکدیگر را در خصوص

ارزیابی عملکرد مدارس ندارند و هر یک، از یک یا چند جنبه به ارزیابی مدارس آن هم بیشتر به طور سلیقه‌ای می‌پردازند (کوبین دبلیو. اوا، 2018)¹. همچنین با توجه به اینکه سازمان‌های آموزش، نیازمند شناسایی وضع موجود خود به‌منظور توسعه بهبود برنامه‌ها در راستای دستیابی به وضع مطلوب هستند؛ ارزیابی عملکرد بر مبنای مدل تعالی سازمانی، یکی از مقوله‌های مهم و مورد توجه بسیاری از مدیران و کارشناسان این سازمان‌ها است و با اینکه مطالعات جدیدی در این حوزه صورت گرفته اما رویکرد جامعی که بتواند این سازمان‌ها را از ابعاد گوناگون ارزیابی کند، کمتر وجود دارد. در نتیجه، ارزیابی عملکرد مناسب، عاملی مهم برای برنامه‌ریزی مؤثر و کنترل سازمان است و می‌تواند به مدیریت در نظارت بر عملکرد، افزایش انگیزش، بهبود ارتباطات و تشخیص مشکلات، کمک شایانی کند. موضوع اصلی در تجزیه و تحلیل‌های سازمانی مدارس، عملکرد آنان است و بهبود آن مستلزم اندازه‌گیری است؛ بنابراین ارزیابی عملکرد مدارس، موجب هوشمندی سیستم و برانگیختن افراد در راستای رفتار مطلوب می‌شود و شرایط و زمینه لازم برای شفافیت عملکرد مدارس و پاسخگویی و اطلاع از میزان تحقق اهداف و مقاصد آن به‌وجود خواهد آمد و ضمن بررسی سیاست‌ها و استراتژی‌های اعمال شده زمینه را برای برنامه‌ریزی جهت افزایش نقاط قوت و بهبود کیفیت خدمات آموزشی و تربیتی فراهم می‌کند. مدارس غیردولتی به دلیل اهمیت جلب رضایت مشتری در کلیه فرایندهای سازمانی، ناگزیر از دستیابی به مزیت رقابتی و حفظ آن در زمینه‌های مختلف هستند و همین امر موجب می‌گردد تا آنها اقبال وسیع‌تری در زمینه اتخاذ رویکردهای نوین نسبت به مدارس دولتی نشان دهند. در نتیجه، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی عملکرد مدارس غیردولتی با تأکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی EFQM² انجام شد.

پیشینه تحقیق

(اوا، 2018) در پژوهشی که با استفاده از پرسش‌نامه و تحلیل عاملی مدل تعالی سازمانی انجام شد، نشان داد که تأکید اصلی رهبری باید مبتنی بر رهبری ارزش‌مدار در راستای رشد پایدار باشد و کلید اصلی مدل تعالی، ارزش‌ها و جریان فرایندهاست.

کالی مورا³ در سال (2017) تأثیرات اجتماعی سازمان از طریق مدل تعالی EFQM را بررسی کرده است. فرضیه‌های پیشنهادی در مدل تحقیق بر 116 شرکت اسپانیایی با توجه به مدل تعالی سازمانی مدیریت کیفیت اروپا آزمون شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که مدل تعالی، یک چارچوب قابل اعتماد و معتبر است که می‌تواند عوامل منابع انسانی را به خوبی تجزیه و تحلیل و در نهایت، اندازه‌گیری کند (کورکماز و همکاران، 2018). وارتیاک و جانکوا⁴ در سال (2017) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تعالی در کسب‌وکار» بیان می‌کنند شرکت‌ها برای کسب موفقیت در کسب‌وکارهای خود تلاش بسیار زیادی انجام می‌دهند. هدف از این مقاله، ایجاد یک چک‌لیست سریع برای ارزیابی وضعیت شرکت در کسب‌وکار می‌باشد. یافته‌های اصلی این تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های آموزش منابع انسانی، توسعه زیرساخت‌های فناوری و ارزیابی مستمر، از مهم‌ترین ابعاد تعالی کسب‌وکار هستند (اوا، 2018).

وازنا و همکاران⁵ به این نتیجه رسیدند که مدیران مدارس بازرگانی که مورد پیمایش قرار گرفته بودند، اعتقاد داشتند که TQM هم در کسب‌وکار و هم در مؤسسات آموزشی، مفید می‌باشند، با این وجود در محیط تجاری، ارزشمندتر هستند.

¹ Kevin W. Eva, 2018

² European Foundation for Quality Management (EFQM)

³ Calomora

⁴ Vartiaka & Jankalovaa

⁵ Vazna et al

(ترکی آلولا، رادنی آنتونی استوارت، کرینگساک پانوواتوانیچ و شریف محمد، 2014)¹ ضمن پژوهشی درباره ارائه چارچوبی برای ارزیابی عملکرد مدارس دولتی به این نتیجه رسیدند که مدل ارائه شده، دارای 5 مؤلفه مدیریت و رهبری ایمن، یادگیری و آموزش ایمن، خطمشی و سیاست‌های ایمن، رویه‌های ایمن، فرایندهای ایمن و فرهنگ ایمنی می‌باشد.

کوبا، کامون و بن عاید² در پژوهشی تحت عنوان «رهبری در آموزش عالی کشور تونس از منظر مدل تعالی EFQM» اقدام به بررسی تأثیر رهبری در تعالی سازمان‌های آموزش عالی کشور تونس کردند. هدف این مقاله، ارزیابی سبک‌ها و اعمال رهبری آموزش عالی کشور تونس با استفاده از مدل عالی بنیاد مدیریت کیفیت اروپا (EFQM) است. این تحقیق با توزیع پرسشنامه‌های نظرسنجی در میان تمامی مدیران مؤسسات آموزش عالی در دانشگاه اسفکس صورت گرفت. یافته‌ها این را آشکار ساخت که مدیران هنوز آمادگی حرکت به سمت تعالی را به علت وجود برخی شکاف‌ها در اعمال و رفتارشان ندارند (انعام و همکاران، 2016).

(آ. ارنست اوسو آساره و دیوید لانگ باتم، 2002)³ پژوهشی تحت عنوان نیاز به آموزش استفاده از مدل‌های تعالی سازمانی به‌منظور ارزیابی بهبود مدیریت کیفیت در مؤسسات آموزش عالی انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که مدل‌های تعالی سازمانی در مقایسه با مدل‌های کنونی ارزیابی دانشگاه‌ها اثربخش‌ترند.

(جوان جوزه تارو و سوزانا د جوانا-اسپینوزا، 2007)⁴ تحقیقی با عنوان خودارزیابی مدل‌های تعالی سازمانی اروپایی با استفاده از رویکرد پرسشنامه‌ای در بخش خدمات آموزشی دانشگاه انجام دادند. نتایج یافته‌ها نشان داد که این مدل‌ها در نهادهای آموزش عالی، به‌خوبی می‌توانند با تعیین نقاط قوت و ضعف به استراتژی دانشگاه قوت ببخشند و به گونه سیستمی و همه‌جانبه، عملکرد دانشگاه‌ها را ارزیابی کنند و باعث افزایش کیفیت دانشگاه‌ها شوند.

(سیتالاکشمی و نکاترامان، 2007)⁵ پژوهشی تحت عنوان «چارچوبی برای کاربرد تعالی سازمانی در برنامه‌های آموزش عالی» انجام داد. یافته‌ها نشان داد که برخلاف صنایع، برای کاربرد فلسفه تعالی سازمانی در برنامه‌ها و نهادهای آموزشی و به‌ویژه آموزش عالی باید چارچوبی ویژه را ایجاد کرد. وی چارچوبی را برای این امر ارائه کرد که مبتنی بر فرایند ارزیابی مداوم برنامه‌های آموزشی می‌باشد.

(هیدز و همکاران، 2004) در پژوهشی تحت عنوان «اجرای مدل تعالی سازمانی در نهادهای آموزش عالی» به این نتیجه رسیده است که در بخش‌های دانشگاهی که پیش‌تر از مدل‌های دیگر ارزیابی کیفیت دانشگاه‌ها (به‌جز مدل‌های تعالی سازمانی) استفاده می‌کردند، به اصل مهم مشتری‌مداری و رقابت توجه نمی‌شد اما استفاده از این مدل، توجه نهادهای آموزشی را به مسائل ذکر شده بااهمیت جلوه می‌دهد. (سعید فرح بخش و طاهره محمدی، 2017) به بررسی رابطه سبک رهبری تحولی و تعالی سازمانی در مدارس متوسطه دوم خرم آباد با تأکید بر نقش بهزیستی سازمانی پرداختند. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. نمونه آماری پژوهش شامل 302 نفر از دبیران مدارس متوسطه دوم خرم آباد بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری تحقیق سه پرسشنامه سبک رهبری تحولی باس و آلیو در سال (1997)، پرسشنامه استاندارد ارزیابی عملکرد براساس مدل تعالی سازمان EFQM و پرسشنامه بهزیستی سازمانی بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد رهبری تحولی مدیران با تعالی سازمانی مدارس به طور مستقیم رابطه معنادار دارد.

¹ Turki Alolah, Rodney Anthony Stewart, Kriengsak Panuwatwanich & Sherif Mohamed, 2014

² Kuba, Kamoon & Benayed

³ A. Ernest Osseo-Asare & David Longbottom, 2002

⁴ Juan Jose Tari & Susana De Juana-Espinosa, 2007

⁵ Sitalakshmi Venkatraman, 2007

پژوهش (فاطمه رنجبر، عباداله احمدی و مجید برزگر، 2015) با عنوان خودارزیابی کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان فارس بر اساس مدل تعالی سازمانی EFQM از دیدگاه مربیان نشان داد که معیارهای رهبری، خط‌مشی و استراتژی، کارکنان، شراکت‌ها و منابع و نتایج جامعه در وضعیت مطلوب قرار دارند. معیارهای فرایندها، نتایج مشتری، نتایج کارکنان و نتایج کلیدی عملکرد پایین‌تر از حد متوسط را کسب نموده‌اند.

(شمس مورکانی و همکاران، 2014) به ارزیابی عملکرد دانشگاه شهید بهشتی براساس مدل تعالی سازمانی پرداختند. ابزار اندازه‌گیری در بخش کمی شامل سه پرسشنامه محقق‌ساخته برای اعضای هیئت علمی، مدیران و کارکنان، دانشجویان و افراد جامعه و ابزار بخش کیفی، مصاحبه بود. نتایج حاکی از آن است که بین میزان کاربرست EFQM در دانشگاه شهید بهشتی با معیارهای مختلف مدل تعالی سازمانی، تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان داد که معیار نتایج جامعه در دانشگاه شهید بهشتی، بالاترین رتبه را داشت و پس از آن به ترتیب معیارهای نتایج کلیدی عملکرد، خط‌مشی و استراتژی، شراکت‌ها و منابع، نتایج کارکنان، رهبری، فرایندها، نتایج مشتریان و نتایج کارکنان قرار دارند. بر حسب مدل، دانشگاه شهید بهشتی از 1000 نمره، نمره 539,4 را کسب کرد.

پژوهش (محمدپورزند و قادری، 2014) با عنوان «ارزیابی تعالی سازمانی شهرداری تهران بر اساس مدل EFQM» نشان داد که هر یک از 9 معیار رهبری، راهبرد، کارکنان، شراکت‌ها و منابع، فرایندها، نتایج مشتریان، نتایج کارکنان، نتایج جامعه و نتایج کسب و کار، بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای- کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع زمینه‌یابی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه مدیران، معلمان و کارکنان مدارس غیردولتی دوره ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم و مراکز پیش‌دانشگاهی (به‌غیر از مدارس بزرگسال، هوشمند، فنی‌وحرفه‌ای و آموزش از راه دور) اعم از مدارس پسرانه و دخترانه شهر تهران در سال تحصیلی 99-1398 می‌باشد که تعداد آنها 27916 نفر بوده است (1994) نفر مدیر مدرسه، 15952 نفر معلم و 9970 نفر از کارکنان مدارس). علاوه بر این 100 نفر از اولیا دانش‌آموزان مدارس غیردولتی نیز به عنوان بخشی از نتایج مدل تعالی سازمانی، به جامعه آماری اضافه شدند. دلیل انتخاب مدارس غیردولتی در تحقیق حاضر این بود که این مدارس به دلیل اهمیت جلب رضایت مشتری در کلیه فرایندهای سازمانی، ناگزیر از دستیابی به مزیت رقابتی و حفظ آن در زمینه‌های مختلف هستند و همین امر موجب می‌گردد تا آنها اقبال وسیع‌تری در زمینه اتخاذ رویکردهای نوین نسبت به مدارس دولتی نشان دهند. برای محاسبه حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد که با توجه به تعداد جامعه آماری، 380 نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد و با اضافه شدن 100 نفر از اولیا و مربیان، حجم نمونه به 480 نفر رسید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری طبقه‌ای- چندمرحله‌ای بوده است. به این صورت که شهر تهران به پنج ناحیه شمالی، جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی تقسیم شد و از هر ناحیه یک منطقه و از هر منطقه 6 مدرسه ابتدایی، دوره اول و دوم متوسطه (سه مدرسه پسرانه و سه مدرسه دخترانه) به طور تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه مدیران مدارس و اولیا و مربیان در حین برگزاری یک کارگاه آموزشی یک‌روزه به صورت تصادفی بین آنها توزیع و جمع‌آوری شد. جدول 1 توزیع جامعه آماری و نمونه پژوهش را به تفکیک مدیر، معلم، کارمند و اولیا و مربیان نشان می‌دهد.

ابزار اصلی پژوهشگر در جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای بود که اصالتاً مورد تأیید بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت بود و به عنوان الگوی تعالی سازمانی ارائه شده است. از آنجا که این پرسشنامه در سازمان‌های مختلف؛ اعم از صنعتی، تولیدی، آموزشی و خدماتی قابل استفاده است، بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت، این اجازه را داده است که پرسشنامه مذکور، با توجه به مقتضیات هریک از این سازمان‌ها و با حفظ معیارهای اصلی که در الگوی تعالی سازمانی ذکر شده‌اند، مورد جرح و تعدیل قرارگیرد.

جدول 1. توزیع جامعه آماری و نمونه پژوهش به تفکیک مدیر، معلم، کارمند و اولیا

ردیف	سمت/عنوان	جامعه	نمونه
1	مدیر	1994	28
2	معلم	15952	217
3	کارمند	9970	135
4	اولیا	100	100
	جمع کل	28016	480

بر همین مبنا، پرسشنامه محقق ساخته پژوهش حاضر دارای دو بخش بوده است: بخش اول اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان شامل سن، جنس، میزان تحصیلات، پست سازمانی و سابقه کار در مدرسه می باشد.

بخش دوم با استفاده از مقیاس محقق ساخته ای که مبتنی بر نتایج حاصل از بهینه کاوی و مرور پیشینه و مبانی نظری پژوهش بوده است، تهیه شد. این پرسشنامه محقق ساخته، دارای 2 بعد و 13 معیار است؛ 8 معیار آن متعلق به توانمندسازها و 5 معیار دیگر، جزو نتایج است که هر کدام از این معیارها، به تعدادی شاخص تقسیم می شوند که بر مبنای آنها تمامی مدارس می توانند ارزیابی شوند. از پاسخگویان خواسته شد تا نظر خود را راجع به وضعیت موجود 8 معیار توانمندسازها (46 شاخص) و 5 معیار نتایج (36 شاخص) بر اساس مقیاس لیکرت از خیلی کم (1)، کم (2)، تاحدودی (3)، زیاد (4) و خیلی زیاد (5) اعلام کنند. روایی پرسشنامه های تحقیق با استفاده از روش روایی محتوایی¹ و با نظر استاد راهنما پس از اعمال اصلاحات محدود مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش پایایی ابزار نیز پرسشنامه تحقیق بین 30 نفر از نمونه ها توزیع شد و از طریق آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. آلفای محاسبه شده برای پرسشنامه تحقیق 0/93 بوده است.

یافته های تحقیق

در بخش اول، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی درمورد شاخص های توانمندسازی مدل تعالی سازمانی را نشان می دهد. با توجه به جدول 2 قابل مشاهده است که مقدار $KMO=0/719$ بیانگر کفایت نمونه گیری و مشخصه آزمون کروییت بارتلت (879/901) معنادار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی داده ها در جامعه صفر نیست؛ بنابراین عمل عاملیابی قابل توجیه است.

بر اساس تحلیل مؤلفه های اصلی و چرخش واریماکس در تحلیل عاملی اکتشافی، 8 عامل شناسایی شدند. همان گونه که در ادامه ماتریس عاملی نشان داده شده است 6 سؤال روی عامل اول، 6 سؤال روی عامل دوم، 7 سؤال روی عامل سوم، 5 سؤال روی عامل چهارم، 5 سؤال روی عامل پنجم، 4 سؤال روی عامل شش، 5 سؤال روی عامل هفتم، 8 سؤال روی عامل هشتم، دارای بار عاملی بالاتر از (0/4) است.

جدول 2. تحلیل عاملی سازه توانمندسازی

اندازه آزمون کایزر - مایر - اوکلین (KMO)	0/719
ضریب خی دو	879/901
درجه آزادی	472
سطح معنی داری	0/006

اندازه آزمون کروییت بارتلت

1- Content Validity

جدول 3. ماتریس عاملی پس از چرخش به شیوه واریماکس

گویه‌ها	عامل 1	عامل 2	عامل 3	عامل 4	عامل 5	عامل 6	عامل 7	عامل 8
1	0.764							
2	0.714							
3	0.855							
4	0.532							
5	0.620							
6	0.727							
7		0.653						
8		0.581						
9		0.736						
10		0.457						
11		0.680						
12		0.465						
13			0.419					
14			0.611					
15			0.588					
16			0.722					
17			0.639					
18			0.661					
19			0.605					
20				0.599				
21				0.712				
22				0.680				
23				0.525				
24				0.493				
25					0.682			
26					0.449			
27					0.489			
28					0.73			
29					0.599			
30						0.667		
31						0.467		
32						0.834		
33						0.629		
34							0.474	
35							0.554	
36							0.626	
37							0.591	
38							0.633	

گویه‌ها	عامل 1	عامل 2	عامل 3	عامل 4	عامل 5	عامل 6	عامل 7	عامل 8
39								0.694
40								0.665
41								0.613
42								0.448
43								0.508
44								0.599
45								0.735
46								0.469

نامگذاری عامل‌ها

- 1- عامل اول با 6 سؤال همبستگی قوی دارد و «رهبری آموزشی» نامگذاری شد.
 - 2- عامل دوم با 6 سؤال همبستگی قوی دارد و «خطمشی و استراتژی آموزشی» نامگذاری شد.
 - 3- عامل سوم با 7 سؤال همبستگی قوی دارد و «کادر آموزشی» نامگذاری شد.
 - 4- عامل چهارم با 5 سؤال همبستگی قوی دارد و «مدیریت منابع» نامگذاری شد.
 - 5- عامل پنجم با 5 سؤال همبستگی قوی دارد و «مدیریت فناوری» نامگذاری شد.
 - 6- عامل پنجم با 4 سؤال همبستگی قوی دارد و «ارزش‌های اخلاقی» نامگذاری شد.
 - 7- عامل پنجم با 5 سؤال همبستگی قوی دارد و «روابط انسانی» نامگذاری شد.
 - 8- عامل پنجم با 8 سؤال همبستگی قوی دارد و «فرایندهای آموزشی» نامگذاری شد.
- در بخش دوم، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی در مورد شاخص‌های نتایج مدل تعالی سازمانی را نشان می‌دهد. با توجه به جدول 4 قابل مشاهده است که مقدار $KMO=0/833$ بیانگر کفایت نمونه‌گیری و مشخصه آزمون کروییت بارتلت (1924/924) معنادار است که نشان می‌دهد ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست و بنابراین عمل عامل‌یابی قابل‌توجه است.
- بر اساس تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس در تحلیل عاملی اکتشافی، 5 عامل شناسایی شدند. همان‌گونه که در ادامه ماتریس عاملی نشان داده شده است 10 سؤال روی عامل اول، 9 سؤال روی عامل دوم، 6 سؤال روی عامل سوم، 5 سؤال روی عامل چهارم و 6 سؤال روی عامل پنجم دارای بار عاملی بالاتر از (0/4) است.

جدول 4. تحلیل عاملی سازه نتایج

اندازه آزمون کایزر- مایر - اوکلین (KMO)		0/833
ضریب خی دو	1924/924	
درجه آزادی	479	
سطح معنی‌داری	0/000	

جدول 5. ماتریس عاملی پس از چرخش به شیوه واریماکس

گویه‌ها	عامل 1	عامل 2	عامل 3	عامل 4	عامل 5
47	0.592				
48	0.691				

گویه‌ها	عامل 1	عامل 2	عامل 3	عامل 4	عامل 5
49	0.620				
50	0.596				
51	0.745				
52	0.534				
53	0.753				
54	0.593				
55	0.711				
56	0.750				
57		0.523			
58		0.634			
59		0.646			
60		0.755			
61		0.539			
62		0.622			
63		0.741			
64		0.669			
65		0.57			
66			0.495		
67			0.509		
68			0.538		
69			0.667		
70			0.61		
71			0.557		
72				0.636	
73				0.677	
74				0.622	
75				0.703	
76				0.55	
77	0.711				
78	0.488				
79	0.508				
80	0.591				
81	0.522				
82	0.637				

نامگذاری عامل‌ها

- 1- عامل اول با 10 سؤال همبستگی قوی دارد «نتایج دانش‌آموزان» نامگذاری شد.
- 2- عامل دوم با 9 سؤال همبستگی قوی دارد و «نتایج معلمان» نامگذاری شد.
- 3- عامل سوم با 6 سؤال همبستگی قوی دارد و «نتایج اولیا» نامگذاری شد.
- 4- عامل چهارم با 5 سؤال همبستگی قوی دارد و «نتایج جامعه» نامگذاری شد.
- 5- عامل پنجم با 6 سؤال همبستگی قوی دارد و «نتایج کلیدی عملکرد» نامگذاری شد.

بررسی وضعیت موجود

ابتدا وضعیت موجود هر یک از معیارهای مدل مشخص شده است سپس از نظر مدل تعالی سازمانی EFQM نمره‌گذاری صورت گرفته است. به منظور بررسی وضعیت موجود معیارهای بعد توانمندسازهای آموزش و پرورش، ابتدا بر اساس شیوه‌نامه امتیازدهی مدل تعالی سازمانی EFQM، امتیاز معیارها مشخص و سپس به مقایسه امتیازات و تعیین وضعیت هر یک از معیارها در قالب مدل EFQM به کمک آزمون تی تک نمونه‌ای پرداخته شد که در ادامه ارائه شده است.

از آنجا که امتیاز به‌دست‌آمده برای کلیه معیارها پایین‌تر از امتیاز مدل اصلی است؛ سطح معنی‌داری به‌دست آمده برای آنها کوچک‌تر از 0/05 و 0/01 و همچنین میزان تی به‌دست‌آمده، بزرگ‌تر از 1/96 و 2/58 است؛ لذا می‌توان بیان کرد که تفاوت معنی‌داری در سطح 0/05 و $\alpha = 0/01$ بین امتیاز به‌دست‌آمده با امتیاز مدل اصلی در کلیه معیارهای بعد توانمندسازها وجود دارد. تنها معیار روابط انسانی در سطح 0/05 معنی‌دار است. بنابراین به‌طور کلی با توجه به نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای می‌توان گفت وضعیت موجود، توانمندسازهای آموزش و پرورش و معیارهای آن، پایین‌تر از حد متوسط (مورد انتظار) است و نیازمند رفع موانع موجود و بهبود معیارها می‌باشد. به منظور بررسی وضعیت موجود، معیارهای بعد نتایج آموزش و پرورش از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است که نتایج آن ارائه خواهد شد.

جدول 6. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای معیارهای بعد توانمندسازها

معیارها	امتیاز مدل اولیه	امتیاز مدل جدید	حد متوسط	امتیاز کسب شده	میزان t	سطح معنی‌داری
رهبری آموزشی	100	80	40	27	9/45	0/000
خط‌مشی و استراتژی آموزشی	80	50	25	20	6/77	0/000
کادر آموزشی	90	60	30	27	7/41	0/003
مدیریت منابع	90	50	25	21	6/57	0/001
مدیریت فناوری	-	50	25	21	9/15	0/000
ارزش‌های اخلاقی	-	50	25	24	6/33	0/004
روابط انسانی	-	70	35	31	2/49	0/03
فرایندهای آموزشی	120	90	45	38	11/15	0/000
جمع	500	500	250	209	8/73	0/000

جدول 7. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای معیارهای بعد نتایج

معیارها	امتیاز مدل اولیه	امتیاز مدل جدید	حد متوسط	امتیاز کسب شده	میزان t	سطح معنی‌داری
نتایج دانش آموز	200	180	90	81	11/15	0/000

معیارها	امتیاز مدل اولیه	امتیاز مدل جدید	حد متوسط	امتیاز کسب شده	میزان t	سطح معنی داری
نتایج معلمان	90	80	40	37	7/62	0/000
نتایج اولیا	-	50	25	22	8/66	0/003
نتایج جامعه	60	60	30	27	7/83	0/000
نتایج کلیدی عملکرد	150	130	65	56	11/44	0/000
جمع	500	500	250	223	9/88	0/000

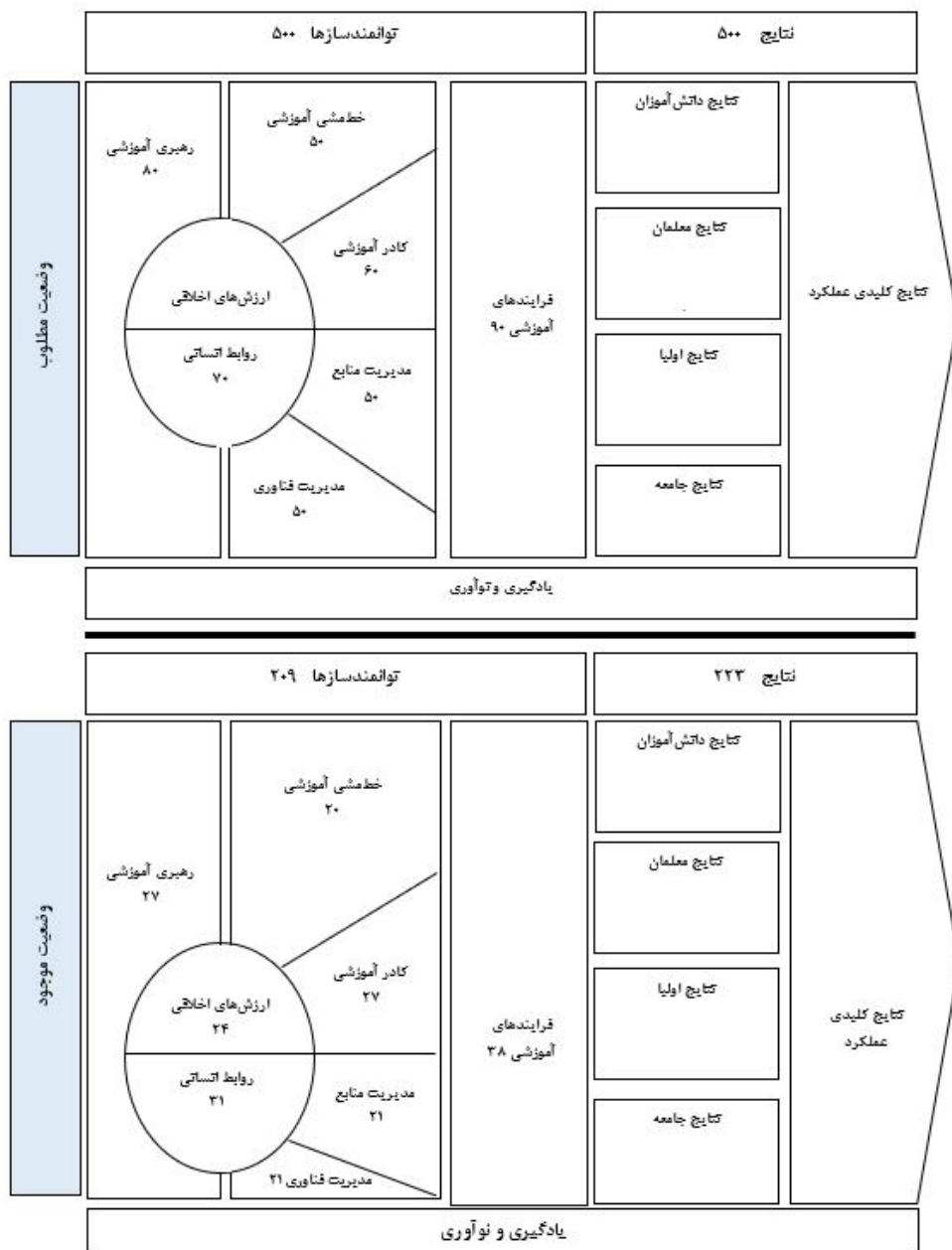
از آنجا که امتیاز به دست آمده برای کلیه معیارها پایین تر از امتیاز مدل اصلی است، سطح معنی داری به دست آمده برای آنها کوچک تر از 0/01 و همچنین میزان تی به دست آمده، بزرگ تر از 2/58 است؛ بنابراین می توان گفت که تفاوت معنی داری در سطح 0/05 و $\alpha = 0/01$ بین امتیاز به دست آمده با امتیاز مدل اصلی در کلیه معیارهای بعد نتایج وجود دارد.

بنابراین به طور کلی با توجه به نتایج آزمون تی تک نمونه ای می توان گفت وضعیت موجود نتایج آموزش و پرورش و معیارهای آن، پایین تر از حد متوسط (مورد انتظار) است و نیازمند رفع موانع موجود و بهبود معیارها می باشد. در نهایت، مقایسه وضعیت موجود و مطلوب توانمندسازها و نتایج به شرح شکل 2 به دست آمده است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی، منجر به شناسایی 13 معیار و 82 شاخص برای ارزیابی عملکرد بر مبنای تعالی سازمانی در مدارس غیردولتی شهر تهران گردید که در آن، بعد توانمندسازها دارای 8 معیار و 46 شاخص که مشتمل است بر معیارهای رهبری آموزشی (6 شاخص)، خط مشی آموزشی (6)، کادر آموزشی (7 شاخص)، مدیریت منابع (5 شاخص)، مدیریت فناوری (5 شاخص)، ارزش های اخلاقی (4)، روابط انسانی (5 شاخص) و فرایندهای آموزشی (8 شاخص). بعد نتایج 5 معیار و 36 شاخص دارد که مشتمل است بر معیارهای نتایج دانش آموزان (10 شاخص)، نتایج معلمان (9 شاخص)، نتایج اولیا (6 شاخص)، نتایج جامعه (5 شاخص) و نتایج کلیدی عملکرد (6 شاخص).

نتایج به دست آمده و امتیاز کسب شده توسط هر یک از معیارهای مرتبط با دو بعد توانمندسازها و نتایج و تحلیل آنها به کمک آزمون تی تک نمونه ای نشان داد وضعیت مدارس غیردولتی شهر تهران از منظر معیارهای توانمندساز و نتایج، پایین تر از حد متوسط است. از مجموع 1000 امتیاز مربوط به معیارهای توانمندساز (500 امتیاز) و نتایج (500 امتیاز)، مدارس غیردولتی شهر تهران در مجموع 432 امتیاز کسب کردند که معیارهای توانمندساز 209 امتیاز و معیارهای نتایج 223 امتیاز به دست آورده اند.



شکل ۲ مقایسه وضعیت موجود و مطلوب ارزیابی عملکرد بر اساس مدل تعالی سازمانی

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که عملکرد مدارس غیردولتی شهر تهران از منظر معیارهای تعالی سازمانی در وضعیت نامناسب و پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. به همین منظور برای هر یک از معیارهای به‌دست

آمده در این تحقیق ضرورت دارد برنامه‌ها، اقدامات و فعالیت‌های بهبودبخش پیش‌بینی شود و به‌طور مستمر، پایش و ارزیابی برنامه‌ها در دستور کار قرار گیرد تا وضعیت معیارها در ابتدا به حد متوسط و سپس به سمت مطلوب حرکت کند.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش (رنجبر و همکاران، 2015) و (حسین ادب و مرتضی گل‌آور، 2013) هم‌خوانی دارد و معیارهای توانمندساز و نتایج در حد پایین‌تر از متوسط به‌دست آمده است. اما با نتایج پژوهش‌های (شمس‌مورکانی و همکاران، 2014) و (محمدپورزرنندی و قادری، 2014) هم‌خوانی ندارد.

پژوهش (رنجبر و همکاران، 2015) با عنوان «خودارزیابی کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان فارس بر اساس مدل تعالی سازمانی از دیدگاه مربیان» نشان داد که معیارهای رهبری، خط‌مشی و استراتژی، کارکنان، شراکت‌ها و منابع و نتایج جامعه در وضعیت مطلوب و معیارهای فرایندها، نتایج مشتری، نتایج کارکنان و نتایج کلیدی عملکرد پایین‌تر از حد متوسط را کسب کرده‌اند. پژوهش (ادب و گل‌آور، 2013) با عنوان «ارزیابی تعالی سازمانی شرکت ملی گاز ایران بر اساس مدل تعالی سازمانی» نشان داد که تمام 9 معیار تعالی سازمانی شرکت ملی گاز ایران، در سطحی پایین‌تر از متوسط قرار دارد. مهرعلی‌زاده در سال (1387) در ارزیابی میزان تحقق اهداف برنامه سوم توسعه آموزش و پرورش مقطع متوسط استان خوزستان بر اساس الگوی اروپایی تعالی سازمان به این نتایج دست یافت که فاصله بین شاخص موجود و مطلوب، چشمگیر می‌باشد و در مجموع امتیاز 344 امتیاز کسب کرده است. کوبا، کامون و بن‌عاید در سال (2010) در پژوهشی تحت عنوان «رهبری در آموزش عالی کشور تونس از منظر مدل تعالی» اقدام به بررسی تأثیر رهبری در تعالی سازمان‌های آموزش عالی کشور تونس کردند. یافته‌ها نشان داد که وضعیت تعالی سازمانی، پایین‌تر از میانگین است و مدیران، هنوز آمادگی حرکت به سمت تعالی را به علت وجود برخی شکاف‌ها در اعمال و رفتارشان ندارند.

در تبیین نتایج به‌دست‌آمده در خصوص معیارهای توانمندساز می‌توان چنین گفت معیارهای توانمندساز ارزیابی عملکرد بر مبنای تعالی سازمانی، فعالیت‌هایی را معرفی می‌کنند که سازمان باید در راستای دستیابی به نتایج موردانتظار انجام دهد و معیارهای نتایج، حاصل فعالیت‌های سازمان و اجرای توانمندسازها را ارائه می‌کنند. سازمان‌های سرآمد با ارزیابی نتایج و از طریق یادگیری، بهبود و نوآوری، توانمندسازها را به صورت مداوم ارتقا می‌دهند.

در تبیین نتایج به‌دست‌آمده در خصوص معیارهای نتایج ارزیابی عملکرد مبتنی بر تعالی سازمانی می‌توان چنین گفت: معیارهای نتایج ارزیابی عملکرد بر مبنای تعالی سازمانی، حاصل فعالیت‌های سازمان و اجرای توانمندسازها را ارائه می‌کنند و سازمان‌های سرآمد با ارزیابی نتایج و از طریق یادگیری، بهبود و نوآوری، توانمندسازها را به صورت مداوم ارتقا می‌دهند.

مدل به‌دست‌آمده در مقایسه با سایر مدل‌های تعالی سازمانی، کامل‌تر و جامع‌تر است. همچنین در مقایسه با چارچوب نظری پژوهش یعنی مدل تعالی سازمانی EFQM، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که دو بعد توانمندسازها و نتایج در این پژوهش مطابق با مدل تعالی اروپا است اما معیارهای به‌دست‌آمده نسبت به مدل اروپا تغییراتی داشته است که به لحاظ ماهیت و ساختار کار آموزش و پرورش که مأموریت و چشم‌انداز متفاوتی دارد و از طرف دیگر نتایج آن نیز متفاوت است؛ لذا در بعد توانمندسازها 8 معیار شناسایی شده است که نسبت به مدل اروپا سه معیار مدیریت فناوری، روابط انسانی و ارزش‌های اخلاقی اضافه شده است. کاملاً مشخص است که بافت مدارس و آموزش و پرورش با تکنولوژی آموزشی روز سروکار دارد که ارزیابی آن می‌تواند در پیشبرد آن تأثیرگذار باشد و از طرف دیگر یک جامعه انسانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و خروجی آن نیز سرمایه‌های انسانی است و لذا توجه و ارزیابی روابط انسانی و ارزش‌های اخلاقی حاکم نیز از ضروریات مدل ارزیابی عملکرد مدارس می‌باشد که در این پژوهش شناسایی شده

است. در بعد نتایج نیز معیار نتایج اولیا به چهار معیار مدل اروپا اضافه شده است؛ با این تغییر که به جای نتایج مشتریان، نتایج دانش‌آموزان به جای نتایج کارکنان، نتایج معلمان جای‌گذاری شد.

در بحث شاخص‌ها نیز بومی‌سازی شاخص‌های مدل اروپا و اضافه شدن تعداد زیادی شاخص به مدل اصلی، مدل پژوهش حاضر را از چارچوب نظری تحقیق، متفاوت کرده است که این نیز از دستاوردهای پژوهش حاضر می‌باشد.

علاوه بر بررسی جامع موضوع ارزیابی عملکرد بر مبنای تعالی سازمانی از دیدگاه خبرگان، در پژوهش حاضر، توجه ویژه‌ای نیز به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش شده است. مفاد مرتبط با ارزیابی عملکرد و تعالی سازمانی در فصول مختلف به شرح زیر است:

فصل چهارم: هدف‌های کلان؛ در بند 5 اشعار می‌دارد: «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به‌ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی».

فصل پنجم: راهبردهای کلان؛ در بند 2 اشعار می‌دارد: «تهداینه کردن نگاه یکپارچه به فرایند تعلیم و تربیت با رویکرد تعالی‌بخشی در کلیه مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» و در بند 11 اشعار می‌دارد: «ارتقای معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و مشارکت برای ارتقای معنوی خانواده».

در فصل ششم سند: هدف‌های عملیاتی و راهبردها:

- راهکار 1/1- طراحی، تدوین و اجرای برنامه درس ملی براساس اسناد تحول راهبردی و باز تولید برنامه‌های

درسی موجود با تأکید بر بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی‌بخش

- راهکار 15/1- تدوین منابع علوم انسانی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی و با هدف توأمان هدایت، تعالی و مدیریت فرد و جامعه

- راهکار 10/2- استقرار نظام سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای، تعیین ملاک‌های ارزیابی و ارتقای مرتبه (نظام رتبه‌بندی) علمی و تربیتی معلمان و تقویت انگیزه ارتقای شغلی در آنان براساس نظام معیار اسلامی

- راهکار 6/4- ساماندهی و مدیریت بر فعالیت‌های مؤسسات و آموزشگاه‌های آزاد وابسته به وزارت آموزش و پرورش، بازنگری و بازتولید محتوای برنامه‌های آموزشی آنها هم‌سو با اهداف و برنامه‌های تحولی آموزش و پرورش و نظارت و ارزیابی مستمر بر عملکرد آنها و هماهنگی و همکاری با دستگاه‌های ذی‌ربط برای ایجاد هم‌سویی سایر آموزشگاه‌های آزاد با اهداف برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

- راهکار 11/4- ایجاد نظام ارزیابی صلاحیت معلمان شامل شایستگی‌های اخلاقی، اعتقادی، انقلابی، حرفه‌ای و تخصصی و ارزشیابی متناسب با مبانی و اهداف سند تحول راهبردی

- راهکار 2/7- استانداردسازی و تدوین شاخص‌های کیفی برای ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس. با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

(1) ایجاد و تأسیس مرکز یا کانون ارزیابی عملکرد با محوریت و مرکزیت معاونت مربوطه در وزارت آموزش و پرورش و ارائه مشاوره‌های لازم به مدیران مدارس غیردولتی.

(2) مدیران و مسئولان ارشد نظام آموزش و پرورش در خصوص نیاز و ضرورت اجرایی کردن مدل ارزیابی عملکرد مبتنی بر تعالی سازمانی توجیه شوند و ضمانت اجرایی سطح بالا برای اجرای آن پیش‌بینی شود.

(3) کلاس‌های آموزشی ضمن خدمت برای تقویت مهارت‌های ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان مدارس برگزار شود و نقاط قوت و ضعف آنها برطرف شود.

- 4) مدیران مدارس با کلیه معیارهای مدل ارزیابی عملکرد و سایر روش‌های ارزیابی عملکرد و مزایا و معایب هر روش آشنا شوند تا بتواند به اجرایی شدن این مدل کمک کنند.
- 5) در انتخاب ارزیابان، به ویژگی‌های دانش و مهارت، نگرش، خصوصیات رفتاری و اخلاقی آنها توجه شود تا نتایج ارزیابی با کمترین کاستی و ایراد در جهت تعالی سازمانی مورد استفاده قرار گیرد.
- 6) کلیه ذی‌نفعان مدارس توجه شوند که استقرار سیستم ارزیابی عملکرد مبتنی بر تعالی سازمانی، برای کلیه ذی‌نفعان دارای منفعت است و همکاری و مشارکت تک‌تک آنها به اجرای کامل‌تر آن کمک خواهد کرد.

References

- Adab, H., & Golavar, M. (2013). Organizational Excellence Assessment Based on EFQM Model-2010 in National Iranian Gas Company. *Journal Of Management Studies In Development & Evaluation* 23(70), 25-46. <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=494812>
- Alolah, T., Anthony Stewart, R., Panuwatwanich, K., & Mohamed, S. (2014). Developing a comprehensive safety performance evaluation framework for Saudi schools. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 63(4), 446-476. <https://doi.org/10.1108/IJPPM-05-2013-0096>
- Bolivar-Cruz, A., & Verano-Tacoronte, D. (2018). Self-assessment of the oral presentation competence: Effects of gender and student's performance. *Studies in Educational Evaluation*, 59, 94-101. <https://doi.org/10.1016/j.stueduc.2018.04.001>
- Brouns, J., Nassiopoulous, A., Bourquin, F., & Limam, K. (2016). Dynamic building performance assessment using calibrated simulation. *Energy and Buildings*, 122, 160-174. <https://doi.org/10.1016/j.enbuild.2016.04.015>
- Ernest Osseo-Asare, A., & Longbottom, D. (2002). The need for education and training in the use of the EFQM model for quality management in UK higher education institutions. *Quality Assurance in Education*, 10(1), 26-36. <https://doi.org/10.1108/09684880210416085>
- Eva, K. W. (2018). Cognitive Influences on Complex Performance Assessment: Lessons from the Interplay between Medicine and Psychology. *Journal of Applied Research in Memory and Cognition*, 7(2), 177-188. <https://doi.org/10.1016/j.jarmac.2018.03.008>
- Farahbakhsh, S., & Mohammadi, T. (2017). The Relationship between Transformational Leadership and Organizational Excellency in the High Schools of Khorramabad with Emphasis on Organizational Wellbeing. *Organizational Culture Management*, 15(2), 271-288. <https://doi.org/10.22059/jomc.2017.62699>
- Hides, M. T., Davies, J., & Jackson, S. (2004). Implementation of EFQM excellence model self-assessment in the UK higher education sector – lessons learned from other sectors. *The TQM Magazine*, 16(3), 194-201. <https://doi.org/10.1108/09544780410532936>
- Inaam, Z., Abderahman, M., & Yasmina, H. (2016). A framework of Performance Assessment of Collaborative Supply Chain. *IFAC-PapersOnLine*, 49(12), 845-850. <https://doi.org/10.1016/j.ifacol.2016.07.880>
- Jose Tari, J., & De Juana-Espinosa, S. (2007). EFQM model self-assessment using a questionnaire approach in university administrative services. *The TQM Magazine*, 19(6), 604-616. <https://doi.org/10.1108/09544780710828449>
- Korkmaz, M., Ozdemir, M. A., Kavali, E., & Cakir, F. (2018). Performance-based assessment of multi-story unreinforced masonry buildings: The case of historical Khatib School in

- Erzurum, Turkey. *Engineering Failure Analysis*, 94, 195-213. <https://doi.org/10.1016/j.engfailanal.2018.08.002>
- Masouri, N., Sadeghi Ghiasi, F., & Khayyamdar, E. (2011). The role of medical records in the implementation of the EFQM model in hospital. *Payavard-Salamat*, 5(3), 49-58. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=158847>
- Mohammadpour Zarandi, H., & Ghaderi, J. (2014). Organizational Excellence Assessment of Tehran Municipality According to EFQM Model. *Journal of Urban Economics and Management*, 2(7), 1-13. <http://iueam.ir/article-1-74-en.html> <http://iueam.ir/article-1-74-en.pdf>
- Ranjbar, F., Ahmadi, E., & Barzegar, M. (2015). Self – Evaluation of Child and Young idea Nurture Societies of Fars Province Based on EFQM from Point of view Teachers. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 6(21), 43-62. http://jedu.miau.ac.ir/article_e_798_184a1e1ba123d12d00d514071602a516.pdf
- Shams Mourkani, G., Ghahremani, M., Maarefvand, Z., & Zangeneh, F. (2014). Evaluating the performance of Shahid Beheshti University based on the EFQM organizational excellence model. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 7(1), 39-67. https://mpes.sbu.ac.ir/article_98395.html
- Venkatraman, S. (2007). A framework for implementing TQM in higher education programs. *Quality Assurance in Education*, 15(1), 92-112. <https://doi.org/10.1108/09684880710723052>
- Zhang, L., & Luo, Y. (2016). Evaluation of Input Output Efficiency in Higher Education Based on Data Envelope Analysis. *International journal of database theory and application*, 9(5), 221-230. <https://doi.org/0.14257/ijdta.2016.9.5.23>



The Mediating Role of Innovation on the Impact of Market Orientation on the Performance of Private Clubs

Seyed Hossein Alavi^{1*}, Forough Mohammadi², Abolfaz Darvishi³, Nariman Rahmani⁴

¹Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Technical and Vocational University (TVU), Mahmoudabad Branch, Mazandaran, Iran.

^{2,3,4}PhD in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 05.18.2020

Revised: 12.05.2020

Accepted: 12.07.2020

Keyword:

Market orientation

Performance

Technological innovation

Management innovation

*Corresponding Author:

Seyed Hossein Alavi

Email:

S_h_alavi2003@yahoo.com

ABSTRACT

The purpose of this study was to explain the effect of market orientation on the performance of private clubs with an emphasis on the mediating role of technology innovation and management innovation. This was a descriptive-correlative study. The statistical population of the study included the members of the technical staff of the private martial arts clubs of Mazandran Province (142 in total). Based on the Cochran formula and simple random sampling method, 104 subjects were selected as the statistical sample. Market orientation, organizational innovation, technological innovation and performance questionnaires were used. Validity was confirmed by 12 sports management professors and their reliability was assessed through Cronbach's alpha. For data analysis, descriptive statistics (mean and standard deviation, frequency and percent), and inferential statistics (Pearson's correlation coefficient and structural equation modeling) were used in SPSS24 and AMOS24 software. The findings illustrated that market orientation had a positive and significant effect on the performance of the club through innovation management and technological innovation. Therefore, it is recommended that private club managers consider market orientation, management innovation, and technological innovation to improve their performance.





نقش میانجی نوآوری بر تأثیر بازارگرایی بر عملکرد باشگاه‌های خصوصی

سید حسین علوی^{1*}، فروغ محمدی²، ابوالفضل درویشی³، نریمان رحمانی⁴

1- استادیار، دپارتمان تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده فنی و حرفه‌ای محمود آباد، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، مازندران، ایران.
2,3,4- دکتری مدیریت ورزشی، دپارتمان تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تبیین مدل تأثیر بازارگرایی بر عملکرد باشگاه با تأکید بر نقش میانجی نوآوری فناورانه و نوآوری مدیریت بود. این پژوهش توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل اعضای کادر فنی ثابت در باشگاه‌های خصوصی رشته‌های رزمی مرد استان مازندران که تعداد آنها 142 نفر می‌باشد. براساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، 104 نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پرسشنامه‌های بازارگرایی، نوآوری سازمانی، نوآوری فناورانه و عملکرد استفاده شد. روایی توسط 12 نفر اساتید مدیریت ورزشی تأیید شد و پایایی آنها از طریق آلفای کرونباخ ارزیابی شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد، فراوانی و درصد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری) در قالب نرم‌افزارهای SPSS²⁴ و AMOS²⁴ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بازارگرایی دارای اثر مثبت و معناداری بر عملکرد باشگاه از طریق نوآوری مدیریت و نوآوری فناورانه می‌باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مدیران باشگاه‌ها بازارگرایی، نوآوری مدیریت و نوآوری فناورانه را برای بهبود عملکرد خود در نظر بگیرند.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: 1399/02/29

بازنگری مقاله: 1399/09/15

پذیرش مقاله: 1399/09/17

کلید واژگان:

بازارگرایی

عملکرد

نوآوری فناورانه

نوآوری مدیریت

*نویسنده مسئول: سید حسین علوی

پست الکترونیکی:

s_h_alavi2003@yahoo.com



مقدمه

امروزه بی‌ثباتی و عدم اطمینان جزء جدانشدنی در محیط کار به خصوص در محیط تجاری شده است. شرایط محیط و قواعد بازی رقابت، به حدی بی‌رحم، پیچیده، پویا و نامطمئن گردیده که سازمان‌ها دیگر نمی‌توانند با نادیده گرفتن تغییرات محیطی، حیات و بقای بلندمدت خود را تضمین کنند (یاسر تیموری اصل و علی اکبر جوکار، 2015). از طرفی کسب و کارهای کوچک می‌توانند علاوه بر ایجاد اشتغال در فرایند توسعه، ظرفیت‌سازی کنند و امکان ورود به بازارهای جهانی نیز پیدا کنند (مسعود سامیان و رضا موحدی، 2018). موفقیت و عملکرد باشگاه‌های ورزشی امروزی در گرو شناخت هرچه بیشتر از مشتریان و رقبای و سایر عوامل تاثیرگذار است. نیازها و خواسته‌های مشتریان همواره در حال تغییر هستند و تنها در صورت شناخت این تغییرات است که باشگاه می‌تواند موفق شود. از طرفی رقبا نیز به دنبال جذب مشتریان بیشتر برای خود هستند و در این راه از هیچ کوششی چشم‌پوشی نخواهند کرد؛ همچنین تغییر شرایط بازار و قوانین حاکم بر آن نیز می‌تواند موفقیت این باشگاه‌های ورزشی را تحت تأثیر خود قرار دهد (حسین رضایی دولت آبادی و احمدعلی خائف الهی، 2006). از این رو بازاریگرایی و گرایش به بازار برای شناخت مشتریان و رقبا امری مهم می‌باشد و آن یکی از منابع و قابلیت‌های هر سازمانی است که اگر به طور مؤثری مورد استفاده قرار گیرد، مزیت رقابتی را به وجود می‌آورد (گیری جوگراتنام، 2017)¹؛ بازاریگرایی به عنوان یک رویکرد در فرهنگ سازمانی تعریف شده است که قرار دادن اولویت در ارزش مشتری و برقراری ارتباط نزدیک با مشتریان از اهداف آن می‌باشد و همچنین به عنوان یک منبع استراتژیک کلیدی است که می‌تواند عملکرد شرکت را بهبود بخشد (ایگور فیلاتوتچو، ژانگفنگ سو و گری دی. بروتون، 2017)². بازاریگرایی، سه بعد دارد: 1- مشتری‌گرایی به معنی درک عمیق از مشتریان که منجر به توانایی خلق ارزش ممتاز برای آن به صورت مستمر می‌گردد. 2- رقیب‌گرایی است که به معنی درک نقاط ضعف و قوت کوتاه‌مدت و استراتژی‌های بلندمدت رقبای فعلی و بالقوه سازمان است. 3- هماهنگی‌های میان وظیفه‌ای است که به معنای بهره‌برداری هماهنگ از منابع شرکت به منظور خلق ارزش ممتاز برای مشتریان هدف می‌باشد (سیدمحمد باقری و فرشته اصغری، 2013). با وجود نتایج ناسازگار مطالعات میدانی پژوهشگران، اغلب آنها موافقت دارند که بازاریگرایی، تأثیر مثبتی بر عملکرد دارد؛ زیرا منبعی است که به بنگاه برای ایجاد ارزش برتر بلندمدت برای مشتریان کمک می‌کند (نیما گروسی مختارزاده و محمود زمانی، 2015). باشگاه‌های ورزشی، امروزه برای بهبود عملکرد و حفظ مشتریان خود به گرایش به بازار نیاز دارند تا از این طریق خود را با تغییرات و شرایط ذی‌نفعان وفق دهند.

از سویی دیگر در دنیای رقابتی امروز، نوآوری، یکی از فاکتورهای مهم برای موفقیت و عملکرد باشگاه‌های ورزشی می‌باشد. به نوعی که در جوامع موفق جهان بر نقش اساسی و سازنده نیروی انسانی در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها در موفقیت‌ها تأکید شده است (حمید رحیمی و راضیه آقابابایی، 2020). نوآوری برای کسب و کار و به دست آوردن مزیت رقابتی نسبت به رقبا امری ضروری است اما سرمایه‌گذاری در نوآوری به دلیل وجود شرایط عدم اطمینان، اطلاعات مختلف و عدم همبستگی با فعالیت‌های نوآورانه، امری دشوار است (ویرال آچاریا و ژائوکسیا کسپو، 2017)³. باشگاه‌های نوآور می‌توانند سریع‌تر در مقابل عمل رقبا واکنش نشان دهند و همچنین انتظارات تغییر یافته مشتریان را برآورده کنند. دو نوآوری که شامل نوآوری در مدیریت و نوآوری فناورانه است، در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نوآوری مدیریت⁴ مفهوم نسبتاً جدیدی است که در تحقیقات استفاده شده است اما این مفهوم، در

¹ Giri Jogaratnam, 2017

² Igor Filatotchev, Zhongfeng Su & Garry D. Bruton, 2017

³ Viral Acharya & Zhaoxia Xu, 2017

⁴ Management Innovation

تحقیقات پیشین از طریق مفاهیم دیگری مانند نوآوری سامانی یا اداری به نقل از (جولیا نیوز و مرسدس سگراسیپرس، 2015)¹ و نوآوری مدیریتی به نقل از (فریبرز دامن پور و دیپا آراویند، 2012)² مورد بحث قرار گرفته است. در این تحقیق نیز مفاهیم نوآوری سازمانی و نوآوری مدیریت، یکسان تلقی می‌شود. نوآوری در مدیریت به عنوان پایبندی به اصل علمی مدیریت، هم‌زمان با به‌روز کردن مفاهیم مدیریت، استفاده از روش‌ها و ابزارهای مدیریت خلاق و اجرای یک مدیریت با اصول، برای ایجاد یک سرمشق یکپارچه‌سازی جدید، تعریف شده است (نیوز و سگراسیپرس، 2015). (ایگناسیو جی. واکارو، جاستین جی. پی. جانسن، فرانس آ. جی. ون دن بوش و هنک دیبلیو. ولبردا، 2012)³ نوآوری مدیریت را معرفی ساختارها، فرایندها و شیوه‌های جدید برای سازمان تعریف می‌کنند. نوآوری مدیریت براساس مطالعه (سزار کامیسون و آنا ویلار-لوپز، 2014)⁴ و (گروسی مختارزاده و زمانی، 2015) دارای سه بعد می‌باشد که شامل: نوآوری مدیریت در روش‌ها و شیوه‌های کسب و کار، نوآوری مدیریت در محل کار (شیوه‌های جدید طراحی سازمانی) و روش‌های جدید در طراحی خارجی (روش‌های جدید سازماندهی روابط با مشتریان و تأمین‌کنندگان خاص) است. نوآوری عامل اصلی برتری فناوری شرکت‌ها و سازمان‌ها محسوب می‌شود و این برتری در رشد و ارتقای عملکرد سازمان‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. نوآوری فناوریانه جزء مهمی از سیستم‌های نوآوری می‌باشد و یک پشتیبانی تکنولوژیک را برای نوآوری‌هایی که در دانش به وجود می‌آید، فراهم می‌کند (وی-وی لیو، رو سا و کیان لی، 2017)⁵. نوآوری فناوریانه⁶ برای ارتقای رقابت‌پذیری بسیار مهم است، به خصوص در محیط اقتصادی پیچیده امروز که نه تنها به بهبود سرعت ارتقای تکنولوژی نیاز هست، بلکه استفاده از نوآوری در عمل برای رسیدن به مزایای اقتصادی هم بسیار مهم می‌باشد (ژنی وانگ، کیوتونگ هی و پنگتائو ژو، 2016)⁷. (آلوا تیلور و هنریج آ. گریو، 2006)⁸ نوآوری فناوریانه را به وجود آمدن ایده خلاقانه و جدید و عملی کردن آن از طریق ساخت محصولی ارزشمند، تعریف می‌کنند. قابلیت نوآوری فناوریانه، توانایی برای انطباق با تغییرات غیرمنتظره تکنولوژی، توسعه محصولات جدید و استفاده از تکنولوژی‌های فرایند جدید برای برآورده ساختن نیازها حال و آینده، تعریف شده است (حسین اینس، صالح زکی اماموغلو و هولیا ترکان، 2016)⁹. نوآوری فناوریانه دارای دو بعد نوآوری در محصول (قابلیت توسعه محصولات جدید برای پاسخگویی به نیازها و انتظارات مشتریان) و نوآوری در فرایند (تغییر در ابزار، نرم‌افزارها و روش‌های به‌کار رفته با هدف ایجاد روش تولید و بهبود) می‌باشد (کریستین لی بس، کارولین موته و توک اوین نگوین-تی، 2015)¹⁰.

(گروسی مختارزاده و زمانی، 2015) نتیجه گرفتند که متغیر بازارگرایی، رابطه مستقیم و معناداری با عملکرد بنگاه دارد؛ همچنین نوآوری مدیریت و نوآوری فناوریانه، تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد بنگاه دارند و در نهایت، بازارگرایی و نوآوری مدیریت تأثیر معناداری بر نوآوری فناوریانه دارند و دارای رابطه مستقیم هستند. همچنین (حجت اله حاجی حسینی و احسان نوزادمقدم، 2014) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بازارگرایی، بر نوآوری تأثیر دارد و همچنین نوآوری بر عملکرد کسب و کار یک بنگاه صنعتی، تأثیر قابل توجهی دارد. همچنین (محمد مهدی محمدپور میر، سامره

¹ Julia Nieves & Mercedes Segarra-Cipres, 2015

² Fariborz Damanpour & Deepa Aravind, 2012

³ Ignacio G. Vaccaro, Justin J. P. Jansen, Frans A. J. Van Den Bosch & Henk W. Volberda, 2012

⁴ Cesar Camison & Ana Villar-Lopez, 2014

⁵ Wei-Wei Liu, Ru Sun & Qian Li, 2017

⁶ Technological Innovation

⁷ Zhenyi Wang, Qiu Tong He & Pengtao Zhou, 2016

⁸ Alva Taylor & Henrich R. Greve, 2006

⁹ Huseyin Ince, Salih Zeki Imamoglu & Hulya Turkcan, 2016

¹⁰ Christian Le Bas, Caroline Mothe & Thuc Uyen Nguyen-Thi, 2015

شجاعی، روح الله سمیعی و مجید اشرفی، 2020) نتیجه گرفتند که ایجاد نوآوری، یکی از عوامل زمینه‌ای مؤثر در تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی فناورانه است. (سانجایا اس. گاور، هاری واسودوان و آجای اس. گاور، 2011)¹ در مطالعه خود دریافتند که بین بازاریابی و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط هند رابطه مستقیم وجود دارد. (نیلز بکر و مالت برتل، 2017)² و (آویو شوهم، گریگوری ام. روز و فردریک کروپ، 2005)³ دریافتند که بازاریابی و عملکرد شرکت رابطه مستقیم و معنی‌داری دارند. (جوزه کارلوس پینهو، آنا پائولا رودریگز و سالی دیب، 2014)⁴ نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که افزایش بازاریابی باعث افزایش تعهد و عملکرد سازمانی می‌شود. (ماسیمیلیانو مازانتی، پائولو پینی و ارمانتو تورتیا، 2006)⁵ و (مایکل جی. مول و جولیان بیرکینشاو، 2009)⁶ دریافتند که نوآوری سازمانی و مدیریت با عملکرد شرکت، رابطه مثبتی دارد (کامیسون و ویلار-لوپز، 2014) و (جولیا سی. نارانجو-والنسیا، دانیل جیمenez-جیمenez و راکول سانز-واله، 2016)⁷ نیز نتیجه گرفتند که نوآوری سازمانی و نوآوری در فن آوری باعث بهبود در عملکرد شرکت می‌شود. (چیونگ یائو، جیانگ و فن‌انگ و میسی آکسیو، 2016)⁸ نیز دریافتند که بین نوآوری در فناوری و عملکرد شرکت‌های چینی، رابطه مثبتی وجود دارد. (محمود عبدالحی محمود، چارلز بلنکسون، نانا اوسو-فریمپونگ، سانی نوانکو و تران پی. ترانگ، 2016)⁹ در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین بازاریابی و نوآوری ارتباط معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین نوآوری، واسطه رابطه بین بازاریابی و عملکرد کسب و کار می‌باشد. (سانجیو آگاروال، ارامیلی ام. کریشنا و چکیتان اس. دیو، 2003)¹⁰ نیز در مطالعه خود نتیجه گرفتند که بازاریابی، ارتباط مثبت با عملکرد در هتل‌های بین‌المللی دارد و برای ایجاد نوآوری نیز مؤثر می‌باشد. در پژوهشی دیگر، (لئو وی. ام. سین، آلان سی. بی. تسه، وینسنت سی. اس. هیونگ و فردریک اچ. کی. ییم، 2005)¹¹ نیز دریافتند که بین بازاریابی و عملکرد مالی و بازاریابی هتل‌های هنگ‌کنگ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

بازاریابی و نوآوری مدیریت، از مواردی هستند که در تحقیقات گذشته به عنوان عوامل مؤثر بر نوآوری فن آورانه و عملکرد بنگاه‌ها شناخته شده‌اند (دامان پور و آراویند، 2012؛ گروسی مختارزاده و زمانی، 2015؛ جینگ ژانگ و یانلینگ دوان، 2010)¹². ولی تاکنون تحقیقی در این مورد در باشگاه‌های ورزشی انجام نشده است. در عصر حاضر صنعت ورزش در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت بسیار بالایی است و از طرفی در رابطه با بازاریابی، جذب مشتری و فرایند کسب و کار از دیگر شرکت‌ها مجزا نمی‌باشد؛ بنابراین با پیچیده شدن وضعیت کسب و کار شرکت‌های ورزشی و باشگاه‌های ورزشی، نوآوری‌های جدید در فرایندها، محصولات و وجود رقابت شدید در بین باشگاه‌ها، این سؤال‌ها در ذهن بازاریابان ورزشی و مدیران باشگاه‌ها مطرح می‌شود که مشتریان آن‌ها چه نیازهایی دارند؟ چگونه می‌توان

¹ Sanjaya S.Gaur, Hari Vasudevan & Ajai S. Gaur, 2011

² Niels Becker & Malte Brettel, 2017

³ Aviv Shoham, Gregory M. Rose & Fredric Kropp, 2005

⁴ Jose Carlos Pinho, Ana Paula Rodrigues & Sally Dibb, 2014

⁵ Massimiliano Mazzanti, Paolo Pini & Ermanno Tortia, 2006

⁶ Michael J. Mol & Julian Birkinshaw, 2009

⁷ Julia C. Naranjo-Valencia, Daniel Jiménez-Jiménez & Raquel Sanz-Valle, 2016

⁸ Qiong Yao, Jiang Wenfang, & Meisi Xu, 2016

⁹ Mahmoud Abdulai Mahmoud, Charles Blankson, Nana Owusu-Frimpong, Sonny Nwankwo, Tran P. Trang, 2016

¹⁰ Sanjeev Agarwal, Erramilli, M. Krishna, Chekitan S. Dev, 2003

¹¹ Leo Y. M. Sin, Alan C. B. Tse, Vincent C. S. Heung, Frederick H. K. Yim, 2005

¹² Jing Zhang & Yanling Duan, 2010

بهترین بازده و عملکرد مطلوب را از قابلیت‌های بازاریابی و ایجاد فرهنگ بازارگرایی به دست آورد؟ لذا با توجه به گستردگی روزافزون باشگاه‌های ورزشی و افزایش رقبا ارائه عملکرد مناسب‌تر می‌تواند موجب پیش افتادن باشگاه‌های ورزشی از رقبا داخلی و خارجی شود. بی‌شک شناخت متغیرهایی که باعث بهبود عملکرد باشگاه و تغییر شرایط راکد می‌شوند، ضروری به نظر می‌رسد. از همین رو هدف اصلی این تحقیق تبیین مدل تأثیر بازارگرایی بر عملکرد باشگاه با تأکید بر نقش میانجی نوآوری فناورانه و نوآوری مدیریت در باشگاه‌های خصوصی رشته‌های رزمی مرد استان مازندران می‌باشد.

مواد و روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی - همبستگی و تحلیلی است که به صورت میدانی و در باشگاه‌های خصوصی رشته‌های رزمی مرد استان مازندران است. جامعه آماری شامل اعضای کادر فنی در باشگاه‌های خصوصی استان مازندران که تعداد کل آن‌ها 142 نفر می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران تعداد 104 نفر و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برای نمونه تحقیق انتخاب شدند. برای دستیابی به اهداف پژوهش از پرسشنامه‌های بازارگرایی 14 سؤالی بازارگرایی (چنگ و کروم ویده، 2012) با زیرمؤلفه‌های مشتری‌گرایی (6 گویه)، رقیب‌گرایی (4 گویه)، هماهنگی بین وظایف (4 گویه)، پرسشنامه نوآوری مدیریت 8 سؤالی (کامیسون و ویلار-لوپز، 2014) با زیرمؤلفه‌های شیوه و روش کسب و کار (2 گویه)، محیط کار (3 گویه)، روش‌های سازمانی جدید در روابط خارجی (3 گویه)، پرسشنامه نوآوری فناورانه با زیرمؤلفه‌های نوآوری در محصول (5 گویه) و نوآوری در فرایند (8 گویه) و پرسشنامه عملکرد (زو و کاوسگیل، 2009) با مؤلفه‌های عملکرد مالی (3 گویه)، عملکرد راهبردی (4 گویه)، استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها به تأیید 12 تن از استادان مدیریت ورزشی رسید. پایایی آن‌ها نیز در یک آزمون مقدماتی با 30 آزمودنی و با آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفا برای هر متغیر به صورت جداگانه و به صورت کلی محاسبه و در جدول 1 ارائه شده است.

جدول 1. مقدار آلفا کرونباخ متغیرهای پژوهش

ملک	گویه	مقدار آلفا کرونباخ
بازارگرایی	مشتری‌گرایی	0/893
	رقیب‌گرایی	0/839
	هماهنگی بین وظایف	0/902
نوآوری سازمانی	شیوه و روش کسب و کار	0/796
	محیط کار	0/817
	روابط جدید	0/873
نوآوری فناورانه	محصول	0/809
	فرایند	0/929
	مالی	0/880
عملکرد	راهبردی	0/903

در این پژوهش با توجه به فرضیه‌های تحقیق و گروه نمونه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS²⁴ و AMOS²⁴ در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمارهای توصیفی نظیر محاسبه مقادیر میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی و درصد، برای توصیف داده‌ها و برای تحلیل آماری داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون برای معناداری رابطه‌ها استفاده گردید. مدل معادلات ساختاری است نیز ارائه می‌شود. در مدل‌های مسیر پژوهشگر تلاش می‌کند تا با مجموعه‌ای از روابط یک‌سویه و دوسویه پدیده یا پدیده‌هایی را تبیین کند درحالی‌که متغیرهای حاضر در مدل از نوع

مشاهده شده هستند. تحلیل مسیر بیان می‌کند که کدام مسیر مهم‌تر یا معنادارتر است و ضرایب مسیر براساس ضریب استاندارد شده رگرسیون محاسبه می‌شود (وحید قاسمی، 2013).

یافته‌های پژوهش

در جدول 2 مشخصات جمعیت‌شناختی جامعه مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول 2. توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه مورد بررسی

مدیر	معاون	دبیر	سایر	کل
6	2	68	28	104
درصد	5/8	1/9	65/4	26/9
کل	100			

برای یافته‌های استنباطی تحقیق، در ابتدا لازم است پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها کنترل شود. به این منظور باید مطمئن شویم داده‌ها کجی و کشیدگی شدید نداشته باشند. خروجی‌های مربوط به این پیش‌فرض در جدول 3 نشان داده شده است.

جدول 3. شاخص‌های توصیفی مدل بازارگرایی، نوآوری و عملکرد باشگاه

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی		کشیدگی	
			مقدار	مقدار بحرانی	مقدار	مقدار بحرانی
عملکرد	مالی	10/92	3/646	-0/612	2/547	-0/903
	راهبردی	14/53	5/193	-0/604	-2/516	-1/190
	مشتری گرایی	24/16	4/682	-1/136	-4/731	1/968
بازارگرایی	رقیب گرایی	15/29	3/267	-0/730	-3/040	0/462
	همانگی بین وظایف	14/74	4/112	-0/825	-3/434	-0/133
	شیوه و روش کسب و کار	7/78	1/926	-1/061	-4/417	0/779
نوآوری سازمانی	محیط کار	11/80	2/725	-1/242	-5/169	1/703
	روابط جدید	12/06	2/176	-0/961	-4	1/909
	محصول	19/32	4/372	-1/149	-4/782	0/868
نوآوری فناورانه	فرایند	28/15	4/659	-0/613	-2/551	0/291

با توجه به نتایج جدول 3 چون مقادیر کجی و کشیدگی گزارش شده، کمتر از مقدار بحرانی پیشنهادی نرم‌افزار است؛ در نتیجه می‌توان بیان کرد که پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها برقرار است.

جدول 4 برخی شاخص‌های توصیفی به همراه مقادیر ضریب همبستگی بین متغیرهای را پژوهش ارائه می‌دهد. با توجه به نتایج جدول 4 اکثریت ارتباطات سطح معناداری کمتر از مقدار $\alpha=0/05$ داشته‌اند؛ در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت روابط بین متغیرها معنادار است. بر مبنای معناداری مقادیر همبستگی بین متغیرهای می‌توان یک مدل معادلات ساختاری را که نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهای پژوهش است، برازش داد. در حقیقت، پس از تدوین و بررسی مدل‌های تحلیل عاملی باید برازش مدل کلی انجام شود. اطلاعات کلی مربوط به مدل بازارگرایی،

نوآوری و عملکرد باشگاه در جدول 5 ارائه شده است و سپس در ادامه جزئیات مدل (مقادیر پارامترها و معناداری تفاوت آن‌ها با صفر به‌ویژه برای ضرایب ساختاری) ارائه شده‌اند.

جدول 4. شاخص‌های توصیفی مدل و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1	0/907**	0/785**	0/589**	0/747**	0/544*	0/515**	0/353**	0/701**	0/613**
2	-	0/805**	0/640**	0/744**	0/573*	0/517**	0/410**	0/653**	0/578**
3	-	-	0/709**	0/724**	0/620**	0/700**	0/539**	0/690**	0/617**
4	-	-	-	0/735**	0/699**	0/719**	0/439**	0/565**	0/596**
5	-	-	-	-	0/698**	0/643**	0/328**	0/718**	0/598**
6	-	-	-	-	-	0/759**	0/286**	0/481**	0/550**
7	-	-	-	-	-	-	0/411**	0/510**	0/547**
8	-	-	-	-	-	-	-	0/422**	0/429**
9	-	-	-	-	-	-	-	-	0/572**

P < 0.01

جدول 5. شاخص‌های برازش مدل بازارگرایی، نوآوری و عملکرد باشگاه

شاخص‌های برازش	میزان	ملاک	تفسیر
χ^2 (آماره آزمون) (df درجه آزادی)	28/047 (21)	بالاتر همراه df کمتر χ^2 با	برازش مطلوب
p-value (سطح معناداری)	0/139	بیشتر از 0/05	برازش مطلوب
GFI (شاخص نیکویی برازش)	0/952	بیشتر از 0/90	برازش مطلوب
AGFI (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده)	0/874	بیشتر از 0/90	برازش نسبتاً مطلوب
RMR (ریشه دوم میانگین مربعات خطای باقی‌مانده)	0/382	کمتر از قدر مطلق چهار	برازش مطلوب
TLI (شاخص توکر-لویس)	0/983	بیشتر از 0/90	برازش مطلوب
NFI (شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت)	0/969	بیشتر از 0/90	برازش مطلوب
CFI (شاخص برازش تطبیقی)	0/992	بیشتر از 0/90	برازش مطلوب
RMSEA (ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد)	0/057	کمتر از 0/05	برازش نسبتاً مطلوب
PNFI (شاخص برازش مقتصد هنجار شده)	0/452	بیشتر از 0/5	برازش نسبتاً مطلوب

برای بررسی کفایت مدل تمرکز بر روی شاخص‌های برازش کلی مدل است. بر مبنای نتایج ارائه شده در جدول 5 سطح معناداری مدل (0/14) بیشتر از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ است. در نتیجه بین مدل اندازه‌گیری شده و داده‌های تجربی تفاوت معناداری وجود ندارند و مدل برازشی برای داده‌ها مناسب است. حاصل تقسیم آماره آزمون بر درجه آزادی برابر با 1/336 (کمتر از 3 مطلوب) است. همچنین مقدار کوچک گزارش شده برای RMR و مقدار نسبتاً مطلوب RMSEA به ترتیب 0/38 و 0/06 مناسب بودن مدل کلی بازارگرایی، نوآوری سازمانی و نوآوری فناورانه را تأیید می‌کند.

شكل 1

203

جدول 6. مقادیر برازش شده پارامترهای مدل بازارگرایی، نوآوری و عملکرد باشگاه

نتیجه	ضریب تعیین R ²	سطح معناداری p-value	استاندارد		ضریب	مسیرهای مدل
			B	B		
معنادار	0/876	***	0/933	0/755	نوآوری فن آورانه	<-- -
معنادار	0/822	***	0/906	0/361	نوآوری مدیریت	<-- -
غیرمعنادار	-	0/721	0/134	0/199	عملکرد باشگاه	<-- -
معنادار	1/059	0/019	1/043	3/151	عملکرد باشگاه	<-- -
معنادار	-	0/004	1/749	2/104	عملکرد باشگاه	<-- -
معنادار	0/710	-	0/894	1	مشتری گرایی	<-- -
معنادار	0/643	***	0/802	0/626	رقیب گرایی	<-- -
معنادار	0/800	***	0/843	0/829	هماهنگی بین وظایف	<-- -
معنادار	0/595	-	0/771	1	محصول	<-- -
معنادار	0/543	***	0/737	1/018	فرایند	<-- -
معنادار	0/748	-	0/865	1	شیوه و روش کسب و کار	<-- -
معنادار	0/764	***	0/874	1/430	محیط کار	<-- -
معنادار	0/241	***	0/491	0/639	روابط جدید	<-- -
معنادار	0/910	-	0/965	1	راهبردی	<-- -
معنادار	0/905	***	0/951	0/689	مالی	<-- -

***P < 0.001

جدول 7. تأثیرات غیرمستقیم مسیرهای مدل

بازارگرایی							
عملکرد باشگاه	مالی	راهبردی	روابط جدید	محیط کار	شیوه و روش کسب و کار	فرایند	محصول
غیراستاندارد	-0/987	0/770	1/117	0/231	0/516	0/391	0/769
استاندارد	-0/820	0/883	0/896	0/445	0/792	0/784	0/690
نوآوری سازمانی				نوآوری فناورانه			
مالی	راهبردی	مالی	راهبردی	مالی	راهبردی	مالی	راهبردی
غیراستاندارد	-2/172	3/151	0/137	0/199	0/129	0/127	0/129
استاندارد	-0/992	-1/007	0/127	0/129	0/129	0/127	0/129

همچنین جدول 7 تأثیرات غیرمستقیم استاندارد مسیرهای مدل را برای متغیرهای بازارگرایی، نوآوری سازمانی و نوآوری فناوریانه نشان می‌دهد.

نتایج جدول 7 نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم بازارگرایی بر عملکرد باشگاه برابر $0/82$ ، بازارگرایی بر عملکرد مالی برابر $0/88$ ، بازارگرایی بر عملکرد راهبردی برابر $0/90$ در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، تبیین مدل تأثیر بازارگرایی بر عملکرد باشگاه با تأکید بر نقش میانجی نوآوری فناوریانه و نوآوری مدیریت در باشگاه‌های خصوصی استان مازندران بوده است. براساس نتایج بازارگرایی دارای تأثیر معناداری بر عملکرد باشگاه‌ها، نوآوری فناوریانه و نوآوری مدیریت می‌باشد؛ همچنین نوآوری فناوریانه و نوآوری مدیریت دارای تأثیر معناداری بر عملکرد باشگاه‌ها بوده است. همان‌طور که در یافته‌های پژوهش مشاهده می‌شود بازارگرایی دارای اثر مثبت و معناداری بر عملکرد بنگاه می‌باشد؛ ضریب اثر آن حاصل جمع اثر مستقیم و غیرمستقیم $0/929 = 0/82 - 1/749$ می‌باشد. این یافته با نتایج (گروسی مختارزاده و زمانی، 2015)، (گاور و همکاران، 2011)، (بکر و برتل، 2017)، (شوها و همکاران، 2005)، (پینهو و همکاران، 2014)، (اگاروال و همکاران، 2003) و (سین و همکاران، 2005) هم‌سو است. در اثرگذاری بازارگرایی بر عملکرد باشگاه به ترتیب مشتری‌گرایی با بارعاملی $0/894$ ، هماهنگی بین وظایف با بارعاملی $0/843$ و رقیب‌گرایی با بارعاملی $0/802$ بیشترین تأثیر را داشته است. با توجه به این نتایج می‌توان دریافت که باشگاه‌ها در هر سه حوزه مشتری‌گرایی، هماهنگی بین وظایف و رقیب‌گرایی به طور مناسبی عمل کرده است. بازارگرایی، یک نوع هنجار رفتاری است که در سراسر سازمان گسترش یافته و از طریق نوآوری، پاسخگوی نیازهای حال و آینده بازار و مشتری است (محمدتقی تقوی فرد، امیر غفورین شاگردی و امید بهبودی، 2015). باشگاه‌های ورزشی که بازارگرایی را در اهداف خود قرار دهند و به آن عمل کنند دارای مزیت رقابتی در سرعت پاسخگویی به نیازهای بازار و مشتریان و همچنین آگاه بودن به فعالیت رقبا می‌باشند و به فرصت‌ها و تهدیدات بازار به صورت اثربخش پاسخ می‌دهند و از این طریق می‌توانند عملکرد خود را از جنبه‌های مختلف به‌طور روزافزون بهبود بخشند و در میان رقبا از جایگاه مناسبی برخوردار شوند. در میان سه مؤلفه بازارگرایی، مشتری‌گرایی دارای بیشترین تأثیر بوده است؛ درصورتی که باشگاه‌های ورزشی بتوانند به انتظارات و خواسته‌های مشتریان که امروزه به طور مداوم در حال تغییر است توجه داشته باشند و در برنامه‌های مدنظر خود لحاظ کنند و رضایت آنها را جلب کنند، می‌توانند به اهداف خود دست یابند. پس از مشتری‌گرایی، هماهنگی بین وظایف دارای بیشترین تأثیر می‌باشد. نیروی انسانی در یک سازمان می‌تواند باعث موفقیت یا شکست آن سازمان شود و عملکرد آن را تحت تأثیر قرار دهد و این امر در یک باشگاه ورزشی هم وجود دارد. منظور از هماهنگی بین وظیفه‌ای وجود روابط مناسب بین بخش‌های مختلف و افراد حاضر در هر یک از آنها است؛ بنابراین وجود هماهنگی بین وظایف، بخش‌ها و افرادی که در این بخش‌ها حضور دارند می‌تواند عملکرد و سودآوری بخش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در آخر رقیب‌گرایی نیز دارای تأثیر قوی بوده است که این امر به باشگاه ورزشی این امکان را می‌دهد که رقیب و اقدامات آن را زیر نظر داشته باشند و در سریع‌ترین زمان نیازها و خواسته‌های مشتریان را در مقایسه با رقبا شناسایی کنند؛ همچنین از طریق رقیب‌گرایی، باشگاه ورزشی می‌تواند نقاط قوت و ضعف رقبا را شناسایی و از این طریق نیز به رقابت با آنها بپردازد. هر باشگاه ورزشی برای این که بتواند عملکرد خوب خود را در گذشت زمان ادامه دهد، یکی از مواردی که باید مورد توجه قرار دهد، رقیب‌گرایی و آگاهی از رقباست. دیگر یافته این پژوهش نشان داد که نوآوری فناوریانه و نوآوری مدیریت تأثیر معناداری بر عملکرد باشگاه‌ها دارد که با نتایج (گروسی مختارزاده و زمانی، 2015)، (حاجی حسینی و نوزاد مقدم، 2014)، (مازانتی و همکاران، 2006)، (مول و بیرکینشاو، 2009)، (کامیسون و ویلار-لویز،

(2014)، (نارنجو-والنسیا و همکاران، 2016)، (یائو و همکاران، 2016) و (محمود و همکاران، 2016) هم‌سو می‌باشد. در بازار امروزی، توانایی تطابق با تغییرات و مدیریت کردن آن‌ها، راه اصلی موفقیت و بقای هر سازمانی است و سازمان برای به‌دست آوردن این توانایی راهی جز توجه و به‌کارگیری نوآوری ندارد. سازمان‌های موفق، سازمان‌هایی هستند که نوآوری راهنمای حرکت آن‌ها باشد. نوآوری مکانیزی را برای یک باشگاه ورزشی و هر سازمان دیگری به وجود می‌آورد که توسط آن بتوانند جایگاه خود را در بازار حفظ کنند یا ارتقا دهند (طیبه نیک رفتار، کامبیز طالبی و فاطمه سعیدی آرانی، 2015). باشگاه‌های ورزشی از طریق نوآوری مدیریت می‌توانند همه بخش‌ها و افراد را در توسعه محصولات و خدمات جدید مشارکت دهند و فضای باشگاه‌ها را برای کمک به اجرای دیگر نوآوری‌ها فراهم کنند. نوآوری فناوریانه، نیروی محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی در دوران معاصر است و شامل ارائه اولین ایده فنی، کسب دانش لازم، تبدیل آن به شکل رویه یا سخت‌افزاری قابل استفاده و معرفی آن به جامعه و پخش و پذیرش آن تا جایی است که اثرش مهم و قابل توجه است (حسنعلی آقاجانی و مرضیه اسماعیل زاده، 2016). نوآوری فناوریانه که در بروز کردن و استفاده از روش‌ها، شیوه‌ها، ابزار و تجهیزات جدید در فرایندهای یک باشگاه ورزشی به چشم می‌آید، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقای سطح رقابت‌پذیری، دستیابی به مزیت رقابتی و رسیدن به هدف و بهبود عملکرد باشگاه، بهره‌گیری از قابلیت نوآوری‌های فناوری است. باشگاه‌های ورزشی از طریق به‌کارگیری نوآوری فناوریانه می‌توانند کیفیت خدمت ارائه شده به مشتریان را بهبود بخشند و خدمات و محصولات جدیدی را به بازار ارائه کنند که این باعث جذب و حفظ مشتریان و غلبه بر رقبای در نتیجه آن بهبود عملکرد می‌شود. به عبارتی دیگر، هدف سازمان، رقابت‌پذیری و دستیابی به موقعیتی ممتاز از لحاظ عملکردی در بازار است، ایجاد مزیت رقابتی با تکیه بر منابع و قابلیت‌هایی که در اختیار سازمان قرار دارد، می‌تواند عاملی مهم در راستای دستیابی به عملکرد بهتر باشد (سیدمحمد باقری، صفیه لطیفی و شکوفه محسنی ملردی، 2018).

همچنین براساس نتایج به دست آمده بازارگرایی دارای اثر مستقیم و معناداری بر نوآوری فناوریانه و نوآوری مدیریت است؛ بنابراین گرایش به بازار بیشتر باشگاه باعث افزایش نوآوری مدیریت و فناوریانه می‌شود. این یافته با نتایج (گروسی مختارزاده و زمانی، 2015)، (حاجی حسینی و نوزاد مقدم، 2014)، (محمود و همکاران، 2016) و (آگاروال و همکاران، 2003) هم‌سو می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر چه باشگاه به بازار گرایش بیشتری داشته باشد، بیشتر می‌تواند در محصول، خدمات و فرایند خود نوآوری ایجاد کند. بازارگرایی از طریق پاسخ‌گویی به نیازهای بیان شده مشتریان به‌طور مستقیم می‌تواند به نوآوری در محصول و فرایند منجر شود و از طریق رفتارهای مبتنی بر ریسک‌پذیری، نوآوری، پیش‌فعالی، استقلال‌گرایی و رفتار تهاجمی به طور غیرمستقیم می‌تواند نیازها و خواسته‌های پنهان و بیان نشده مشتریان را شناسایی و به این ترتیب در محصول و فرایند خود نوآوری ایجاد کند (مهرداد مدهوشی، محمدرضا طبیبی و حمیدرضا دلاوری، 2012). در واقع نوآوری به‌عنوان یک ابزار استراتژیک مهم و عامل حیاتی برای خلق مزیت رقابتی در محیط‌های پیچیده است (آنتونی آروندل و کارتر بلوچ و بری فرگوسن، 2019؛ مهدی الیاسی، عاطیه صفردوست و مریم محمد روضه سرا، 2018)¹.

در پایان نتایج این پژوهش نشان داد که بازارگرایی از طریق نوآوری مدیریت و نوآوری فناوریانه بر عملکرد باشگاه‌های خصوصی رشته‌های رزمی مرد استان مازندران اثر معناداری دارد و می‌توان نتیجه گرفت که هرچه باشگاه‌های ورزشی مورد مطالعه گرایش بیشتری به بازار داشته باشند می‌توانند نوآوری مدیریت و فناوریانه را افزایش و در نتیجه آن با تأثیر مثبت بر روی عملکرد باعث بهبود آن شوند؛ همچنین نوآوری مدیریت و فناوریانه در روابط بین بازارگرایی و عملکرد

¹ Anthony Arundel, Carter Bloch & Barry Ferguson, 2019

باشگاه‌های خصوصی رشته‌های رزمی مرد استان مازندران نقش میانجی را ایفا می‌کند. بی‌شک نوآوری، شرط اصلی رقابت در قرن 21 است (یوهان فریشمار، آندرس ریچتنر، آنا برانستروم، متس مگنوسون و جنی بچورک، 2019). تأکید بر فرهنگ بازارگرایی از طریق مشتری‌گرایی، رقیب‌گرایی و هماهنگی بین وظیفه‌ای باعث بهبود عملکرد باشگاه‌ها از طریق میانجی نوآوری مدیریت و نوآوری می‌شود و باشگاه ورزشی از طریق نهادهای این متغیرها می‌تواند در حفظ و افزایش مشتری و غلبه بر رقبای موفق باشند براساس نتایج به دست آمده از این مطالعه پیشنهاد می‌شود که با توجه به تأثیر مثبت و معنادار بازارگرایی بر هر دو نوآوری، پیشنهاد می‌شود که باشگاه برای افزایش نوآوری، رفتارهای بازارگرایی را گسترش دهد و به آن توجه کند؛ این رفتارها سازمان‌ها را قادر می‌سازد که مشتریان و رقبای خود را به خوبی شناخته و به آنها پاسخ مناسب دهد؛ همچنین با وجود اثر معنادار و مثبت نوآوری مدیریت بر عملکرد باشگاه، پیشنهاد می‌شود که باشگاه‌ها با به‌کارگیری سیستم مدیریت کیفیت، همکاری با مشتریان و انعطاف‌پذیری در مسئولیت‌ها، عملکرد خود را بهبود ببخشند و با وجود اثر مثبت و معناداری که بازارگرایی بر عملکرد باشگاه داشته است، پیشنهاد می‌شود که باشگاه برای بهبود عملکرد خود، گرایش به بازار داشته باشد و از نیازهای مشتریان و اعمال رقبا آگاهی داشته باشند تا بتوانند در عرصه رقابت بمانند. همچنین مدیران و صاحبان باشگاه‌های ورزشی بیشتر از قبل به بازارگرایی را مورد توجه قرار دهند و از این طریق نقاط قوت و ضعف خود را نسبت به بازار شناسایی و از فرصت‌های موجود در بازار استفاده کنند و سرعت پاسخگویی خود به تهدیدهای محیطی را افزایش دهند. اگر یک باشگاه قصد ماندن در بازار و حفظ و افزایش مشتریان خود را در محیط متغیر امروزی دارد باید به نوآوری اهمیت ویژه‌ای دهند و برای این کار و با توجه به نتیجه پژوهش باید بازارگرایی را مدنظر خود قرار دهد؛ همچنین با توجه به تأثیر نوآوری مدیریت و فناوری در عملکرد باشگاه‌های مورد مطالعه پیشنهاد می‌شود که مدیران باشگاه‌ها فضا و شرایط را برای افزایش نوآوری به وجود آورند و باشگاه‌ها با استفاده از روش‌های به‌روز دنیا و به‌کارگیری جدیدترین فناوری‌های و استفاده از نوآوری در باشگاه‌های خود، باعث بهبود عملکرد و رضایت مشتریان شوند.

References

- Acharya, V., & Xu, Z. (2017). Financial dependence and innovation: The case of public versus private firms. *Journal of Financial Economics*, 124(2), 223-243. <https://doi.org/10.1016/j.fineco.2016.02.010>
- Agarwal, S., Krishna Erramilli, M., & Dev, C. S. (2003). Market orientation and performance in service firms: role of innovation. *Journal of Services Marketing*, 17(1), 68-82. <https://doi.org/10.1108/08876040310461282>
- Aghajani, H. A., & Ismailzadeh, M. (2016, February 29). *The Role of Intellectual Property Rights in Technological Innovation*. Fourth International Conference on Accounting and Management and First Conference on Entrepreneurship and Open Innovation, Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/476577/>
- Arundel, A., Bloch, C., & Ferguson, B. (2019). Advancing innovation in the public sector: Aligning innovation measurement with policy goals. *Research Policy*, 48(3), 789-798. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2018.12.001>
- Bagheri, S. M., & Asghari, F. (2013). Study of coordination between business level strategies and market orientation in the framework of the life cycle of the organization. *Marketing Management*, 8(19), 107-123. https://jommm.srbiau.ac.ir/article_1007_35bd3327e21b69c5e15d8e808489c6ce.pdf

- Bagheri, S. M., Latifi, S., & Mohseni Mallardi, S. (2018). Study of the effect of market orientation on organizational performance in the context of competitive advantage in small and medium industrial companies (Case study: a collection of industrial towns in Mazandaran Province). *Business Management Research*, 10(19), 169-187. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=549335>
- Becker, N., & Brettel, M. (2017). Analyzing the mediating effect of learning orientation on the relationship of market orientation and company performance in times of turbulence. In *The Customer is NOT Always Right? Marketing Orientations in a Dynamic Business World*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-50008-9_211
- Camison, C., & Villar-Lopez, A. (2014). Organizational innovation as an enabler of technological innovation capabilities and firm performance. *Journal of Business Research*, 67(1), 2891-2902. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2012.06.004>
- Carlos Pinho, J., Paula Rodrigues, A., & Dibb, S. (2014). The role of corporate culture, market orientation and organisational commitment in organisational performance. *Journal of Management Development*, 33(4), 374-398. <https://doi.org/10.1108/JMD-03-2013-0036>
- Damanpour, F., & Aravind, D. (2012). Managerial Innovation: Conceptions, Processes and Antecedents. *Management and Organization Review*, 8(2), 423-454. <https://doi.org/10.1111/j.1740-8784.2011.00233.x>
- Elyasi, M., Safardoust, A., & Rozehsara, M. M. (2018). Investigating the Effect of Innovating Strategy on Innovative Performance of Organizations (Case study: Knowledge-based Companies of Biotechnology Area). *Strategic Management Thought*, 12(1), 185-204. <https://doi.org/10.30497/smt.2018.2172>
- Filatotchev, I., Su, Z., & Bruton, G. D. (2017). Market Orientation, Growth Strategy, and Firm Performance: The Moderating Effects of External Connections. *Management and Organization Review*, 13(3), 575-601. <https://doi.org/10.1017/mor.2016.31>
- Frishammar, J., Richtner, A., Brattstrom, A., Magnusson, M., & Bjork, J. (2019). Opportunities and challenges in the new innovation landscape: Implications for innovation auditing and innovation management. *European Management Journal*, 37(2), 151-164. <https://doi.org/10.1016/j.emj.2018.05.002>
- Garosi Mokhtarzadeh, N., & Zamani, M. (2015). Examining the effects of market orientation and management innovation on firm performance: The mediating role of technological innovation. *Journal Of Business Management*, 7(2), 463-484. <https://doi.org/10.22059/jbm.2015.52862>
- Gaur, S. S., Vasudevan, H., & Gaur, A. S. (2011). Market orientation and manufacturing performance of Indian SMEs. *European Journal of Marketing*, 45(7/8), 1172-1193. <https://doi.org/10.1108/03090561111137660>
- Ghasemi, V. (2013). *Structural Equation Modeling in Social Research Using AMOS Graphics* (2 ed.). Sociologists. <https://www.adinehbook.com/gp/product/6005546378>
- Haji Hosseini, H., & Noorzad Moghaddam, E. (2014). The effect of innovation and market orientation on business performance and sustainable competitive advantage in industrial firms. *Quarterly Journal of Industrial Technology Development*, 12(23), 21-30. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=241488>

- Ince, H., Imamoglu, S. Z., & Turkcan, H. (2016). The Effect of Technological Innovation Capabilities and Absorptive Capacity on Firm Innovativeness: A Conceptual Framework. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 235, 764-770. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.11.078>
- Jogaratham, G. (2017). The effect of market orientation, entrepreneurial orientation and human capital on positional advantage: Evidence from the restaurant industry. *International Journal of Hospitality Management*, 60(1), 104-113. <https://fardapaper.ir/mohavaha/uploads/2018/05/Fardapaper-The-effect-of-market-orientation-entrepreneurial-orientation-and-human-capital-on-positional-advantage-Evidence-from-the-restaurant-industry.pdf>
- Le Bas, C., Mothe, C., & Nguyen-Thi, T. U. (2015). The differentiated impacts of organizational innovation practices on technological innovation persistence. *European Journal of Innovation Management*, 18(1), 110-127. <https://doi.org/10.1108/EJIM-09-2012-0085>
- Liu, W.-W., Sun, R., & Li, Q. (2017). Measurement of coupling degree between regional knowledge innovation and technological innovation: An empirical analysis based on provincial panel data in China during 2010-2014. *Journal of Interdisciplinary Mathematics*, 20(1), 125-139. <https://doi.org/10.1080/09720502.2016.1259767>
- Madhushi, M., Taybi, M. R., & Delavari, H. (2012). The Impact of Market Orientation and Entrepreneurial Orientation on Small and Medium Business Innovation. *Business Research Journal*, 17(65), 115-136. <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=194222>
- Mahmoud, M. A., Blankson, C., Owusu-Frimpong, N., Nwankwo, S., & Trang, T. P. (2016). Market orientation, learning orientation and business performance. *International Journal of Bank Marketing*, 34(5), 623-648. <https://doi.org/10.1108/IJBM-04-2015-0057>
- Mazzanti, M., Pini, P., & Tortia, E. (2006). Organizational innovations, human resources and firm performance: The Emilia-Romagna food sector. *The Journal of Socio-Economics*, 35(1), 123-141. <https://doi.org/10.1016/j.soccec.2005.12.007>
- MohammadPoormir, M. M., Shojaei, S., Samiei, R., & Ashrafi, M. (2020). Investigating the underlying factors affecting the commercialization of technological research achievements A Mixed Approach (Case Study: Technical and Vocational University of Iran). *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 33-50. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105312_496e3b7e60807fcbf5ef61298ed6ae46.pdf
- Mol, M. J., & Birkinshaw, J. (2009). The sources of management innovation: When firms introduce new management practices. *Journal of Business Research*, 62(12), 1269-1280. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2009.01.001>
- Naranjo-Valencia, J. C., Jiménez-Jiménez, D., & Sanz-Valle, R. (2016). Studying the links between organizational culture, innovation, and performance in Spanish companies. *Revista Latinoamericana de Psicología*, 48(1), 30-41. <https://doi.org/10.1016/j.rlp.2015.09.009>
- Nieves, J., & Segarra-Cipres, M. (2015). Management innovation in the hotel industry. *Tourism Management*, 46, 51-58. <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2014.06.002>
- Nikraftar, T., Talebi, K., & Saidi Arani, F. (2015). The relationship between organizational innovation and performance considering the role of marketing innovation as intermediary variable (Case study: small and medium-sized businesses in the textile industry. *Journal Of Business Management*, 7(2), 485-500. <https://doi.org/10.22059/jibm.2015.55556>

- Rahimi, H., & Aghababaei, R. (2020). The effect of authentic leadership on human resource creativity: Mediating role of internal motivation (Case study: staff in University of Kashan). *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 121-140. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105317_4c84120f79bedeb0883fa6e76b18cda1.pdf
- Rezaie Dolat Abady, H., & Khaef Alahi, A. A. (2006). A Model to Measure the Impact of Market Orientation on Business Performance Regarding to the Marketing Capabilities in Chemical Industries. *Management Research in Iran*, 10(1), 131-161. https://mri.modares.ac.ir/article_230_f9612692bd6f7a37fd43784cef7687e6.pdf?lang=en
- Samian, M., & Movahedi, R. (2018). Employment obstacles and strategies in rural small businesses of Hamedan province. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 15(43), 47-66. https://karafan.tvu.ac.ir/article_100513_a39f553bc3aa3416cae011166b556e77.pdf
- Shoham, A., Rose, G. M., & Kropp, F. (2005). Market orientation and performance: a meta-analysis. *Marketing Intelligence & Planning*, 23(5), 435-454. <https://doi.org/10.1108/02634500510612627>
- Sin, L. Y. M., Tse, A. C. B., Heung, V. C. S., & Yim, F. H. K. (2005). An analysis of the relationship between market orientation and business performance in the hotel industry. *International Journal of Hospitality Management*, 24(4), 555-577. <https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2004.11.002>
- Taghavifard, M. T., Ghafurian Shagerdi, A., & Behboodi, O. (2015). The Effect of Market Orientation on Business Performance. *Journal of Business Administration Researches*, 7(13), 205-227. http://bar.yazd.ac.ir/article_744_af1c60e83d5ff38005acaa8bb7351db2.pdf
- Taylor, A., & Greve, H. R. (2006). Superman or the Fantastic Four? knowledge combination And experience in Innovative Teams. *Academy of Management Journal*, 49(4), 723-740. <https://doi.org/10.5465/amj.2006.22083029>
- Teymouri-Asal, Y., & Jokar, A. A. (2015). Presenting a market orientation model in the Iranian banking industry using the Delphi method. *Management Research in Iran*, 19(1), 45-67. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=272393>
- Vaccaro, I. G., Jansen, J. J. P., Van Den Bosch, F. A. J., & Volberda, H. W. (2012). Management Innovation and Leadership: The Moderating Role of Organizational Size. *Journal of Management Studies*, 49(1), 28-51. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6486.2010.00976.x>
- Wang, Z., He, Q., & Zhou, P. (2016, May 25). *Top Management Team Heterogeneity Influence on Technological Innovation-The Empirical Analysis on the IT Enterprises from Six*. The Fifteenth Wuhan International Conference on E-Business— Knowledge Management and Business Intelligence, Wuhan, China. https://aisel.aisnet.org/whiceb2016/30/?utm_source=aisel.aisnet.org%2Fwhiceb2016%2F30&utm_medium=PDF&utm_campaign=PDFCoverPages
- Yao, Q., Wenfang, J., & Xu, M. (2016). Technological innovation and performance of agribusinesses in China. *International Journal of Technology, Policy and Management*, 16(2), 128-148. <https://doi.org/10.1504/ijtpm.2016.076314>
- Zhang, J., & Duan, Y. (2010). Empirical study on the impact of market orientation and innovation orientation on new product performance of Chinese manufacturers. *Nankai Business Review International*, 1(2), 214-231. <https://doi.org/10.1108/20408741011052609>



Dynamic Forecasting of Financial Bankruptcy Using the Malm Quest Method (Case Study: Companies Listed on the Tehran Stock Exchange)

Seyd Alireza Mirarab Bayegi¹, Hashem Mokari^{2*}, Arash Azariyon³

¹Assistant Professor, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran.

²PhD Student of Financial Engineering, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran.

³PhD Student of Industrial Management - Financial Orientation, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 06.16.2020

Revised: 12.05.2020

Accepted: 12.08.2020

Keyword:

Financial helplessness

Inefficiency

Bankruptcy

neural network

laziness

probation

*Corresponding Author:

Hashem Mokari

Email:

hashemmokari@mailfa.com

ABSTRACT

It is important to assess the financial difficulties of companies because the failure of the company has many direct and indirect costs for stakeholders. Timely and accurate assessment and forecasting can help decision makers find the optimal solution and prevent financial distress. So far, paragliding has been used to assess financial distress. The patterns used in this field are very useful in the decisions of financial market participants. Efforts have always been made to accurately predict and evaluate these patterns using more advanced methods. In this regard, Lee et al. demonstrated in their recent study that using dynamic methods can be more accurate than previous methods. The Malmquist model has been used to explain the financial helplessness of companies listed on the stock exchange, which shows that this method has a high ability to recognize the financial helplessness of companies and solves the inefficiency of previous methods. Accordingly, in order to further investigate the subject matter of the research, the problem is presented and the necessity of conducting the research is discussed.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796

مقاله پژوهشی

پیش بینی پویا در ورشکستگی مالی با استفاده از روش مالِم کوئیست (مورد مطالعه: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)

سیدعلیرضا میرعرب بایگی¹، هاشم مکاری^{2*}، آرش آذریون³

۱- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری مهندسی صنعتی گرایش مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

ارزیابی درماندگی مالی شرکت‌ها بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا شکست شرکت، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم بسیاری را برای ذی‌نفعان به همراه دارد. ارزیابی و پیش‌بینی به‌موقع و صحیح می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را در یافتن راه‌حل بهینه و پیشگیری از درماندگی مالی یاری کند. تاکنون از الگوهای گوناگونی برای ارزیابی درماندگی مالی استفاده شده است. الگوهای به‌کار گرفته‌شده در این زمینه، کاربرد بسیار زیادی در تصمیم‌های فعالان بازار مالی دارد. همواره سعی شده است تا دقت پیش‌بینی و ارزیابی این الگوها با استفاده از روش‌های پیشرفته‌تر، بهبود پیدا کند. در همین راستا لی و همکاران بر اساس مطالعه اخیر خود نشان دادند که بهره‌گیری از روش‌های پویا می‌تواند دقت بالاتری را نسبت به روش‌های پیشین داشته باشد. در این میان، به بهره‌گیری از مدل مالِم کوئیست برای تبیین درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پرداخته شده است که نشان می‌دهد که این روش، از توانایی بالایی در تشخیص درماندگی مالی شرکت‌ها دارد و مسئله ناکارآمدی روش‌های پیشین را رفع می‌کند. بر همین اساس، در ادامه، به منظور تشریح بیشتر موضوع تحقیق به ارائه بیان مسئله و ضرورت انجام تحقیق پرداخته شده است.

دریافت مقاله: 1399/03/27

بازنگری مقاله: 1399/09/15

پذیرش مقاله: 1399/09/18

کلید واژگان:

درماندگی مالی
ناکارآمدی
ورشکستگی
شبکه عصبی
لاجیت
پروبیست

*نویسنده مسئول: هاشم مکاری

پست الکترونیکی:

hashemmokari@mailfa.com



مقدمه

ارزیابی درماندگی مالی شرکت‌ها بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا شکست شرکت، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم بسیاری را برای ذی‌نفعان به همراه دارد. ارزیابی و پیش‌بینی به‌موقع و صحیح می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را در یافتن راه‌حل بهینه و پیشگیری از درماندگی مالی یاری کند. تاکنون از الگوهای گوناگونی برای ارزیابی درماندگی مالی استفاده شده است. الگوهای به کار گرفته شده در این زمینه کاربرد بسیار زیادی در تصمیم‌های فعالان بازار مالی دارند. همواره سعی شده است تا دقت پیش‌بینی در ارزیابی این الگوها با استفاده از روش‌های پیشرفته‌تر بهبود پیدا کند.

(علی اصغر انواری رستمی، الناز تجویدی و میثم جهانگرد، 2015) نشان دادند که بهره‌گیری از روش‌های پویا می‌تواند دقت بالاتری را نسبت به روش‌های پیشین داشته باشد. در این میان، به بهره‌گیری از مدل مالم کوئیست برای تبیین درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس پرداخته شده است که نشان می‌دهد که این روش، از توانایی بالایی در تشخیص درماندگی مالی شرکت‌ها دارد و مسئله ناکارآمدی روش‌های پیشین را رفع می‌کند؛ بر همین اساس، در ادامه، به منظور تشریح بیشتر موضوع تحقیق، به ارائه بیان مسئله و ضرورت انجام تحقیق پرداخته شده است.

هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی محتوای اطلاعاتی نسبت‌های صورت جریان وجه نقد در تشخیص ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی است. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی از سال‌های 1391 تا 1397 است. برای این منظور 84 شرکت شامل 42 شرکت ورشکسته و 42 شرکت سالم انتخاب شدند. شبکه عصبی این پژوهش پرسپترون سه لایه است که با روش الگوریتم پس انتشار خطا آموزش دیده است. براساس نتایج پژوهش، مدل شبکه عصبی با نسبت جریان نقدی عملیاتی به بدهی‌های جاری، نسبت پوشش جریان نقدی عملیاتی به بهره، نسبت بازده نقدی دارایی‌ها، نسبت کیفیت سود و نسبت آنی بیشترین قدرت پیش‌بینی را نسبت به ورشکستگی شرکت‌ها در ایران دارد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که دقت پیش‌بینی مدل برای سال ورشکستگی 99 درصد و در مجموع مراحل ورشکستگی در یک، دو و سه سال قبل از ورشکستگی به ترتیب با دقت 91، 85 و 70 درصد است (سهیلا اسمعیلی و احمد گوگردچیان، 2017)

روش و مواد

پژوهش حاضر از نظر هدف، علمی- کاربردی است. این تحقیق از نظر ماهیت، نوع و امکانات اجرایی نیز در دسته پژوهش‌های توصیفی- همبستگی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که به منظور تعیین میزان دقت دو روش به‌کارگرفته شده در مطالعه حاضر و تعیین روش دقیق‌تر از ماده 141 قانون تجارت شرکت‌های ورشکسته (شرکت‌هایی که زیان انباشته آنها بیشتر از 50 درصد سرمایه آنها باشد) نسبت به بررسی کارایی دو مدل مورد نظر اقدام می‌گردد. برای این منظور در مطالعه حاضر، شرکت‌های تولیدی مطابق با ماده 141 قانون تجارت، بررسی و شناسایی می‌شوند و بر این اساس، نسبت به تعیین میزان دقت دو مدل، اقدام می‌شود.

در جمع‌آوری اطلاعات، اطلاعات مورد نیاز بخش کتابخانه‌ای پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین و مقالات اینترنتی گردآوری می‌شود. داده‌های مورد نیاز بخش میدانی پژوهش، از طریق مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و تهیه صورت‌های مالی و یادداشت توضیحی شرکت‌ها و معاملات روزانه ارائه شده از طریق مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات، نمونه گزارش‌های هفته‌ای بورس اوراق بهادار تهران و سایت بورس اوراق بهادار تهران و همچنین نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج می‌گردد.

نتایج حاصل از اندازه‌گیری متغیرها به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، وارد نرم‌افزار Eviews (برای برآورد احتمال درماندگی مالی شرکت‌ها مبتنی بر روش رگرسیون) و نرم‌افزار LINGO (به منظور برآورد احتمال درماندگی مالی با استفاده از تکنیک مالم کوئیست) می‌شوند. این نکته قابل ذکر است که برای تخمین فرضیه‌های تحقیق از داده‌های ترکیبی به صورت داده‌های سال شرکت استفاده خواهد شد.

جدول 1. شاخص‌های نشان‌دهنده ریسک ورشکستگی

شاخص‌های مالی	شاخص‌های غیرمالی
اهرم مالی بالا	عدم رقابت
عدم نقدینگی به دلیل سوءمدیریت سرمایه در گردش	برنامه‌ریزی کسب و کار ضعیف
عدم تعادل دارایی جاری	بدهی‌های غیرمنتظره
اهرم عملیاتی بالا به دلیل افزایش هزینه‌های ثابت	فقدان رهبری مؤثر

تحلیل‌های آماری و آزمون‌های آماری انجام شده روی هر دو دسته مدل‌های مبتنی بر اطلاعات حسابداری و مدل‌های مبتنی بر اطلاعات بازاری در پیش‌بینی ریسک ورشکستگی مالی، نقطه اتکای مناسبی ندارند و هر کدام از مدل‌ها دارای مشکلات و محدودیت‌هایی هستند؛ از این رو نیاز به مدل‌های مبتنی بر اطلاعات ترکیبی (حسابداری و بازاری) که بتوانند از مشکلات پیش روی هر دو مدل بکاهند، به شدت احساس می‌شود.

متغیرهای مستقل شامل پنج متغیر حسابداری بر اساس مدل آلتمن شامل نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها، نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات (سود عملیاتی) به کل دارایی‌ها، نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل بدهی‌ها و نسبت فروش به کل دارایی‌ها هستند. سه متغیر بازارمحور نیز شامل قیمت سهام، اندازه نسبی شرکت و سیگما جزو متغیرهای مستقل هستند. در جدول 2 نحوه اندازه‌گیری متغیرهای حسابداری بیان شده است.

جدول 2. نحوه اندازه‌گیری متغیرهای حسابداری

نماد متغیر	معرفی و نحوه محاسبه
WC / TA	نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها: سرمایه در گردش، تفاوت دارایی جاری و بدهی جاری در ترازنامه است. کل دارایی‌ها نیز بیانگر عدد سمت راست ترازنامه است. نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها از انواع نسبت‌های نقدینگی به شمار می‌رود.
RE / TA	نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها: سود انباشته، حسابی است که در سمت چپ ترازنامه و زیر ستون حقوق صاحبان سهام ثبت می‌شود. نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها از انواع نسبت‌های سودآوری به شمار می‌رود.
EBIT / TA	نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات (سود عملیاتی) به کل دارایی‌ها: سود قبل از کسر بهره و مالیات (سود عملیاتی) در صورت سود و زیان بیان شده است. نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات (سود عملیاتی) به کل دارایی‌ها از انواع نسبت‌های سودآوری به شمار می‌رود.
BV / TL	نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل بدهی‌ها: ارزش دفتری سهام، بیانگر جمع کل حقوق صاحبان سهام در سمت چپ ترازنامه است. مخرج کسر، مجموع کل بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت کسب شده توسط شرکت است که در سمت چپ ترازنامه ثبت می‌شود.
S / TA	نسبت فروش به کل دارایی‌ها: یکی از انواع نسبت‌های فعالیت (نسبت گردش دارایی‌ها) است. این نسبت نشان می‌دهد که چگونه دارایی‌های یک شرکت به منظور ایجاد درآمد فروش به کار گرفته شده است. این نسبت از تقسیم درآمد فروش ثبت شده در صورت سود و زیان بر مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید.
Price	قیمت سهام شرکت: قیمت، منعکس‌کننده ترکیب گسترده‌ای از اطلاعات عمومی مربوط به جریان نقدی آینده شرکت است. در واقع، قیمت سهام خام یا تعدیل‌نشده شرکت است.
Rsize	اندازه نسبی شرکت:

نماد متغیر	معرفی و نحوه محاسبه
	این متغیر، لگاریتم طبیعی مجموع ارزش بازاری سهام عادی (اندازه شرکت) نسبت به ارزش بازاری شاخص کل سهام است.
Sigma	سیگما: سیگما، اختلاف بین بازده سهام یک شرکت و بازده شاخص کل بازار بورس است که در واقع با محاسبه انحراف معیار باقیمانده رگرسیون بازده‌های سالانه سهام شرکت با بازده شاخص کل بازار بورس به دست می‌آید.

اهداف این پژوهش عبارتند از:

هدف آرمانی: پیش‌بینی دقیق‌تر نسبت به احتمال درماندگی مالی شرکت‌ها

هدف کلی: پیش‌بینی پویا در درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با استفاده از روش مالم کوئیست (سال 1391-1397)

اهداف ویژه: برآورد احتمال درماندگی مالی به روش پیش‌بینی (آلتمن) با بهره‌گیری از روش رگرسیون و برآورد احتمال درماندگی مالی به روش پیش‌بینی (آلتمن) با بهره‌گیری از مدل پویای مالم کوئیست در تحلیل پوششی داده‌ها و نیز مقایسه عملکرد روش رگرسیون و مدل پویای مالم کوئیست در تحلیل پوششی داده‌ها

هدف کاربردی: پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ایران به شیوه کارآتر برای تشکیل یک سبد بهینه کم‌ریسک (در سطح سرمایه‌گذاران بورس ایران) و پیشگیری از وقوع ورشکستگی (در سطح مدیران شرکت‌ها).

سؤالات این پژوهش عبارتند از:

- آیا تغییرات در کارایی شرکت‌ها در طول زمان؛ در شرایطی که آنها از درماندگی مالی رنج می‌برند می‌تواند طبق مدل ارائه شده (ژینگ لی، جاناتان کروک و گالینا آندریوا، 2017)¹ در بورس ایران تعمیم‌پذیر باشد؟

- احتمال درماندگی مالی به روش پیش‌بینی (آلتمن) با بهره‌گیری از روش رگرسیون چگونه است؟
- احتمال درماندگی مالی به روش پیش‌بینی (آلتمن) با بهره‌گیری مدل پویای مالم کوئیست در تحلیل پوششی داده‌ها چگونه است؟
- آیا طبقه‌بندی شرکت‌ها به روش رگرسیون و مدل پویای مالم کوئیست در تحلیل پوششی داده‌ها با یکدیگر متفاوت است؟

فرضیه این تحقیق نیز به شرح ذیل است:

طبقه‌بندی شرکت‌ها از نظر درماندگی مالی به روش رگرسیون و مدل پویای مالم کوئیست در تحلیل پوششی داده‌ها با یکدیگر متفاوت است.

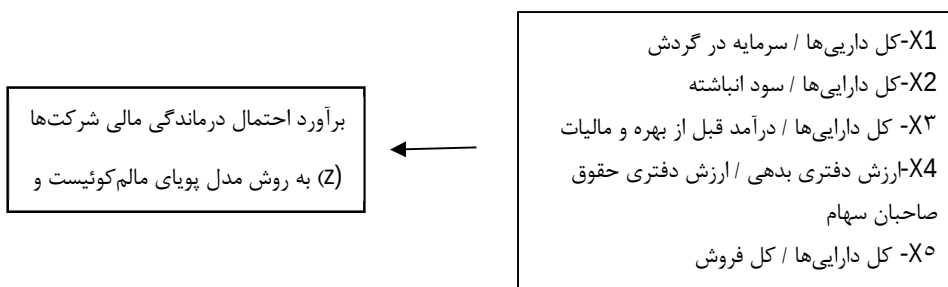
در این پژوهش، برای انتخاب نمونه آماری، از روش حذف نظام‌مند استفاده شد. به این ترتیب، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر باشند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شدند:

- 1- سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در دوره مورد بررسی، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- 2- اطلاعات مالی و بودجه‌ای آنها در دسترس باشد و به طور مرتب، صورت‌های مالی سالانه را ارائه داده باشند.
- 3- معاملات سهام آنها در دوره پژوهش، بیش از شش ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
- 4- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا واسطه‌گری مالی نباشند.
- 5- شرکت‌ها دارای حقوق صاحبان سهام منفی نباشند.

¹ Zhiyong Li, Jonathan Crook & Galina Andreeva, 2017

۶- شرکت‌ها طی سال‌های مالی مذکور 3 سال متوالی زیان‌ده نباشند.

مدل مفهومی تحقیق نیز در شکل 1 ارائه شده است.



شکل 1، مدل مفهومی تحقیق

تعریف مفهومی شاخص مالم کوئیست: به منظور مقایسه عملکرد واحدها (شرکت‌های مورد بررسی) نسبت به سال یا سال‌های گذشته، از معیار مالم کوئیست (MPI) استفاده می‌شود. برای تعیین مقدار کارایی باید روند گذشته شرکت‌های تحت ارزیابی را بررسی کرد و شاخص مالم کوئیست، ابزار قوی برای بررسی گذشته است. در روش مالم کوئیست، سه طبقه‌بندی صورت می‌گیرد: $MPI > 1$ - $MPI < 1$ و همچنین $MPI = 1$ که به ترتیب نشان‌دهنده میزان افزایش بهره‌وری، کاهش بهره‌وری و عدم تغییر در بهره‌وری یا شرایط می‌باشد (ایلین اسماعیلی، 2018).

درماندگی مالی: تعریف مفهومی: یک شرکت، زمانی که در زمان سررسید پرداخت بدهی‌های خود به مشکل برمی‌خورد، دچار درماندگی مالی می‌شود (زینگ کیانگ دو و شائوچوان لای، 2018)¹.
 تعریف عملیاتی: در این پژوهش برای تعیین درماندگی مالی از مدل (ادوارد آی. آلتمن، 1968)² به شرح ذیل بهره گرفته می‌شود:

$$Z = 0.717x_1 + 0.847x_2 + 3.107x_3 + 0.42x_4 + 0.995x_5 \quad (\text{معادله شماره 1})$$

X_1 =کل دارایی‌ها / سرمایه در گردش

X_2 =کل دارایی‌ها / سود انباشته

X_3 =کل دارایی‌ها / درآمد قبل از بهره و مالیات

X_4 =ارزش دفتری بدهی / ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه

X_5 =کل دارایی‌ها / کل فروش

در این مدل اگر:

$Z < 1.33$: احتمال درماندگی مالی خیلی بالا است.

$1.33 < Z < 2.9$: شرکت در ناحیه درماندگی مالی قرار دارد.

$Z > 2.9$: احتمال درماندگی مالی خیلی کم است.

اثر تعدیل‌کنندگی یا اثر کنترلی می‌باشد.

¹ Xingqiang Du & Shaojuan Lai, 2018

² Edward I Altman, 1968

تعریف عملیاتی کارایی در تحلیل پوششی داده‌ها: در این مطالعه، کارایی شرکت‌ها بر اساس میزان درماندگی مالی آنها برآورد می‌شود. در این روش (تحلیل پوششی داده‌ها) هر چه شرکت‌ها درماندگی مالی پایین‌تری داشته باشند، شرکت، کارا تلقی می‌گردد و هر چه شرکت، درماندگی مالی بیشتری داشته باشد، میزان کارایی شرکت پایین‌تر گزارش می‌شود (لی و همکاران، 2017).

شاخص مالم کوئیست: شاخص بهره‌وری مالم کوئیست به عنوان محصول تغییر کارایی (جابه‌جایی) و تغییر فناوری (مرز - تغییر) تعریف می‌شود و با استفاده از نمرات استاندارد DEA در دو دوره و دو نمره بین مدت‌زمانی با اشاره به مرز کارایی، محاسبه می‌شود.

تعریف عملیاتی: با بهره‌گیری از روش تحلیل پوششی داده‌ها نسبت به بررسی کارایی شرکت‌ها (میزان درماندگی مالی پایین بر حسب کاراترین شرکت = شرکتی که کمترین درماندگی مالی را دارد) انجام می‌شود. بر همین اساس، در این بخش نیز مجدد از متغیرهای $X_1 = \text{کل داری‌ها}$ / سرمایه در گردش $X_2 = \text{کل داری‌ها}$ / سود انباشته $X_3 = \text{کل داری‌ها}$ / درآمد قبل از بهره و مالیات $X_4 = \text{ارزش دفتری بدهی}$ / ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه $X_5 = \text{کل داری‌ها}$ / کل فروش بهره گرفته می‌شود و خروجی آن، مقدار شاخص MPI می‌باشد که به صورت ذیل تعریف می‌شود:

$MPI > 1$: افزایش بهره‌وری (کاهش میزان درماندگی در طول دوره مورد بررسی) را نشان می‌دهد و پیشرفت مشاهده می‌شود.

$MPI < 1$: کاهش بهره‌وری (افزایش میزان درماندگی مالی در طول دوره مورد بررسی) را نشان می‌دهد و پسرفت مشاهده می‌شود.

$MPI = 1$: این مهم نشان می‌دهد که هیچ تغییری در بهره‌وری (میزان درماندگی مالی) برای دوره مورد بررسی رخ نداده است.

(معادله شماره 2)

$$\ln i_{it} = \alpha + \beta_1 \ln i_{it} + \beta_2 \ln For_{it} + \beta_3 \ln pom_{it} + \beta_5 \ln gc_{it} + \beta_6 \ln Fis_{it} + \beta_7 \ln Size_{it} + \beta_8 \ln AGE_{it} + \beta_9 \ln cg_{it} + \epsilon_{it}$$

ورشکستگی کامل: هنگامی یک شرکت، درمانده است که مبلغ کل بدهی‌ها از ارزش منصفانه کل دارایی‌ها بیشتر شود. در این حالت، شرکت می‌تواند از طریق مراجع قضایی، اعلام ورشکستگی کامل کند.

یافته‌های پژوهش

تئوری‌های درماندگی مالی

- ۱- **تئوری قمارباز:** در این روش، شرکت می‌تواند مانند قماربازی در نظر گرفته شود که مکرر با مقداری احتمال زیان بازی می‌کند و به عملیات خود تا زمانی که خالص ارزش آن به زیر صفر برسد (درماندگی مالی شود) ادامه می‌دهد. با فرض مقادیری وجه نقد، در هر دوره مشخصی، این خالص احتمال مثبت وجود دارد که جریان وجه نقد یک شرکت طی دوره، منفی و در نهایت منجر به درماندگی مالی شود.
- ۲- **تئوری مدیریت وجوه نقد:** مدیریت کوتاه‌مدت ترازهای وجه نقد بنگاه، یکی از نگرانی‌های اصلی هر شرکتی است. عدم تعادل بین جریان‌های ورودی و خروجی می‌تواند به معنی ناتوانی عملکرد مدیریت وجوه نقد شرکت باشد و این عاملی است که می‌تواند منجر به پریشانی مالی و در نهایت درماندگی مالی شود (احمد احمدپور و حبیبه میرزایی اسرمی، 2013).

- ۳- **تئوری ریسک اعتباری:** ریسک اعتباری خطری است که هر قرض‌گیرنده به هر دلیلی ناتوان از ادای تعهدات خود شود. این مدل‌ها و پیش‌بینی ریسک مربوط به آنها مبتنی بر تئوری‌های اقتصادی مدیریت مالی است و در مجموع به تئوری‌های ریسک اعتباری اشاره دارند. این مدل‌ها شامل اعتبارسنجی مورگان و KMV ریسک اعتباری CSFB و تئوری پرتفولیوی اعتباری مک‌کینسی می‌شود.
- ۴- **مدل‌ها و تکنیک‌های پایه پیش‌بینی درماندگی مالی: الف. مبتنی بر حسابداری:** مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی مبتنی بر حسابداری از اطلاعات صورت‌های مالی استفاده می‌کنند که معمولاً در قالب نسبت‌ها برای توصیف ریسک درماندگی مالی یک شرکت است؛ بنابراین، آنها عملکرد گذشته شرکت را به عنوان پایه‌ای برای پیش‌بینی عملکرد آینده، در نظر می‌گیرند. این مدل‌ها عبارتند از:

- **مدل نمره - Z آلتمن:** در سال 1968 تنها دو سال پس از کار، آلتمن اولین مدل چندمتغیره را برای طبقه‌بندی درماندگی مالی براساس داده‌های حسابداری ارائه کرد. (آلتمن، 1968)
- تجربه و تحلیل تک‌متغیره را با استفاده از نسبت‌های مالی بیشتری در تجزیه و تحلیل خود توسعه داد. این مدل که از آن به عنوان مدل پیش‌بینی نمره - Z آلتمن نام برده شده است براساس یک روش آماری به نام آنالیز تشخیصی چندگانه تدوین گردید. با توجه به پژوهش (آلتمن، 1968) و سایر آنالیزهای قدیمی نسبت‌های تک‌متغیره وجود دارد. واقعیت این است که تکنیک آنالیز تشخیصی چندگانه دارای توانایی بالقوه برای تجزیه و تحلیل کل مجموعه متغیرهای توصیفی به طور هم‌زمان و همچنین تعامل بین این متغیرها است، در حالی که تک‌متغیره تنها می‌تواند اندازه‌گیری‌های مورد استفاده برای گروه‌ها را در یک زمان در نظر بگیرد. تابع تشخیصی (آلتمن، 1968) به شرح زیر است:

$$Z = V_1 X_1 + V_2 X_2 + \dots + V_n X_n \quad (\text{معادله 3})$$

$$V_1 \ V_2 \ \dots \ V_n = \text{ضرایب تشخیصی (تشخیصی)}$$

$$X_1 \ X_2 \ \dots \ X_n = \text{متغیر مستقل}$$

- **مدل نمره - O اولسون¹**
- یکی دیگر از مدل‌های محبوب پیش‌بینی درماندگی مالی مدل نمره - O اولسون است. اولسون، یکی از اولین محققانی بود که آلتمن و دیگر محققانی را که از روش آنالیز تشخیصی چندگانه استفاده کردند، مورد انتقاد قرار داد و مدل خود را بر اساس یک روش آماری به نام «رگرسیون لجستیک» ارائه داد. این روش، جایگزین روش طبقه‌بندی فیشر² یعنی آنالیز افتراقی خطی شد و به همین دلیل در ارتباط با مدل Z-score آلتمن قرار گرفت (سیدمحسن حسینی و زینب رشیدی، 2013). ممکن است رگرسیون لجستیک برای موقعیت‌هایی که متغیرهای وابسته دو بخشی دارند از جمله درمانده/غیردرمانده بهتر باشد. (مارک پی زانا، جیمز ام اولسون و راسل اچ فازو، 1980)³ روش‌شناسی آنالیز لجبیت شرطی را برای جلوگیری از برخی مشکلات نسبتاً شناخته‌شده مرتب با آنالیز تشخیصی چندگانه انتخاب کرد.
- مدل (زانا و همکاران، 1980) به شرح ذیل است:

¹ Olson

² Fisher

³ Mark P Zanna, James M Olson & Russell H Fazio, 1980

(معادله شماره 4)

$$O = -1.32 - .407X_1 + 6.03X_2 - 1.43X_3 + .0757X_4 - 2.37X_5 - 1.83X_6 + 0.285X_7 - 1.72X_8 + 521X_9$$

X_1 = کل دارایی‌ها / شاخص سطح قیمت تولید ناخالص ملی (GNP)

X_2 = کل بدهی‌ها / کل دارایی‌ها

X_3 = سرمایه در گردش / کل دارایی‌ها

X_4 = بدهی‌های جاری / دارایی‌های جاری

$X_5 = 1$ = اگر کل بدهی‌ها < کل دارایی‌های باشد در غیر این صورت 0 است.

X_6 = درآمد خالص / کل دارایی‌ها

X_7 = وجوه حاصل از عملیات / کل بدهی‌ها

$X_8 = 1$ {1 در صورتی که درآمد خالص برای دو سال قبل منفی باشد و در غیر این صورت 0 است}

$X_9 = \frac{(INIT_t + INIT_{t-1})}{(Nit - Nit_{t-1})}$ ، که Nit = درآمد خالص برای مدت اخیر و t تعداد

سال‌هاست.

همانند (آلتمن، 1968) برخی از پیش‌بینی‌کننده‌ها (X_1 تا X_6) انتخاب شدند.

- مدل جونز¹: پژوهش تأثیرگذار (استوارت جونز و دیوید آ. هنشر، 2004)² تا حدودی مبتنی بر پژوهش (زانا و همکاران، 1980) بود که از آن به عنوان «مدل پروبیت» نام برده می‌شود. این نام، مربوط به روش آماری آنالیز پروبیت است. همانند رگرسیون لجوجیت، آنالیز پروبیت یک نوع از رگرسیون است که متغیر وابسته تنها می‌تواند دو مقدار (درماندگی مالی / غیردرماندگی مالی) را در نظر گیرد. هدف این مدل، مشابه با آلتمن و اولسون برآورد احتمال پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت است. مدل پروبیت، از نوع مدل طبقه‌بندی دودویی است که احتمالات بیشتر از 1/2 را برآورد می‌کند. مدل اسمایوسکی، مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل و همچنین داده‌های حسابداری را در نظر می‌گیرد. او در کار خود، از سه متغیر استفاده کرد و بیان کرد که باید درماندگی مالی را پیش‌بینی کنند. این متغیرها عبارتند از: درآمد خالص/کل دارایی‌ها، کل بدهی‌ها/کل دارایی‌ها و دارایی‌های جاری/بدهی‌های جاری مدل جونز به شرح ذیل است:

$$Zmijewski = 04.3 - 4.5X_1 + 5.7X_2 + .004X_3 \quad (\text{معادله شماره 5})$$

X_1 = درآمد خالص / کل دارایی‌ها

X_2 = کل بدهی‌ها/کل دارایی‌ها

X_3 = دارایی‌های جاری/بدهی‌های جاری

نتیجه‌گیری مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی مبتنی بر حسابداری

پیش‌بینی درماندگی مالی با نسبت‌های مالی برای چندین دهه بررسی شده است و نسبت‌های مختلف مالی و روش‌های مختلف برای پیش‌بینی درماندگی مالی و به‌دست آوردن مدل دقیق استفاده شده است (ماری هیلستون کیپنز، 2013)³. اکثر مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی از تکنیک نمونه زوجی استفاده می‌کنند

¹ Zmijewski

² Stewart Jones & David A. Hensher, 2004

³ Mary Hilston Keener, 2013

که بدین معنی است که تعداد شرکت‌های درمانده و شرکت‌های غیردرمانده، برابری است. نسبت‌های مالی بر اساس اطلاعات مالی که قبل از درماندگی مالی شرکت‌ها در دسترس بوده است، محاسبه می‌شود. (آلتمن، 1968) پنج متغیر مالی را انتخاب کرد و مدل او درماندگی مالی را به‌طور درست برای 95 درصد از شرکت‌ها طبقه‌بندی کرد. بنابراین (آلتمن، 1968) مدلی با دقت پیش‌بینی بالا داشت. (زانا و همکاران، 1980) یک مدل لوجیت پیشنهاد داد که پیشگام تحلیل لوجیت برای پیش‌بینی شکست کسب و کار بود. (زانا و همکاران، 1980) با آنالیز تشخیصی به دلیل نیاز به یک ماتریس کوواریانس واریانس عینی برای شرکت‌های درمانده و غیرورشکسته و همچنین به دلیل اینکه در MDA نیاز به پیش‌بینی‌کننده‌های توزیع‌یافته معمولی وجود داشت، موافق نبود. (زانا و همکاران، 1980) از رگرسیون لوجستیک در یک نمونه بزرگ استفاده کرد و داده‌های مربوط به 105 شرکت درمانده و 2058 شرکت غیردرمانده را مورد استفاده قرار داد. او در کار خود به این نتیجه دست یافت که چهار فاکتور آماری معنی‌دار (که در کل شامل 9 متغیر مختلف بودند) برای شناسایی احتمال درماندگی مالی عبارتند از: اندازه شرکت، اندازه‌گیری عملکرد، اندازه‌گیری ساختار مالی و اندازه‌گیری نقدینگی جاری. مدل رگرسیون لوجیت یک سال قبل از شکست، دقت طبقه‌بندی بالایی داشت یعنی 96 درصد از شرکت‌ها به‌درستی طبقه‌بندی شدند (کرتو لانه، 2017)¹. به طور کلی می‌توان بیان داشت که بسیاری از محققان دیگر، پس از مطالعات تأثیرگذار بالا، مطالعات مشابهی انجام دادند.

مدل‌های پایه پیش‌بینی درماندگی مالی مبتنی بر بازار

دو مدل برای پیش‌بینی درماندگی مالی (مبتنی بر حسابداری و مبتنی بر بازار) وجود دارد. دومین جریان یعنی مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی، مبتنی بر بازار شامل متغیرهای بازار است در حالی که جریان اول تنها شامل متغیرهای حسابداری می‌باشد. طرفداران مدل‌های مبتنی بر بازار ادعا می‌کنند که متغیرهای مبتنی بر بازار، دلایل مختلفی برای ارزشمندبودن این متغیرها در پیش‌بینی درماندگی مالی دارند. یکی از این دلایل، دسترسی به داده‌های مالی است، متغیرهای مبتنی بر بازار، به‌طور روزانه در دسترس هستند، در حالی که متغیرهای مبتنی بر حسابداری سه ماهه یا گاهی اوقات حتی سالانه، در دسترس قرار می‌گیرند. تعداد مطالعات انجام گرفته در زمینه مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی مبتنی بر بازار، کمتر از مطالعات انجام‌شده در راستای مدل‌های مبتنی بر حسابداری است. بنابراین مطالعات بر تأیید اعتبار کیفیت مدل پیش‌بینی درماندگی مالی، مبتنی بر بازار محدود هستند. بیشتر مطالعات در این زمینه، مطالعاتی را بین این مدل‌های احتمالی و مدل‌های قدیمی مبتنی بر حسابداری، مقایسه می‌کنند. در ادبیات پژوهش، دو مدل مبتنی بر بازار وجود دارد که مدل‌های اصلی نامیده می‌شوند. این مدل‌های عبارتند از: مدل مخاطره (تایلر شوموی، 2001)² و مدل پایه‌ای قیمت‌گذاری اختیاری (استفان آ هیلگیست، الیزابت کی کیتینگ، دونالد پی کرام و کایل جی لوندستد، 2004) (صنوبر انجم، 2012)³ که به شرح ذیل هستند:

- **مدل مخاطره شاموی⁴:** در مدل مخاطره زمان گسسته (شوموی، 2001) تلاش شده است با استفاده از متغیرهای حسابداری و بازار به پیش‌بینی درماندگی مالی پرداخته شود. (شوموی، 2001) دریافت که متغیرهای مبتنی بر حسابداری در مطالعات قبلی و در زمینه پیش‌بینی درماندگی مالی، قابل توجه نیستند؛

¹ Kerttu Laane, 2017

² Tyler Shumway, 2001

³ Sanobar Anjum, 2012

⁴ Shumway

بنابراین او داده‌های مبتنی بر بازار را در نظر گرفت که از نظر او پیش‌بینی‌کننده‌های بهتر درماندگی مالی هستند. شاموی اظهار داشت که مدل‌های مبتنی بر بازار این واقعیت را که شرکت‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند نادیده گرفته است. بنابراین، طبق نظر وی، مدل‌های استاتیک جانبدارانه هستند و برآوردهای متناقض ایجاد می‌کنند. آماره آزمون که مبتنی بر مدل‌های استاتیک است، نتیجه‌های نادرستی را ارائه می‌دهد (شوموی، 2001). او خطر پیش‌بینی مدل‌های استاتیک را مقایسه کرده و هم مدل مخاطره و هم مدل استاتیک را برآورد کرده است و دقت نمونه‌های آنها را بررسی می‌کند.

نمونه‌نهایی شامل 300 درماندگی مالی بین سال‌های 1962 و 1992 بود. نتیجه، یک مدل درماندگی مالی جدید بود که از سه متغیر مبتنی بر بازار برای شناسایی شرکت‌های درمانده استفاده کرده است: 1- اندازه بازار شرکت 2- بازده سهام گذشته آن شرکت و 3- انحراف استاندارد ویژه بازده سهام آن شرکت. این متغیرهای مبتنی بر بازار، همراه با دو نسبت حسابداری ترکیب شده‌اند که در راستای پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها در آزمون نمونه‌ها دارای دقت بسیار بالایی هستند.

- **مدل پایه‌ای قیمت‌گذاری اختیاری هیلگیست و همکاران:** مطالعه تأثیر گذار دیگری که در زمینه پیش‌بینی درماندگی مالی انجام گرفت مطالعه (هیلگیست و همکاران، 2004) بود. آنها یک اندازه‌گیری احتمال درماندگی مالی مبتنی بر بازار را توسعه دادند که مبتنی بر مدل قیمت‌گذاری اختیاری بلک-شولز-مرتون است و آن را BSM-Prob نامیدند. مدل قیمت‌گذاری اختیاری BSM را در سال 1973 فیشر بلک، میرون شولز و رابرت مرتون توسعه دادند. مطالعه (هیلگیست و همکاران، 2004) محتوای اطلاعات نسبی مربوط به اندازه‌گیری احتمال درماندگی مالی را براساس مدل‌های (آلمن، 1968)، (زانا و همکاران، 1980) و بلک-شولز-مرتون مقایسه کرد. آنها از یک پایگاه داده‌های جام در زمینه درماندگی مالی و روش‌شناسی میزان خطر گسسته استفاده کردند. نمونه، شامل 65960 شرکت بود که از سال 1979 تا سال 1997، 516 شرکت درمانده شدند. به طور کلی، نتایج آنها نشان داد که BSM-Prob مبتنی بر بازار نسبت به مدل‌های مبتنی بر حسابداری، اطلاعات قابل توجهی در مورد احتمال درماندگی مالی ارائه می‌دهد (هیلگیست و همکاران، 2004).

تکنیک‌های ریاضی مورد استفاده در پیش‌بینی درماندگی مالی

در این بخش به بررسی و معرفی این تکنیک‌ها و همچنین بیان ویژگی‌ها و محدودیت‌های اصلی مرتبط با آنها پرداخته شده است. فرض اساسی اغلب مطالعات پیش‌بینی درماندگی مالی این است که می‌توان شرکت‌ها را در دو گروه، طبقه‌بندی کرد: الف- شرکت‌های دارای سلامت مالی ب- شرکت‌های دارای پریشانی مالی. بر این اساس شرکت‌ها را می‌توان توسط متغیر تصنعی (y) طبقه‌بندی کرد:

$$y_i = \begin{cases} 1 & \text{اگر شرکت سالم است} \\ 0 & \text{اگر شرکت ورشکست است} \end{cases}$$

- 1- تکنیک‌های آماری
- 2- تکنیک‌های هوش مصنوعی
- 3- تکنیک‌های تئوریک.

الگوریتم‌های (درخت‌های تصمیم) طبقه‌بندی بازگشتی

الگوریتم طبقه‌بندی بازگشتی (RPA) تکنیکی ناپارامتریک برای گروه‌بندی داده‌ها است. این روش با نمونه‌ای از شرکت‌ها، ویژگی‌های مالی آنها، گروه‌های واقعی، احتمال‌های پیشین و هزینه طبقه‌بندی ناحیه آغاز می‌شود. در

این روش، یک درخت طبقه‌بندی دو ارزشی ساخته می‌شود که در آن به هر گره یک قاعده طبقه‌بندی، اختصاص می‌یابد. معمولاً هر قاعده، یک نسبت مالی معین است و یک نقطه انقطاع که هزینه طبقه‌بندی اشتباه را برای شرکت‌ها حداقل می‌کند به آن اختصاص می‌یابد. پس از آن که درخت طبقه‌بندی ساخته شد، ریسک گره‌های نهایی و ریسک کل درخت محاسبه می‌شود. برای طبقه‌بندی هر شرکت جدید، شرکت بر درخت فرد می‌آید و روی یک گره نهایی که مشخص‌کننده عضویت گروه برای یک شرکت خاص و احتمال منتسب به آن است می‌نشیند. هدف این مطالعه، معرفی الگوریتم طبقه‌بندی بازگشتی برای پیش‌بینی ناتوانی تجاری و مقایسه نتایج آن با نتایج حاصل از مدل MDA بود. در این تحقیق، نمونه‌ای متشکل از 58 شرکت صنعتی درمانده و 142 غیردرمانده طی سال‌های 1971-1981 به صورت تصادفی انتخاب شدند. در این تحقیق، دو درخت طبقه‌بندی الگوریتم و طبقه‌بندی بازگشتی و دو مدل MDA ساخته و مقایسه شد. نتایج و راندمان درختان الگوریتم طبقه‌بندی بازگشتی در این مطالعه بسیار مطلوب بود. به هر حال مقایسه مستقیم نتایج الگوریتم طبقه‌بندی بازگشتی با نتایج مدل‌های MDA به سادگی امکان‌پذیر نبود، در حالی MDA که سیستم امتیازدهی پیوسته‌ای را به وجود می‌آورد، الگوریتم طبقه‌بندی بازگشتی گروه‌هایی از ریسک را برای ناتوانی تجاری فراهم می‌آورد. طبقه‌بندی بازگشتی، ویژگی‌های هر دوی روش‌های تک‌متغیره و روش‌های چندمتغیره است. طبقه‌بندی در یک گروه، بر اساس قاعده‌ای یک متغیره (اگر چه قواعد در شکل ترکیب خطی ویژگی‌های مالی نیز می‌تواند به یک گره اختصاص یابد) صورت می‌گیرد. از طرف دیگر، در این روش، از رشته‌گره‌ها یعنی زنجیره‌ای از نسبت‌های مالی برای طبقه‌بندی یک شرکت استفاده می‌کند (پی. راوی کومار و وی. راوی، 2007)¹.

جدول 3. مدل‌های آماری پیش‌بینی درماندگی مالی بر اساس روش لوجیت

نویسندگان	داده‌ها	متغیرهای معنی‌دار آماری	اندازه نمونه	دقت طبقه‌بندی مدل
(هیلگست و همکاران، 2004)	7 متغیر: اندازه شرکت، کل بدهی‌ها/کل دارایی‌ها، درآمد خالص/کل دارایی‌ها، دارایی‌های ثابت به کل بدهی‌ها، سرمایه در گردش/کل دارایی‌ها، دارایی‌های جاری/مسئولیت جاری	115 شرکت درمانده و 2158 شرکت غیردرمانده	1 سال قبل - 96/12 درصد	
	2004-1999		2 سال قبل - 95/55 درصد	
(شوموی، 2001)	7 متغیر: کل درآمد/کل سرمایه، فروش/ارزش خالص دارایی‌ها، موجودی/فروش، بدهی/کل سرمایه، مطالبات/موجودی، دارایی‌های آتی (سری) /بدهی‌های جاری، جریان نقدی/دارایی‌های کل	45 شرکت درمانده و 45 شرکت غیردرمانده	-	
	2001-1990			
(هیلگست و همکاران، 2004)	6 متغیر: جریان نقدی/کل دارایی‌ها، دارایی‌های جاری/کل دارایی‌ها، دارایی‌های جاری/بدهی‌های جاری، فروش/دارایی‌های جاری، درآمد خالص/کل دارایی‌ها و کل بدهی‌ها/حقوق صاحبان سهام و سه نسبت جریان نقدی عملیاتی	61 شرکت درمانده و 231 شرکت غیردرمانده	به طور کلی: 88 درصد، 86 درصد، 87 درصد، 85 درصد، 83 درصد (1-5 سال قبل از درماندگی مالی)	
	2004-1993			
(لی و همکاران، 2017)	6 متغیر: جریان نقدی عملیاتی، ارزیابی مالیات شرکت، جریان نقدی وام‌دهنده، سرمایه‌گذاری خالص در سرمایه‌گذاری بلندمدت، پول نقد	49 شرکت درمانده و 49 شرکت غیردرمانده	در مجموع: 91/8 درصد، 84/7 درصد، 78/6 درصد، 81/2 درصد، 9/8 درصد	
	2017-2006			

¹ P. Ravi Kumar & V. Ravi, 2007

نویسندگان	داده‌ها	متغیرهای معنی‌دار آماری	اندازه نمونه	دقت طبقه‌بندی مدل
		مورد استفاده برای تغییر نقدینگی، جریان‌های نقدی سهامداران		(1-5 سال قبل از درماندگی مالی)
(اسواران آیر و وینود کومار مورتی، 2015) ¹	2015-2005	6 متغیر: جریان نقدی/کل دارایی‌ها، درآمد قبل از سود و مالیات/کل دارایی‌ها، جریان نقدی عملیاتی/کل بدهی‌ها، جریان نقدی عملیاتی/بدهی‌های جاری، حقوق صاحبان سهام/کل بدهی‌ها، درآمد انباشته/کل دارایی‌ها	75 شرکت درمانده و 314 شرکت غیردرمانده	برآورد خطاهای کلی نمونه: 47 (18/1 درصد) خطای احتمالی درماندگی مالی/درماندگی: 26 (21/7 درصد)
(فیلیپ دو جاردین، 2017) ²	2017-2007	7 متغیر: چهار نسبت مالی: جریان نقدی به فروش، دارایی‌های ثابت-خالص به کل دارایی‌ها، کل بدهی به کل دارایی‌ها، بدهی کوتاه‌مدت به کل بدهی؛ یک نسبت عملیاتی (رشد فروش) و تغییر درصد در بازده صنعتی که به‌طور متقابل بر دو نسبت مالی تأثیر می‌گذارند	114 شرکت (57 شرکت درمانده، 57 غیردرمانده)	در کل: 91 درصد
(راوی کومار و راوی، 2007) ³	2007-1991	3 متغیر: سودآوری، هزینه‌های مالی، درآمد انباشته	برای ایالات متحده: 17439 شرکت غیردرمانده و 721 درمانده؛ برای کشورهای عضو گروه هفت: 14514 شرکت غیردرمانده و 1188 شرکت درمانده	برای ایالات متحده: میانگین ارزش 87 درصد برای کشورهای عضو گروه هفت: میانگین ارزش 83 درصد
(ادوارد آی التمن، مالوگورزاتا ایوانیچ-دروزدووسکا، ارکی کی. لایتین و آرتو سوواس، 2017) ³	2017-2011	4 متغیر: سرمایه در گردش/کل دارایی‌ها، درآمد انباشته/کل دارایی‌ها، درآمد قبل از سود و مالیات/کل دارایی‌ها، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام/کل بدهی‌ها	برآورد نمونه شامل داده‌های 2612563 شرکت غیردرمانده و 38215 شرکت درمانده است.	AUC=1/743

انواع تکنیک‌های هوش مصنوعی

استدلال مبتنی بر موضوع

استدلال مبتنی بر موضوع، یک مسئله طبقه‌بندی جدید را به کمک مسائل حل شده قبلی حل می‌کند. برنامه‌ها می‌توانند مستقیماً برای پیش‌بینی درماندگی مالی با کاربرد فرایند چهار مرحله‌ای خود به‌کار روند: 1- تشخیص مسئله جدید 2- بازیابی مسائل حل شده از (مخزن مسائل) 3- تطبیق مسائل حل شده به‌منظور یافتن راه‌حلی برای مسئله جدید 4- ارزیابی راه‌حل پیشنهاد شده و ذخیره در مخزن مسائل برای کاربردهای آتی. یک روش استدلال قیاسی است که مسائل را با بسط تجربیات یا مسائل حل شده قبلی به یک مسئله حل نشده جدید حل می‌کند و در مواجهه با مسئله جدید، موارد مشابه ذخیره‌شده در پایگاه‌های داده را بازیابی می‌کند و آنها را با مسائل مناسب تطبیق می‌دهد. به هر حال مدل‌های در مقایسه با روش‌های آماری و سایر روش‌های مبتنی بر هوش مصنوعی توانسته‌اند از نظر دقت پیش‌بینی به برتری دست یابند (راوی کومار و راوی، 2007).

¹ Easwaran Iyer & Vinod Kumar Murti, 2015

² Philippe Du Jardin, 2017

³ Edward I. Altman, Malgorzata Iwanicz-Drozdzowska, Erkki K. Laitinen & Arto Suvas, 2017

شبکه‌های عصبی مصنوعی

شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANN) ابزار مدل‌بندی انعطاف‌پذیر و غیرپارامتریک هستند. آنها می‌توانند هر تاب پیچیده‌ای را با دقت مورد نظر اجرا کنند. یک شبکه عصبی مصنوعی، نوعاً از چندین لایه متشکل از تعداد زیادی عناصر محاسبه‌گر ساخته شده است که این عناصر محاسبه‌گر را اصطلاحاً گره می‌نامند. هر گره، یک سیگنال ورودی از دیگر گره‌ها یا ورودی‌های خارجی، دریافت می‌کند و پس از پردازش سیگنال‌ها به صورت محلی به واسطه یک تاب تبدیل، یک سیگنال تبدیل‌شده به گره دیگر یا نتیجه نهایی، ارسال می‌کند. ANN‌ها به واسطه ساختار شبکه‌ها، تعداد لایه‌ها، تعداد گره‌ها در هر لایه و چگونگی اتصال لایه‌ها، دسته‌بندی می‌شوند. یکی از رایج‌ترین ANN‌ها پرسپترون چند لایه‌ای (MLP) است که در آن، تمام گره‌ها و لایه‌ها به صورت پس‌انتشار مرتب شده‌اند. نخستین یا پایین‌ترین لایه، لایه ورودی نامیده می‌شود که در آن، اطلاعات خارجی دریافت می‌شود. آخرین یا بالاترین لایه، لایه خروجی نامیده می‌شود؛ جایی که شبکه مدل، راه‌حل را ایجاد می‌کند. در این بین، یک یا چند لایه مخفی وجود دارد که برای ANN‌ها در تشخیص الگوهای پیچیده موجود در داده‌ها ضروری است. تمامی گره‌ها در لایه‌های هم‌جوار با استفاده از کمانی غیرحلقه‌ای به لایه‌های بالاتر اتصال داده شده‌اند. این MLP سه لایه‌ای از رایج‌ترین ساختارها برای مسائل طبقه‌بندی دو گروهی نظیر پیش‌بینی درماندگی مالی است (بی‌ایی اردوگان، ای اغری اوغلو و ایی اکدنیز، 2017)¹.

در واقع یک شبکه عصبی ممکن است احتمال وابستگی مشاهدات به طبقه ارائه‌شده و بعد از آن، احتمال وابستگی شرکت به گروهی از شرکت‌های شکست‌خورده را محاسبه کند. شبکه عصبی مورد استفاده در مطالعه (دو جاردین، 2017)² شبکه آینده‌نگر است که می‌تواند به عنوان یک نمودار مستقیم و بدون منحنی نشان داده شود که هر بردار، مطابق با یک عصب است. این فرایند معمولاً از سه لایه عصبی تشکیل شده است که یکی از آنها خواستار انجام طبقه‌بندی شده است: لایه ورودی، لایه پنهان و لایه خروجی برای طبقه‌بندی مشاهدات استفاده می‌شوند. عصب‌های هریک از لایه‌ها با تمامی عصب‌های مربوط به لایه قبلی یا بعدی، در ارتباط است و یک رابطه وزنی نشان داده می‌شود. هر عصب، در لایه‌های پنهان و لایه‌های خروجی، بازده خود را با استفاده از یک مجموع وزنی ورودی‌های آن و یک تاب فعال‌شده محاسبه می‌کند که غالباً تانزانت هذلولی گون یا تاب رگرسیون می‌باشد (دو جاردین، 2017). خروجی یک عصب به شکل زیر ارائه شده است:

$$o_j = f(w_{0j} + \sum_{i=1}^{n_j} w_{ij}x_i) \quad (\text{معادله شماره 6})$$

که در این جا w_{0j} اریب مرتب با عصب j است، n_j تعداد عصب‌های مرتب با عصب j است، w_{ij} وزن بین عصب j و عصب‌های مربوط به لایه‌های قبلی است، x_i خروجی عصب‌های مربوط به لایه‌های قبلی و f تاب فعال شده عصب‌ها می‌باشد.

ماشین شبکه عصبی (ELM)

ماشین شبکه عصبی (ELM) یک ماشین شبکه عصبی تکنیک بهینه‌سازی استفاده‌شده در طول فرایند یادگیری شبکه عصبی است همانند جریانی که در شبکه‌های تعمیم‌یافته فیدفوروارد با تک‌لایه ارائه شده است. با توجه به این تکنیک، وزن‌های موجود میان لایه ورودی و لایه پنهان، به‌طور تصادفی، به‌دست آمدند اما وزن‌های میان لایه پنهان و لایه خروجی از راه تجزیه و تحلیل برآورد شدند. این برآورد تنها زمانی ممکن می‌شود که تاب

¹ BE Erdogan, E Egrioglu & E Akdeniz, 2017

² Philippe Du Jardin, 2017

فعال عصب به طور نامحدود، مشتق پذیر باشد. این روش، به طور گسترده، سری تر از تکنیک های بهینه سازی عادی استفاده شده برای برآورد وزن شبکه های تعمیم یافته فیدفوروارد با تک لایه عمل می کند و سبب طراحی مدل هایی می شود که قابلیت تعمیم بهتری نسبت به مدل های شبکه های تعمیم یافته فیدفوروارد با تک لایه دارد که با روش های قدیمی برآورد شده اند (آیر و مورتی، 2015).

الگوریتم ژنتیک

در دهه هفتاد میلادی، دانشمندی از دانشگاه میشیگان به نام جان هلند، ایده استفاده از الگوریتم ژنتیک را در بهینه سازی مهندسی مطرح کرد. ایده اساسی این الگوریتم، انتقال خصوصیات مورثی توسط ژن هاست. الگوریتم ژنتیک، یک روش جستجوی احتمالی است که از شبیه سازی تکامل زیستی و طبیعی استفاده می کند. الگوریتم ژنتیک با به کارگیری اصل بقای برترین ها برای تولید تخمین های هر چه بهتر یک جواب (کروموزوم ها) روی جمعیتی از جواب های بالقوه عمل می کند.

گام های اصلی برنامه ریزی ژنتیک را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- 1) به صورت تصادفی یک جمعیت اولیه از قواعد، نشان دهنده راه حل های بالقوه برای پیش بینی گروه های شرکت های درمانده و غیردرمانده ایجاد می شود.
- 2) هر قاعده ایجاد شده برای مجموعه آموزشی، با استفاده از تاب برازش، ارزش گذاری می شود.
- 3) برخی قواعد بر اساس ارزش گذاری انجام شده در مرحله قبل برای انجام مکانیسم تولیدمثل انتخاب می شوند.
- 4) عملگرهای تقاط، تولیدمثل و جهش برای ایجاد قواعد جدید، بر قواعد فعلی اعمال می شود.
- 5) این فرزندان جدید برای ایجاد جمعیت جدید انتخاب می شوند.
- 6) گام های (3) تا (6) تا زمانی که یک قاعده طبقه بندی (پیش بینی درماندگی مالی) مناسب یافت شود یا حداکثر تعداد تولیدمثل که از پیش تعیین شده است حاصل گردد، تکرار می شود.
- 7) گام های (2) تا (7) تا زمانی که یک قاعده برای هر یک از گروه ها در مجموعه داده ها مشخص شود، تکرار می شود.

هر شرکت در مجموعه آموزشی و آزمایشی تنها و تنها به یک گروه (درمانده یا غیردرمانده) انتصاب می یابد. تاب برازش: هر جمعیت از قواعد توصیف کننده گروه هر شرکت تشکیل شده است؛ یعنی مجموعه ای از مجموعه شرایطی بر ویژگی های اهداف طبقه بندی. برای تمامی مسائل طبقه بندی به منظور اعمال تاب برازش خاص الگوریتم های یادگیرنده باید ارزش ایجاد شده توسط مدل را به «0» یا «1» با استفاده از ارزش آستانه ای، تبدیل کند. اگر ارزش ایجاد شده توسط مدل، مساوی یا بزرگ تر از ارزش آستانه ای باشد، آن گاه شرکت در گروه «1» (درمانده) طبقه بندی می شود و بالعکس، توابع برازش مختلفی وجود دارد که می توان از آنها برای ارزش گذاری عملکرد قواعد ایجاد شده استفاده کرد. به طور مثال: تعداد موفقیت، حساسیت اقتصادی بودن، مربع خطاهای نسبی، میانگین مربع خطاها و غیره.

میزان کاربرد هر یک از تکنیک ها در مدل بندی پیش بینی درماندگی مالی

با تعیین اهمیت تکنیک های آماری در پیش بینی درماندگی مالی، طبیعی است که مدل های آماری، به صورت گسترده ای، مورد استفاده قرار گیرند. اما تمامی مدل های تحلیل تشخیصی چندگانه، لوجیت و پروبیت به شکلی، در مسئله مفروضات محدودکننده معضلاتی دارند و عملکرد پیش بینی آنها در واقعیت، کمی متفاوت است. نقض مفروضات مدل احتمال خطی (LPM) در عمل و فقدان مجموعه داده های مورد نیاز در روش های مجموع تجمعی و مدل های تعدیل ناقص باعث شده است تا این مدل ها در عمل دارای ارزش بسیار زیادی نباشند. بر این اساس در

64 درصد پروژه‌های پیش‌بینی درماندگی مالی از مدل‌های آماری استفاده شده است. پس از آن مدل‌های هوش مصنوعی و مدل‌های تئوریک به ترتیب در 25 و 11 درصد مطالعات استفاده شده‌اند.

تحلیل پوششی داده‌ها و روش مالم کوئیسست مروری بر تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)

در این بخش، مبانی نظری در خصوص روش‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری کارایی و نیز شاخص مالم کوئیسست، بررسی می‌شود. روش تحلیل پوششی داده‌ها که به اختصار DEA نامیده می‌شود برای ارزیابی کارایی واحد‌های تصمیم‌گیری یا DMUها به کار می‌رود. فرض اصلی در این روش این است که هر واحد تصمیم‌گیری دارای تعدادی ورودی (منابع داده‌ای) برای تولید خروجی‌ها است. افزایش تولید از دو طریق، افزایش در عوامل تولید و استفاده بهتر از آنها با اتخاذ مدیریت مناسب برمی‌نا و به کارگیری روش‌های جدیدتر در ترکیب آنها قابل حصول است. یکی از راه‌های بهینه‌سازی ترکیب عوامل تولید، توجه به مقوله کارایی و بهره‌وری است. کارایی و بهره‌وری، معیارهایی هستند که به کمک آنها می‌توان به‌طور مستمر، شرایط موجود را بهبود بخشید. قدم ابتدایی در چرخه بهبود کارایی و بهره‌وری، اندازه‌گیری است. اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری به‌عنوان یک سیستم بسترساز، شرایطی را فراهم می‌آورد تا تصمیم‌گیران دریابند در چه وضعیتی قرار دارند و برای بهبود شرایط فعلی اقدام به برنامه‌ریزی کنند (علی امامی میدی و فرزانه جایدی، 2014). امروزه، فنون جدیدی برای ارزیابی عملکرد و استفاده می‌شود که یکی از کاربردی‌ترین آنها تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها است. تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها مبتنی بر رویکرد برنامه‌ریزی خطی ناپارامتریک است که کارایی نسبی واحدهای تصمیم‌گیرنده مشابه در سازمان‌هایی که چندین خروجی را با کمک یکدیگر با چندین مقایسه ورودی تولید می‌نماید، محاسبه می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

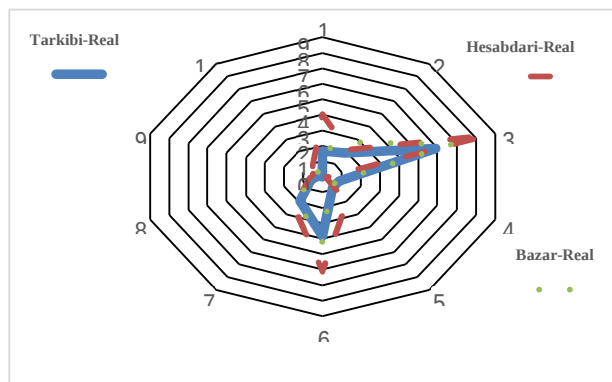
پیش‌بینی ریسک ورشکستگی مالی شرکت‌ها یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه تصمیم‌گیری مالی است که با توجه به اهمیت آثار و نتایج آن در سطح جهان، ابزارها و مدل‌های متنوعی که هرکدام از نظر متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و تکنیک‌ها متفاوت هستند، ارائه شده است. اهمیت استفاده از مدل‌ها و تکنیک‌های مناسب، از آن جهت است که باید مطابق با شرایط بازار سرمایه هر کشور تعیین گردد. به دلیل اهمیت پیش‌بینی ریسک ورشکستگی مالی با دقت بالاتر در بازار سرمایه ایران در این تحقیق، پیش‌بینی با استفاده از مدل ترکیبی (متغیرهای حسابداری و بازاری) و تکنیک شبکه‌های عصبی (مدل MLP) صورت پذیرفت. در این پژوهش، از دو نمونه آماری شامل 31 شرکت ورشکسته و 59 شرکت غیرورشکسته پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1397-1391 استفاده شد و 8 متغیر حسابداری و بازاری به عنوان متغیر مستقل به کاربرده شد. همچنین از نسبت کیوتوبین ساده به عنوان متغیر وابسته استفاده گردید. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مدل ترکیبی (کاربرد هم‌زمان داده‌های حسابداری و بازاری) با استفاده از تکنیک شبکه عصبی، نسبت به هرکدام از دو مدل حسابداری و بازاری از دقت بالاتر در پیش‌بینی ریسک ورشکستگی مالی برخوردار است. همچنین، مدل بازاری نیز دقت بیشتر نسبت به مدل حسابداری دارد؛ بنابراین، نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیق (شوموی، 2001) از نظر دقت بالای مدل ترکیبی (داده‌های حسابداری و بازاری) برای پیش‌بینی ریسک ورشکستگی، با مطالعه (جی سان، حمیدو فوجیتا، پنگ چن و هوی لی، 2017)¹ از نظر تأثیر مثبت استفاده از مدل ترکیبی (داده‌های حسابداری و بازاری) در پیش‌بینی احتمال ورشکستگی، با نتایج پژوهش (آدگبیمی باباتونده اوناکویا و آیولووا یونیس اولوتو، 2017)² در خصوص عملکرد بهتر مدل ترکیبی (داده‌های حسابداری و بازاری) نسبت به کاربرد جداگانه هرکدام

¹ Jie Sun, Hamido Fujita, Peng Chen & Hui Li, 2017

² Adegbenmi Babatunde Onakoya & Ayooluwa Eunice Olotu, 2017

از مدل‌ها در پیش‌بینی ورشکستگی مطابقت دارد. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات داخلی مانند پایان‌نامه (مریم السادات طاهری، 2012) در خصوص دقت بالای مدل ترکیبی شاموی در طبقه‌بندی شرکت‌های ورشکسته و با نتایج تحقیق (یوسف قنبری، 2011) در خصوص مؤثرتر بودن داده‌های بازاری نسبت به داده‌های حسابداری در پیش‌بینی ریسک ورشکستگی و با نتایج (علی ملکی، علی زارع، هاشم نیکومرام و شادی شاهرودیانی، 2020) از نظر توان بالای پیش‌بینی مدل ترکیبی در مقایسه با مدل حسابداری، سازگار است. به سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی، بانک‌های تأمین سرمایه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی وضعیت مالی شرکت‌های ایرانی و تصمیم‌گیری در ارتباط با سرمایه‌گذاری خود از این مدل استفاده کنند. همچنین استفاده از این مدل توسط سازمان بورس اوراق بهادار برای پذیرش شرکت‌ها در بورس کمک می‌کند تا شرکت‌های موردبررسی با دقت بیشتری مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرند. در حوزه تحقیقاتی، به دلیل توانایی بالای شبکه‌های عصبی در پیش‌بینی ریسک ورشکستگی، برای پژوهش‌های آتی نیز استفاده از تکنیک‌های دیگر مبتنی بر هوش مصنوعی مانند شبکه عصبی پایه‌ای شعاعی یا الگوریتم ژنتیک، پیشنهاد می‌گردد.

از شکل 1 نیز مشخص است که در حالت ترکیبی، برای هر کدام از 10 نمونه پیش‌بینی، خط مربوطه، کمترین فاصله را از اعداد واقعی دارد و سپس مدل با ورودی متغیرهای بازاری و در آخر، مدل با ورودی متغیرهای حسابداری قرار دارند.



شکل 1. مقایسه اختلاف پیش‌بینی هر کدام از شبکه‌ها از داده‌های واقعی

جدول 4. خلاصه وضعیت فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	شرح فرضیه	وضعیت فرضیه
رد	قبول	
فرضیه اول	دقت پیش‌بینی ریسک ورشکستگی مدل ترکیبی، بیشتر از مدل‌های متکی به نسبت‌های حسابداری است.	*
فرضیه دوم	دقت پیش‌بینی ریسک ورشکستگی مدل ترکیبی، بیشتر از مدل‌های متکی به متغیرهای بازارمحور است.	*

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که مدل ترکیبی در مقایسه با دو مدل، با کاربرد متغیرهای بازاری و حسابداری، قادر به پیش‌بینی دقیق‌تر ریسک ورشکستگی مالی در بورس اوراق بهادار تهران است. در نهایت، نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش طبق جدول 4 خلاصه شده‌اند.

نکته جالب در مورد نتایج پژوهش حاضر، دقت بیشتر مدل با کاربرد متغیرهای بازاری نسبت به مدل با کاربرد متغیرهای حسابداری است.

References

- Ahmadpour, A., & Mirzaie Asrami, H. (2013). Compared with Multiple Discriminate Analysis Model and neural network Models in Predicting Bankruptcy of the listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 5(19), 4-21. <https://doi.org/10.22034/iaar.2013.104532>
- Altman, E. I. (1968). Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy. *The journal of finance*, 23(4), 589-609. <https://doi.org/10.2307/297893>
- Altman, E. I., Iwanicz-Drozdzowska, M., Laitinen, E. K., & Suvas, A. (2017). Financial Distress Prediction in an International Context: A Review and Empirical Analysis of Altman's Z-Score Model. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 28(2), 131-171. <https://doi.org/10.1111/jifm.12053>
- Anjum, S. (2012). Business bankruptcy prediction models: A significant study of the Altman's Z-score model. *Asian Journal Of Management Research* 3(1), 212-219. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2128475>
- Anvary Rostami, A. A., Tajvidi, E., & Jahangard, M. (2015). Empirical Investigation on the Effect of Capital Structure and Board Compensation on Investment Efficiency. *Empirical Research in Accounting*, 5(4), 109-130. <https://doi.org/10.22051/jera.2015.2111>
- Du Jardin, P. (2017). Dynamics of firm financial evolution and bankruptcy prediction. *Expert systems with Applications*, 75, 25-43. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2017.01.016>
- Du, X., & Lai, S. (2018). Financial Distress, Investment Opportunity, and the Contagion Effect of Low Audit Quality: Evidence from China. *Journal of Business Ethics*, 147(3), 565-593. <https://doi.org/10.1007/s10551-015-2986-5>
- Emami Meybodi, A., & Jaidari, F. (2014). Measurement of bioefficiency of Iranian oil refineries using data envelopment analytical method. *Quarterly Journal of Economic Research*, 14(4), 79-96. <http://ensani.ir/file/download/article/20150429141131-9461-109.pdf>
- Erdogan, B., Egrioglu, E., & Akdeniz, E. (2017). Support vector machines vs multiplicative neuron model neural network in prediction of bank failures. *American Journal of Intelligent Systems*, 7(5), 125-131. <http://article.sapub.org/10.5923.j.ajis.20170705.01.html>
- Esmaili, S., & Googerdchian, A. (2017). Predicting Corporation Bankruptcy Using Cash Flow Statement: Applying Artificial Neural Network. *Organizational Culture Management*, 15(4), 879-901. <https://doi.org/10.22059/jomc.2018.115408.1006245>
- Ghanbari, Y. (2011). *Investigating the usefulness of using data mining techniques in predicting companies' financial distress* [Master, Ministry of Science, Research and Technology]. Tehran, Iran.
- Hillegeist, S. A., Keating, E. K., Cram, D. P., & Lundstedt, K. G. (2004). Assessing the probability of bankruptcy. *Review of accounting studies*, 9(1), 5-34. <https://doi.org/10.1023/B:RAS.0000013627.90884.b7>
- Hosseini, S. M., & Rashidi, Z. (2013). Predicting the financial distress of companies listed on the Tehran Stock Exchange using the decision tree and logistic regression.

- Financial Accounting Research*, 5(3), 105-130. <http://ensani.ir/file/download/article/20140608115928-9466-56.pdf>
- Ismaili, E. (2018). *Using computational intelligence tools to predict bankruptcy and financial crisis* [Master, Isfahan University of Technology]. Iran .
- Iyer, E., & Murti, V. K. (2015). Comparison of logistic regression and artificial neural network based bankruptcy prediction models. *International Journal of Business Analytics and Intelligence*, 3(1), 23-31. <http://www.publishingindia.com/ijbai/54/comparison-of-logistic-regression-and-artificial-neural-network-based-bankruptcy-prediction-models/375/2691/>
- Jones, S., & Hensher, D. A. (2004). Predicting Firm Financial Distress: A Mixed Logit Model. *The Accounting Review*, 79(4), 1011-1038. <https://doi.org/10.2308/accr.2004.79.4.1011>
- Keener, M. H. (2013). Predicting the financial failure of retail companies in the United States. *Journal of Business & Economics Research*, 11(8), 373-380. <https://doi.org/10.19030/jber.v11i8.7982>
- Laane, K. (2017). *Corporate Bankruptcy Prediction Of Estonian Firms* [Master, Tartu]. Estonia. https://dspace.ut.ee/bitstream/handle/10062/57904/laane_kerttu.pdf?sequence=1&isAllowed=y
- Li, Z., Crook, J., & Andreeva, G. (2017). Dynamic prediction of financial distress using Malmquist DEA. *Expert systems with Applications*, 80, 94-106. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2017.03.017>
- Maleki, A., Zare, A., NiKoumaram, H., & Shahverdiani, S. (2020). Credit risk optimization model for crowdfunding process by using Neural Network(MLP). *Financial Engineering and Portfolio Management*, 11(43), 271-290. http://fej.iauctb.ac.ir/article/676332_67dfdcfb125abe89a7b29715826a00f7.pdf
- Onakoya, A. B., & Olotu, A. E. (2017). Bankruptcy and insolvency: An exploration of relevant theories. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 7(3), 706-712. <https://dergipark.org.tr/en/pub/ijefi/issue/32021/354317?publisher=http-www-cag-edu-tr-ilhan-ozturk>
- Ravi Kumar, P., & Ravi, V. (2007). Bankruptcy prediction in banks and firms via statistical and intelligent techniques – A review. *European Journal of Operational Research*, 180(1), 1-28. <https://doi.org/10.1016/j.ejor.2006.08.043>
- Shumway, T. (2001). Forecasting bankruptcy more accurately: A simple hazard model. *The journal of business*, 74(1), 101-124. <http://homes.chass.utoronto.ca/~szhou/print/ForecastingBankruptcyHazardModel.pdf>
- Sun, J., Fujita, H., Chen, P., & Li, H. (2017). Dynamic financial distress prediction with concept drift based on time weighting combined with Adaboost support vector machine ensemble. *Knowledge-Based Systems*, 120, 4-14. <https://doi.org/10.1016/j.knosys.2016.12.019>
- Taheri, S. M. (2012). *Designing a Conceptual Model for Predicting the Failure Behavior and Success of Medium and Small Project-Based Companies Using a Dynamic Systems Model with a Financial Approach* [Master, Shahroud]. Iran. <https://www.vi-rascience.com/thesis/696645/>
- Zanna, M. P., Olson, J. M., & Fazio, R. H. (1980). Attitude-behavior consistency: An individual difference perspective. *Journal of personality and social psychology*, 38(3), 432-440. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.38.3.432>



The Impact of Abnormal Growth of Inventories on Expected Stock Returns for Listed Companies on the Tehran Stock Exchange

Loghman Mohamadpour¹, Azad Noori^{2*}

¹Lecturer, Accounting Department, Saez Technical and Vocational School, Technical and Vocational University, Kurdistan, Iran.

²Lecturer, Department of Electrical and Computer Engineering, Saez Technical and Vocational School, Technical and Vocational University, Kurdistan, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 01.26.2020

Revised: 12.05.2020

Accepted: 12.07.2020

Keyword:

abnormal growth of inventories
expected stock returns
panel data
systematic risk

*Corresponding Author:

Azad Noori

Email: a-noori@tvu.ac.ir

ABSTRACT

This study was aimed at examining the impact of abnormal growth of inventories on expected stock returns for listed companies on the Tehran Stock Exchange. This study was based on library, analytical-causal study and analysis of panel data (data panel). It deals with financial information from 102 listed companies on the Tehran Stock Exchange between 2003 -2014 (1224 companies). The results suggested that the abnormal growth of inventories had a significant, direct impact on expected stock returns whereas similar studies in other countries, for instance the U.S.A, have demonstrated contradictory results. One main reason for the contradictory results might be inflation in Iran to the point that the unusual increase of inventories led to the rise in prices and thus more return.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796

مقاله پژوهشی

تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

لقمان محمدپور¹، آزاد نوری^{2*}

۱- مربی، دپارتمان حسابداری، دانشکده فنی و حرفه‌ای سقز، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، کردستان، ایران.

۲- مربی، دپارتمان مهندسی برق و کامپیوتر، دانشکده فنی و حرفه‌ای سقز، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، کردستان، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها است. این پژوهش، از نوع مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیلی - علی - مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) است. در این پژوهش، اطلاعات مالی 102 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی 1381 تا 1392 به کمک تکنیک‌های داده‌کاوی بررسی شده است (1224 شرکت - سال). نتایج تحقیق در ارتباط با تأیید فرضیه، نشان از آن داشت که رشد غیرعادی موجودی‌ها، بر بازده مورد انتظار سهام، تأثیر معنادار و مستقیمی دارد. در حالی که تحقیقات مشابه انجام شده در سایر کشورها از جمله آمریکا، بر عکس نتیجه مورد نظر به دست آمده است؛ بنابراین با بررسی تحقیق انجام شده در ایالات متحده و ایران، دو نتیجه معکوس حاصل شد که در تفسیر تحقیقات فوق می‌توان به این نکته اشاره کرد که عامل اصلی معکوس بودن دو نتیجه، احتمالاً تورم در ایران است که افزایش غیرعادی موجودی با افزایش قیمت آنها همراه می‌شود؛ در نتیجه، بازده بیشتری حاصل می‌گردد.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: 1398/11/06

بازنگری مقاله: 1399/09/15

پذیرش مقاله: 1399/09/17

کلید واژگان:

رشد غیرعادی موجودی‌ها

بازده مورد انتظار سهام

پانل دیتا

ریسک سیستماتیک

*نویسنده مسئول: آزاد نوری

پست الکترونیکی:

a-noori@tvu.ac.ir



مقدمه

در تعریف سرمایه‌گذاری می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری، نوعی دارایی است که واحد سرمایه‌گذار برای افزایش منافع اقتصادی، نگهداری می‌کند. سرمایه‌گذاری ممکن است به اشکال مختلفی صورت گیرد و به دلایل گوناگونی نگهداری شود که یکی از انواع سرمایه‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری در افزایش سطح موجودی‌های شرکت‌ها می‌باشد. دلیل اصلی مطالعه سرمایه‌گذاری آن است که نوسانات سرمایه‌گذاری، به شناخت چرخه کسب و کار کمک می‌کند. دلیل دیگر آن است که سطح مخارج سرمایه‌گذاری می‌تواند به‌طور چشمگیری تحت تأثیر سیاست‌های مالی قرار گیرد. در بازار سرمایه، همواره تمایل زیادی برای ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاری در موجودی‌ها وجود دارد؛ زیرا ارزیابی عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذاری به عنوان ارزیابی عملکرد متخصصان سرمایه‌گذاری، یکی از مباحث مطرح در حوزه سرمایه‌گذاری می‌باشد. مدیران با سرمایه‌گذاری در طرح‌های و پروژه‌های مختلف تلاش دارند تا سودآوری و جریان وجه نقد آتی شرکت را نیز تأمین کنند؛ از این رو گاهی، مدیران، اقدام به سرمایه‌گذاری‌های بیش از اندازه در موجودی‌های شرکت‌ها می‌کنند که باعث بروز مسائلی از جمله کاهش وجه نقد نگهداری شده در شرکت می‌شود و می‌تواند منجر به بروز مسئله نمایندگی و کاهش توان مالی شرکت در انتخاب تصمیم‌گیرهای مختلف نیز شود.

موجودی‌های شرکت‌ها یکی دیگر از عوامل حساس و مهم در زمینه پیشبرد اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت شرکت‌ها هستند. تغییرات در سطح موجودی‌ها به نحوی در ارتباط با کاهش یا افزایش نقدینگی شرکت و فروش شرکت‌ها است؛ بنابراین افزایش و کاهش فروش شرکت‌ها به نوعی با توان مالی شرکت‌ها در ارتباط می‌باشد. رشد غیرعادی موجودی‌ها، عاملی اساسی و بنیادی در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌ها و تصمیمات سرمایه‌گذاران است. سرمایه‌گذاران و خریداران سهام، در وضعیت عادی، به دنبال شرکت‌هایی می‌گردند که بازده سهام واقعی و پیش‌بینی شده بالاتری داشته باشند و کمتر به ریسک شرکت توجه کنند و بیشتر نظر خود را معطوف به بزرگی و کوچکی شرکت‌ها کنند. در واقع، آن چیزی که بازدهی یک شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالت کلی، وضعیت درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است، برخی از آن‌ها عبارتند از: ریسک سیستماتیک، اندازه شرکت، ارزش بازار سهام و نرخ رشد قیمت سهام، نسبت سرمایه‌گذاری در موجودی‌ها. برخی معتقد بودند که اندازه شرکت، بر بازده سهام، تأثیر دارد؛ یعنی طبق طبقه‌بندی شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های بزرگ و کوچک، می‌توان نسبت به انجام سرمایه‌گذاری با سودآوری بالاتر، تصمیم گرفت. پس اگر سرمایه‌گذار، مجموعه عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را در ارتباط با بازدهی مدنظر قرار دهد، قطعاً به نتایج مطلوبی در ارتباط با انتخاب شرکت مورد نظر برای خرید سهام و سرمایه‌گذاری در آن خواهد رسید. همچنین سرمایه‌گذاران در ارتباط با خرید انواع سبد سهام پیش روی، حساسیت‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند و بیشترین توجه خود را معطوف به بازدهی سهام در سال مورد بررسی می‌کنند. با توجه به مطالب پیش‌گفته، هدف اصلی ما در این پژوهش، پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا رشد غیرعادی موجودی‌ها، بر بازده سهام در بلندمدت، تأثیر دارد یا خیر؟

در بسیاری از شرکت‌ها، موجودی مواد و کالا، یکی از اقلام مهمی است که بر صورت سود و زیان (بهای تمام‌شده فروش) و ترازنامه، مؤثر است. موجودی مواد و کالا در ترازنامه با انعکاس در دارایی‌های جاری و سپس سرمایه در گردش، به نوعی نماد توان مالی در کوتاه‌مدت است. پس از فروش کالای خریداری شده یا ساخته شده، بهای تمام‌شده موجودی‌ها به عنوان یک هزینه در صورت سود و زیان، از درآمد فروش، کسر می‌شود. تفاوت درآمد فروش و بهای تمام‌شده فروش، سود ناخالص است که بیانگر حاشیه سودی است که از فروش به‌دست می‌آید. ارقام مرتبط با موجودی‌ها در صورت‌های مالی نقش بنیادی در تحلیل وضعیت مالی و عملکرد مالی شرکت‌ها دارد و به همین دلیل، شناخت، اندازه‌گیری و افشای آن در حسابداری بسیار مهم است.

موجودی مواد و کالا به دارایی‌هایی اطلاق می‌شود که:

- برای فروش در روال عادی عملیات واحد تجاری نگهداری می‌شود.
- به‌منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات در فرایند تولید قرار دارد.

- به‌منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات، خریداری شده و نگهداری می‌شود.
- ماهیت مصرفی دارد و غیرمستقیم در زمینه فعالیت واحد تجاری مصرف می‌شود.
- در دوگروه از شرکت‌ها، موجودی‌ها اهمیت بیشتری دارد: گروه اول، شرکت‌های بازرگانی است که معمولاً یک حساب موجودی دارند. و گروه دوم، شرکت‌های تولیدی است که معمولاً سه گروه موجودی دارند:
- مواد خام: مواد اولیه که در فرایند تولید به محصول یا کالای ساخته‌شده تبدیل می‌شوند.
- کالای در جریان ساخت: کالایی است که فرایند تولید آن آغاز شده ولی هنوز به طور کامل تکمیل نشده است.
- کالای ساخته‌شده: کالایی است که فرایند تولید را پشت سر گذاشته است.

با توجه به پیشینه موضوع تحقیق تاکنون به طور مستقیم تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده موردانتظار سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نشده است. همچنین شواهد موجود در رابطه با تحقیق‌های انجام شده در زمینه‌های مشابه با این موضوع، بیانگر آن است که تحقیق در این زمینه خصوصاً رابطه رشد غیرعادی موجودی‌های شرکت‌ها که به طور مستقیم در ارتباط با افزایش سرمایه‌گذاری‌های سودآور و اهداف بلندمدت شرکت‌ها است، می‌تواند راه‌گشای اساسی برای دستیابی به اهداف بلندمدت شرکت‌ها که همانا افزایش کمیت و کیفیت استفاده بهینه از جریان‌های نقدی شرکت است، باشد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده و با توجه به محدودیت‌های موجود در رابطه با رشد غیرعادی موجودی‌ها، این اولین پژوهش در ایران است. از طرفی، نقش اصلی موفقیت در رقابت شرکت‌ها را بازده موردانتظار سهام تعیین می‌کند. شرکت‌ها به رقابت می‌پردازند تا بازگشت سرمایه خود را افزایش دهند، جایگاه خود را در بازار تحکیم بخشند، رقبای خود را از دور خارج کنند و قدرت بازار را در دست گیرند. یکی از نقش‌های اولیه بورس تخصیص بهینه سرمایه است و یکی از موارد مهم تخصیص هزینه در شرکت‌ها، رشد غیرعادی موجودی‌های شرکت‌ها است.

متغیر وابسته

بازده مورد انتظار شرکت: عبارتست از بازده تخمینی که سرمایه‌گذاران انتظار دارند در یک دوره آینده به‌دست آورند. شارپ در تحقیقات خود اثبات کرد که جهت‌گیری بازار ناشی از بازده مورد انتظار یک اوراق بهادار منحصربه‌فرد است که مساوی است با: بازده یک دارایی بدون ریسک به علاوه ریسک نسبی اوراق بهادار (β) ضربدار اختلاف بازده پرتفوی بازار منهای بازده دارایی بدون ریسک.

متغیر مستقل

رشد غیر عادی موجودی‌ها شرکت: برابر است با افزایش نرخ رشد موجودی‌ها بر نرخ رشد فروش شرکت که نرخ رشد موجودی‌ها از مبلغ موجودی‌ها در سال جاری بر مبلغ موجودی‌ها در سال قبل و نرخ رشد فروش نیز با مبلغ بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته در سال جاری بر مبلغ بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته در سال قبل (با توجه به اینکه موجودی بخشی از بهای تمام شده کالای فروش‌رفته می‌باشد) قابل محاسبه می‌باشد.

متغیرهای کنترلی

- ریسک سیستماتیک شرکت: تغییرپذیری قیمت سهام نسبت شاخص کل سهام (تعیین توسط شاخص بتا).
- ارزش بازار شرکت: ارزش کل سهام شرکت با توجه قیمت سهام در تابلوی بورس اوراق بهادار تهران.
- اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی ارزش دفتری مجموع دارایی‌های یک شرکت در طول یک دوره مالی گفته می‌شود.

- نسبت سودآوری شرکت: از رابطه سود خالص دوره جاری نسبت به ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

از جمله مسائلی که بر بازارهای سرمایه در دنیا و همچنین بر میزان سرمایه گذاری در این بازارها نقش دارند متغیرهای کلان اقتصادی می‌باشند که نوسانات آن بر روی بازدهی سهام اثر می‌گذارد (سعید دهقان خاوری و سید علی بکایی، 2019). از طرفی بین حاشیه سود ناخالص و دوره واریز بستانکاران، نرخ بازده دارایی و دوره واریز بستانکاران و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و دوره واریز بستانکاران، رابطه معناداری وجود دارد (نوبد نورزاده، 2018).

(احمد جعفری و محمدجواد شیخ، 2015) به بررسی تأثیر هزینه سرمایه بر بازده موردانتظار سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. جامعه آماری آنها شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1385 تا 1390 بود که حجم نمونه با توجه به روش غربالگری و پس از حذف مشاهدات پرت، برابر با 102 شرکت می‌باشد. در این تحقیق، مورد جریان‌های نقدی پیش‌بینی شده و هزینه سرمایه، به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده تا تأثیر آنها بر بازده موردانتظار سهام مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق که از داده‌های تلفیقی و پانل (تابلویی) با اثرات ثابت استفاده شده، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل 102 شرکت طی سال‌های 1385 تا 1390 شرکت با استفاده از رگرسیون چندمتغیره در سطح اطمینان 95 درصد نشان می‌دهد جریان‌های نقدی پیش‌بینی شده، تأثیر مستقیم و هزینه سرمایه، تأثیر معکوس بر بازده مورد انتظار سهام دارد.

(لیلا شیرنژاد و سینا خردیار، 2015) به بررسی رابطه بین نوسانات اضافی قیمت سهام با بازده مورد انتظار سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای دستیابی به هدف مذکور دو فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی تدوین گردیده است. نمونه مورد بررسی شامل 37 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال‌های 1388 تا 1392 است. برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش از رگرسیون ماه به ماه، فاما-مکبت استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین نوسانات اضافی قیمت سهام با بازده مورد انتظار سهام وجود دارد. یافته دیگر این پژوهش حاکی از این است که بازده مورد انتظار سهام با حجم معاملات، ارتباط معناداری ندارد.

(زکيه عزيزي، مصطفی عزيزي و فرزین رضایی، 2014) به بررسی رابطه بین ریسک عدم تقارن اطلاعاتی و اندازه شرکت‌ها و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام با بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها توسط الگوی فاما و مکبت می‌پردازند. ریسک عدم تقارن اطلاعاتی توسط دو معیار ارزش در معرض خطر و ریسک بازار یعنی انحراف استاندارد سالانه بازده شرکت‌ها اندازه‌گیری شد. مقدار ارزش در معرض خطر در سطح اطمینان 95 درصد محاسبه گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قدرت توضیحی معیار انحراف استاندارد سالانه بازده شرکت‌ها نسبت به معیار ارزش در معرض خطر برای سنجش ریسک عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین اندازه شرکت‌ها و بازده مورد انتظار سهام شرکت و رابطه منفی و معنادار بین نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها است.

(احمد مدرس و محمدرضا عسگری، 2009) به شناسایی عوامل موثر بر بازده غیرعادی سهام عرضه اولیه در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های آنها بیانگر وجود بازده غیرعادی مثبت طی 24 ماه پس از عرضه اولیه سهام شرکت‌های نمونه در بورس اوراق بهادار تهران است. از میان متغیرهای عمر شرکت، اندازه شرکت، افق زمانی پیش‌بینی سود هر سهم، نسبت اهرمی، نسبت حاشیه سود خالص، شرایط عمومی بازار قبل از عرضه، خطای

پیش‌بینی سود هر سهم، نوع صنعت و نوع مؤسسه حسابرسی، تنها سه متغیر نوع مؤسسه حسابرسی، اندازه شرکت و خطای پیش‌بینی سود هر سهم رابطه معنی‌داری با بازده غیرعادی سهام داشتند.

(علی‌آستاب، 2007) به بررسی رابطه بین دقت پیش‌بینی سود و بازده غیرعادی سهام شرکت‌های تازه‌وارد به بورس، طی سال‌های 1384-1378 پرداخت. یافته‌های او گویای این نکته بود که بین دقت پیش‌بینی سود و بازده غیرعادی سهام جدید، رابطه منفی وجود دارد.

(محبوبه فاطمی، 2006) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی بازده سهام با استفاده از نسبت‌های مالی» به بررسی ارتباط بین نسبت‌های سود به قیمت (E/P)¹، ارزش دفتری به قیمت (B/P)²، فروش به قیمت (S/P)³، سود تقسیمی به قیمت (D/P)⁴ و بازده آتی سهام عادی پرداخت.

(مصیب رزمیده، 2006) در تحقیق خود که با عنوان «بررسی رابطه بازده سهام با ریسک سیستماتیک شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» طی سال‌های 1384-1377 و با استفاده از داده‌های سری زمانی انجام داده است، به هیچ رابطه معنی‌داری بین اهرم مالی و ریسک سیستماتیک نرسیده است. در این تحقیق، نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام به عنوان اهرم مالی و ضریب بتا به عنوان ریسک سیستماتیک در نظر گرفته شده است.

(حسین عبده تبریزی و داریوش دموری، 2003) در تحقیقی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر بازده بلندمدت سهام شرکت‌های جدید پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، شرکت‌هایی را بررسی کردند که سهام آنها برای نخستین بار در بورس اوراق بهادار تهران عرضه شده بودند. در این تحقیق، شرکت‌های تازه‌وارد به بازار طی سال‌های 1369 تا 1374 بررسی شده‌اند و عوامل مؤثر بر بازده بلندمدت این شرکت‌ها به‌طور خاص آزمون شده است. این عوامل عبارت از حجم معاملات سالانه سهام، اندازه شرکت و بازده کوتاه‌مدت حاصل از خرید و فروش سهام شرکت‌های مربوط است. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده وجود بازده کوتاه‌مدت بیشتر سهام شرکت‌های تازه‌وارد به بازار نسبت به شاخص بازار و بازده بلندمدت کمتر سهام این شرکت‌ها نسبت به شاخص بازار بوده است؛ بنابراین آنان عملکرد قیمت‌گذاری سهام شرکت‌های تازه‌وارد به بورس ایران را مشابه بازارهای سرمایه در کشورهای مختلف دانسته‌اند.

(ساسان مهرانی و کاوه مهرانی، 2003) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه بین نسبت‌های سودآوری و بازده سهام در بازار بورس تهران» به این نتیجه دست یافتند که برخی نسبت‌ها نظیر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام، ارتباط معناداری با بازده سهام دارند. همچنین تغییرات برخی از متغیرها نظیر بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی‌ها، تغییرات بازده سهام را به خوبی پیش‌بینی می‌کنند.

در این پژوهش از روش آماری (PLS)⁵ برای آزمون فرضیات پژوهش استفاده شد و هدف پژوهش، بررسی ارتباط بین متغیرهای مالی مربوط به هر سهم و بازدهی سهام مربوطه بود. نمونه آماری این پژوهش شامل 78 شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که با استفاده از این روش آماری (PLS)، ارتباط تک تک سهام را با بازدهی آن؛ طی سال‌های 78 تا 83 مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که بین نسبت E/P و بازده آتی سهام رابطه معنی‌داری وجود ندارد و بین نسبت B/P، S/P، D/P و بازده آتی سهام رابطه معنی‌داری وجود دارد.

پیشینه خارجی

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که نوسانات موجودی کل نه تنها تهدیدی برای عملکرد عملیاتی یک شرکت به شمار می‌رود بلکه بازده سهام یک شرکت را نیز افزایش می‌دهد (دیوید بندینگ، مالت برتل و بندیکت داوانر، 2018)¹. یافته‌ها حاکی از آن است که بین رشد غیرطبیعی سالانه و فصلی موجودی و بازده بلندمدت سهام رابطه معنی‌داری وجود دارد (حسین تیموری، فرانک خدایار و صدیقه طوطیان اصفهانی، 2016).

¹ David Bendig, Malte Brettel & Benedikt Downar, 2018

(مصطفی کاگلایان، سارا مایولی و سیمونا ماتوت، 2012)¹ در پژوهشی با عنوان «موجودی‌ها، فروش‌های نامتقارن و توان مالی شرکت‌ها» به بررسی تأثیر رابطه بین این عوامل پرداختند. آنها این موضوع را بررسی کردند که آیا فروش‌های نامتقارن منشأت گرفته از توان مالی شرکت‌ها است یا ریشه در سطح سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در موجودی‌ها دارد. بر مبنای داده‌های پانل دیتا در ارتباط با شرکت‌های تولیدی به این نتیجه رسیدند که فروش‌های نامتقارن منشأت گرفته از افزایش در سطح سرمایه‌گذاری در موجودی‌ها می‌باشد که به نوعی در ارتباط با افزایش توان مالی شرکت‌ها است. همچنین نتایج آنها شواهدی را در ارتباط با توان مالی و تأثیر آن بر فروش‌های نامتقارن فراهم آورد.

(جان وای. کمبل، تارون رامادورای و آلی شوارتز، 2009)² به بررسی سرمایه‌گذاران نهادی، بازده سهام و اعلان سود پرداختند. یافته‌های پژوهش این محققان حاکی از آن است تغییرات در دارایی‌های سهام نهادی به صورت متوالی و مثبتی با بازده سهام آینده هم‌بسته است.

(شیائو کیونگ کای، گای اس. لیو و برایان ماس، 2008)³ با استفاده از داده‌های بورس شانگهای چین به بررسی عملکرد بلندمدت سهام عرضه‌های عمومی اولیه و عوامل مؤثر بر آن پرداختند. نتایج تحقیق آنها سطوحی از عملکرد نامتعارف را نشان داد. همچنین خوش‌بینی بیش از حد اولیه و اندازه شرکت عرضه‌کننده سهام، فاکتورهای توضیحی مهمی برای این عملکرد نامتعارف بود.

(یو-چیه لین، شیائو یان هوانگ، یا-فن چانگ و چین-هاو تسنگ، 2007)⁴، به بررسی رابطه بین سود و بازده در محیط آسیای شرقی پرداختند و نشان دادند بین سود و بازده غیرعادی رابطه معنی‌داری وجود دارد. آنها از معنی داری مدل رگرسیونی سود بازده به عنوان معیاری برای ارزیابی محتوای اطلاعاتی سود استفاده کردند و بیان داشتند وجود رابطه معنی دار بین سود و بازده غیرعادی نشان دهنده محتوای اطلاعاتی سود است.

(مارک تی. برداشاو، اسکات آ. ریچاردسون و ریچارد جی. اسلون، 2006)⁵ در تحقیق خود با عنوان «رابطه بین فعالیت‌های تأمین مالی، پیش‌بینی تحلیل‌گران و بازده سهام» در یک دوره 30 ساله، به این نتیجه رسیدند که رابطه معکوس بین خالص وجوه نقد مربوط به هر یک از طبقات فعالیت‌های تأمین مالی (انتشار سهام و اسقراض) با بازده سهام و همچنین سودآوری شرکت وجود دارد. نوآوری طرح تحقیق استفاده از صورت جریان وجوه نقد، برای اطلاعات حاصل از تأمین مالی بود که از این لحاظ رویکردی کاملاً نقدی به موضوع مورد بحث داشته و سایر موارد تغییرات در ساختار سرمایه مانند افزایش سرمایه از محل مطالبات، افزایش سرمایه از محل سود انباشته و اندوخته‌ها و تبدیل بدهی به سرمایه را مورد نظر قرار نمی‌داد. در این تحقیق به طور هم‌زمان، دو فرضیه قیمت‌گذاری نادرست و انتقال ثروت بررسی شد.

اهداف مشخص، سؤال و فرضیه تحقیق

هر تحقیقی برای دستیابی به اهداف خاصی صورت می‌گیرد، این هدف، خود را در قالب مسأله تحقیق نمودار می‌سازد و از طریق بیان آن آشکار می‌شود. بنابراین هدف نظری تحقیق، تبیین تأثیر رشد غیر عادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها است. در حالی که این پژوهش در بخش کاربردی نیز اهداف زیر را دنبال می‌کند.

1- سازمان بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند با استفاده از نتایج به‌دست آمده از این پژوهش از تأثیر رشد غیرعادی

موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها اطلاع حاصل کند.

¹ Mustafa Caglayan, Sara Maioli & Simona Mateut, 2012

² John Y. Campbell, Tarun Ramadorai & Allie Schwartz, 2009

³ Xiaoqiong Cai, Guy S. Liu & Bryan Mase, 2008

⁴ Yu-Chih Lin, Shao Yan Huang, Ya-Fen Chang & Chien-Hao Tseng, 2007

⁵ Mark T. Bradshaw, Scott A. Richardson & Richard G. Sloan, 2006

- 2- سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی و سایر استفاده‌کنندگان می‌توانند با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، به تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر مورد انتظار سهام، شرکت‌های موردنظر خود برای سرمایه‌گذاری را ارزیابی و نسبت به قابلیت اتکای اقلام صورت‌های مالی آن شرکت‌ها تصمیم‌گیری کنند.
 - 3- مؤسسات حسابرسی می‌توانند با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نسبت به وضعیت فعلی شرکت‌های صاحب‌کار اطلاع حاصل کنند و در راستای پیش‌برد اهداف و برنامه‌های حسابرسی خود برای انجام یک حسابرسی با کیفیت برنامه‌ریزی کنند.
 - 4- مدیران شرکت‌ها می‌توانند با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش از تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام، شرکت‌های خود اطلاع حاصل کنند.
- سؤال پژوهش عبارت است از: آیا رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها تأثیر دارد؟
- فرضیه پژوهش عبارت است از: رشد غیر عادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام تأثیر دارد.

روش و مواد

این پژوهش در چارچوب استدالات قیاسی- استقرایی می‌باشد؛ بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌ها در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه‌ها در قالب استقرایی می‌باشد و در این پژوهش در پی یافتن رابطه معناداری بین متغیرهای تحقیق هستیم و همین‌طور به مطالعه حدود تغییرات متغیر وابسته با توجه به حدود تغییرات متغیرهای مستقل می‌پردازیم، در زمره پژوهش‌های همبستگی قرار دارد، بنابراین روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی یک پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد که برای کشف همبستگی بین متغیرها به روش پس‌روبدادی عمل خواهد شد. تحقیق حاضر از لحاظ نوع کار تحقیقاتی و از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است که از اطلاعات واقعی و روش‌های مختلف آماری برای رد یا رد نشدن فرضیه‌ها استفاده می‌گردد، و در حوزه تئوری اثباتی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بنابر اعلام سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار تهران کلیه شرکت‌های پذیرفته شده تا پایان سال 1392 شامل 520 شرکت در 37 گروه صنعتی بوده‌اند. بنابراین در تحقیق حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران در یک بازه زمانی دوازده ساله، از سال 1381 تا 1392، جامعه آماری تحقیق می‌باشند.

در این مطالعه برای این‌که نمونه پژوهش یک نماینده مناسب از جامعه آماری موردنظر باشد، برای انتخاب نمونه از روش غربال‌گری (حذفی) استفاده شده است. برای این منظور معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب شده است.

- 1- با توجه به اطلاعات مورد نیاز از سال 1381، شرکت‌هایی که حداکثر تا پایان اسفند ماه سال 1380 در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و نام آن‌ها تا پایان سال 1392 از فهرست شرکت‌های یاد شده، حذف نشده باشد.
- 2- در طول دوره موردنظر، سهام آن‌ها به طور فعال در بورس معامله شده باشد.
- 3- به منظور افزایش قابلیت مقایسه شرکت‌های مورد بررسی، دوره مالی آنها باید منتهی به 29 اسفندماه باشد و در دوره مورد مطالعه، تغییر دوره مالی نداشته باشند.
- 4- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک‌ها و بیمه‌ها) به دلیل متفاوت بودن عملکرد آن‌ها، نباشند.
- 5- اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

پیش‌فرض‌ها به ترتیب اعمال شدند؛ بدین صورت که هر شرکتی که در پیش‌فرض اول قرار گرفته برای شمارش پیش‌فرض‌های بعدی لحاظ نگردیده است. در این تحقیق بعد از اعمال پیش‌فرض‌ها، از 502 شرکت فقط 102 شرکت از 19 صنعت باقی ماندند. بنابراین حجم نمونه معادل 1224 شرکت - سال می‌باشد.

در این پژوهش برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه تحقیق، از روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب و مقالات تخصصی فارسی و لاتین و پایان‌نامه‌ها استفاده می‌گردد. از آنجایی که اطلاعات مربوط به متغیرهای این پژوهش شامل بسیاری از اقلام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها می‌باشد، داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی موجود در سایت‌های مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار به نشانی www.rdis.ir، شبکه کدال، سیستم‌های جامع اطلاع‌رسانی ناشران به نشانی www.codal.ir، مرکز پردازش اطلاعات مالی ایران به نشانی www.fipiran.com و لوح‌های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار به صورت دستی استخراج می‌شود، که به نظر می‌رسد نسبت به سایر منابع موجود از اعتبار بیشتری برخوردار است. همچنین سایر اطلاعات مورد نیاز مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها، در بانک اطلاعاتی بورس اوراق بهادار و از نرم‌افزار ره‌آورد نوین که بصورت فایل های Pdf و Excel می‌باشد گردآوری شده است. این اطلاعات شامل سود و زیان، ترازنامه، پیش‌بینی سود و ... می‌باشد.

مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه از مدل زیر بهره گرفته خواهد شد. در این مدل اگر ضرایب β_i (ضرایب مربوط به متغیرهای مستقل) در سطح اطمینان 95 درصد معنی‌دار باشد به ترتیب فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار خواهد گرفت. مدل پژوهش برگرفته از پژوهش چن و همکاران (2017) و متغیرهای تعدیل شده پژوهش وائر و مولر (2012) به صورت زیر برآورد شده‌اند:

$$EX\ Return_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ABI_{i,t} + \beta_2 Beta_{i,t} + \beta_3 HML_{i,t} + \beta_4 Size(MV)_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

در این مدل داریم:

i : بیان گر شرکت (واحدهای مقطعی) و t بیان گر سال می‌باشد.

$\varepsilon_{i,t}$ = خطای تصادفی شرکت i در سال t .

یافته‌های پژوهش

اعتبار درونی و برونی پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل پس از غربال‌گری و حذف داده‌های پرت⁶ به کمک نرم‌افزار Spss 20 در جدول 1 ارائه شده است.

جدول 1. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
بازده مورد انتظار سهام	1224	0/5501	0/3709	0/0000	3/1136	1/442	6/303

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
رشد غیرعادی موجودی‌ها	1224	0/6339	0/5000	0/0000	3/0018	1/124	1/527
ریسک سیستماتیک	1224	0/9681	0/3259	-1/0101	2/2743	-0/615	3/113
ارزش بازار	1224	4/1033	0/8511	2/5478	7/0699	0/603	-0/302
اندازه شرکت	1224	5/7303	0/6403	4/0945	8/0074	0/709	0/619
نسبت سودآوری	1224	0/2538	0/3091	0/0004	3/8957	5/885	49/155

با توجه به جدول 1، بررسی میزان چولگی و کشیدگی این متغیر که باید به ترتیب 0 و 3 باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می‌دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال نیست.

آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق

در انجام این تحقیق به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد. از این رو در ادامه لازم است، نرمال بودن توزیع این متغیر مورد آزمون قرار گیرد. بنابراین نرمال بودن متغیرهای وابسته به نرمال بودن باقیمانده‌های مدل (تفاوت مقادیر برآوردی از مقادیر واقعی) می‌انجامد. پس لازم است نرمال بودن متغیر وابسته قبل از برآورد پارامترها کنترل شود و در صورت برقرار نبودن این شرط راه حل مناسبی برای نرمال نمودن آن‌ها (از جمله تبدیل نمودن آن) اتخاذ کرد. در این مطالعه این موضوع از طریق آماره کولموگروف-اسمیرنف (K-S) مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0 : \text{Normal Distributon} \\ H_1 : \text{Not Normal Distributi on} \end{cases}$$

اگر سطح اهمیت آماره این آزمون بیشتر از 0/05 باشد (Prob>.05) فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر پذیرفته می‌شود. در جدول 2 نتایج آزمون K-S برای متغیرهای بازده مورد انتظار سهام شرکت‌های نمونه ارائه شده است.

جدول 2. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته تحقیق

متغیر	تعداد (Gaur et al.)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
بازده مورد انتظار سهام	1224	2/415	0/000

برای متغیرهای بازده مورد انتظار سهام، سطح اهمیت آماره K-S کمتر از 0/05 است؛ بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیرها در سطح اطمینان 95 درصد رد شد و بیان گر این است که متغیرهای بازده بلندمدت سهام از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند.

بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

در این بخش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به بررسی ارتباط متغیرهای تحقیق و همبستگی موجود بین آن‌ها پرداخته می‌شود. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول 3 ارائه شده است. براساس نتایج حاصل از آماره پیرسون، بازده بلندمدت سهام شرکت‌ها همبستگی مثبت و معنی‌داری با ریسک سیستماتیک و ارزش بازار و همبستگی منفی و معنی‌داری با رشد غیرعادی موجودی‌ها و اندازه شرکت از خود نشان می‌دهد. در ارتباط با رشد غیرعادی موجودی‌ها نیز این متغیر، همبستگی منفی و معنی‌داری با ریسک سیستماتیک و نسبت سودآوری همبستگی

مثبت و معنی داری با اندازه شرکت از خود نشان می دهد. ریسک سیستماتیک نیز دارای همبستگی مثبت و معنی داری با ارزش بازار داشته و همبستگی منفی و معنی داری با اندازه شرکت از خود نشان می دهد. ارزش بازار نیز دارای همبستگی مثبت و معنی داری با نسبت سودآوری از خود نشان می دهد. همچنین اندازه شرکت، دارای همبستگی منفی و معنی داری با نسبت سودآوری از خود نشان می دهد.

بررسی هم خطی میان متغیرهای تحقیق

در این مطالعه بررسی رابطه هم خطی بین متغیرهای مستقل با بهره گیری از ضریب همبستگی پیرسون انجام شده است. همان طور که در جدول 3، مشخص می باشد، متغیر رشد غیرعادی موجودی ها همبستگی مستقیمی با هم دارند که این همبستگی میان این متغیرها بسیار قوی است؛ بنابراین با توجه به وجود مشکل هم خطی میان این متغیرها، ورود هم زمان این متغیرها در یک مدل امکان پذیر نمی باشد و لازم است بررسی و آزمون آن ها در قالب مدل های جداگانه صورت گیرد. در ارتباط با سایر متغیرها با توجه به قوی نبودن همبستگی می توان گفت مشکل هم خطی میان آن ها وجود ندارد و ورود هم زمان آن ها در مدل موجب ایجاد مشکل هم خطی نخواهد شد.

جدول 3. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

نسبت سودآوری	اندازه شرکت	ارزش بازار	ریسک سیستماتیک	رشد غیرعادی موجودی ها	بازده مورد انتظار سهام	عنوان
					1	بازده مورد انتظار سهام
					(P – Value)	
					-0/038	رشد غیر عادی موجودی ها
					(0/187)	(P – Value)
					1	ریسک سیستماتیک
					-0/063	(P – Value)
					(0/000)	
					(0/027)	ارزش بازار
					1	(P – Value)
					0/062	
					(0/029)	اندازه شرکت
					0/011	(P – Value)
					(0/694)	
					-0/076	نسبت سودآوری
					(0/008)	(P – Value)
					-0/028	
					(0/328)	نسبت سودآوری
					1	(P – Value)
					-0/086	
					(0/003)	
					0/037	نسبت سودآوری
					-0/107	(P – Value)
					(0/000)	
					0/065	نسبت سودآوری
					(0/024)	(P – Value)
					-0/317	
					(0/000)	
					1	

نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق

هدف از آزمون فرضیه دوم تحقیق بررسی این موضوع می باشد که آیا رشد غیرعادی موجودی ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت ها تأثیر گذار است یا خیر؟ و فرضیه آماری آن به صورت زیر قابل بیان است:

H_0 : رشد غیرعادی موجودی ها بر بازده مورد انتظار سهام تأثیر ندارد.

H_1 : رشد غیرعادی موجودی ها بر بازده مورد انتظار سهام تأثیر دارد.

این فرضیه با استفاده از مدل (2) به صورت داده های پانل برآورد می شود و در صورتی که ضریب β_1 در سطح اطمینان 95 درصد معنی دار باشد مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

$$EX\ Return_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ABI_{i,t} + \beta_2 Beta_{i,t} + \beta_3 HML_{i,t} + \beta_4 Size(MV)_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$\begin{cases} H_0 : \beta_1 = 0 \\ H_1 : \beta_1 \neq 0 \end{cases} \quad (2)$$

نتایج مربوط به آزمون‌های چاو (جهت مشخص نمودن استفاده از روش داده‌های پانل یا ترکیبی) و هاسمن (جهت مشخص کردن استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی در روش داده‌های پانل) برای مدل (2) در جدول 4 ارائه شده است.

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن (0/0000)، فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان 95 درصد رد شده و بیان‌گر این است که می‌توان از روش داده‌های پانل استفاده کرد. هم‌چنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن (0/0158) که کمتر از 0/05 می‌باشد، فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان 95 درصد رد شده و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز نتایج آزمون جارجیو- برا حاکمی از این است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان 95 درصد از توزیع نرمال برخوردار هستند، به‌طوری که احتمال مربوط به این آزمون (0/5358) بزرگ‌تر از 0/05 می‌باشد. هم‌چنین با توجه به سطح اهمیت آزمون برش پاگان که کوچک‌تر از 0/05 می‌باشد (0/0203)، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شد و می‌توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می‌باشد. در این فرضیه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده شده است. در آزمون خودهمبستگی باقیمانده‌های مدل که با استفاده از آماره دوربین واتسون (DW) انجام شده، مقدار آماره دوربین - واتسن 2/05 بوده و از آن جایی که مابین 1/5 و 2/5 می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت باقیمانده‌ها مستقل از هم می‌باشند. علاوه بر این، با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگ‌تر از 0/05 می‌باشد (0/7454)، بنابراین فرضیه صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی‌باشد. خلاصه نتایج آزمون‌های فوق در جدول 5 ارائه شده است.

جدول 4. نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل (2)

آزمون	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	F	2/1218	(1116.101)	0/0000
هاسمن	χ^2	2/5044	5	0/0158

جدول 5. نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری مدل (2)

آماره Ramsey		آماره Durbin-Watson		آماره Breusch-Pagan		آماره Jarque-Bera	
$P - Value$	F	D		$P - Value$	F	$P - Value$	χ^2
0/7454	9/0815	2/05		0/0203	2/8418	0/5358	1/6550

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های چاو و هاسمن و هم چنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل (2) تحقیق با استفاده از روش داده‌های پانل و به‌صورت اثرات ثابت برآورد می‌شود. نتایج برآورد مدل در جدول 6 ارائه شده است.

جدول 6. نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: بازده مورد انتظار سهام تعداد مشاهدات: 1224 سال - شرکت				
متغیر	ضریب	آماره t	P-Value	رابطه
جزء ثابت	0/1715	1/2565	0/2095	بی‌معنی
رشد غیرعادی موجودی‌ها	0/4413	2/0609	0/0000	مثبت
ریسک سیستماتیک	0/5516	12/3602	0/0000	مثبت
ارزش بازار	0/0022	0/1788	0/8581	بی‌معنی
اندازه شرکت	-0/0341	-1/7485	0/0809	بی‌معنی
نسبت سودآوری	0/0167	0/4264	0/6699	بی‌معنی
ضریب تعیین مدل		4820		
ضریب تعیین تعدیل شده		439239		
F $(P - Value)$				
			5/2558 (0/0000)	

شکل برآورد شده مدل با استفاده از نرم‌افزار Eviews 7 به صورت زیر خواهد بود:

$$EX\ Return_{i,t} = 0.1715 + 0.4413ABI_{i,t} + 0.5516Beta_{i,t} + 0.0022HML_{i,t} - 0.0341Size(MV)_{i,t} + 0.0167ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از 0/05 کوچک‌تر می‌باشد (0/0000) با اطمینان 95 درصد معنی‌دار بودن کل مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که 48/20 درصد از بازده مورد انتظار سهام توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد. و چون تفاوت ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده، کم می‌باشد؛ لذا متغیرهای مستقل اضافه شده به مدل، به درستی انتخاب شده‌اند.

در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در جدول 6، از آنجایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر رشد غیرعادی موجودی‌ها کوچک‌تر از 0/05 می‌باشد (0/0000)، در نتیجه وجود تأثیر معنی‌داری رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام در سطح اطمینان 95 درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق پذیرفته شده و با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت بین رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام، تأثیر معناداری وجود دارد. مثبت بودن ضریب این متغیر (0/4413) حاکی از وجود تأثیر مستقیم میان رشد غیر عادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام می‌باشد؛ به‌طوری که با افزایش 1 واحدی رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام نیز به میزان 0/4413 واحد افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه دوم پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام تأثیر معنادار و مستقیمی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در تعریف سرمایه‌گذاری می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری نوعی دارایی است که واحد سرمایه‌گذار برای افزایش منافع اقتصادی نگهداری می‌کند. سرمایه‌گذاری ممکن است به اشکال مختلفی صورت گیرد و به دلایل گوناگونی نگهداری شود که یکی از انواع سرمایه‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری در افزایش سطح موجودی‌های شرکت‌ها می‌باشد. دلیل اصلی مطالعه سرمایه‌گذاری آن است که نوسانات سرمایه‌گذاری به شناخت چرخه کسب‌وکار کمک می‌کند. دلیل دیگر آن است که سطح مخارج سرمایه‌گذاری می‌تواند به‌طور چشمگیری تحت تأثیر سیاست‌های مالی قرار

گیرد. در بازار سرمایه همواره تمایل زیادی برای ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاری در موجودی‌ها وجود دارد؛ زیرا ارزیابی عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذاری به عنوان ارزیابی عملکرد متخصصان سرمایه‌گذاری، یکی از مباحث مطرح در حوزه سرمایه‌گذاری می‌باشد. مدیران با سرمایه‌گذاری در طرح‌های و پروژه‌های مختلف تلاش دارند تا سودآوری و جریان وجه نقد آتی شرکت را نیز تأمین کنند. لذا گاهی مدیران اقدام به سرمایه‌گذاری‌های بیش از اندازه در موجودی‌های شرکت‌ها می‌کنند که باعث بروز مسائلی از جمله کاهش وجه نقد نگهداری‌شده در شرکت می‌شود و می‌تواند منجر به بروز مسئله نمایندگی و کاهش توان مالی شرکت در انتخاب تصمیم‌گیری‌های مختلف نیز بشود. موجودی‌های شرکت‌ها یکی دیگر از عوامل حساس و مهم در جهت پیشبرد اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت شرکت‌ها می‌باشد. تغییرات در سطح موجودی‌ها به نحوی در ارتباط با کاهش یا افزایش نقدینگی شرکت و فروش شرکت‌ها است، بنابراین افزایش و کاهش فروش شرکت‌ها به نوعی به توان مالی شرکت‌ها در ارتباط می‌باشد. رشد غیرعادی موجودی‌ها عاملی اساسی و بنیادی در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌ها و تصمیمات سرمایه‌گذاران است؛ بنابراین تعیین میزان تأثیر عواملی که بر روی بازده شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، هم از جهت سرمایه‌گذاران و هم از جهت مدیران مالی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. با توجه به مطالب ذکر شده هدف اصلی ما در این پژوهش پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده موردانتظار سهام تأثیر دارد یا خیر؟

با ارائه فرضیه فوق کار تحقیق شروع گشت. پس از تدوین فرضیه، برای عملیاتی کردن و تعیین متغیرهایی جهت آزمون آن‌ها، با بهره گرفتن از مبانی نظری حسابداری و تحقیقات انجام شده قبلی، متغیرهایی برای آزمون فرضیه مشخص گردید. این متغیرها در قالب مدلی برای ارزیابی فرضیه، تنظیم گردید. پس از تعیین متغیرها، تلاش برای جستجوی روشی برای اجرای تحقیق ادامه یافت و روش رگرسیون چند متغیره، با توجه به مدل‌های مربوطه، بکار گرفته شد. پس از این که روش تحقیق مشخص شد، با استفاده از ابزارهای مناسب، داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه جمع‌آوری، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل و در نهایت فرضیه مربوطه آزمون گردید. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه نیز ارائه گردید.

پیشنهادهایی مبتنی بر نتایج تحقیق

- 1- سازمان بورس اوراق بهادار می‌تواند با توجه به نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه اطلاعات جامع‌تری را در خصوص بازده مورد انتظار سهام، برای سهامداران منتشر نماید.
- 2- توصیه مراجع تدوین استانداردهای حسابداری به افشای اختیاری اطلاعات جامع در خصوص میزان و سطح رشد غیرعادی موجودی‌ها و بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها.
- 3- از آن جهت که افزایش میزان و سطح رشد غیر عادی موجودی‌ها می‌تواند اثرات مهمی بر تصمیم سرمایه‌گذاران داشته باشد، ارائه اطلاعات کامل و شفاف از سوی مدیریت در زمینه رشد غیر عادی موجودی‌ها و بازده مورد انتظار سهام، بسیار راه‌گشا خواهد بود.
- 4- بهتر است تحلیل‌گران مالی فعال در بازار سرمایه، مشاوران سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار در کنار تحلیل‌ها و تکنیک‌های معمولی که انجام می‌دهند، تحلیل‌های خاصی مبتنی بر وضعیت بازده مورد انتظار سهام و عوامل تاثیرگذار بر آن و رشد غیرعادی موجودی‌ها شرکت‌ها با توجه به استانداردهای حسابداری به عمل آورند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

به منظور استفاده هرچه بیشتر از نتایج تحقیق و نیز کمک به روشن شدن تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها در آینده می‌توان به موضوع‌های زیر توجه بیشتری را معطوف کرد:

- 1- مطالعه تأثیر نوع صنعت بر روابط بین رشد غیرعادی موجودی‌ها و بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها.
- 2- استفاده از سایر متغیرهای ارزیابی کنترلی مانند محدودیت‌های مالی و شاخص صنعت، در بررسی تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها.
- 3- بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی، مانند: تورم، بهای نفت و نرخ ارز بر روی شناسایی تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام شرکت‌ها.
- 4- انجام تحقیق مشابه دیگری با در نظر گرفتن رشد غیرعادی موجودی‌ها ناشی از مسائل سیاسی و تأثیر آن بر ارزش ذاتی شرکت‌ها.
- 5- با توجه به این که شرکت‌های با فعالیت واسطه‌گری مالی از نمونه تحقیق حذف شده بودند، پیشنهاد می‌گردد تحقیقی در رابطه با تأثیر رشد غیرعادی موجودی‌ها بر بازده مورد انتظار سهام در این نوع شرکت‌ها انجام گیرد و نتایج آن با یافته‌های تحقیق حاضر مقایسه گردد.

References

- Ashtab, A. (2007). *Investigating the Relationship between Accuracy of Profit Forecasting and Abnormal Return on Shares of Newly Listed Companies in Tehran Stock Exchange*. [Master, Imam Khomeini International]. Qazvin, Iran. <https://www.virascience.com/thesis/468154/>
- Azizi, Z., Azizi, M., & Rezaei, F. (2014, October 26). *A study of the relationship between information asymmetry risk and expected returns of companies' stocks*. International Conference on Accounting, Economics and Financial Management, Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/325484/>
- Bendig, D., Brettel, M., & Downar, B. (2018). Inventory component volatility and its relation to returns. *International Journal of Production Economics*, 200, 37-49. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2018.03.012>
- Bradshaw, M. T., Richardson, S. A., & Sloan, R. G. (2006). The relation between corporate financing activities, analysts' forecasts and stock returns. *Journal of Accounting and Economics*, 42(1-2), 53-85. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2006.03.004>
- Caglayan, M., Maioli, S., & Mateut, S. (2012). Inventories, sales uncertainty, and financial strength. *Journal of Banking & Finance*, 36(9), 2512-2521. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2012.05.006>
- Cai, X., Liu, G. S., & Mase, B. (2008). The long-run performance of initial public offerings and its determinants: the case of China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 30(4), 419-432. <https://doi.org/10.1007/s11156-007-0064-5>
- Campbell, J. Y., Ramadorai, T., & Schwartz, A. (2009). Caught on tape: Institutional trading, stock returns, and earnings announcements. *Journal of Financial Economics*, 92(1), 66-91. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2008.03.006>
- Dehghan Khavari, S., & Bakai, S. A. (2019, April 23). *The Impact of Economic Variables on Stock Returns*. Fourth International Conference on Industrial Management, Yazd, Iran. <https://civilica.com/doc/937879/>
- Fatemi, M. (2006). *Predicting Stock Returns Using Financial Ratios*. [Master, Al-Zahra]. Tehran, Iran. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/007113fed5ce406101a818141b99eeb7>
- Gaur, V., Fisher, M. L., & Raman, A. (2005). An econometric analysis of inventory turnover performance in retail services. *Management science*, 51(2), 181-194.

- Jafari, A., & Sheikh, M. J. (2015, June 15). *The Impact of Capital Costs on Expected Return on Stocks in Companies*. National Conference on the Third Millennium and Humanities, Shiraz, Iran. <https://civilica.com/doc/398998/>
- Lin, Y.-C., Huang, S. Y., Chang, Y-F., & Tseng, C-H. (2007). The relationship between information transparency and the informativeness of accounting earnings. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 23(3), 23-32. <https://doi.org/10.19030/jabr.v23i3.1388>
- Mehrani, S., & Mehrani, K. (2003). Relationship between profitability ratios and stock returns on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and auditing reviews*, 10(33), 93-105. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=3869>
- Modarres, A., & Asgari, M. R. (2009). Identifying the factors affecting the abnormal long-term return of initial public offering shares on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Stock Exchange and Securities*, 2(5), 77-103. <http://ensani.ir/file/download/article/20120329141522-5015-22.pdf>
- Nourzadeh, N. (2018, June 14). *A study of the relationship between cash conversion cycle and profitability in companies listed on the Tehran Stock Exchange*. National Conference on New and Creative Thoughts in Management, Accounting, Legal and Social Studies, Orumieh, Iran. <https://civilica.com/doc/824771/>
- Razmideh, M. (2006). *A study of the effect of financial leverage on the return and risk of companies listed on the Tehran Stock Exchange*. [Master, Shahid Beheshti]. Tehran, Iran.
- Shir Nejad, L., & Khordyar, S. (2015, April 14). *A study of the relationship between additional stock price fluctuations and the expected return on stocks in companies listed on the Tehran Stock Exchange*. International Conference on Management Economics and Social Sciences, Spain & Canada. <https://civilica.com/doc/388408/>
- Tabrizi, A. H., & Demouri, D. (2003). Identifying Factors Affecting the Long-Term Return on Shares of Newly Listed Shares on the Tehran Stock Exchange. *Financial Research*, 5(15), 23-50. https://jfr.ut.ac.ir/article_11347.html
- Teymoori, H., Khodayar, F., & Tootian Esfahani, S. (2016). The Relationship between Abnormal Growth of Inventory and Long-Term Stock Returns of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Risk Management*, 5(2), 81-93. <https://doi.org/10.4236/jfrm.2016.52009>

¹ Earning to price

² Book value to price

³ Sale to price

⁴ Dividend per share to price

⁵ Pooled Least Squares

⁶ داده‌های پرت (outliers) مشاهداتی هستند که در فاصله دورتری از سایر داده‌ها قرار می‌گیرند و مقادیر آن‌ها نسبت به مقادیر دیگر در بین مجموعه داده‌ها بزرگ‌تر یا کوچک‌تر است. داده‌های پرت می‌تواند بر تحلیل‌های آماری اثرات نامطلوبی از قبیل افزایش واریانس خطا، کاهش توان آزمون، بر هم زدن توزیع نرمال داده‌ها و برآورد اریب پارامترها بگذارد و لازم است محقق پس از شناسایی آن‌ها در جهت حذف آن‌ها تصمیم‌گیری کند.



A Study of the Moderating Effect of Voluntary Disclosure on the Relationship Between Earning Quality and Information Asymmetry on the Tehran Stock Exchange

Yahya Kamyabi¹, Mohsen Nikseresht^{2*} 

¹Associate Professor, Department Mazandaran of Accounting, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Iran.

²M. Sc. Student, Department of Accounting, Faculty of Shamsipour, Tehran Branch, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 08.20.2020

Revised: 12.05.2020

Accepted: 12.07.2020

Keyword:

Profit stability

Predictability

quality of accruals

information asymmetry

voluntary of disclosure

***Corresponding Author:**

Mohsen Nikseresht

Email: nikseresht63@gmail.com

ABSTRACT

The role of accounting information in financial markets is to provide the necessary context for the optimal allocation of resources. On the other hand, managers as representatives of shareholders might act in such a way or make decisions that are not necessarily in line with maximizing the wealth of shareholders. Thus, the issue of transparency of financial statements and the quality of disclosure of information provided is considered as a practical solution. Information economic theory emphasizes the two factors of profit quality and asymmetry. Therefore, since voluntary disclosure is one of the key and effective concepts, we examine its effect on the relationship between profit quality and information asymmetry, and to achieve this, four hypotheses were tested. For this purpose, 84 companies during the period 2008 to 2014 were analyzed through composite data analysis by panel method.





شاپای الکترونیکی: 2538-4430

شاپای چاپی: 2382-9796



بررسی اثر تعدیل‌کننده افشای داوطلبانه بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

یحیی کامیابی¹، محسن نیک‌سرشت^{2*}

- ۱- دانشیار، دپارتمان حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
- ۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد، دپارتمان حسابداری، دانشکده شهید شمس‌پور، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نقش اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. از طرفی مدیران به‌عنوان نمایندگان سهامداران ممکن است به گونه‌ای عمل کنند یا تصمیم‌هایی را اتخاذ کنند که لزوماً در راستای بیشینه کردن ثروت سهامداران نباشد؛ لذا موضوع شفافیت صورت‌های مالی و کیفیت افشای اطلاعات ارائه‌شده در آن، به‌عنوان یک راهکار عملی مورد توجه قرار گرفته است. تئوری اقتصادی اطلاعاتی، بر دو عامل کیفیت سود و عدم تقارن، تأکید دارد؛ بنابراین از آنجایی که افشای اختیاری، یکی از مفاهیم کلیدی و تأثیرگذار است، تأثیر آن بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات، بررسی می‌شود و برای دستیابی به این مهم، چهارفرضیه مورد آزمون قرار گرفت. برای این منظور، تعداد 84 شرکت طی دوره زمانی 1387 تا 1393 از طریق تحلیل داده‌های ترکیبی به روش تابلویی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

دریافت مقاله: 1399/06/05

بازنگری مقاله: 1399/09/15

پذیرش مقاله: 1399/09/17

کلید واژگان:

پایداری سود

توان پیش‌بینی

کیفیت اقلام تعهدی

عدم تقارن اطلاعاتی

افشای اختیاری

*نویسنده مسئول: محسن نیک‌سرشت

پست الکترونیکی:

nikseresht63@gmail.com



مقدمه

سود حسابداری و اجزای آن از جمله اطلاعاتی محسوب می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. سرمایه‌گذاران منافع خود را در اطلاعات سود جستجو می‌کنند (ابراهیم عباسی و محسن بذرافشان، 2017). سود حسابداری نشان داده است که موجب تغییر باورها و رفتار سرمایه‌گذاران می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که سود حسابداری شاخص مطلوبی برای بازده‌های سهام و پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده می‌باشد. برای اینکه سود گزارش شده بتواند در ارزیابی عملکرد یک شرکت به استفاده کنندگان کمک نماید و ذینفعان و سرمایه‌گذاران با اتکاء به اطلاعات سود، بازده مورد انتظار خود را برآورد کنند، کیفیت اطلاعات باید به نحوی باشد که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی موثر باشد (عباسی و بذرافشان، 2017). بنابراین، کیفیت بالای سود در سرمایه‌گذاران برای انجام سرمایه‌گذاری بیشتر اشتیاق ایجاد می‌کند. زمانی که سرمایه‌گذاران مطمئن شوند که کیفیت سود شرکت‌ها بالاست آنها در اوراق بهادار بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند (عباسی و بذرافشان، 2017).

از پیامدهای بالقوه کیفیت سود اثر عدم تقارن اطلاعات است. عدم تقارن اطلاعات باعث افزایش ریسک گزینش نادرست و در نتیجه کاهش نقدینگی در بازارهای مالی می‌شود و ارتباط آن با کیفیت سود برای تحلیلگران مالی سرمایه‌گذاران و دیگر افراد دارای اهمیت است (نیل باتاچاریا، همنگ دسای و کومار ونکاتارامان، 2008)¹. اگرچه استانداردهای حسابداری و حساب‌رسان به‌عنوان دو سازوکار نهادی باعث تعدیل شکاف اطلاعاتی بین مدیران و مالکان می‌شود، اما این شکاف اطلاعاتی را به‌صورت کامل از بین نمی‌برد. افشای اطلاعات رابطه‌ی تنگاتنگی با مسئله عدم تقارن اطلاعاتی دارد و افشای بیشتر می‌تواند منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردد. در پژوهش پیشین رابطه‌ی بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفته است (نظام الدین رحیمیان، حسن همتی و ملیحه سلیمانی فرد، 2012). در حالیکه افشای داوطلبانه می‌تواند به کاهش شکاف اطلاعاتی و بهبود اعتبار گزارشگری مالی، و نیز درک نقش اطلاعات حسابداری در ارزش‌گذاری شرکت کمک کند (شکراله خواجوی و وحید عزیزاده طلایه، 2014). از این‌رو، این پژوهش در صدد است بررسی نماید آیا افشای داوطلبانه نقش تعدیلی بر رابطه‌ی بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ایفا می‌کند؟

مبانی نظری پژوهش

کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات

نظریه عدم تقارن اطلاعاتی، موضوعی مهم و بحث برانگیز در حسابداری مالی است که به طور معمول در بازار بورس اوراق بهادار رخ می‌دهد بر اساس این نظریه، عدم تقارن اطلاعاتی به شکاف‌های اطلاعاتی، کیفیت، گزارشگری، قابل فهم بودن، ادراکی و ارزش تقسیم می‌شود هر چه دامنه مطرح شده بیشتر باشد، سطح شکاف ارزش و به دنبال آن فاصله بین قیمت مبادلاتی اوراق بهادار شرکت‌ها از ارزش ذاتی آنها بیشتر خواهد بود که این امر، به تصمیم‌گیری‌های نامناسب اقتصادی و مالی توسط سرمایه‌گذاران منجر خواهد شد (گاوین کلارکسون، تروند ای. جاکوبسن و آرچر ال. باتچیلر، 2007)².

تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه‌ی سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. تحلیل‌گران مالی، مدیران و سرمایه‌گذاران در سال‌های اخیر به گزارش سودآوری شرکت‌ها

¹ Neil Bhattacharya, Hemang Desai & Kumar Venkataraman, 2008

² Gavin Clarkson, Trond E. Jacobsen & Archer L. Batcheller, 2007

توجه زیادی داشته‌اند. سهام‌داران که مهم‌ترین گروه کاربران اطلاعات صورت‌های مالی هستند منافع خود را در اطلاعات سود جستجو می‌کنند. وجود زمینه‌های مناسب برای «دستکاری سود» ناشی از تضاد منافع و همچنین به علت پاره‌ای از محدودیت‌های ذاتی حسابداری از جمله الف) نارسایی‌های موجود در فرآیند برآوردها و پیش‌بینی‌های آتی ب) امکان استفاده از روش‌های متعدد حسابداری باعث شده است که سود واقعی یک واحد اقتصادی از سود گزارش شده در صورت‌های مالی متفاوت باشد (ایرج نوروش و علی ابراهیمی کردلر، 2005).

محققان و دست‌اندرکاران حرفه حسابداری با توجه اهمیت سود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد و تعیین‌کننده ارزش شرکت ناگزیر به ارزیابی سود گزارش شده توسط واحدهای اقتصادی می‌باشند. برای ارزیابی سود از مفهومی بنام کیفیت سود استفاده می‌شود. از آنجا که تعریف یکسانی از کیفیت سود وجود ندارد، لذا معیار ارزیابی یکسانی نیز وجود ندارد. لذا در این تحقیق مفهوم کیفیت سود مبتنی بر سری زمانی ویژگی‌های سود که به صورت پایداری سود، توان پیش‌بینی، کیفیت اقلام تعهدی مطرح می‌گردد، استفاده شده است (شاهپور اسماعیلی، 2006).

نابرابری در بازار سرمایه که ناشی از عدم تقارن اطلاعات است دارای پیامدهای اجتماعی نامطلوب از قبیل هزینه زیاد معاملات، بازار ضعیف، نقدینگی پائین و به‌طور کلی کاهش سود معاملات خواهد شد. رفع این پیامدهای نامطلوب، مستلزم شکل‌گیری یک رویه حسابداری مناسب خواهد بود تا توجیهی برای اجباری کردن افشای اطلاعات مالی ارائه دهد. یکی از شروط رقابت کامل، شفافیت اطلاعات است و فقدان آن باعث پیدایش رانت می‌گردد. شفافیت اطلاعات را با مقداری تورش، می‌توان تقارن اطلاعات تعریف کرد. طبق نظر نورث داگلاس¹ هر قدر از جامعه سنتی به طرف جامعه مدرن حرکت می‌کنیم، میزان عدم تقارن اطلاعات افزایش می‌یابد، زیرا هر قدر یک جامعه پیشرفته‌تر باشد، تقسیم کار و تخصص نیز بیشتر خواهد شد. تنوع تولیدات و افزایش تخصص و تقسیم کار، عدم تقارن اطلاعات (داشتن اطلاعات توسط متخصصین و نداشتن این اطلاعات توسط دیگران) را افزایش می‌دهد.

افشای داوطلبانه، کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات

افشای داوطلبانه

افشای داوطلبانه برای ارائه اطلاعات بیشتری به کار می‌رود که دارای انگیزه‌های مدیریتی می‌باشد. هدف اصلی از افشا کمک به استفاده کنندگان در تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت، پیش‌بینی جریان‌ات وجه نقد آتی است (اسفندیار ملکیان، 1997). سطح افشای داوطلبانه به کار رفته در تهیه گزارش‌های مالی ممکن است کیفیت اطلاعات تهیه شده را تحت تأثیر قرار دهد و باعث افزایش ارزش آن اطلاعات و مربوط بودن آنها شود. همچنین سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی خواستار اطلاعاتی هستند که آنها را در امر تصمیم‌گیری یاری کند، اطلاعاتی که ممکن است به دلیل الزام مقررات و یا به صورت داوطلبانه افشا شود. از طرف دیگر، مؤسسات ممکن است به دلایل مختلف مانند کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (کریستین پترسن و توماس پلنبرگ، 2006)²، کاهش هزینه سرمایه، کاهش هزینه بدهی (پارتا سنگوپتا، 1998)³ و غیره اقدام به افشای داوطلبانه اطلاعات نمایند.

اثربخش‌ترین راه‌حل برای پیامدهای نابرابری در بازار سرمایه، حذف ریشه‌های ایجاد نابرابری (مزیت اطلاعاتی سرمایه‌گذاران مطلع) است. این مزیت را می‌توان با نهادینه کردن مقررات اجباری و افشای به موقع اطلاعات مربوط به

¹ North doglas

² Christian Petersen & Thomas Plenborg, 2006

³ Partha Sengupta, 1998

ارزیابی اوراق بهادار کاهش داد (دنيس کورمير، ماری-ژوزه لدوکس و ميشل ماگنان، 2012)¹. یکی از انگیزه‌های مدیران برای افشای اضافی اطلاعات مربوط به نظریه علامت‌دهی می‌باشد. این نظریه مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی را مطرح می‌سازد و بیان می‌دارد که چطور عدم تقارن اطلاعاتی در صورتی که اطلاعات در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد می‌تواند کاهش پیدا کند (ریچارد دی. موريس، 1987)².

با توجه به فرایند افشای اطلاعات، سرمایه‌گذاران با مشکل عدم تقارن اطلاعاتی روبرو هستند. این مشکل زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین معامله دارای اطلاعاتی بیش از طرف مقابل باشد (جان آر. گراهام، کمپیل آر. هاروی و شیوا راجگوپال، 2005)³. عدم تقارن اطلاعات بین سرمایه‌گذاران ممکن است موجب ارزش‌گذاری اشتباه شرکت شده و انگیزه‌ای برای تصحیح ارزش‌گذاری اشتباه از طریق افشای بیشتر اطلاعات ایجاد نماید (یونگ-چول شین، 2002)⁴. حاصل افشای داوطلبانه اطلاعات نیز، کاهش شرایط عدم اطمینان و عدم تقارن اطلاعاتی است و باعث افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران به مدیریت شرکت می‌شود (خواجوی و طلائی، 2014). کاهش شرایط عدم اطمینان، نیاز به نظارت بر فعالیت‌های مدیریت را کاهش می‌دهد و متعاقباً باعث کاهش هزینه‌های تأمین مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود (خواجوی و طلائی، 2014). همچنین، افشای داوطلبانه، به طور بالقوه، باعث کاهش دستکاری سود می‌شود و بنابراین قیمت‌های سهام شرکت بازتابی قابل اتکا از وضعیت مالی شرکت ارائه خواهند کرد.

ارائه‌ی داوطلبانه اطلاعات زمانی که "اخبار خوب" گزارش می‌شود، محتمل‌تر است. شاید شرکت‌ها علاقه‌ای به افشای داوطلبانه اطلاعات در سال‌های مالی که سود شرکت تنزل پیدا کرده است یا کمتر از پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی است، نداشته باشند. به هر حال، ممکن است شرکت‌ها به‌منظور محدود کردن برداشت نامطلوب سرمایه‌گذاران و ایجاد آگاهی در مورد چشم‌اندازهای آتی شرکت، دست به افشای داوطلبانه بزنند، اطلاعات داوطلبانه در مورد شناسایی، اندازه‌گیری و افشای اقلام حسابداری در صورت‌های مالی باعث جذب سرمایه‌گذاران می‌شود و به طور مؤثری به بهبود وضعیت مالی و چهره مدیریتی شرکت کمک می‌کند. در نتیجه، افزایش سطح افشای اطلاعات سرمایه‌گذار را از جستجو برای کشف اطلاعات محرمانه و سوداگری بر مبنای آن، بازمی‌دارد (خواجوی و طلائی، 2014). زیرا با افشای اطلاعات، شکاف اطلاعاتی یا همان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد. در واقع افشای اطلاعات در بازار مانع انجام معاملات مولد ثروت برای یک عده برخوردار از اطلاعات محرمانه می‌شود و در نتیجه، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، رفاه تمام سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد (خواجوی و طلائی، 2014).

پیشینه تجربی تحقیق

تحقیقات بسیاری در دفاع از افشای داوطلبانه انجام شده است: انگیزه‌های افشای داوطلبانه را می‌توان در چهار گروه خلاصه کرد: (1) مدیران به عنوان مسئول پاسخگو هستند و باید به اهداف مالی و تجاری شرکت دست یابند و افشای اطلاعات ابزار اطلاع رسانی نسبت به این مساله است. (2) مدیران برای جلب توجه بازارهای سرمایه، تمایل به افشای اطلاعات در خصوص عملکرد خود دارند (فیلیپ جی. مکنایت و سیریل تومکینز، 1999)⁵. (3) در صورت افشای ناکافی، مدیران برای کاهش هزینه‌های قانونی تمایل به افشای داوطلبانه خواهند داشت و (4) برای اینکه مدیران به

¹ Denis Cormier, Marie-Josée Ledoux & Michel Magnan, 2012

² Richard D. Morris, 1987

³ John R. Graham, Campbell R. Harvey & Shiva Rajgopal, 2005

⁴ Yong-Chul Shin, 2002

⁵ Phillip J. McKnight & Cyril Tomkins, 1999

سرمایه گذاران نشان دهند که از محیط اقتصادی شرکت آگاه هستند و قادرند به تغییرات، پاسخ سریع دهند، از افشای داوطلبانه و ارائه پیش بینی ها استفاده می کنند (برت ترومن، 1986)¹.

(مایکل جی. فرگوسن، کوین سی. کی. لام و گریس مینا لی، 2002)² در کشور هونگ کونگ پژوهشی در زمینه افشای داوطلبانه انجام دادند. در این پژوهش یک نمونه از 142 شرکت انتخاب شده بود سپس فهرستی از 93 مورد درباره افشاء تهیه و با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی به بررسی افشاء داوطلبانه در شرکتهای موجود در بورس اوراق بهادار هونگ کونگ پرداختند. نتایج پژوهش حاکیست که شاخص افشاء با اهرم مالی و نوع شرکت رابطه دارد و نوع صنعت و اندازه شرکت با شاخص ل آنگ و افشاء رابطه ندارد.

(کان وانگ، او سوون و ام. کتی کلیبورن، 2008)³ در بررسی شرکت های چینی متوجه شد که میزان افشا با مواردی از قبیل نسبت مالکیت سهامداران خارجی، عملکرد شرکت که از طریق بازده ارزش ویژه اندازه گیری می شود و شهرت حسابرس، رابطه مثبت و معناداری دارد.

نتایج تحقیقات (داگلاس دبلیو. دیاموند، 1985)⁴ نشان داد که افشای شرکتی، اطلاعات خصوصی را به اطلاعات عمومی تبدیل می کند و عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهام داران بیرونی را کاهش می دهد.

(سلیمان موسلی، عزیز جعفر و خالد حسینی، 2012)⁵ نشان دادند ریسک اطلاعات بالاتر که به علت کیفیت پایین تر اقلام تعهدی و یا کیفیت پایین تر افشا است، منجر به بازده سهام بالاتر می شود. آنها همچنین با بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت افشا نشان می دهد که ارتباط مثبتی بین کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت افشا وجود دارد و این دو عامل تغییرات در بازده اضافی مجموعه مشابهی از پورتفوی را نشان می دهند؛ بنابراین حاوی اطلاعات مشابه و جایگزین یکدیگر تلقی می شوند. علاوه بر این، نتایج تحقیقات متعددی در بازارهای پیشرفته اوراق بهادار حاکی از این موضوع است که کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت افشا می توانند عوامل مؤثری در توضیح بازده سهام باشند.

(کریستینا دارگنیدو، استوارت مک لی و ایوانا راثونینج، 2011)⁶ نشان می دهد که چگونه اقلام تعهدی و افشا، اثر مشتری بر سود مورد انتظار انعکاس یافته در بازده سهام جاری دارد و تأثیر مشترک افشا و اقلام تعهدی، به بزرگ نمایی و ماهیت اقلام تعهدی بستگی دارد.

(استفن براون و استفن آ. هیلگست، 2007)⁷ نیز با بررسی رابطه بین کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی نشان دادند که کیفیت افشا به طور معکوس به عدم تقارن اطلاعاتی مرتبط است و اطلاعات خصوصی را کاهش می دهد.

(محمد کاشانی پور و سیدمهدی پرچین پرچینی، 2009) در پژوهشی با عنوان "رابطه افشای اطلاعات اختیاری و اعضای غیر موظف هیات مدیره" به بررسی رابطه دو مکانیسم کنترلی یعنی افشای اختیاری مکانیسم کنترل خارجی و مدیران غیر موظف مکانیسم کنترل داخلی می پردازد. نتیجه پژوهش آن ها نشان می دهد که رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود دارد.

(ایرج نوروش و سیدعلی میرحسینی، 2009) به بررسی رابطه بین کیفیت افشای شرکتی (شامل قابل اتکا بودن و به موقع بودن) و مدیریت سود پرداختند و متوجه شدند که در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود رابطه منفی معنی داری وجود دارد.

¹ Brett Trueman, 1986

² Michael J. Ferguson, Kevin C. K. Lam & Grace Meina Lee, 2002

³ Kun Wang, Sewon O & M. Cathy Claiborne, 2008

⁴ Douglas W. Diamond, 1985

⁵ Sulaiman Mouselli, Aziz Jaafar & Khaled Hussainey, 2012

⁶ Christina Dargenidou, Stuart McLeay & Ivana Raonic, 2011

⁷ Stephen Brown & Stephen A. Hillegeist, 2007

(نیل باتاچاریا، همنگ دسای و کومار ونکاتارامان، 2008)¹ رابطه‌ی میان کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی را در شرکتهای پذیرفته شده در بورس نیویورک بررسی کردند. نتایج آنها بیانگر آن است کیفیت پایین سود بطور بااهمیتی با عدم تقارن اطلاعاتی بالا مرتبط است.

مطالعات (رابرت ای. وریا، 2001)² نتایج افشای اختیاری اطلاعات را آزمون کردند و نتیجه گرفتند که افشای بیشتر اطلاعات باعث منتفع شدن سرمایه گذاران میشود. در صورتیکه این افشای اطلاعات عمومی برای همه سرمایه گذاران صورت میگیرد، عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین فعالیتهای پر هزینه جمع آوری اطلاعات برای سرمایه گذاران کاهش می‌یابد.

(نوروش و ابراهیمی کردلر، 2005) طی پژوهشی به بررسی و تبیین رابطه‌ی ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد پرداخته اند. هدف این پژوهش آرایه شواهدی در رابطه با نقش نوع دوم سرمایه گذاران نهادی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران است. برای انجام آزمون تجربی دو نمونه از شرکت های سرمایه پذیر انتخاب شد. نمونه اول شامل شرکتهایی با درجه پایینی از مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نمونه دوم شامل شرکت هایی با درجه بالایی از مالکیت سرمایه گذاران نهادی را تشکیل می دهند. نتایج تحقیق نشان داد، مورد شرکت هایی اخیر، اطلاعات بیشتری در رابطه با سود های آتی، نسبت به مورد شرکت های قبلی گزارش کرده اند. بنابراین عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری در شرکت های سرمایه پذیر با درجه پایینی از سرمایه گذاران نهادی گروه اول مشاهده می شود.

(محمدعلی خوبانی، 2010) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه کیفیت سود با عدم تقارن اطلاعاتی" به بررسی نقش کیفیت سود در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد، کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، هیچ تاثیری بر میزان عدم تقارن اطلاعاتی ندارد. وی همچنین، دریافت که عدم تقارن اطلاعاتی در دوره پس از اعلان سود بیشتر از دوره قبل از اعلان سود است.

(احمد احمدپور کاسگری و مریم عجم، 2010) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که کیفیت اقلام تعهدی بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیری ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش بر اساس مبانی نظری و پیشینه تجربی مطرح شده، فرضیه های زیر طراحی گردیده است:

- فرضیه 1: بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه 2: افشای داوطلبانه اطلاعات رابطه‌ی بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها را تعدیل می کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر نتیجه کاربردی و از لحاظ روش پژوهش تجربی از نوع پس رویدادی محسوب می‌شود. و از لحاظ آماری از نوع تحقیقات همبستگی است که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش رگرسیون خطی چندمتغیره بکار می‌رود. اطلاعات گردآوری شده مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه صورت‌های

¹ Neil Bhattacharya, Hemang Desai & Kumar Venkataraman, 2008

² Robert E. Verrecchia, 2001

مالی شرکت هاست. داده ها در Excel مرتب و طبقه بندی شده اند و سپس با نرم افزار Eviews9 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

جامعه، نمونه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و برای انتخاب نمونه فیلترهای زیر اعمال شده است: الف) تا قبل از سال 1387 در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. ب) پایان سال مالی آن ها 29 اسفند ماه باشد. ج) در دوره مورد بررسی، تغییر یا توقف در دوره مالی نداشته باشند. د) جزء بانک ها و موسسات مالی نباشند. زیرا ساختار مالی این شرکت ها متفاوت است. ه) اطلاعات مالی مورد نیاز به طور کامل وجود داشته باشد. و) سهام شرکت ها در طول هر یک از سال های دوره تحقیق در بورس معامله شده باشد. در نهایت پس از اعمال محدودیت های فوق، 84 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره مورد بررسی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

مدل های تحقیق

پژوهش حاضر جهت بررسی فرضیه اول از رابطه (1) و برای آزمون فرضیه دوم از رابطه (2) استفاده نموده است
رابطه (1)

$$INFASM_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{earnings} - \text{Quality} + \beta_2 FCF_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 MB_{it} + \beta_5 ROE_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 GSALE_{it} + \beta_8 AGE_{it} + INDUSTRY - Fe + YEAR + e_{it}$$

رابطه (2)

$$INFASM_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{earnings} - \text{Quality} + \beta_2 DISCLOSER + \beta_3 \text{earnings} - \text{Quality} * DISCLOSER + \beta_4 FCF_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 ROE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 GSALE_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + INDUSTRY - Fe + YEAR - Fe + e_{it}$$

در رابطه (1) و (2)

$INFASM$: بیانگر عدم تقارن اطلاعاتی و متغیر وابسته پژوهش است که از طریق رابطه (3) مقدار آن برآورد می گردد.

رابطه (3)

$$BID_ASK_{it} = \frac{1}{D_{it}} \sum_{d=1}^{D_{it}} \frac{(ASK_{id} - BID_{id})}{2}$$

در رابطه (3)

BID_ASK_{it} : دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام برای شرکت i در سال t

ASK_{id} : بهترین قیمت پیشنهادی فروش سهام روزانه شرکت i

BID_{id} : بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام روزانه شرکت i

D_{it} : تعداد روزهایی از سال t که در آن بهترین قیمت پیشنهادی فروش و بهترین قیمت پیشنهادی خرید برای

شرکت i موجود باشد.

t : دوره زمانی مورد بررسی

1: نمونه مورد بررسی

منظور از بهترین قیمت پیشنهادی خرید، عبارت است از بالاترین قیمت پیشنهادی برای خرید سهام در هرروز و بهترین قیمت پیشنهادی فروش نیز، عبارت است از کمترین قیمت پیشنهادی برای فروش هر سهم در هرروز. هرچه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگ‌تری باشد، حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. در آزمون فرضیه‌ها، قدر مطلق عدد حاصل از این مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچه این اختلاف به صفر نزدیک‌تر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر است.

Earnings – Quality: متغیر مستقل پژوهش و بیانگر کیفیت سود است. جهت اندازه‌گیری کیفیت سود از سنجه کیفیت اقلام تعهدی استفاده نمودیم که از رابطه (4) زیر محاسبه شده است:

$$\Delta WC_t / TA_t = \beta_0 [1/TA_t] + \beta_1 [CFO_t - 1/TA_t] + \beta_2 [CFO_t / TA_t] + \beta_3 [CFO_t / 1/TA_t] + \varepsilon_t$$

ΔWC_t : تغییر در حسابهای دریافتنی به اضافه تغییر در موجودی‌ها منهای تغییر در حسابهای پرداختنی منهای تغییر در مالیات‌های پرداختنی و به اضافه تغییر در سایر دارائیه‌ها در دوره t

CFO_{t-1} : جریان نقدی عملیاتی در دوره قبل

CFO_t : جریان نقدی عملیاتی در دوره جاری

CFO_{t+1} : جریان نقدی عملیاتی در دوره آتی

TA_t : میانگین جمع دارائیه‌ها در دوره جاری

شایان ذکر است قدر مطلق جز باقی مانده مدل مدنظر به عنوان نماینده کیفیت سود استفاده می‌شود هر چقدر مقدار این متغیر به صفر نزدیک‌تر باشد کیفیت سود بالاتر است.

discloser: بیانگر افشا داوطلبانه و متغیر تعدیل‌گر پژوهش می‌باشد. سطح افشای داوطلبانه بعنوان متغیر وابسته، براساس شاخص‌های پیشنهادی توسط بوتوسان¹ در سال (1997) که برگرفته از نظرات کمیته جنکینز بود، اندازه‌گیری می‌شود. در مدل بوتوسان شاخص‌های مورد استفاده از طریق گزارشات راهبری شرکتی و نیز ارقام رتبه‌بندی شرکت‌های آمریکایی استخراج شده بود. به دلیل فقدان دو مورد مذکور در ایران، و با توجه به اینکه سازمان حسابرسی کتابچه‌ای تحت عنوان فرمت نمونه گزارشگری منتشر نموده و شرکت‌ها در تهیه گزارشات اطلاعات به شاخص‌های مندرج در آن تکیه می‌کنند، این امر امکان افشای اطلاعات داوطلبانه در متن صورت‌های مالی را محدود نموده است. لذا برای استخراج شاخص‌های افشای داوطلبانه اطلاعات به گزارش فعالیت هیات مدیره شرکت‌ها اتکا گردید. شاخص‌ها پس از بررسی از نظر الزامی نبودن مطابق استانداردهای حسابداری یا قانونی در شش بخش کلی به شرح ذیل تعیین گردیدند:

- 1- پیشینه اطلاعاتی: خلاصه‌ای از فعالیت‌ها- بیان اهداف یا طرح‌ها- بیان کلی استراتژی- اقدامات انجام شده در طی سال برای دستیابی به اهداف- اقدامات برنامه‌ریزی شده برای دستیابی در سال‌های آتی- برنامه زمانی برای دستیابی به اهداف- محیط رقابتی- تاثیر رقابت بر سودهای جاری- تاثیر رقابت بر سودهای آتی- توصیف کلی شرکت- محصولات یا خدمات اصلی تولید شده- مشخصه‌های ویژه آنها- تشریح کارخانجات/انبارها- چارت سازمانی مدیریت
- 2- خلاصه‌ای از نتایج تاریخی مهم: نسبت‌های سود دهی- نسبت‌های ساختار مالی- نسبت‌های نقدینگی- نسبت‌های دیگر- پیش‌بینی سود هر سهم- سنجش فروش‌ها- سنجش سود عملیاتی- سنجش سود خالص

¹ Botosan

- 3- آمارهای کلیدی غیرمالی: میانگین حقوق هر کارمند- میانگین سن کارکنان کلیدی- سهم بازار محصولات یا خدمات اصلی- واحدهای فروش رفته مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- قیمت فروش هر واحد مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- میزان رشد در واحدهای فروش رفته مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- فروش سر به سر مربوط به محصولات یا خدمات اصلی- زمان انجام تولید یا تحویل- تشریح روش ها یا فوت و فن تولید- تشریح مشتری ها
- 4- اطلاعات بخش ها: تشریح - دارایی ها- بدهی ها یا تامین مالی- استهلاک- سود عملیاتی- سرمایه گذاری- تحقیق و توسعه
- 5- اطلاعات پیش بینی: مقایسه پیش بینی های قبلی سود با سودهای واقعی- مقایسه پیش بینی های قبلی فروش ها با فروش های واقعی- تاثیر فرصت های موجود بر فروش ها یا سودهای آتی- تاثیر پوشش ریسک شرکت بر فروش ها یا سودهای آتی- پیش بینی سهم از بازار- پیش بینی گردش وجه نقد- پیش بینی مخارج سرمایه ای- پیش بینی مخارج تحقیق و توسعه- پیش بینی سودهای آتی- پیش بینی فروش های آتی
- 6- بحث و تحلیل مدیریتی: توضیحاتی در خصوص تغییر در فروش ها- توضیحاتی در خصوص تغییر در درآمد عملیاتی- توضیحاتی در خصوص تغییر در بهای تمام شده کالای فروش رفته بعنوان درصدی از فروش ها- توضیحاتی در خصوص تغییر در سود ناخالص- توضیحاتی در خصوص تغییر در سود ناخالص بعنوان درصدی از فروش ها- توضیحاتی در خصوص تغییر در هزینه های اداری و تشکیلاتی- توضیحاتی در خصوص تغییر در هزینه بهره یا درآمد بهره- توضیحاتی در خصوص تغییر در سود خالص- توضیحاتی در خصوص تغییر در موجودی کالا- توضیحاتی در خصوص مخارج سرمایه ای- توضیحاتی در خصوص تغییر در مخارج تحقیق و توسعه- توضیحاتی در خصوص تغییر در سهم از بازار- تفسیر نسبت های سوددهی- تفسیر نسبت های ساختار مالی- تفسیر نسبت های نقدینگی- تفسیر دیگر نسبت ها- تفسیر پیش بینی سود هر سهم.
- در این پژوهش، محاسبه افشای داوطلبانه شرکت ها از تقسیم مجموع امتیاز حاصله از 6 بخش {پیشینه اطلاعاتی (BCKG) خلاصه ای از نتایج تاریخی مهم (HIST) آمارهای کلیدی غیرمالی (NONF) اطلاعات بخش ها (SEGM) اطلاعات پیش بینی (PROJ) بحث و تحلیل مدیریت (MNGT)} بر کل امتیاز قابل دریافت یعنی 134 به دست می آید.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی و تعریف عملیاتی آن ها در جدول (1) به نمایش درآمده است.

جدول 1. معرفی و تعریف عملیاتی سایر متغیرهای پژوهش

برای محاسبه جریان نقدی آزاد از مدل لی هن و پولسن به شرح رابطه زیر استفاده شده است:

$$FCF = \frac{(OIBD - CITAXP - INTEXP - DIVP)}{TA}$$

FCF: جریان های نقد آزاد

FCF_{it}

OIBD: سود عملیاتی قبل از کسر هزینه استهلاک

CITAXP: مالیات بر درآمد پرداختی

INTEXP: هزینه بهره

DIVP: سودهای پرداختی به سهامداران

LEV_{it}: بیانگر اهرم مالی که از تقسیم کل بدهی بر کل دارایی محاسبه می گردد

LEV_{it}

MB_{it}: نشان دهنده نسبت ارزش بازار به ارزش دفتر حقوق صاحبان سهام

MB_{it}

ROE_{it}: بیانگر بازده سرمایه که برابر است با تقسیم سود خالص بر حقوق صاحبان سهام

ROE_{it}

$SIZE_{it}$	اندازه شرکت، که برابر است با لگاریتم طبیعی جمع داراییهای شرکت
$GSale_{it}$	بیانگر نرخ رشد است که از تفاوت فروش سال مورد بررسی از سال ماقبل، تقسیم بر سال ماقبل برآورد می‌گردد.
AGE_{it}	بیانگر عمر شرکت که برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت مدنظر در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

جدول (2) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل را نشان می‌دهد که پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می‌باشد. در این جدول تعداد مشاهدات برای هر متغیر در مدل برابر 411 مشاهده می‌باشد.

جدول 2. آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف استاندارد	چولگی
عدم تقارن اطلاعاتی	0/588	0/578	0/873	0/346	0/072	0/628
کیفیت سود	0/361	0/299	0/974	0/001	0/366	0/643
افشا داوطلبانه	0/403	0/402	0/594	0/268	0/530	0/168
جریان وجه نقد آزاد	0/038	0/061	0/423	-0/912	0/441	-1/741
اهرم مالی	0/604	0/596	1/302	0/096	0/205	0/033
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	4/452	3/965	17/168	-10/15	2/408	1/261
بازده حقوق صاحبان سهام	0/120	0/105	0/651	-0/362	0/136	0/351
اندازه شرکت	15/31	15/18	20/39	11/98	1/641	0/492
رشد شرکت	0/239	0/201	3/573	-0/825	0/397	2/253
عمر شرکت	2/884	2/890	3/912	1/791	0/341	0/071

مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. مقدار این مولفه برای 0/558 است که نشان می‌دهد اکثر داده‌های متغیر عدم تقارن اطلاعاتی حول و حوش این عدد قرار دارد. میان نیز یکی از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. مقدار این مولفه نیز برای متغیر عدم تقارن اطلاعاتی برابر با 0/578 است. نزدیکی میان و میانگین یکی از استدلال‌های مهم در زمینه توزیع درست داده‌ها است که نشان می‌دهد متغیر عدم تقارن اطلاعاتی به صورت نرمال توزیع شده است. کمینه و بیشینه نیز به ترتیب کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین داده مربوط به یک متغیر را به نمایش می‌گذارند. برای مثال کمینه مربوط به عمر شرکت برابر با 1/791 است که با توجه به تعریف عملیاتی این متغیر مقدار اولیه آن برابر با 6 است که نشان می‌دهد شرکت مدنظر 6 سال است که در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است. از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای عدم تقارن اطلاعاتی برابر 0/07 است که نشان دهنده‌ی میزان پراکندگی این متغیر می‌باشد. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت

آزمون هم خطی

هم خطی وجود یک یا چند رابطه خطی دقیق بین متغیرهای توضیحی را بیان می نماید. برای بررسی وجود یا عدم وجود هم خطی میان متغیرهای مستقل پژوهش از تحلیل همبستگی استفاده شده است؛ جدول (3) ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل مدل نهایی را نشان می دهد. با توجه به نتایج جدول مشخص گردید ضریب همبستگی خیلی زیاد یا خیلی کم (نزدیک به 1+ یا 1-) که نتایج تحلیل رگرسیونی را تحت تأثیر قرار دهد مشاهده نمی شود.

جدول 3، ضرایب همبستگی پیرسون

متغیرها	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
عدم تقارن اطلاعاتی	1									
کیفیت سود	0/20	1								
افشا داوطلبانه	-0/28	-0/05	1							
جریان وجه نقد آزاد	-0/30	0/55	0/003	1						
اهرم مالی	0/13	0/04	0/05	-0/12	1					
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-0/39	0/05	0/13	0/21	0/04	1				
بازده حقوق صاحبان سهام	0/03	-0/07	0/32	0/04	0/57	-0/04	1			
اندازه شرکت	-0/56	0/02	-0/06	0/37	-0/14	0/36	-0/03	1		
رشد شرکت	-0/30	0/009	0/001	0/24	-0/10	0/19	-0/001	0/25	1	
عمر شرکت	-0/14	0/05	0/001	-0/06	0/005	0/05	0/009	-0/08	0/01	1

ثابت بودن واریانس جمله خطا

اگر واریانس جمله خطا ثابت نباشد منجر می شود تا انحراف معیار محاسبه شده جهت تخمین مدل رگرسیونی دارای خطا باشد و زمینه تغییر علامت ضرایب مدل رگرسیونی و متعاقب آن دستیابی به نتایج کاذب را به عمل می آورد. لذا در این تحقیق برای اطمینان از همسانی واریانس جمله خطا از آزمون آرچ¹ استفاده شده است. که در جدول (4) نمایان شده است:

جدول (4)، نتایج آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا

$INFASM_{it} = \beta_0 + \beta_1 earnings - Quality + \beta_2 FCF_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 MB_{it} + \beta_5 ROE_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 GSALE_{it} + \beta_8 AGE_{it} + INDUSTRY - Fe + YEAR - Fe + e_{it}$		
متغیر مورد آزمون	آماره آزمون	معناداری
بر مبنای F	0/0306	0/8124
بر مبنای X ²	0/04085	0/7849
$INFASM_{it} = \beta_0 + \beta_1 earnings - Quality + \beta_2 DISCLOSER + \beta_3 earnings - Quality * DISCLOSER + \beta_4 FCF_{it} + \beta_5 LEV_{it} + 6MB_{it} + \beta_7 ROE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 GSALE_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + INDUSTRY - Fe + YEAR - Fe + e_{it}$		
بر مبنای F	0/0475	0/8295
بر مبنای X ²	0/0542	0/7521

¹ ARCH

فرضیه صفر: جملات خطا مدل دارای واریانس همسان می‌باشد.

فرضیه یک: جملات خطا مدل دارای واریانس همسان نمی‌باشد.

همانطور که در جدول (4) نمایان شده هیچیک از مدل‌های پژوهش دچار ناهمسانی واریانس نیستند.

انتخاب الگوی مناسب

در این پژوهش از آزمون F لیمر جهت تعیین بکارگیری مدل اثرات تابلویی در مقابل تلفیق کل داده انجام گرفته است. از آنجایی که در الگو داده‌های تابلویی علاوه بر رویکرد اثرات ثابت، رویکرد اثرات تصادفی نیز وجود دارد، می‌بایست زمانی که فرضیه صفر در آزمون F لیمر رد شده مدل مورد نظر از جنبه استفاده یا عدم استفاده از رویکرد اثرات تصادفی نیز آزمون شود که در این پژوهش در صورت وجود این شرایط از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون F لیمر در جدول (5) شرح داده شده است

جدول (5). نتایج آزمون انتخاب الگوی مناسب

مدل رگرسیون	آماره	معناداری	آزمون هاسمن		نتیجه
			آماره	معناداری	
مدل شماره 1	44/70	0/0000	140/884	0/0000	الگوی داده ترکیبی با رویکرد ثابت
مدل شماره 2	38/57	0/0000	237/96	0/0000	الگوی داده ترکیبی با رویکرد ثابت

همانطور که در جدول (5) مشخص شده است؛ آزمون F لیمر برای هر دو مدل تحقیق با تایید فرضیه صفر همراه است لذا باید از الگوی داده ترکیبی با رویکرد ثابت استفاده نمود.

تخمین مدل رگرسیونی فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات چند متغیره در جدول (6) به نمایش در آمده است.

جدول 6. نتایج مدل رگرسیون فرضیه اول

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	احتمال آماره T	عامل تورم واریانس
عرض از مبدا	0/663	0/043	15/16	0/0000	-
کیفیت سود	0/014	0/006	2/441	0/0151	1/015
جریان وجه نقد آزاد	-0/034	0/016	-2/114	0/0351	1/022
اهرم مالی	0/034	0/013	2/599	0/0097	1/211
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-0/002	0/001	-2/185	0/0295	1/584
بازده حقوق صاحبان سهام	0/0341	0/196	1/735	0/0834	1/188
اندازه شرکت	-0/001	0/002	-0/915	0/3605	1/552
رشد شرکت	-0/021	0/005	-3/793	0/0002	1/364
عمر شرکت	-0/013	0/006	-1/975	0/0489	1/032

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	احتمال آماره T	عامل تورم واریانس
اثر سال			کنترل شد		
اثر صنعت			کنترل شد		
ضریب تعیین	0/659		آماره F		40/103
ضریب تعیین تعدیل شده	0/643		سطح معناداری آماره F		0/0000
آماره دوربین واتسون	1/875		آماره جارگیو-برا جزی باقی مانده		0/2512

نتایج آزمون فرضیه اول بیانگر تایید این فرضیه است چراکه سطح معناداری متغیر کیفیت سود برابر با 0/0151 است بنابراین می توان گفت فرضیه اول در سطح 5% تایید می شود. لازم به ذکر است تعریف عملیاتی کیفیت سود بدین گونه بود که هر چه مقدار بزرگتری برای کیفیت سود هر شرکت برآورد شود نشان دهنده کیفیت پایین تر سود این شرکت خواهد بود. لذا با توجه علامت منفی ضریب این متغیر می توان گفت که با افزایش کیفیت سود عدم تقارن اطلاعاتی نیز کاهش می یابد. ضریب تعیین تعدیل شده برای این مدل برابر با 65% می باشد، بدین معنا که متغیرهای توضیحی مدل قادر به توضیح 65% از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی هستند. برای معناداری کلی مدل از آماره F استفاده می شود. که مقدار این آماره 40/10 و سطح معناداری آن 0.0000 به دست آمده که بیانگر معناداری کلی مدل در سطح خطای 1% می باشد. مقدار عامل تورم واریانس نیز برای تمامی متغیرهای توضیحی کمتر از 10 می باشد لذا متغیرهای مدل مورد نظر از همخطی رنج نمی برد.

تخمین مدل رگرسیونی فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات چند متغیره در جدول (7) به نمایش در آمده است.

جدول 7. نتایج مدل رگرسیون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	احتمال آماره T	عامل تورم واریانس
عرض از مبدا	0/528	0/042	12/478	0/0000	-
کیفیت سود	0/013	0/005	2/461	0/0143	1/028
افشا داوطلبانه	-0/494	0/051	-9/639	0/0000	1/298
کیفیت سود*افشا داوطلبانه	0/014	0/013	-1/107	0/2690	1/039
جریان وجه نقد آزاد	-0/030	0/014	-2/014	0/0446	1/222
اهرم مالی	-0/0148	0/012	-1/145	0/2528	1/754
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-0/002	0/001	-2/976	0/0031	1/243
بازده حقوق صاحبان سهام	-0/074	0/021	-3/525	0/0005	1/922
اندازه شرکت	-0/002	0/001	-1/192	0/2339	1/369
رشد شرکت	022858	0/005	-4/421	0/0000	1/364
عمر شرکت	-0/013	0/006	-2/311	0/0213	1/040
اثر سال			کنترل شد		

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	احتمال آماره T	عامل تورم واریانس
اثر صنعت			کنترل شد		
ضریب تعیین	0/725		آماره F		48/878
ضریب تعیین تعدیل شده	0/710		سطح معناداری آماره F		0/0000
آماره دوربین واتسون	1/889		آماره جارجیو-برا جزئی باقی مانده		0/1325

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان از رد فرضیه دوم پژوهش دارد چراکه سطح معناداری برای متغیر کیفیت سود*افشا داوطلبانه بیشتر از 5% است. لذا افشا داوطلبانه نمی‌توان رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی را تحت تاثیر قرار دهد. ضریب تعیین تعدیل شده برای این مدل برابر با 71% می‌باشد، بدین معنا که متغیرهای توضیحی مدل قادر به توضیح 71% از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی هستند. مقدار آماره F ، 40/10 و سطح معناداری آن 0.0000 به دست آمده که بیانگر معناداری کلی مدل در سطح خطای 1% می‌باشد. مقدار عامل تورم واریانس نیز برای تمامی متغیرهای توضیحی کمتر از 10 می‌باشد لذا متغیرهای مدل مورد دچار مشکل همخطی نیستند.

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهاد

هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیلی افشای داوطلبانه بر رابطه ی بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. برای دستیابی به این هدف، دو فرضیه تدوین گردید. نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می دهد با افزایش کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر می‌توان گفت هرچه کیفیت سود کمتر شود عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر می‌یابد. لذا این نتیجه نشان می‌دهد هرچه رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت بیشتر شود، عدم تقارن اطلاعاتی نیز افزایش می‌یابد. از این نتیجه می‌توان استنباط نمود که مدیران شرکت‌های نمونه این پژوهش از اطلاعات حسابداری به عنوان ابزاری جهت دستیابی به منافع شخصی و یا منافع اشخاص وابسته به خود استفاده می‌کنند. احتمالاً مدیران به این دلیل از صورت‌های مالی حسابداری برای رفتار فرصت طلبانه استفاده می‌کنند که این صورت‌ها دارای مشروعیت بیشتری نسبت به دیگر منابع اطلاعاتی برای استفاده‌کنندگان است لذا اگر اطلاعاتی در این چارچوب گنجانده شود، باور پذیری آن برای عموم استفاده‌کنندگان بسیار بالا است. نتیجه این پژوهش با یافته های (احمدپورکاسگری و عجم، 2010) مغایر دارد ولی نتایج پژوهش (باتاچاریا و همکاران، 2008) و (براون و هیلگست، 2007) مشابه است.

یافته های فرضیه دوم پژوهش بیانگر آن است که افشای داوطلبانه بر رابطه ی بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی اثر تعدیل کننده ندارد. پایین بودن سطح میانگین افشا داوطلبانه شرکت‌های مدنظر، افشا داوطلبانه تقریباً یکسان و مرزبندی شده از سوی این شرکت‌ها، فقدان تحلیل‌گران مالی، عدم تمایل سرمایه‌گذاران به مطالعه اطلاعات افشا شده در چارچوب افشا داوطلبانه و مدیریت افشا داوطلبانه در راستای رفتار فرصت‌طلبانه می تواند نتایج پژوهش را توجیه نماید.

با توجه به یافته های پژوهش، به مجموعه نظارتی شرکت‌ها از جمله کمیته حسابرسی، حسابرسان داخلی و... توصیه می‌شود در رابطه با کیفیت سود قاطعانه برخورد نمایند. به عبارت دیگر مدیران نباید از ابزارهای گزارشگری مالی به عنوان سازوکارهایی برا دستیابی به منافع شخصی سو استفاده کنند. همچنین به قانون گذار نیز پیشنهاد می‌شود تا با تاکید بیشتری بر کیفیت سود و عوامل موثر بر آن اقدام به تدوین قوانین و استانداردهای لازم نمایند تا عواقب منفی کیفیت پایین سود جلوگیری شود.

References

- Abbasi, E., & Bazrafshan, M. (2017). The Relation of Earnings Quality, Voluntary Disclosure and Information Asymmetry to the Expense of Equity. *Empirical Research in Accounting*, 7(3), 41-60. <https://doi.org/10.22051/jera.2017.15625.1676>
- Ahmadpour Kasgari ,A., & Ajam, M. (2010). A Study of the Relationship between the Quality of Accruals and Information Asymmetry in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of the Stock Exchange*, 3(11), 107-124. <http://ensani.ir/file/download/article/20120329141626-5015-63.pdf>
- Bhattacharya, N., Desai, H., & Venkataraman, K. (2008). Earnings quality and information asymmetry: Evidence from trading costs. *Journal of Economic Literature*, 1-53. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1266351
- Brown, S., & Hillegeist, S. A. (2007). How disclosure quality affects the level of information asymmetry. *Review of accounting studies*, 12(2), 443-477. <https://doi.org/10.1007/s11142-007-9032-5>
- Clarkson, G., Jacobsen, T. E., & Batcheller, A. L. (2007). Information asymmetry and information sharing. *Government Information Quarterly*, 24(4), 827-839. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2007.08.001>
- Cormier, D., Ledoux, M. J., & Magnan, M. (2012). The moderating effect of voluntary disclosure on the relation between earnings quality and information asymmetry: some Canadian evidence. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 8(2), 157-183. <https://doi.org/10.1504/ijaape.2012.046706>
- Dargenidou, C., McLeay, S., & Raonic, I. (2011). Accruals, Disclosure and the Pricing of Future Earnings in the European Market. *Journal of Business Finance & Accounting*, 38(5-6), 473-504. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5957.2011.02245.x>
- Diamond, D. W. (1985). Optimal Release of Information By Firms .*The journal of finance*, 40(4), 1071-1094. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.1985.tb02364.x>
- Ferguson, M. J., Lam, K. C. K., & Lee, G. M. (2002). Voluntary Disclosure by State-owned Enterprises Listed on the Stock Exchange of Hong Kong. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 13(2), 125-152. <https://doi.org/10.1111/1467-646X.00081>
- Graham, J. R., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40(1) ,3-73 .<https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2005.01.002>
- Ismaili, S. (2006). *The relationship between earnings quality and stock returns* [Master, Allameh Tabatabaie]. Tehran, Iran .
- Kashanipour, M., & Parchin Parchini, S. M. (2009). *The Relationship between Disclosure of Voluntary Information and Non-Executive Board Members* [M.Sc., Mazandaran]. Iran .
- Khajavi, S., & Alizadeh Talatape, V. (2014). Investigating The Impacts Of Voluntary Disclosure Level On The Information Asymmetry Of The Companies Listed In Tehran Stock Exchange. *Empirical studies of financial accounting*, 11(42), 89-114. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=238776>
- Khobani, M. A. (2010). *Investigating the Relationship between Profit Quality and Information Asymmetry* [Master, Raja Qazvin Non-Profit Higher Education Institute]. Iran.
- Malekian, E. (1997). *Comprehensive Annual Reports and Financial Characteristics of Companies Listed in Tehran Stock Exchange* [PhD, Tehran]. Iran.

- McKnight, P. J., & Tomkins, C. (1999). Top Executive Pay in the United Kingdom: A Corporate Governance Dilemma. *International Journal of the Economics of Business*, 6(2), 223-243. <https://doi.org/10.1080/13571519984241>
- Morris, R. D. (1987). Signalling, Agency Theory and Accounting Policy Choice. *Accounting and Business Research*, 18(69), 47-56. <https://doi.org/10.1080/00014788.1987.9729347>
- Mouselli, S., Jaafar, A., & Hussainey, K. (2012). Accruals quality vis-à-vis disclosure quality: Substitutes or complements? *The British Accounting Review*, 44(1), 36-46. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2011.12.004>
- Noroush, I., & Ebrahimi Kordler, A. (2005). Investigating and explaining the relationship between shareholder composition and information symmetry and usefulness of performance accounting criteria. *Accounting and auditing reviews*, 12(42), 97-124. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=43324>
- Noroush, I., & Mir Hosseini, S. A. (2009). Investigating the relationship between the quality of disclosure (reliability and timeliness) and profit management. *Accounting and Auditing Reviews* 16(55), 117-134. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=97235>
- Petersen, C., & Plenborg, T. (2006). Voluntary disclosure and information asymmetry in Denmark. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15(2), 127-149. <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2006.08.004>
- Rahimian, N., Hemmati, H., & Soleimani Fard, M. (2012). Investigating the relation of between earning quality and information asymmetry of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Knowledge Accounting*, 3(10), 157-181. <https://doi.org/10.22103/jak.2012.449>
- Sengupta, P. (1998). Corporate disclosure quality and the cost of debt. *Accounting review*, 73(4), 459-474. <https://www.jstor.org/stable/248186>
- Shin, Y-C. (2002). The effect of product market competition on corporate voluntary disclosure decisions. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.338361>
- Trueman, B. (1986). Why do managers voluntarily release earnings forecasts? *Journal of Accounting and Economics*, 8(1), 53-71. [https://doi.org/10.1016/0165-4101\(86\)90010-8](https://doi.org/10.1016/0165-4101(86)90010-8)
- Verrecchia, R. E. (2001). Essays on disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 32(1), 97-180. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(01\)00025-8](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00025-8)
- Wang, K., O, S., & Claiborne, M. C. (2008). Determinants and consequences of voluntary disclosure in an emerging market: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 17(1), 14-30. <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2008.01.001>



Providing a Framework for Establishing and Developing a Continuous Financial Literacy System by Measuring Financial Literacy in Tehran High Schools

Majeed Ghaderi Rahghy^{1*} , Saber Khandan Alamdari²

¹PhD Student, Department of Industrial Management, Faculty of Accounting and Management, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

²Assistant Professor, Department of Industrial Management, Faculty of Accounting and Management, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 07.12.2020

Revised: 12.07.2020

Accepted: 12.09.2020

Keyword:

Development of continuous financial literacy system
Measurement of financial literacy
Tehran secondary schools

***Corresponding Author:**

Majeed Ghaderi Rahghy
Email: m.ghaderi50@gmail.com

ABSTRACT

Financial literacy and understanding its concepts are of particular importance to students because the financial decisions they make during their student years have a significant impact on their financial situation after graduating from school and university. The aim of the present study was to provide a framework for the establishment and development of a continuous financial literacy system by measuring financial literacy in Tehran secondary schools. The study method in this research was survey-descriptive method. After extracting and approving the appropriate questionnaire, the questionnaire was distributed among students. The statistical population consisted of third year high school students Tehran. The findings indicate that the three dimensions of student 'financial literacy' (financial knowledge, financial behavior, and financial attitude) affect their field of study (0.236) and their parents' job (0.205). The results show that with the three dimensions of students' financial literacy, their level of education will be relatively strong, and with high financial literacy, their parents' employment rate will be relatively low.





ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران

مجید قادری رهقی^{*1}، صابر خندان علمداری²

- ۱- دانشجوی دکتری، دپارتمان مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، روهن، ایران.
- ۲- استادیار، دپارتمان مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، روهن، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

سواد مالی و درک مفاهیم آن برای دانش‌آموزان و دانشجویان، اهمیت ویژه دارد؛ زیرا تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط آنها در دوره دانشجویی تأثیر به‌سزایی بر وضعیت مالی آن‌ها پس از فارغ‌التحصیلی از مدرسه و دانشگاه دارد. هدف از تحقیق حاضر، ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران بوده است. شیوه مطالعه در این تحقیق، روش پیمایشی- توصیفی می‌باشد. پس از استخراج و تأیید پرسش‌نامه مناسب، پرسش‌نامه بین دانش‌آموزان توزیع گردید. جامعه آماری این بخش از تحقیق دانش‌آموزان سال سوم، دوره دوم متوسطه مدارس شهر تهران بود. یافته‌ها حاکی از آن است که ابعاد سه‌گانه سواد مالی (دانش مالی، رفتار مالی، نگرش مالی) دانش‌آموزان، بر رشته تحصیلی آنان (0/236) و بر شغل والدین آنان (0/205) تأثیر دارد. نتایج نشان می‌دهد که با ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان رشته تحصیلی آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود و با بالا بودن ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان شغل والدین آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود.

دریافت مقاله: 1399/04/22

بازنگری مقاله: 1399/09/17

پذیرش مقاله: 1399/09/19

کلید واژگان:

توسعه نظام پیوسته سواد مالی
سنجش سواد مالی
مدارس متوسطه تهران

*نویسنده مسئول: مجید قادری رهقی

پست الکترونیکی:

m.ghaderi50@gmail.com



مقدمه

امروز به لحاظ پیچیدگی محیط‌های تجاری جدید و تنوع خدمات و محصولات ارائه شده توسط مؤسسات اعتباری، کسب رفاه مالی، مستلزم درک مناسب مباحث و مسائل مالی است. این نیاز از مدت‌ها قبل در اغلب جوامع مدرن درک شده و از سال‌های اولیه دهه 90 میلادی تحت عناوینی نظیر سواد مالی و مالیه شخصی مطرح گردیده و با گذشت زمان به اهمیت آن افزوده شده است؛ به گونه‌ای که امروزه مفاهیم مرتبط با آن در کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستان‌ها و رشته‌های مختلف دانشگاهی تلقی می‌گردد. در این کشورها بنیادهای غیرانتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد مالی را عهده‌دار هستند و با انجام آزمون‌های متعدد به اندازه‌گیری پیشرفت سواد مالی در کشور خود می‌پردازند (رضا میرعرب رضی، محسن حاجی تبار فیروزجائی و سمیه آریانفر، 2019). علی‌رغم اهمیت سواد مالی، تاکنون مفاهیم و موضوعات مرتبط با آن در ایران کمتر مورد توجه بوده و حتی ابزار مناسبی برای سنجش آن در کشور وجود نداشته است. تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناورانه و تأثیر آنها بر مسائل زیست‌محیطی از موضوعات مهم دو دهه اخیر محسوب می‌شود (کریم قالمق، احمد یعقوب نژاد و میرفیض فلاح شمس، 2016). برقراری ارتباط بین رویکرد تاریخی توسعه فناوری و فرایندهای نوآوری باعث ایجاد یک نگرش عمیق به مسئله تغییرات فناوری و نوآوری خواهد شد. از طرف دیگر با توجه به مسائل گوناگون اجتماعی و زیست‌محیطی، نوآوری فناورانه و توسعه نظام نوآوری انرژی یک ضرورت برای توسعه اقتصادی کشورها به شمار می‌آید. امروزه با توجه به گستردگی دانش بشری و توسعه جهان فناوری‌ها، تعریف «انسان باسواد» نسبت به گذشته تفاوت‌های اساسی پیدا کرده است (زهره دیاتی دیلمی و محمد حنیفه زاده، 2015). در قرن حاضر صرف خواندن و نوشتن و حتی دانستن زبان دوم نمی‌تواند برای باسواد بودن کافی باشد. بنا به تعریف (علی شیرزادی، 2018) شخص باسواد فردی است که دارای شش نوع سواد آموزش و پرورشی، سواد عاطفی، سواد ارتباطی، سواد رسانه، سواد رایانه‌ای و سواد مالی باشد. دانش مالی، علم مالی یا مالیه شاخه‌ای از فعالیت‌های تجاری است که راه‌اندازی بنگاه، بازاریابی و مدیریت پول و وجه نقد، در انواع حساب‌های سرمایه، ابزارها و بازارها را در بر می‌گیرد و با هدف انجام معاملات دارایی، دیوان مالی و ریسک ایجاد شده‌اند (سامان رحمانی نوروزآباد و اسفندیار محمدی، 2019). دانش مالی توسط سیستم پیچیده‌ای از روابط قدرت، در ساختارهای اقتصادی و سیاسی، در بازارهای جهانی، کنترل و ساختار بندی می‌شود. این فعالیت‌ها به شکل روزافزونی تمرکز تکنیکی و مؤسساتی روی اندازه‌گیری و پوشش روابط ریسک- بازدهی را که روی ارزش سهام‌دار اثر می‌گذارد، پوشش می‌دهند (میرعرب رضی و همکاران، 2019). شبکه‌های مالی اغلب امکان مذاکره، بازاریابی و دادوستد در محصولات و خدمات مالی را برای مشتریان، فراهم سازند. عملکرد مالی کارایی و سودآوری سرمایه‌گذاری، ضمانت ادعای وام‌گیرندگان و احتمال این که ابزارهای مشتقه مالی چقدر می‌توانند سرمایه‌گذاران را در مقابل ریسک‌های بازار مصون بدارند، می‌سنجد. سواد مالی می‌تواند دربردارنده مفاهیمی از نوع آگاهی‌های مالی، دانش و علم در خصوص محصول‌های مالی و مؤسسه‌های مالی یا مفاهیمی چون مهارت‌های مالی مانند توانایی محاسبه پرداخت بهره ترکیبی و به طور کلی توانایی مالی در خصوص مدیریت پول و برنامه‌ریزی‌های مالی باشد؛ اگر چه در عمل این مفاهیم با هم همپوشانی دارند و مشترک هستند. این مفاهیم ممکن است شیوه اجرای متفاوتی داشته باشند که وابسته به سطح درآمد کشورها است. برای مثال در کشورهای با درآمد بالا، سواد مالی بیشتر اوقات به عنوان یک مکمل حمایتی برای مشتری در نظر گرفته می‌شود (رحمانی نوروزآباد و محمدی، 2019). یکی از هدف‌های اولیه تحصیلات مالی، تجهیز کردن افرادی است که قابلیت مدیریت مجموعه‌های از وام رهنی محصول‌های مالی مانند طرح بازنشستگی دارند، تا بتوانند تصمیم‌های مالی درستی بگیرند. از این روست که با انتقال مسئولیت‌های برنامه‌ریزی مالی از بخش عمومی به افراد، اهمیت چنین کاری بارها تأیید و تأکید شده است. در کشورهای کم‌درآمد، توسعه‌یافتگی مالی، بسیار محدودتر اتفاق می‌افتد و محصول‌های تخصصی و پیشرفته، به نوعی در دسترس درصد بسیار کمی از جمعیت هستند و به همین دلیل، نقش سواد مالی در افزایش سطح دسترسی و خدمات مالی بیشتر از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد (آرمان روشندل، هادی امیری و مهدی طغیانی، 2018). تحقیقاتی که در کشورمان

بر میزان سواد مالی انجام شد، نشان می‌دهد سطح سواد مالی در جایگاه مناسبی نیست و نیاز جدی به ارتقای آن احساس می‌شود. یکی از این تحقیقات را سازمان بورس و اوراق بهادار در سال 2013 (1392-1391) صورت داده است. این افکارسنجی نشان می‌دهد 9 درصد جامعه نمونه که قابل‌تعمیم به کل کشور است، سواد مالی ناکافی، 39 درصد نسبتاً کافی، 32 درصد مناسب و تنها 15 درصد در سطح ایده‌آل است. ملموس‌ترین اثر داشتن سواد مالی مناسب این است که افراد بهتر می‌توانند کسب درآمد کنند و هزینه‌کرد مناسب‌تری نیز داشته باشند. این مسئله، ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی را نیز کاهش می‌دهد (زهره شیرازیان، 2018). اثربخشی دیگر در رفتار اقتصادی فرد در هنگام مشکلات و بحران‌ها خود را نشان می‌دهد. اگر سطح سواد مالی بالا برود، رونق مبادلات مالی و سطح رفاه افراد نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه در بحران‌های اقتصادی شاهد رفتار درست خواهیم بود که به‌نوبه خود مانع از به هم خوردن نظم اقتصادی و اجتماعی در کشور می‌شود (میرعرب رضی و همکاران، 2019). باید توجه داشته باشیم که ارتقای سواد مالی، یک موضوع ملی است و هیچ بخشی به‌تنهایی نمی‌تواند این مسؤولیت را به شکل کامل به انجام برساند. از دیگر سو، قطعاً بدون مشارکت عمومی و بالای مردم در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور چرخ اقتصاد به گردش درخواهد آمد و اگر این حضور، آگاهانه و مبتنی بر دانش باشد مردم به طور خودکار و خودجوش راه‌حل مشکلات اقتصادی را خواهند یافت و از آن عبور خواهند کرد؛ بنابراین، در صورت وحدت رویه و هماهنگی دستگاه‌های مختلف اجرایی و سازمان‌های ذی‌ربط جنبش عظیم ارتقای سواد مالی، در فضای عمومی جامعه شکل می‌گیرد و در پی شکل‌گیری این بستر عمومی متعاقباً تقویت سیستم اقتصادی کشور و دستیابی به سیاست‌ها و شعارهای اقتصاد مقاومتی مقدور و تسهیل خواهد شد (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، 2015). تصمیم‌گیرندگان در بازارهای مالی نیازمند اطلاعات گوناگونی هستند تا بتوانند با استفاده از آن اطلاعات، بهینه‌ترین تصمیم را بگیرند. تصمیم‌گیری بهینه و صحیح، کارایی بازارهای مالی (تخصیص درست و به‌جای منابع) را در پی خواهد داشت که خود منجر به تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی می‌شود. از مهم‌ترین این تصمیم‌گیرندگان، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان هستند. آنها به اطلاعاتی نیاز دارند که براساس آن بتوانند در مورد خرید، نگهداری یا فروش سهام تصمیم‌گیری کنند. اعتباردهندگان علاقمند به اطلاعاتی هستند که براساس آن بتوانند توان واحد تجاری را در بازپرداخت به‌موقع اصل و فرع تسهیلات دریافتی ارزیابی کنند (مریم بهمنی و سعیده سادات نظام طاهری، 2020). به نظر می‌رسد این مسئله در آموزش نادرست این قبیل موارد در کودکی و نوجوانی افراد ریشه دارد. آیا محتوای درسی مدارس ابتدایی 15 سال پیش، مدارس راهنمایی 10 سال قبل و دبیرستان‌های 5 سال پیش، کودکان و نوجوانان دیروز را برای مواجهه با پیچیدگی‌های مالی دنیای امروز آماده کرده است؟ نوجوانان پس از اتمام دوره دبیرستان چقدر برای ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و مالی آمادگی دارند؟ چقدر با کارآفرینی و پیچیدگی‌های آن آشنا هستند؟ چقدر با بازاریابی و پیچیدگی‌های دنیای تبلیغات آشنایی دارند؟ آیا می‌توانند برنامه‌ریزی مالی خوبی برای خویش داشته باشند؟ سؤالاتی از این دست نشان می‌دهد نیاز به سنجش سواد مالی به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان و بررسی عوامل مؤثر بر آن، همچنین آموزش مفاهیم به این افراد از نیازهای اساسی کشور محسوب می‌شود؛ این در حالی است که در حال حاضر حتی ابزار مناسبی برای سنجش سواد مالی در کشور وجود ندارد (روشندل و همکاران، 2018). به نظر می‌رسد نقطه مناسب برای آغاز پژوهش در این حوزه ارائه الگویی مناسب برای سنجش سواد مالی در کشور باشد؛ زیرا در کشور ما الگویی مناسب برای این امر وجود ندارد و بدون اندازه‌گیری وضعیت فعلی سواد مالی در کشور، طرح هر ادعایی ذهنی و بدون پشتوانه خواهد بود. شایان ذکر است به سبب تفاوت‌های موجود بین ساختار مالی و اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و ایران، استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد این کشورها برای سنجش سواد مالی در کشور مناسب نیست؛ لذا هدف پژوهش حاضر، طرح مفهوم سواد مالی و تهیه ابزار مناسب برای سنجش آن در بین دانش‌آموزان با استفاده از نظر خبرگان مالی کشور و با کمک روش دلفی فازی است که در ادامه، ضمن ارائه پیشینه تحقیقات این حوزه، روش دلفی فازی نیز تبیین و در نهایت روش تحقیق و تجزیه و تحلیل نتایج ارائه خواهد شد. از آنجا که بررسی همه سطوح جامعه کاری، پرهزینه و زمان‌بر می‌باشد و از سوی دیگر استقرار نظام توسعه سواد مالی در رده‌های

سنی پایین‌تر، تضمین مناسب‌تری برای جامعه آینده خواهد بود؛ بررسی‌ها و ارائه الگویی کاربردی در این رده سنی لازم است و نتایج بلندمدت بهتری را به ارمغان خواهد آورد. بنابراین، با توجه به توسعه دانش مالی، تولید ابزارها و محصولات مالی نو، روش‌های جدید انجام معاملات مالی و افزایش روزافزون پیچیدگی‌های مالی در زندگی تک‌تک افراد جامعه و رشد سریع فناوری اطلاعات و قرار گرفتن حوزه مالی بر اسب سرکش فناوری اطلاعات از سوی دیگر، ارائه چارچوبی مناسب برای سنجش سواد مالی در جامعه و مدلی برای استقرار سواد مالی و توسعه آن از سطح متوسطه به‌طور مستمر بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین، با توجه به مطالب مطرح شده در فوق و به دلیل اهمیت مطالعه سنجش سطح سواد مالی در دانش‌آموزان و نقش آن در توسعه، پیشرفت یک جامعه، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از این که الگو و مدل مناسب برای استقرار و توسعه نظام سواد مالی در مدارس متوسطه شهر تهران چیست؟ شاخص‌های مناسب برای سنجش میزان سواد مالی در مدارس متوسطه شهر تهران چیست؟ در ارزیابی سواد مالی رتبه ابعاد سه‌گانه سواد مالی (نگرش مالی، رفتار مالی و دانش مالی) چگونه است؟ و آیا بین ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان با رشته تحصیلی آنان، با نوع شغل والدین، با تحصیلات والدین و نوع مدرسه رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

هر فرد از جامعه روزانه با موارد متعددی از تصمیم‌ها و انتخاب‌های اقتصادی در زمینه خرید، فروش، پس‌انداز، مصرف، سرمایه‌گذاری، تامین مالی و ... مواجه است. شریعت اسلامی با درک این مهم، آموزه‌هایی را در نحوه کسب و مصرف درآمد و روزی حلال، انجام صحیح کسب‌وکار، تجارت و معامله‌گری، شناخت حقوق اقتصادی و الزامات رعایت آن در قبال دیگران و مواردی از این دست را عرضه کرده است که می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد. بنابراین، با توجه به تحولات عصر جدید و وضعیت ایران در آمارهای جهانی، نظام آموزشی کشور نیازمند آنست که در اسرع وقت به تدوین و اجرای یک استراتژی ملی آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان و دانشجویان اقدام کند. همچنین، با توجه به ارزش‌های حاکم بر جامعه و نظام اسلامی و ظرفیت‌های مالی اسلامی نیاز است این استراتژی ملی آموزشی، مبتنی بر مؤلفه‌های سواد مالی اسلامی طراحی و پایه‌ریزی شود. در عصر جدید، فقدان سواد مالی و مهارت‌های مالی در میان جوانان، یکی از دغدغه‌های ملی کشورهای دنیاست و تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دبیرستان به شکل معمول در آزمون‌های ارزیابی سواد مالی امتیاز مناسبی کسب نمی‌کنند. از جمله عوارض پایین بودن سطح سواد مالی یک جامعه می‌توان به: 1- عدم‌استقبال مناسب از بازارهای مالی و ابزارهای جدید تأمین مالی 2- رشد نیافتن کارآفرینی، سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر و نوآوری‌های مالی متناسب با رشد جمعیت 3- افزایش هزینه‌های اقتصادی قابل‌اجتناب در حوزه تولید و مصرف 4- افزایش احتمال مورد سوءاستفاده مالی قرار گرفتن افراد و ... اشاره داشت که البته تأثیر سایر علل نهادی و زیرساختی نیز بر موارد فوق قابل چشم‌پوشی نیست. همچنین در آزمون‌های مرتبط با موضوعات تصمیم‌گیری در خصوص استقرار پس‌انداز سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده مالی خود دچار مشکل هستند. در یک تحقیق میدانی در سال 2008 توسط مؤسسه جامپ استارت یک مؤسسه ملی امریکایی می‌باشد نشان داد که میانگین نمره سواد مالی دانش‌آموزان ارشد در دبیرستان‌ها صرفاً 48/3 درصد می‌باشد و این امتیاز به میزان ده نمره کمتر از حدنصاب قبولی بود. همچنین این امتیاز در حداقل امتیازات حاصل از آزمون‌های هر شش ماه یک‌بار از سال 1998 به بعد می‌باشد (میرعرب رضی و همکاران، 2019). از سوی دیگر یک تحقیق ملی در نمونه‌ای از جوانان بالغ نشان داد که صرفاً 27 درصد از آنها مفاهیمی چون تورم ریسک، تنوع بهره ساده و نرخ مرکب را درک می‌نمایند و در همین راستا تحقیق دیگری در سال 2018 نتایج مشابهی در خصوص فقدان دانش مالی در میان دانشجویان دانشگاه‌ها را نشان داد (شیرازیان، 2018). رشد روزافزون اسناد تحقیقاتی مبنی بر این که سواد مالی با تصمیم‌گیری مالی بهتر شخصی همراه است نشان‌دهنده این حقیقت است که افرادی که سطح بالاتری از سواد مالی دارند در برنامه‌ریزی بازنشستگی عملکرد بهتری دارند و کمتر مستعد ابتلا به هزینه‌های اضافی هستند و بیشتر در بازارهای مالی شرکت می‌کنند با پرتفوی

متنوع تر (جان وی. دوکا و آنیل کومار، 2014)¹. سواد مالی همچنین به بازده بالاتر در حساب‌های سپرده و تمایل بالاتر برای برداشت سپرده از بانک‌های مضطرب مربوط می‌شود این تئوری از تجمع سواد مالی به عنوان یک انتخاب سرمایه انسانی درون‌زا استفاده می‌کند و اما تا حد زیادی در مورد ناهمگونی موجود در سهام اولیه، یعنی سطح سواد مالی هنگام ورود به بازار کار سکوت می‌کند (لوون بلو، پیتر گروتنبور و مارک بریمبل، 2014)². کارهای تجربی اخیر بر تجزیه و تحلیل مداخلات آموزش مالی برای جوانان و بزرگسالان متمرکز شده است اما باز هم، کار تجربی کمی در مورد برنامه‌های آموزش مالی وجود دارد. سواد مالی به عنوان موردی مهم در ستون نیازمندی‌های عصر جدید، ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، گرایش و رفتارهای مالی لازم برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و سرانجام دستیابی به وضعیت مساعد مالی فردی تعریف شده است (چونگ-هوآ شن، شیه-جی لین، دی-پیانو تانگ و یو-جن هسیائو، 2016)³. بنا بر آمار موجود در رده‌بندی کشورهای جهان از حیث سواد مالی افراد جامعه با غلبه درصدی مردان نسبت به زنان کشورهایی همچون کانادا، استرالیا، آمریکا و کشورهای اروپای غربی در رده‌های بالا و کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای همچون ایران در رده‌های پایین قرار دارند. میزان سواد مالی تأثیر بسیار مهمی بر تصمیم‌گیری در رابطه با ادامه تحصیل دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که جوانان فاقد سواد مالی و همچنین فاقد حساب پس‌انداز تمایل کمتری به ادامه تحصیل دارند و همچنین این فقدان سواد مالی باعث افزایش هزینه‌های هدایت و راهبری دانش‌آموزان در خصوص تصمیمات مالی آنها دارد. آمار نشان می‌دهد میزان بدهی وام دانشجویان در سال‌های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده است و به طوری که این مبلغ از رقم 340 بلیون دلار در سال 2001 به تقریباً رقم 1.43 تریلیون دلار در پایان سال 2017 رسیده است (میرعرب رضی و همکاران، 2019). ایالات متحده قوانینی را وضع کرده است تا سلامت اقتصادی شهروندان خود را از طریق وضع سیاست‌های توسعه سواد مالی بهبود بخشد. در این راستا آموزش سواد عمومی قبل از فارغ‌التحصیلی در دبیرستان می‌تواند نقش بسیار مهمی در توسعه سواد مالی و ارتقای تصمیمات مالی صحیح ایفا کند. متأسفانه هنوز بخش اعظم آموزش مالی و تلاش‌های مربوط بر دانشجویان دانشگاه‌ها و بزرگسالان متمرکز است. این تلاش‌ها معمولاً به جای آنکه کنشگر باشد انفعالی است و احتمالاً با یک تأخیر بسیار زیاد اتفاق خواهد افتاد. در مقابل آموزش‌های زود هنگام و در خلال سال‌های دبیرستان می‌تواند اهداف بهتری را قبل از آنکه مشکلات مالی رخ دهد و رفتارهای منفی و مخرب ناشی از فقدان سواد مالی در افراد بروز کند حاصل نماید (آگوس زینول عاریفین، 2018)⁴. امروز به لحاظ پیچیدگی محیط‌های تجاری جدید و تنوع خدمات و محصولات ارائه شده توسط مؤسسات اعتباری، کسب رفاه مالی، مستلزم درک مناسب مباحث و مسائل مالی است. این نیاز از مدت‌ها قبل در اغلب جوامع مدرن درک شده و از سال‌های اولیه دهه 90 میلادی تحت عناوینی نظیر سواد مالی و مالیه شخصی مطرح گردیده و با گذشت زمان به اهمیت آن افزوده شده است، به گونه‌ای که امروزه مفاهیم مرتبط با آن در کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستان‌ها و رشته‌های مختلف دانشگاهی تلقی می‌گردد. در این کشورها بنیادهای غیرانتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد مالی را عهده‌دار هستند و با انجام آزمون‌های متعدد به اندازه‌گیری پیشرفت سواد مالی در کشور خود می‌پردازند. در سال‌های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردم‌شان کرده‌اند. این توجهات توسط بحران‌های مالی برجسته می‌گردد؛ زیرا فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی بیمارگونه کمک می‌کند و این تصمیمات به‌نوبه خود تأثیر بسیاری بر تشدید بحران‌ها دارد؛ لذا در حال حاضر سواد مالی به عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی در سراسر جهان شناخته می‌شود (میرعرب رضی و همکاران، 2019). همچنین، اخیراً افزایش علاقه در ارزیابی سواد مالی سرمایه‌گذاران فردی وجود داشته است و حال آن که بعضاً گزارش نگران‌کننده‌ای از سطح پایین سواد

¹ John V. Duca & Anil Kumar, 2014

² Levon Blue, Peter Grootenboer & Mark Brimble, 2014

³ Chung-Hua Shen, Shih-Jie Lin, De-Piao Tang & Yu-Jen Hsiao, 2016

⁴ Agus Zainul Arifin, 2018

مالی ارائه کرده‌اند (آنی کارولین گریگیون پوتریچ، کلمارا مندس ویرا و وسلی مندس -دا-سیلوا، 2016)¹. حقیقتاً، پس از بحران مالی جهانی بین سال‌های 2007-2009، تمرکز عمده‌ای بر آموزش سواد مالی در سراسر جهان پدید آمده است. پس از طرح این موضوع، مبحث سواد مالی مبدل به یک موضوع بسیار مهم تحقیقاتی شد، به‌طوری که ابتدا در کشورهای انگلستان و آمریکا و متعاقب آن در سایر کشورها از جمله استرالیا، هلند، ایتالیا، مالزی و ... مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. تأیید این مدعا تعداد زیادی از مطالعات در این حوزه و اجرای برنامه‌های آموزشی متعدد در راستای ارتقای سواد مالی در کشورهای مختلف به‌ویژه آمریکاست، به نحوی که تقریباً اغلب ایالت‌های این کشور سر فصل مصوب سواد مالی داشته و علاوه بر آن مجمعی به نام جامپ استارت در آمریکا وظیفه توسعه و بهبود سواد مالی را به عهده گرفته و هر سال یک‌بار نسبت به انجام آزمون ادواری سواد مالی و گزارش نتایج آن اقدام می‌نماید (قالق و همکاران، 2016). با ورود به قرن بیست‌ویک، تعریف بسیاری از مفاهیم تغییر پیدا کرده است. برای مثال سواد دیگر همان معنی قدیمی توانایی خواندن و نوشتن را ندارد تا جایی که، پژوهشگران موفق به معرفی بیش از 34 نوع سواد مفید و مدرن شده‌اند که سواد مالی و اقتصادی با معنای مصطلح آن، تنها یکی از آنها محسوب می‌شود. بر این اساس همه افراد از همه نسل‌ها نیاز به بازآموزی و سوادآموزی از نوع جدید دارند که سواد مالی و اقتصادی هم جزو آنهاست. مفاهیم مرتبط با سواد مالی، تحت عنوان مالیه شخصی نیز مطرح می‌گردد. مالیه شخصی عبارتست از مطالعه منابع با اهمیت در دستیابی شخص و خانوار به موفقیت مالی. مهم‌ترین موضوعات در مالیه شخصی شامل مدیریت مالیات، بودجه‌ریزی، مدیریت نقدینگی، استفاده از کارتهای اعتباری، استقراض، مخارج با اهمیت، مدیریت ریسک، سرمایه‌گذاری‌ها، طرح‌های بازنشستگی و طرح خرید مسکن و املاک می‌باشد (بویکه رودی پورنومو، 2019)². در انگلستان نیز مفاهیم مالیه شخصی به عنوان بخشی از برنامه آموزشی ملی مدنظر قرار گرفته و در استانداردهای آموزش ملی وارد شده است و همچنین، بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان سواد مالی را به عنوان توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن تعریف کرده است (مایکل پی. کامرون، ریچارد کالدرود، اشلای کاکس، استیون لیم و میچیو یاماوکا، 2014)³. سواد مالی، از دیدگاه صرفاً پولی، به معنای توانایی قضاوت آگاهانه و اقدامات مؤثر در خصوص استفاده فعلی و آینده‌ی منابع مالی و مدیریت پول تعریف می‌گردد. همچنین سواد مالی می‌تواند به عنوان ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، نگرش و رفتار لازم برای تصمیم‌گیری‌های مالی جهت نیل به رفاه مالی فرد در نظر گرفته شود (کامرون و همکاران، 2014). به طور معمول، مطالعات نشان می‌دهد که حتی در کشورهای پیشرفته، هنوز در میان عموم مردم سواد مالی وجود ندارد (شن و همکاران، 2016).

در اهمیت بهبود سواد سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مالی می‌نویسد که مشتریان برخوردار از آموزش‌های مالی به‌طور فزاینده‌ای به کارایی بازارهای مالی پیچیده، یاری می‌رسانند. توانایی هر چه بیشتر چنین مشتریانی در ارزیابی و مقایسه ویژگی‌های ریسک بازده محصولات مالی مختلف (به علاوه هزینه‌های مختلف آنها) که توسط واسطه‌های مالی متعدد عرضه می‌شود، به ارتقای رقابت در بازارهای مالی منجر می‌شود، (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، 2017) معتقد است که اگر افراد از لحاظ مالی باسواد نباشند قادر نخواهند بود که پس‌انداز یا طرح سرمایه‌گذاری مناسبی برای خودشان انتخاب کنند و ممکن است که در معرض ریسک کلاهبرداری قرار بگیرند؛ اما اگر افراد از نظر مالی آموزش ببینند، محتمل‌تر خواهد بود که پس‌اندازی داشته و عرضه‌کنندگان خدمات مالی را مجاب به توسعه محصولاتی کنند که تناسب بیشتری با نیازهایشان دارد. این موضوع هم بر سطح سرمایه‌گذاری و هم رشد اقتصادی آثار مثبتی دارد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، 2017). شایان ذکر است که امروزه درک مفاهیم و مهارت‌های مرتبط با سواد مالی به سبب این که مصرف‌کننده را برای بقا در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی

¹ Ani Caroline Grigion Potrich, Kelmara Mendes Vieira & Wesley Mendes-Da-Silva, 2016

² Boyke Rudy Purnomo, 2019

³ Michael P. Cameron, Richard Calderwood, Ashleigh Cox, Steven Lim & Michio Yamaoka, 2014

موجود، توانا می‌سازد، ضروری است و بی‌سواد مالی مشکلات بسیار زیادی را به همراه داشته باشد. از نظر اقتصاددانان، در بازار آزاد تنوریک: 1. تقارن اطلاعاتی وجود دارد؛ 2. هیچ بازیگر یا مشارکت‌کننده‌ای در بازار توان قیمت‌گذاری ندارد، همه قیمت‌پذیرند؛ 3. مانعی برای ورود یا خروج از بازار وجود ندارد؛ 4. دسترسی برابر به فناوری تولید وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که بی‌سواد مالی مشارکت‌کنندگان در انواع بازارها و به خصوص بازارهای مالی شرط تقارن اطلاعاتی را نقض می‌کند و می‌تواند عملکرد آن بازارها را تحت شعاع قرار دهد. بنابراین، موضوع سواد مالی مشارکت‌کنندگان فعلی یا بالقوه یکی از مسائل اصلی در عملکرد بهینه و کارای بازارهای مالی است. سیاست‌گذارانی که براساس تئوری های اقتصاد بازار، سعی در توسعه بازارهای مالی دارند باید از پیش بدانند که کمترین سطح سواد مالی لازم برای افرادی که قرار است در بازارهای مالی مد نظر آنها مشارکت کنند باید چه میزان باشد تا اهداف مد نظر تحقق یابد و نیز باید ارزیابی درستی از سطح سواد مالی مشارکت‌کنندگان در بازارهای مالی داشته باشند (سعید اسلامی بیدگلی و میثم کریم خانی، 2016). در دنیای امروز اقتصاد جهان چنان پیچیده شده است که شکاف میان آنچه مردم از اقتصاد و سرمایه‌گذاری می‌دانند و آنچه باید بدانند، روزبه‌روز در حال افزایش است. براین اساس، یکی از نیازهای ضروری که با زندگی روزمره شهروندان یک کشور آمیخته است و باید به طور جدی در سطوح مختلف تحصیلی به آن پرداخته شود، آموزش‌های مربوط به سواد مالی و اقتصادی است. سواد مالی و درک مفاهیم آن برای دانش آموزان و دانشجویان نیز اهمیت ویژه دارد؛ زیرا تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط آنها در دوره دانشجویی تأثیر بالاهمیتی بر وضعیت مالی آنها پس از فارغ‌التحصیلی از مدرسه و دانشگاه دارد. علاوه بر این موقعیت مالی آنها در مدرسه و دانشگاه می‌تواند عملکرد درسی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. بدیهی است آموزش سواد مالی در دنیا به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد. در روش مستقیم در زمان مشخص، محتوای از پیش تعریف‌شده‌ای به مخاطب منتقل می‌شود و در روش دوم مباحث در خلال درس‌های دیگر و به صورت مثال‌ها یا شواهد مربوط به آنها آموزش داده می‌شود. هر یک از این روش‌ها در جای خود می‌تواند به ارتقای سواد مالی بینجامد؛ با این حال هیچ‌یک جایگزین کاملی برای دیگری نیست (روشندل و همکاران، 2018). از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی جهانی عبارتند از: حفظ و توسعه ثروت فردی و جامعه و موضوع معیشت فردی و دانش قوانین کسب‌وکار، پرهیز از بطلالت و بیکاری؛ داشتن روحیه کارآفرینی، پرهیز از اسراف و تبذیر و توجه به تحول در مشاغل و حرفه‌ها، خوشبختانه آموزش و پرورش ما نیز توجه به این مقوله مهم در ساحت اقتصادی سند تحول بنیادین توجه کرده است. با این حال، حوزه تربیت اقتصادی در دوره متوسطه هم‌اکنون از مهم‌ترین محورهای مغفول در کتاب‌های درسی به شمار می‌رود و به عبارت دیگر آموزش و پرورش متوسطه نتوانسته مفاهیم پیچیده اقتصادی امروز را با مفهوم‌پردازی‌های مناسب به مدرسه منتقل کند تا نسل آینده برای مواجهه با مشکلاتش، بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی تربیت شود (زهره موسی زاده، فائزه عظیم زاده اردبیلی و فاطمه صنعتی، 2015). حتی کودک پیش‌دستانی، در سال‌های نخستین تحصیل نیازمند این است که بداند کارکردن بارزش و امری است لذت‌بخش، مقدس و ثمره کار، درآمد است. تربیت اقتصادی تمام مهارت‌ها و توانمندی‌هایی را دربرمی‌گیرد که بر دانش اقتصاد متمرکز است و شامل محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، ارزیابی این روش‌ها و به طور کلی اطلاعات اقتصادی عمومی است که از دوره ابتدایی تا پایان دبیرستان، معلمان باید به آن توجه کنند و ضرورت دارد که دانش‌آموزان به آن‌ها دست یابند (عادل پیغامی و وحید تورانی، 2011). (ویلیام بکر، ویلیام گرین و شروین روزن، 1990)¹ در پژوهش خود با عنوان «سواد اقتصادی در مدارس متوسطه» نشان داد که 49/5 درصد از دانش‌آموزان از کمکی که مدارس برای رشد آگاهی‌های اقتصادی آن‌ها داشته اظهار رضایت نداشته‌اند و تنها 20 درصد از آن‌ها اعلام کردند که درس‌هایی پراکنده در رابطه با تربیت اقتصادی در طول سال تحصیلی گذرانده‌اند. نتایج مصاحبه آن‌ها نیز نشان داد که سطح علائق و دانش دانش‌آموزان، همبستگی قوی با آن چه در برنامه‌های درسی ارائه می‌شود دارد. همچنین در پژوهش خود با عنوان «نقش برنامه درسی اقتصاد در

¹ William Becker, William Greene & Sherwin Rosen, 1990

برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا» با استفاده از روش کیفی نشان دادند که نهادهای تصمیم‌ساز کلان و راهبردی کشور نمی‌توانند نسبت به رفتارسازی و فرهنگ‌سازی اقتصادی ایرانیان مبتنی بر ابعاد اسلامی ایرانی بی‌توجه باشند؛ لذا ضروری است تا نسبت به برنامه‌های درسی مغفولی چون اقتصاد در برنامه درسی ملی به‌طور ویژه اهتمام ورزند (غلامعلی احمدی، سیدمحمدرضا امام جمعه و لیلا عزیزاده کتنلوی، 2015). در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» به روش تحلیل محتوا نشان دادند که میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی متفاوت است؛ ضمناً به مؤلفه‌های سواد اقتصادی بیشتر از سواد مالی پرداخته شده است (اسلامی بیدگلی و کریم خانی، 2016). در پژوهشی تحت عنوان «سواد مالی؛ زمینه‌های سیاسی - اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار» به واشکافی و فهم ابعاد مختلف سواد مالی پرداخته‌اند و آن را مولود عصر مالی‌سازی می‌دانند. این پژوهش سواد مالی را در زمینه‌های نئولیبرالیسم، توضیح داده است. در پژوهش خود نشان دادند که باید بر مبنای سه مؤلفه هدف، ابزار و آسیب شناسی؛ استنباط‌های تربیتی انجام گیرد تا اهداف آموزشی در سطوح شناختی، نگرشی و توانشی بر اساس آیات قرآن در حوزه تربیت اقتصادی تدوین شود و مورد استفاده آموزش و پرورش قرار گیرد (زهره موسی زاده، فائزه عظیم زاده اردبیلی و فاطمه صنعتی، 2016). (صیاد سامه آیلار، فرهاد روزی جوکورعباسلو و رضا روزی جو، 2015) در پژوهش خود نشان دادند که می‌توان با ارائه متون اقتصادی به دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای مناسب تربیت، نظیر خدمت به کشور و تلاش برای ساختن اقتصاد ملی و اسلامی در دانش‌آموزان شوق و انگیزه اقتصادی لازم را ایجاد کرد. (عفت آدم زاده، فاطمه آدم زاده و فتاح دروگریان، 2008) در پژوهش خود نشان دادند که کارآفرینی را می‌توان به عنوان موضوعی بین رشته‌ای آموزش داد. آن چه در دنیای امروز، کارآفرینی را دامن زده و مورد توجه محققان قرار داده است، نگرانی مدیریت اقتصادی کشورها و سیاست‌مداران در رابطه با اشتغال و مشکل بیکاری است که به‌طور فزاینده‌ای تفکر خود اشتغالی را به‌عنوان راه‌حل مورد توجه آن‌ها قرار داده است. این مطالعه نشان داد رشد و توسعه کارآفرینی در دوران مدرسه می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کند. ژيرو¹ در پژوهش خود در سال (2009) بیان کرد که معلم را باید به عنوان روشن فکر و اندیشمندی نگریست که به نوعی تفکر اشتغال دارد. معلم را نباید فقط به عنوان مجری نگریست که از لحاظ حرفه و تخصص مجهز شده است تا اهداف را تحقق بخشد، بلکه آن‌ها متخصصانی هستند که با تلاش خود آینده‌ای روشن را برای کشور رقم می‌زنند. (جورج ال باچ و فیلیپ ساندرز، 1965)² در پژوهش خود نشان داد که نگرش‌های اقتصادی دانش‌آموزان در مدارس متوسطه پکن مطلوب است. با این وجود، فراگیران هنوز فاقد دانش و مهارت‌های تربیت اقتصادی بودند. در تحقیقی با عنوان میزان توجه به ویژگی‌های تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در اسپانیا نشان داد که برنامه درسی در بعد شناختی به میزان 20/10 درصد، بعد عملکردی به میزان 6/10 درصد و بعد نگرشی به میزان 3/15 درصد به ویژگی‌های تربیت اقتصادی توجه شده است که این موضوع بیانگر کم‌توجهی به این مؤلفه‌هاست. (لی -رونگ لیلی چنگ، 2007)³ در پژوهشی تحت عنوان نقش معلم در رابطه با فعالیت‌های تربیتی - اقتصادی دانش‌آموزان نشان داد که معلم نقش مهم‌تری نسبت به سایر عوامل در تربیت اقتصادی دارد لذا معلم می‌تواند با تقویت روحیه کسب و کار و قدرت تفکر در فراگیران به انتخاب شیوه‌های درست و تربیت اقتصادی کمک کند. (لنی نوویانی، بودی اکو سوئتجیپتو و محمد سابندی، 2015)⁴ در تحقیق خود با عنوان اثربخشی آموزش تربیت اقتصادی بر روی دانش‌آموزان پیش دبستانی نتیجه گرفت که دانش‌آموزان دارا و بی‌بهره از برنامه در تربیت اقتصادی، تفاوت معناداری با یکدیگر در حوزه اقدام و عمل

¹ Zhiro² George L Bach & Phillip Saunders, 1965³ Li-Rong Lilly Cheng, 2007⁴ Leny Noviani, Budi Eko Soetjipto & Muhammad Sabandi, 2015

اقتصادی دارند. (میکا سیار میریزا، 2015)¹ در پژوهشی با عنوان جایگاه آموزش اقتصاد در دروس ریاضی و فیزیک دبیرستان به این نتیجه رسید که این دروس می‌توانند به تربیت توانایی و تفکر اقتصادی کمک کنند. (چانچالا پاندی و اس بی باتاچاریا، 2012)² در پژوهشی با عنوان «سواد اقتصادی معلمان متوسطه در هندوستان» نشان دادند که معلمان دوره متوسطه، در سطح پایین سواد مالی هستند. سطح سواد اقتصادی در بین دو جنس و مدارس، متفاوت بود. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که مسائل و مشکلات مالی و فشارهای اقتصادی که طبعاً بخشی از آن ناشی از ناکافی بودن سواد مالی افراد است می‌تواند با ناهنجاری‌های ذیل رابطه داشته باشد (احمد یعقوب نژاد، هاشم نیکومرام و محمود معین الدین، 2011). 1- خصومت‌های خانوادگی 2- رفتارهای تند و خشن والدین 3- کاهش توان جوانان برای مقابله با مشکلات و مسائل روزمره زندگی 4- افزایش رفتارهای نابهنجار در سطح جامعه 5- اعتیاد به مشروبات الکلی 6- بروز رفتارهای شرارت‌آمیز (شیرازیان، 2018). در پژوهشی که در این زمینه انجام داده‌اند یک‌سوم دانشجویان اعلام کردند که وضعیت مالی آنها بر توانایی آنها برای تکمیل دوره دانشگاهی تأثیر داشته است. بنابراین با توجه به این که سواد مالی در نهایت منجر به رفاه مالی بلندمدت، ارتقای رفاه مالی شهروندان هر جامعه و توانمندسازی آنان در زندگی اقتصادی است؛ پس توجه نظام‌های آموزشی و برنامه‌ریزان درسی، به اهمیت سواد مالی در سیستم آموزشی، بسیار ضروری است. به علاوه، دلایل زیادی برای این که مردم اقتصاد را مطالعه و بررسی کنند وجود دارد. اما مهم‌ترین دلیل آن این است که آراء و نظریات اقتصادی از هر جهت در زندگی افراد برای حل حادترین مسائل یعنی مشکلات اقتصادی تأثیر دارد؛ خواه که این مردم آن را آگاهانه شرکت کرده باشند یا خیر. به‌طور واضح می‌توان گفت مشکلی وجود ندارد که مجزا از اقتصاد به نظر آید (میرعرب رضی و همکاران، 2019). تحقیقی توسط (قالمق و همکاران، 2016) در خصوص چگونگی سنجش سطح سواد مالی دانشجویان صورت پذیرفته است و نتیجه آن استخراج پرسشنامه‌ای قابل اتکا و بومی جهت سنجش سواد مالی می‌باشد. آنها می‌گویند: با توجه به اینکه سؤالات منتخب، حاصل اتفاق نظر و خرد جمعی تعدادی از اساتید برتر حوزه حسابداری و مالی در کشور می‌باشد که اغلب حائز رتبه استادی و دانشیاری هستند، لذا به نظر می‌رسد می‌توان پرسشنامه حاصل را برای سنجش سواد مالی دانشجویان، به عنوان یکی از اقشار پرجمعیت و بااهمیت کشور به کار برد و نقاط ضعف و قوت آنها را سنجید و در راستای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف اقدام نمود و پیشنهاد می‌دهند برخی از پژوهش‌های آتی به تهیه ابزار مناسب سنجش سواد مالی در بین سایر اقشار جامعه از جمله دبیرستانی‌ها، کارگران و کارمندان و ... اختصاص یابد. در کشور ما متأسفانه تاکنون به مسئله سواد مالی و آموزش آن به کودکان توجه جدی نشده است. وجود پرونده‌های فراوان مربوط به دعاوی مالی و اقتصادی دادگاه‌ها در ایران، تجربیات سرمایه‌گذاری همراه با شکست در موسسه‌های مالی و اعتباری غیر رسمی، نقش پررنگ مشکلات مالی و اقتصادی در مسائل اجتماعی مانند طلاق و مثال‌های زیادی از این دست نشان از ضعف سطح سواد مالی ایرانیان دارد. بررسی چرایی این آمار نگران‌کننده از دغدغه‌های اصلی مسئولان به شمار می‌رود. این بررسی نیازمند ریشه‌یابی موشکافانه موضوع است.

مروری بر ادبیات پژوهشی

سواد مالی از جنبه‌های مختلف، مطالعه شده است. نهادهای دولتی و سازمان‌های خصوصی در کشورهای توسعه‌یافته نظرسنجی‌هایی را برای اندازه‌گیری سطح سواد مالی از جامعه انجام داده‌اند (رحمانی نوروزآباد و محمدی، 2019). به بررسی پیامدهای سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. در این پژوهش میدانی، به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش سرمایه‌گذاران حقیقی در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و از این جامعه آماری، 344 نفر از سرمایه‌گذاران به‌طور تصادفی ساده در دسترس

¹ Mica Siar Meiriza, 2015

² Chanchala Pandey & SB Bhattacharya, 2012

و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار LISREL استفاده گردیده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که تأثیر نگرش مالی و رفتار مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران مثبت و معنادار است. همچنین تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سرمایه‌گذاری دارد (رحمانی نوروزآباد و محمدی، 2019). در یک پژوهش به بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. یافته‌های این مطالعه مؤید تأثیر مثبت و معنادار سواد مالی و مدیریت پول و مؤلفه‌هایشان بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. شواهد هیچ تأثیر غیرمستقیمی را نشان نداد؛ زیرا در نرم‌افزار اسمارت پی ال اس تأثیرها به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تفکیک می‌شوند (شیرازیان، 2018). در پژوهشی تحت عنوان «تعاملات سواد مالی، احساسات سرمایه‌گذاران، ادراک ریسک و تمایل به سرمایه‌گذاری» نشان دادند که برخلاف مطالعات قبلی، شواهدی در مورد تأثیر سواد مالی بر ادراک ریسک سرمایه‌گذاران در ایران مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، سواد مالی، ادراک ریسک و احساسات به‌صورت جمعی و به‌طور قابل‌توجهی بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، شواهدی نیز از تأثیر خاص جنسیت پیدا کردند (رستمی نوروزآباد، 1397). در پژوهشی، تأثیر میزان دسترسی به منابع تأمین مالی بر عملکرد مالی با در نظر داشتن نقش سواد مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در شرکت‌های پذیرفته‌شده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران را ارزیابی و بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد سواد مالی در رابطه دسترسی داشتن به منابع تأمین مالی بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام، نقش تعدیل‌گر دارد (میرعرب رضی و همکاران، 2019). در مطالعه خود با عنوان «سواد مالی و ضرورت سنجش آن در نظام نوین آموزشی؛ مطالعه موردی شهرستان شهرضا» به معرفی جایگاه سواد مالی در نظام نوین آموزشی دنیا و سنجش و بررسی عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان شهرضا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از 154 امتیاز ممکن در پرسش‌نامه، میانگین نمره سواد مالی دانش‌آموزان 90 است که نشان‌دهنده ناچیز بودن سواد مالی در بین دانش‌آموزان این مقطع است. همچنین از بین متغیرهای بررسی‌شده، نمره ریاضی دانش‌آموز، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، سطح تحصیلات و اشتغال مادر در سطح اطمینان 95 درصد بر سطح سواد مالی دانش‌آموز تأثیرگذار بوده است. پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معنادار آماری بین سواد مالی دانش‌آموزان پسر و دختر وجود ندارد. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد اگر تصمیم بر قراردادن مفاهیم مالی در فصل‌هایی از کتاب‌های دانش‌آموزان است، رابطه میان مفاهیم درس ریاضی و مفاهیم مالی مثبت بوده است؛ پس می‌توان مفاهیم مالی را به سرفصل‌های درس ریاضی اضافه کرد (روشندل و همکاران، 2018). در پژوهشی با عنوان «رابطه بین سواد مالی و خودکارآمدی مالی» به بررسی این رابطه در جامعه دانشجویان ترکیه پرداخته‌اند. اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج حاصل نشان می‌دهد که سواد مالی به‌تنهایی تأثیری بر خودکارآمدی مالی ندارد گرچه وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر اثبات می‌گردد (دیلک دمیرهان، او بابکان، آر آردوگان و سی دی تاتارلار، 2019)¹. کلاتتو نگاوی² در پژوهشی در سال (2019) به چگونگی کارکرد سواد مالی در بهبود ثبات و پایداری در SMEs پرداخته‌اند. برای این کار نمونه مورد آزمون 291 مدیر مالی یا معاون مالی تعیین شده است. با استفاده از مدل معادلات ساختاری مشخص گردید که بین سواد مالی با شاخص‌های دسترسی به منابع مالی و نگرش ریسک مالی رابطه مستقیم وجود دارد. سواد مالی همچنین می‌تواند به‌عنوان یک تخمین‌زننده برای منابع مالی و نگرش ریسک مالی عمل کند. در پژوهشی با عنوان «گرایش‌های هنری، سواد مالی و عملکرد کارآفرینانه» به آزمون وجود رابطه بین گرایش‌های هنری و عملکرد کارآفرینانه و چگونگی اثر منابع کارآفرینانه همچون سواد مالی بر این رابطه

¹ Dilek Demirhan, O Babacan, R Ardogan & CD Tatarlar, 2019² Clanto Negavi

می‌پردازد. داده‌ها از نمونه مورد آزمون شامل 375 کسب و کار کوچک در اندونزی جمع‌آوری و با استفاده از رگرسیون خطی سلسله‌مراتبی تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان‌دهنده همبستگی میان گرایش‌های هنری، سواد مالی، گرایش‌های کارآفرینی با عملکرد کارآفرینانه است. همچنین نشان می‌دهد که گرایش‌های هنری بر عملکرد مالی و غیرمالی بنگاه اثرگذار است. به‌طور کل گرایش‌های هنری و سواد مالی تأثیر مثبتی بر عملکرد کلی و خلاقیت‌های مخاطره‌آمیز دارند (اناستازیا درایو، ملانی لورمن و یواخیم وینتر، 2016)¹. (پائولا بونجینی، پائولا ایانلو، امانوئلا ای. رینالدی، ماریانجلا زنگا و الساندرو آنتونییتی، 2018)² در پژوهشی با عنوان «چالش‌های ارزیابی سواد مالی» به ارزیابی سواد مالی در جامعه بزرگسالان ایتالیا از طریق متدهای تحلیل داده‌های جایگزین پرداخته‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که متدهای تحلیل داده‌های جایگزین نقش بسیار مهمی در ارزیابی سواد مالی ایفا می‌کنند. پیشنهاد می‌کنند که پژوهش در سواد مالی باید دروازه‌هایش را به سوی رویکردهای چندگانه و جایگزین باز کند تا بتواند شاخص‌های قابل اتکایی را برای تعیین نیازهای آموزشی گروه‌های مختلف جمعیتی به‌وجود آورد و کمک شایانی به طراحی برنامه‌های آموزش سواد مالی نماید. هاموند در پژوهشی در سال (1395) به بازنگری برنامه‌ها و سیاست‌های آموزش سواد مالی جوانان در مقیاسی وسیع در ایالات متحده پرداخته‌اند. آنها می‌گویند گرچه پیشرفت‌های زیادی در سطح ایالتی نسبت به دهه‌های گذشته در توسعه سواد مالی صورت گرفته است اما تعداد زیادی از ایالت‌ها هنوز الزامات سواد مالی کافی را ندارند و اقدامات سایر ایالت‌ها نیز با احکام و مقررات ضعیف به شدت غیرمؤثر است. همچنین در برنامه‌های غیرانتفاعی با ارزیابی‌های سخت، برای مطمئن شدن از اینکه خدمات دریافتی با نیازهای دانش آموزان مطابقت داشته است اقدامات زیادی قابل اجرا نیست. محققان، آموزش‌دهندگان، مشارکت‌کنندگان و سیاست‌گذاران باید در جهت پرکردن این خلاء در ایالات متحده از طریق انجام اقدامات شایسته کوشش نمایند تا آینده مالی بهتری برای افراد و کل کشور ایجاد گردد. (عاریفین، 2018) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر رضایت مالی با رفتار مالی به عنوان متغیر مداخله بر نیروی کار منطقه جاکارتا پرداخته‌اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر سواد مالی و نگرش مالی نسبت به رضایت مالی با رفتار مالی به عنوان متغیر میانجی است. این پژوهش بر نمونه‌ای از نیروی کار در جاکارتا، اندونزی انجام شد. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند است. نمونه از طریق انتشار پرسش‌نامه به کارکنان به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق آنلاین و از طریق بخش پرسشنامه گوگل بوده که 450 نفر به آن پاسخ داده‌اند. داده با استفاده از SmartPLS 3.0 پردازش شده‌اند. نتیجه نشان می‌دهد که 1- سواد مالی و نگرش مالی تأثیر مثبتی بر رفتار مالی دارد. 2- سواد مالی، نگرش مالی، تأثیر مثبتی بر رفتار مالی دارند. 3- رفتار مالی، رابط بین دانش مالی و نگرش مالی نسبت به رضایت مالی است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی و از جهت داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده از نوع ترکیبی (آمیخته) اکتشافی است. پژوهش‌های ترکیبی، پژوهش‌هایی هستند که با استفاده از ترکیب دو مجموعه تحقیق کمی و کیفی به انجام می‌رسند و شواهد بیشتری برای درک بهتر پدیده‌ها به دست می‌دهند و محدودیت طرح‌های تحقیق کمی و تحقیق کیفی را از میان بر می‌دارند و روش مصاحبه به کار گرفته شده است. جامعه آماری این بخش از تحقیق دانش آموزان سال سوم دوره دوم متوسطه مدارس شهر تهران بود. با توجه به این که دانش آموزان سال آخر در شرف ورود به بازار کار، استقلال مادی و اجتماعی، ادامه تحصیل در دانشگاه و یا تشکیل خانواده بودند، با توجه به این موارد، تعداد عضو 15 نفر بصورت قضاوتی تعیین می‌گردد. در این مرحله با استفاده از دیدگاه خبرگان و مؤلفه‌های استخراج شده در مرحله قبلی یک پرسشنامه ی تهیه گردید و در اختیار جامعه آماری دوم که شامل دانش آموزان سال

¹ Anastasia Driva, Melanie Luhrmann & Joachim Winter, 2016

² Paola Bongini, Paola Iannello, Emanuela E. Rinaldi, Mariangela Zenga & Alessandro Antonietti, 2018

سوم دوره دوم متوسطه مدارس شهر تهران بودند، قرار داده شد. در نمودار زیر فرآیند تهیه و استخراج پرسشنامه مناسب و بومی، نمونه موردنظر به صورت شماتیک نشان داده شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SPSS25 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش نشان داد که 61/53 درصد از پاسخگویان مرد و 38/46 درصد زن می‌باشند و همچنین تعداد 2 نفر معادل 7 درصد مدرک دکتری مالی، تعداد 3 نفر معادل 26 درصد مدرک دکتری اقتصاد و تعداد 10 نفر معادل 67 درصد مدرک دکتری حسابداری بود. در بخش جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه با توجه به تجزیه و تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده، 3 مقوله اصلی و 41 مقوله فرعی دسته‌بندی شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف آموزش و پرورش، تربیت جامع انسان است و تربیت جامع و مانع همواره در نظام‌های آموزشی هدف بوده است؛ به این دلیل برنامه‌ریزان درسی همواره باید تلاش خود را به سمت این هدف غایی سوق دهند. در این میان، خواندناخواه برخی از موضوعات کاربردی تربیتی و زیستی از نظرها دور مانده است. سواد مالی و آموزش آن از جمله آنهاست. یادگیری مهارت‌های مربوط به سواد مالی در دوران کودکی، مزایای زیادی در درازمدت خواهد داشت.

جدول 1. استخراج مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه

نگرش مالی	رفتار مالی	دانش مالی
کسورات دستمزد و خالص دریافتی، میزان پوشش خسارت بیمه‌های خودرو (بدنه و شخص ثالث، نبود بیمه کامل) تأمین اجتماعی، شناخت اهداف موردنظر پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی، تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر نحوه پس‌انداز، استفاده از بدهی جهت حفظ قدرت خرید در شرایط تورمی، شناخت منابع عمده درآمدی در سنین مختلف، تأثیر سرمایه‌گذاری در سنین مختلف، راهکارها و روش‌های کاهش ریسک در هنگام سرمایه‌گذاری، وب در بورس محاسبه سودوزیان سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت کم‌ریسک، تأثیر تورم بر انتخاب نرخ بازده مورد نیاز، تأثیر بهره مرکب بر مانده پس‌انداز، سرمایه‌گذاری در بورس برای افراد فاقد دانش لازم	سپرده‌گذاری بلندمدت وجوه مازاد، درک معافیت پایه مالیاتی دستمزد، شناخت کارت‌های اعتباری، مشکلات محتوایی، نبود معلم‌هایی با توانمندی دانش اقتصادی لازم، کمبود بودجه تخصیص‌یافته در زمینه آموزش سواد مالی در مدارس، روش و نحوه اخذ مالیات بر ارزش افزوده پس‌انداز کوتاه‌مدت وجوه، تأثیر تورم بر اقشار مختلف جامعه، تأثیر سرمایه‌گذاری در سنین مختلف راهکار کاهش ریسک در هنگام سرمایه‌گذاری در بورس، شناخت منابع عمده درآمدی در سنین مختلف، مالیات حقوق و دستمزد	تأثیر تورم بر قدرت خرید، تأثیر بدحسابی بر سابقه اعتباری افراد به‌عنوان واسطه‌گران وجوه و تأمین‌کنندگان، درک موفقیت مناسب استغراض پول شناخت توانایی دستگاه‌های خودپرداز، استفاده فرزندان از پوشش بیمه‌ای والدین، شناخت پوشش انواع بیمه‌های درمانی و خدماتی مناسب برای شغل‌های متفاوت، انتخاب بهترین راهکار بین اجاره یا رهن منزل، نقش تاریخ در چک‌های مدت‌دار، شناخت خدمات نوین بانکداری الکترونیکی، نقش مانده جیرانی در افزایش هزینه بهره وام، ویژگی‌های ضامن وام درصدی از سرمایه که باید مصروف وسیله نقلیه شود، چک از منظر قانون تجارت، بیمه‌های زیر به عنوان بخشی از سوابق بازنشستگی، مبنای حقوق دوران بازنشستگی افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی، مسئولیت افراد در ضمانت وام دیگران، درک گزینه‌هایی که بدون محدودیت قابلیت خرج کردن دارند

ما در عصر بدهی‌های پیش‌بینی‌نشده زندگی می‌کنیم و این‌که دانش‌آموزان در زندگی آینده‌شان با چالش‌های مالی روبه‌رو می‌شوند؛ پس برای مربیان لازم است دانش‌آموزان را با دانش و مهارت‌هایی آشنا سازند تا در اقتصاد امروز موفق باشند (محمد مشلی، 2013). کلید افزایش سواد مالی کشور در آموزش آن به دانش‌آموزان است و در کشور ما متأسفانه تاکنون به مسئله سواد مالی و آموزش آن به کودکان توجه جدی نشده است. وجود پرونده‌های

فراوان مربوط به دعاوی مالی و اقتصادی دادگاه‌ها در ایران، تجربیات سرمایه‌گذاری همراه با شکست در مؤسسه‌های مالی و اعتباری غیررسمی، نقش پررنگ مشکلات مالی و اقتصادی در مسائل اجتماعی مانند طلاق و مثال‌های زیادی از این دست نشان از ضعف سطح سواد مالی ایرانیان دارد. بررسی چرایی این آمار نگران‌کننده از دغدغه‌های اصلی مسئولان به شمار می‌رود. این بررسی نیازمند ریشه‌یابی دقیق و موشکافانه موضوع است. به نظر می‌رسد این مسئله در آموزش نادرست این قبیل موارد در کودکی و نوجوانی افراد ریشه دارد. آیا محتوای درسی مدارس ابتدایی 15 سال پیش، مدارس راهنمایی 10 سال قبل و دبیرستان‌های 5 سال پیش، کودکان و نوجوانان دیروز را برای مواجهه با پیچیدگی‌های مالی دنیای امروز آماده کرده است؟ نوجوانان پس از اتمام دوره دبیرستان، چقدر برای ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و مالی آمادگی دارند؟ چقدر با کارآفرینی و پیچیدگی‌های آن آشنا هستند؟ چقدر با بازاریابی و پیچیدگی‌های دنیای تبلیغات آشنایی دارند؟ آیا می‌توانند برنامه‌ریزی مالی خوبی برای خویش داشته باشد؟ سؤالاتی از این دست نشان می‌دهد نیاز به سنجش سواد مالی به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان و بررسی عوامل مؤثر بر آن، همچنین آموزش مفاهیم به این افراد از نیازهای اساسی کشور محسوب می‌شود؛ این در حالی است که در حال حاضر حتی ابزار مناسبی برای سنجش سواد مالی در کشور وجود ندارد. درباره متغیرهای تأثیرگذار بر سواد مالی و عملکرد اقتصادی، مطالعات زیادی نشده است. اگرچه نظریه واحدی نیست که عوامل مشخصی را تأثیرگذار بداند، پژوهشگران در مطالعات خود عوامل گوناگونی را بررسی کرده‌اند. در مطالعات پیشین در میان دانش‌آموزان، گاهی جنسیت را بر سواد مالی مؤثر دانسته‌اند و گاهی محققان تفاوت خاصی در عملکرد اقتصادی بین دختران و پسران قائل نشده‌اند و همچنین رابطه برخی دیگر از متغیرها نظیر تجربه بیکارشدن والدین، سطح تحصیلات خانواده و اندازه کلاس و موقعیت مدرسه با سواد اقتصادی ارزیابی شده است. موضوع سواد مالی و لزوم بررسی آن بدین لحاظ اهمیت دارد که بر موضوعاتی چون عدم‌کفایت سواد مالی، زندگی افراد، خانواده و شرکای تجاری آنها به سبب اتخاذ تصمیمات نامناسب مالی سخت تأثیرگذار است و این امر تأثیرات نامناسبی بر جامعه داشته است و حتی سبب کاهش ثروت ملی و در نهایت کاهش سطح رفاه مالی در جامعه می‌گردد (علی اکبر جعفری ندوشن، 2011). در پژوهش حاضر، ضمن ارائه ابزاری مناسب برای سنجش سطح سواد مالی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول، به سنجش سطح این سواد در بین این دانش‌آموزان پرداخته شده و همچنین برخی از عوامل مؤثر بر آن شناسایی شده است. پژوهش حاضر برای سنجش سطح سواد مالی دانش‌آموزان از پرسشنامه تالیفی استفاده کرده است که سؤالات آن براساس استانداردهای محتوایی الگوی شورای تربیت اقتصادی تدوین شده است و در زمینه عوامل مؤثر بر سطح این سواد هم با توجه به این که در پژوهش‌های مختلف براساس نظر و سلیقه پژوهشگر، ارتباط عوامل مختلفی با سطح سواد مالی افراد سنجیده شده است و نظریه واحدی در این زمینه وجود ندارد، در این پژوهش سعی بر آن شده است که ترکیبی از این عوامل ارزیابی شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین نمره درس ریاضی دانش‌آموز و سطح سواد مالی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر نمره ریاضی دانش‌آموز افزایش یابد، احتمال قرارگرفتن او در گروه با سواد مالی زیاد نیز افزایش خواهد یافت. این یافته، با نتیجه حاصل از پژوهش و گزارش 2012 نیز مطابقت دارد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد با بهبود پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، امتیاز سواد مالی دانش‌آموز و احتمال قرارگرفتن او در گروه با سواد مالی زیاد افزایش خواهد یافت. از این منظر نیز نتیجه پژوهش با پژوهش و گزارش 2012 هماهنگی دارد (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، 2015). بر اساس نتایج پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دارای مادر شاغل، امتیاز بیشتری از دانش‌آموزان دارای مادر خانه‌دار کسب کرده‌اند: همچنین دانش‌آموزان دارای مادران با تحصیلات کم (زیر دیپلم و دیپلم)، در مقایسه با دانش‌آموزان دارای مادرانی با تحصیلات عالی (لیسانس به بالا)، به طور میانگین نمره سواد مالی بیشتری را کسب کرده‌اند. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد عملکرد مالی دانش‌آموزان پسر و دختر، تفاوت معناداری از لحاظ آماری نداشته است. آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان، کلید افزایش سواد مالی جمعیت

در بلندمدت خواهد بود؛ با این حال آموزش مفاهیم مالی و اقتصادی در کشور ما کمتر در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش حاضر نیز پایین بودن سطح این سواد را در میان دانش‌آموزان تأیید می‌کند. بنابراین نیاز به ارزیابی محتوای آموزشی دوره‌های مختلف آموزشی از منظر مفاهیم سواد مالی احساس می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد آموزش مفاهیم مالی در قالب درس‌های علوم اجتماعی اثر لازم را نداشته است؛ بنابراین بازنگری محتوای آموزشی دروس علوم اجتماعی پیشنهاد می‌شود. گفتنی است آموزش سواد مالی در دنیا به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد. در روش مستقیم در زمان مشخص، محتوای ازپیش تعریف‌شده‌ای به مخاطب منتقل می‌شود و در روش دوم مباحث در خلال درس‌های دیگر و به صورت مثال‌ها یا شواهد مربوط به آنها آموزش داده می‌شود. هر یک از این روش‌ها در جای خود می‌تواند به ارتقای سواد مالی بیانجامد؛ با این حال هیچ‌یک جایگزین کاملی برای دیگری نیست. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد اگر تصمیم بر قراردادن مفاهیم مالی در فصل‌هایی از کتاب‌های دانش‌آموزان است، رابطه میان مفاهیم درس ریاضی و مفاهیم مالی، مثبت بوده است؛ پس می‌توان مفاهیم مالی را به سرفصل‌های درس ریاضی اضافه کرد. هر چند سرمایه‌گذاری در بورس با خرید یک ورقه بهادار آغاز می‌شود اما خرید این دارایی مالی، نیازمند بررسی و تحلیل دقیق از وضعیت حال و آینده آن است. تجربه نشان می‌دهد افرادی که با حدس و گمان سرمایه‌گذاری می‌کنند، منفعت بسیار کمی می‌برند. در چنین شرایطی، با وجود تنوع، پیچیدگی و تحولات سریع در بازارهای مالی، داشتن مهارت‌ها و روش‌های مدیریت امور مالی، برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و استفاده اطلاعات مالی و در یک کلام، داشتن سواد مالی، ضروری خواهد بود. سواد مالی، مجموعه دانش درک امور مالی است که شامل بررسی پدیده‌های مالی، ماهیت، قوانین و روابط حاکم بر آن می‌باشد. سواد مالی دارای چهار بعد دانش، نگرش، تمایل و رفتار می‌باشد که همه آنان تأثیر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری افراد در بورس اوراق بهادار دارند ولی اینکه کدام‌یک از ابعاد، بیشترین تأثیر را بر سرمایه‌گذاری افراد دارد؟ همچنین این ابعاد به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند بر یکدیگر تأثیرگذار باشند و منجر به تقویت و تضعیف یکدیگر در سرمایه‌گذاری، تشکیل سبد و خرید سهام گردند. در بخش کمی پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج نشان داد که ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان بر رشته تحصیلی آنان تأثیر دارد.

جدول 2. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان	رشته تحصیلی آنان	شغل والدین آنان
1	0/20	0/23
136	0.000	0.000
0/23	1	1
0.000		
136	136	136

از طرفی، مقدار این رابطه برابر با 0/236 است، به طور معکوس (منفی) می‌باشد. بدین معنی که با ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان رشته تحصیلی آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود. مقدار این رابطه برابر با 0/205 است، به طور معکوس (منفی) می‌باشد. بدین معنی که با بالا رفتن ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان شغل والدین آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود.

پیشنهادهای تحقیق

آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان، کلید افزایش سواد مالی جمعیت در بلند مدت خواهد بود؛ با این حال آموزش مفاهیم مالی و اقتصادی در کشور ما کمتر در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش حاضر نیز پایین بودن سطح این سواد را درمیان دانش‌آموزان تأیید می‌کند. بنابراین نیاز به ارزیابی محتوای آموزشی دوره‌های مختلف آموزشی از منظر مفاهیم سواد مالی احساس می‌شود. برخی از بانک‌ها و موسسات مالی که سبب سهولت خرید و در بعضی مواقع خرج کردن بی رویه پول توسط افراد فاقد دانش مالی می‌گردد و بسیاری از موارد مشابه موجب افزایش روز افزون اهمیت درک مفاهیم مالی توسط همه اقشار جامعه شده است زیرا در شرایط جدید کسب رفاه مالی و آسایش مادام العمر بدون تسلط به مفاهیم سواد مالی میسر نخواهد بود، لذا با توجه به اهمیت موضوع به نظر می‌رسد مقوله سواد مالی نیاز به توجه خاص و انجام تحقیقات متعددی دارد که پژوهش حاضر می‌تواند نقطه آغاز آن باشد. با توجه به اینکه سوالات منتخب، حاصل اتفاق نظر و خرد جمعی تعدادی از اساتید برتر حوزه حسابداری و مالی در کشور می‌باشد که اغلب حائز رتبه استادی و دانشیاری هستند؛ لذا به نظر می‌رسد می‌توان پرسش‌نامه حاصل را برای سنجش سواد مالی دانشجویان، به عنوان یکی از اقشار پرجمعیت و بااهمیت کشور به کار برد و نقاط ضعف و قوت آنها را سنجید و در راستای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف اقدام کرد. همچنین می‌توان از طریق اندازه‌گیری سواد مالی، رابطه آن را با ویژگی‌های دموگرافیک افراد (نظیر سن، جنس، سطح سواد، سطح درآمد و ...) سنجید و گروه‌های پرخطر را شناسایی کرد و به آنها آموزش‌های لازم در این خصوص را ارائه نمود. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با اندازه‌گیری سطح سواد مالی، رابطه آن با سایر متغیرها از جمله سطح سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه، تنوع پرتفوی افراد، کارآفرینی و ... را بررسی کنند یا همانند بسیاری از پژوهش‌های بین‌المللی به واکاوی نقش سواد مالی در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بپردازند و ضمن اندازه‌گیری دقیق آن از طریق پرسش‌نامه پیشنهادی، به بررسی رابطه سطح سواد مالی با مباحثی از قبیل طلاق، اعتیاد، شکست تحصیلی و ... بپردازند. در پایان با توجه به نتایج تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌گردد: محققان در پژوهش‌های آتی با استفاده از الگوی ارائه شده در این پژوهش به اندازه‌گیری سواد مالی دانشجویان ایرانی بپردازند و همچنین این‌گونه تحقیقات را با کشورهای خارجی مقایسه کنند.

References

- Adamzadeh, E., Adamzadeh, F., & Derogarian, F. (2008, December 23-24). *The Impact of Education on Entrepreneurship and Economic Development*. The first national conference on the development of economic activities, Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/65312/>
- Ahmadi, G. A., Imam Juma, S. M. R., & Alizadeh Katanlou, L. (2015). Investigating the level of attention to all components of financial and economic literacy in the content of elementary school textbooks. *Research in Curriculum Planning*, 12(20), 179-192. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=265821>
- Arifin, A. Z. (2018). Influence factors toward financial satisfaction with financial behavior as intervening variable on Jakarta area workforce. *European Research Studies Journal*, 21(1), 90-103. https://www.um.edu.my/library/oar/handle/123456789/300_92
- Bach, G. L., & Saunders, P. (1965). Economic education: Aspirations and achievements. *The American economic review*, 55(3), 329-356. <https://www.jstor.org/stable/1814554>
- Bahmani, M., & Nezam Taheri, S. S. (2020). Evaluating the Effect of Earning Smoothing Using Maximization and Minimization of Earnings Approaches to Reduce Stock Price Crash Risk in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Karafan Quarterly Scientific*

- Journal*, 16(46), 253-274. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105729_379d82d24a52acf40d3e0743bd38c076.pdf
- Becker, W., Greene, W., & Rosen, S. (1990). Research on high school economic education. *The Journal of Economic Education*, 21(3), 231-245. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00220485.1990.10844670>
- Blue, L., Grootenboer, P., & Brimble, M. (2014). Financial literacy education in the curriculum: Making the grade or missing the mark? *International Review of Economics Education*, 16, 51-62. <https://doi.org/10.1016/j.iree.2014.07.005>
- Bongini, P., Iannello, P., Rinaldi, E. E., Zenga, M., & Antonietti, A. (2018). The challenge of assessing financial literacy: alternative data analysis methods within the Italian context. *Empirical Research in Vocational Education and Training*, 10(1), 12. <https://doi.org/10.1186/s40461-018-0073-8>
- Cameron, M. P., Calderwood, R., Cox, A., Lim, S., & Yamaoka, M. (2014). Factors associated with financial literacy among high school students in New Zealand. *International Review of Economics Education*, 16, 12-21. <https://doi.org/10.1016/j.iree.2014.07.006>
- Cheng, L-R. L. (2007). Cultural Intelligence (CQ): A Quest for Cultural Competence. *Communication Disorders Quarterly*, 29(1), 36-42. <https://doi.org/10.1177/1525740108314860>
- Demirhan, D., Babacan, O., Ardogan, R., & Tatarlar, CD. (2019, November 28-30). *Relationship Between Financial Literacy and Financial Self-Efficacy: A Research On University Students*. International Conference on Applied Economics and Finance Turkey, Kusadası -Turkey. https://www.researchgate.net/publication/331275646_Relationship_Between_Financial_Literacy_And_Financial_Self-Efficacy_A_Research_On_University_Students
- Organization for Economic Cooperation and Development (2017). *Principles of Corporate Governance of the Organization for Economic Cooperation and Development: Report of the Organization for Economic Cooperation and Development to the Ministers of Economy and Central Bank Governments September 20*. Exchange (affiliated with Exchange Information and Services Company). <https://www.adinehbook.com/gp/product/6007872238>
- Dianti Deilami, Z., & Hanifehzadeh, M. (2015). A Survey of Financial Literacy Levels of Tehran Families and Related Factors. *Quarterly Journal of Securities Analysis Financial Knowledge*, 8(26), 115-139. https://jfkasrbiu.ac.ir/article_6789.html
- Driva, A., Luhmann, M., & Winter, J. (2016). Gender differences and stereotypes in financial literacy: Off to an early start. *Economics Letters*, 146, 143-146. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2016.07.029>
- Duca, J. V., & Kumar, A. (2014). Financial literacy and mortgage equity withdrawals. *Journal of Urban Economics*, 80, 62-75. <https://doi.org/10.1016/j.jue.2013.08.003>
- Islami Bidgoli, S., & Karim Khani, M. (2016). Financial literacy: Political-economic contexts of emergence and its place in market economy. *Journal of Financial Research*, 18(2), 251-274. <https://doi.org/10.22059/jfr.2016.61591>
- Jafari Nodoshan, A. A. (2011). In need of financial literacy movement. *Bourse Magazine*(97), 24-27.
- Mamsholi, M. (2013). *Curriculum requirements for financial literacy in primary education with the intention of designing a curriculum* [Master, Allameh Tabatabaei]. Tahrán, Iran. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/e6c2ded9025116e8cc05349ee3c080ec>
- Meiriza, M. S. (2015). Students' Perception on the Prospect of Economics Education Study Program. *Journal of Education and Practice*, 6(28), 144-151. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1081248>

- Mirarab Razi, R., Hajitabar, Firoozjaei, M., & Arianfar, S. (2019). Analysis of Economic Literacy Components of Secondary School Textbooks from the Viewpoint of Teachers and Students. *Journal of Educational Planning Studies*, 7(14), 121-132. <https://doi.org/10.22080/eps.1970.2128>
- Musazadeh, Z., Azim Zadeh Ardabili, F., & Sanati, F. (2016). Economic education in the field of distributed application components of the education system based on Islamic teachings. *Islamic Perspective on Educational Science*, 3(5), 5-20. <https://doi.org/10.30497/edus.2016.57797>
- Musazadeh, Z., Azimzadeh, F., & Sanati, F. (2015). Application of components in the field of economic education in the education system based on Islamic teachings. *Educational sciences from the perspective of Islam*, 3(5), 5-20. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=270412>
- Noviani, L., Soetjpto, B. E., & Sabandi, M. (2015). Economic Education Laboratory: Initiating a Meaningful Economic Learning through Laboratory. *Journal of Education and Practice*, 6(33), 93-98. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1083518>
- Pandey, C., & Bhattacharya, S. (2012). Economic literacy of senior secondary school teachers: A field study. *Journal Of All India Association For Educational Research*, 24(1), 46-60. <https://silo.tips/download/economic-literacy-of-senior-secondary-school-teachers-a-field-study>
- Peyghami, A., & Turani, V. (2011). The role of the economics curriculum in the formal and public education curriculum of the world, providing an action plan for a neglected curriculum. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 37(9), 32-36. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=149506>
- Potrich, A. C. G., Vieira, K. M., & Mendes-Da-Silva, W. (2016). Development of a financial literacy model for university students. *Management Research Review*, 39(3), 356-376. <https://doi.org/10.1108/MRR-06-2014-0143>
- Pumomo, B. R. (2019). Artistic orientation, financial literacy and entrepreneurial performance. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 13(1-2), 105-128. <https://doi.org/10.1108/JEC-09-2018-0065>
- Qalamq, K., Yaqub Nejad, A., & Fallah Shams, M. F. (2016). The effect of financial literacy on the behavioral biases of Tehran Stock Exchange investors. *Financial management perspective*, 6(4), 75-94. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=305209>
- Rahmani Nowruz Abad, S., & Mohammadi, E. (2019). The consequences of financial literacy on investment decisions and investment performance. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 12(41), 113-123. https://jfkas.srbiau.ac.ir/article_13981_38823_55f26f744bab9098a797a780a84.pdf
- Roshandel, A., Amiri, H., & Toghyani, M. (2018). Financial literacy and the need to measure it in the new education system-Case Study of Shahreza city. *Journal of New Educational Approaches*, 13(1), 67-86. https://nea.ui.ac.ir/article_23349_5b593f24b40a9ee18091ca9febfb4a21.pdf
- Samelar, S., Rozi Jokor Abbasloo, F., & Rozijoo, R. (2015, December 29). *The role of teachers in students' economic education*. National Conference on Applied Research in Educational Sciences and Psychology and Social Injuries in Iran, Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/438511/>
- Shen, C-H., Lin, Sh-J., Tang, D-P., & Hsiao, Y-J. (2016). The relationship between financial disputes and financial literacy. *Pacific-Basin Finance Journal*, 36, 46-65. <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2015.11.002>

- Shirazian, Z. (2018). Investigation Effect of Financial Literacy and Money Management on Personal Financial Management of Tehran stock exchange investors. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11(38), 145-163. <https://jfksa.srbiau.ac.ir/article/12562.html>
- Shirzadi, A. (2018, March 12). *Types of literacy from the perspective of UNESCO*. The Educational Research and Planning Organization .
- Yaghoubnejad, A., Nikomram, H., & Moinuddin, M. (2011). Presenting a Model for Measuring the Financial Literacy of Iranian Students Using the Fuzzy Delphi Method. *Journal of Financial Engineering and Securities Management*, 2(8), 1-49. <http://fej.iauctb.ac.ir/article/511752.html>

Table of contents

Identifying the Factors and Indicators for Evaluating the Performance of the Technical and Vocational Education Organization of the Country	13
Hamidah Qanbari, Mohamad Hasan Ebrahimi Sarv Oliya, Maqsoud Amiri, Qasim Bolo, Vajhollah Ghorbanizadeh	
Providing a Governance Model of Skills Training at the Sub-National Level with a Data Theory Approach	29
Abdullah Qasimi Khairabadi, Abbas Khorshidi, Lotfollah Abbasi, Parastoo Khosravi, Yalda Delgoshaei	
Explaining the Empowerment Indicators of the Technical and Vocational University Based on the Characteristics of the Entrepreneurial University (Case Study: Bandar Abbas Technical and Vocational University)	41
Azadeh Ariana, Karamollah Danesh Fard	
Investigating the Role of Personality Characteristics and Psychological Health on Organizational Citizenship Behavior in Mazandaran Technical and Vocational Training Organization	63
Mahdi Rouhollahi, Seyed Sajjad Khanipour, Mahnaz Bagheri, Seyed Mehdi Mousavi Davoudi	
Entrepreneurship Education and its Effects on the Function of Rural Women's Businesses	81
Fatemeh Badzaban, Kurosh Rezaei-Moghaddam, Mahsa Fatemi	
Studying and Explaining the Role of Technological Challenges in the Stagnation Process of Industrial Enterprises: An Exploratory Mix Approach	99
Saba Amiri, Nader Naderi, Yosef Mohamaifar, Bijan Rezaee	
Investigating the Effect of Multiple Intelligence on Individual Performance of Top Entrepreneurs	113
Mahdi Hosseinpour, Hossein Karimi, Milad Bakhsham, Atieh Khodaei	
Strategic Entrepreneurship Model Based on Financial Development with a Fuzzy AHP Approach	127
Tayebeh Amini, Majid Nasiri, Parviz Saeidi, Ibrahim Abbasi	
Evaluating the Characteristic Elements of Entrepreneurship in Students of Iranian University of Science and Technology (IUST)	143
Mohammad Reza Zahedi, Mohammad Mahdavi Mazdeh, Simin Mohebbi Ashtiani	
Investigating the Role of Social Networks on Entrepreneurial Behaviors in Small and Medium Enterprises in Sanandaj City	161
Haydar Mohammadi, Seyed Mohammad Mosavi Jad, Arman Ahmadizad	
Evaluating the Performance of Non-Governmental Schools in Tehran with Emphasis on EFQM Organizational Excellence Indicators	175
Saeed Gilvari, Hamid Shafizadeh	
The Mediating Role of Innovation on the Impact of Market Orientation on the Performance of Private Clubs	195
Seyed Hossein Alavi, Forough Mohammadi, Abolfaz Darvishi, Nariman Rahmani	
Dynamic Forecasting of Financial Bankruptcy Using the Malm Quest Method (Case Study: Companies Listed on the Tehran Stock Exchange)	211
Seyd Alireza Mirarab Bayegi, Hashem Mokari, Arash Azariyon	

The Impact of Abnormal Growth of Inventories on Expected Stock Returns for Listed Companies on the Tehran Stock Exchange 231

Loghman Mohamadpour, Azad Noori

A Study of the Moderating Effect of Voluntary Disclosure on the Relationship Between Earning Quality and Information Asymmetry on the Tehran Stock Exchange 247

Yahya Kamyabi, Mohsen Nikseresht

Providing a Framework for Establishing and Developing a Continuous Financial Literacy System by Measuring Financial Literacy in Tehran High Schools 265

Majeed Ghaderi Rahghy, Saber Khandan Alamdari



License Holder: Technical and Vocational University
Director- in-Charge: Ebrahim Salehi Omran (Ph. D)
Editor-in- Chief: Nematollah Azizi (Ph. D)
Journal Internal Manager: Azarchehr Sehat (Ph. D)

Cover designer & implementation:

M. Moshtaghi - S. Danaseresht

Language Editors & Content designer:

L. Hashemi, A. Tahmasbi - F. Rasti, M.
Pouyandekia

Editorial Board:

Dr. Ebrahim Salehi Omran:

Professor of Mazandaran University and Technical and
Vocational University

Dr. Nematollah Azizi:

Professor of Kurdistan University

Dr. Mohsen Jahanshahi:

Professor of Babol Noshirvani University of Technology

Dr. Seyyed Ali Asghar Ghoreishi:

Professor of Babol Noshirvani University of Technology

Dr. Masoud Shafiee:

Professor of Amir Kabir University of Technology

Dr. Seyyed Heydar Mirfakhreddini:

Associate Professor of Yazd University and Technical and
Vocational University

Dr. Vida Taghvaei:

Associate Professor of Technical and Vocational University

Dr. Alireza Fathi:

Associate Professor of Technical and Vocational University

Dr. Akbar Jafari:

Associate Professor of Technical and Vocational University

Dear Reviewers of the articles in this issue:

Ali Abdijamayran, EbrahimAlidoust, Nemattollah Azizi, Vajihe Baghersad, Maryam Bahmani, Sepideh Barani, Reza Dehghan, Hamed FazeliKebria, Majid Ghaderi, Zohre Hasani, Elham Imanian, Reza Jameii, Azita Juybari, Bahman KianiRad, Alireza MirArab, Seyed Heydar Mirfakhredini, Mohana Nickbin, Mohsen Nickseresht, Ghasem Rouhi, Alireza Rouzbahani, Ebramim SalehiOmran, Parvin Samadi, Azarchehr Sehat, Mahdi ShariatiFeizAbadi, Naser ShirBagi, Naser SobhiFaramaleki

In the Name of God

Karafan

Quarterly Research Journal of
Technical and Vocational University

Fall, 2020

Vol. 17, No. 3, Serial Number 49

Due to certificate No. 3/18/60837 from the scientific
dated 21/07/2013
publications review of Commission of the Ministry of Science,
Research and Technology this journal has been licensed to publish.

Address: Central Organization of Technical and Vocational University, No. 4,
Eastern Brazil St., Vanak Sq., Tehran, Iran

Postal Code: 1435761137

Tel: (+98-21) 42350416

Email: karafan@tvu.ac.ir
Website: <http://karafan.tvu.ac.ir>